בית הספרים הלאומי
והאוניברסיטאי
ירושלים

Ms. Ar. 450

سورة فاتحة الكتاب سبع آيات

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان
الحمد لله رب العالمين ۝ الرحمن الرحيم ۝
سپاس مر خدایرا که پروردگار عالمیانست بخشنده مهربان
مالك يوم الدين ۝ إياك نعبد وإياك
خداوند روز جزا ترا می پرستیم و از تو
نستعين ۝ اهدنا الصراط المستقيم ۝ صراط
یاری میخواهیم هدایت کن ما را راه راست راه
الذين أنعمت عليهم غير المغضوب
آنانکه انعام کردی بر ایشان نه غضب شده
عليهم ولا الضالين ۝
برایشان و نه گمراهان

لا يمسه إلا المطهرون

سورة البقرة مائتان وست وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان
الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى
این کتاب معلوم نیست شک در آن هدایت
للمتقين ۝ الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون
برای پرهیزکاران آنانکه میگروند بآنچه پنهانست و برپا میدارند
الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ۝ والذين
نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند و آنانکه
يؤمنون بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك
میگروند بآنچه فرو فرستاده شد بتو و آنچه فرو فرستاده شد پیش از تو
وبالآخرة هم يوقنون ۝
و بآخرت ایشان یقین میدارند

تنزيل من رب العالمين

أولئك على هدى من ربهم وأولئك هم المفلحون •
ایشانند بر راه راست از پروردگارشان • و ایشانند ایشان رستگاران
إن الذين كفروا سواء عليهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم
بدرستیکه آنانکه کافر شدند یکسانست بر ایشان خواه بیم دهی ایشانرا خواه بیم ندهی ایشانرا
لا يؤمنون • ختم الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى
که ایمان نمی آرند • مهر نهاد خدا بر دلهاشان و بر گوشهاشان و بر
أبصارهم غشاوة ولهم عذاب عظيم • ومن الناس من
چشمهاشان پرده است • و برای ایشان است عذاب عظیم • و از مردمان کسان باشند
يقول آمنا بالله وباليوم الآخر وما هم بمؤمنين يخادعون
که میگویند ایمان آوردیم بخدا و روز بازپسین • و نیستند ایشان مؤمنان فریب میدهند
الله والذين آمنوا وما يخدعون إلا أنفسهم وما يشعرون
خدا را و آنانکه گرویدند • و فریب میدهند مگر خودهاشان را • و نمیدانند
في قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب أليم
از دلهاشان مرضی است پس زیاد کند خداشان را مرضی • و مر ایشانراست عذاب دردناک
بما كانوا يكذبون • وإذا قيل لهم لا تفسدوا
بسبب بودنشان که دروغ میگویند • و چون گفته شود مر ایشانرا که افساد مکنید
في الأرض قالوا إنما نحن مصلحون • ألا إنهم هم المفسدون
در زمین • گویند جز این نیست که ما باصلاح آورندگانیم • آگاه باشید که ایشان افساد کنندگان
ولكن لا يشعرون • وإذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس
ولیکن نمیدانند • و چون گفته شود مر ایشانرا که ایمان آرید همچنانکه ایمان آوردند
قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء ألا إنهم هم السفهاء
گویند آیا ایمان آریم همچنانکه ایمان آوردند کم خردان • ولیکن نمیدانند ایشانند کم خردان

ولكن لا يعلمون • وإذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا وإذا
ولیکن نمیدانند • و چون بینند آنانرا که گرویدند گویند گرویدیم و چون
خلوا إلى شياطينهم قالوا إنا معكم إنما نحن مستهزؤن
تنها مانند با دیوان خویش گویند آینه ما با شمائیم هر آینه ما فسوس دارندگانیم
الله يستهزئ بهم ويمدهم في طغيانهم يعمهون • أولئك
خدای یاد ایشان افسوس کند بایشان و فرو گذاردشان در حد گذشتنشان سرگردان • این گروه
الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت تجارتهم
که بخریدند گمراهی را براه راست پس سود نکرد بازرگانی ایشان
وما كانوا مهتدين • مثلهم كمثل الذي استوقد نارا
و نه بودند راه یافتگان • داستان ایشان همچون داستان آنکه فروزانند آتش را
فلما أضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وتركهم
پس چون روشن کرد آنچه گرد اوست ببرد خدا روشنائی ایشانرا و بگذاشتشان
في ظلمات لا يبصرون • صم بكم عمي فهم لا يرجعون
در تاریکیها نه بینند • کرانند و گنگانند کورانند پس ایشان باز نگردند
أو كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق
یا همچون بارنده از آسمان در وی تاریکیها بود و تندر و درخشش
يجعلون • أصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر
میکنند انگشتهای خویش را در گوشهای خویش از آوازهای سخت از ترس
الموت والله محيط بالكافرين • يكاد البرق يخطف
مرگ • و خدا گرد فرو گرفته است کافران را • نزدیک بود که برق برباید
أبصارهم كلما أضاء لهم مشوا فيه وإذا أظلم عليهم
دیدهای ایشان هر آنگاه که روشن بود ایشانرا بشوند در آن • و چون تاریک شود بر ایشان

حس

عشر

قاموا ولو شاء الله لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله
بایستند واگر خواستی خدای ببردی شنوایی ایشان را و بینایی ایشان را بدرستی که خدا
علی کل شیء قدیر ۝ یا ایها الناس اعبدوا ربکم
بر همه چیزی تواناست ای مردمان بپرستید خدای شما
الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون ۝
آنکه بیافرید مر شما را و آنها که از پیش شما بودند تا مگر شما بپرهیزید
الذی جعل لکم الارض فراشا والسماء بناء وانزل
از آنکه بگردانید مر شما را زمین بساطی و آسمان سقفی و فرو فرستاد
من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم فلا
از آسمان آبی که بیرون رود بدان از میوها روزی شما را پس
تجعلوا لله اندادا وانتم تعلمون ۝ وان کنتم فی
مکنید یعنی مگویید خدا را همتایان و شما همی دانید و اگر هستید در
ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله
شکی از آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش بیارید سورتی از مانند آن
وادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین ۝
و بخوانید گواهان شما را از فرود خدای اگر هستید راست گویان
فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التی وقودها
اگر نه کنید و هرگز نکنید پس بپرهیزید از آتش آنکه هیمه آن
الناس والحجارة اعدت للکافرین ۝ وبشر الذین
مردمان و سنگهای ساخته اند مر کافران را و مژده ده آنها را که
آمنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من
بگرویدند و کردند نیکیها که مر ایشان راست بوستانهای که میرود از

تحتها

خمس

تحتها الانهار کلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا
زیر آن جویها هرگاه که روزی دهند شان از آن از میوه روزی گویند
هذا الذی رزقنا من قبل واتوا به متشابها ولهم
این است آنچه روزی کرده شدیم از پیش و آورده شدند بدان بهم مانند و مر ایشان راست
فیها ازواج مطهرة وهم فیها خالدون ۝ ان الله لا
در آنجا زنانی پاک کرده و ایشان در آنجا جاودان باشند بدرستی که خدا
یستحیی ان یضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها فاما
شرم ندارد که پیدا کند مثلی از پشه و آنچه کم از آنست و اما
الذین آمنوا فیعلمون انه الحق من ربهم واما الذین
آنها که گرویده اند دانند که آن حق است از خداوند ایشان و اما آنکه
کفروا فیقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا یضل به
کافر شده گویند چه چیز خواست خدا باین مثل بیراه کند بدان
کثیرا ویهدی به کثیرا و~~یهدی~~ ما یضل به الا
بسیاری و راه نماید بدان بسیاری و گمراه نکند بدان مگر
الفاسقین ۝ الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه
فاسقان را آنها که بشکنند پیمان خدا را از پس استواری آن
ویقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی
و میبرند آنچه فرموده خدا بدان که باز پیوندند و تباهی کنند در
الارض اولئک هم الخاسرون ۝ کیف تکفرون بالله
زمین اینند که ایشان زیان کارانند چگونه کافر شوند بخدا
وکنتم امواتا فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم
و بودند مردگان زنده کرد مر شما را پس بمیراند شما را پس زنده کند شما را پس

[illegible]

ثم الیه ترجعون ۝ هو الذی خلق لکم ما فی الارض
باوی گردانند تان اوست آن خدای که بیافرید مر شما را آنچه در زمین است
جمیعا ثم استوی الی السماء فسویهن سبع سموات
همه پس قصد کرد بآفریدن آسمان و بیاراست ایشان را هفت آسمان
وهو بکل شیء علیم ۝ واذ قال ربک للملئکة انی جاعل فی
و او بهمه چیز داناست و چون گفت خدای تو ای محمد مر فرشتگان را من آفریننده ام در
الارض خلیفة قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک
زمین خلیفه گفتند ای بیافرینی در آن کسی را که تباهی کند در آن و بریزد
الدماء ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک قال انی اعلم
خونها و ما تسبیح کنیم ترا و بپاکی یاد کنیم ترا و بپاکی صفت کنیم ترا گفت خدا من دانم
ما لا تعلمون ۝ وعلم ادم الاسماء کلها ثم عرضهم علی
آنچه شما ندانید و بیاموخت آدم را نامها همه پس عرضه کرد شان بر
الملئکة فقال انبئونی باسماء هؤلاء ان کنتم صادقین ۝
فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بنامهای اینها اگر هستید راست گویان
قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم
گفتند پاکا خداوندا دانش نیست ما را مگر آنچه تو آموختی ما را تویی که تو دانا و درست کار
قال یا ادم انبئهم باسمائهم فلما انباهم باسمائهم قال الم اقل لکم انی اعلم غیب
گفت خدای ادم خبر ده ایشان را بنامهای ایشان گفت نگفتم مر شما را من دانم نهان
السموات والارض واعلم ما تبدون وما کنتم تکتمون ۝ و
آسمانها و زمین و دانم آنچه پیدا کنید و آنچه هستید که میپوشید
اذ قلنا للملئکة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس ابی واستکبر
چون گفتیم مر فرشتگان را سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که سر باز زد و گردنکشی

عشر

[illegible]

وکان

۵

وکان من الکافرین ۝ وقلنا یا ادم اسکن انت وزوجک
و بود از ناگرویدگان و گفتیم ای آدم بیارام تو و زن تو
الجنة وکلا منها رغدا حیث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة
در بهشت و بخورید ازان فراخ از هر کجا خواهید و نزدیک مشوید باین درخت
فتکونا من الظالمین ۝ فازلهما الشیطان عنها فاخرجهما
که باشید از بیدادگران بلغزانید ایشان را دیو ازان و بیرون آورد ایشان را
مما کانا فیه وقلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو ولکم فی
ازانچه بودند در وی و گفتیم فرو شوید برخی از شما و برخی را دشمن و مر شما را در
الارض مستقر ومتاع الی حین ۝ فتلقی ادم من ربه کلمات
زمین قرارگاهی و برخورداری تا هنگامی فرا گرفت آدم از خدای خود سخنها
فتاب علیه انه هو التواب الرحیم ۝ قلنا اهبطوا منها جمیعا
توبه داد بر او که اوست توبه دهنده و امرزنده گفتیم فرو دهید ازان همه
فاما یاتینکم منی هدی فمن تبع هدای فلا خوف علیهم
اما آید شما را از من رهنمایی هر که پیروی کرد راه مرا نیست ترسی بر ایشان
ولا هم یحزنون ۝ والذین کفروا وکذبوا بایاتنا اولئک
و نه ایشان اندوهگین شوند و آنان که کافر شدند و دروغ داشتند نشانهای ما را آن گروه
اصحاب النار هم فیها خالدون ۝ یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی
خداوندان آتش اند ایشان در آن جاویدان باشند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت مرا
التی انعمت علیکم واوفوا بعهدی اوف بعهدکم وایای
آنکه نهادم کردم بر شما وفا کنید بعهد من تا وفا کنم بعهد شما و از من
فارهبون ۝ وامنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا اول
بترسید و بگروید بآنچه فرو فرستادم راست دارنده آنرا که با شماست و مباشید نخستین

كافرٍ به ولا تشتروا بآياتي ثمنا قليلا وإياي فاتقون ۝ ولا
ناگروندگان بآن و مخرید بآیات من بهاء اندک و از عذاب من بپرهیزید و
تلبسوا الحق بالباطل وتكتموا الحق وأنتم تعلمون ۝
بپوشید حق را بباطل و همی پوشید حق را و شما همی دانید
وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين ۝
و بپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع کنید با رکوع کنندگان
أتأمرون الناس بالبر وتنسون أنفسكم وأنتم تتلون الكتاب
ای میفرمائید مردمان را به نیکوئی و فراموش میکنید تنهای شما را و شما همی خوانید کتاب را
أفلا تعقلون ۝ واستعينوا بالصبر والصلوة وإنها
ای در نمی یابید و یاری خواهید بشکیبائی کردن نماز و آن
لكبيرة إلا على الخاشعين ۝ الذين يظنون أنهم ملاقوا
بزرگ است مگر بر ترسندگان آنان که بگمانند که ایشان برسنده
ربهم وأنهم إليه راجعون ۝ يا بني إسرائيل اذكروا نعمتي
بخدای خویش و ایشان بوی بازگردنده ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت
التي أنعمت عليكم وأني فضلتكم على العالمين ۝ واتقوا
آنکه نیکوئی کردم بر شما و فضل نهادم شما را بر اهل زمانه شما و بترسید
يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا ولا يقبل منها شفاعة
از روز جزا داده نشود تنی از تنی چیزی و فرا نپذیرند از وی خواهشی
ولا يؤخذ منها عدل ولا هم ينصرون ۝ وإذ نجيناكم
و فرا نگیرند از وی عدلی و نه ایشان را نصرت کنند و یاد کنید چون برهانیدیم
من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب يذبحون أبناءكم و
از اتباع فرعون و رنج و خواری مینمودی شما را سختی عذاب میکشتند پسران شما را و

يستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم ۝
و زنده میکنند زنان شما را و در آن مر شما را نعمتی از خدای شما بزرگ
وإذ فرقنا بكم البحر فأنجيناكم وأغرقنا آل فرعون
و چون جدا کردیم بشما دریا را برهانیدیم شما را و غرق کردیم اتباع فرعون
وأنتم تنظرون ۝ وإذ واعدنا موسى أربعين ليلة ثم
و شما همی نگرید و چون وعده کردیم موسی را چهل شب پس
اتخذتم العجل من بعده وأنتم ظالمون ۝ ثم عفونا عنكم
گرفتید گوساله را از پس وی و شما ستمکاران بودید پس فرا گذاشتیم از شما
من بعد ذلك لعلكم تشكرون ۝ وإذ آتينا موسى
از پس آن تا مگر شما شکر کنید و چون دادیم موسی را
الكتاب والفرقان لعلكم تهتدون ۝ وإذ قال موسى
کتاب یعنی توریة و جدا کننده حق و باطل تا مگر شما راه بیابید و چون گفت موسی
لقومه يا قوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل فتوبوا
مر گروه خویش را ای گروه من که شما ستم کردید بر تنهای شما بدانکه فرا گرفتید معبودی گوساله
إلى بارئكم فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم
باز گردید با پروردگار شما بکشید تنهای خویش را آن بهتر مر شما را نزد پروردگار شما
فتاب عليكم إنه هو التواب الرحيم ۝ وإذ قلتم يا موسى
توبه داد شما را که اوست توبه پذیر بخشاینده و چون گفتید ای موسی
لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فأخذتكم الصاعقة
و هرگز نگرویم ترا تا آنکه ببینیم خدای را آشکارا بگرفت مر شما را آتش عذاب
وأنتم تنظرون ۝ ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم
و شما همی نگرید پس برانگیختیم شما را از پس مرگ شما تا مگر شما شکر کنید

تشكرون ۝ وظللنا عليكم الغمام وانزلنا عليكم
شکر کنید و سایبان کردیم بر شما ابر را و فرو فرستادیم بر شما
المن والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا
ترنگبین و سمانه بخورید از پاکیزها آنچه روزی دادیم شمارا و ستم نکردیم ما
ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ واذ قلنا ادخلوا هذه
ولیکن بودند بر جانهای خویش ستمکاران و چون گفتیم درشوید دراین
القرية فكلوا منها حيث شئتم رغدا وادخلوا الباب
ده بخورید ازان از هر جای که خواهید فراخ یعنی خوردنی و درشوید از در
سجدا وقولوا حطة نغفر لكم خطاياكم وسنزيد
سجده کنان و بگوئید تا بیامرزد شمارا گناهان شما و زود که بیفزائیم
المحسنين ۝ فبدل الذين ظلموا قولا غير الذي قيل
ثواب نیکوکاران بدل کردند آنانکه ستمکار بودند سخنی جز آنکه گفتند
لهم فانزلنا على الذين ظلموا رجزا من السماء بما كانوا
مر ایشان را و فرو فرستادیم برانها که ستم کردند عذابی از آسمان بانچه بودند
يفسقون ۝ واذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب
از فرمان خدا بیرون شدگان و چون آب خواست از موسی قوم او گفتیم بزن
بعصاك الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا قد علم
عصای تو بر سنگ پس روان شد ازان دوازده چشمه بدانست
كل اناس مشربهم كلوا واشربوا من رزق الله
هر مردی آبشخورشان بخورید و بیاشامید از روزی خدا
ولا تعثوا في الارض مفسدين ۝ واذ قلتم يا موسى لن
و در مروید و مباشید در زمین تباه کاران و چون گفتید ای موسی

نصبر على طعام واحد فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت
شکیبائی نکنیم بر طعام یگانه بخواه جهت ما از خدای تو تا بیرون آرد از بهر ما از آنچه برویاند
الارض من بقلها وقثائها وفومها وعدسها وبصلها
زمین از تره آن و خیار آن و سیر آن و مرجوه آن و پیاز آن
قال اتستبدلون الذي هو ادنى بالذي هو خير اهبطوا
گفت موسی آیا بدل میخواهید آنچه آن کمتر است بآنچه آن بهتر است فرود آیید
مصرا فان لكم ما سألتم وضربت عليهم الذلة و
مصر که مر شمار است آنچه خواستید و زده شد بر ایشان خواری و
المسكنة وباءو بغضب من الله ذلك بانهم كانوا يكفرون
بیچارگی و بازگشتند بخشم از خدا آن بدانست که ایشان بودند که کافر میشدند
بايات الله ويقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما
بآیتهای خدا و میکشتند پیغمبران را بناسزا آن بدانست
عصوا وكانوا يعتدون ۝ ان الذين امنوا والذين هادوا
که نافرمانی کردند و بودند از حد درگذرندگان بدرستی که آنانکه بگرویدند و آنانکه جهود شدند
والنصارى والصابئين من امن بالله واليوم الاخر
و ترسایان و از کیش بگشتگان هر که بگروید بخدا و بروز بازپسین
وعمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم
و بکرد کار نیک ایشان راست مزد ایشان نزد خدای ایشان و نیست ترسی بر ایشان
ولا هم يحزنون ۝ واذ اخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم
و نه ایشان اندوهگین شوند و چون فرا گرفتیم پیمان شما و برداشتیم زبر شما
الطور خذوا ما اتيناكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون
کوه را گفتیم بگیرید آنچه دادیم شمارا بنیرو و یاد کنید آنچه در آنست تا مگر شما پرهیزید

[illegible]

صلی الله علیه و آله استفسار از حال آن گاو نمودند فرمود که صاحب گاو جوانی بود بسیار مهربان با پدر خود یکبار کسی وقتی متاعی بسیار نافع خواست که بدان نماید و خواست که
قیمتش را از پدر بگیرد و پدرش در خواب بود و کلید گنجینه زر در زیر سرش بود حرمت پدر را رعایت نمود
و او را بیدار نساخت و آن متاع از دستش بدر رفت بعد از بیداری پدر شرح حال خود
گفت نیکو کردی و در عوض آن متاع آن گاو را به او عطا نمود پس رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که ببینید که نیکی با صاحبش چه میکند

[illegible]

ثم توليتم من بعد ذلك فلولا فضل الله عليكم ورحمته
پس برگشتید از پس آن که اگر نه فضل خدای بودی بر شما و رحمت او
لكنتم من الخاسرين ۝ ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم
هر آینه بودید از زیان کاران و بدرستی که دانستید آنها را که بیداد کردند از شما
في السبت فقلنا لهم كونوا قردة خاسئين ۝ فجعلناها نكالا
در روز شنبه گفتیم مر ایشان را باشید بوزینگان دور شدگان بگردانیدیم آن دیه را عقوبتی
لما بين يديها وما خلفها وموعظة للمتقين ۝ واذ قال
مر آن که پیش ایشان بود و آن که پس ایشان بود و پندی مر پرهیزکاران را و چون گفت
موسى لقومه ان الله يامركم ان تذبحوا بقرة قالوا اتتخذنا
موسی مر گروه خویش را بدرستی که خدا همی فرماید شما را که بکشید گاوی گفتند ما را همی گیری
هزوا قال اعوذ بالله ان اكون من الجاهلين ۝ قالوا ادع
بافسوس گفت باز داشت خواهم بخدا که باشم از نادانان گفتند بخوان
لنا ربك يبين لنا ما هي قال انه يقول انها بقرة لا فارض
ما را خداوند خویش را تا بدید کند ما را چیست آن گاو گفت خدا همی گوید آن ماده گاویست نه پیر
ولا بكر عوان بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون ۝ قالوا
و نه جوان میان حال میان این هر دو پس بکنید آنچه همی فرمایند شما را گفتند
ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال انه يقول انها بقرة
بخوان برای ما خدای خویش را تا بدید کند ما را گونه وی گفت خدای همی گوید آن ماده گاویست
صفراء فاقع لونها تسر الناظرين ۝ قالوا ادع لنا ربك يبين
زرد سخت زرد که شاد کند گونه وی در روی نگرندگان را گفتند بخوان از بهر ما خداوند خویش را تا بدید
لنا ما هي ان البقر تشابه علينا وانا ان شاء الله لمهتدون
ما را چیست آن که ماده گاو پوشیده گشتند بر ما و ما اگر بخواهد خدا راه یافتگان گردیم

[illegible]

قال انه يقول انها بقرة لا ذلول تثير الارض ولا تسقي
گفت بدرستی که خدا همی گوید آن ماده گاویست نه رام که بکار آید و بشکافد زمین را و نه آب دهد
الحرث مسلمة لا شية فيها قالوا الان جئت بالحق فذبحوها
کشت را پاک و پاکیزه بی عیب نشانی در روی گفتند اکنون آوردی براستی بسمل کردند آن را
وما كادوا يفعلون ۝ واذ قتلتم نفسا فادارءتم فيها والله
و نه خواستند کردن از گرانی بها و چون بکشتید تنی را اختلاف کردند در آن و خدا
مخرج ما كنتم تكتمون ۝ فقلنا اضربوه ببعضها كذلك
بیرون آرنده است آنچه شما پنهان کردید گفتیم بزنید کشته را به پاره‌ای گاو همچنین
يحيي الله الموتى ويريكم اياته لعلكم تعقلون ۝ ثم قست
زنده گرداند خدا مردگان را و بنماید شما را نشانهای خویش تا مگر شما دریابید باز سخت گشت
قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة او اشد قسوة وان
دلهای شما از پس آن چون سنگ گشت یا سخت تر بسختی و آن
من الحجارة لما يتفجر منه الانهار وان منها لما يشقق فيخرج
از سنگهاست که بیرون دمد از وی جویهای روان و بدرستی که سنگهاست که بشکافد و بیرون آید
منه الماء وان منها لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل
از وی آب و آن سنگهاست که فرو غلطد از بیم خدای و نیست خدا ناآگاه
عما تعملون ۝ افتطمعون ان يؤمنوا لكم وقد كان فريق
از آنچه شما همی کنید یا همی امید میدارید که استوار دارند مر شما را و هر آینه بودند گروهی
منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه
از ایشان که همی شنیدند سخن خدا پس بگردانیدند از پس آنکه دریافته بودند
وهم يعلمون ۝ واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا واذا خلا
و ایشان همی دانستند و چون برسیدند بدان کسها که بگرویدند میگفتند گرویدیم و چون تنها شوند

[illegible]

بعضهم الى بعض قالوا اتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم

برخی از ایشان سوی برخی میگفتند همی آگاهی دهید ایشانرا بدانچه بگشاد خدا بر شما تا حجت آرند بر شما

به عند ربكم افلا تعقلون ۝ اولا يعلمون ان الله يعلم

بوی نزد خداوند شما یا هیچ خرد نیست مر شمارا یا همی ندانند بدرستی که خدا بداند

ما يسرون وما يعلنون ۝ ومنهم اميون لا يعلمون الكتاب

آنچه همی پنهان کنند و آنچه همی آشکارا کنند و از ایشان ناویسندگان نداند نبشته

الا امانى وان هم الا يظنون ۝ فويل للذين يكتبون الكتاب

مگر خواندن و نیستند ایشان مگر گمان برند وای مر کسانرا که نویسند نامه را

بايديهم ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمنا قليلا

بدستهای خویش پس گویند این از نزد خدا هست تا بخرند بوی بهای اندکی

فويل لهم مما كتبت ايديهم وويل لهم مما يكسبون ۝ وقالوا

وای مر ایشانرا از آنچه نوشت دستهای ایشان و وای مر ایشانرا از آنچه کردند و خوردند و گفتند

لن تمسنا النار الا اياما معدودة قل اتخذتم عند الله

هرگز نبساود ما را آتش مگر روزهای شمرده بگو یا محمد بگرفتید نزدیک خدای

عهدا فلن يخلف الله عهده ام تقولون على الله ما لا

پیمانی پس هرگز خلاف نکند خدای پیمان خویش یا همی گویید بر خدا آنچه همی

تعلمون ۝ بلى من كسب سيئة واحاطت به خطيئته

ندانید آری هرکه بکند بدی یعنی کفر و گرد اندر گیرد بوی گناه وی

فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ والذين امنوا

ایشانند باشندگان آتش ایشان در آنجا جاوید باشند وانکه که بگرویدند

وعملوا الصالحات اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون ۝

و بکردند نیکیها ایشانند باشندگان بهشت ایشان در آنجا جاودانه

[illegible]

٩

واذ اخذنا ميثاق بنى اسرائيل لا تعبدون الا الله و

و چون بگرفتیم پیمان پسران یعقوب که نپرستید مگر خدایرا و

بالوالدين احسانا وذى القربى واليتامى والمساكين و

با مادر و پدر نیکویی کردن و با خویشاوندان و بی پدران و بیچارگان و

قولوا للناس حسنا واقيموا الصلوة واتوا الزكوة ثم توليتم

بگویید مر مردمانرا نیکویی و بپا دارید نمازرا و بدهید زکوة را باز برگشتید

الا قليلا منكم وانتم معرضون ۝ واذ اخذنا ميثاقكم

مگر اندکی از شما عبدالله سلام و شما روی بگردانیده بودید و چون بگرفتیم پیمان شما

لا تسفكون دماءكم ولا تخرجون انفسكم من دياركم

که مریزید خونهای شما و بیرون مکنید تنهای خویش را از سراهای شما

ثم اقررتم وانتم تشهدون ۝ ثم انتم هؤلاء تقتلون

باز اقرار کردید و شما گواهی دهید برین پیمانها باز شما اینانید که بکشید

انفسكم وتخرجون فريقا منكم من ديارهم تظاهرون

یکدیگرا و همی بیرون کنید گروهی از شما از سراهای خویش هم پشتی همی کنید

عليهم بالاثم والعدوان وان ياتوكم اسارى تفادوهم

بر ایشان به بزه و از حد در گذشتن و اگر بیاید بر شما اسیران باز همی خرید ایشانرا

وهو محرم عليكم اخراجهم افتؤمنون ببعض الكتاب

و آن حرام است بر شما بیرون آوردن ایشان باهمی بگروید ببرخی از نامه

وتكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم الا خزى

و همی کافر گردید ببرخی چیست سزای آنکسی که بکند آن از شما مگر رسوایی

فى الحيوة الدنيا ويوم القيمة يردون الى اشد العذاب

در زندگانی دنیا و روز رستاخیز باز گردانیدهشان سوی سخت ترین عذاب

[illegible]

الایمان و در انبیا علیهم السلام زیاده بر آن ارواح روح دیگر هست که آنرا روح القدس میگویند

خمس

وما الله بغافل عما تعملون ۝ اولئك الذين اشتروا
ونیست خدای با آگاهی از آنچه همی کنید ایشانند آنکه بخریدند
الحيوة الدنيا بالاخرة فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم
زندگانی نزدیکترین را بدان جهان سبک کرده نشود از ایشان عذاب را ونه ایشان
ينصرون ۝ ولقد اتينا موسى الكتاب وقفينا من بعده
یاری دهند وبدادیم موسی را نامه وبراوردیم وفرستادیم از پس
بالرسل واتينا عيسى ابن مريم البينات وايدناه بروح
پیغمبران وبدادیم عیسی پسر مریم را حجتها ونیرومند کردیمش بجبرئیل
القدس افكلما جاءكم رسول بما لا تهوى انفسكم استكبرتم
پاکیزه هرگاه که بیاید بشما پیغمبری بدانچه آرزو نکند تنهای شما بزرگ منشی کردید
ففريقا كذبتم وفريقا تقتلون ۝ وقالوا قلوبنا غلف بل
گروهی را بدروغ داشتید وگروهی بکشتید چون زکریا و یحیی وگفتند دلهای ما بسته است در غلاف بلکه
لعنهم الله بكفرهم فقليلا ما يؤمنون ۝ ولما جاءهم
لعنت کرد ایشانرا خدا بکفر ایشان اندکی اند آنچه همی گروند وچون بیامد بایشان
كتاب من عند الله مصدق لما معهم وكانوا من قبل
نامه یعنی قران از نزد خدای راست دارنده بانچه با ایشان هست وبودند از پیش
يستفتحون على الذين كفروا فلما جاءهم ما عرفوا كفروا
نصرت خواستند بر آنکسها که کافر گشتند چون بیامد بایشان آنچه بشناختند کافر گشتند
به فلعنة الله على الكافرين ۝ بئسما اشتروا به انفسهم
بدان پس لعنت خدا باد بر کافران بد است آنچه خریدند بدان تنهای خویش را
ان يكفروا بما انزل الله بغيا ان ينزل الله من فضله على
بدانکه کافر شدند بدانچه فرو فرستاد خدا از حسد بدانکه فرو فرستاد خدا از فضل خویش بر

علیها و الغرا بالحق البر الاثر اللهم الفرج الحق النبی المبعوث و در حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است

[illegible]

عشر

من يشاء من عباده فباءو بغضب على غضب وللكافرين
کسی که خواهد از بندگان خویش پس بازگشتند بخشمی بر خشمی ومر کافران را
عذاب مهين ۝ واذا قيل لهم امنوا بما انزل الله قالوا
عذابی خوار کننده وچون گویند مر ایشانرا بگروید بدانچه فرو فرستاد خدا گفتند
نؤمن بما انزل علينا ويكفرون بما وراءه وهو الحق
بگرویم بدانچه فرو فرستاده اند بما وهمی کافر شوند بدانچه جز آن است و آن راست است
مصدقا لما معهم قل فلم تقتلون انبياء الله من قبل
راست دارنده مر آنچه با ایشانست بگو چرا همی کشتید پیغمبران خدا را از پیش
ان كنتم مؤمنين ۝ ولقد جاءكم موسى بالبينات ثم
اگر هستید گرویدگان و آورد شما موسی درستیها باز
اتخذتم العجل من بعده وانتم ظالمون ۝ واذ اخذنا
بگرفتید گوساله را بخدائی از پس وی وشما ستمکارانید وچون بگرفتیم
ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما اتيناكم
پیمان شما وبرداشتیم زبرهای شما کوه بگیرید آنچه بدادیم شما را
بقوة واسمعوا قالوا سمعنا وعصينا واشربوا في قلوبهم
به نیروی وبشنوید یعنی فرمان کنید گفتند شنیدیم ونافرمانی کردیم واندر خورانیده شود در دلهای ایشان
العجل بكفرهم قل بئسما يأمركم به ايمانكم ان كنتم
دوستی گوساله بکفر ایشان بگو یا محمد بد است آنچه همی فرماید شما را بوی گرویدن شما اگر هستید
مؤمنين ۝ قل ان كانت لكم الدار الاخرة عند الله خالصة
گروندگان بگو یا محمد اگر هست مر شما را سرای بازپسین نزدیک خدای یکتا خاص
من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين ۝ ولن
بجز دیگر مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان ونکنند

[illegible]

خمس

يتمنوه ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين ۝
آرزو مرگ را هرگز بدانچه پیش فرستاده دستهای ایشان وخدا داناست به بیدادگران
ولتجدنهم احرص الناس على حيوة ومن الذين اشركوا
و بیابی مر ایشان را حریص ترین مردمان بر زندگانی و از آنکسها که انباز گرفتند
يود احدهم لو يعمر الف سنة وما هو بمزحزحه من العذاب
و آرزو کند هر یکی از ایشان اگر زندگانی دهندش هزار سال و نیست آن عمر وی دور کننده وی از عذاب
ان يعمر والله بصير بما يعملون ۝ قل من كان عدوا لله
که بدهندش وخدا بیناست بدانچه می کنند بگو یا محمد هر که هست دشمن
لجبريل فانه نزله على قلبك باذن الله مصدقا لما بين
مر جبرئیل را پس بدرستی که فرود آورد او را بر دل تو بفرمان خدای راست دارنده مر آنرا که پیش
يديه وهدى وبشرى للمؤمنين ۝ من كان عدوا لله
بوده هست و راه نماینده و مژده دهنده مر گرویدگان را هر که هست دشمن خدای را
وملئكته ورسله وجبريل وميكال فان الله عدو
و فرشتگان وی را و پیغمبران را و جبرئیل و میکائیل را هر آینه خدا دشمن است
للكافرين ۝ ولقد انزلنا اليك ايات بينات
مر گرویدگان را و ما فرو فرستادیم سوی تو نشانهای پیدا
وما يكفر بها الا الفاسقون ۝ او كلما عاهدوا
و کافر نمی شوند بدان مگر بیفرمانان با هرگاه که پیمان کردند
عهدا نبذه فريق منهم بل اكثرهم لا يؤمنون ۝ ولما
پیمان بیفکند آنرا گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان نمی گروند و چون
جاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم نبذ فريق
بیامد بدیشان پیغمبری یعنی محمد از نزد خدای راست دارنده مر آنرا که با ایشان است بیفکندند گروهی

عشر

[illegible]

[illegible]

١١

من الذين اوتوا الكتاب كتاب الله وراء ظهورهم كانهم
از آنکسها که داده شدند نامه نامه خدا پس پشتهای خویش گویا که ایشان
لا يعلمون ۝ واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك سليمن
نمی دانند و پیروی کردند آنرا که میخواندند دیو بر پادشاهی سلیمان
وما كفر سليمن ولكن الشياطين كفروا يعلمون الناس
و هرگز کافر نگشت سلیمان ولیکن دیوان کافر گشتند می آموزند مردمان را
السحر وما انزل على الملكين ببابل هروت ومروت
جادوئی و آنچه فرو فرستاده شد بر دو فرشته ببابل نام جائی نام دو فرشته است
وما يعلمان من احد حتى يقولا انما نحن فتنة فلا
و نه آموزند آن دو فرشته هیچ کس را تا گویند بدرستی که ما آزمود کاریم از حق
تكفر فيتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء وزوجه
کافر مگرد پس می آموزند از ایشان هر دو آنچه جدایی افکنند بدان میان مرد و جفت وی
وما هم بضارين به من احد الا باذن الله ويتعلمون ما
و نیستند ایشان زیان کنندگان بدان جادو هیچکس را مگر بفرمان خدا و بیاموزند آنچه
يضرهم ولا ينفعهم ولقد علموا لمن اشتريه ما له في
زیان دارد ایشان را و سود ندارد ایشان را و بحقیقه نیک دانسته اند هر که بخرد آنرا نباشد مر او را در
الاخرة من خلاق ۝ ولبئس ما شروا به انفسهم لو كانوا
آنجهان هیچ بهره و بدست آنچه خریدند بوی تنهای خویش اگر چنان بودند
يعلمون ۝ ولو انهم امنوا واتقوا لمثوبة من عند الله
که دانستندی و اگر ایشان بگرویدندی و پرهیز کردندی هر آینه پاداشی از نزد خدا
خير لو كانوا يعلمون ۝ يا ايها الذين امنوا لا تقولوا راعنا
بهتر بودی اگر چنان بودی که بدانستندی ای آنکسها که گرویده اید مگویید گوش با ما

عشر

خمس حزب

وقولوا انظرنا واسمعوا وللكافرين عذاب اليم
وبگوييد بپاي ما را وبشنويد طاقة داريد ومر ناگروندگان را عذابي دردناك است
ما يود الذين كفروا من اهل الكتاب ولا المشركين ان
دوست ندارند آنها كه كافر شدند از مردمان نامه يعني توريت ونه نيز انباز گيرندگان كه
ينزل عليكم من خير من ربكم والله يختص برحمته من
فرو فرستاده شود بر شما از نيكي يعني قرآن از خداوند شما وخدا خاصه كند برحمت خويش ازان
يشاء والله ذو الفضل العظيم ما ننسخ من اية او
كه خواهد و خدا خداوند افزوني بزرگ است منسوخ نكنيم هيچ آيتي يا
ننسها نات بخير منها او مثلها الم تعلم ان الله على كل
زايل كرده ايم يعني بيهم آنرا بياريم بهتر ازان يا مانند آن آي ندانستي كه خدا بر همه
شيء قدير الم تعلم ان الله له ملك السموات والارض
چيزي تواناست نه مي داني كه خداست كه اوراست پادشاهي آسمانها وزمين
والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ام تريدون
ونيست مرشمارا از جز خداي هيچ دوستداري ونه يادي يا همي خواهيد
ان تسئلوا رسولكم كما سئل موسى من قبل ومن يتبدل
كه اندر خواهيد از پيغمبر شما همچنانكه اندرخواسته شد از موسى از پيش وهركه بدل گيرد
الكفر بالايمان فقد ضل سواء السبيل ود كثير من
كفر را با ايمان هرآينه گم شد از راستي راه دوست دارند بسياري از
اهل الكتاب لو يردونكم من بعد ايمانكم كفارا حسدا
مردمان نامه اگر بازگردانندي شمارا از پس گرويدن شما كافران بدخواستي
من عند انفسهم من بعد ما تبين لهم الحق فاعفوا واصفحوا
از نزد تنهاي ايشان از پس آنكه پديد آمد ايشانرا راستي اندر گذاريد وروي گردانيد

حتى يأتي الله

١٢

حتى يأتي الله بامره ان الله على كل شيء قدير واقيموا الصلوة
تا بيارد خداي فرمان خويش كه خدا بر همه چيزي تواناست وبپاي داريد نماز
واتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله
وبدهيد زكوة را وآنچه پيش فرستيد از بهر تنهاي خويش از نيكي بيابيد آنرا نزد خدا
ان الله بما تعملون بصير وقالوا لن يدخل الجنة الا من
كه خدا بدانچه مي كنيد بيناست وگفتند هرگز در نشوند در بهشت مگر كسي
كان هودا او نصارى تلك امانيهم قل هاتوا برهانكم ان
كه بود جهودان يا ترسايان اين آرزوهاء ايشان است بگو بياريد حجت خويش اگر
كنتم صادقين بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله
هستيد راست گويان آري هركه تسليم كند روي خويش مر خداي را وآن نيكوكار باشد مر او را
اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون وقالت اليهود
مزد وي نزد خداوند وي ونباشد ترسي بر ايشان ونه ايشان اندوهگين باشند وگفتند جهودان
ليست النصارى على شيء وقالت النصارى ليست اليهود
نيستند ترسايان بر چيزي وگفتند ترسايان نيستند جهودان
على شيء وهم يتلون الكتاب كذلك قال الذين لا يعلمون مثل
بر چيزي وايشان همي خوانند نامه را يعني توريت همچنين گفتند آنها كه ندانستند يعني كفار مكه مانند
قولهم فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون
گفتار ايشان خداي داوري كند ميان ايشان روز قيامت در آنچه بودند در آن اختلاف كردند
ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى في
وكيست ستمكارتر از آنكس كه بازدارد مزگتهاء خدارا كه يادكنند در آنجا اسم وي وبكوشيد در
خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم
ويراني او ايشانند نبود مر ايشانرا كه اندر شوند اندر آنجا مگر ترسندگان مر ايشانرا

عشر

[illegible]

في الدنيا خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم ولله المشرق
در این جهان رسوائی است ومر ایشان راست اندر آنجهان عذابی بزرگ است ومر خدایراست مشرق
والمغرب فاينما تولوا فثم وجه الله ان الله واسع عليم
و مغرب وهر کجا روی آرید آنجاست خشنودی خدا که خدا فراخ عطاست و دانا
وقالوا اتخذ الله ولدا سبحانه بل له ما في السموات والارض
و گفتند بگرفت خدا فرزندی پاکست وی بلکه مر اوراست آنچه اندر آسمانهاست و زمین
كل له قانتون بديع السموات والارض واذا قضى امرا
همه مر اورا فرمان بردارند آفریننده آسمانها و زمین و چون بگزارد کاری
فانما يقول له كن فيكون وقال الذين لا يعلمون لولا
همانگاه گوید مر اورا باش بباشد و گفتند آنکه نمیدانستند چرا
يكلمنا الله او تاتينا آية كذلك قال الذين من قبلهم
سخن نگوید با ما خدا یا بیاید بما نشانی همچنین گفتند آنکه از پیش ایشان
مثل قولهم تشابهت قلوبهم قد بينا الآيات لقوم يوقنون
مانند گفتار ایشان مانند شده است دلهای ایشان بپیدا کردیم نشانها مر گروهی را که بیگمانند
انا ارسلناك بالحق بشيرا ونذيرا ولا تسئل عن اصحاب
ما فرستادیم ترا یا محمد براستی مژده دهنده و بیم کننده و نه پرسند ترا از باشندگان
الجحيم ولن ترضى عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع
دوزخ و هرگز خشنود نگردند از تو جهودان و نه ترسایان تا پیروی کنی
ملتهم قل ان هدى الله هو الهدى ولئن اتبعت
کیش ایشانرا بگو راه خدای مسلمانانست راه راست و اگر پس روی کنید
اهواءهم بعد الذي جاءك من العلم ما لك من الله من ولي
آرزوهای ایشانرا پس از آنکه آمد بتو از دانش نباشد ترا از خدای هیچ نگهدارنده

ولا نصير

گفته اند این آیه در شان جمعی بود که با حضرت جعفر رضی الله عنه از حبشه آمدند ایشان چهل کس بودند دو و سی نفر از اهل حبشه و هشت نفر از رهبانان شام که از آنجمله بحیرا راهب بوده و بعضی اصحاب رسول الله گفته اند این کتاب قرآن مجید است و موید این معنی است که در تفسیر حق تلاوته حضرت صادق علیه السلم فرموده که آن عبارتست از توقف هنگام ذکر بهشت و دوزخ و سؤال بهشت و استعاذه از نار و بعضی گفته اند در شان مومنین یهود چون عبدالله بن سلام و ثعلبه بن عمرو و تمام بن یهودا و اسد و اسید پسران کعب و ابن یامین و ابن صوریا و بنابراین مراد از کتاب توریت است چنانچه در تفسیر اول آن قرآن است

ولا نصير الذين آتيناهم الكتاب يتلونه حق تلاوته
و نه یاری گری آنانکه بدادیم ایشان نامه یعنی عبدالله سلام و یاران وی میخوانندش سزای خواندنش
اولئك يؤمنون به ومن يكفر به فاولئك هم الخاسرون
ایشانند گرویدند بوی یعنی بتوریت و هر که کافر گردد بوی ایشانند که ایشان زیانکارانند
يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واني فضلتكم
ای پسران یعقوب یاد کنید نیکوئی من آنکه منت نهادم بر شما و من افزون کردم شما
على العالمين واتقوا يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا ولا
بر خلق زمانه شما و بترسید از روزی که بجز اندهد هیچ تنی از تنی و نه
يقبل منها عدل ولا تنفعها شفاعة ولا هم ينصرون
پذیرند از وی همتایی و سود ندارد خواهش و نکنند ایشانرا هیچ یاری
واذ ابتلى ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن قال اني
و چون آزمود ابراهیم را خداوندوی بسخنانی پس تمام گردانید اورا گفت خدای من
جاعلك للناس اماما قال ومن ذريتي قال لا ينال عهدي
کردم ترا مر مردمانرا پیشوا گفت ابراهیم و از فرزندان من نیز گفت خدا اندر نیابد پیمان من
الظالمين واذ جعلنا البيت مثابة للناس وامنا
بیدادگران یعنی کافران و چون بگردیم خانه کعبه را جای بازگشتن مر مردمانرا و ایمن گردانیدن
واتخذوا من مقام ابراهيم مصلى وعهدنا الى ابراهيم
و گفتیم بگیرند از ایستادن جای ابراهیم نمازگاهی و پیمان کردیم با ابراهیم خلیل
واسماعيل ان طهرا بيتي للطائفين والعاكفين والركع
و با پسر وی که پاک دارند خانه من برای طواف کنندگان و باشندگان و رکوع کنندگان
السجود واذ قال ابراهيم رب اجعل هذا بلدا آمنا وارزق
و سجود کنندگان و یاد کن چون گفت ابراهیم ای خداوند بگردان این را شهری ایمن و روزی ده

اهله من الثمرات من امن منهم بالله واليوم الاخر قال
باشند کان را از میوها مر انکس را که گرویدند از ایشان بخدا و روز بازپسین گفت خدا
ومن كفر فامتعه قليلا ثم اضطره الى عذاب النار وبئس
آنکس که کافر گردد برخوردار دارم اندکی باز بیچاره کنم او را بسوی عذاب آتش دوزخ و بد
المصير ۝ واذ يرفع ابرهيم القواعد من البيت واسمعيل ربنا
جای بازگشتن است و چون بر داشت ابرهیم بنارا از خانه کعبه و اسمعیل گفتند بار خدایا
تقبل منا انك انت السميع العليم ۝ ربنا واجعلنا مسلمين
بپذیر از ما که تویی که تو شنوایی و دانایی بار خداوند ما و بگردان ما را گردن نهندگان
لك ومن ذريتنا امة مسلمة لك وارنا مناسكنا وتب
مر ترا و از فرزندان ما گروهی گردن نهندگان مر ترا و بنمای ما را کارهای حج ما و توبه ده
علينا انك انت التواب الرحيم ۝ ربنا وابعث فيهم رسولا
ما را که تویی که تو توبه پذیرنده بخشاینده گناه کارانی بار خداوندا بفرست اندر ایشان پیغمبری
منهم يتلوا عليهم اياتك ويعلمهم الكتاب والحكمة
از ایشان تا بر خواند بر ایشان نشانهای توحید ترا و بیاموزد ایشان را نامه یعنی قران و سخن صواب یعنی فقه
ويزكيهم انك انت العزيز الحكيم ۝ ومن يرغب عن ملة
و پاکیزه گرداند ایشان را که تویی تو عزیز کننده استوار کار و کیست که ناخواهان شد مر دین
ابرهيم الا من سفه نفسه ولقد اصطفيناه في الدنيا
ابرهیم را مگر آنکسی ناشناس بود دین خویش را و هر آینه باز گزیدیم او را اندر این جهان
وانه في الاخرة لمن الصالحين ۝ اذ قال له ربه اسلم قال
و وی اندر آن جهان از نیکان باشد چون بگفت مر او را خداوند وی گردن نه گفت
اسلمت لرب العالمين ۝ ووصى بها ابرهيم بنيه ويعقوب
گردن نهادم مر خداوند همه خلق را و اندرز کرد بدین سخن ابرهیم پسران خویش را و یعقوب نیز

خمس

يا بني

يا بني ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا وانتم
ای پسران من که خدا تعالی بگزید مر شما را دین اسلام میرید مگر که شما
مسلمون ۝ ام كنتم شهداء اذ حضر يعقوب الموت اذ
مسلمان باشید یا بودید بجای حاضر چون بیامد یعقوب را مرگ چون
قال لبنيه ما تعبدون من بعدي قالوا نعبد الهك
بگفت مر پسران خویش را چه پرستید از پس من گفتند پرستیم خداوند ترا
واله اباءك ابرهيم واسمعيل واسحق الها واحدا ونحن
و خداوند پدران ترا یعنی ابرهیم و عم تو اسمعیل و پدر تو اسحق یک خدا و ما
له مسلمون ۝ تلك امة قد خلت لها ما كسبت ولكم ما
مر او را فرمان برداریم آن گروهی بودند که گذشتند مر ایشان راست آنچه کردند و مر شما راست آنچه
كسبتم ولا تسئلون عما كانوا يعملون ۝ وقالوا كونوا
کنید و نپرسند شما را از آنچه ایشان کردند و گفتند جهودان و ترسایان باشید
هودا او نصارى تهتدوا قل بل ملة ابرهيم حنيفا وما
جهودان یا ترسایان راه راست یابید بگو یا محمد بگو کیش ابرهیم پاکیزه و
كان من المشركين ۝ قولوا امنا بالله وما انزل الينا وما انزل الى ابرهيم
نبود وی از انباز گیرندگان بگویید یا امت محمد گرویدیم بخدا و آنچه فرو فرستاده اند بسوی ما و آنچه فرو فرستاده اند بسوی ابرهیم
واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى
و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیره وی و آنچه داده اند موسی را
وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم
و عیسی را انجیل و آنچه داده اند پیغمبران را از خداوند ایشان جدا نکنیم میان یکی از ایشان
ونحن له مسلمون ۝ فان امنوا بمثل ما امنتم به فقد اهتدوا
و ما مر او را فرمان برداریم اگر بگروند جهودان همچنان که گرویدید یا امت محمد پس هر آینه راه یافتند

خمس

[illegible]

وان تولوا فانما هم في شقاق فسيكفيكهم الله و
واگر برگردند یعنی روی گردانیدن اندر ناهمواری اند زود که بسنده کند ترا از ایشان خدای
هو السميع العليم صبغة الله ومن احسن من الله صبغة
و ویست شنوا دانا رنگ نهادید شما را دین خدا یعنی آن خدا رساند خدا و کیست نیکوتر بدین از آنکه دین خدا دارد
ونحن له عابدون قل اتحاجوننا في الله وهو ربنا وربكم
و ما مر او را پرستندگانیم بگو یا محمد همی حجت آرید با ما در خدا و وی خداوند ماست و خداوند شما
ولنا اعمالنا ولكم اعمالكم ونحن له مخلصون ام تقولون
و ما راست کارهای ما و مر شما راست کارهای شما و ما مر او را مخلص پرستندگانیم یا همی گویند
ان ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط كانوا هودا
که ابراهیم خلیل و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیره وی و فرزندان وی جهودان بودند
او نصارى قل ءانتم اعلم ام الله ومن اظلم ممن كتم شهادة عنده
یا ترسایان بگو یا محمد ای شما داناترید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه پنهان کند گواهی نزد وی
من الله وما الله بغافل عما تعملون تلك امة قد خلت لها
از خدا و نیست خدا بی آگاهی از آنچه همی کنید آن پیغمبران گروهی بودند که گذشتند مر ایشان راست
ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا يعملون سيقول
آنچه کردند و مر شما راست آنچه کنید شما و نپرسند شما را از آنچه بودید میکنید زود باشد که بگویند
السفهاء من الناس ما ولىهم عن قبلتهم التي كانوا عليها
سبک خردان از مردمان چه بگردانید ایشان را از قبله ایشان بیت المقدس که بودند بروی
قل لله المشرق والمغرب يهدي من يشاء الى صراط مستقيم
بگو یا محمد مر خدا راست مشرق و مغرب راه نماید آنرا که خواهد سوی راه راست
وكذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس و
و همچنین بکردیم شما را گروهی میانه تا باشید گواهان بر مردمان و

عشر

[illegible]

يكون

يكون الرسول عليكم شهيدا وما جعلنا القبلة التي كنت
باشد رسول بر شما گواه و نکردیم قبله که از کجا بودی
عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه وان
بروی مگر از بهر آن تا بدانیم آنکس که متابعه کند پیغمبر را از آنکس که بگردد بر دو پاشنه خویش و اگرچه
كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله وما كان الله ليضيع
هست بزرگ و گران مگر بر آنکسانکه راه راست داد ایشانرا خدا و نچنان است که خدا تباه کند
ايمانكم ان الله بالناس لرءوف رحيم قد نرى تقلب وجهك
گروش شما بدرستی که خدا بر مردمان یعنی بمومنان مهربان است بخشاینده بدرستی همی بینیم گشتن روی تو
في السماء فلنولينك قبلة ترضىها فول وجهك شطر
اندر آسمان روی بگردانیم ترا سوی قبله که بپسندی آن را بگردان روی خویش سوی
المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره وان
مزگت حرام و هر کجا باشید بگردانید روی خویش را سوی کعبه و آن
الذين اوتوا الكتاب ليعلمون انه الحق من ربهم وما الله
کسانکه داده شد ایشانرا نامه یعنی توریة نیک میدانند که آن راست است و حق از خداوند ایشان و نیست خدا
بغافل عما يعملون ولئن اتيت الذين اوتوا الكتاب
بی آگاهی از آنچه همی کنند و اگر بیاری بدانکسانکه داده شد ایشان نامه
بكل اية ما تبعوا قبلتك وما انت بتابع قبلتهم وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن
هر دوستی و حجتی متابعت نکنند قبله ترا و نیستی تو متابعه نماینده قبله ایشان و نیست برخی از ایشان متابعه نماینده قبله بعضی و اگر
اتبعت اهواءهم من بعد ما جاءك من العلم انك اذا لمن
متابعت کنی آرزوهای ایشان را از پس آنکه آمد بتو از دانش تو آنگاه از
الظالمين الذين اتيناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون
ستمکاران باشی آنکسانرا که بدادیم ایشانرا نامه یعنی توریة همی شناسند محمد را همچنان که شناسند

[illegible]

ابناءهم وان فريقا منهم ليكتمون الحق وهم يعلمون الحق

پسران خویش را وگروهی از ایشان همی پوشند راستی را و ایشان همی دانند راستی و دانستی

من ربك فلا تكونن من الممترين ولكل وجهة هو

از خداوند تو پس مباش از شک آرندگان و مر هر گروهی را رویه آوردگی

موليها فاستبقوا الخيرات اينما تكونوا يات بكم الله جميعا

روی آنجا آورده است پیشی گیرید به نیکیها هرکجا باشید بیارد شما را خدا همگان

ان الله على كل شيء قدير ومن حيث خرجت فول وجهك

که خدا بر همه چیز تواناست و از هر کجا بیرون آیی بگردان روی خویش را

شطر المسجد الحرام وانه للحق من ربك وما الله بغافل

سوی مزگت حرام و آنست یعنی واجب است از خداوند تو و نیست خدا ناآگاه

عما تعملون ومن حيث خرجت فول وجهك شطر

از آنچه شما همی کنید و از هر کجا بیرون روی بگردان رویت را سوی

المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

مزگت حرام و هر کجا باشید شما بگردانید رویهای خویش را سوی وی

لئلا يكون للناس عليكم حجة الا الذين ظلموا منهم

تا نباشد مر مردمان را بر شما حجتی مگر آنکه ستم کردند از ایشان

فلا تخشوهم واخشوني ولاتم نعمتي عليكم ولعلكم تهتدون

مترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام کنم نیکویی خویش را بر شما و تا مگر شما براه راست آیید

كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم اياتنا ويزكيكم

همچنانکه بفرستادیم اندر شما پیغمبری از شما همی خواند بر شما آیتهای ما و پاکیزه گرداند شما را

ويعلمكم الكتاب والحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون

و بیاموزد شما را نامه یعنی قرآن و سخن صواب یعنی دانش و بیاموزد شما را آنچه نه دانستید

فاذکرونی

[illegible]

١٦

فاذكروني اذكركم واشكروا لي ولا تكفرون يا ايها

یاد کنید مرا بطاعت من تا یاد کنم شما را برحمت من و سپاسداری کنید مرا و ناسپاسی مکنید مرا ای آنها

الذين امنوا استعينوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرين

که گرویده اید یاری خواهید بشکیبایی کردن و نماز گزاردن که خدا با شکیبایانست

ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء ولكن لا

و مگویید مر کسی را که کشته گردد در راه خدا مردگانند بلکه زندگانند ولیکن شما نه

تشعرون ولنبلونكم بشيء من الخوف والجوع ونقص من

دانید و آزمایش کنیم شما را بچیزی از دشمنان و گرسنگی یعنی روزه و کاستن از

الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرين الذين اذا

خواستها یعنی زکوة و زیان و تنهای یعنی بیماری و غم و میوه یعنی قحط و مژده شکیبایان را آنکه چون

اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه راجعون اولئك

رسید بدیشان کاری بد گویند ما خدا راییم و ما سوی او بازگردندگانیم ایشانند

عليهم صلوات من ربهم ورحمة واولئك هم المهتدون

که برایشان است درودها از خداوندشان و بخشایشی و ایشانند که ایشان راه یافتگانند

ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر

بدرستی که کوه صفا و کوه مروه از نشانهای خدایست هر که آهنگ خانه کند یا زیارت کند

فلا جناح عليه ان يطوف بهما ومن تطوع خيرا فان الله

نیست بزه بروی که طواف کند بدین دو کوه و هر که افزونی کند نیکی که خدای

شاكر عليم ان الذين يكتمون ما انزلنا من البينات و

سپاسداری کننده دانا است آنها که همی پوشانند آنچه فروفرستادیم از حجتها و

الهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم الله

راه راست از پس آنکه پیدا کردیم آن مر مردمان در نامه یعنی قرآن ایشانند که ایشان را دور کند خدا

خس

[illegible]

عشر

ويلعنهم اللاعنون ۝ الا الذين تابوا واصلحوا وبينوا
ولعنت كنند ايشانرا لعنت كنندكان مكر انهاكه بازكردند ونيك شوند وبديد كننده
فاولئك اتوب عليهم وانا التواب الرحيم ۝ ان الذين
ايشانند كه توبه بذيرم برايشان ومن توبه بذيره وبخشاينده‌ام انكسان كه
كفروا وماتوا وهم كفار اولئك عليهم لعنة الله والملئكة
كافر گشتند وبمردند وايشان كافر بودند ايشانند كه برايشانست لعنت خدا ولعنت فرشتكان
والناس اجمعين ۝ خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب
ولعنت مردمان همكان جاودان اندر آنجا سبك نكردانند ازايشان عذاب
ولا هم ينظرون ۝ والهكم اله واحد لا اله الا هو
ونه ايشانرا زمان دهند وخداى شما خداى يكانه نيست خدا مكر وى
الرحمن الرحيم ۝ ان في خلق السموات والارض واختلاف
بخشاينده آمرزنده مردكانست كه اندر آفريدن آسمانها وزمين وآمد شد
الليل والنهار والفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس
شب وروز وكشتيها آنكه همى رود اندر دريا بدانچه منفعت كند مردمانرا
وما انزل الله من السماء من ماء فاحيا به الارض بعد
وآنچه فرستاد خدا از آسمان از آب زنده كردانيد بدان زمين را پس
موتها وبث فيها من كل دابة وتصريف الرياح والسحاب
مرك وى وپراكنده كرد اندر زمين از هر جنبنده وكردانيدن بادها وابر
المسخر بين السماء والارض لايات لقوم يعقلون ۝ و
فرمانبردار كردانيدن ميان آسمان وزمين نشانهاست مركروهى راكه دريابند و
من الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله
از مردمان كس هست كه كيرد بخداى از جز خدا همتايان دوست دارند ايشانرا چون دوستى خدا

والذين

هو

١٧

خمس

والذين آمنوا اشد حبا لله ولو يرى الذين ظلموا اذ
وآنها كه بكرويدند سخت ترند بدوستى مرخدايرا واكر بينندى آنها كه بيداد كردند آنكاه
يرون العذاب ان القوة لله جميعا وان الله شديد العذاب
كه بينند عذاب را بدرستى كه نيروى مرخدايراست همه و خدا سخت عذابست
اذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا وراوا العذاب و
چون بيزار شوند آنها كه پيش رو بودند از آنكسان كه پس رو بودند وبينند عذاب را و
تقطعت بهم الاسباب ۝ وقال الذين اتبعوا لو ان لنا
بريده كردد ميان ايشان پيوستكيها وخويشيها وكويند آنكسانكه پس رو بودند اكر مارا
كرة فنتبرأ منهم كما تبرءوا منا كذلك يريهم الله اعمالهم
بازكشت بودى تا بيزار كشتمى از ايشان چنانكه بيزار كشتند از ما همچنين نمايد ايشانرا خدا كارهاى ايشان
حسرات عليهم وما هم بخارجين من النار ۝ يا ايها الناس
پشيمانيها برايشان ونباشند ايشان بيرون آيندكان از آتش اى مردمان
كلوا مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات الشيطان
بخوريد از آنچه اندر زمين است حلال پاك وخوش ومپس روى مكنيد بركامهاى ديوان
انه لكم عدو مبين ۝ انما يامركم بالسوء والفحشاء
كه وى مرشمارا دشمنيست پيدا دشمنى همى فرمايد شمارا ببدى وناخوبى
وان تقولوا على الله ما لا تعلمون ۝ واذا قيل لهم اتبعوا
وبدانكه بكوييد برخدا آنچه ندانيد وچون كويند مرشمارا پس روى كنيد
ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا اولو
آنرا كه فرو فرستاد خداى كويند نكه پس روى كنيم آنرا كه يافتيم بروى پدران خويش را واكرچه
كان آباؤهم لا يعقلون شيئا ولا يهتدون ۝ ومثل
بودند پدران ايشان اندر نيافتندى چيزى وراه راست نه يافتندى وداستان

عشر

الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع الا دعاء و
آنکسانکه کافر گشتند چون داستان آنکسیست که بانگ کند بدانچه نشنود مگر خواندن و
نداء صم بكم عمى فهم لا يعقلون ۝ يا ايها الذين امنوا
آواز دادن کرانند گنگانند کورانند پس ایشان اندر نیابند ای آن کسان که بگرویدید
كلوا من طيبات ما رزقناكم واشكروا لله ان كنتم اياه
بخورید از پاکیزها آنچه روزی کردیم شمارا و سپاسداری کنید مر خدایرا اگر هستید که اورا
تعبدون ۝ انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم
میپرستید آنچه حرام کرد بر شما مرده و خون و گوشت
الخنزير وما اهل به لغير الله فمن اضطر غير باغ ولا عاد
خوک و آنچه اورا بر وی کشته شد بنام جز خدای و هر که بیچاره گردد نه ستمکار و نه از حد گذرنده
فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم ۝ ان الذين يكتمون
نیست بزه بروی که خدا آمرزنده است و بخشاینده آنکسانکه همی پوشانند
ما انزل الله من الكتاب ويشترون به ثمنا قليلا
آنچه فرستاد خدای از نامه یعنی توریه و همی بخرند بوی بهای اندک
اولئك ما ياكلون في بطونهم الا النار ولا يكلمهم الله
ایشانند که نخورند اندر شکمهای خویش مگر آتش و سخن نگوید با ایشان خدای
يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم ۝ اولئك الذين
روز رستاخیز و پاکیزه نکند ایشانرا و مر ایشانراست عذاب دردناک ایشانند آنکسانکه
اشتروا الضلالة بالهدى والعذاب بالمغفرة فما
بخریدند بیراهی براه راست و عذاب را بآمرزش چون
اصبرهم على النار ۝ ذلك بان الله نزل الكتاب بالحق
شکیبا اند ایشان بر آتش این بدان بود که خدا فرو فرستاد نامه یعنی قرآن را براستی

حزب

خمس

وان الذ

١٨

وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي شقاق بعيد ۝ ليس
و آنکسانکه ناهموار شدند در نامه یعنی قرآن اندر خلافی دور نیست
البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب ولكن البر
نیکی آنکه بگردانید رویهای خویش را سوی مشرق و مغرب ولیکن نیکیست که
من امن بالله واليوم الاخر والملئكة والكتاب والنبيين و
کسی بگرود بخدا و روز بازپسین و فرشتگان و نامه و پیغمبران و
اتى المال على حبه ذوي القربى واليتامى والمساكين وابن
بدهد خواسته بر دوستی وی نزدیکان و خویشاوندان و بی‌پدران و درویشان و ره
السبيل والسائلين وفي الرقاب واقام الصلوة واتى
گذریان را و خواهندگان را و اندر آزاد کردن را و بپا دارند نماز را و بدهند
الزكوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرين في الباساء
زکوة و تمام کنند پیمان خویش را چون پیمان کنند و شکیبایان اندر تنگی سختی
والضراء وحين الباس اولئك الذين صدقوا واولئك هم
و گزند و وقت کارزار ایشانند آنکسانکه راست گفتند و ایشانند که ایشان
المتقون ۝ يا ايها الذين امنوا كتب عليكم القصاص في
پرهیزکارانند ای آن کسانکه گرویده اید واجب کرده بر شما قصاص کردن در
القتلى الحر بالحر والعبد بالعبد والانثى بالانثى فمن عفي له
کشتیها آزاد بازاد و بنده به بنده و ماده بماده هر که درگذرانیده شود
من اخيه شيء فاتباع بالمعروف واداء اليه باحسان ذلك
از برادری چیزی پس باید پیروی کند بنیکوئی و گزاردن باید بوی بنیکوئی این
تخفيف من ربكم ورحمة فمن اعتدى بعد ذلك فله
سبک کردنیست از خداوند شما و بخشایشی است پس هر که از حد درگذرد پس آن مراورا است

هو

عشر

عذاب اليم ۝ ولكم في القصاص حيوة يا اولي الالباب لعلكم
عذابی دردناک و مر شما را اندر قصاص کردن زندگانیست ای خداوندان خردها تا مگر شما
تتقون ۝ كتب عليكم اذا حضر احدكم الموت ان ترك خيرا
برهانید خود را از عذاب نوشته اند بر شما چون بیاید یکی را از شما مرگ اگر دست باز دارد نیکویی
الوصية للوالدين والاقربين بالمعروف حقا على المتقين ۝
اندرز باید کردن مر مادر و پدر را و خویشاوندان را به نیکویی بواجبی بر پرهیزکاری
فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان الله
هرکه بگرداند سپس آنکه بشنود آنرا پس بزه وی بر آنکس آنکه بود که بگرداند آنرا که خدا
سميع عليم ۝ فمن خاف من موص جنفا او اثما فاصلح بينهم فلا
شنونده است دانا پس هرکه بترسد از اندرزکننده میل کردنی یا بزه خوب کرد اندمیان ایشان پس نیست
اثم عليه ان الله غفور رحيم ۝ يا ايها الذين امنوا كتب عليكم
بزه بر وی که خدا آمرزنده است و بخشاینده ای شما که گرویده اید نوشته شود بر شما
الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون اياما
روزه همچنانکه نوشته شود بر آنکسانکه از پیش شما بودند تا مگر شما خود را نگه دارید روزهای
معدودات فمن كان منكم مريضا او على سفر فعدة من ايام
شمرده هرکه باشد از شما بیمار یا بر سفر شمار آن روزها از روزهای
اخر وعلى الذين يطيقونه فدية طعام مسكين فمن تطوع
دگر و بر آنکسانکه توانند آنرا کفارت طعام دادن درویشان پس هرکه ادا نماید
خيرا فهو خير له وان تصوموا خير لكم ان كنتم تعلمون شهر
بهتر است او نیکی مر او را و اگر روزه دارید بهتر مر شما را اگر چنان هست که همی دانند ماه
رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من
رمضان آنکه فرو فرستاده اند اندروی قرآن راه نماینده مر مردمان را و پیداییها از

الهدی

هو

الهدى والفرقان فمن شهد منكم الشهر فليصمه ومن كان
راه راست و جدا کننده میان حق و باطل هرکه اندریابد از شما ماه رمضان روزه دارد آنرا و هرکه باشد
مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر يريد الله بكم اليسر ولا
بیمار یا بر سفر پس شمار آن بدار از روزهای دگر همی خواهد خدا بشما آسانی و نه
يريد بكم اليسر ولا يريد بكم العسر ولتكملوا العدة ولتكبروا الله
خواهد بشما دشواری و تا تمام کنید شمار را و تا بزرگی دهید مر خدا را

خمس

على ما هديكم ولعلكم تشكرون ۝ واذا سالك عبادي عني
بر آنچه راه نماید شما را و تا مگر شما سپاس داری کنید و چون پرسند ترا بندگان من از من
فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا
من نزدیکم پاسخ کنم خواننده را خواندن چون بخواند مرا پاسخ کنند مرا و بگروند
بي لعلهم يرشدون ۝ احل لكم ليلة الصيام الرفث الى
بمن تا مگر ایشان راه راست یابند حلال کرده شد مر شما را شب روزه فراز رفتن سوی
نسائكم هن لباس لكم وانتم لباس لهن علم الله انكم
زنان شما یعنی جماع کردن ایشان پوشش اند مر شما را و شما پوشش اید مر ایشان را دانست خدا که شما
كنتم تختانون انفسكم فتاب عليكم وعفا عنكم فالان
همی خیانت کردید تنهای خویش را توبه داد مر شما را و اندر گذشت از شما پس اکنون
باشروهن وابتغوا ما كتب الله لكم وكلوا واشربوا حتى يتبين
برهنه بشید یعنی جماع کنید و بجویید آنچه قضا کرد خدا مر شما را یعنی فرزند و بخورید و بیاشامید تا پیدا شود
لكم الخيط الابيض من الخيط الاسود من الفجر ثم اتموا
مر شما را نشان سپیدی روز از نشان سیاهی شب از سپیده دم باز تمام کنید
الصيام الى الليل ولا تباشروهن وانتم عاكفون في المساجد
روزه را تا شب و برهنه مشوید یعنی جماع مکنید با زنان خویش و شما باشید اندر مزگتها

تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس
اینست بازداشتهای خدا. فرا مشوید بوی همچنان پیدا کند خدا نشانهای خویش مردمانرا
لعلهم يتقون ۝ ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
تا مگر ایشان خویشتن نگهدارند از عذاب و مخورید خواستهای خویش را میان شما ناشایسته
وتدلوا بها إلى الحكام لتأكلوا فريقا من أموال الناس بالإثم
و میبرید آنرا سوی حاکمان تا بخورید بهره از خواستهای مردمان ببزه
وأنتم تعلمون ۝ يسألونك عن الأهلة قل هي مواقيت للناس
و شما خود دانید و همی پرسند ترا یا محمد از شدن ماهها بگو آن وقتهاست مر مردمان
والحج وليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها ولكن
حج را و نیست نیکی بدانکه بیائید بخانها از پشتهای وی ولیکن
البر من اتقى وأتوا البيوت من أبوابها واتقوا الله لعلكم
نیکی است از پرهیزکاری و بیائید بخانها از درهای وی و بترسید از خدا تا مگر شما
تفلحون ۝ وقاتلوا في سبيل الله الذين يقاتلونكم ولا
از عذاب برهید و کارزار کنید در راه خدا با آنکه کارزار کنند و
تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين ۝ واقتلوهم حيث ثقفتموهم وأخرجوهم
از حد در مگذرید که خدا دوست ندارد از حد در گذرندگانرا و بکشید ایشانرا هرکجا بگیریدشان و بیرون کنید
من حيث أخرجوكم والفتنة أشد من القتل ولا تقاتلوهم
از هرکجا بیرون کردند شمارا و شرک ایشان سخت تر است از کارزار و کارزار مکنید با ایشان
عند المسجد الحرام حتى يقاتلوكم فيه فإن قاتلوكم فاقتلوهم
نزد مزگت حرام تا کارزار کنند با شما در آنجا کارزار کنید شما بکشیدشان
كذلك جزاء الكافرين ۝ فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم ۝
همچنان است پاداشن ناگرویدگان اگر باز ایستادند از کفر هرآینه خدای آمرزنده بخشاینده است

عشر

وقاتلوهم

قعده از میان برود بیکی عنوان قره و عذاب اگر
مانع شما شوند با ایشان کارزار نمائید

[illegible]

وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين لله فإن انتهوا فلا
و کارزار کنید با ایشان تا نباشد کافری و باشند بدین مر خدایرا اگر باستادند از کارزار نیست
عدوان إلا على الظالمين ۝ الشهر الحرام بالشهر الحرام والحرمات
از حد اندر گذشتن مگر بر ستمکاران ماه حرام بماه حرام و حرامها
قصاص فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى
برابر است هر که از حد اندر گذرد بر شما از حد اندر گذرید بروی همچنانکه از حد اندر گذشت
عليكم واتقوا الله واعلموا أن الله مع المتقين ۝ وأنفقوا
بر شما و بترسید از خدا و بدانید که خدا با ترسکاران است و هزینه کنید
في سبيل الله ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة وأحسنوا إن الله
در راه خدا و در میفکنید خودرا بدستهای خویش در هلاک شدن و نیکوئی کنید که خدا
يحب المحسنين ۝ وأتموا الحج والعمرة لله فإن أحصرتم
دوست دارد نیکوکاران را و تمام کنید حج و عمره مر خدایرا و اگر باز دارند شمارا
فما استيسر من الهدي ولا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدي
پس آنچه آسانتر آید از خون ریختن و متراشید سرهای خویش را تا برسد از خون ریختن
محله فمن كان منكم مريضا أو به أذى من رأسه ففدية
فرستاده بجای خویش هر که باشد از شما بیمار یا بوی باشد دردی از سر وی بدل آن
من صيام أو صدقة أو نسك فإذا أمنتم فمن تمتع بالعمرة
از روزه یا صدقه یا خون ریختن یعنی قربانی چون ایمن گردید هر که برخوردار گیرد بعمره
إلى الحج فما استيسر من الهدي فمن لم يجد فصيام ثلاثة أيام
تا حج آنچه آسانتر آید از خون ریختن یعنی قربانی پس هر که نیابد روزه باید داشتن سه روز
في الحج وسبعة إذا رجعتم تلك عشرة كاملة ذلك لمن لم
در حج و هفت روز چون باز گردند این است ده روزه تمام این مر کسی راست که نه

۲۰

[illegible]

روایت شده واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که مراد طلب مغفرت است ومعنی عام محمدیست [illegible]

[illegible]

یکن اهله حاضری المسجد الحرام واتقوا الله واعلموا ان الله
باشد کسان وی باشندگان مزگت حرام وبترسید از عذاب خدا وبدانید که خدا

شدید العقاب ۝ الحج اشهر معلومات فمن فرض فیهن الحج
سخت عقوبت است حج ماههاء دانسته هرکه واجب کند در آن ماهها حج

فلا رفث ولا فسوق ولا جدال فی الحج وما تفعلوا من خیر
جماع نباید وسخن ناخوب وپیکار وستیزه نباید در حج وآنچه کنید از نیکی

یعلمه الله وتزودوا فان خیر الزاد التقوی واتقون یا اولی
بداند آنرا خدای وتوشه بردارید که بهترین توشها پرهیزکاریست وبترسید از من ای خداوندان

الالباب ۝ لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم فاذا
خردها نیست برشما بزه که بجویید افزونی از خداوندتان چون

افضتم من عرفات فاذکروا الله عند المشعر الحرام واذکروه
بازگردید از عرفات یاد کنید خدایرا نزدیک مشعر الحرام ویاد کنید اورا

کما هدیکم وان کنتم من قبله لمن الضالین ۝ ثم افیضوا
همچنانکه راه نمود شمارا واگرچه بودید از پیش ازگم بودگان بازگردید

من حیث افاض الناس واستغفروا الله ان الله غفور رحیم
از آنجا که بازگشتن مردمان وآمرزش خواهید از خدای بدرستی که خدا آمرزنده است بخشاینده

فاذا قضیتم مناسککم فاذکروا الله کذکرکم اباءکم
چون بگذارید حجتان یاد کنید خدایرا همچون که یاد کردید پدرانتانرا

او اشد ذکرا فمن الناس من یقول ربنا اتنا فی الدنیا وما له
یا سخت تر یادکردی از مردمان آنکه گوید با خداوند ما بده مارا در اینجهان ونباشد مراورا

فی الاخرة من خلاق ۝ ومنهم من یقول ربنا اتنا فی الدنیا حسنة
اندر آن جهان هیچ بهره از افزونی وازیشان کسیست که گوید خداوند ما بده مارا در اینجهان نیکویی

[illegible]

[illegible] درآمده بمعنی الاست [illegible] از جمله گمراهان

وفی الاخرة

که این آیه اصلا ربطی به قصه ندارد [illegible]

[illegible]

نصف

وفی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار ۝ اولئک لهم نصیب
ودر آنجهان نیکویی بهشت ونگهدار مارا از عذاب آتش ایشانند که مرایشانراست بهره

مما کسبوا والله سریع الحساب ۝ واذکروا الله فی ایام
از آنچه کردند از طاعت وخدا زود شمار است ویاد کنید خدایرا در روزهاء

معدودات فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه ومن تاخر فلا
شمرده هرکه بشتابد در دو روز نیست بزه بروی وهرکه درنگ کند نیست

اثم علیه لمن اتقی واتقوا الله واعلموا انکم الیه تحشرون
بزه بروی مرکسی راکه پرهیزد وبترسید از خدا وبدانید که شمارا سوی او گرد آرند

ومن الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا ویشهد الله
واز مردمان که خوش آید ترا سخن او در زندگانی اینجهان وگواه دارد خدایرا

علی ما فی قلبه وهو الد الخصام ۝ واذا تولی سعی فی
بر آنچه در دل ویست و وی سخت خصومت است وچون برگردد بکوشد در

الارض لیفسد فیها ویهلک الحرث والنسل والله لا
زمین تا تباه کاری کند در آنجا وهلاک کند کشت را وبر وزاد را وخدا ندارد

یحب الفساد ۝ واذا قیل له اتق الله اخذته العزة
دوست تباه کاری را وچون گویند مراورا بترس از خدای بگیرد ورا [illegible]

بالاثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد ۝ ومن الناس من یشری
بزه پس بسنده است اورا دوزخ وبد گسترش است وازمردمان کسی است که بفروشد

نفسه ابتغاء مرضات الله والله رءوف بالعباد ۝ یا ایها
تن خویش را بجستن خشنودی خدایرا وخدای مهربانست بربندگان ای شما

الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافة ولا تتبعوا خطوات
که گرویده اید درآیید در مسلمانی همه و پس روی مکنید گامهای

[illegible]

[illegible] دل اوست [illegible] از کدورت

الشيطان انه لكم عدو مبين * فان زللتم من بعد
دیوان را که او مر شما را دشمنی پیداست * پس اگر بلغزید از پس
ما جاءتكم البينات فاعلموا ان الله عزيز حكيم * هل
آنکه بیامد بشما حجتها پس بدانید که خدا کینه گزار است استوار هیچ
ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملائكة
انتظار نکنند مگر آنکه بیاید بدیشان خدا در سایها از ابر و فرشتگان
وقضي الامر والى الله ترجع الامور * سل بني اسرائيل
و گذارده شود کار و سوی خدا بازگردانند کارها * بپرس یا محمد پسران یعقوب را
كم اتيناهم من اية بينة ومن يبدل نعمة الله من بعد ما
چند دادیمشان از نشان هویدا و هر که بگرداند نعمت خدای را از پس آنکه
جاءته فان الله شديد العقاب * زين للذين كفروا الحيوة
بیاید باو که خدای سخت عقوبت است * آراسته مرآنکسانرا که کافر شدند زندگانی
الدنيا ويسخرون من الذين امنوا والذين اتقوا فوقهم يوم
اینجهان و فسوس میکنند از آنکسها که بگرویدند و آنکسها که پرهیزکردند زبر ایشانند روز
القيمة والله يرزق من يشاء بغير حساب * كان الناس
رستاخیز و خدای روزی دهد آنرا که خواهد بی حساب * بودند مردمان
امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وانزل
یک گروه بفرستاد خدا پیغمبرانرا مژده دهندگان و بیم کنندگان و فرو فرستاد
معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه وما
با ایشان نامه براستی تا داوری کند میان مردمان در آنچه ناهموار گشتند اندر وی و
اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات
ناهموار گشتند اندرو مگر آنکسها که دادند ایشانرا از پس آنکه بیامد بایشان درستیها

عشر

[illegible]

بغيا

بغيا بينهم فهدى الله الذين امنوا لما اختلفوا فيه من
حسدی میان ایشان راه نمود خدا آنکسها که گرویدند بدانچه ناهموار گشتند در وی از
الحق باذنه والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم
راستی بفرمان وی و خدا راه نماید آنرا که خواهد سوی راه راست
ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما ياتكم مثل الذين خلوا
یا پنداشتید که اندرشوید بهشت و نیامده باشد همچنانکه بدانکسها که گذشتند
من قبلكم مستهم الباساء والضراء وزلزلوا حتى
از پیش شما رسید بایشان سختی و تنگی و جنبانیدند ایشانرا تا
يقول الرسول والذين امنوا معه متى نصر الله الا ان نصر الله
بگفت پیغمبر و آنکسها که بگرویدند باوی که باشد یاری خدا بدانید که یاری خدا
قريب * يسئلونك ماذا ينفقون قل ما انفقتم من خير
نزدیک است * پرسند ترا یا محمد چه چیز هزینه کنند بگو آنچه هزینه کنید از نیکی
فللوالدين والاقربين واليتمى والمساكين وابن السبيل
مر پدر و مادر را باید و خویشان نزدیک و یتیمانرا و درویشانرا و ره گذریانرا
وما تفعلوا من خير فان الله به عليم * كتب عليكم القتال
و آنچه بکنید از نیکی که خدای بدان دانا است * نوشته شد بر شما کارزار
وهو كره لكم وعسى ان تكرهوا شيئا وهو خير لكم وعسى ان تحبوا
و آن دشوار مرشما را و دشوار است آن چیز و آن بهتر است مرشما و دوست دارید
شيئا وهو شر لكم والله يعلم وانتم لا تعلمون * يسئلونك
چیزی و آن بدتر مرشما و خدا داند و شما ندانید * همی پرسند ترا
عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير وصد عن سبيل الله
از ماه حرام کارزار کردن اندروی بگو کارزار اندروی بزرگست و بازگردانیدن از راه خدا

حزب

[illegible]

وكفر به والمسجد الحرام واخراج اهله منه اكبر عند الله
وکافر شدن بوی و بازگردانیدن از مزکت حرام و بیرون کردن کسان وی ازوی بزرگتر است نزد خدا
والفتنة اكبر من القتل ولا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم
از وطن بیرون کردن بزرگتر از کشتن و همواره ایشان کارزار کنند باشما تا بازگردانند شمارا
عن دينكم ان استطاعوا ومن يرتدد منكم عن دينه فيمت
از دین شما یعنی مسلمانی اگر بتوانند و هرکه بازگردد از شما از دین خویش بمیرد
وهو كافر فاولئك حبطت اعمالهم في الدنيا والاخرة واولئك
و او کافر باشد ایشانند که تباه گشت کارهای ایشان اندر آنجهان و اندر اینجهان و ایشانند
اصحاب النار هم فيها خالدون ● ان الذين امنوا والذين هاجروا
باشندگان دوزخ ایشان درانجا جاوید باشند آنانکه بگرویدند و آنکه هجرت کرد
وجاهدوا في سبيل الله اولئك يرجون رحمت الله والله
و غزا کردند در راه طاعت خدا ایشانند که امید دارند بخشودن خدا و خدا
غفور رحيم ● يسئلونك عن الخمر والميسر قل فيهما اثم كبير
آمرزنده و بخشاینده همی پرسند ترا یا محمد از می آشامیدن و قمار باختن بگو در آن بزه بزرگ
ومنافع للناس واثمهما اكبر من نفعهما ويسئلونك ماذا
و منفعتهاست مر مردمانرا و بزه آن هردو بزرگتر از منفعتشان و می پرسند ترا یا محمد چه چیز
ينفقون قل العفو كذلك يبين الله لكم الايات لعلكم
هزینه کنند بگو آنچه افزون تر بهمچنین پیدا کند خدای مر شمارا نشانها تا مگر شما
تتفكرون ● في الدنيا والاخرة ويسئلونك عن اليتامى قل
اندیشه کنید اندر اینجهان و روز بازپسین و پرسند ترا یا محمد از بی پدران بگو
اصلاح لهم خير وان تخالطوهم فاخوانكم والله يعلم المفسد
خوب کردن مر ایشانرا بهتر است و اگر آمیخته دارید با ایشان برادران شمااند و خدا داند تباه کار را

من المصلح

[illegible]

[illegible]

عشر

من المصلح ولو شاء الله لاعنتكم ان الله عزيز حكيم ● ولا
از نیکوکاران و اگر خواستی خدا برنج افکندی شمارا یعنی بزه که خدا کینه گذار است و حکیم
تنكحوا المشركات حتى يؤمن ولامة مؤمنة خير من مشركة ولو
زنان مکنید زنان انبازگیرنده را تا بگروند و پرستاری گرویده بهتر از آزادی نگرویده و اگر
اعجبتكم ولا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا ولعبد مؤمن خير من
خوش آید شمارا و بزنی مدهید مر مردان مشرک را تا بگروند و بنده گرویده بهتر از آزاد
مشرك ولو اعجبكم اولئك يدعون الى النار والله يدعوا
نگرویده و اگرچه خوش آید شمارا ایشانند که همی خوانند سوی آتش و خدا همی خواند
الى الجنة والمغفرة باذنه ويبين اياته للناس لعلهم
سوی بهشت و آمرزش بفرمان وی و پیدا همی کند نشانهای خویش مر مردمانرا تا مگر ایشان
يتذكرون ● ويسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا
پند گیرند و پرسند ترا یا محمد از بی نمازی زنان بگو آن رنجی است جدا شوید
النساء في المحيض ~~قل هو~~ اذى فاعتزلوا النساء في المحيض
از زنان در بی نمازی
ولا تقربوهن حتى يطهرن فاذا تطهرن فاتوهن من حيث
و نزدیکی مکنید با ایشان تا پاک شوند بچون پاک کنند بیایید با ایشان از آنجا که
امركم الله ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين ● نساؤكم
فرمودتان خدا که خدا دوست دارد توبه کنندگان را و دوست دارد پاک کنندگان را زنان شما
حرث لكم فاتوا حرثكم انى شئتم وقدموا لانفسكم واتقوا الله
کشتزارند مر شمارا بیایید بکشتزار خویش هرچگونه که خواهید و پیش فرستید مر تنهای خویش را و بترسید از خدا
واعلموا انكم ملاقوه وبشر المؤمنين ● ولا تجعلوا الله عرضة
و بدانید که شما برسیدنی بوی و مژده ده گرویدگانرا و مکنید خدایرا بهانه

[illegible]

[illegible]

که بر عایشه بسته بود و حکایت آنکه [illegible] عبدالله بن رواحه چون قسم خورده بود [illegible] صلاح میان او و خواهر خود نکند

[illegible]

لايمانكم ان تبروا وتتقوا وتصلحوا بين الناس والله سميع عليم

مر سوگندهای شمارا بنکوی کنید و پرهیزکاری کنید وآشتی افکنید میان مردمان وخدا شنوا است کفتار

لا يؤاخذكم الله باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما كسبت

نگیرد شمارا خدا بنادانسته از سوگندهای شما ولیکن بگیرد شمارا بدانچه کرد

قلوبكم والله غفور حليم ۝ للذين يؤلون من نسائهم تربص

دلهای شما وخدا آمرزکار است وبردبار مرآنکسانی راست که ایلا کنند یعنی سوگند میخورند از زنان خویش

اربعة اشهر فان فاءو فان الله غفور رحيم ۝ وان عزموا

چهار ماه پس اگر بازگردند که خدا آمرزنده است وبخشاینده واگر آهنگ کنند

خمس

الطلاق فان الله سميع عليم ۝ والمطلقات يتربصن بانفسهن

بطلاق افگندن که خدا شنوا است ودانا وزنان طلاق داده بپایند بر تنهای خویش

ثلاثة قروء ولا يحل لهن ان يكتمن ما خلق الله في ارحامهن

سه بار نازی وحلال نباشد مرایشان را که پنهان کنند آنچه بیافرید خدا اندر زهدانهای ایشان

ان كن يؤمن بالله واليوم الاخر وبعولتهن احق بردهن

اگر چنان است که گرویده اند بخدا وروز پسین وشوهران ایشان سزاوارترند بباز آوردن ایشان

في ذلك ان ارادوا اصلاحا ولهن مثل الذي عليهن بالمعروف

اندر عده اگر خواهند خوبکاری ومرایشان راست همچنانکه برایشان است بنیکوی

وللرجال عليهن درجة والله عزيز حكيم ۝ الطلاق مرتان

ومر مردان راست برایشان پایهای افزون وخدای کینه گذار است ودرست کار طلاق دادن دو بار است

فامساك بمعروف او تسريح باحسان ولا يحل لكم ان تأخذوا

پس باز داشتن به نیکوی یا رها کردن بنیکوی وحلال نباشد مرشمارا که بستانید

مما اتيتموهن شيئا الا ان يخافا الا يقيما حدود الله فان خفتم

آنچه بداده ید زنان را چیزی مگر که بترسند که راست نتوان داشتن حدهای خدارا اگر بترسید

الاتقيما

[illegible]

الا يقيما حدود الله فلا جناح عليهما فيما افتدت به

که راست نتوان داشتن حدهای خدارا نیست بزه برایشان هر دو اندر آنچه باز خرند خود را بدان

تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن يتعد حدود الله فاولئك

این است حدهای خدا از حد درمگذرید دوری وهر که اندر گذرد از حدهای خدا ایشانند

هم الظالمون ۝ فان طلقها فلا تحل له من بعد حتى تنكح

ایشان ستمکارانند اگر طلاق دهد زن را پس حلال نشود مر او را از پس تا بزنی باشد

حزب

٢٤

زوجا غيره فان طلقها فلا جناح عليهما ان يتراجعا

شوی را جز وی اگر طلاق دهدش نیست بزه برایشان که بیکدیگر باز گردند

ان ظنا ان يقيما حدود الله وتلك حدود الله يبينها لقوم

اگر گمان برند که بپای توانند داشتن حدهای خدارا واین است حدهای خدا پیدا همی کند مر گروهی را

عشر

يعلمون ۝ واذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف

که بدانند وچون طلاق دهید زنان را برسند باجل خویش یعنی عدت بدارید مر ایشان را بنیکوی

او سرحوهن بمعروف ولا تمسكوهن ضرارا لتعتدوا ومن يفعل ذلك

یکبار رها کنید ایشان را بنیکوی ومدارید ایشان را بزیان کاری تا ستم کنید وهر که بکند آن

فقد ظلم نفسه ولا تتخذوا ايات الله هزوا واذكروا نعمة الله

بحقیقه ستم کرده باشد برتن خویش ومگیرید آیتهای خدارا بافسوس یاد کنید نعمت خدارا

عليكم وما انزل عليكم من الكتاب والحكمة يعظكم به

برشما وآنچه فرو فرستاد برشما از نامه یعنی قرآن وسخن صواب یعنی پند گوید شمارا

واتقوا الله واعلموا ان الله بكل شيء عليم ۝ واذا طلقتم النسا

وبترسید از خدا وبدانید که خدا بهر چیزی داناست وچون طلاق دهید زنان را

فبلغن اجلهن فلا تعضلوهن ان ينكحن ازواجهن اذا تراضوا

برسند باجل خویش باز مدارید ایشان را که بزنی باشند شویان خویش را چون از یکدیگر

[illegible]

بينهم بالمعروف ذلك يوعظ به من كان منكم يؤمن بالله

میان یکدیگر به نیکویی این است که پند دهی بوی هر که هست از شما گرویده بخدا

واليوم الاخر ذلكم ازكى لكم واطهر والله يعلم وانتم لا تعلمون

و روز بازپسین ایتان آزونتر و نیکوتر شمارا و خدا داند و شما ندانید

والوالدات يرضعن اولادهن حولين كاملين لمن اراد ان

و مادران شیر دهنده فرزندان خویش را دو سال تمام مرآنکس که خواهد که

يتم الرضاعة وعلى المولود له رزقهن وكسوتهن بالمعروف لا

تمام کند شیر دادن و بر آنکه فرزند او است یعنی پدر روزی ایشان و پوشش ایشان به نیکویی

تكلف نفس الا وسعها لا تضار والدة بولدها ولا مولود

تکلیف نکنند هیچ تنی را مگر بتوانایی او گزند نکنند مادر را بفرزندش و نه مرد آنکه فرزند

له بولده وعلى الوارث مثل ذلك فان ارادا فصالا عن تراض

اوست یعنی پدر بفرزندش و بر میراث خواره همچنان است اگر خواهند مادر و پدر شیر باز کردن از خشنودی

منهما وتشاور فلا جناح عليهما وان اردتم ان تسترضعوا

یکدیگر و مشورت کردن نیست بزه بر ایشان و اگر خواهید که شیر دهید فرزندان

اولادكم فلا جناح عليكم اذا سلمتم ما اتيتم بالمعروف

فرزندان شمارا نیست بزه بر شما چون بسپارید آنچه بدادند به نیکویی

واتقوا الله واعلموا ان الله بما تعملون بصير ۝ والذين يتوفون

و بترسید از خدا و بدانید که خدا بدانچه همی کنید بیناست و آنکه که میرند

منكم ويذرون ازواجا يتربصن بانفسهن اربعة اشهر وعشرا

از شما و بمانند زنان را باید بپایند به تنهای خویش چهار ماه و ده روز

فاذا بلغن اجلهن فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهن

و چون رسند باجل خویش یعنی عده نیست بزه بر شما از آنچه کنند اندر تنها خویش

[illegible]

بالمعروف

٢٥

[illegible]

بالمعروف والله بما تعملون خبير ۝ ولا جناح عليكم فيما

به نیکویی و خدای بدانچه همی کنید آگاه است و نیست بزه بر شما بدانچه

عرضتم به من خطبة النساء او اكننتم في انفسكم علم الله

نمایش کنید بوی از خواستن زنان یا پنهان دارید در تنهای خویش داناست خدا

انكم ستذكرونهن ولكن لا تواعدوهن سرا الا ان تقولوا

که شما زود یاد کنید ایشان را و لیکن و لیکن وعده مکنید ایشان را جماع کردن مگر که گویید

قولا معروفا ولا تعزموا عقدة النكاح حتى يبلغ الكتاب

سخن نیکو و آهنگ مکنید بستن نکاح تا برسد نامه

اجله واعلموا ان الله يعلم ما في انفسكم فاحذروه واعلموا

باجل خویش یعنی عده و بدانید که خدا بداند آنچه در تنهاست پرهیزید ازوی و بدانید

ان الله يعلم ما في انفسكم فاحذروه واعلموا ان الله غفور

که خدای بداند آنچه در تنهای شماست پرهیزید ازوی و بدانید که خدای آمرزگار است

حليم ۝ لا جناح عليكم ان طلقتم النساء ما لم

بردبار نیست بزه بر شما اگر طلاق دهید زنان را آنکه نه

تمسوهن او تفرضوا لهن فريضة ومتعوهن على الموسع قدره

سوده باشید ایشان را یا ببریده باشید ایشان را بریده یعنی کاوین و برخورداری دهید ایشان را بر توانگری باندازه وی

وعلى المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا على المحسنين ۝

و بر درویش باندازه برخورداری به نیکویی واجب بر نیکوکاران

وان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن وقد فرضتم لهن

و اگر طلاق دهید ایشان را از پیش آنکه بساوید ایشان را و بریده باشید ایشان را

فريضة فنصف ما فرضتم الا ان يعفون او يعفوا الذي

بریده یعنی کاوین نیمه آنچه بریده اید مگر اندر گذارد زن و یا در گذارد آنکه

حسن

[illegible]

این
تفسیر از حضرت
ابی جعفر و ابی عبدالله ع
مرویست و بعضی از مفسرین
گفته اند که مراد از الذی بیده عقدة النکاح
زوج است و حاصل معنی چنین گفته اند که بسبب
طلاق قبل از دخول هرگاه مهر در عقد مذکور باشد نصف
مهر بر زوج لازم است مگر اگر زن از سر آن نصف هم بگذرد و بزوج بخشد یا اگر زوج آن نصف را که متعلق بوی هم بزن بخشد

بيده عقدة النكاح ط وان تعفوا اقرب للتقوى ج ولا
بدست ویست بند زناشوی یعنی شوی تمام بدهد و اگر اندر گذارید نزدیکتر بود بپرهیزگاری و
تنسوا الفضل بينكم ط ان الله بما تعملون بصير ۝ حافظوا
فراموش مکنید فضل و مروت کردن میان یکدیگر که خدای بدانچه شما کنید بیناست نگهدار باشید
على الصلوات والصلوة الوسطى ق وقوموا لله قانتين ۝ فان
بر نمازها و نماز بهترین میانگین یعنی نماز دیگر و بپای باشید خدای را فرمانبردار اگر
خفتم فرجالا او ركبانا ج فاذا امنتم فاذكروا الله كما علمكم
بترسید پیادگان یا برنشستگان چون ایمن گردید یاد کنید خدای را همچنانکه بیاموزد
ما لم تكونوا تعلمون ۝ والذين يتوفون منكم ويذرون ازواجا
آنچه نبودید که دانستید و آنهاکه بمیرند از شما و بگذارند زنانی
وصية لازواجهم متاعا الى الحول غير اخراج ج فان خرجن
اندرز باید کردن مر زنان خویش را برخورداری تا سالی بجز بیرون کردن اگر بیرون روند
فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهن من معروف ط
نیست بزه بر شما درآنچه بکنند در تنهای خویش از نیکویی
والله عزيز حكيم ۝ وللمطلقات متاع بالمعروف ط حقا على
و خدای استوارکارست و صواب. و مر زنان طلاق داده را برخورداری باید دادن بنیکویی واجبی
المتقين ۝ كذلك يبين الله لكم اياته لعلكم تعقلون
بر پرهیزکاران و همچنین پدید میکند خدا مر شما را حجتهای خویش تا مگر شما دریابید
الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت
نگه نکردی یا محمد بر آنها که بیرون رفتند از سرای خویش و ایشان هزاران بودند از بیم مرگ
فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ط ان الله لذو فضل على الناس
گفت مر ایشان را خدا بمیرید باز زنده کرد ایشان را که خدای خداوند افزونیست بر مردمان

[illegible]

ولكن اكثر الناس لا يشكرون ۝ وقاتلوا في سبيل الله واعلموا
ولیکن بیشتر مردمان سپاسداری نکنند و کارزار کنید اندر راه خدای و بدانید
ان الله سميع عليم ۝ من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا
که خدا شنوا و دانا بگفتارها کیست آنکس که قرض دهد خدای را وامی نیکو
فيضاعفه له اضعافا كثيرة ط والله يقبض ويبصط ص واليه
تا افزون کند او خدا مر او را افزونها بسیار و خدا تنگ گرداند و فراخ گرداند و سوی وی
ترجعون ۝ الم تر الى الملا من بني اسرائيل من بعد موسى
بازگردانند شما را نگاه نکردی یا محمد سوی مهتران از پسران یعقوب از پس موسی
اذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا نقاتل في سبيل الله ط قال هل
چون گفتند مر پیغمبری گروه ایشان را بفرست ما را پادشاهی تا کارزار کنیم اندر راه خدا گفت هیچ
عسيتم ان كتب عليكم القتال الا تقاتلوا ط قالوا وما لنا
شاید که اگر نویسند بر شما کارزار نکنید کارزار گفتند و چه بوده است ما را
الا نقاتل في سبيل الله وقد اخرجنا من ديارنا وابنائنا ط
که نکنیم کارزار در راه خدا و بحقیقت بیرون کردند ما را از سرایهای ما و پسران ما
فلما كتب عليهم القتال تولوا الا قليلا منهم ط والله عليم
چون نوشته شد بر ایشان کارزار برگشتند مگر اندکی از ایشان و خدا داناست
بالظالمين ۝ وقال لهم نبيهم ان الله قد بعث لكم طالوت
به بیدادگران و گفت مر ایشان را پیغمبرشان که خدا بفرستاد مر شما را طالوت
ملكا ط قالوا انى يكون له الملك علينا ونحن احق بالملك منه
پادشاه گفتند کجا بود مر او را پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم بپادشاهی از وی
ولم يؤت سعة من المال ط قال ان الله اصطفيه عليكم وزاده
و نداد وسعت فراخی از خواسته گفت که خدا برگزیده وی را بر شما و بیفزود وی

[illegible]

بسطة في العلم والجسم والله يؤتي ملكه من يشاء والله
گستردن در دانش و تن وخدا بدهد پادشاهی خویش ازا که خواهد وخدا
واسع عليم ۝ وقال لهم نبيهم ان اية ملكه ان ياتيكم التابوت
فراخ عطا و دانا است وگفت با ایشان پیغمبر ایشان که نشان پادشاهی وی آنست که بیاید بشما تابوت
فيه سكينة من ربكم وبقية مما ترك آل موسى وآل هرون
اندروی آرامش از خدای شما و بازمانده از آنچه دست باز داشتند مردمان موسی و مردمان هرون
تحمله الملائكة ان في ذلك لاية لكم ان كنتم مؤمنين ۝
برداشته مر او را فرشتگان اندر آن تابوت نشانیست مر شما را اگر هستید گرویدگان
فلما فصل طالوت بالجنود قال ان الله مبتليكم بنهر فمن
اکنون بیرون شد طالوت سپاه را گفت که خدای آزموده کند شما را بجویی هرکه
شرب منه فليس مني ومن لم يطعمه فانه مني الا من اغترف
بخورد ازوی نیست از من و هرکه نخورد ازوی وی از من است مگر آنکه برگیرد
غرفة بيده فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه هو والذين
یک برگرفتن بدست خویش بخوردند ازوی مگر اندکی از ایشان چون بگذشت از آن جوی وی و آنها
آمنوا معه قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت وجنوده قال
که بگرویده بودند با وی گفتند توانایی نیست مارا امروز بجالوت و سپاه وی گفت
الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت
آنکسانیکه گمان بردند که ایشان بخواهند رسیدن بخدا چند از گروهی اندک غلبه کردند
فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين ۝ ولما برزوا
گروهی بسیار را بفرمان خدا وخدا با شکیبایان است وچون بیرون شدند
لجالوت وجنوده قالوا ربنا افرغ علينا صبرا وثبت اقدامنا
مر جالوت را و سپاه ویرا گفتند یا خداوند ما فرو ریز بر ما شکیبایی و استوار دار پایهای

[illegible]

وانصرنا

[illegible]

عشر

۲۷

الجزو الثالث

[illegible]

وانصرنا على القوم الكافرين ۝ فهزموهم باذن الله و
و یاری ده مارا بر گروه ناگرویدگان پس بشکستند ایشان را بفرمان خدای و
قتل داود جالوت وآتيه الله الملك والحكمة وعلمه مما
بکشت داود جالوت را و بداد اوش خدا پادشاهی و سخن صواب و بیاموزیدش از آنچه
يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض
خواست واگر نه بازداشت خدایستی مردمان بهری از ایشان بهری تباه گشتی یعنی ویران زمین
ولكن الله ذو فضل على العالمين ۝ تلك آيات الله
ولیکن خدا خداوند افزونیست بر همه خلق این است نشانهای خدا
نتلوها عليك بالحق وانك لمن المرسلين ۝ تلك
همی خوانیم ان را بر تو براستی و تو از پیغمبرانی ان
الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كلم الله
پیغمبران بود فزون کردانیدیم بهری از ایشان بر بهری از ایشان که سخن گفت خدا با وی
ورفع بعضهم درجات وآتينا عيسى ابن مريم البينات
و برداشت بهری از ایشان بمراتب و بدادیم عیسی پسر مریم را درستیها و حجتها
وايدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين
و نیرومند کردیمش بجبرئیل پاکیزه واگر خواستی خدا کارزار نکردندی آنها که
من بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا
از پس ایشان بودند از پس آنکه بیامد بایشان درستیها ولیکن ناهموار گشتند
فمنهم من آمن ومنهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا
پس از ایشان کسی بود که بگروید و از ایشان کسی بود که نگروید واگر خواستی خدا کارزار نکردندی
ولكن الله يفعل ما يريد ۝ يا ايها الذين آمنوا انفقوا
ولیکن خدا کند آنچه خواهد ای آنها که گرویدید هزینه کنید

مما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا
از آنچه روزی دادیم شما را از پیش آنکه بیاید روزی که نباشد در وی خرید و فروخت و نه دوستی و نه
شفاعة والكافرون هم الظالمون ۝ الله لا اله الا هو الحي القيوم
خواهشی و ناگرویدگان ایشانند که بیدادگرانند خدا ایستکه نیست خدای مگر او زنده که [illegible]
لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من
نگیرد او را غنودن و نه خواب مر او راست آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمین است کیست
ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما
آنکسی که خواهش کند نزد وی مگر بدستوری وی بداند آنچه پیش ایشان است و آنچه
خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
از پس ایشان است و در نرسند بچیزی از دانش وی مگر بدانچه خواهد و فراخست کرسی وی
السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم ۝
گفته اند ملک وی اندر آسمانها و زمین و رنجه ندارد او را نگاهداشتن آسمان و زمین و وی برترست پادشاهی بزرگ
لا اكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر
نیست هیچ اکراه در دین یعنی اسلام هر آینه پیدا آمد راستی از بیراهی هر که کافر گردد
بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى
به بتان و بگرود بخدا چنگ اندر زد بگوشه استوارترین
لا انفصام لها والله سميع عليم ۝ الله ولي الذين امنوا
که گسستگی نباشد مر او را و خدا شنواست و داناست خدا یار و دوست کسانیکه گرویدند
يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا اولياؤهم
بیرون آرد ایشان را از تاریکیهای کفر سوی روشنایی اسلام و آنکسها که کافر گردیدند دوستان ایشان
الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك اصحاب
بتانند و دیوان بیرون آرند ایشان را از روشنایی سوی تاریکیهای باطل ایشانند باشندگان

از حضرت ابو جعفر علیه السلام [illegible]
[illegible]
ق [illegible]
[illegible] ۲

خمس

از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روایت است و
بعضی از مفسرین هم چنین گفته اند
مانند مجاهد و قتاده و بعضی گفته
اند [illegible]
و بعضی ساحر و کاهن گفته اند و بعضی
معبود غیر خدا گفته اند و بعضی
شیطان [illegible] ۴

النار هم فيها خالدون ۝ الم تر الى الذي حاج ابراهيم
دوزخ ایشان اندر آنجا جاودان باشند نگاه نکنی ای محمد سوی آنکس که حجت آورد یعنی نمرود با ابراهیم
في ربه ان اتيه الله الملك اذ قال ابراهيم ربي الذي يحيي
اندر خداوندی وی برآنکه بداد وی را خدا پادشاهی چون گفت ابراهیم خداوند من آنست که زنده کند
ويميت قال انا احيي واميت قال ابراهيم فان الله ياتي بالشمس
و بمیراند گفت نمرود من زنده گردانم و بمیرانم گفت ابراهیم که خدا بیارد آفتاب را
من المشرق فات بها من المغرب فبهت الذي كفر والله لا
از مشرق بیاور تو او را از مغرب فروماند آنکه کافر بود یعنی نمرود و خدا
يهدي القوم الظالمين ۝ او كالذي مر على قرية وهي
راه ننماید گروه ستمکاران را یا آنکسی که برگذشت بر دهی یعنی عزیر پیغمبر و آن ده
خاوية على عروشها قال انى يحيي هذه الله بعد موتها
فرو افتاده بود بر سقفهای خویش گفت چگونه زنده گرداند این ده را خدا از پس مرگ آن
فاماته الله مائة عام ثم بعثه قال كم لبثت قال لبثت
پس بمیرانیدش خدا صد سال باز برانگیختش گفت چند درنگ کردی گفت درنگ کردم
يوما او بعض يوم قال بل لبثت مائة عام فانظر الى
روزی یا بهره از روزی گفت درنگ کردی صد سال بنگر سوی
طعامك وشرابك لم يتسنه وانظر الى حمارك ولنجعلك
طعام تو و شراب تو که برنگشت و بنگر سوی خر تو و تا بگردانیمت
اية للناس وانظر الى العظام كيف ننشزها ثم نكسوها
نشانی مر مردمان را و بنگر سوی استخوانها چگونه بجنبانیمش باز بپوشانیمش
لحما فلما تبين له قال اعلم ان الله على كل شيء قدير ۝
گوشتی و چون پدید آمد مر او را گفت بدانم که خدا بر همه چیزی تواناست

[illegible]

[illegible]

هو

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن
وچون گفت ابراهیم با خداوند من بنمای مرا که چون زنده کنی مردگان را گفت نه بگرویدی
قَالَ بَلَى وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ
گفت آری گرویده‌ام ولیکن تا بیارامد دل من گفت بستان چهار از مرغ
فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ
و بیارشان سوی خویش باز ببر بر هر کوه از ایشان پاره باز بخوانشان
يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَّثَلُ الَّذِينَ
تا بیایند سوی تو دوان و بدانکه خدا عزیز است در کار خویش حکیم است در چیزی داستان آنکه
يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ
هزینه کنند خواستهای خویش در راه خدای همچون داستان دانه است بروید هفت
سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ
خوشه اندر هر خوشه صد دانه و خدا افزون کند
لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
مر آنرا که خواهد و خدا فراخ عطا و داناست آنکسانکه هزینه کنند خواستهای خویش را
فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَّهُمْ
در راه خدا باز از پس براند آنرا که هزینه کنند منت نهادن و نه رنجانیدن مر ایشان را
أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝
مزد ایشان نزد خداوند ایشان و نیست بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین
قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ
گفتاری نیکو و بخشایش و عیب پوشیدن بهتر از صدقه که از پس آید رنجی و آزاری و خدا
غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم
بی‌نیاز است و بردبار ای شما که گرویدگانید تباه مکنید صدقهای خویش را

بالمن

از حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

۲۹

هو

بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ
بمنت نهادن و آزردن چون کسی که هزینه کند خواسته خویش دیدار خلق را و ایمان ندارد
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ
بخدا و روز بازپسین داستان او همچون داستان سنگی سوده بروی خاک
فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا
برسد بوی باران تیز و پس بزداید او را از غبار توانا نگردند بر چیزی از آنچه
كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِينَ
کردند و خدا راه ننماید گروه ناگرویدگان را و داستان آنکسها
يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا
که هزینه کنند خواستهای خویش جستن خشنودی خدایرا و استواری
مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا
از تنهای خویش چون داستان بوستانیست به بلندی برسد بوی باران بزرگ قطره پس بدهد بار
ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝
دو چندان اگر نرسد بدان بوستان باران بزرگ قطره باران نرم و خدا آنچه می کنید بیناست
أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
هرگز دوست دارد یکی از شما که باشد مر او را بوستانی از خرمابنان و انگورها
تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ
می رود از زیر آن جویها مر او را اندر آنجا از هر میوه و برسید بدو پیری
الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ
بزرگ و مر او راست فرزندگان ضعیفان پس رسد بدان باد تند و گرم که درو آتش است بسوزد
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝
همچنین پیدا کند خدا مر شما را حجتها تا مگر شما اندیشه کنید

خمس

[illegible]

[illegible]

يا أيها الذين آمنوا أنفقوا من طيبات ما كسبتم ومما
ای آنکسها که ایمان آورده هزینه کنید از پاکیها وحلالها آنچه کسب کردید وازانچه
أخرجنا لكم من الأرض ولا تيمموا الخبيث منه تنفقون
بیرون آوردیم مرشمارا از زمین وقصد مکنید پلید وحرام ازوی که هزینه کنید
ولستم بآخذيه إلا أن تغمضوا فيه واعلموا أن الله غني
ونیستید شما گیرندگان آن مگر که چشم خوابانید ازوی وبدانید که خدا توانگرست
حميد ۝ الشيطان يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء
ستوده دیوان وعده کنند شمارا درویشی وبفرمایند شمارا بناخوبی
والله يعدكم مغفرة منه وفضلا والله واسع عليم
وخدا وعده کند شمارا آمرزشی ازوی وافزونی وخدا فراخ عطاودانا ست
يؤتي الحكمة من يشاء ومن يؤت الحكمة فقد أوتي خيرا
بدهد سخن صواب یعنی فقه آنرا که خواهد وهرکه بدهد حکمت یعنی علم قرآن داده باشدش نیکوی
كثيرا وما يذكر إلا أولوا الألباب ۝ وما أنفقتم من
بسیار وپند نپذیرد مگر خداوند خردها وآنچه هزینه کنید از
نفقة أو نذرتم من نذر فإن الله يعلمه وما للظالمين
هزینه یا پیمان کنید از پیمانی بس بدرستی که خدا بداندورا ونباشد بیدادگرانرا
من أنصار ۝ إن تبدوا الصدقات فنعما هي وإن تخفوها
هیچ یاری کنندگان اگر آشکارا دهید صدقها را نیک کاریست آن واگر پنهان دارید
وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم ويكفر عنكم من سيئاتكم
وبدهید آنرا درویشان آن بهترست شمارا وبپوشانیم از شما از بدیهاء
والله بما تعملون خبير ۝ ليس عليك هداهم ولكن الله
وخدا بدانچه می کنید داناست نیست برتو راه نمودن ایشان ولیکن خدا

يهدي

يهدي من يشاء وما تنفقوا من خير فلأنفسكم وما تنفقون
راه نماید آنرا که خواهد وآنچه هزینه کنید از نیکوها وتنهای خویش را وهزینه مکنید
إلا ابتغاء وجه الله وما تنفقوا من خير يوف إليكم وأنتم
مگر جستن خوشنودی خدایرا وآنچه هزینه کنید از نیکوها تمام داده شود بشما ازان وشما
لا تظلمون ۝ للفقراء الذين أحصروا في سبيل الله لا يستطيعون
بیداد نکنید عجب مرآن درویشان را که بازداشته شدند در طاعت خدا نتوانند
ضربا في الأرض يحسبهم الجاهل أغنياء من التعفف تعرفهم
رفتن اندر زمین پندارد ایشان نادان بحال ایشان توانگرانند از خویشتن داری بشناسی ایشانرا
بسيماهم لا يسألون الناس إلحافا وما تنفقوا من خير فإن الله
ایشان روی ایشان نخواهند از مردمان بالحاح وآنچه هزینه کنید از نیکوی که خدا
به عليم ۝ الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار
بدان داناست آنکسانی که هزینه کنند خواستهای خویش بشب وروز
سرا وعلانية فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم
پنهان وآشکارا مرایشانراست مزد ایشان نزد خداوندشان ونباشد بیمی برایشان
ولا هم يحزنون ۝ الذين يأكلون الربوا لا يقومون إلا
ونه ایشان اندوه خورند آنکسانی که بخورند ربا برنخیزند مگر
كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس ذلك
چنانکه برخیزد آنکه فروگیرد ورا دیو از دیوانگی این
بأنهم قالوا إنما البيع مثل الربوا وأحل الله البيع
بدان باشد که ایشان گفتند که خرید وفروخت همچون رباست وحلال کرد خدا بیع را
مثل الربوا وأحل الله البيع وحرم الربوا فمن جاءه
وحرام کرد ربارا بس هرکه بیاید وی

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که [illegible] در باب جمعی [illegible] حلال [illegible]

حضرت صادق علیه السلام [illegible] تفسیر [illegible] قرآن [illegible] صلی الله علیه وآله [illegible]

عشر

از حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

از حضرت امام محمد باقر وامام جعفر صادق علیهما السلام مرویست
که این آیه الذین ینفقون اموالهم در شان حضرت سید
الاوصیا امیر المومنین علیه السلام نازل شده وبوده است که آنحضرت
چهار درم داشت یکی را در روز صدقه کرد ویکی را در شب
پنهان ودیگری را آشکارا واز اکثر مفسرین از ابن عباس هم
در کتب عامه حکایت شده

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible]

حزب

خمس

[illegible]

عشر

موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف وامره الى الله ومن
پندی از خداوندوی باز ایستد از ربا او راست آنچه گذشت و کار وی باسوی خدایست و هر که
عاد فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ يمحق الله الربوا
بازگردد ایشانند باشندگان دوزخ ایشان اندر آنجا جاودان باشند هلاک کند خدا خواسته ربا
ويربي الصدقات والله لا يحب كل كفار اثيم ۝ ان الذين
و بیفزاید صدقها را و خدا دوست ندارد هر ناسپاسداری بزه‌کار آنکسها که
امنوا وعملوا الصالحات واقاموا الصلوة واتوا الزكوة
بگرویدند و بکردند نیکیها و بپای داشتند نماز را و بدادند زکوة را
لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ يا
مر ایشانراست مزد ایشان نزد خداوند ایشان و نیست بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوه خورند ای
ايها الذين امنوا اتقوا الله وذروا ما بقي من الربوا ان كنتم مؤمنين
آنکسها که ایمان آوردید بترسید از خدا و دست بازدارید آنچه مانده است از ربا اگر هستید گرویدگان
فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله وان تبتم فلكم
پس اگر نه کنید بدانید بجنگی از خدا و پیغمبر وی و اگر توبه کنید مر شماراست
رؤس اموالكم لا تظلمون ولا تظلمون ۝ وان كان ذو عسرة
سرمایهای خواستهای شما مکاهید و نکاهند شمارا و اگر باشد وامداری درویشی
فنظرة الى ميسرة وان تصدقوا خير لكم ان كنتم تعلمون ۝
زمان باید دادن تا وقت توانگری و اگر صدقه کنید بهتر مر شمارا اگر هستید دانید
واتقوا يوما ترجعون فيه الى الله ثم توفى كل نفس ما كسبت
و بترسید از روزی [illegible] روزی که بازگردانید در آن روز سوی خدا باز تمام داده شود هر تنی را آنچه کرده است
وهم لا يظلمون ۝ يا ايها الذين امنوا اذا تداينتم بدين الى اجل
و ایشان ستم نکنند ای آنکسها که بگرویدید چون وام دهید یکدیگر را وامی تا اجل

مسمی

[illegible]

مسمى فاكتبوه وليكتب بينكم كاتب بالعدل ولا ياب كاتب
نام پس نویسید اورا و بنویسید میان شما نویسنده بداد و باز نایستد نویسنده
ان يكتب كما علمه الله فليكتب وليملل الذي عليه الحق
که بنویسد چنانکه بیاموزید پس خدا بنویسید و املا کند آنکه بروی واجبست
وليتق الله ربه ولا يبخس منه شيئا فان كان الذي عليه
و بترسید از خدا پروردگار خویش و نکاهد از وام وی چیزی اگر باشد آنکس که بروی
الحق سفيها او ضعيفا او لا يستطيع ان يمل هو فليملل
وام است سفیهی یعنی نادان یا کم خرد یا ناتوان یا نتواند که املا کند یعنی تقریر پس املا کند
وليه بالعدل واستشهدوا شهيدين من رجالكم فان لم
یار وی بداد یعنی راستی و گواه کنید دو گواه از مردان شما یعنی مسلمانان و اگر
يكونا رجلين فرجل وامراتان ممن ترضون من الشهداء ان
نباشد دو مرد مردی باید و دو زن از آنکسها که بپسندید از گواهان تا اگر
تضل احديهما فتذكر احديهما الاخرى ولا ياب
فراموش کند یکی از این دو زن پس یاد دهد یکی از این دو زن مر آن دیگر را و باز نایستد
الشهداء اذا ما دعوا ولا تسئموا ان تكتبوه صغيرا او كبيرا
گواهان چون بخوانند ایشان را و ستوه مشوید که نویسید آن وین را خرد یا بزرگ
الى اجله ذلكم اقسط عند الله واقوم للشهادة وادنى
تا زمان وی آن تمامتر بداد نزد خدا و درست‌تر مر گواهی را و نزدیکتر
الا ترتابوا الا ان تكون تجارة حاضرة تديرونها بينكم
که بگمان نشوند مگر که باشد بازرگانی دست بدست که همی گردانید مر آنرا میان شما
فليس عليكم جناح الا تكتبوها واشهدوا اذا تبايعتم
پس نیست بر شما بزه که ننویسید آنرا و گواه کنید چون خرید و فروخت کنید

٣٤

[illegible]

ولا يضار كاتب ولا شهيد وان تفعلوا فانه فسوق بكم
وزیان نباید کردن نویسنده ونیز گواه را واگر بکنید آن بیفرمانی باشد از شما
واتقوا الله ويعلمكم الله والله بكل شيء عليم وان كنتم
وبترسید از خدا وبیاموزاند شمارا خدا وخدا بهر چیز داناست واگر باشید
على سفر ولم تجدوا كاتبا فرهان مقبوضة فان امن بعضكم
بر سفر ونیابید نویسنده گروکان بایدستاده اگر ایمن باشد بهره از شما
بعضا فليؤد الذي اؤتمن امانته وليتق الله ربه ولا تكتموا
بهره پس باید که او اکند آنکس که ایمن داشتند امانه خویش وبترسید از خدا پروردگار خویش وپنهان مکنید
الشهادة ومن يكتمها فانه اثم قلبه والله بما تعملون عليم
گواهی وهر که پنهان دارد گواهی بزه کارست دل وی وخدا بدانچه همی کنید داناست
لله ما في السموات وما في الارض وان تبدوا ما في انفسكم
مر خدار است آنچه اندر آسمان وآنچه اندر زمین است واگر آشکار کنید آنچه اندر تنهای شماست
او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من
یا پنهان دارید آنرا شمار کند با شما بدان خدا وبیامرزد آنرا که خواهد وعذاب کند آنرا
يشاء والله على كل شيء قدير امن الرسول بما
خواهد وخدا بر همه چیز تواناست بگروید پیغمبر بدانچه
انزل اليه من ربه والمؤمنون كل امن بالله وملائكته
فرو فرستادند سوی وی از خداوند وی ومؤمنون همه گروید بخدا وفرشتگان وی
وكتبه ورسله لا نفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا
کتابهای وی وپیغمبر وی همیگویند جدا نکنیم میان یکی از پیغمبران وی وگفتند شنیدیم
واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير لا يكلف الله
وفرمانبرداریم آمرزش بیامرز مارا بآمرزش خویش ای خداوند وسوی تست بازگشتن ما اندر نخواهد خدا

[illegible]

نفسا

[illegible]

نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا
از تنی مگر توانایی وی مر او راست آنچه کند از نیکی وبر ویست آنچه کند از بدی ای خداوند ما
لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا
مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم ای خداوند ما وبر منه بر ما بار گران
كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة
چنانکه بر نهادی بر آنکسها که از پیش ما بودند ای خداوند وبار منه مارا آنچه توانایی نیست
لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولينا
مارا بروی واندر گذار از ما وبیامرز مارا وببخشای مارا توئی خداوند ما ونگهدار ما
فانصرنا على القوم الكافرين
ویاری ده مارا برگروه ناگرویدگان

سورة آل عمران مدنية مائتا آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای رحمن که بهر کس [illegible]
الم الله لا اله الا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب بالحق
منم خدای خداییست که نیست خدا مگر او زنده که پاینده همیشه بود فرستاد بر تو نامه یعنی قرآن براستی
مصدقا لما بين يديه وانزل التورية والانجيل من قبل
راست دارنده مرآنرا که پیش از وی بود وفرو فرستاد توریه بر موسی وانجیل بر عیسی از پیش
هدى للناس وانزل الفرقان ان الذين كفروا بايات الله
نماینده مر مردمان وفرو فرستاد قرآن آنکسها که کافر شدند بآیتهای خدا
لهم عذاب شديد والله عزيز ذو انتقام ان الله لا يخفى
مر ایشان راست عذابی سخت وخدا سخت گیر کینه گذارست بدرستی که خدای نپوشیده
عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم في
بروی چیزی اندر زمین ونه اندر آسمان وی است آنخدایی که بیافرید صورت شما اندر

[illegible]

فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم هو الذی
اندر زهدانها هرچه گونه که خواهد نیست خدا مگر وی استوار کار و صوابکار وی است آنکه
انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و
فرو فرستاد بر تو نامه یعنی قرآن از وی آیتهاست استوار کرده یعنی پدید کرده آن ایشانند مر بنیاد نامه اند و دیگر
اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما
آیتها اند مانند یکدیگر پس آنکسها که اندر دلهای ایشان سوی باطل گرایشت پیروی کنند آنرا
تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله
که مانند یکدیگر است از وی جستن تشویش و آشوب را و جستن تفسیر وی و نداند تفسیر وی
الا الله والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند
مگر خدا و استواران در دانش گویند گرویدیم بوی همه از نزد
ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا
خداوند ما و پند نپذیرد مگر خداوندان خردها ای خداوند ما کژ مگردان دلهای ما را
بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت
پس آنگه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزدیک خویش بخشایشی که تو ئی تو
الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه
بخشنده یا خداوند ما تو گرد آرنده مردمانی مر روزی را که نیست گمان اندر وی
ان الله لا یخلف المیعاد ان الذین کفروا لن تغنی عنهم
که خدا خلاف نکند وعده را آنکسها که کافر گشتند هرگز باز ندارد از ایشان
اموالهم ولا اولادهم من الله شیئا واولئک هم وقود النار
خواستهای ایشان و نه فرزندان ایشان از خدا چیزی و ایشانند که ایشان هیزم آتشند
کداب آل فرعون والذین من قبلهم کذبوا بآیاتنا فاخذهم الله
چون خوی مردمان فرعون و آنکسها که از پیش ایشان بودند بدروغ داشتند آیتهای ما را گرفت ایشانرا خدا

بذنوبهم

عشر

بذنوبهم والله شدید العقاب قل للذین کفروا ستغلبون
بگناهان ایشان و خدا سخت عقوبت است بگو یا محمد مر آنکسها را که کافر گشتند زود مغلوب شوند
وتحشرون الی جهنم وبئس المهاد قد کان لکم آیة فی فئتین
و گرد آورند شما را سوی دوزخ و بد گستردنی است بحقیقه بود مر شما را نشانی اندر دو گروه
التقتا فئة تقاتل فی سبیل الله واخری کافرة یرونهم مثلیهم
که روی بروی آمدند گروهی کارزار میکنند اندر راه خدا و گروهی دیگر کافر بودند همی دیدند مر ایشان را دو چندان
رای العین والله یؤید بنصره من یشاء ان فی ذلک لعبرة
بدیدار چشم و خدا نیرومند گرداند بیاری خود آنرا که خواهد بدرستی که اندرین نشانی است پند است
لاولی الابصار زین للناس حب الشهوات من النساء
مر خداوندان بینایها را آراسته شد مردمان را دوستی آرزوها از زنان
والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل
و پسران و بدرهای یک بر دیگر نهاده از زر یعنی طلا و سیم یعنی نقره و اسبان
المسومة والانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا
نشان کرده و چهارپایان و کشت این است برخورداری زندگانی این جهان
والله عنده حسن المآب قل اؤنبئکم بخیر من ذلکم
و خدا نزد ویست نیکو جای بازگشتن بگو یا محمد آگاهی دهم شما را بهتر از ایشان
للذین اتقوا عند ربهم جنات تجری من تحتها الانهار
مر آنکسها را که پرهیزگار گشتند نزد خداوند ایشان بوستانها همی رود از زیر آن جویها
خالدین فیها وازواج مطهرة ورضوان من الله والله بصیر
جاودانان اندر آنجا و زنانی پاک کرده شده و خشنودی از خدا و خدا بیناست
بالعباد الذین یقولون ربنا اننا آمنا فاغفر لنا ذنوبنا
بـ بندگان آنکسها که گویند ای خدای ما بگرویدیم پس بیامرز مر ما را گناهان ما

خمس

وقنا عذاب النار ۝ الصابرين والصادقين والقانتين
ونگهدار ما را عذاب دوزخ شکیبایان اند بمحنه و راست گویان بشهادت و نوی خوانان امر خدا
والمنفقين والمستغفرين بالاسحار ۝ شهد الله انه لا اله
و هزینه کنان بطاعة و آمرزش خواهان بخلوت بسحر گاهان گواهی داد خدای که نیست خدا
الا هو والملئكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله
مگر وی و فرشتگان نیز گواهی دادند و خداوندان دانش گواهی دادند یعنی محمد ایستاده بداد و با میل و جود نیست خدا
الا هو العزيز الحكيم ۝ ان الدين عند الله الاسلام
مگر وی عزیز چون وی حکیم نیست صواب کار بدرستی که دین نزد خدا مسلمانی است
وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم
و نا هموار نگشتند آنکسان که بدادندشان نامه یعنی توریة و انجیل مگر از پس آنکه بیامد بایشان
العلم بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله فان الله سريع
دانش یعنی یقین حسدی میان ایشان و هرکه کافر گردد بآیتهای خدا بدرستی که خدای زود
الحساب ۝ فان حاجوك فقل اسلمت وجهي لله ومن
شمار است اگر پیکار کنند با تو بگو یا محمد بسپردم دل خویش مر خدای را و آنکسانکه
اتبعن وقل للذين اوتوا الكتاب والاميين ءاسلمتم فان
متابعة من کردند و بگو مر آنکسان را که بدادندشان نامه یعنی توریة و انجیل و نانویسندگان یعنی عرب گردن نهادید حکم خدا را اگر
اسلموا فقد اهتدوا وان تولوا فانما عليك البلاغ
گردن نهادند راه راست یافتند و اگر برگردند و روی بگردانند پس بر تو پیغام رسانیدنست
والله بصير بالعباد ۝ ان الذين يكفرون بايات الله
و خدای بیناست بحال بندگان آنکسانکه همی کافر گردند بآیتهای خدای
ويقتلون النبيين
ويقتلون الذين يامرون بالقسط من الناس فبشرهم
و همی کارزار کنند با آنکسانکه همی فرمایند به نیکی و داد از مردمان مژده ده ایشانرا

از حضرت صادق [illegible]
[illegible]

عشر

بعذاب

بعذاب اليم ۝ اولئك الذين حبطت اعمالهم في الدنيا
بعذاب دردناک ایشانند آنکسانکه تباه گشت کارهای ایشان در این جهان
والاخرة وما لهم من ناصرين ۝ الم تر الى الذين اوتوا نصيبا
و آن جهان و نباشند مر ایشانرا هیچ یاری گری نگاه نکنی یا محمد سوی آنکسانکه بدادندشان بهره
من الكتاب يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى
از نامه همی خوانند سوی نامه خدا تا داور باشد میان ایشان باز همی برگردند
فريق منهم وهم معرضون ۝ ذلك بانهم قالوا لن تمسنا
گروهی از ایشان و ایشان روی گردانندگانند این بدانست که ایشان گفتند هرگز نسوزد ما را
النار الا اياما معدودات وغرهم في دينهم ما كانوا
آتش مگر روزهای شمرده و بفریفت ایشانرا در دین ایشان آنچه از خود همی
يفترون ۝ فكيف اذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه ووفيت
همی دروغ بافتند چگونه باشد آنگاه گرد آریم ایشانرا مر روزی را که نیست گمان در وی و تمام دهند
كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون ۝ قل اللهم مالك
هر تنی را آنچه کرده باشند و بر ایشان ستم نکنند بگوی بارخدایا پادشاه
الملك توتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز
پادشاهی بدهی پادشاهی آنرا که خواهی و بستانی پادشاهی از آنکه خواهی و عزیز کنی
من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير
آنرا که خواهی و خوار کنی آنرا که خواهی بفرمان تست نیکی که تو بر هر چیزی توانایی
تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي
اندر آوری شب را اندر روز و اندر آوری روز را در شب و بیرون آوری زنده را
من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
از مرده و بیرون آوری مرده را از زنده و روزی دهی آنرا که خواهی بی شمار

[illegible]

هفت روز بشماره الوف عمر دنیا و چهل روز بشماره ایام
گوساله پرستی جایگه گذشت ۴

خمس

[illegible]

بو

لا يتخذ المومنون الكافرين اولياء من دون المومنين ومن
نگیرید مومنان کافرانرا دوستان از بیرون گرویدگان وهرکه
يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تتقوا منهم تقية و
بکند آن نباشد از خدا از وی اندر چیزی مگر آنکه بپرهیزید از ایشان پرهیزیدنی و
يحذركم الله نفسه والى الله المصير قل ان تخفوا ما في
میترساند شمارا خدا از عذاب خود وسوی خدا بازگشتن بگو یا محمد اگر پنهان دارید آنچه در
صدوركم او تبدوه يعلمه الله ويعلم ما في السموات وما
دلهای شماست یا آشکارا کنید اورا بداند آنرا خدا وبداند آنچه اندر آسمانهاست وآنچه
في الارض والله على كل شيء قدير يوم تجد كل نفس ما عملت
اندر زمین است وخدا بر هر چیزی تواناست یاد کنید آن روزی که بیابد هر تنی آنچه کرده باشد
من خير محضرا وما عملت من سوء تود لو ان بينها وبينه
از نیکی بجا آورده وآنچه کرده باشد از بدی دوست دارد اگر بودی میان وی وبدی
امدا بعيدا ويحذركم الله نفسه والله رءوف رحيم بالعباد
راهی دور از مشرق ومغرب همی ترساند شمارا خدا از عذاب خود وخدا مهربان است بر بندگان
قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم
بگو یا محمد اگر چنان است که دوست میدارید خدارا متابعت من کنید تا دوست دارد شمارا خدا وبیامرزد شمارا
ذنوبكم والله غفور رحيم قل اطيعوا الله والرسول فان
گناهان شمارا وخدا آمرزنده است وبخشاینده بگو فرمان کنید خدایرا وپیغمبررا اگر
تولوا فان الله لا يحب الكافرين ان الله اصطفى ادم ونوحا
باز گردند که خدا دوست ندارد ناگرویدگان را که خدا برگزید آدم را ونوح را
وال ابراهيم وال عمران على العالمين ذرية بعضها من بعض
وکسان ابراهیم وکسان عمران را برگونه گونه خلق فرزندان بهره از ایشان از بهره

[illegible]

والله

[illegible]

خمس

والله سميع عليم اذ قالت امرات عمران رب اني نذرت
وخدا شنواست ودانا چون گفت زن عمران یا خداوند من پیمان کردم
لك ما في بطني محررا فتقبل مني انك انت السميع العليم
مرترا آنچه در شکم منست آزاد کرده بپذیر از من که تویی که تو شنوا ودانا
فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى والله اعلم بما وضعت
پس چون بنهاد آن فرزندرا گفت خدایا من بنهادم آن فرزندرا دختر وخدا داناتر بدانچه بنهاد
وليس الذكر كالانثى واني سميتها مريم واني اعيذها
ونیست نر چون ماده ومن نامش کرده ام مریم ومن باز داشت خواهم
بك وذريتها من الشيطان الرجيم فتقبلها ربها بقبول
بتو وفرزندان ویرا از دیو رانده بپذیرفت ویرا خداوند وی بپذیرفتنی
حسن وانبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا كلما دخل عليها
نیکو ورویانیدش رویانیدنی نیکو وبپرورش زکریا هرگاه اندر آمدی بروی
زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم انى
زکریا دران محراب یعنی صومعه بیافتی نزد وی روزی یافت گفت ای مریم از کجاست
لك هذا قالت هو من عند الله ان الله يرزق من يشاء
ترا این میوه گفت آن از نزد خدایست که خدا روزی دهد آنرا که خواهد
بغير حساب هنالك دعا زكريا ربه قال رب هب لي
بی شمار آنگه بخواند زکریا خداوند خودرا گفت ای خداوند ببخش مرا
من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء فنادته الملائكة
از نزد تو فرزندی پاکیزه که تو شنوایی دعارا پس آواز دادندش فرشتگان
وهو قائم يصلي في المحراب ان الله يبشرك بيحيى مصدقا
ووی ایستاده بود نماز همی کرد در محراب که خدا مژده ترا به یحیی راه حجت داده

[illegible]

عشر

بِكَلِمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ

بسخن از خدا و بزرگوار و بازداشته و پیغمبری از نیکان

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ

گفت زکریا ای خداوند من از کجا باشد مرا فرزندی و بمن رسیده است پیری و زن من نازاینده

قَالَ كَذَٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً

گفت جبرئیل همچنین خدا بکند آنچه خواهد گفت زکریا ای خداوند من بکن مرا نشانی

قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ

گفت نشان تو آن است که سخن نگویی با مردم سه روز مگر باشارت و یاد کن خدای خود را

كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ

بسیار و تسبیح کن شبانگاه و بامداد و چون گفتند فرشتگان ای مریم

إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

بدرستی که خدا برگزیده است ترا و پاک کرده است ترا و برگزیده است ترا بر زنان زمانه تو

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ذَٰلِكَ

ای مریم نماز کن خدای خویش را و سجود کن و رکوع کن با رکوع کنندگان آنچه یاد کردیم

مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ

از خبرهای غیب است وحی میفرستیم بتو و نبودی تو نزدیکیشان آنگاه که می افکندند

أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

قلمهای خویش که از ایشان بپذیرد مریم را و نبودی تو نزدیکیشان آنگاه که خصومت میکردند

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ

آنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم خدا بشارت دهد ترا بفرزندی نام او

الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

عیسی پسر مریم با قدر و جاه اندر دنیا و آخرت و از نزدیکان خدا

خمس

ويكلم

[illegible]

۳۶

[illegible]

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ قَالَتْ رَبِّ

و سخن گوید با مردم اندر گهواره و بزرگی و از جمله صالحان بود گفت مریم ای خداوند

أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا

از کجا باشد مرا فرزند و نرسیده است بمن هیچ آدمی گفت جبرئیل همچنین خدا بیافریند آنچه

يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَيُعَلِّمُهُ

خواهد چون خواهد که کاری کند گوید مر او را باش پس باشد و بیاموزد او را

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي

کتاب و دانش و علم توریة و انجیل و ویرا رسول کند سوی بنی

إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ

اسرائیل پس چون بیامد گفت من آوردم شما را نشانی از خدای شما آن است که من بیافرینم شما را از گل

كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ

همچون صورت مرغی پس اندر دمم در وی تا باشد مرغ بفرمان خدا و درست کنم نابینا را

وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا

و پیس را و زنده کنم مردگان را بفرمان خدا و خبر دهم شما را بآنچه خورده باشید و آنچه

تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

نهاده باشید اندر خانهای شما اندر این نشانی است مر شما را اگر هستید مومنان

وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي

و باور دارنده آن را که از پیش من است از توریة و تا حلال کنم مر شما را برخی از آنچه

حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ

حرام کرده اند بر شما و آوردم شما را نشانی از خداوند شما و بترسید از خدا و طاعت دارید مرا

إِنَّ اللّٰهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَلَمَّا

گفت خدا پروردگار من و پروردگار شما و بپرستید او را این است راه راست

عشر

[illegible]

[illegible]

حزب

احس عیسی منهم الکفر قال من انصاری الی الله قال الحواریون
بدانست عیسی ازایشان کفر کفت کیست یاری من در دین خدا کفتند حواریان
نحن انصار الله امنا بالله واشهد بانا مسلمون ۝ ربنا
ایم یاران دین خدا کرویدیم بخدا وکواه باش باتکه ما مسلمانیم ای خداوند ما
امنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین ۝
ایمان آوردیم بدانچه فروفرستادی یعنی انجیل ومتابعه کردیم پیغمبررا بنویس نام ما باکواهان
ومکروا ومکر الله والله خیر الماکرین ۝ اذ قال الله یا
ومکرکردند ومکرکرد خدا وخدا بهترین مکرکنندکان است چون کفت خدا ای
عیسی انی متوفیک ورافعک الی ومطهرک من الذین
عیسی من فراکیرنده توام وبردارنده توام سوی آسمان وپاک کننده توام از آنهاکه
الذین اتبعوک فوق
کفروا وجاعل الذین کفروا الی یوم القیمة ثم الی مرجعکم
کرویدند وکننده آنانکه کافرشدند تا روز رستخیز بازسوی منست بازکشت شما
فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون ۝ فاما الذین کفروا
حکم کنم میان شما ازانچه باشید اندروی ناهمواری شوید اما آنکه ها که کافرشدند
فاعذبهم عذابا شدیدا فی الدنیا والاخرة وما لهم من
عذاب کنمشان عذابی سخت اندرین جهان وآن جهان ونباشد مرایشان را هیچ
ناصرین ۝ واما الذین امنوا وعملوا الصالحات فیوفیهم
یاری کران واما آنها که بکرویدند وکردند نیکیها وتمام دهیم ایشان
اجورهم والله لا یحب الظالمین ۝ ذلک نتلوه علیک من
مزدهای ایشان وخدا دوست ندارد ستمکاران را این است که همیخوانیم برتو یا محمد از
الایات والذکر الحکیم ۝ ان مثل عیسی عند الله کمثل
نشانها ویادکردن استوار بدرستی داستان عیسی نزد خدا چون داستان

خمس

[illegible]

آدم

٤٧

عشر

آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون ۝ الحق من ربک
آدم بیافریدش از خاک بازکفت اورا باش ببود این است حق از خداوند تو
فلا تکن من الممترین ۝ فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک
پس مباش از شک کنندکان هرکه خصومت کند باتو اندران ازپس آنکه آمد بتو
من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم ونساءنا و
از دانش بکو بیایید تابخوانیم پسران ما وپسران شمارا وزنان ما و
نساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله
زنان شمارا وتنهای ما وتنهای شمارا باز تضرع کنیم کوئیم لعنت خدا
علی الکاذبین ۝ ان هذا لهو القصص الحق وما من
بر دروغ زنان باد این است که وی قصهاست براستی ونیست هیچ
اله الا الله وان الله لهو العزیز الحکیم ۝ فان تولوا فان الله
خدایی مکر خدا وخدا هست اکنوی بهمتاست استوارکار اکر برکردند خدا
علیم بالمفسدین ۝ قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة
داناست بحال تباه کاران بکو یا محمد ای اهل کتاب بیایید سوی سخن
سواء بیننا وبینکم الا نعبد الا الله ولا نشرک به شیئا ولا
که راست بود میان ما ومیان شما که نپرستیم مکر خدایرا وهیچ انباز نکیریم بوی هیچ چیزی ونه
یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا
کیرد برخی ازما برخی را خدایان بجز خدا اکر برکردند بکویید کواه باشید
بانا مسلمون ۝ یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابراهیم وما انزلت
که ما مسلمانیم ای اهل نامه چرا همی خصومت کنید اندر دین ابراهیم ونفرستادن
التورية والانجیل الا من بعده افلا تعقلون ۝ ها انتم
توریة وانجیل مکر ازپس وی ای همی نیندیشید ای شماکه

[illegible]

الا نعبد در محل جر است از کلمه
در محل رفع بر خبریت مبتدای
محذوف [illegible]

خمس

هؤلاء حاججتم فيما لكم به علم فلم تحاجون فيما ليس لكم
اما اینید که همی خصومت کنید اندر انچه شمارا بدان دانش است پس چرا همی خصومت کنید اندر انچه نیست شمارا
به علم والله يعلم وانتم لا تعلمون ۝ ما كان ابراهيم يهوديا
بدان دانستنی و خدا همی داند و شما ندانید نبود ابراهیم جهود
ولا نصرانيا ولكن كان حنيفا مسلما وما كان من المشركين ۝
و نه ترسا و لیکن بود پاک مسلمان و نبود از انباز گویان
ان اولى الناس بابراهيم للذين اتبعوه وهذا النبي والذين
اولی تر مردمان بدین ابراهیم انکسانی اند که متابعت وی کردند و این پیغمبر و انکسانی که
امنوا والله ولي المؤمنين ۝ ودت طائفة من اهل الكتاب
بگرویدند و خدا یار گرویدگان است و تمنا کردند گروهی از اهل کتاب
لو يضلونكم وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون ۝ يا اهل
که گمراه کنند شمارا و بیراه نمیکنند مگر تنهای شمارا و نمیدانند ای مردمان
الكتاب لم تكفرون بايات الله وانتم تشهدون ۝ يا اهل
کتاب چرا همی کافر شوید بانشانهای خدا و شما گواهی همی دهید ای شما که اهل
الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل وتكتمون الحق وانتم
کتابید چرا همی پوشید حق را بباطل و پنهان همی کنید حق را و شما
تعلمون ۝ وقالت طائفة من اهل الكتاب امنوا بالذي
همیدانید و گفتند گروهی از اهل کتاب ایمان آورید بدانچه
انزل على الذين امنوا وجه النهار واكفروا اخره لعلهم
فرو فرستیده بر آنها که بگرویده اند در اول روز و کافر شوید باخر روز تا مگر ایشان
يرجعون ۝ ولا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم قل ان الهدى
باز گردند و ایمان مبارید مگر بدانکس که متابع شود دین شمارا بگو یا محمد که بیان یعنی دین

عشر

هدی الله

٢٨

هدى الله ان يؤتى احد مثل ما اوتيتم او يحاجوكم عند
بیان خدا است که بدهد کسی را چنانکه داده اند شمارا یا حجة توانند آوردن نزد
ربكم قل ان الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم
خداوند شما بگو که افزونی بفرمان خدا است بدهد آنرا که خواهد و خدا توانگر است و دانا
يختص برحمته من يشاء والله ذو الفضل العظيم ۝ ومن
مخصوص کرداند برحمت خویش انرا که خواهد و خداوند افزونی بزرگ است و از
اهل الكتاب من ان تامنه بقنطار يؤده اليك ومنهم من
اهل کتاب کسی است که اگر امین کنی ویرا بر قنطاری امانة بگذارد بتو و از ایشان کسی است
ان تامنه بدينار لا يؤده اليك الا ما دمت عليه قائما
که اگر امین کنی ویرا بدیناری امانت نگذارد بتو مگر آنوقت بتقاضا بایستی بروی براستی
ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الاميين سبيل ويقولون
از بهر انکه ایشان گفتند نیست بر ما اندر مال عرب براه و همی گویند
على الله الكذب وهم يعلمون ۝ بلى من اوفى بعهده
بر خدا دروغ و ایشان همی دانند آری هرکه تمام کند پیمان خویش
واتقى فان الله يحب المتقين ۝ ان الذين يشترون بعهد الله
و پرهیزد که خدا دوست دارد پرهیزکارانرا انکسها که همی خرند بپیمان خدا
وايمانهم ثمنا قليلا اولئك لا خلاق لهم في الاخرة ولا
و سوگندهای ایشان بهای اندک ایشانند که نیست بهره مر ایشانرا اندر انجهان و
يكلمهم الله ولا ينظر اليهم يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم
سخن نگوید با ایشان خدا و ننگرد برحمت سوی ایشان روز قیامت و نه پاک کردشان و مر ایشانرا
عذاب اليم ۝ وان منهم لفريقا يلوون السنتهم بالكتاب
عذاب دردناک و از ایشان گروهی اند که همی گردانند زبانهای خویش بکتاب

[illegible]

لتحسبوه من الكتاب وما هو من الكتاب ويقولون هو من عند الله
تا پندارید آنرا که از کتاب و نیست آن از کتاب و همیگویند آن از نزد خدا
وما هو من عند الله ويقولون على الله الكذب وهم يعلمون
و نیست آن از نزد خدا و همی گویند بر خدا دروغ و ایشان همی دانند
ما كان لبشر ان يؤتيه الله الكتاب والحكم والنبوة ثم يقول
نبود هیچ آدمیرا که بدهد ویرا خدا کتاب و دانش و پیغمبری باز گوید
للناس كونوا عبادا لي من دون الله ولكن كونوا ربانيين
مر مردمانرا باشید بندگان من بجز خدا و لیکن باشید بندگان خدا
بما كنتم تعلمون الكتاب وبما كنتم تدرسون ولا يأمركم
بآنچه هستید که می آموزید خلق را آن کتاب و بدانچه شما درس همی گویید و نفرماید شمارا
ان تتخذوا الملائكة والنبيين اربابا ايأمركم بالكفر بعد
که فرا گیرید فرشتگانرا و پیغمبرانرا خدایان [illegible] بفرماید شمارا بکافر شدن پس از
اذ انتم مسلمون واذ اخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم
آنکه شما مسلمان باشید و چون فرا گرفت خدا پیمان پیغمبران آنچه داده ام شمارا
من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن
از کتاب و سخن صواب باز آید بشما پیغمبری راست دارنده آنرا که با شماست ایمان [illegible]
به ولتنصرنه قال ءاقررتم واخذتم على ذلكم اصري قالوا
بوی و یاری کنیدش گفت اقرار دادید و فرا پذیرفتید بران عهد من گفتند
اقررنا قال فاشهدوا وانا معكم من الشاهدين فمن تولى
اقرار دادیم گفت گواه باشید و من هستم با شما از گواهان هر که برگردد
بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون افغير دين الله يبغون
از پس آن ایشانند گروهی [illegible] با جز از دین خدا همی جویند

ولہ اسلم

خمس

وله اسلم من في السماوات والارض طوعا وكرها واليه يرجعون
و مر اورا گردن نهاد هر که اندر آسمان و زمین است بطوع و کره و سوی او باز گردانند
قل آمنا بالله وما انزل علينا وما انزل على ابراهيم واسمعيل
بگو ایمان آوردیم بخدا و آنچه فرو فرستادند بما و آنچه فرو فرستادند بر ابراهیم و اسماعیل
واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى و
و اسحق و یعقوب و فرزندان او و آنچه داده اند موسی را و عیسی را و
النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون
پیغمبران را از خداوندشان فرق نکنیم میان یکی از ایشان و ما مر اورا گردن نهادگانیم
ومن يبتغ غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة
و هر که بجوید جز از اسلام دینی هرگز نپذیرند ازوی و وی اندر آنجهان
من الخاسرين كيف يهدي الله قوما كفروا بعد ايمانهم
از زیان کاران باشد راه نماید خدا گروهی را که کافر شدند پس از ایمان آوردنشان
وشهدوا ان الرسول حق وجاءهم البينات والله لا يهدي
و گواهی داده که پیغمبر خدا حق است و آمده باشد بدیشان نشان و خدا ننماید راه
القوم الظالمين اولئك جزاؤهم ان عليهم لعنة الله
گروه ستمکارانرا ایشانند که پاداش ایشان است آنکه برایشان است لعنت خدا
والملائكة والناس اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم
و فرشتگان و مردمان همه جاوید اند در دوزخ و سبک نکنند ازیشان
العذاب ولا هم ينظرون الا الذين تابوا من بعد ذلك
عذاب و نه ایشانرا مهلت دهند مگر آنکه بازگشته باشند از پس آن
واصلحوا فان الله غفور رحيم ان الذين كفروا بعد ايمانهم
و صلاح اندر آمدند که خدا آمرزگار است بخشاینده آنکسانیکه کافر شدند پس از ایمانشان

[illegible]

ثم ازدادوا كفرا لن تقبل توبتهم واولئك هم الضالون
باز بفزودند کفر هرگز نپذیرد توبه ایشان و ایشانند که ایشان گمراهند
ان الذين كفروا وماتوا وهم كفار فلن يقبل من احدهم ملء
آنکسانی که کافر شدند و مردند و ایشان کافران بودند نپذیرند از یکی از ایشان پر
الارض ذهبا ولو افتدى به اولئك لهم عذاب اليم وما لهم
زمین زر واگرچه فدا کند بوی ایشانند که مر ایشانراست عذابی دردناک و نباشد ایشانرا
من ناصرين لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا
هیچ یاری گران هرگز نیابند نیکویی تا هزینه کنید از آنچه دوست دارید و آنچه نفقه کنید
من شيء فان الله به عليم كل الطعام كان حلا لبني اسرائيل
از چیزی بدرستی که خدا بدان داناست همه طعامها بود حلال مر پسران یعقوب را
الا ما حرم اسرائيل على نفسه من قبل ان تنزل التورية قل
مگر آنچه حرام کرد یعقوب بر خویشتن از پیش آنکه فرو فرستیده شد توریة بگو یا محمد
فاتوا بالتورية فاتلوها ان كنتم صادقين فمن افترى
بیارید توریة و بخوانید آنرا اگر هستید راست گویان هر که فرا بافد
على الله الكذب من بعد ذلك فاولئك هم الظالمون
بر خدا دروغ از پس آن ایشانند که ایشان ستمکارانند
قل صدق الله فاتبعوا ملة ابراهيم حنيفا وما كان من
بگو یا محمد راست گفت خدا متابعة کنید ملت ابراهیم پاک را و نبود از
المشركين ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا
انبازگیرندگان بدرستی خود اول خانه ایست که بنا شد مر مردمان آن است که اندر مکه است با برکت
وهدى للعالمين فيه ايات بينات مقام ابراهيم ومن دخله كان
و راه نمونی مر همه خلق را اندروست نشانهای ظاهر جای ابراهیم و هر که اندروی شود باشد

ربع الحزب

[illegible]

[illegible]

هو

[illegible]

[illegible]

امنا ولله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا
ایمن و مر خدایراست بر مردمان قصد کردن بدین خانه از کسی که تواناید او سوی وی بدین راه
ومن كفر فان الله غني عن العالمين قل يا اهل الكتاب لم
و هر که ناسپاسی کرد بدرستی که خدا بی نیازست از جهانیان بگو یا محمد ای شما که اهل کتابید چرا
تكفرون بايات الله والله شهيد على ما تعملون قل يا اهل
همی کافر شوید بحجتهاء خدا و خدا گواه است بر آنچه شما کنید بگوی محمد ای اهل
الكتاب لم تصدون عن سبيل الله من امن تبغونها عوجا
کتاب چرا همی بازدارید از دین خدا تعالی آنکسی را که ایمان همی جوید آن کژی
وانتم شهداء وما الله بغافل عما تعملون يا ايها الذين
و شما گواهانید و خدای نیست بی آگاهی از آنچه همی کنید ای شما که
امنوا ان تطيعوا فريقا من الذين اوتوا الكتاب يردوكم بعد
گرویده اید اگر فرمان برید گروهی را از آنکسها که بداده اند ایشانرا کتاب باز گردانند پس از
ايمانكم كافرين وكيف تكفرون وانتم تتلى عليكم ايات الله
گرویدن شما گرویدگان و چگونه کافر شوند و شما همی خوانند بر شما آیتهای خدا
وفيكم رسوله ومن يعتصم بالله فقد هدي الى صراط مستقيم
و اندر میان شماست پیغمبر خدا و هر که بایستد بطاعة راه نموده شد راه راست
يا ايها الذين امنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم
ای آنها که شما گرویده اید بترسید از خدا حق ترسکاری وی و ممیرید مگر و شما
مسلمون واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله
مسلمان باشید و بند کنید بدین خدا همه و پراکنده مشوید و یاد کنید نعمة خدای
عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا
بر شما که شما بودید دشمنان دوستی افکند میان دلهای شما تا گشتید بنعمت وی برادران

عشر

[illegible]

خمس

وكنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك
وبودید بر کناره گوی از آتش برهانید شمارا ازآن همچنین
يبين الله لكم اياته لعلكم تهتدون ۝ ولتكن منكم امة
بدید کند خدا مر شمارا حجتهای خویش تا مگر شما راه برید وباشد از شما گروهی
يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف وينهون عن المنكر و
که بخوانند خلق را سوی نیکی وبفرمایند به نیکی وبازدارند از بدی و
اولئك هم المفلحون ۝ ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا
ایشانند که ایشان رستگارانند ومباشید چون آنکه پراکنده شدند وناهموار
من بعد ما جاءهم البينات واولئك لهم عذاب عظيم يوم
از پس آنکه آمد بدیشان حجتها وایشانند که مرایشانراست عذابی در وعظیم روزی
تبيض وجوه وتسود وجوه فاما الذين اسودت وجوههم
که سپید گردد رویهای مومنان وسیاه گرد رویهای کافران اما آنکسها که سیاه کند رویهای ایشان
اكفرتم بعد ايمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۝
گویند کافر شدید پس ایمان شما بچشید عذاب بدانچه هستید کافر شدند
واما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمة الله هم فيها خالدون
واما آنها که سپید گردد رویهای ایشان اندر بخشایش خدا ایشان اندر آن جاودانند
تلك ايات الله نتلوها عليك بالحق وما الله يريد ظلما للعالمين
این است حجتهای خدا که همی خوانیم برتو براستی وخدا نخواهد ستم کردن بر عالمیان
ولله ما في السموات وما في الارض والى الله ترجع الامور ۝
ومر خدایراست آنچه اندر آسمانهاست وآنچه اندر زمین است وسوی خدا بازگردد کارها
كنتم خير امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون
بودید شما بهترین گروه که بیرون آورده مر مردمان همی فرمایند بنیکی وبازمیدارد

[illegible]

عن المنكر وتؤمنون بالله ولو امن اهل الكتاب لكان
از ناشایسته وایمان آرند بخدای واگر ایمان آوردی اهل کتاب بودی
خيرا لهم منهم المؤمنون واكثرهم الفاسقون ۝ لن
بهتر ایشانرا از ایشان مومنان وبیشترین ایشان بیفرمانانند هرگز
يضروكم الا اذى وان يقاتلوكم يولوكم الادبار ثم لا
زیان نکنند شمارا مگر رنجی واگر کارزار کنند با شما برگردند ایشان برپشتهای خویش باز
ينصرون ۝ ضربت عليهم الذلة اين ما ثقفوا الا بحبل
ایشان هیچ یاری نکنند نهاده اند بر ایشان خواری هرکجا باشند شان مگر عهدی
من الله وحبل من الناس وباءو بغضب من الله وضربت
از خدا وعهدی از مردمان وفرا بازگشتند بخشم از خدا وبزدند
عليهم المسكنة ذلك بانهم كانوا يكفرون بايات الله و
برایشان درویشی آن بدان بود که ایشان بودند که کافر میشدند بحجتهای خدا و
يقتلون الانبياء بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون ۝
همی کشتند پیغامبرانرا بناحق آن بدانست که عاصی شدند وبودند از حد درگذشتگان
ليسوا سواء من اهل الكتاب امة قائمة يتلون ايات الله
نیستند برابر از اهل کتاب گروهی ایستنده چون خوانند حجتهای خدا
اناء الليل وهم يسجدون ۝ يؤمنون بالله واليوم الاخر
درگاههای شب وایشان سجده همی کنند ایمان آورند بخدا وبروز بازپسین
ويامرون بالمعروف وينهون عن المنكر ويسارعون في
وفرمایند بنیکی وبازمیدارند از ناشایسته وهمی شتابند اندر
الخيرات واولئك من الصالحين ۝ وما يفعلوا من خير فلن
نیکیها وایشانند از نیکان وآنچه کنند از نیکی هرگز

[illegible]

يكفروه والله عليم بالمتقين ۝ ان الذين كفروا لن تغنى

ناسپاس نکرده و هم خدا داناست بحال پرهیزکاران آنها که کافر شدند هرگز باز ندارد

عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك اصحاب

از ایشان خواستهای ایشان ونه فرزندان ایشان از خدا چیزی و ایشانند باشندگان

النار هم فيها خالدون ۝ مثل ما ينفقون في هذه الحيوة الدنيا

دوزخ ایشان در آنجا جاودان باشند مانند آنچه هزینه کنند اندرین زندگانی دنیا

كمثل ريح فيها صر اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم فاهلكته

چون مثل بادیست اندر وی سرمای سخت مرا و رسید بکشت زار گروهی که ستم کردند بر تنهای خویش

وما ظلمهم الله ولكن انفسهم يظلمون ۝ يا ايها الذين امنوا

و ستم نکرده باشد بریشان خدا ولیکن بر تنهای خویش ستمگرند ای شما که گرویدگان

لا تتخذوا بطانة من دونكم لا يالونكم خبالا ودوا

فرا مگیرید دوستانی از بیرون شما فرو نگذارند هیچ شر دوست دارند

ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم وما تخفى صدورهم اكبر

رنج و هلاک شما بحقیقه بدید آمد دشمنی از دهنهای ایشان و آنچه پوشیده میدارد دلهای ایشان

قد بينا لكم الايات ان كنتم تعقلون ۝ ها انتم اولاء

بحقیقه بیدا کردیم مرشمارا حجتها اگر هستید که همی دانید ای شما که

تحبونهم ولا يحبونكم وتؤمنون بالكتاب كله واذا

آنانید که دوست دارید ایشانرا و ندارند دوست شمارا و ایمان می آرید بکتابها همه خدا و چون

لقوكم قالوا امنا واذا خلوا عضوا عليكم الانامل

بینند شمارا گویند گرویدیم و چون خالی شوند بدندان گیرند بر شما انگشتها

من الغيظ قل موتوا بغيظكم ان الله عليم بذات الصدور

از خشم بگوای محمد بمیرید بخشم شما که خدا داناست بدانچه اندر سینه‌ها

[illegible]

[illegible]

ان تمسسكم حسنة تسؤهم وان تصبكم سيئة يفرحوا

اگر برسد بشما نیکویی اندوهگین کند ایشانرا و اگر فرا رسد بشما بدی شاد شوند

بها وان تصبروا وتتقوا لا يضركم كيدهم شيئا ان الله بما

بدان و اگر شکیبا باشید و پرهیزید زیان ندارد شمارا مکر ایشان چیزی که خدا بدانچه

يعملون محيط ۝ واذ غدوت من اهلك تبوئ المؤمنين مقاعد

همی کنند داناست و چون بامداد کردی از کسهای خویش همی بساختی گروه مکان جایگاه

للقتال والله سميع عليم ۝ اذ همت طائفتان منكم ان

مر کارزار را و خدا شنواست و دانا چون آن گاه قصد کردند دو گروه از شما که

تفشلا والله وليهما وعلى الله فليتوكل المؤمنون ۝ و

سست شوند و خدا یار ایشان بود و بر خدا توکل باید کردن گروندگان را

لقد نصركم الله ببدر وانتم اذلة فاتقوا الله لعلكم تشكرون

خود نصرت کرد شمارا خدا روز بدر که میان کم و دست و شما خوار بودید بترسید از خدا تا مگر شما شکرگزارید

اذ تقول للمؤمنين الن يكفيكم ان يمدكم ربكم بثلاثة

آنگاه که گفتید مومنان را کفایت نباشد شمارا آنکه مدد فرستد شمارا پروردگار شما به

الاف من الملئكة منزلين ۝ بلى ان تصبروا وتتقوا ويأتوكم

هزار از فرشتگان فرو فرستیده آری اگر شکیبا باشید و پرهیزید و بیایند بشما

من فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة الاف من الملئكة

از آنجه ایشان مدد فرستد شمار خداوند شما به پنج هزار از فرشتگان

مسومين ۝ وما جعله الله الا بشرى لكم ولتطمئن قلوبكم

نشان کرده و نکرد این مدد را خدا مگر مژده مرشمارا و تا بیارامد دلهای شما

به وما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم ۝ ليقطع طرفا

بوی ونیست نصرت مگر از نزد خدا عزیز و صواب کار تا ببرد طرفی

[illegible]

حزب

عشر

[illegible]

من الذين كفروا او يكبتهم فينقلبوا خائبين ۝ ليس لك
از آنها که کافر گشتند یا خوار کند ایشان را تا برگردند نومیدگان نیست تو را
من الامر شيء او يتوب عليهم او يعذبهم فانهم ظالمون ۝
از کار چیزی یا توبه دهد ایشان را یا عذاب کند ایشان را که ایشان ستمکاران اند
ولله ما في السموات وما في الارض يغفر لمن يشاء ويعذب
و مر خدای راست آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمین است بیامرزد آن را که خواهد و عذاب کند
من يشاء والله غفور رحيم ۝ يا ايها الذين امنوا لا
آن را که خواهد و خدا آمرزنده است و بخشاینده ای کسانی که گرویدند
تاكلوا الربوا اضعافا مضاعفة واتقوا الله لعلكم تفلحون ۝
مخورید ربا چند باره افزون کرده و بترسید از خدا تا مگر شما برهید
واتقوا النار التي اعدت للكافرين ۝ واطيعوا الله والرسول
و بترسید از آن آتش که ساخته کرده اند مر ناگرویدگان را و اطاعت دارید خدای را و پیغمبر را
لعلكم ترحمون ۝ وسارعوا الى مغفرة من ربكم وجنة
تا مگر بر شما ببخشاید و بشتابید سوی آمرزش از خداوند شما و بهشتی
عرضها السموات والارض اعدت للمتقين ۝ الذين ينفقون
فراخ پهنای آن چند آسمانهاست و زمین بدست نهاده مر پرهیزکاران را آنها هزینه کنند
في السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس
اندر شادی و اندر سختی و فرو خورندگان خشم و عفو کنندگان از مردمان
والله يحب المحسنين ۝ والذين اذا فعلوا فاحشة او
و خدا دوست دارد نیکوکاران را و آنکسها که چون بکنند ناخوبی یا
ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر
ستم کنند بر تنهای خویش یاد کنند خدای را و آمرزش خواهند مر گناهان خویش را و کیست که بیامرزد

الذنوب

٤٧

[illegible]

خمس

عشر

[illegible]

الذنوب الا الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون ۝
گناهان مگر خدا و نه ایستیدند بر آنچه کردند و ایشان همی دانند
اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجري من تحتها
ایشانند که پاداش ایشانست آمرزشی از خداوندیشان و بهشتها که همی رود از زیر آن
الانهار خالدين فيها ونعم اجر العاملين ۝ قد خلت من
جویها جاودان در آنها و نیکو مزدا که کارکنندگانراست خود گذشت از
قبلكم سنن فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة
پیش شما [illegible] بروید اندر زمین پس بنگرید چگونه بود سرانجام
المكذبين ۝ هذا بيان للناس وموعظة للمتقين ۝ ولا
دروغ دارندگان این بیانست مر مردمان را و پندی مر پرهیزکاران را و
تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين ۝ ان
سست مشوید و اندوه مخورید و شما برترانید اگر هستید گرویدگان اگر
يمسسكم قرح فقد مس القوم قرح مثله وتلك الايام
برسد بشما خستگی یعنی جراحتی خود فرا رسید بر آن گروه خستگی مانند آن و آن روزگارهاست
نداولها بين الناس وليعلم الله الذين امنوا ويتخذ منكم
که بگردانیم آن را میان مردمان و داند خدا آنها را که بگرویدند و فرا گیرد از شما
شهداء والله لا يحب الظالمين ۝ وليمحص الله الذين امنوا
گواهان و خدا دوست ندارد ستمکاران را و تا پاک کرداند خدا آنها را که بگرویدند
ويمحق الكافرين ۝ ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما
و هلاک کند کافران را یا همی پندارید که اندر شوید بهشت و هنوز
يعلم الله الذين جاهدوا منكم ويعلم الصابرين ۝ ولقد كنتم
دانسته باشد خدا آنها را که جهاد کردند از شما و داند شکیبایان را و بحقیقت بودید شما

[illegible]

تمنون الموت من قبل ان تلقوه فقد رأيتموه وانتم تنظرون
که آرزو همی کردید مرگ را از پیش آنکه به بینید از ابس بدید اسباب ایشان و شما همی نگرید
وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفإن مات
و نیست محمد مگر پیغمبر که بگذشته است از پیش وی رسولان ای اگر وی بمیرد
او قتل انقلبتم على اعقابكم ومن ينقلب على عقبيه
یا کشته شود بس برگردید شما بر پاشنهای خویش هر که برگردد بر پاشنهای خویش
فلن يضر الله شيئا وسيجزي الله الشاكرين ۝ وما كان لنفس
هرگز زیان ندارد هیچ چیز و زود بود پاداش دهد خدا شاکران را و نباشد هیچ تنی را
ان تموت الا باذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا
که بمیرد مگر بفرمان خدا نامه زمان زده یعنی لوح محفوظ و هر که خواهد ثواب اینجهان
نؤته منها ومن يرد ثواب الآخرة نؤته منها وسنجزي الشاكرين
بدهیم وی را از آن و هر که خواهد ثواب آنجهان بدهیم وی را از آن و زود پاداش دهیم شاکران را
وكأين من نبي قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما
و بسا که بودند از پیغمبران که کارزار کردند با وی گروهان بسیار بس سستی نکردند بدانکه
اصابهم في سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا والله
بایشان رسید اندر راه خدا و ضعیف نگشتند و ذلیل نگشتند و صبر کردند و خدا
يحب الصابرين ۝ وما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا
دوست دارد صابران را و نبود گفتار ایشان مگر آنکه گفتند ای خداوند ما بیامرز مارا
ذنوبنا واسرافنا في امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم
گناهان ما و از حد درگذشتن ما اندر کارها و برجای دار قدمهای ما را و یاری ده ما را بر گروه
الكافرين ۝ فآتاهم الله ثواب الدنيا وحسن ثواب الآخرة
کافران پس بداد شان خدا مزد و پاداش اندر دنیا و نیکوی ثواب آخرت

[illegible]

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
مرویست که این آیه نازل شد در باب منافقان
که گفتند با مسلمانان بعد از هزیمت ایشان
که برگردید بدین برادران خود

والله يحب المحسنين ۝ يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا
و خدا دوست دارد نیکوکاران را ای آنکسها که گرویدید اگر فرمان کنید
الذين كفروا يردوكم على اعقابكم فتنقلبوا خاسرين ۝
آن کسها را که کافر شدند برگردانند شما را بر پاشنهای شما آنگاه برگردید زیان کاران
بل الله مولاكم وهو خير الناصرين ۝ سنلقي في قلوب
بلکه خدا یار و نگهدار شما و وی بهترین یاری کنندگان است زود اندر افگنیم اندر دلهای
الذين كفروا الرعب بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا
آنکسها که کافر شدند ترسی بدانکه انباز گرفتند بخدا آنچه فرو نفرستاد بدان هیچ حجت
ومأواهم النار وبئس مثوى الظالمين ۝ ولقد صدقكم الله
و جای ایشان دوزخ است و بدست جای بیداوگران و خود راست کرد شما را خدا
وعده اذ تحسونهم باذنه حتى اذا فشلتم وتنازعتم
وعده خویش آنگاه که شما میکشید ایشان را بفرمان وی تا چون ضعیف گشتید و خلاف کردید
في الامر وعصيتم من بعد ما اراكم ما تحبون منكم من
فرمان پیغمبر را و نافرمانی کردید از پس آنکه بنمود شما را آنچه دوست داشتید از شما کیست
يريد الدنيا ومنكم من يريد الآخرة ثم صرفكم عنهم
که میخواست دنیا و از شما کیست که همی خواست آخرت باز گردانید شما را از ایشان
ليبتليكم ولقد عفا عنكم والله ذو فضل على
تا بیازماید شما را و اندر گذاشت از شما و خدا خداوند افزونی است بر
المؤمنين ۝ اذ تصعدون ولا تلوون على احد و
گرویدگان آنگاه که بر کوه بر میرفتید و روی پس نمیکردید بر کسی و
الرسول يدعوكم في اخراكم فأثابكم غما بغم لكيلا
پیغمبران همی خواند شما را اندر پس شما پاداش دادتان غم بغم

عشر

[illegible]

گویند آنحضرت که گریختگان را ندا میکرد و میگفت الیّ
عباد الله انا رسول الله
من یکرّ فله
الجنة بایدبسوی من
رسول خدایم هر که برگردد بجانب من بهشت از او است

تحزنوا علی ما فاتکم ولا ما اصابکم والله خبیر بما تعملون
اندوه بخورید بر آنچه فوت از شما و نه بدانکه بشما رسید از کشتن و جراحت و خدا آگاه است بدانچه شما می کنید
ثم انزل علیکم من بعد الغم امنة نعاسا یغشی طائفة منکم و
باز فرو فرستاد بر شما از پس اندوه ایمنی خوابی که بپوشید گروهی از شما و
طائفة قد اهمتهم انفسهم یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیة
گروهی بحقیقة اندوهگین کرده بود ایشان را تنهای ایشان گمان همی بردند بخدای بناحق گمان نادان
یقولون هل لنا من الامر شیء قل ان الامر کله لله
همی گویند چنین باشد ما را از کار یعنی پیروزی و ظفر هیچ چیزی بگو یا محمد فرمان همه مر خدایراست
یخفون فی انفسهم ما لا یبدون لک یقولون لو کان لنا
همی پنهان کنند در دلهای خویش آنچه آشکارا نکنند مر ترا همی گویند اگر بودی ما را
من الامر شیء ما قتلنا ههنا قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الذین
از کار چیزی کشته نگشتی اینجا بگو اگر بودی اندر خانهای شما بیرون آمدی
کتب علیهم القتل الی مضاجعهم ولیبتلی الله ما فی صدورکم
نوشته شد برایشان کارزار سوی خوابگاه خویش و تا آزموده کرد خدا آنچه در دلهای شما
ولیمحص ما فی قلوبکم والله علیم بذات الصدور ان الذین
و پاک کرد آنچه در دلهای شما و خدا داناست بدانچه اندر دلهاست آنکسانیکه
تولوا منکم یوم التقی الجمعان انما استزلهم الشیطان
برگشتند از شما روزی که روی بروی آوردند دو گروه بیفزاید ایشان را دیو
ببعض ما کسبوا ولقد عفا الله عنهم ان الله غفور حلیم
ببهره از آنچه کردند بفرمانی و اندر گذاشت خدای از ایشان که خدا آمرزگار است و بردبار
یا ایها الذین امنوا لا تکونوا کالذین کفروا وقالوا لاخوانهم
ای گروهی که ایمان آوردید بزبان و استوار داشتید بدل مباشید چون آنکسانی که کافر شدند و گفتند مر برادران خویش را

خمس

عمرو و عثمان از جمله [illegible]
بودند و از ابو القاسم [illegible] گروه اند که [illegible] اسلام
[illegible] عثمان [illegible] صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]
[illegible] رسالت [illegible]

اذا ضربوا

اذا ضربوا فی الارض او کانوا غزی لو کانوا عندنا ما ماتوا
چون برفتند اندر زمین یا بودند غازیان اگر بودندی نزد ما نمردندی
وما قتلوا لیجعل الله ذلک حسرة فی قلوبهم والله یحیی
و نه کشته شدندی تا گرداند خدا آن را پشیمانی اندر دلهای ایشان و خدا زنده کند
ویمیت والله بما تعملون بصیر ۝ ولئن قتلتم فی سبیل الله
و بمیراند و خدا بدانچه همی کنید بیناست و اگر کشته گردید اندر راه خدا
او متم لمغفرة من الله ورحمة خیر مما یجمعون ۝ ولئن متم
یا بمیرید آمرزش از خداست و بخشایش بهتر از آنچه همی گرد کنند و اگر بمیرید
او قتلتم لالی الله تحشرون ۝ فبما رحمة من الله لنت لهم
یا کشته گردید سوی خدا گرد آرند شما را پس بانچه چیز بخشایش بود از خدا که نرم گشتی مر ایشان را
ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک
و اگر بودی درشت سخن سطبر دل یعنی سخت دل پراگنده ای از گرد اگرد تو
فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر فاذا عزمت
اندر گذار از ایشان و آمرزش خواه مر ایشان را و رای زن با ایشان اندر کار چون آهنگ کنی
فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین ۝ ان ینصرکم الله
بسپار کار خویش بر خدا که خدا دوست دارد خویشتن سپارندگان را اگر یاری دهد شما را خدا
فلا غالب لکم وان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده
نباشد غلبه کننده مر شما را و اگر بماند مر شما را کیست آنکس که یاری دهد شما را از پس وی
وعلی الله فلیتوکل المؤمنون ۝ وما کان لنبی ان
و بر خدا بسپارند کار خویش گرویدگان و نبود هیچ پیغمبری که
یغل ومن یغلل یات بما غل یوم القیمة ثم توفی کل
خیانت کردی اندر غنیمت و هر که خیانت کند بیارد آنچه خیانت کند روز رستخیز باز تمام بدهند هر

عشر

نفس ما كسبت وهم لا يظلمون ۝ أفمن اتبع رضوان الله كمن
تنی را آنچه کرده است و بر ایشان بیداد نکنند ۝ هر آنکسی که متابعت کند خشنودی خدای را چون کسی
باء بسخط من الله ومأويه جهنم وبئس المصير ۝ هم درجات
کرد و جست خشم بر خویشتن از خدا و جایگاه وی دوزخ است و بد جای بازگشتن است ایشان را جایگاهیست
عند الله والله بصير بما يعملون ۝ لقد من الله على المؤمنين
نزد خدا و خدا بیناست بدانچه همی کنید بحقیقه سپاس نهاد خدا بر گروندگان
إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم
چون بفرستاد اندر ایشان پیغمبری از تنهای خویش همی خواند بر ایشان آیتهای وی و پاک کند
ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفي ضلال
و بیاموزد شان نامه یعنی قرآن و سخن صواب یعنی فقه و اگر چه بودند از پیش اندر گمراه بودگی
مبين ۝ أولما أصابتكم مصيبة قد أصبتم مثليها قلتم
پیدا ۝ یا چون برسد بر شما کاری اندوهگین یعنی هزیمت رسانیده بودید شما بدشمن خویش دو چندان گفتید
أنى هذا قل هو من عند أنفسكم إن الله على كل شيء
از کجاست این بگو یا محمد آن از نزد تنهای شماست که خدا بر هر چیز
قدير ۝ وما أصابكم يوم التقى الجمعان فبإذن الله وليعلم
تواناست ۝ و آنچه رسید بشما آن روز که روی بروی آوردند دو گروه بفرمان خدای و تا بداند یعنی تا بیند
المؤمنين ۝ وليعلم الذين نافقوا وقيل لهم تعالوا
مومنان را ۝ و تا پدید کرد اندر آنها که منافقی کنند و گفتند ایشان را بیایید
قاتلوا في سبيل الله أو ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا لاتبعناكم هم
کارزار کنید اندر راه خدا یا باز دارید دشمن را گفتند اگر بدانیمی کارزار از پس شما بیامدیمی ایشان
للكفر يومئذ أقرب منهم للإيمان بأفواههم ما ليس في
بکافری آن روز نزدیکتر بودند از ایشان بگرویدن بدهنهای خویش آنچه نبود اندر

يقولون

[illegible]

قلوبهم

قلوبهم والله أعلم بما يكتمون ۝ الذين قالوا لإخوانهم وقعدوا
دلهای ایشان و خدا داناتر است بدانچه پوشیده کنند ۝ آنکسانی که گفتند مر برادران خویش را و بنشستند
لو أطاعونا ما قتلوا قل فادرءوا عن أنفسكم الموت إن كنتم
اگر فرمان کردندی مارا کشته نشدندی بگو یا محمد باز دارید از تنهای خویش مرگ را اگر هستید
صادقين ۝ ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل
راست گویان ۝ و مپندارید آنکسان را که کشته شدند در راه خدا که مردگانند نه
أحياء عند ربهم يرزقون ۝ فرحين بما آتاهم الله من فضله و
زندگانند نزد خداوند ایشان روزی همی دهندشان شادمانان بدانچه داد ایشان را خدا از افزونی خویش
يستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم ألا خوف عليهم
شادی همی کنند بدانکسانی که اندر نرسیدند بدیشان از پس ایشان که نباشد بیمی بر ایشان
ولا هم يحزنون ۝ يستبشرون بنعمة من الله وفضل وأن الله لا
و نه ایشان را اندوه باید خوردن شادی همی کنند بنعمتی از خدا و افزونی و خدا نه
يضيع أجر المؤمنين ۝ الذين استجابوا لله والرسول من بعد
تباه کند مزد مومنان را ۝ آنکسانی که پاسخ کردند مر خدای را و پیغمبر را از پس
ما أصابهم القرح للذين أحسنوا منهم واتقوا أجر عظيم
آنکه رسید ایشان را خستگی مر آنکسان را که نیکویی کردند از ایشان و پرهیز کردند از خلاف مزدی بزرگ
الذين قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم
آنکسانی که گفتند مر ایشان را مردمان که براستی که مردمان بحقیقه گرد آوردند مر شما را و بترسید از ایشان
فزادهم إيمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل ۝ فانقلبوا
بیفزود ایشان را گروش و گفتند بسنده است مارا خدا و نیک کهندار است برگشتند
بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله
با نعمتی از خدا و افزونی که نرسید بایشان بدی و بدم رفتند خشنودی خدای را

[illegible]

والله ذو فضل عظيم ۝ انما ذلكم الشيطان يخوف اولياءه
وخدا خداوند افزونی بزرگست جز این نیست آن بود دیو همی ترساند دوستان و یاران او را
فلا تخافوهم وخافون ان كنتم مؤمنين ۝ ولا يحزنك الذين يسارعون
مترسید از ایشان وبترسید از من اگر هستید گرویدگان و اندوهگین نکند ترا آنکه شتابند
في الكفر انهم لن يضروا الله شيا يريد الله الا يجعل لهم حظا
اندر کافری که ایشان زیان نکنند خدا را چیزی همی خواهد که نکند مر ایشانرا بهره
في الاخرة ولهم عذاب عظيم ۝ ان الذين اشتروا الكفر بالايمان
اندر آنجهان و مر ایشانرا باشد عذابی بزرگ آنکسانکه بخریدند کفر را بگروِن
لن يضروا الله شيا ولهم عذاب اليم ۝ ولا يحسبن الذين كفروا انما
هرگز زیان نکنند خدا چیزی و مر ایشانرا هست عذابی دردگین و مپندارید آنکسانکه کافر گشتند که
نملي لهم ليزدادوا اثما ولهم عذاب مهين ۝ ما كان الله ليذر
زمان دهیم مر ایشانرا تا بیفزایند بزه و مر ایشانرا عذابیست خوارکننده نه چنانست که خدا بگذارد
المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب وما
گرویدگانرا بر آنچه شما بودید بر آن تا جدا کند پلید را از پاک و نه
كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله
چنانست که مطلع گرداند شمارا بر پیدایی ولیکن خدا برگزیند از رسولان او
من يشاء فامنوا بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا فلكم
آنرا که خواهد بگروید بخدا و پیغمبرانش و اگر بگروید و بپرهیزید از خلاف کردن او مر شمارا
اجر عظيم ۝ ولا يحسبن الذين يبخلون بما اتيهم الله
مزدی بزرگ و مپندارید آنکسانرا که بخیلی میکنند بدانچه بداد ایشان خدا
من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم سيطوقون ما بخلوا
از افزونی او آن بهترست مر ایشانرا که آن بترست مر ایشانرا زود بگردن اندر افکنند آنچه بخیلی کردند

خمس

[illegible]

[illegible]

٤٧

به يوم القيمة ولله ميراث السموات والارض والله بما
بوی روز رستاخیز و مر خدایراست میراث آسمانها و زمین و خدا بدانچه
تعملون خبير ۝ لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير
همی کنید بیناست بدرستی که شنید خدا گفتار آنکسانکه گفتند که خدا درویش است
ونحن اغنياء سنكتب ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حق
و ما توانگرانیم زود بنویسیم آنچه گفتند و کشتن ایشان پیغمبرانرا بناحق
ونقول ذوقوا عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت ايديكم و
و بگوییم بچشید عذاب آتش سوزان گویند این بدانست که پیش فرستاد دستهای شما و
ان الله ليس بظلام للعبيد ۝ الذين قالوا ان الله عهد
خدا نیست ستمکار مر بندگانرا آنکسانکه گفتند که خدا پیمان کرد
الينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تاكله النار
با ما که استوار نداریم مر پیغمبری را تا بیارد بما قربانی که بخورد او را آتش
قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات وبالذي قلتم فلم
بگو محمد آوردند بشما پیغمبران از پیش من درستیها و بدانچه همی گفتید چرا
قتلتموهم ان كنتم صادقين ۝ فان كذبوك فقد كذب
کشتید ایشانرا اگر هستید راست گویان اگر دروغ زن دارند ترا دروغ زن داشتند
رسل من قبلك جاءو بالبينات والزبر والكتاب المنير ۝
پیغمبرانرا از پیش تو آوردند درستیها و خواندنیها و نامه روشن
كل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجوركم يوم القيمة
هر تنی چشنده مرگ است و هر آینه تمام بدهند مزدهای شما روز رستاخیز
فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز وما الحيوة
هرکرا دور کنند از آتش و اندر آورند اندر بهشت و بحقیقه فیروزی یافت و نیست زندگانی

عشر

[illegible]

خمس

[illegible]

الدنیا الا متاع الغرور ◆ لتبلون فی اموالکم وانفسکم
این جهان مگر برخورداری فریفتن . بیازمایند شمارا اندر خواستهای شما وتنهای شما
ولتسمعن من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم ومن الذین
وبشنوید از الکسانیکه بداوندشان توریة از پیش شما واز الکسانیکه
اشرکوا اذی کثیرا وان تصبروا وتتقوا فان ذلک من عزم
انباز گرفتند بازار با خدا آزاری بسیار واگر شکیبایی کنید وپرهیزید پس درستی که آن از [illegible]
الامور ◆ واذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتاب لتبیننه للناس
کارهاست وچون بگرفت خدا پیمان الکسانیکه بداوشان توریة تا پدید کنند
ولا تکتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمنا قلیلا
ونپوشانند آنرا پس بیفکندند آنرا پس پشتهای خویش وبخریدند بوی بهای اندک
فبئس ما یشترون ◆ لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا
وبد است آنچه همی خرند ومپندار الکسان را که همی شادی کنند بدانچه کردند
ویحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة
ودوست دارند که بستایندشان بدانچه نه کردند ومپندار ایشانرا که رستگاری اند
من العذاب ولهم عذاب الیم ◆ ولله ملک السموات والارض
از عذاب ومر ایشانرا عذابی دردگین ومر خدایراست پادشاهی آسمانها وزمین
والله علی کل شیء قدیر ◆ ان فی خلق السموات والارض
وخدا بر هر چیزی تواناست بدرستی که در آفریدن آسمانها وزمین
واختلاف اللیل والنهار لایات لاولی الالباب ◆ الذین
وآمد وشدن شب وروز نشانهاست مرخداوند خردهارا الکسانکه
یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی
یاد همی کنند خدایرا ایستادگان ونشستگان وبر پهلوهای ایشان واندیشه کنند در

عشر

[illegible]

خلق السموات

٤٨

خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک
آفریدن آسمانها وزمین گویند یا خداوند ما نیافریدی تو اینها بیهوده پاکا خدایا
فقنا عذاب النار ◆ ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته
نگهدار مارا از عذاب آتش یا پروردگار تو هر آنکسی را که اندر آری به آتش نفرین کرده باشی اورا
وما للظالمین من انصار ◆ ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
ونباشد بیدادگران را هیچ یاریگران یا پروردگار ما شنیدیم خواننده که همی خواند
للایمان ان امنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر
بگروش که بگروید بخداوند خویش گرویدیم یا خداوند ما بیامرز مارا وگناهان ما وبپوشان
عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ◆ ربنا واتنا ما وعدتنا
از ما بدیهای ما وبمیران مارا با نیکوکاران یا نیک کننده کارها وده مارا آنچه وعده کرده مارا
علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد ◆
بر زبان پیغمبران تو ورسوا مگردان مارا روز قیامت که تو نکنی خلاف وعده را
فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من
پاسخ کرد مر ایشانرا خداوند ایشان که من نکنم تباه کار کننده از شما از
ذکر او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا واخرجوا
نر یا ماده بهره از شما از بهره الکسانکه هجرت کردند وبیرون کردندشان
من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن
از سرایهای ایشان وبیازردندشان اندر راه من وکارزار کردند وکشته گشتند بپوشانم
عنهم سیئاتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار
از ایشان بدیهای ایشان ودر آرم ایشانرا بوستانها که همی رود از زیران جویهای روان
ثوابا من عند الله والله عنده حسن الثواب ◆ لا یغرنک
پاداش از نزد خدا وخدا است که نزد اوست نیکو پاداش نفریباند ترا

نفریباند ترا

خمس

[illegible]

تقلب الذین کفروا فی البلاد ۝ متاع قلیل ثم ماویهم
برگشتن آنکسان که کافر گشتند اندر شهرهای برخورداری اندک باز جایگاه ایشان
جهنم وبئس المهاد ۝ لکن الذین اتقوا ربهم لهم جنات
دوزخ است و بد گستردنی است ولیکن آنکه که بترسیدند از خداوندایشان مرایشانرا باشد بوستانها
تجری من تحتها الانهار خالدین فیها نزلا من عند الله
که رود از زیر آن جویهای روان جاودان در آنجا عطایی از نزد خدا
وما عند الله خیر للابرار ۝ وان من اهل الکتاب لمن
و آنچه نزد خداست بهتر مرنیکوکارانرا و از مردمان نامه یعنی توریة کسی
یؤمن بالله وما انزل الیکم وما انزل الیهم خاشعین
بگرود بخدا و آنچه فرو فرستاد بر شما و آنچه فرو فرستاده شد برایشان ترسکاران
لله لا یشترون بایات الله ثمنا قلیلا اولئک لهم
مر خدایرا نخرند بآیتهای خدا بهای اندک ایشانند که مرایشانراست
اجرهم عند ربهم ان الله سریع الحساب ۝ یا ایها الذین
مزد ایشان نزد خداوندایشان که خدا زود شمار است ای شما که
امنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم
گرویده اید شکیبایی کنید و شکیبا باشید اندر سختی و نگهدارید خویشتن از دشمن و بپرهیزید از خدا تا مگر شما

سورة النساء مدنیة تفلحون ۝ مائة وست وسبعون آیة

نیکبخت گردید

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای که بوی هر دو بوی رحمن مرکسان که ایشانرا با ایمان کند رحیم مردمان که در عرصه گور ایشانرا رحمت کند
یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة
ای مردمان بترسید از خداوند خویشتن آنکه بیافرید شما را از تنی یعنی یک آدم

حزب

عشر

[illegible]

عیاشی سند و خود از حضرت امیر المومنین ع روایه کرده که هر که سوره نسا را هر روز جمعه بخواند ایمن خواهد بود از ضغطه قبر والله اعلم بحقایق الامور

وخلق

۴۹

وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا کثیرا ونساء و
بیافرید از وی جفت وی یعنی حوا و پراکنده کرد از ایشان هردو مردان بسیار و زنان و
اتقوا الله الذی تساءلون به والارحام ان الله کان علیکم
بترسید از خدا که بخواهید از یکدیگر بوی و خویشاوندی که خدا هست بر شما
رقیبا ۝ واتوا الیتامی اموالهم ولا تتبدلوا الخبیث بالطیب
نگهبان و بدهید بابدرانرا خواستهای ایشان و بدل مکنید پلید را بپاکیزه
ولا تاکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوبا کبیرا
و مخورید خواستهای ایشان با خواستهای خویش که آن هست گناه و بزه بزرگ
وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم
و اگر بترسید که نتوانید داد کردن در بابدران بزنی کنید آنچه حلال خوش باشد مر شمارا
من النساء مثنی وثلاث ورباع فان خفتم الا تعدلوا
از زنان دو دو و سه سه و چهار چهار و اگر ترسید که نتوانید داد کردن
فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا واتوا
پس یک زن بخواهید یا آنکه پادشاه شود بروی دستهای شما آن نزدیکتر بدانکه درویش نشوند و بدهید
النساء صدقاتهن نحلة فان طبن لکم عن شیء منه نفسا
زنانرا کاوینهای ایشان دادنی پس اگر خوش کنند مرشمارا از چیزی از کاوین تن
فکلوه هنیئا مریئا ۝ ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التی جعل الله لکم
بخورید آنرا نوش گوارنده و مدهید نادانانرا خواستهای شما آنکه کرده است خدای شما
قیاما وارزقوهم فیها واکسوهم وقولوا لهم قولا معروفا ۝ وابتلوا
بپا داری و روزی دهیدشان اندر آنجا و بپوشیدشان و بگویید مرایشانرا گفتاری نیکو و بیازمایید
الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا
بابدرانرا تا چون برسند بزناشویی اگر ببینید از ایشان راه راست پس تسلیم کنید

[illegible]

إليهم أموالهم ولا تأكلوها إسرافا وبدارا أن يكبروا ومن

بایشان خواستهایشان و مخورید آنرا تباه کردن و شتافتن که بزرگ شوند و هر که

كان غنيا فليستعفف ومن كان فقيرا فليأكل بالمعروف

باشد توانگر خویشتن داری کند از مال یتیم و هر که باشد درویش بخورد به نیکویی

فإذا دفعتم إليهم أموالهم فأشهدوا عليهم وكفى بالله حسيبا

چون بدهید بایشان خواستهایشان گواه گیرید برایشان و بسنده است بخدا

للرجال نصيب مما ترك الوالدان والأقربون وللنساء

مردان را بهره است از آنچه بگذاشتند مادر و پدر و خویشاوندان و مر زنان را

نصيب مما ترك الوالدان والأقربون مما قل منه أو كثر

بهره است از آنچه گذاشتند مادر و پدر و خویشاوندان از آنچه اندک باشد ازو یا بسیار

نصيبا مفروضا وإذا حضر القسمة أولوا القربى واليتامى

بهره بهره کرده واجب و چون حاضر باشند بخش خداوندان نزدیکی خویشاوندان و یتیمان

والمساكين فارزقوهم منه وقولوا لهم قولا معروفا وليخش الذين

و درویشان روزی دهید شان ازآنجا و گوئید مرایشان گفتاری نیکو و بترسند آنکه

لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافا خافوا عليهم فليتقوا الله

اگر دست بازدارند از پس خویش فرزندان خرد و بترسید برایشان و بترسید از خدا

وليقولوا قولا سديدا إن الذين يأكلون أموال اليتامى

و بگوئید گفتاری راست آنکه که می خورند خواستهای بی پدران

ظلما إنما يأكلون في بطونهم نارا وسيصلون سعيرا يوصيكم

بستم آنچه می خورند اندر شکمهای خویش آتش است و زود آورند شان فرو آن ... وصیت میکند

الله في أولادكم للذكر مثل حظ الأنثيين فإن كن نساء

خدا اندر فرزندان شما مر نرینه را همچون بهره دو ماده بس اگر باشند فرزندان زنان

عشر

فوق اثنتين فلهن ثلثا ما ترك وإن كانت واحدة فلها

زبر دو مرایشان را باشد دو بهره از آنچه دست بازداشته اگر باشد یکی دختر مر او را باشد

النصف ولأبويه لكل واحد منهما السدس مما ترك إن كان

یک نیمه و مر مادر و پدر را مر هر یکی ازین دو بخش یک از آنچه بگذاشت مرده اگر باشد

له ولد فإن لم يكن له ولد وورثه أبواه فلأمه الثلث

مر او را فرزند بس اگر نباشد مر او را فرزند و میراث یابد ازوی مادر و پدر وی مر مادر او را باشد سه یک

فإن كان له إخوة فلأمه السدس من بعد وصية يوصي

بس اگر باشد مر او را برادران و خواهران و مادر را شش یک از پس اندرزی که اندرز کند

بها أو دين آباؤكم وأبناؤكم لا تدرون أيهم أقرب لكم نفعا

بوی یا وامی داو پدران شما و پسران شما و ندانید کدام ازیشان نزدیکتر مر شما را منفعت

فريضة من الله إن الله كان عليما حكيما ولكم نصف

بهره کردنی از خدا که خدا هست داناکار میراث و صواب کار حکیم و مر شما را باشد نیمه

ما ترك أزواجكم إن لم يكن لهن ولد فإن كان لهن ولد

آنچه بگذارند زنان شما اگر نباشد مرایشان را فرزندی پس اگر باشد مرایشان را فرزندی

فلكم الربع مما تركن من بعد وصية يوصين بها أو دين

مر شما را باشد چاریک از آنچه بگذارند از پس وصیتی که بدو کنند وی یا وام داده

ولهن الربع مما تركتم إن لم يكن لكم ولد فإن كان لكم ولد

و مر زنان را باشد چاریک از آنچه دست بازداشته اگر نه باشد مر شما را فرزندی پس اگر باشد مر شما را فرزندی

فلهن الثمن مما تركتم من بعد وصية توصون بها أو دين

بس باشد مرشان را هشت یک از آنچه دست بازداشتید از پس اندرزی که اندرز کنید بدان یا وامی

وإن كان رجل يورث كلالة أو امرأة وله أخ أو أخت

و اگر باشد مردی که میراث یابند ازو نه پدر و نه فرزند یا زنی و مر او را برادری یا خواهری

[illegible]

فلكل واحد منهما السدس فان كانوا اكثر من ذلك فهم

مر هر یکی را باشد ازین دو شش یک و اگر باشند برادران و خواهران مادری بیشتر ازان ایشان

شركاء في الثلث من بعد وصية يوصى بها او دين غير

انبازانند در سه یک از پس اندرزی که اندرز کنند مرده بوی یا وامی که گذارد

مضار وصية من الله والله عليم حليم ۝ تلك حدود الله

زیان کردن مر میراث خواه را وصیتی از خدا و خدا دانا است بردبار [illegible] خلاف کنندگان [illegible]

ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات تجري من تحتها

و هر که فرمان برد خدای را و پیغمبر را اندر آورد ش در بوستانها که همی رود از زیر آن

الانهار خالدين فيها وذلك الفوز العظيم ۝ ومن يعص الله

جویها جاودان اندر آنجا و آن هست پیروزی بزرگ و هر که بیفرمانی کند خدا

ورسوله ويتعد حدوده يدخله نارا خالدا فيها وله عذاب

و پیغمبر او را و اندر گذرد از حدهای وی اندر آرد ش با آتشی جاودان در آنجا و او را باشد عذاب

مهين ۝ واللاتي ياتين الفاحشة من نسائكم فاستشهدوا

خوار کننده و آن زنان که بکنند ناخوبی یعنی زنا از زنان شما پس گواه گیرید

عليهن اربعة منكم فان شهدوا فامسكوهن في

بر ایشان چهار تن از شما اگر گواهی دهند باز دارید شان اندر

البيوت حتى يتوفاهن الموت او يجعل الله لهن سبيلا ۝

خانها تا بستاند ایشان را مرگ یا بکند خدای مر ایشان را راهی

واللذان ياتيانها منكم فاذوهما فان تابا واصلحا فاعرضوا

و از مرد و زن که زنا کنند از شما بیازاریدشان زبان اگر توبه کنند و خوب کردند روی گردانید

عنهما ان الله كان توابا رحيما ۝ انما التوبة على الله

از آزارشان که خدا هست توبه پذیرنده و بخشاینده توبه دادن به خدا هست

للذين

خمس

[illegible]

[illegible]

للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فاولئك

مر آنها را که بکنند بدی بنادانی باز توبه کنند از نزدیکی پیش از مرگ ایشانند

يتوب الله عليهم وكان الله عليما حكيما ۝ وليست التوبة

که توبه پذیرد خدا از ایشان و هست خدا دانا به کار همه و کارها پذیرفتن و نیست توبه

للذين يعملون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال

مر آنها را که بکنند بدیها را تا چون بیاید بیکی از ایشان مرگ گوید

اني تبت الان ولا الذين يموتون وهم كفار اولئك

من توبه کردم اکنون و نیز آنها که بمیرند و ایشان کافر باشند ایشانند

اعتدنا لهم عذابا اليما ۝ يا ايها الذين امنوا لا يحل لكم

که آماده کردیم مر ایشان را عذابی دردگین ای آنها که گرویدید حلال نباشد شما را

ان ترثوا النساء كرها ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض

که میراث گیرید زنان را بناخوشت و باز مدارید شان تا ببرید بهره

ما اتيتموهن الا ان ياتين بفاحشة مبينة وعاشروهن

از آنچه داده باشید ایشان را مگر که بیارند ناخوبی یعنی زنا آشکارا و زندگانی کنید با ایشان

بالمعروف فان كرهتموهن فعسى ان تكرهوا شيئا ويجعل

به نیکی پس اگر ناخواهان باشید ایشان را مگر ناخواهان باشید چیزی را و بکند

الله فيه خيرا كثيرا ۝ وان اردتم استبدال زوج مكان

خدا اندر آن نیکی بسیار و اگر خواهید بدل گرفتن زنی بجای

زوج واتيتم احداهن قنطارا فلا تاخذوا منه شيئا

زنی و داده باشید یکی را از ایشان یک پوست گاو زر مستانید از آن داده چیزی

اتاخذونه بهتانا واثما مبينا ۝ وكيف تاخذونه

آیا بستانید آن را بزور و بزه پیدا و چگونه روا دارید که بستانید آن را

[illegible]

از اهل حرب اسیر شود و هم کنیز شوهردار که شوهرش غلام صاحب کنیز باشد و در این سه صورت مولی را وطی آن کنیز جایز است بشرط آنکه در صورت دوم رفع عقد سابق آن کنیز [illegible]

[illegible]

وقد افضى بعضكم الى بعض واخذن منكم ميثاقا غليظا
و هر آینه فارغ شده باشد بهره از شما سوی بهره بجماع و گرفتند از شما پیمان استوار
ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم من النساء الا ما قد سلف انه كان
و بزنی مکنید آنچه بزنی کردند پدران شما از زنان مگر آنچه گذشته است که آن هست
فاحشة ومقتا وساء سبيلا ۝ حرمت عليكم امهاتكم
ناخوب کاری و دشمنی و بد راهی است حرام کرده شد بر شما مادران شما
وبناتكم واخواتكم وعماتكم وخالاتكم وبنات الاخ وبنات الاخت
و دختران شما و خواهران شما خواهران پدران شما و خواهران مادران شما و دختران برادر و دختران خواهر
وامهاتكم اللاتي ارضعنكم واخواتكم من الرضاعة وامهات
و مادران شما آنانی که شیر داده باشند شما را و خواهران شما از شیر خوردن و مادران
نسائكم وربائبكم اللاتي في حجوركم من نسائكم اللاتي
زنان شما و دختران زنان شما آنانکه باشند در کنار شما از زنان شما آنکه
فان لم تكونوا دخلتم بهن
دخلتم بهن فلا جناح عليكم وحلائل ابنائكم الذين من
فارغ شده باشید بایشان نیست بزه بر شما و زنان پسران شما آنانکه باشند از
اصلابكم وان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف ان الله
پشتهای شما و آنکه گرد آرید میان دو خواهر مگر آنچه گذشت که خدا
كان غفورا رحيما ۝ والمحصنات من النساء الا ما ملكت
هست پوشنده گناهان و بخشاینده بندگان و نگاهدارند از زنان مگر آنچه باز شود در
ايمانكم كتاب الله عليكم واحل لكم ما وراء ذلكم ان
دستهای شما یعنی پرستاران نوشته خدا هست بر شما یعنی واجب کرده و حلال کرده شود مر شما را آنچه پس از این است برای
تبتغوا باموالكم محصنين غير مسافحين فما استمتعتم به منهن
جویید بغیر زنا کنید بخواستهای شما پاکدامنان نه پلیدامنان و پلیدکاران آنکه برخوردار گردید بدان از ایشان

فآتوهن

فآتوهن اجورهن فريضة ولا جناح عليكم فيما تراضيتم به
پس بدهید ایشان را مزدهای ایشان یعنی کابین واجب کرده و نیست بزه بر شما از آنچه خشنود کردید از
من بعد الفريضة ان الله كان عليما حكيما ۝ ومن لم يستطع
پس بدید کرده که خدا هست دانا استوارکار و هر که توانا نباشد
منكم طولا ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم
از شما بر افزونی که بزنی کند از پاکدامنان گرویدگان پس از آنچه پادشاه شود دستهای
من فتياتكم المؤمنات والله اعلم بايمانكم بعضكم من بعض
از پرستاران شما گرویدگان و خدا داناتر است بگروش شما بهره از شما از بهره
فانكحوهن باذن اهلهن وآتوهن اجورهن بالمعروف محصنات
پس بزنی کنید ایشان را بدستوری خداوندان ایشان و بدهیدشان مزدهای ایشان یعنی کابین بنیکویی پاکدامنان
غير مسافحات ولا متخذات اخدان فاذا احصن فان اتين
نه پلیدامنان و پلیدکاران و نه گیرندگان دوستان نهانی پس چون شوی کنند اگر بیارند
بفاحشة فعليهن نصف ما على المحصنات من العذاب ذلك
ناخوبی یعنی زنا و بر ایشان باشد نیمه آنچه بر پاکدامنان و پاک کاران لازم است از عذاب یعنی حد این
لمن خشي العنت منكم وان تصبروا خير لكم والله غفور رحيم ۝
مر او را که بترسد از زنا و رنج از شما و گر شکیبایی کنید بهتر مر شما را و خدا آمرزنده است و بخشاینده
يريد الله ليبين لكم ويهديكم سنن الذين من قبلكم ويتوب
همی خواهد خدا که پدید کند مر شما را و راه نماید شما را راه آنکه بودند از پیش شما و توبه دهد
عليكم والله عليم حكيم ۝ والله يريد ان يتوب عليكم
بر شما و خدا داناست و استوارکار و خدا همی خواهد که توبه دهد بر شما
ويريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلا عظيما ۝ يريد الله
و میخواهند آنکه که پیروی کنند آرزوها که میل کنید از دین میل کردنی بزرگ میخواهد خدا

[illegible]

ان يخفف عنكم وخلق الانسان ضعيفا ۞ يا ايها الذين
که سبک کرداند از شما و آفریده شود مردمان سست ای آن کسان که
امنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجارة
ایمان آورده اید مخورید خواستهای شما میان یکدیگر بناشایست یعنی بقمار مگر که باشد بازرگانی
عن تراض منكم ولا تقتلوا انفسكم ان الله كان بكم رحيما ۞
از خشنودی از شما و مکشید تنهای خویش که خدا هست بشما بخشاینده مهربان
ومن يفعل ذلك عدوانا وظلما فسوف نصليه نارا وكان
و هرکه بکند آن فعل از حد درگذشتن و ستم کردن زود باشد که اندر آریمش بآتش و هست
ذلك على الله يسيرا ۞ ان تجتنبوا كبائر ما تنهون
آن بر خدا آسان اگر کناره کیند از بزرگ گناهان آنچه بازداشته شد
عنه نكفر عنكم سيئاتكم وندخلكم مدخلا كريما ۞
از و بپوشانیم از شما بدیهای شما و اندر آریم شما را اندر آوردنی بزرگوار
ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض للرجال نصيب
و آرزو مکنید آنچه افزونی داد خدا بوی بهره را از شما بر بهره مردان را بهره است
مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن واسئلوا الله
از آنچه کردند از نیکی و مر زنان را بهره است از آنچه کردند از نیکی و بخواهید از خدا
من فضله ان الله كان بكل شيء عليما ۞ ولكل جعلنا
از افزونی وی که خدا هست بهر چیزی دانا و هر کسی را بکردیم
موالي مما ترك الوالدان والاقربون والذين عقدت
یاران یعنی وارثان از آنچه بگذاشتند مادران و پدران و خویشاوندان و آنکه بستند
ايمانكم فاتوهم نصيبهم ان الله كان على كل شيء شهيدا ۞
پیمانها شما بدهید شان بهره ایشان که خدا هست بر هر چیزی گواه

[illegible]

[illegible]

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض
مردان ایستادگان بر زنان بدانچه افزونی کرداند خدا برازایشان بر بهره
وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات
و بدانچه هزینه کنند از خواستهای خویش پس زنان پارسا نوی خوانان فرمانبرداران شوهر نگاهدارندگان
للغيب بما حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن
و نهان را غیب شوهر بدانچه نگاهداشت خدای و آن زنانا که بترسند از خویشتن کشیدن ایشان یعنی نافرمانی کاری پند دهیدشان
واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا
و جدا شوید از ایشان در خوابگاهها و بزنیدشان پس اگر فرمان برند شما را مجوئید
عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا ۞ وان خفتم
بر ایشان راهی یعنی بهانه که خدا هست برتر و بزرگتر و اگر بترسید
شقاق بينهما فابعثوا حكما من اهله وحكما من اهلها ان
خلافی میان زن و شوی بفرستید میانجی از مردمان شوی و میانجی از مردمان زن اگر
يريدا اصلاحا يوفق الله بينهما ان الله كان عليما خبيرا ۞
خواهند میانجی خوب کارسازکاری افکند خدا میان هردو که خدا هست دانا و آگاه بحال میانجیان
واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا و
و بپرستید خدا را و انباز مکردانید باوی چیزی و با مادر و پدر نیکویی کنید و
بذي القربى واليتامى والمساكين والجار ذي القربى والجار
با خویشاوندان و بی پدران و درویشان و با همسایه خویشاوند و با همسایه
الجنب والصاحب بالجنب وابن السبيل ۞ وما ملكت ايمانكم
بیگانه و همسایه سرا هم پهلو و با راه گذری و بآنچه پادشاه شود دستهای شما
ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا ۞ الذين يبخلون
که خدا دوست ندارد آن را که باشد کشی کننده خرامنده آنکسها که بخیلی کنند

[illegible]

[illegible]

٥٤

وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَآ آتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ
وبفرمایند مردمان را بخیلی کردن وبپوشانند آنچه بداد ایشان را خدا از
فَضْلِهٖ ط وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ۝ وَالَّذِيْنَ
افزونی خویش وآماده کردیم مر ناگرویدگان را عذابی خوار کننده وآنکه
يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
هزینه کنند خواستهای خویش بر دیدار مردمان ونگروند بدل بخدا ونه بروز
الْاٰخِرِ ط وَمَنْ يَّكُنِ الشَّيْطٰنُ لَهٗ قَرِيْنًا فَسَآءَ قَرِيْنًا ۝ وَمَاذَا
بازپسین وهرکه باشد دیو مراورا یار پس بد یاری وچه بر
عَلَيْهِمْ لَوْ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ
بودی بر ایشان اگر بگرویدندی بخدا وروز بازپسین وهزینه کردندی از آنچه روزی داد ایشان را
وَكَانَ اللّٰهُ بِهِمْ عَلِيْمًا ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَاِنْ تَكُ
وهست خدا بدیشان دانا که خدا ستم نکند همسنگ موری واگر باشد
حَسَنَةً يُّضٰعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَّدُنْهُ اَجْرًا عَظِيْمًا ۝ فَكَيْفَ
نیکی بیفزاید آنرا وبدهد از نزدیک خود مزدی بزرگ چگونه باشد
اِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ بِشَهِيْدٍ وَّجِئْنَا بِكَ عَلٰى هٰٓؤُلَآءِ شَهِيْدًا
چون بیاریم از هر گروهی گواهی یعنی پیغمبری وبیاریم ترا بر ایشان گواهی
يَوْمَئِذٍ يَّوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَعَصَوُا الرَّسُوْلَ لَوْ تُسَوّٰى
آن روز دوست دارند آنکسان که کافر گشتند ونافرمانی کردند پیغمبر را اگر راست کرده شدی
بِهِمُ الْاَرْضُ ط وَلَا يَكْتُمُوْنَ اللّٰهَ حَدِيْثًا ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
بایشان زمین وپنهان نتوانند کرد از خدا سخنی ای آن کسانی که ایمان آوردید
لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْتُمْ سُكٰرٰى حَتّٰى تَعْلَمُوْا مَا تَقُوْلُوْنَ
فرا مروید بنماز وشما مستان باشید تا بدانید که چه میگویید

عشر

ولاجنبا

وَلَا جُنُبًا اِلَّا عَابِرِيْ سَبِيْلٍ حَتّٰى تَغْتَسِلُوْا ط وَاِنْ كُنْتُمْ مَّرْضٰٓى
ونه نیز جنب مگر گذرندگان راه تا بشویید واگر باشید بیمار
اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَآءَ اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ
یا بر سفر یا بیاید یکی از شما از جای حدث یا بدست ماسیدید زنان را
فَلَمْ تَجِدُوْا مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ
نیابید آب آهنگ کنید بجای پاک مالید بوی روبهای خویش را
وَاَيْدِيْكُمْ ط اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُوْرًا ۝ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ
ودستهای خویش را که خدا هست اندر گذارنده وآمرزنده نگاه کن یا محمد سوی آنکه
اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يَشْتَرُوْنَ الضَّلٰلَةَ وَيُرِيْدُوْنَ
بدادندشان بهری از نامه بخرند گراهی ومیخواهند
اَنْ تَضِلُّوا السَّبِيْلَ ط وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَآئِكُمْ ط وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا
که گم کنند راه وخدا داناترست بدشمنان شما وبسنده هست بخدا یار نگهبان
وَّكَفٰى بِاللّٰهِ نَصِيْرًا ۝ مِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ
وبسنده هست بخدا یاری دهنده از آنکه جهودان همی بگردانند سخن را
عَنْ مَّوَاضِعِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ
از جای خویش وهمی گویند شنودیم وعاصی شدیم فرمان را وبشنو که جز باشنوایی
وَّرَاعِنَا لَيًّا بِاَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّيْنِ ط وَلَوْ اَنَّهُمْ قَالُوْا
وگوش بما دار پیچانیدن بزبانهای خویش وعیب جستن اندر دین واگر ایشان گفتندی
سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَقْوَمَ
شنیدیم گفتار ترا وپذیرفتیم فرمان او وبشنو ونگر بما هر آینه بودی بهتر مر ایشانرا ودرست تر
وَلٰكِنْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ۝ يٰٓاَيُّهَا
ولیکن لعنت کرد ایشان را خدا بناگرویدن ایشان نگروند مگر اندکی ای آن

خمس

[illegible]

الذين اوتوا الكتاب امنوا بما نزلنا مصدقا لما معكم
که داوندشان نامه بگروید بدانچه فرو فرستادیم راست دارنده مرآنرا که با شماست
من قبل ان نطمس وجوها فنردها على ادبارها او نلعنهم
از پیش آنکه نشان بیریم رویهارا بازگردانیم آنرا بر پشتهای وی یا لعنت کنیم
كما لعنا اصحاب السبت وكان امر الله مفعولا ان الله لا
چنانکه لعنت کردیم خداوندان شنبه را و بود فرمان خدا کرده که خدا نه
يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله
آمرزد که انباز گیرند بوی و بیامرزد آنچه فرود اینست مرآنرا که خواهد و هر که انباز گیرد بخدا
فقد افترى اثما عظيما الم تر الى الذين يزكون انفسهم
ساخته باشد بزه و گناهی بزرگ همی نگری یا محمد سوی آنها که بستایند تنهای خویش
بل الله يزكي من يشاء ولا يظلمون فتيلا انظر كيف
بلکه خدا بستاید و پاک کند آنرا که خواهد و نکنند ستم برایشان چون دوانه خرما بنگر یا محمد چگونه
يفترون على الله الكذب وكفى به اثما مبينا الم
همی بافند بر خدا دروغ و بسنده است آن بزه پیدا نگاه نکنی
تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت و
یا محمد سوی آنکه بداوند بهره از نامه یعنی توریة همی بگروند بحیی بن اخطب و
الطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى
کعب بن اشرف و همیگویند مرآنکسانرا که کافر شدند یعنی که اینها راسترانند
من الذين امنوا سبيلا اولئك الذين لعنهم الله ومن
از آنکه بگرویدند براه ایشانند آنکه لعنت کرد ایشانرا خدا و هر کرا
يلعن الله فلن تجد له نصيرا ام لهم نصيب من الملك
لعنت کند خدا نیابی مر اورا هیچ یاری یا اگر هستی مرایشانرا بهره از پادشاهی

فاذا

فاذا لا يؤتون الناس نقيرا ام يحسدون الناس على ما
آنگاه ندهندی مردمانرا چند آنکه خرما سفال یا حسد میبرند مردمانرا یعنی محمدرا بر آنچه
اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابراهيم الكتاب والحكمة
بداوشان خدا از افزونی خویش ما بداویم مردمان ابراهیم را نامه یعنی صحف و سخن حکمت
واتيناهم ملكا عظيما فمنهم من امن به ومنهم من صد
و بداویشان پادشاهی بزرگ از ایشان کسی بود که بگرویدی بوی و از ایشان کس بود که برگشته
عنه وكفى بجهنم سعيرا ان الذين كفروا باياتنا سوف
از وی و بسنده است دوزخ فروزان آنها که کافر شدند بآیتهای ما زود باشد که
نصليهم نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها
اندر آریشان باتش هرگاه که پخته شود پوستهای ایشان بدل کنیم یعنی بگردانیم پوستهای دیگران
ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزا حكيما والذين امنوا
تا بچشند عذاب را که خدا هست سخت گیر و استوار کار و آنها که بگرویدند
وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من تحتها الانهار
و کردند نیکویها زود باشد اندر آریشان بوستانها که همی رود از زیر آن جویهای روان
خالدين فيها ابدا لهم فيها ازواج مطهرة وندخلهم
جاودان اندر آنجا همیشه مرایشانراست اندر آنجا زنانی پاکیزه و اندر آریمشان
ظلا ظليلا ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الى
سایه پایدار که خدا همی فرماید شمارا که بگذارید امانتهارا به
اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل ان الله
خداوندان آن و چون حکم کنید میان مردمان آنکه حکم کنید بداد که خدا
نعما يعظكم به ان الله كان سميعا بصيرا يا ايها الذين امنوا
نیکست آنچه پند دهد شمارا بوی که خدا هست شنوا و بینا یا ای آنکه گرویده اید

هو

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ
فرمان برید خدایرا و فرمان برید پیغمبررا و سلطانرا و علمارا از شما اگر
تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ
ناهموار شوید در چیزی باز برید آنرا بخدا یعنی بفرمان و با پیغمبر یعنی سنت وی اگر چنان اید که همی بگروید
بِاللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ
بخدا و روز بازپسین آن بهتر و نیکوتر
تَأْوِيلًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ
سرانجام تر نگاه نکنی یا محمد سوی آنکه همی دعوی کنند که ایمان گرویدند بدانچه فرو فرستاده
إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
سوی تو و آنچه فرو فرستاده اند از پیش تو همی خواهند که داوری برند سوی کعب اشرف
وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ
و فرموده اند ایشانرا که کافر شوند بوی و همی خواهد دیو که گرداندشان گمراه
ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى
گمراهی دور و چون گویند ایشانرا بیایید از سوی آنچه فرو فرستاد خدا سوی
الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ۝ فَكَيْفَ
پیغمبر یعنی محمد ببینی منافقانرا باز گردند از تو که محمدی باز گشتنی چگونه باشد
إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ
چون رسد بایشان اندوهی و بلایی بدانچه پیش فرستاد دستهای ایشان باز آیند سوی تو سوگند خورند
بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ
بخدا که نخواستیم مگر نیکوکاری و سازکاری یعنی موافقت ایشانند آنکه که بداند خدا
مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ
آنچه در دلهای ایشانست پس روی بگردان از ایشان و پند ده ایشانرا و بگو مر ایشانرا اندر تنهای ایشان

قولا

عشر

[illegible]

٥٦

قَوْلًا بَلِيغًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ
گفتاری پسندیده رسیده و نه فرستادیم هیچ پیغمبری مگر تا فرمانش برند بفرمان خدای
وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ
و اگر ایشان چون ستم کردند بر تنهای خویش بیامدندی بر تو و آمرزش خواستندی از خدا و آمرزش خواستی
لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ۝ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ
مر ایشانرا پیغمبر بیافتندی خدایرا توبه پذیرنده و بخشاینده و بخدای تو یا محمد که نگروند
حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا
تا داور ندارند ترا در آنچه نیفتد میان ایشان باز نیابند اندر تنهای خویش تنگی
مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝ وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ
از آنچه حکم کنی و گردن نهند ترا گردن نهادنی و اگر ما نبشتیم و واجب کنیم بر ایشان که
اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا
بکشید تنهای خویش را یا بیرون روید از سراهای خویش بکردندی اورا مگر
قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا
اندکی از ایشان و اگر ایشان بکردندی آنچه پند میدهندشان بدو بودی بهتر
لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ۝ وَإِذًا لَآتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا
مر ایشانرا و سخت تر استوارکاری و چون بدادیمی ایشان آنگاه از نزد ما مزدی بزرگ
وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ
و راه نمودیمشان راهی راست و هر که فرمان برد خدایرا و پیغمبررا
فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ
پس ایشان باشند با آنکه نیکویی کرد خدا بر ایشان از پیغمبران و راستگویان
وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ۝ ذَلِكَ
و شهیدان و شایستگان و نیک کند ایشانرا همراه و یاری این

خمس

[illegible]

عشر

الفضل من الله وكفى بالله عليما ۝ يا ايها الذين امنوا
افزونیست از خدا و بسندست خدا دانا است ای آنها که شما گرویدگانید
خذوا حذركم فانفروا ثبات او انفروا جميعا وان منكم
بگیرید سازش خویش بیرون روید گروه گروه یا بیرون روید همه و از شما
لمن ليبطئن فان اصابتكم مصيبة قال قد انعم الله
کسی هست گران کرد اند بر مومنان بیرون رفتن اگر رسد بلایی بشما بلای کشتن گوید نیکو کرد خدا
علي اذ لم اكن معهم شهيدا ۝ ولئن اصابكم فضل من الله
بر من که نبودم با ایشان حاضر بجنگ و اگر رسد بشما افزونی از خدا
ليقولن كان لم تكن بينكم وبينه مودة يا ليتني
گویند پنداری نبود میان شما و میان وی دوستی ای کاشکی
كنت معهم فافوز فوزا عظيما ۝ فليقاتل في سبيل الله
بودمی من با ایشان تا یک بختی کنمی نیکبختی بزرگ کارزار کنند در راه خدا
الذين يشرون الحيوة الدنيا بالاخرة ومن يقاتل في
آنکسان که فروشند زندگانی اینجهان بدانجهان و هر که کارزار کند در
سبيل الله فيقتل او يغلب فسوف نؤتيه اجرا عظيما ۝
راه خدا بکشندش یا غلبه کند زود باشد که بدهیمش مزدی بزرگ
وما لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين
وچه بوده است مر شما را که کارزار نکنید اندر راه خدا و زبون گرفتگانند
من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا
از مردمان و زنان و کودکان و آنها که همی گویند با خداوند ما
اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من
بیرون بر ما را از این دیه یعنی مکه که ستمکارانند مردمان و بکن ما را از

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که [illegible]

[illegible]

[illegible]

لدنك

خمس

لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا ۝ الذين امنوا
نزد تو یاری و دوستی و بکن ما را از نزد تو یاری گری آنکسانکه بگرویدند
يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا يقاتلون في
کارزار کنند اندر راه خدا و آنکسانکه کافر گشتند کارزار کنند در
سبيل الطاغوت فقاتلوا اولياء الشيطان ان كيد
راه بتان کارزار کنید با یاران دیوان که سگالش
الشيطان كان ضعيفا ۝ الم تر الى الذين قيل لهم كفوا
دیو هست سست ای نگاه نکنی سوی آنکسانکه گفتند مر ایشان را فرو گیرند
ايديكم واقيموا الصلوة واتوا الزكوة فلما كتب عليهم
دستهای خویش و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة آنگاه که واجب کردند بر ایشان
القتال اذا فريق منهم يخشون الناس كخشية الله او
کارزار همیدون گروهی از ایشان همی ترسند از مردمان چون ترسیدن از خدا یا
اشد خشية وقالوا ربنا لم كتبت علينا القتال لولا
سخت ترسیدنی و گفتند با خداوند ما چرا نوشتی بر ما کارزار چرا
اخرتنا الى اجل قريب ۝ قل متاع الدنيا قليل والاخرة
سپس نکنی ما را تا زمانه نزدیک بگو یا محمد برخورداری اینجهان اندکی هست و آنجهان
خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا ۝ اينما تكونوا يدرككم
بهتر مر آنکسی را که پرهیزد و بر ایشان ستم نکنند بقدر پوست [illegible] هرکجا باشید اندر یابد شما را
الموت ولو كنتم في بروج مشيدة وان تصبهم حسنة
مرگ و اگرچه باشید اندر کوشکهای بلند آورده و اگر رسد بایشان نیکویی
يقولوا هذه من عند الله وان تصبهم سيئة يقولوا هذه
گویند این از نزد خدای و اگر رسد بایشان بدی گویند این

[illegible]

من عندك قل كل من عند الله فمال هؤلاء القوم لا
از تو است بگو یا محمد همه از نزد خداست چه بوده است این گروه را که
يكادون يفقهون حديثا ۝ ما اصابك من حسنة
همی خواهند اندر یابند سخنی آنچه رسد بتو از نیکی
فمن الله وما اصابك من سيئة فمن نفسك وارسلناك
از خداست و آنچه برسد از بدی از تن تو است و فرستادیم
للناس رسولا وكفى بالله شهيدا ۝ من يطع الرسول
مردمانرا بپیغمبری و بسنده است خدا گواه هرکه فرمان برد پیغمبر را
فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا
فرمان برده باشد خدایرا و هرکه برگردد نفرستادیم بر ایشان نگهبانی
ويقولون طاعة فاذا برزوا من عندك بيت طائفة
و همی گویند کار فرمان برداریست چون بیرون شوند از نزد تو همی سازند گروهی
منهم غير الذي تقول والله يكتب ما يبيتون فاعرض
از ایشان جز آنکه تو گویی و خدا فرماید نوشتن آنچه همی سگالند روی بگردان
عنهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ۝ افلا
از ایشان و بسپار کار خویش بر خدا و بسنده است خدا کارساز بندگان چرا
يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا
همی اندیشه نکنند اندر وی و اگر بودی از نزد جز خدا بیافتندی دروی
فيه اختلافا كثيرا ۝ واذا جاءهم امر من الامن او الخوف
ناهمواری بسیار و چون بیاید بایشان کاری از ایمنی یا از بیم
اذاعوا به ولو ردوه الى الرسول والى اولي الامر منهم
آشکارا کنند آنرا و اگر باز گردانیدی اورا سوی پیغمبر و سوی خداوندان کار از ایشان

عشر

تفسیر اولی الامر [illegible]

و گفته بعضی امرا لشکر و بعضی سلاطین و بعضی علما گفته اند والله اعلم

[illegible]

لعلمه

لعلمه الذين يستنبطونه منهم ولولا فضل الله عليكم
بدانستندی آنکسانکه بیرون آرند آنرا از ایشان و اگر افزونی خدا بر شما
ورحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا ۝ فقاتل في سبيل الله
و بخشودن وی پس پیروی کردندی دیو را مگر اندک کارزار کن در راه خدا
لا تكلف الا نفسك وحرض المؤمنين عسى الله ان يكف
در نخواهند از تو مگر تن تو و برانگیز مؤمنان را مگر خدا فرو گیرد
باس الذين كفروا والله اشد باسا واشد تنكيلا ۝
سختی آنها که نگرویدند و خدا سخت تر است سختی و سخت تر است بعذاب کردن
من يشفع شفاعة حسنة يكن له نصيب منها ومن يشفع
هرکه خواهش کند خواهش کردن نیکی باشد مراورا بهره از آن و هرکه خواهش کند
شفاعة سيئة يكن له كفل منها وكان الله على كل شيء
خواهش کردن بدی باشد مراورا بهره از وی و هست خدا بر هر چیزی
مقيتا ۝ واذا حييتم بتحية فحيوا باحسن منها او ردوها
توانا و چون درود دهند شما را درود دادنی درود باز دهید نیکوتر از آن یا همچنان رد کنید آنرا
ان الله كان على كل شيء حسيبا ۝ الله لا اله الا هو
که خدا هست بر هر چیزی شماردار و نگهدار خداست که نیست خدا مگر او
ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ومن اصدق من الله
که گرد آورد شما را سوی روز رستاخیز نیست گمان اندر وی و کیست راستگوتر از خدا
حديثا ۝ فما لكم في المنافقين فئتين والله اركسهم بما كسبوا
بسخن چه بوده است شما را اندر منافقان دو گروه شده و خدا باز پس گردانید شان بدانچه کردند
اتريدون ان تهدوا من اضل الله ومن يضلل الله فلن تجد
آیا همی خواهید که راه نمایید آنرا که گمراه کرد خدا و هرکه گمراه کرد خدا پس هرگز نیابی

خمس

نصف

[illegible]

له سبيلا ۝ ودوا لو تكفرون كما كفروا فتكونون سوآء فلا

اورا راهی دوست دارند که کافر شوید شما چنانکه کافر شدند ایشان تا باشید یکسان پس

تتخذوا منهم اولياء حتى يهاجروا في سبيل الله فان تولوا

مگیرید از ایشان دوستان تا هجرت کنند اندر راه خدا پس اگر برگردند

فخذوهم واقتلوهم حيث وجدتموهم ولا تتخذوا منهم وليا

بگیرید شان و بکشید شان هرکجا یابید شان و مگیرید از ایشان دوستی

ولا نصيرا ۝ الا الذين يصلون الى قوم بينكم وبينهم

ونه یاری گری مگر آنها که پیوندند سوی گروهی میان شما و میان ایشان

ميثاق او جاؤكم حصرت صدورهم ان يقاتلوكم او يقاتلوا

پیمان باشد یا بیایند بشما تنگ شده باشد دلهای ایشان اگر کارزار کنند با شما یا کارزار کنند

قومهم ولو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

با گروه خویش و اگر خواستی خدا بگماشتی ایشان را بر شما تا کارزار کردندی با شما

فان اعتزلوكم فلم يقاتلوكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله

پس اگر جدا شوند از شما کارزار نکنند با شما و بیفکنند سوی شما آشتی بنکرد خدا

لكم عليهم سبيلا ۝ ستجدون اخرين يريدون ان يامنوكم

مر شما را بر ایشان راهی یعنی حجتی زود بیابید دیگران را همی خواهند که ایمن گردند از شما

ويامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا فيها فان

و ایمن گردند از گروه خویش هرگاه باز گردانندشان سوی حرب نگونسار شوند اندر آنجا اگر

لم يعتزلوكم ويلقوا اليكم السلم ويكفوا ايديهم فخذوهم واقتلوهم

جدا نشوند از شما و بیفکنند سوی شما آشتی را و فرو نگیرند دستهای خویش بگیریدشان و بکشیدشان

حيث ثقفتموهم واولئكم جعلنا لكم عليهم سلطانا مبينا ۝

هرکجا یابید شان و ایشان اند که بکردیم مر شما را بر ایشان حجتی پیدا

عشر

[illegible]

وماكان

٥٩

[illegible]

وما كان لمؤمن ان يقتل مؤمنا الا خطا ومن قتل مؤمنا

و نباشد مر گرویده را که بکشد گرویده را مگر بخطا و هرکه بکشد گرویده را

خطا فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة الى اهله الا

بخطا پس باید آزاد کردن بنده گرویده و خون بها باید سپرده بکسان وی یعنی مقتول مگر

ان يصدقوا فان كان من قوم عدو لكم وهو مؤمن فتحرير

که صدقه کنند یعنی ببخشند اگر باشد کشته از گروه دشمن مر شما را وی گرویده باشد آزاد باید کردن

رقبة مؤمنة وان كان من قوم بينكم وبينهم ميثاق

بنده گرویده و اگر باشد کشته از گروهی میان شما و میان ایشان پیمان است

فدية مسلمة الى اهله وتحرير رقبة مؤمنة فمن لم يجد

پس خونبها باید سپرده بکسان وی و آزاد باید کرد بنده گرویده و هرکه نیابد

فصيام شهرين متتابعين توبة من الله وكان الله عليما

روزه باید داشتن دو ماه پیوسته توبه دادنی از خدا و هست خدا دانا

حكيما ۝ ومن يقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا

راست کار و هرکه بکشد گرویده بقصد پاداش وی دوزخ است جاودان

فيها وغضب الله عليه ولعنه واعد له عذابا عظيما

در آنجا و خشم گیرد خدا بر وی و لعنت او را و ساخته کند او را عذابی بزرگ

يا ايها الذين امنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا ولا

ای آنها که گرویده اید چون بروید اندر راه خدا آهستگی کنید و

تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا تبتغون

مگویید مر آنکس را که پیش شما آشتی افکند نیستی گرویده همی جویید

عرض الحيوة الدنيا فعند الله مغانم كثيرة كذلك كنتم

چیزی زندگانی اینجهان پس نزد خدا غنیمتهای بسیار همچنین بودید

خمس

مِن قبلُ فمنّ الله علیکم فتبیّنوا انّ الله کان بما تعملون
از پیش پس منت نهاد خدا بر شما درست کار کنید که خدا هست بدانچه می‌کنید

خبیرا ۝ لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر
آگاه برابر نباشند نشستگان از گرویدگان بجز خداوندان [illegible]

والمجاهدون فی سبیل الله باموالهم وانفسهم فضّل الله
و کارزار کنندگان در راه خدا بخواستهای ایشان و تنهای خویش افزون کرد خدا

المجاهدین باموالهم وانفسهم علی القاعدین درجة وکلا
کارزار کنندگان بخواستهای خویش و بتنهای خویش بر نشستگان پایگاهی و هر یکی

وعد الله الحسنی وفضّل الله المجاهدین علی القاعدین
وعده کرد خدا نیکویی یعنی بهشت و افزون گردانید خدا کارزار کنندگان را بر نشستگان

اجرا عظیما ۝ درجات منه ومغفرة ورحمة وکان الله
مزدی بزرگ پایگاهی ازوی و آمرزشی و بخشایشی و هست خدا

غفورا رحیما ۝ انّ الذین توفّیهم الملئکة ظالمی انفسهم
آمرزنده و بخشاینده آن کسها که جان بستانند ایشان را فرشتگان ستمکاران باشند بر تنهای خویش

قالوا فیم کنتم قالوا کنّا مستضعفین فی الارض قالوا الم
گویند فرشتگان در چه بودید گویند بودیم زبون داشتگان اندر زمین گویند فرشتگان

تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها فاولئک مأویهم
بود زمین خدا مدینه فراخ تا هجرت کردی اندر وی ایشانند که جایگاه ایشان

جهنم وساءت مصیرا ۝ الّا المستضعفین من الرجال و
دوزخ است و بد جای بازگشتن مگر زبون داشتگان از مردان و

النساء والولدان لا یستطیعون حیلة ولا یهتدون
زنان و کودکان که نتوانند کردن چاره و هدایت نیابند

عشر

[illegible]

سبیلا

سبیلا ۝ فاولئک عسی الله ان یعفو عنهم وکان الله
راه ایشانند که مگر خدا اندر گذرد از ایشان و هست خدا

عفوّا غفورا ۝ ومن یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض
اندر گذارنده و آمرزنده و هر که ببرد از وطن خویش اندر راه خدا بیابد اندر زمین

مراغما کثیرا وسعة ومن یخرج من بیته مهاجرا الی الله
گریزگاه بسیار بفراخی و هر که بیرون آورد از خانه خویش برنده از کار خویش سوی خدا

ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله وکان الله
و پیغمبر وی باز اندر یابدش مرگ واجب گشت مزد وی بر خدا و هست خدا

غفورا رحیما ۝ واذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح
آمرزنده و بخشاینده و چون بروید اندر زمین نیست بر شما بزه

ان تقصروا من الصلوة ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا
که بکاهید از نماز اگر بترسید که بیاشوبانند شما را آنانکه کافر شدند

کانوا لکم عدوّا مبینا ۝ واذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوة
هستند مر شما را دشمنی پیدا و اگر باشی یا محمد اندر ایشان بپاداری مر ایشان را نماز

فلتقم طائفة منهم معک ولیأخذوا اسلحتهم فاذا
بایستند گروهی از ایشان با تو و گیرند زیر افزار خویش چون

سجدوا فلیکونوا من ورائکم ولتأت طائفة اخری
سجده کنند باشند از پس شما بیاید گروهی دیگر

لم یصلّوا فلیصلّوا معک ولیأخذوا حذرهم واسلحتهم
که نماز نکردند نماز کنند با تو و گیرند ساز خویش و سلاحهای خویش

ودّ الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم وامتعتکم
و خواهند آنها که کافر شدند اگر غافل باشید از زیر افزار خویش و جاهای خویش

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فيميلون عليكم ميلة واحدة ولا جناح عليكم ان كان
تا حمله آرند بر شما یک حمله و نیست بزه بر شما اگر باشد
بكم اذى من مطر او كنتم مرضى ان تضعوا اسلحتكم وخذوا
بشما رنجی از باران یا باشید بیماران که بنهید زبرافزار خویش و فرا گیرید
حذركم ان الله اعد للكافرين عذابا مهينا فاذا قضيتم
پرهیز خود را که خدا آماده کرده است مر کافران را عذابی خوار کننده چون بگذارید
الصلوة فاذكروا الله قياما وقعودا وعلى جنوبكم فاذا
نماز را یاد کنید خدای را ایستادگان و نشستگان و بر پهلوهای خویش چون
اطمانتم فاقيموا الصلوة ان الصلوة كانت على المؤمنين
بیارامید یعنی ایمن گردید بپای دارید نماز را که نماز هست بر گرویدگان
كتابا موقوتا ولا تهنوا في ابتغاء القوم ان تكونوا تالمون
نوشته یعنی واجب وقت پدید کرده و سستی مکنید اندر جستن گروه کافران که چنان هست شما دردمند
فانهم يالمون كما تالمون وترجون من الله ما لا يرجون
ایشان نیز همی دردمند چنانکه شما دردمند یعنی دردرسیده شوند چنانکه شما و شما امید دارید از خدا آنچه امید میندارند ایشان
وكان الله عليما حكيما انا انزلنا اليك الكتاب بالحق
و هست خدا دانا و صواب کار ما فرستادیم سوی تو کتاب یعنی قرآن بحق
لتحكم بين الناس بما اريك الله ولا تكن للخائنين خصيما
تا داوری کنی میان مردم بدانچه بنمود خدا ترا و مباش مر خائنان را پیکار کننده
واستغفر الله ان الله كان غفورا رحيما ولا تجادل
و آمرزش خواه از خدا که خدا هست آمرزنده و بخشاینده و پیکار مکن
عن الذين يختانون انفسهم ان الله لا يحب من كان
از آنکسها که خیانت کنند تنهای خویش را که خدا دوست ندارد آنرا که باشد

خمس

این آیه و آیه ما بعد اگرچه خطاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله است لیکن مقصود امت اوست برای ادب ایشان و این نوع خطاب در کلام الله در قرآن مجید بسیار است و از این گفته اند که القرآن [illegible]

خوانا

من الناس ولا يستخفون

خوانا اثيما يستخفون من الله وهو معهم اذ يبيتون ما لا
خیانت کننده و گناه کننده پنهان همی دارند از مردمان و پنهان نمی‌توانند شد از خدا و وی با ایشان است آنگاه که شب بسگالند آنچه
يرضى من القول وكان الله بما يعملون محيطا ها انتم
ناپسندیده است از گفتار و هست خدا بدانچه همی کنند دانا شمایید که شما
هؤلاء جادلتم عنهم في الحيوة الدنيا فمن يجادل الله
آن گروه پیکار کردید از ایشان بزندگانی این جهان کیست که پیکار کند با خدا
عنهم يوم القيمة ام من يكون عليهم وكيلا ومن
از ایشان روز رستاخیز یا که باشد بر ایشان نگهبان و هر که
يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفورا
بکند بدی یا ستم کند بر تن خویش پس آمرزش خواهد خدا یابد خدای را آمرزنده
رحيما ومن يكسب اثما فانما يكسبه على نفسه وكان الله
و بخشاینده و هر که بکند بدی یعنی بزه بدرستی که همی اندوزد بر تن خویش و هست خدا
عليما حكيما ومن يكسب خطيئة او اثما ثم يرم به
دانا و صواب کار و هر که بکند خطایی یا بزه پس بیندازد آنرا
بريئا فقد احتمل بهتانا واثما مبينا ولولا فضل الله
بیگناهی بحقیقه بر خویشتن نهاد دروغی و بزه پیدا و اگر نبدی فزونی خدا
عليك ورحمته لهمت طائفة منهم ان يضلوك وما يضلون
بودی بر تو با رحمه و بخشایش او و آهنگ کرده بود گروهی از ایشان که گم کنند ترا و گم نکنند
الا انفسهم وما يضرونك من شيء وانزل الله عليك
مگر تنهای خویش و زیان نکنند ترا از چیزی و فرو فرستاد خدا بر تو نامه
الكتاب والحكمة وعلمك ما لم تكن تعلم وكان
کتاب یعنی نوی و سخن صواب و بیاموزید ترا آنچه همی ندانستی و هست

[illegible] الاستعاذه

عشر

٦٤

فضل الله عليك عظيما ۝ لا خير في كثير من نجويهم الا
افزونی خدا بر تو بزرگ نیست نیکی اندر بسیاری از راز و رازگفتن ایشان
من امر بصدقة او معروف او اصلاح بين الناس ومن
کسی که بفرماید بصدقه یا نیکوکردن یا خو بازآوردن میان مردمان و هر که
يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه اجرا عظيما
بکند آن جستن خشنودی خدای را زود باشد که بدهیمش مزدی بزرگ
ومن يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى ويتبع غير
و هر که خلاف کند پیغمبر را از پس آنکه پدید آمد مر او را راه راست و پس روی کند جز
سبيل المؤمنين نوله ما تولى ونصله جهنم وساءت
راه گرویدگان را روی از آن سوی گردانیمش که روی بدان آورده است و اندر آریمش بدوزخ و بد است
مصيرا ۝ ان الله لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك
جای بازگشتن که خدا نیامرزد که انباز گیرند بوی و بیامرزد آنچه فرود آنست مر آنرا که خواهد و هر که انباز گیرد
بالله فقد ضل ضلالا بعيدا ۝ ان يدعون من دونه الا
بخدا گم شد گم شدنی دور که همی بخوانند از فرود خدا مگر
اناثا وان يدعون الا شيطانا مريدا ۝ لعنه الله وقال لاتخذن
مادگان را و همی بخوانند مگر دیو سرکش و دور کردش خدا و گفت دیو بگیرم
من عبادك نصيبا مفروضا ۝ ولاضلنهم ولامنينهم
از بندگان تو بهره پدید کرده و گمراه کنیم ایشان را و امید کنیمشان
ولامرنهم فليبتكن اذان الانعام ولامرنهم فليغيرن
و بفرمایمشان تا ببرند گوشهای چهارپایان و بفرمایمشان تا بگردانند
خلق الله ومن يتخذ الشيطان وليا من دون الله فقد
آفریده خدا و هر که بگیرد دیو را یاری از فرود خدا [illegible]

خسر خسرانا مبينا ۝ يعدهم ويمنيهم وما يعدهم الشيطان
زیان کرد زیان کردنی پیدا وعده همی کند ایشان را و امید میکندشان و وعده میکندشان دیو رجیم
الا غرورا ۝ اولئك ماويهم جهنم ولا يجدون عنها
مگر فریفتن ایشانند که بازگشتن ایشان دوزخ است و نیابند از آنجا
محيصا ۝ والذين امنوا وعملوا الصالحات سندخلهم
رهایی و آنانکه بگرویدند و کردند شایستگیها زود اندرآریمشان
جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا وعد الله
بوستانها که می رود از زیر آن جویهای روان جاودان اندر آنجا همیشه وعده خدا
حقا ومن اصدق من الله قيلا ۝ ليس بامانيكم ولا اماني
حق است و کیست راست تر از خدا بگفتار نیست بارزوهای شما و نه آرزوهای
اهل الكتاب من يعمل سوءا يجز به ولا يجد له من دون الله
مردمان کتاب یعنی توریة و هر که بکند بدی پاداش دهندش آن و نیابد مر او را از فرود خدا
وليا ولا نصيرا ۝ ومن يعمل من الصالحات من ذكر او انثى
دوستی و نه یاری گری و هر که بکند از نیکیها از نر یا از ماده
وهو مؤمن فاولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون نقيرا ۝
و او گرویده باشد ایشانند که اندر آرندشان بهشت و ستم نکنندشان بمقدار نقطه [illegible]
ومن احسن دينا ممن اسلم وجهه لله وهو محسن واتبع
و کیست نیکوتر دین تر از آنکه گردانیده است روی او مر خدا را و او نیکوکار باشد و در پی رود
ملة ابراهيم حنيفا واتخذ الله ابراهيم خليلا ۝ ولله ما في
دین ابراهیم را پاکیزه و گرفت خدا ابراهیم را دوست و مر خدایراست آنچه
السموات وما في الارض وكان الله بكل شيء محيطا ۝
آسمانها و آنچه در زمین است و هست خدا بهر چیزی توانا دانا

عشر

حزب

خمس

خمس

جز

ابن تفسیر از حضرت صادق [illegible]

[illegible]

ويستفتونك في النسآء قل الله يفتيكم فيهن وما يتلى
وهمی پرسند ترا یا محمد در زنان بگو خدا پاسخ کند شمارا اندر ایشان وانچه برخوانده
عليكم في الكتاب في يتامى النسآء الّاتي لا تؤتونهن
بر شما اندر قران اندر بی‌پدران زنان وآنها که ندهیدشان
ما كتب لهن وترغبون ان تنكحوهن والمستضعفين من
آنچه نوشته شده مرایشانرا وبخواهید که ایشانرا زنی کنید و زبون داشتگان از
الولدان وان تقوموا لليتامى بالقسط وما تفعلوا من
کودکان وانکه بایستید مر بی‌پدران بداد وآنچه بکنید از
خير فان الله كان به عليما ۝ وان امرأة خافت من بعلها
نیکی که خدا هست بوی دانا واگر زن بترسد از شوی خویش
نشوزا او اعراضا فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما
نویشتن کشیدن یا روی بگردانیدن و نیست بزه برایشان هردو که آشتی افکنند میان هردو
صلحا والصلح خير واحضرت الانفس الشح وان تحسنوا
آشتی وآشتی بهتر وآورده اند تنهارا بخیلی واگر نیکوئی کنید
وتتقوا فان الله كان بما تعملون خبيرا ۝ ولن تستطيعوا
وپرهیز کنید از ناخوبا که خدا هست بدانچه همی کنید دانا وآگاه ونتوانید
ان تعدلوا بين النسآء ولو حرصتم فلا تميلوا كل الميل
که داد کنید میان زنان واگرچه حریصی کنید میل مکنید هر میل کردنی
فتذروها كالمعلقة وان تصلحوا وتتقوا فان الله
تا دست باز دارید مر آن زن را همچون آویخته واگر خوشی کنید وپرهیز کنید از ناخوشی که خدا
كان غفورا رحيما ۝ وان يتفرقا يغن الله كلا من سعته
هست آمرزنده وبخشاینده واگر جدا شوید از یکدیگر بی نیاز کرداند خدا همه را از فزونی وفراخی خویش

[illegible]

وكان الله

عشر

وكان الله واسعا حكيما ۝ ولله ما في السموات وما في
وهست خدا فراخ عطا خوب کار ومر خدایراست آنچه اندر آسمانهاست وآنچه اندر
الارض ولقد وصينا الذين اوتوا الكتاب من قبلكم
زمین است واندرز کردیم آنهارا که دادیم ایشانرا نامه یعنی توریة از پیش شما
واياكم ان اتقوا الله وان تكفروا فان لله ما في السموات
وشما نیز خویشتن را برهانید از عذاب خدا واگر کافر گردید که مر خدایراست آنچه اندر آسمانهاست
وما في الارض وكان الله غنيا حميدا ۝ ولله ما في السموات
وآنچه اندر زمین است وهست خدای بی نیاز ستوده ومر خدایراست آنچه اندر آسمانهاست
وما في الارض وكفى بالله وكيلا ۝ ان يشأ يذهبكم ايها
وآنچه اندر زمین است وپسنده است بخدا کاردار کارساز اگر خواهد ببرد شمارا ای
الناس ويأت بآخرين وكان الله على ذلك قديرا ۝ من كان
مردمان وبیارد دیگران وهست خدا بر آن توانا هرکه
يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا والآخرة وكان الله
می خواهد پاداش اینجهان نزد خداست پاداش اینجهان وآنجهان وهست خدا
سميعا بصيرا ۝ يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط
شنوا وبینا ای آنها که گرویدید باشید ایستادگان بداد
شهدآء لله ولو على انفسكم او الوالدين والاقربين
گواهان مر خدایرا واگرچه باشد بر تنهای شما یا بر مادر وپدر وخویشاوند
ان يكن غنيا او فقيرا فالله اولى بهما فلا تتبعوا الهوى
اگر باشد توانگر یا درویش که خدا سزاوارتر هردو پس روی مکنید آرزو
ان تعدلوا وان تلووا او تعرضوا فان الله كان بما تعملون
بالالسنه
اگر داد کنید واگر بگردانید زبان یا روی گردانید از حق گفتن که خدا هست بدانچه کنید

خمس

[illegible] والله اعلم

خبيرا ۞ يا ايها الذين امنوا امنوا بالله ورسوله والكتاب
آگاه ای شما که گرویدگانید بدرستی بگروید بخدا و بپیغمبر وی محمد و بنامه یعنی قران
الذي نزل على رسوله والكتاب الذي انزل من قبل ومن
آنکه فرو فرستاد بر پیغمبر خویش و بنامه آنکه فرو فرستاد یعنی توریة و انجیل از پیش و هر
يكفر بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الاخر فقد
که کافر گردد بخدا و فرشتگان و بکتابهایش و پیغمبرانش و روز بازپسین
ضل ضلالا بعيدا ۞ ان الذين امنوا ثم كفروا ثم امنوا ثم
گم شود گم شدنی دور آن کسانکه ایمان آوردند باز کافر شدند باز گرویدند باز
كفروا ثم ازدادوا كفرا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم
کافر شدند وی باز بیفزودند کفر نه چنان است که خدا بیامرزد ایشانرا و نه بنماید ایشان
سبيلا ۞ بشر المنافقين بان لهم عذابا اليما ۞ الذين
راه مژده ده منافقان بدانکه مر ایشانراست عذاب دردگین آنکسانکه
يتخذون الكافرين اولياء من دون المؤمنين ايبتغون
بگیرند ناگرویدگانرا دوستان از فرود گرویدگان همی جویند
عندهم العزة فان العزة لله جميعا ۞ وقد نزل عليكم في
نزد ایشان عزیزی و نیرو یا عزیزی و نیرو مر خدایراست همه و فرو فرستاد بر شما اندر
الكتاب ان اذا سمعتم ايات الله يكفر بها ويستهزا بها فلا
قران چون بشنوید آیتهای خدا کافر گردید بوی و افسوس کنید بوی
تقعدوا معهم حتى يخوضوا في حديث غيره انكم اذا مثلهم
منشینید با ایشان تا اندر شوند اندر سخنی جز آن شما چون ایشان
ان الله جامع المنافقين والكافرين في جهنم جميعا ۞ الذين
که خدا گرد آرنده منافقان است و کافران اندر دوزخ اندر همه آن کسانکه

[illegible]

عشر

[illegible]

يتربصون

هو

يتربصون بكم فان كان لكم فتح من الله قالوا الم نكن
همی پایند بشما اگر باشد مر شما را گشایش یعنی فیروزی از خدا گویند ای نبودیم
معكم وان كان للكافرين نصيب قالوا الم نستحوذ
با شما واگر باشد مر ناگرویدگان را بهره گویند نه ما توانا غالب بودیم
عليكم ونمنعكم من المؤمنين فالله يحكم بينكم يوم القيمة
بر شما و بازداشتیم شمارا از گرویدگان که خدا حکم کند میان شما روز رستاخیز
ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا ۞ ان المنافقين
و هرگز نکند خدا مر ناگرویدگان بر گرویدگان راهی یعنی حجتی بدرستی منافقان
يخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الى الصلوة قاموا
همی سازند کاهی فریفتن خدایرا و وی فریبنده ایشانست و چون برخیزید سوی نماز برخیزند
كسالى يراءون الناس ولا يذكرون الله الا قليلا ۞ مذبذبين
کاهلان همی نمایند مردمانرا و یاد نکنند خدایرا مگر اندک گرویدگانند
بين ذلك لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله
میان این دو نه سوی گروندگان و نه سوی نگروندگان و هرکه گمراه کند خدای
فلن تجد له سبيلا ۞ يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا
هرگز نیابی مر اورا راهی ای شما که گرویدگانید مگیرید
الكافرين اولياء من دون المؤمنين اتريدون ان تجعلوا
ناگرویدگان را دوستان از فرود مومنان آیا همی خواهید که کنید
لله عليكم سلطانا مبينا ۞ ان المنافقين في الدرك
مر خدای را بر شما حجتی پیدا هر آینه منافقان باشند در پایگاه
الاسفل من النار ولن تجد لهم نصيرا ۞ الا الذين
فروترین از آتش و هرگز نیابی مر ایشانرا یاری گری مگر آن کسانکه

خمس

تابوا واصلحوا واعتصموا بالله واخلصوا دينهم لله
بازگشتند و خوب کردند و چنگ زدند بخدا و یکتا کردند دین خویش مر خدا را
مع المؤمنين وسوف يؤت الله المؤمنين اجرا عظيما
با گرویدگان باشند و زود باشد که بدهد خدا گرویدگانرا مزدی بزرگ
ما يفعل الله بعذابكم ان شكرتم وامنتم وكان الله شاكرا
آنچه بکند خدا عذاب شما اگر سپاس داری کنید و بگروید و هست خدا سپاس [illegible]
عليما • لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم
دانا دوست ندارد خدا آشکارا کردن بدی از گفتار مگر آنکسی که بروی ستم [illegible]
كان الله سميعا عليما • ان تبدوا خيرا او تخفوه او تعفوا
هست خدا شنوا دانا اگر آشکارا کنید نیکوی یا پنهان کنیدش یا اندرگذ[illegible]
عن سوء فان الله كان عفوا قديرا • ان الذين يكفرون
از بدی که خدا هست درگذارنده توانا آنکسی که کافر می [illegible]
بالله ورسله ويريدون ان يفرقوا بين الله ورسله و
بخدا و پیغمبران وی و میخواهند که جدا کنند میان خدا و پیغمبر وی
يقولون نؤمن ببعض ونكفر ببعض ويريدون ان يتخذوا
میگویند بگرویم بهره و نگرویم بهره و همی خواهند که بگیرند
بين ذلك سبيلا • اولئك هم الكافرون حقا واعتدنا
میان این راهی ایشانند که ایشان کافرانند براستی و ساخته کردیم
للكافرين عذابا مهينا • والذين امنوا بالله ورسله
کافرانرا عذابی خوارکننده و آنکسانکه بگرویدند بخدا و پیغمبران وی
ولم يفرقوا بين احد منهم اولئك سوف يؤتيهم اجورهم وكان الله
و جدا نکردند میان یکی از ایشان که ایشانند که زود بدهیمشان مزدهای ایشان و هست [illegible]

عفورا

غفورا رحيما • يسئلك اهل الكتاب ان تنزل عليهم كتابا
آمرزنده و بخشاینده همیخواهند از تو مردمان نامه یعنی جهودان که فرود آری بر ایشان نامه
من السماء فقد سئلوا موسى اكبر من ذلك فقالوا ارنا الله
از آسمان خواستند از موسی بزرگتر از آن گفتند بنمای ما را خدا
جهرة فاخذتهم الصاعقة بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد
آشکارا و روی بگرفت ایشانرا آتش جهنده ستمکاری ایشان باز بگرفتند گوساله بخدایی از پس
ما جاءتهم البينات فعفونا عن ذلك واتينا موسى سلطانا
آنکه بیامد بایشان حجتها درگذشتیم از آن و بدادیم موسی را حجتی
مبينا • ورفعنا فوقهم الطور بميثاقهم وقلنا لهم ادخلوا
پیدا و برداشتیم زبر ایشان کوه به پیمان ایشان و گفتیم مر ایشانرا اندرشوید
الباب سجدا وقلنا لهم لا تعدوا في السبت واخذنا منهم
از در سجده کنان و گفتیم مر ایشانرا از حد در مگذرید بماهی گرفتن در شنبه و بگرفتیم از ایشان
ميثاقا غليظا • فبما نقضهم ميثاقهم وكفرهم بايات الله
پیمان استوار آنچه بشکستند پیمان خویش و کافر گشتند ایشان بآیتهاء خدا
وقتلهم الانبياء بغير حق وقولهم قلوبنا غلف بل طبع الله
و کشتند ایشان پیغمبرانرا بناحق و بگفتار ایشان دلهای ما اندر غلاف مهر نهاده است خدا
عليها بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا • وبكفرهم وقولهم
بر آن دلها بکفر ایشان نگروند مگر اندکی و بکافری ایشان و بگفتار ایشان
على مريم بهتانا عظيما • وقولهم انا قتلنا المسيح عيسى
بر مریم دروغی بزرگ و بگفتار ایشان ما کشتیم مسیح را عیسی
ابن مريم رسول الله وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه
پسر مریم پیغمبر خدا و نکشتندش و بدار نکردندش ولیکن مانند کرده [illegible]

عشر

[illegible]

خمس

[illegible]

لهم وان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به
مر ایشانرا و انکسانکه ناهموار گشتند در وی در گمانند از وی نیست ایشانرا
من علم الا اتباع الظن وما قتلوه يقينا بل رفعه الله
هیچ دانستنی مگر پیروی کردن گمان و نکشتند یقین بلکه برداشتش خدا
اليه وكان الله عزيزا حكيما ۝ وان من اهل الكتاب
سوی خود و هست خدا عزیز صواب کار و نیست از مردمان توریة و انجیل
الا ليؤمنن به قبل موته ويوم القيمة يكون عليهم شهيدا
مگر بگرود بوی پیش از مرگش و روز رستاخیز باشد برایشان گواه
فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات احلت لهم
پس بیدادکردنی از انکسانکه جهود شدند حرام کردیم برایشان پاکیها که حلال بود مرایشانرا
وبصدهم عن سبيل الله كثيرا ۝ واخذهم الربوا وقد
و بازگشتن ایشان از راه یعنی طاعة خدا بسیاری و گرفتن ایشانرا ربا و
نهوا عنه واكلهم اموال الناس بالباطل واعتدنا
بازداشته بودشان ازان و خوردن ایشان خواستها مردمان بناحق و ساخته ایم
للكافرين منهم عذابا اليما ۝ لكن الراسخون في العلم
مر ناگرویدگانرا از ایشان عذابی دردگن لیکن استواران اندر دانش
منهم والمؤمنون يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من
از ایشان و گرویدگان بگروند بدانچه فروفرستادیم سوی تو و آنچه فروفرستاده شد
قبلك والمقيمين الصلوة والمؤتون الزكوة والمؤمنون
پیش تو و بپایدارندگان نمازرا و دهندگان زکوة را و گرویدگان
بالله واليوم الاخر اولئك سنؤتيهم اجرا عظيما ۝
بخدا و بروز بازپسین ایشانند که بدهیمشان مزدی بزرگ

[illegible]

عشر

[illegible]

[illegible]

انا اوحينا

انا اوحينا اليك كما اوحينا الى نوح والنبيين
وحی کردیم بتو یعنی پیغام بسوی تو همچنانکه پیغام فرستادیم سوی نوح و پیغمبران
من بعده واوحينا الى ابراهيم واسمعيل واسحق و
از پس او و پیغام فرستادیم سوی ابراهیم خلیل و اسمعیل و پسران وی و
يعقوب والاسباط وعيسى وايوب ويونس وهرون
یعقوب و سوی پسران یعقوب و عیسی و سوی ایوب و یونس بطن ماهی و هرون برادر موسی
وسليمن واتينا داود زبورا ۝ ورسلا قد قصصناهم
و سلیمان پسر داود و بدادیم داود را نامه یعنی زبور و پیغمبران که خبرایشان گفتیم
عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم عليك وكلم الله
بر تو از پیش و پیغمبران که نگفتیم خبرایشان با تو و سخن گفت خدا
موسى تكليما ۝ رسلا مبشرين ومنذرين لئلا يكون
با موسی سخن گفتن پیغمبران مژده دهندگان و بیم کنندگان تا نباشد
للناس على الله حجة بعد الرسل وكان الله عزيزا حكيما ۝
مر مردمانرا بر خدا حجتی پس از پیغمبران و هست خدا بیهمتا صواب کار
لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه والملئكة
لیکن خدا گواهی میدهد بدانچه فروفرستاد سوی تو فرستادش بدانش خود و فرشتگان
يشهدون وكفى بالله شهيدا ۝ ان الذين كفروا
گواهی میدهند و بسندست بخدا گواه بدرستی انانکه کافر شدند
وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا ۝ ان الذين
و بازداشتند از راه خدا بحقیقه گمراه شدند گمراه شدنی دور از حق بدرستی که
كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا
انانکه کافر شدند و ستم کردند نه چنان است که خدا بیامرزد مرایشانرا و نه راه نماید ایشانرا راهی

[illegible]

خمس

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ
مگر راه دوزخ جاودان درآنجا همیشه وهست آن بر خدای
يَسِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ
آسان ای مردمان آمد بشما پیغمبر بسزاوار راست از خدای
فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
بگروید بهتر مرشمارا واگر نگروید پس هرستی مرخدایراست آنچه اندر آسمانها و زمین
وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي
وهست خدا دانا صواب کار ای مردمان نامه دور اندر مشوید در
دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ
کیش خویش ومگویید بر خدا مگر راست هر آینه مسیح عیسی پسر
مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا
مریم پیغمبر خداست وسخن وی راست بیفگندش سوی مریم وبادی بود ازوی بگروید
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ
بخدا وپیغمبران وی ومگویید سه است باز ایستید از گفتن بهتر مرشمارا هر آینه خدا
إِلَٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا
یکی است پاکست وی که باشد مراورا فرزندی مراوراست آنچه اندر آسمانهاست وآنچه
فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ
اندر زمین است وبسنده است بخدا کاردان کارگذار هرگز ننگ ندارد عیسی که باشد
عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ
بنده مرخدایرا ونه فرشتگان نزدیک کردگان وهرکه ننگ دارد از پرستیدن وی
فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
زود گرد آردشان سوی او همه پس از کسان که بگرویدند وکردند نیکیها

عشر

[illegible]

[illegible]

فیوفیهم

فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا
تمام بدهد ایشانرا مزدهای ایشانرا وبیفزایدیشان را از افزونی خود واما آنکه ننگ داشتند
وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ
وبزرگ منشی کردند عذاب کند ایشانرا عذاب دردناک ونیابند مرایشانرا
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ
از فرود خدا یاری ونه یاریگری ای مردمان هر آینه آمد شما
بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ
حجتی از خداوند شما وفرو فرستادیم سوی شما قرآن روشنا پیدا آ
آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ
آنکسانکه بگرویدند بخدا ودست درزدند بوی یعنی بقرآن زود اندر آردشان اندر بخشایشی ازوی و
فَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ
افزونی وبنماید ایشانرا سوی خود راه راست همی پرسند از تو بگو یا محمد خدا
يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ
پاسخ کند شمارا اندر بی پدر وبی مادر وبی فرزند اگر کسی هلاک شود که نباشد مراورا فرزندی ومراورا خواهر
فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ
مراوراست نیمه آنچه دست وآن مرد میراث گیرد اگر نباشد مراورا فرزندی واگر
كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً
باشند دو خواهر مرایشانرا دو بهره از آنچه گذاشت واگر باشند برادران
رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ
مردان وپس زنیندرا بهره دو ماده همی پدید کند خدا مرشمارا تا
تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
گمراه نگردید وخدا بهر چیزی داناست

سورة المائدة مائة وعشرون آية

خمس

[illegible]

حزب

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای مهربان رفیق یعنی طاعة و بخشنده

يا ايها الذين امنوا اوفوا بالعقود احلت لكم بهيمة

ای آن کس که بگرویدید تمام کنید پیمانها حلال کرده شد مر شمارا که گشته

الانعام الا ما يتلى عليكم غير محلى الصيد وانتم حرم

چهارپایان مگر آنچه خوانده شود بر شما جز حلال دارندگان شکار را و تمام حرام گرفته

ان الله يحكم ما يريد يا ايها الذين امنوا لا تحلوا

که خدا حکم کند آنچه خواهد ای آن کس که بگرویدید حلال دارید

شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدى ولا القلائد

نشانهای خدا و نه ماه حرام و نه قربان را و نه آنرا که گردن بسته

ولا امين البيت الحرام يبتغون فضلا من ربهم ورضوانا

و نه قصد شدگان خانه کعبه یعنی حاجیان را می جویند افزونی از خداوند خویش و خشنودی

واذا حللتم فاصطادوا ولا يجرمنكم شنان قوم ان

و چون حلال گردید از احرام صید کنید و گناه کار مسازد شمارا بر دشمن مردم سبب آنکه

صدوكم عن المسجد الحرام ان تعتدوا وتعاونوا على

شمارا باز گردانیده اند از مزگت حرام که از حد درگذرید و یار باشید یکدیگر را بر

البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان واتقوا الله

نیکویی و پرهیزکاری و یار مباشید یکدیگر را بر بزه کاری و ستمگاری و بترسید از خدا

ان الله شديد العقاب حرمت عليكم الميتة والدم ولحم

که خدا سخت عقوبت است حرام کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت

الخنزير وما اهل لغير الله به والمنخنقة والموقوذة

خوک و آنکه بکشتن وی جز نام خدا گفته باشند و خفه کرده و چوب کشته

والمتردية

والمتردية والنطيحة وما اكل السبع الا ما ذكيتم وما

و از بالا افتاده و بمرده و سرو زده و آنچه خورده باشد دد مگر آنچه دریابید و آنچه

ذبح على النصب وان تستقسموا بالازلام ذلكم فسق

کشته باشد بر روی بتان و آنچه بخش کنید به تیرهای قمار ایشان همه بیفرمانیست

اليوم يئس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم واخشون

امروز نومید شدند آنکسها که کافر شدند از دین شما پس مترسید از ایشان و بترسید از من

اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت

امروز تمام کردم مر شمارا دین شما یعنی شرایع و تمام کردم بر شما نعمت من و پسندیده

لكم الاسلام دينا فمن اضطر في مخمصة غير متجانف لاثم

مر شمارا مسلمانی کیش هر که بیچاره گردد اندر گرسنگی نه گراینده سوی بزه

فان الله غفور رحيم يسئلونك ماذا احل لهم قل

که خدا آمرزنده است و بخشاینده همی پرسند ترا محمد چه چیز حلال کردند مرایشانرا بگو

احل لكم الطيبات وما علمتم من الجوارح مكلبين تعلمونهن

حلال کردند مر شمارا پاکیها و آنچه بیاموختند از شکار کنندگان سگ دارندگان می آموزید

مما علمكم الله فكلوا مما امسكن عليكم واذكروا اسم الله

بر اغالیدگان آنچه بیاموزید خدا بخورید از آنچه باز داشتند بر شما و یاد کنید نام خدا

عليه واتقوا الله ان الله سريع الحساب اليوم احل

بروی و بپرهیزید از عذاب خدا که خدا زود شمار است امروز حلال کرده شد

لكم الطيبات وطعام الذين اوتوا الكتاب حل لكم و

مر شمارا پاکیها و خورش و کشتار آنانکه بداده شان نامه یعنی توریة و انجیل حلالست مر شمارا و

طعامكم حل لهم والمحصنات من المؤمنات والمحصنات

کشتار شما حلالست مر ایشانرا و پاکدامنان زنان از گرویدگان و پاکدامنان

سیان و بعضی از قدمای صحابه است که گفته اند ذبیحه یهود مطلقا حلال است خواه در وقت ذبح بنام حاضر باشیم و خواه

[illegible]

من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم اذا اتيتموهن اجورهن
از آنکسانکه داده شدند ایشانرا توریة و انجیل . از پیش شما چون رسید ایشانرا مزدهای

محصنين غير مسافحين ولا متخذي اخدان ومن يكفر
پاکدامنان نه پلیدکاران یعنی زناکنندکان و نه گیرندکان دوستان نهانی و هرکه کافر شود

بالايمان فقد حبط عمله وهو في الاخرة من الخاسرين
بخدا بحقیقه تباه شود کار وی و وی در آنجهان از زیان کاران

يا ايها الذين امنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم
ای آنها که گرویدکانید چون برخیزید سوی نماز پس بشوئید رویهای خویش

وايديكم الى المرافق وامسحوا برءوسكم وارجلكم الى
و دستهای خویش را تا آرنجها و دستها و مسح آرید سرهای خویش را و پایهای خویش را تا

الكعبين وان كنتم جنبا فاطهروا وان كنتم مرضى او
کعب دو ستالک و اگر باشید جنب خویشتن را بشوئید پاک و اگر باشید بیماران یا

على سفر او جاء احد منكم من الغائط او لامستم النساء
بر سفر یا بیاید یکی از شما از حاجتگاه خویش یا سوده باشید زنان

فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم
نیابید آب را آهنگ کنید خاک پاک را بمالید رویهای خویش

وايديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج
و دستهای خویش از و نخواهد خدا که کند بر شما هیچ تنگی

ولكن يريد ليطهركم وليتم نعمته عليكم لعلكم
ولیکن همی خواهد تا پاک کرداند شما را و تا تمام کند نیکوئی خویش بر شما تا که شما

تشكرون ۝ واذكروا نعمة الله عليكم وميثاقه الذي
سپاسداری کنید و یاد کنید نیکوئی خدا را بر شما و پیمان او را آنکه

ع

[illegible]

[illegible]

...بعضه ... عطف ... [illegible]

مسح بپاره از آن خاک را واجب کردانیده نه تمام از رفع حرج است چه پیدا است که رسیدن خاک بتمام مواضع ممسوح
ممکن نیست چه در کف دست میماند و پشت بسیار است که همه اجزا کف زمین نرسد و بعد از آن
آنحضرت فرموده که حق تعالی ... [illegible]

واثقكم به اذ قلتم سمعنا واطعنا واتقوا الله ان الله عليم
پیمان کرد با شما بدان چون گفتید شنیدیم و فرمانبردار شدیم و بترسید از خدا که خدا داناست

بذات الصدور ۝ يا ايها الذين امنوا كونوا قوامين لله
بآنچه در دلهاست ای شما که گرویدکانید بباشید ایستادکان مر خدا را

شهداء بالقسط ولا يجرمنكم شنان قوم على الا تعدلوا
گواهان براستی و نه بر دارد و گناهکار نسازد شما را دشمنی گروهی بر آنکه داد نکنید

اعدلوا هو اقرب للتقوى واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون
داد کنید یعنی راستی کنید آن نزدیکتر مر پرهیزکاری را و برهانید خود را از عذاب خدا که خدا آگاه است بآنچه میکنید

وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة واجر
وعده کرد خدا آنها را که بگرویدند و بکردند نیکیها مر ایشانرا باشد آمرزش و مزدی

عظيم ۝ والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم
بزرگ و آنها که کافر شدند و دروغ داشتند نشانهای ما را ایشان باشند یاران دوزخ

عشر

يا ايها الذين امنوا اذكروا نعمت الله عليكم اذ هم قوم ان
ای آنها که گرویدید یاد کنید نیکوئی خدا را بر شما چون آهنگ کردند گروهی که

يبسطوا اليكم ايديهم فكف ايديهم عنكم واتقوا الله
دراز کنند سوی شما دستهای خویش و باز گرفت دستهای ایشان از شما و بترسید از خدا

وعلى الله فليتوكل المؤمنون ۝ ولقد اخذ الله ميثاق
و بر خدا باید که بگذاشت کار خویش گرویدکان و بحقیقه بگرفت خدا پیمان

بني اسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر نقيبا وقال الله اني
پسران یعقوب و بفرستادیم از ایشان دوازده سرهنگ یعنی مردکار و گفت خدا من

معكم لئن اقمتم الصلوة واتيتم الزكوة وامنتم برسلي
با شما ام اگر بپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و بگروید به پیغمبران من

[illegible]

وعزرتموهم واقرضتم الله قرضا حسنا لاكفرن عنكم سيآتكم
وزيارت كنيد ايشانرا وام دهيد خدايرا وام دادن نيكو بپوشانم از شما بديهاى شما
ولادخلنكم جنات تجرى من تحتها الانهار فمن كفر بعد
واندر آورم شمارا بوستانها كه همى رود از زير آن جويهاى روان هركه كافر گردد از پس
ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل فبما نقضهم ميثاقهم
آن از شما بحقيقة گمراه شد از راستى راه پس بچه چيز بشكستند ايشان پيمان
لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه
دور كرديمشان وبكرديم دلهاى ايشان سخت همى گردانند سخن را از جايگاه وى
ونسوا حظا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنة منهم الا
وفراموش كردند بهره از آنچه ياد كردند بدان وهميشه ديده ور شوى بر گژى از ايشان مگر
قليلا منهم فاعف عنهم واصفح ان الله يحب المحسنين
اندكى از ايشان اندر گذار از ايشان وروى بگردان كه خدا دوست دارد نيكوكاران
ومن الذين قالوا انا نصارى اخذنا ميثاقهم فنسوا حظا
واز آنانكه گفتند ما يارى گرانيم عيسى را بگرفتيم پيمان ايشان دست بازداشتند
مما ذكروا به فاغرينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم
از آنچه پند دادشان بوى پس لازم گردانيديم ميان ايشان دشمنى ودشمناگى تا روز
القيمة وسوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون يا اهل
رستخيز وزود باشد كه آگاه گرداند ايشانرا خدا به آنچه همى كردند اى مردمان
الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم كثيرا مما كنتم
توريت وانجيل آمد بشما پيغمبر ما تا پيدا كند مر شمارا بسيارى از آنچه بوديد
تخفون من الكتاب ويعفوا عن كثير قد جاءكم من الله نور
همى پنهان داشتيد از نامه واندر گذارد از بسيارى آمد بشما از خداى روشنائى

وكتاب

حم

وكتاب مبين يهدى به الله من اتبع رضوانه سبل
ونامه يعنى قرآن پيدا كننده راه نمايد بدان خداى كسى راكه پيروى كرد خشنودى ويرا راههاى
السلام ويخرجهم من الظلمات الى النور باذنه ويهديهم
رستگارى وبيرون آرد ايشانرا از تاريكيهاى كفر وشرك سوى روشنائى ايمان بفرمان وى وراه نمايد ايشانرا
الى صراط مستقيم لقد كفر الذين قالوا ان الله
سوى راه راست كافر گشتند آن كسانكه گفتند كه خدا
هو المسيح ابن مريم قل فمن يملك من الله شيئا ان اراد ان
وى است مسيح پسر مريم بگو يا محمد كه پادشاهى دارد از خدا چيزى اگر خواهد كه
يهلك المسيح ابن مريم وامه ومن فى الارض جميعا ولله
هلاك كند مسيح پسر مريم را ومادر ويرا وهركه اندر زمين اند همه ومر خدايراست
ملك السموات والارض وما بينهما يخلق ما يشاء والله
پادشاهى آسمانها وزمين وآنچه ميان اين دوست بيافريند آنچه خواهد وخدا
على كل شىء قدير وقالت اليهود والنصارى نحن
بر همه چيزى تواناست وگفتند جهودان وترسايان ما
ابنوا الله واحباؤه قل فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم
پسران خداايم ودوستان وييم بگو يا محمد چرا عذاب كند شمارا بگناهان شما بلكه شما
بشر ممن خلق يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء ولله ملك
مردمانيد از آنچه بيافريد بيامرزد مر آنراكه خواهد وعذاب كند مر آنراكه خواهد ومر خدايراست پادشاهى
السموات والارض وما بينهما واليه المصير يا اهل
آسمانها وزمين وآنچه ميان آن دوست وسوى ويست بازگشتن اى مردمان
الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم على فترة من الرسل
توريت وانجيل آمد بشما فرستادهٔ ما تا پيدا كند مر شمارا بر سستى از پيغمبران

[illegible]

ان تقولوا ما جاءنا من بشير ولا نذير فقد جاءكم بشير

تا نگویید [illegible] نیامد بما بشیر مژده دهنده و نه بیم کننده هر آینه آمد بشما مژده دهنده

ونذير والله على كل شيء قدير ۝ واذ قال موسى لقومه يا قوم

و بیم کننده و خدا بر هر چیزی تواناست و چون گفت موسی مر گروه خویش را [illegible]

اذكروا نعمة الله عليكم اذ جعل فيكم انبياء وجعلكم

یاد کنید نیکویی و منت خدای را بر شما چون بکرد اندر شما پیغمبران و بکرد شما را

ملوكا واتاكم ما لم يؤت احدا من العالمين ۝ يا قوم ادخلوا

پادشاهان و بداد شما را آنچه نداد از گونه خلق را از جهانیان ای گروه من اندر شوید

الارض المقدسة التي كتب الله لكم ولا ترتدوا على ادباركم

در زمین پاک کرده بیت المقدس آنکه نوشت خدا مر شما را و باز مگردید بر پاشنهای خویش

فتنقلبوا خاسرين ۝ قالوا يا موسى ان فيها قوما جبارين

پس گردید زیان کاران گفتند ای موسی اندرین ده گروهی گردن کشانند

وانا لن ندخلها حتى يخرجوا منها فان يخرجوا منها فانا

و ما هرگز در نشویم اندر آنجا تا بیرون شوند ایشان از آنجا پس اگر بیرون شوند ایشان از آنجا [illegible]

داخلون ۝ قال رجلان من الذين يخافون انعم الله

در آینده گانیم گفتند دو مرد یوشع بن نون و کالوب [illegible] از آنکسانیکه همی ترسیدند نیکویی کرد خدا

عليهما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون

بر ایشان دو اندر شوید بر ایشان بدر یعنی در شهر چون اندر شوید در آنجا پس شما باشید غلبه کنندگان

وعلى الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين ۝ قالوا يا موسى انا لن

و بر خدا سپارید کار خویش اگر هستید گروندگان گفتند یا موسی ما هرگز

ندخلها ابدا ما داموا فيها فاذهب انت وربك فقاتلا

اندر نشویم اندرین ده هرگز تا باشند در آنجا پس برو تو و خداوند تو کارزار کنید

عشر

[illegible]

انا ههنا

٧٨

انا ههنا قاعدون ۝ قال رب اني لا املك الا نفسي واخي

ما اینجایگه نشستگانیم گفت یا خداوند من من ندارم پادشاهی مگر تن خویش و برادر خویش را

فافرق بيننا وبين القوم الفاسقين ۝ قال فانها محرمة

جدا کن میان ما و میان گروه بیفرمانان گفت خدا حرام کرده شود

عليهم اربعين سنة يتيهون في الارض فلا تاس على القوم

بر ایشان چهل سال سرگشته همی گردند اندر زمین پس اندوه مخور بر گروه

الفاسقين ۝ واتل عليهم نبا ابني ادم بالحق اذ قربا قربانا

بیفرمانان و برخوان بر ایشان خبر دو پسر آدم براستی چون نزدیک کردند هر دو قربانی

فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك

پذیرفته شد از یکی از ایشان یعنی هابیل و نپذیرفته شد از دیگری یعنی قابیل گفت قابیل هر آینه بکشم ترا

قال انما يتقبل الله من المتقين ۝ لئن بسطت الي يدك

گفت هر آینه بپذیرد خدا از پرهیزکاران اگر دراز کنی سوی من دست خویش

لتقتلني ما انا بباسط يدي اليك لاقتلك اني اخاف الله

تا بکشی مرا نیستم من دراز کننده دست خویش را سوی تو تا بکشم ترا که من بترسم از خدا

رب العالمين ۝ اني اريد ان تبوء باثمي واثمك فتكون من

پروردگار همه خلق من خواهم که برداری بزه من و بزه تو تا باشی از

اصحاب النار وذلك جزاء الظالمين ۝ فطوعت له نفسه

باشندگان آتش و این است پاداش بیدادگران فرمان کرد مر او را تن وی

قتل اخيه فقتله فاصبح من الخاسرين ۝ فبعث الله غرابا

کشتن برادر خویش پس بکشت وی را پس گشت از زیان کاران پس بفرستاد خدا کلاغی

يبحث في الارض ليريه كيف يواري سواة اخيه قال يا ويلتى

همی کاوید اندر زمین تا بنماید قابیل را که چگونه پوشد عورت برادر خویش گفت ای وای

خمس

نصف

عشر

[illegible]

أعجزت أن أكون مثل هذا الغراب فأواري سوأة أخي
نیست کشتم که بودمی همچون این زاغ تا بپوشیدمی عورت برادر
فأصبح من النادمين من أجل ذلك كتبنا على بني إسرائيل
شد از پشیمانان از بهر این بنوشتیم بر پسران یعقوب
أنه من قتل نفسا بغير نفس أو فساد في الأرض فكأنما قتل
که هر که بکشد تنی را نه از بهر تنی یا تباه کاری اندر زمین چنان است که بکشد
الناس جميعا ومن أحياها فكأنما أحيا الناس جميعا
مردمان را همه واگر برهاند تنی را چنان است که برهاند مردمان را همه
ولقد جاءتهم رسلنا بالبينات ثم إن كثيرا منهم بعد
وآوردند بایشان پیغمبران ما درستیها باز که بسیاری از ایشان
ذلك في الأرض لمسرفون إنما جزاء الذين يحاربون الله
آن اندر زمین تباه کارشند هرآینه پاداش آنکسانکه بجنگ بیرون آیند با خدا
ورسوله ويسعون في الأرض فسادا أن يقتلوا أو يصلبوا
و پیغمبر او و همی کوشند اندر زمین به تباه کاری که بکشندشان یا بدار کشند
أو تقطع أيديهم وأرجلهم من خلاف أو ينفوا من الأرض
یا ببرند دستهای ایشان و پایهای ایشان از ناهمواری یا بیرون کنندشان از زمین
ذلك لهم خزي في الدنيا ولهم في الآخرة عذاب عظيم إلا
آن عذاب مرایشانرا رسوایست اندر اینجهان و مرایشانرا باشد اندر آنجهان عذابی بزرگ مگر
الذين تابوا من قبل أن تقدروا عليهم فاعلموا أن الله
آنکسانکه توبه کردند از پیش آنکه توانا گردند بر ایشان بدانید که خدا
غفور رحيم يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وابتغوا
آمرزنده و بخشاینده ای آنکسانکه گرویده اید بترسید از عذاب خدا و جوئید

إليه

از حضرت ابا جعفر و ابا عبد الله علیهما السلام
مرویست که جزای محارب [illegible] قاطع الطریق
[illegible] از توبه [illegible] استحقاق [illegible]
[illegible] کشته [illegible] مال برده جزایش قتل و
صلب است و اگر مال برده و کسی نکشته
جزایش قطع دست است و پا [illegible]
بریده شود و اگر همین [illegible] کرده
نه مال برده و نه کسی کشته جزایش
نفی است یعنی اخراج از بلد [illegible]
بعضی از اصحاب ما قائل شده اند [illegible]
[illegible] اکثر اصحاب [illegible]
که حاکم مخیر است [illegible]
[illegible] مضمون [illegible] از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام مرویست

٧٧

خمس

إليه الوسيلة وجاهدوا في سبيله لعلكم تفلحون
بوی نزدیکی و بکوشید اندر راه وی تا مگر شما رستگار باشید
إن الذين كفروا لو أن لهم ما في الأرض جميعا ومثله معه
آنکسانکه کافر شدند اگر مرایشانرا باشد آنچه اندر زمین است همه و همچنان نیز بادی
ليفتدوا به من عذاب يوم القيمة ما تقبل منهم ولهم عذاب
تا باز خرندی بدان خویشتن را از عذاب روز رستاخیز نپذیرندی از ایشان و مرایشانرا باشد عذاب
أليم يريدون أن يخرجوا من النار وما هم بخارجين منها
دردناک خواهند که بیرون آیند از آتش و نباشند ایشان بیرون آیندگان ازانجا
ولهم عذاب مقيم والسارق والسارقة فاقطعوا أيديهما
و مرایشانرا باشد عذابی پایدار مرد دزد و زن دزد ببرید دستهای ایشان
جزاء بما كسبا نكالا من الله والله عزيز حكيم فمن تاب من
پاداش بدانچه کردند عقوبتی از خدای و خدای سخت گیر استوار کارست هرکه توبه کند از
يتوب عليه إن الله
بعد ظلمه وأصلح فإن الله غفور رحيم ألم تعلم أن الله
پس ستم کردن و خوب کرد که خدا توبه بپذیرد ازوی که خدا هست آمرزنده بخشاینده ندانید ای یا محمد که خدا است
له ملك السموات والأرض يعذب من يشاء والله على كل
ويغفر لمن يشاء
که مراورا است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب کند آنرا که خواهد و بیامرزد آنرا که خواهد و خدا بر
شيء قدير يا أيها الرسول لا يحزنك الذين يسارعون
چیزی توانا است ای پیغمبر نیندوهگین مکناد آنکسانکه همی شتابند
في الكفر من الذين قالوا آمنا بأفواههم ولم تؤمن قلوبهم
اندر کافری از آنکسانکه گفتند گرویدیم بدهنهای و استوار نداشت دلهای ایشان
ومن الذين هادوا سماعون لقوم آخرين لم يأتوك يحرفون
و آنکسانکه برگشتند یعنی جهودان شنوااند مرگروهی دیگران نه آمدند تو همی بگردانند

عشر

اتفاق علماء [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] قطع
[illegible] لازم است [illegible] دزدی [illegible]
و اگر بعد از قطع بار دیگر دزدی [illegible]
[illegible]
سماعون للكذب

[illegible]

الکلم من بعد مواضعه یقولون ان اوتیتم هذا فخذوه و
سخن را از پس جایگاه وی میگویند اگر بدهند شمارا این بگیریدش
لم تؤتوه فاحذروا ومن یرد الله فتنته فلن تملک له من الله
ندهندان آن پرهیز کنید و هرکرا بخواهد خدای آزموده کرده وی واگر پادشاه نباشد مراورا از
شیئا اولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم لهم فی الدنیا
چیزی ایشانند آنکسانکه نخواست خدا که پاک کرداند دلهای ایشان مرایشانرا در
خزی ولهم فی الاخرة عذاب عظیم سماعون للکذب
عذاب رسوا کننده ومرایشانرا در آنجهان عذابی بزرگ گوش دارندگانند دروغ
اکالون للسحت فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم
خورندگان حرام یعنی رشوة اگر بیایند بتو حکم کن ایشان یا روی گردان از ایشان
وان تعرض عنهم فلن یضروک شیئا وان حکمت فاحکم بینهم
واگر روی بگردانی از ایشان نتوانند زیان کردن بتو چیزی واگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان
بالقسط ان الله یحب المقسطین وکیف یحکمونک و
بداد و راستی که خدا دوست دارد دادگران وچگونه داور دارند ترا
عندهم التوراة فیها حکم الله ثم یتولون من بعد ذلک
نزد ایشان توریة است درآنجا حکم خدا بازمی‌گردند از پس آن
وما اولئک بالمؤمنین انا انزلنا التوراة فیها هدی
ونیستند ایشان گروندگان ما فروفرستادیم توریة موسی اندر آنجا راه راست
ونور یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا والربانیون
و روشنائی تا حکم کند بوی پیغمبران آنکه گردن نهادند مرآنکسانرا که جهود شدند
والاحبار بما استحفظوا من کتاب الله وکانوا علیه
و دانشمندان بانچه نگاه داشته شد از نامه خدا و بودند بروی

[illegible]

شهداء

احکام ایشان حواله باید

[illegible]

شهداء فلا تخشوا الناس واخشون ولا تشتروا بایاتی
گواهان پس مترسید از مردمان و بترسید از من و مخرید بآیات من
ثمنا قلیلا ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون
بهای اندکی و هرکه حکم نکند بانچه فروفرستاد خدا ایشانند که ایشان کافرانند
وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعین
ونوشتیم برجهودان در توریة که تن بتن وچشم بچشم
والانف بالانف والاذن بالاذن والسن بالسن والجروح
وبینی ببینی وگوش بگوش ودندان بدندان وجراحتها
قصاص فمن تصدق به فهو کفارة له ومن لم یحکم بما انزل الله
برابر پس هرکه تصدق کند بآن آن پوششی باشد مراورا و هرکه حکم نکند بانچه فروفر
فاولئک هم الظالمون وقفینا علی آثارهم بعیسی ابن مریم
ایشانند ایشان ستمکاران و از پس فرستادیم بر پیهای ایشان عیسی پسر مریم را
مصدقا لما بین یدیه من التوراة وآتیناه الانجیل فیه
استوار دارنده مرورا که از پیش وی بود از توریة وبدادیم مراورا انجیل در وی
هدی ونور ومصدقا لما بین یدیه من التوراة وهدی
راه راست و روشنائی و راست دارنده مرآنرا که از پیش وی است از توریة و راه نموده
وموعظة للمتقین ولیحکم اهل الانجیل بما انزل الله
و پندی مر پرهیزکاران را و تا حکم کنند مردمان انجیل بانچه فروفرستاد خدا
فیه ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون
اندر وی و هرکه حکم نکند بانچه فروفرستاد خدا ایشانند ایشان تباه کاران
وانزلنا الیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الکتاب
و فروفرستادیم سوی تو یا محمد نامه یعنی قران براستی باور دارنده مراورا که از پیش وی است از نامه توریة و انجیل

בית הספרים הלאומי והאוניברסיטאי ירושלים

و مهيمنا عليه فاحكم بينهم بما انزل الله ولا تتبع اهوآءهم
و گواه است بروی حکم کن میان ایشان بدانچه فرو فرستاد خدا و در پی مرو آرزوهای ایشان
عما جآءك من الحق لكل جعلنا منكم شرعة و منهاجا
از آنچه بیامد بتو از راستی مر هر یکی بکردیم از شما شاهراهی و مذهبی و راهی
ولو شآء الله لجعلكم امة واحدة ولكن ليبلوكم في
و اگر خواستی خدا بکردی شما را یک گروه ولیکن تا آزموده کردند شما را در
مآ اتىكم فاستبقوا الخيرات الى الله مرجعكم جميعا فينبئكم
آنچه آمد بشما پیش گیرید نیکیها سوی خداست بازگشت شما همه آگاه کند شما
بما كنتم فيه تختلفون و ان احكم بينهم بمآ انزل الله
آنچه بودند اندران ناهمواری کردند و بانکه حکم کن میان ایشان بدانچه فرو فرستاد خدا
ولا تتبع اهوآءهم واحذرهم ان يفتنوك عن بعض ما
و در پی مرو آرزوهای ایشان را و پرهیز کن از ایشان تا آزموده نکنند ترا از بهره آنچه
انزل الله اليك فان تولوا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم
فرو فرستاد خدا سوی تو اگر برگردند پس آن که همی خواهد خدای که رساند بایشان
ببعض ذنوبهم وان كثيرا من الناس لفاسقون افحكم
بهره از گناهان ایشان و بسیاری از مردمان بیفرمانند با حکم
الجاهلية يبغون ومن احسن من الله حكما لقوم يوقنون
نادانی همی جویند و کیست نیکوتر از خدا بحکم کردن مر گروهی را که بیگمان شوند
يآ ايها الذين امنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى اوليآء
ای آن کسها که گرویده اید مگیرید جهودان و ترسایان را دوستان
بعضهم اوليآء بعض ومن يتولهم منكم فانه منهم ان الله
بهره از ایشان دوستان بهره اند و هر که دوست گرداند ایشان را از شما وی از ایشان است که خدا

لا يهدي

لا يهدي القوم الظالمين فترى الذين في قلوبهم
راه ننماید گروه بیدادگران را بینی آن کسها را که در دلهای ایشان
مرض يسارعون فيهم يقولون نخشى ان تصيبنا دآئرة
بیماری است همی شتابند اندر ایشان همی گویند می ترسیم که برسد بما گردشی از روزگار
فعسى الله ان يأتي بالفتح او امر من عنده فيصبحوا على ما
مگر زود خدا بیارد گشایشی یا کاری از نزد وی پس شوند بر آنچه
اسروا في انفسهم نادمين ويقول الذين امنوا اهؤلآء الذين اقسموا
نهان داشتند اندر تنهای خود پشیمانان و گویند آن کسها که گرویدند ایشان آنکسانند که سوگند خوردند
بالله جهد ايمانهم انهم لمعكم حبطت اعمالهم فاصبحوا
بخدا استوارترین سوگندهای ایشان که ایشان با شما باشند ضایع است کارهای ایشان شدند
خاسرين يآ ايها الذين امنوا من يرتد منكم عن دينه
زیان کاران ای آن کسها که ایمان آورده اید هر که برگردد از شما از دین خویش
فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين
زود باشد که بیارد خدا گروهی را که دوست دارد ایشان را و دوست دارند او را خوار گیرند کار بر گرویدگان
اعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون
و عزیزان بر ناگرویدگان کارزار کنند اندر راه خدا و نترسند
لومة لآئم ذلك فضل الله يؤتيه من يشآء والله واسع
از ملامت کردن ملامت کننده آن فضل خداست بدهد آنرا که خواهد و خدا فراخ عطا
عليم انما وليكم الله ورسوله والذين امنوا
داناست یار دوست شما خداست و رسول وی و آنها که گرویدند
الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون
و آنها که بپا دارند نماز را و دهند زکوة را و ایشان رکوع کنندگانند

عشر

حزب

خمس

ومن يتول الله ورسوله والذين امنوا فان حزب الله
وهر که دوست دارد خدا را و پیغمبر او را و آنها را که گرویده اند گروه خدا اند
هم الغالبون ۝ يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا
که ایشان باینده و غلبه کننده اند ای آنکه گرویده اید مگیرید آنهان را که گرفتند
دينكم هزوا ولعبا من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم
کیش شما فسوس و بازی از آنکه بدادندشان نامه از پیش شما
والكفار اولياء واتقوا الله ان كنتم مومنين ۝ واذا
و کافران را دوستان و بترسید از خدا اگر هستید گرویدگان و چون
ناديتم الى الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا ذلك بانهم
بخوانید سوی نماز بگیرند آن را فسوس و بازی آن بدانست که ایشان
قوم لا يعقلون ۝ قل يا اهل الكتاب هل تنقمون
گروهی اند که عقل ندارند بگو یا محمد ای مردمان نامه یعنی توریة هیچ میکنید عیب
منا الا ان امنا بالله وما انزل الينا وما انزل من قبل وان
از ما مگر بدانکه گرویده ایم ما بخدا و آنچه فرو فرستاد سوی ما یعنی قرآن و آنچه فرو فرستاد از پیش یعنی توریة و آنکه
اكثركم فاسقون ۝ قل هل انبئكم بشر من ذلك مثوبة
بیشترین شما بدکارانند بگو یا محمد خواهید تا آگاهی دهم شما را بتر از آن پاداشتی
عند الله من لعنه الله وغضب عليه وجعل منهم
نزد خدا کسی که دور کردش خدا و خشم گرفت بروی و بکرد از ایشان
القردة والخنازير وعبد الطاغوت اولئك شر
بوزینگان و خوکان و کسی که پرستید غیر خدای ایشان بدترند
مكانا واضل عن سواء السبيل ۝ واذا جاؤكم قالوا
بجایگاه و گمراه تر از میان راه و چون بیایند بشما گویند

عشر

امنا

٧٥

امنا وقد دخلوا بالكفر وهم قد خرجوا به والله اعلم
گرویده ایم و اندر شدند بکافری و ایشان بیرون شدند بکفر و خدا داناتر است
بما كانوا يكتمون ۝ وترى كثيرا منهم يسارعون في الاثم
بدانچه بودند همی پوشیدند و ببینی یا محمد بسیاری از ایشان همی شتابند اندر بزه
والعدوان واكلهم السحت لبئس ما كانوا يعملون ۝ لولا
و بیداد کردن و خوردن ایشان رشوت بد است آنچه هستند که میکنند چرا
ينهاهم الربانيون والاحبار عن قولهم الاثم واكلهم السحت
باز نداشتندشان خدایان و زاهدان و دانشمندان از گفتار ایشان بزه و گناه و خوردن ایشان حرام
لبئس ما كانوا يصنعون ۝ وقالت اليهود يد الله مغلولة
بد است آنچه بودند همی کنند و گفتند جهودان دست خدا بغل بسته است
غلت ايديهم ولعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطتان ينفق
بسته باد دستهای ایشان و لعنت بر ایشان بدانچه گفتند بلکه دو دست قدرة وی گشاده است روزی میدهد
كيف يشاء وليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك
چگونه که خواهید و بیفزاید بسیار را از ایشان آنچه فرو فرستاده اند سوی تو از خداوند تو
طغيانا وكفرا والقينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم
گردن برکشی و کافری و بیفکندیم میان ایشان دشمنی و کینه و زشتی تا روز
القيمة كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ويسعون
رستاخیز هر که بیافروزد آتش مر حرب را فرو نشاندش خدای و همی کوشند
في الارض فسادا والله لا يحب المفسدين ۝ ولو ان اهل
اندر زمین فسادکاری و خدا دوست ندارد تباه کاران را و اگر آنستی که مردمان
الكتاب امنوا واتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم ولادخلناهم
توریة و انجیل بگرویدندی و از خدا بترسیدندی بپوشانیدی از ایشان بدیهای ایشان و اندر آوردی ایشان را

[illegible]

حزب

جنات النعیم ۝ ولو انهم اقاموا التوریة والانجیل وما
در بوستانهای با ناز و نعمة واگر ایشان بپای داشتندی توریة و انجیل و آنچه
انزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم ومن تحت
فرو فرستید سوی ایشان از خداوند ایشان بخوردندی از زبر ایشان و از زیر
ارجلهم منهم امة مقتصدة وکثیر منهم ساء ما یعملون
پایهای ایشان نعمتها از ایشان گروهی اند قصد کرده و بسیاری اند از ایشان بدی آنچه می کنند
یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل
ای پیغمبر برسان آنچه فرو فرستاده اند سوی تو از خداوند تو و اگر نکنی تو
فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس ان الله لا
پس گویا ادای رسالت نکرده باشی و خدا نگاه دارد ترا از مردمان که خدا
یهدی القوم الکافرین ۝ قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء
راه ننماید گروه ناگرویدگان را بگو یا محمد ای مردمان توریة و انجیل نیستید شما بر چیزی
حتی تقیموا التوریة والانجیل وما انزل الیکم من ربکم
تا بپای دارید توریة و انجیل را و آنچه فرو فرستاده سوی شما از پروردگار
ولیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من ربک طغیانا وکفرا
و بیفزاید بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده سوی تو از خداوند تو گردن برکشی و کافری
فلا تأس علی القوم الکافرین ۝ ان الذین امنوا والذین هادوا
اندوه مخور بر گروه ناگرویدگان بدرستی که آنکه گرویدند و آنکه جهود شدند
والصابئون والنصاری من امن بالله والیوم الاخر وعمل
و ستاره پرستان و ترسایان هرکه بگرود بخدا و بروز بازپسین و کند
صالحا فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون ۝ لقد اخذنا میثاق
نیکی نباشد ترسی برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند بحقیقه ما گرفتیم عهد

[illegible]

۷۶

[illegible]

عشر

بنی اسرائیل وارسلنا الیهم رسلا کلما جاءهم رسول بما
پسران یعقوب و بفرستادیم سوی ایشان پیغمبران هرگاه که بیامد بایشان پیغمبری بدانچه
لا تهوی انفسهم فریقا کذبوا وفریقا یقتلون ۝ وحسبوا
آرزو نکرد تنهای ایشان گروهی را دروغ زن داشتندی و گروهی را بکشتندی و پنداشتند
الا تکون فتنة فعموا وصموا ثم تاب الله علیهم ثم عموا
که نخواهد بود آزمایش نابینا شدند از حق و کر شدند از حق شنیدن باز توبه داد خدا ایشان را باز کور شدند
وصموا کثیر منهم والله بصیر بما یعملون ۝ لقد کفر الذین
و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا بیناست بدانچه می کنند کافر گشتند آنکه
قالوا ان الله هو المسیح ابن مریم وقال المسیح یا بنی اسرائیل
گفتند بحقی که خدا ویست مسیح پسر مریم و گفت عیسی ای پسران یعقوب
اعبدوا الله ربی وربکم انه من یشرک بالله فقد حرم الله
بپرستید خدا پروردگار من و پروردگار شما بدرستی هرکه انباز گیرد بخدای بحقیقه حرام کرد خدای
علیه الجنة وماویه النار وما للظالمین من انصار ۝ لقد
بروی بهشت و جای وی آتش است و نباشد مر ستمکاران را هیچ یاری گری
کفر الذین قالوا ان الله ثالث ثلثة وما من اله الا اله
کافر شدند آنکه گفتند که خدا سوم ثلثه است و نیست هیچ خدای مگر خدای
واحد وان لم ینتهوا عما یقولون لیمسن الذین کفروا منهم
یگانه و اگر باز نایستند از آنچه می گویند برسند بدان کسانکه کافر شدند از ایشان
عذاب الیم ۝ افلا یتوبون الی الله ویستغفرونه والله غفور
عذاب دردناک ای پس توبه نکنند با خدای و آمرزش خواهند از وی و خدای آمرزنده
رحیم ۝ ما المسیح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل
بخشاینده نیست عیسی پسر مریم مگر پیغمبری که گذشتند از پیش وی پیغامبران

[illegible]

۷۷

[illegible] بنی اسرائیل در زمان او بود در لعن ایشان فرمود اللهم البسهم اللعنة مثل الرداء ومثل المنطقة على الحقوين يعنى خداوندا بوشان [illegible]

[illegible] والله اعلم بحقایق الامور

وامه صديقة كانا يأكلان الطعام انظر كيف نبين لهم
وما در وی راست گوی است کا بودند که همی خوردند طعام بنگر چگونه پیدا همی کنیم ایشان را
الآيات ثم انظر انى يؤفكون قل أتعبدون من دون الله
نشانها پس بنگر چگونه نشان همی بازگردانند از حق بگو یا محمد همی پرستید از فرود خدای
ما لا يملك لكم ضرا ولا نفعا والله هو السميع العليم
آنچه پادشاهی ندارد مر شمارا گزندی و نه سودی وخدا اوست شنوا دانا
قل يا أهل الكتاب لا تغلوا في دينكم غير الحق ولا تتبعوا
بگو یا محمد ای مر خداوندان تورية وانجیل دور اندر مشوید اندر دین شما بنا راستی و در پی مروید
أهواء قوم قد ضلوا من قبل وأضلوا كثيرا وضلوا عن
آرزوها گروهی که گم گشتند از پیش وگم کردند بسیاری وگم شدند از
سواء السبيل لعن الذين كفروا من بني إسرائيل على لسان
میانه راه لعنت کرده شد آنانکه کافر گشتند از پسران یعقوب بر سر زبان
داود وعيسى ابن مريم ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون
داود و زبان عیسی پسر مریم آن بدان بود که بی‌فرمان شدند و بودند از حد درگذشتند
كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون
بودند که باز نهی نایستادند از زشتی که همی کردند بد بود آنچه همی کردند
ترى كثيرا منهم يتولون الذين كفروا لبئس ما قدمت
بینی بسیاری را از ایشان بدوست گیرند آنها را که کافر گشتند بد بود آنچه پیش فرستاد
لهم أنفسهم أن سخط الله عليهم وفي العذاب هم خالدون
مر ایشان را تنهای ایشان که همی خشم گرفت خدا بر ایشان واندر عذاب ایشان جاودان
ولو كانوا يؤمنون بالله والنبي وما أنزل إليه ما اتخذوهم
واگر چنان بودندی که بگرویدندی بخدا و پیغمبر و آنچه فرستادند سوی او نگرفتندی کافران را

حزب

عشر

اولیاء

أولياء ولكن كثيرا منهم فاسقون لتجدن أشد الناس
بدوستی ولیکن بیشتر از ایشان بی‌فرمانان بودند بیابی یا محمد سخت ترین مردمان
عداوة للذين آمنوا اليهود والذين أشركوا ولتجدن أقربهم
بدشمنی مر آنانرا که بگرویدند جهودان و آنکه انباز گرفتند و بیابی یا محمد نزدیکتر ایشان
مودة للذين آمنوا الذين قالوا إنا نصارى ذلك بأن منهم
بدوستی مر آنانرا که بگرویدند آنانکه گفتند که ما ترساایم آن بدانست که از ایشان
قسيسين ورهبانا وأنهم لا يستكبرون وإذا سمعوا
زیرکانند وخدا ترسانند وایشان بزرگ منشی نکنند وچون بشنوند
ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا
آنچه فرو فرستادند سوی پیغمبر یعنی محمد بینی چشمهای ایشان همی فرو چکد از اشک از آنچه بشناختند
من الحق يقولون ربنا آمنا فاكتبنا مع الشاهدين وما لنا
از حق و راستی همی گویند ای خداوند ما گرویدیم بنویس ما را با گواهان وهمی گویند چه بود مارا
لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق ونطمع أن يدخلنا
که نگرویدیم بخدا و آنچه آمد بما از حق و راستی یعنی قرآن وهمی امید داریم که اندر آرد ما را
ربنا مع القوم الصالحين فأثابهم الله بما قالوا جنات
خداوند ما با گروه نیکان پس جزا داد ایشانرا خدا بدانچه گفتند بهشتهایی
تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها وذلك جزاء المحسنين
که همی رود از زیران جویهای روان جاودان اندر آنجا و اینست پاداش نیکوکاران
والذين كفروا وكذبوا بآياتنا أولئك أصحاب الجحيم يا أيها
وآنانکه کافر گشتند و دروغ داشتند آیتهای ما را ایشانند باشندگان دوزخ ای آنکه
الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم ولا تعتدوا
گرویده اید حرام مدارید و مکنید خورشها و پاکیها آنچه حلال کرده است خدا مر شمارا واز حد مگذرید

حزب

إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلَالًا
که خدا دوست ندارد از حد درگذرندگان را و بخورید از آنچه روزی کرد شما را خدا حلال

طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ
پاکیزه و بترسید از خدا آنکه شما بدان گرویدگانید نگیرد شما را خدا

بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ
بی قصد اندر سوگندهای شما ولیکن بگیرد شما را بدانچه به بندید سوگندها

فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ
پوشش وی طعام دادن ده درویش را از میانه آنچه بخورانید

أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ
کسان خویش را یا بپوشیدن ایشان یا آزاد کردن برده هرکه نیابد روزه باید داشتن

ثَلٰثَةِ أَيَّامٍ ذٰلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا
سه روز این است پوشش سوگندها شما چون سوگند خورید و نگاه دارید

أَيْمَانَكُمْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝
سوگندهای شما همچنین پدید همی کند خدا مر شما را نشانهای خویش تا مگر شما شکر کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ
ای آنکسها که ایمان آوردید هر آینه می آشامیدن و قمار بازیدن و بت پرستیدن و تیر [illegible]

رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝
پلید است از کار دیو است دور باشید از وی تا مگر شما برهید از عذاب

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
همی خواهد دیو که بیفکند میان شما دشمنی و کینه

فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ
در می آشامیدن و قمار بازیدن و بازدارد و شما را از یاد کردن خدا و از نماز پس هیچ

عشر

انتم منتهون

هو

٧١

مؤمنین که هرچند معاقب نیستند لیکن ایشان را در قیامت حسابها خواهد بود در خوردن و تحصیل آنها و قدری زمان برای این [illegible]

أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا
شما باز خواهید ایستادن و فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغمبر را و بپرهیزید

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ لَيْسَ
و اگر برگردید بدانید که بر پیغمبر ما رسانیدن است پیدا نیست

عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا
بر آنکه که بگرویدند و بکردند نیکیها بزه بدانچه خوردند چون

مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا
پرهیز کردند و بگرویدند و بکردند نیکیها باز پرهیزیدند از بس حرامی و بگرویدند باز پرهیز [illegible]

وَأَحْسَنُوا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ
نیکوکاری کردند و خدا دوست دارد نیکوکاران را ای آنکسها که ایمان دارید آزموده گرداند شما را

اللّٰهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ
خدا بچیزی از شکار که برسد بوی دستهای شما و نیزهای شما تا پیدا کند خدا

مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ
کسی که بترسد از وی بناپیدا هر که از حد درگذرد و شکار کردن پس آن مر او راست عذاب

أَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ
دردناک ای آنکسها که بگرویدید مکشید شکار را و شما حرام گرفته باشید

وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ
و هر که بکشد شکاری از شما بعمدا پاداش وی چون آنچه بکشد از چهارپایان حکم کند

بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ
بدان خداوند عدالت از شما قربانی که برسد بخانه کعبه یا پوششی طعام دادن

مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذٰلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللّٰهُ
درویشان یا برابر آن روزه تا بچشد عقوبة کار خویش اندر گذشت خدا

[illegible]

خمس

عما سلف ومن عاد فينتقم الله منه والله عزيز ذو
از آنچه گذشت وهرکه بازگردد بزنگاه کینه کشد خدا ازو وخدا سخت کار

احل لكم صيد البحر وطعامه متاعا لكم وللسيارة وحرم
حلال کرد مر شما را شکار دریا وخوردن وی برخورداری مر شما را و مر کاروانیان را

صيد البر ما دمتم حرما واتقوا الله الذي اليه تحشرون
شکار صحرا ما دام که باشید محرمان وبترسید از خدا آنکه سوی او گرد آورده شوید

جعل الله الكعبة البيت الحرام قياما للناس والشهر الحرام
گردانید خدا کعبه خانه حرام ایستادگاه مر مردمان را وماه حرام

والهدي والقلائد ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموات
وگوسفند فرستادن سوی مکه وگردن بستگان را این بدانست تا بدانید که خدا بداند آنچه اندر آسمانهاست

وما في الارض وان الله بكل شيء عليم ● اعلموا ان الله
وآنچه اندر زمین است وخدا بهر چیزی داناست بدانید که خدا

شديد العقاب وان الله غفور رحيم ● ما على الرسول
سخت عقوبت است وخدا آمرزنده است بخشاینده نیست بر پیغمبر مگر

البلاغ والله يعلم ما تبدون وما تكتمون ● قل لا يستوي
رسانیدن پیغام وخدا داند آنچه پیدا آرید وآنچه نهان دارید بگو برابر

الخبيث والطيب ولو اعجبك كثرة الخبيث فاتقوا الله
پلید یعنی حرام وپاک یعنی حلال واگر بشگفت آرد ترا بسیاری پلید بترسید از خدا

يا اولي الالباب لعلكم تفلحون ● يا ايها الذين امنوا
ای خداوندان خردها تا مگر شما رستگاری یابید ای آنانکه گرویدند

لا تسئلوا عن اشياء ان تبد لكم تسؤكم وان تسئلوا عنها
مپرسید از چیزها که پیدا کنند مر شما را اندوهگین گرداند شما را واگر بپرسید از آن

عشر

[illegible]

حين

حين ينزل القران تبد لكم عفا الله عنها والله غفور
آنگه فرو فرستاده قرآن پیدا کنند مر شما را درگذشت خدا از آن وخدا آمرزگار

حليم ● قد سالها قوم من قبلكم ثم اصبحوا بها كافرين
بردبار وبپرسیدند گروهی از پیش شما باز شدند از آن ناگرویدگان

ما جعل الله من بحيرة ولا سائبة ولا وصيلة ولا حام
نه بکرد خدا هیچ ناقه گوش شکافته ونه گذاشته ونه هیچ گوسفند ماده ونه شتر نر

ولكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب واكثرهم
ولیکن آنانکه کافر شدند همی بافند بر خدا دروغ وبیشترین ایشان

لا يعقلون ● واذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و
خرد ندارند وچون گویند مر ایشان را بیایید بسوی آنچه فرو فرستاد خدا و

الى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه اباءنا اولو كان
سوی پیغمبر گویند بسنده است ما را آنچه یافتیم بروی پدران خود را اگرچه بود

اباؤهم لا يعلمون شيئا ولا يهتدون ● يا ايها الذين
پدران ایشان همی ندانستند چیزی وراه نایافته بودند ای آنها که

امنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذا اهتديتم
گرویدند بر شما تنهای شما گزاید شما را کسی که گمراه گردد چون شما راه راست یافتید

الى الله مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم تعملون ● يا ايها
سوی خدا بازگشتن شما همه آگاهی دهد شما را بدانچه بودید همی کردید ای آن

الذين امنوا شهادة بينكم اذا حضر احدكم الموت
کسانکه بگرویده اید گواهی باید میان شما چون بیایید یکی از شما مرگ

حين الوصية اثنان ذوا عدل منكم او اخران من غيركم
گاه اندرز کردن دو تن با داد یعنی مسلمانان آزاد از شما یا دو دیگر از جز شما

[illegible]

۸۰

عصرست و این مذهب امامیه و بعضی از [illegible] است و منشا تخصیص این وقت آنکه [illegible] در حضور مردم [illegible]

[illegible]

ان انتم ضربتم فی الارض فاصابتکم مصیبة الموت تحبسونهما
اگر شما بسفر بیرون روید اندر زمین برسد بشما مصیبت مرگ بازدارید
من بعد الصلوة فیقسمان بالله ان ارتبتم لا نشتری به
از پس نماز دیگر سوگند خورند بخدا. اگر بشک شدید شما که نخریم بوی
ثمنا ولو کان ذا قربی ولا نکتم شهادة الله انا اذا لمن
بها واگرچه باشد خویشاوند نزدیک و نکنیم پنهان گواهی خدا را که ما آنگاه از
الاثمین ۝ فان عثر علی انهما استحقا اثما فاخران یقومان
بزه کاران باشیم واگر پدید آید برآنکه ایشان هر دو واجب کنند بزه را دو دیگر باید که بایستند
مقامهما من الذین استحق علیهم الاولیان فیقسمان بالله
بجای دو وی اول از آنکه واجب شود برایشان سزاوارترین یعنی خویشان سوگند خورند بخدا
لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدینا انا اذا لمن
که گواهی ما دو سزاوارترست از گواهی ایشان دو واز حد اندر نگذشتیم که ما آنگاه باشیم از
الظلمین ۝ ذلک ادنی ان یاتوا بالشهادة علی وجهها
بیدادگران آن نزدیکترست که بیارند گواهی را بر روی وی
او یخافوا ان ترد ایمان بعد ایمانهم واتقوا الله واسمعوا
یا بترسند که بازرد شود سوگندها از پس سوگندهای ایشان و بترسید از خدا و گوش دارید
والله لا یهدی القوم الفسقین ۝ یوم یجمع الله الرسل
و خدا راه ننماید گروه بیفرمانان را از روز که گرد آرد خدا پیغمبران
فیقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا انک انت علام
گوید چه جواب داده شد شما را گویند نیست دانش ما را تویی که تو داننده
الغیوب ۝ اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک
ناپیداها ای گفت خدا ای عیسی پسر مریم یاد کن منت مرا بر تو

وعلی والدتک اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس
و بر مادر تو برومند کردم بجبرئیل یعنی جبرئیل پاکیزه سخن گویا با مردم
فی المهد وکهلا واذ علمتک الکتب والحکمة
اندر گهواره و اندر پیری و چون بیاموختمت نامه انجیل و سخن صواب
والتورىة والانجیل واذ تخلق من الطین کهیئة
و توریة و انجیل و چون اندازه کردی از گل بر سان
الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیرا باذنی وتبرئ الاکمه
مرغ پرنده بفرمان من بدمیدی اندروی تا بود مرغ پرنده بدستوری من و بهتر کردی نابینا را زاد را
والابرص باذنی واذ تخرج الموتی باذنی واذ کففت
و پیس را بقضای من و چون بیرون آوردی مردگان را از گور بخواست من و چون بازداشتم
بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبینت فقال الذین کفروا
پسران یعقوب را از تو یعنی جهودان از کشتن تو چون بیاوردی نشانها درستیها بگفتند آنها که نگرویدند
منهم ان هذا الا سحر مبین ۝ واذ اوحیت الی الحواریین
از ایشان نیست این مگر جادویی پیدا و چون پیغام فرستادم بسوی یاران تو
ان امنوا بی وبرسولی قالوا امنا واشهد باننا مسلمون ۝
که بگروید بمن و به پیغمبر من بگفتند بگرویدیم و گواه باش که ما گردن نهادگانیم
اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم هل یستطیع ربک
و چون گفتند یاران و خاصگان تو ای عیسی پسر مریم چیزی تواند خداوند تو
ان ینزل علینا مائدة من السماء قال اتقوا الله ان
که فرو فرستد بر ما خانی آراسته از آسمان گفت عیسی بترسید از خدا اگر
کنتم مؤمنین ۝ قالوا نرید ان ناکل منها وتطمئن قلوبنا
هستید گرویدگان گفتند همی خواهیم که بخوریم از آن خوان و بیارامد دلهای ما

عشر

[illegible]

وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ
وبدانیم که هر آینه براست گفتی مارا و باشیم بر آن خوان از گواهان
قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ
گفت عیسی پسر مریم یا خداوند پروردگارما فرو فرست بر ما خوانی از آسمان
تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا
تا باشد مارا بزرگ جشنی مر پیشینیان مارا و باز پسیان مارا و نشانی از تو و روزی ده مارا
وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ
و تو بهترین روزی دهندگانی گفت خدای من فرستنده ام بر شما هرکه
يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ
کفران نعمت نماید از پس از شما من عذاب کنمش عذاب کرده که عذاب نکرده باشم هیچ کس را از
الْعَالَمِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ
جهانیان و چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم ای تو بودی
لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ
مر مردمان را که بگیرید مرا و مادر مرا دو خدا از جز خدا گفت عیسی پاکا خدایا
مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ
نباشد و نسزد مرا که بگویم آنچه نیست مر بنزا براستی اگر چنان است که گفته باشم از آن
عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ
دانسته باشی از آن هیدانی آنچه اندر تن من است و نه میدانم آنچه نزد تو است
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي
که تویی که تو دهنده نا پیدا پیدایی نه گفتم مرایشان را مگر آنچه فرمان دادی
بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا
بدان که بپرستید خدایرا خداوند مرا و خداوند شمارا و بودم بر ایشان گواه

حزب

خمس

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که ... بعد از نزول سوره مائده بصورت خوک مسخ شدند

ما دمت

مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ
تا بودم در میان ایشان چون بر کشیدی مرا از میان ایشان بودی تو نگهبان بر ایشان و تو
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ
بر همه چیز گواهی اگر عذاب کنیشان ایشان بندگان تواند
وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ قَالَ اللَّهُ هَٰذَا
و اگر بیامرزی مر ایشان را تویی که تو استوار کاری صواب کار گفت خدا این
يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
آن روزیست که سود دارد راست گویان را است گفتن ایشان مر ایشان راست بوستانها که همی رود از زیر آن
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
جویهای روان جاودان باشند اندر آنجا همیشه خشنود گشته خدای از ایشان و خشنود گشته ایشان از خدا
ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
آن هست رستگاری بزرگ مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه
فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

سورة الانعام مكية

در میان آنهاست و وی بر هر چیزی تواناست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای مهربان که کار کم از طاقت فرماید بخشاینده که عطا فزون از اندازه بخشد
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ
سپاس مر خدایرا آنکه بیافرید آسمانها و زمین را و بکرد تاریکیها
وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۝ هُوَ الَّذِي
و روشنی را باز آنانکه بگرویدند بخداوند خویش همتا میگویند وی آن خداست
خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ
که بیافرید شمارا از گل یعنی آدم باز بدید کرد زمانه هرکسی را و زمانه نام برده نزد اوست باز

عشر

از حضرت ابو الحسن علی ابن موسی الرضا علیهما السلام مرویست که سوره ... طریق دیگر مرویست که بعد از نماز ظهر روز یکشنبه ...

[illegible]

انتم تمترون ۝ وهو الله في السموات وفي الارض يعلم
شما بشک همیکردید و وی است خدا اندر آسمانها و اندر زمین همیداند
سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون ۝ وما تاتیهم من ایة
راز شما و آشکارای شما و همی داند آنچه شما همی کنید . و نیاید بایشان هیچ نشانه
من ایات ربهم الا کانوا عنها معرضین ۝ فقد کذبوا
از نشانهای خداوند ایشان مگر باشند از نشان روی بگردانندگان مر دروغ داشتند
بالحق لما جاءهم فسوف یاتیهم انبؤا ما کانوا به یستهزءون
راست یعنی قران چون بیامد بایشان زود بود که بیاید بایشان خبرهای آنچه بودند بدان فسوس همیکردند
الم یروا کم اهلکنا من قبلهم من قرن مکناهم في الارض
همی نگاه نکنند چند هلاک کردیم از پیش ایشان از گروه گروه جای ساختیم ایشان اندر زمین
ما لم نمکن لکم وارسلنا السماء علیهم مدرارا وجعلنا
آنچه جای نساختیم مر شما را و فرو فرستادیم از آسمان بر ایشان باران ریزنده و کردیم
الانهار تجري من تحتهم فاهلکناهم بذنوبهم وانشانا من
جوبهارا همیرود از زیر ایشان هلاک کردیم ایشان بگناه ایشان و پدید آوردیم از
بعدهم قرنا اخرین ۝ ولو نزلنا علیک کتابا في قرطاس
پس ایشان گروهی دیگران . و اگر فرو فرستیم بر تو نامه اندر کاغذی
فلمسوه بایدیهم لقال الذین کفروا ان هذا الا سحر مبین
بسودندیش بدستهای خویش گویند آنانکه کافر گشتند نیست این مگر جادوی پیدا
وقالوا لولا انزل علیه ملک ولو انزلنا ملکا لقضي الامر
و گفتند چرا فرو نفرستادند بروی فرشته . و اگر فرو فرستادمی فرشته ، رانده شدی کار
ثم لا ینظرون ۝ ولو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا و
باز زمان داده نشدندی و اگر کردیمی فرشته بکردیمی بصورت مردی و

خمس

للبسنا

۸۲

للبسنا علیهم ما یلبسون ۝ ولقد استهزئ برسل من
بوشیده کردمی بریشان آنچه بوشیده همی کنند و فسوس شنیدند بپیغمبران از
قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون ۝
پیش تو یا محمد فرو آمد بدان کسها که فسوس کردند از ایشان مکافات آنچه بودند بوی افسوس همی کردند
قل سیروا في الارض ثم انظروا کیف کان عاقبة المکذبین
بگو یا محمد بروید اندر زمین یعنی شام باز نگرید چگونه بود سرانجام دروغ دارندگان
قل لمن ما في السموات والارض قل لله کتب علی نفسه
بگو مر کراست آنچه اندر آسمانهاست و زمین است بگو مر خدایراست نبشت یعنی واجب کرد بر تن خویش
الرحمة لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه الذین خسروا
بخشودن گرد آرد شما را سوی روز رستاخیز که نیست گمان اندروی آنها که زیان کردند
انفسهم فهم لا یؤمنون ۝ وله ما سکن في اللیل والنهار
تنهای خویش را ایشان همی نگروند و مراو راست آنچه بیارامید اندر شب و روز
وهو السمیع العلیم قل اغیر الله اتخذ ولیا فاطر السموات
و اوست شنوا و دانا بگو یا محمد آیا بجز خدا بگیرم یاری آفریننده آسمانها
والارض وهو یطعم ولا یطعم قل اني امرت ان اکون
و زمین و وی بخوراند و نخورد بگو یا محمد مرا فرموده اند که بباشم
اول من اسلم ولا تکونن من المشرکین ۝ قل اني اخاف ان
نخستین کسی که گردن نهاد و نباشم از انبازگیران بگو یا محمد من میترسم اگر
عصیت ربي عذاب یوم عظیم ۝ من یصرف عنه یومئذ
بیفرمانی کنم خداوند خویش را از عذاب روز بزرگ هر که بازگردانند خدا از وی عذاب آنروز
فقد رحمه وذلک الفوز المبین ۝ وان یمسسک الله بضر
بخشوده باشند بس وی و آنست رستگاری پیدا و اگر برساند بتو خدا سختی

عشر

[illegible]

[illegible]

خمس

آسمان و زمین و مشرق و مغرب درین گفت و گو بودند که ابو طالب رسید پرسید که صبحت شمار ابن فاطمه خبر داد اورا آن نور و گفت [illegible]

[illegible]

فلا كاشف له الا هو وان يمسسك بخير فهو على كل شي
نباشد کشاینده مر آن را مگر وی و اگر برساند بتو نیکی وی بر هر چیزی
قدير ۝ وهو القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير ۝ قل
توانا است و ویست فروشکننده زبر بندگان خویش و اوست خوب کار آگاه بگو یا محمد
اي شي اكبر شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم واوحي
کدام چیزی باشد بزرگتر گواهی بگو یا محمد خدای گواه است میان من و میان شما وحی فرستاده شد
الي هذا القران لانذركم به ومن بلغ ائنكم لتشهدون
سوی من این قران تا بیم کنم شما را بوی و آنکس که برساند بوی ای بدرستی شما گواهی میدهید
ان مع الله الهة اخرى قل لا اشهد قل انما هو اله واحد
که با خدا خدایانی دیگراند بگو یا محمد که گواهی ندهم بگو یا محمد که هست او خدای یکی
وانني بري مما تشركون ۝ الذين اتيناهم الكتاب يعرفونه
و من بیزارم از آنچه شما همی انباز گیرید آنکسانکه بدادیم ایشان را نامه همی شناسند
كما يعرفون ابناءهم الذين خسروا انفسهم فهم
چنانکه همی شناسند پسران خویش آنانکه زیان کردند تنهای خویش را ایشان
لا يؤمنون ۝ ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب
نگروند و کیست ستمکاره تر از آنکس که بیافد بر خدا دروغی یا دروغ دارد
باياته انه لا يفلح الظالمون ۝ ويوم نحشرهم جميعا
در نشانهای وی را که رستگاری نیابند ستمکاران و یاد کن آن روز که گرد آریم ایشان همه
ثم نقول للذين اشركوا اين شركاؤكم الذين كنتم
باز گوییم مر آنکسان را که انباز گرفتند کجااند انبازان شما آنانکه دعوی
تزعمون ۝ ثم لم تكن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا
همی کردند باز نه بود آزمایش ایشان مگر آنکه گفتند که خدا پروردگار ما

فتنه ماخوذ است از فتنت الذهب یعنی خالص و صاف کردم از آن او عذر کفره [illegible] و در قیامة فتنه از آن نامیده اند که بگمان ایشان این عذر ایشان را از عذاب خلاصی خواهد بخشید ۱۲

عشر

[illegible]

ماکنا

ما كنا مشركين ۝ انظر كيف كذبوا على انفسهم وضل
که نبودیم انبازگیران بنگر چگونه دروغ گفتند بر تنهای خویش و گم شد
عنهم ما كانوا يفترون ۝ ومنهم من يستمع اليك وجعلنا على
از ایشان آنچه بود از خویشتن همی بافتند و از ایشان کسی است گوش همی دارد سوی تو و بکردیم
قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا وان يروا
دلهای ایشان پوششها تا در نیابند آن را و اندر گوشهای ایشان گرانی و اگر ببینند
كل اية لا يؤمنوا بها حتى اذا جاوك يجادلونك يقول
هر نشانی نگروند بوی تا چون بیایند بتو پیکار کنند با تو همی گویند
الذين كفروا ان هذا الا اساطير الاولين ۝ وهم
آنکسانکه نگرویدند نیست این مگر افسونهای پیشینیان و ایشان
ينهون عنه وينأون عنه وان يهلكون الا انفسهم
همی باز دارند از و و دوری همی شوند از وی و هلاک نکنند مگر تنهای خویش
وما يشعرون ۝ ولو ترى اذ وقفوا على النار فقالوا يا
و آگاهی همی ندارند و اگر به بینی چون بدارندشان بر آتش بگویند ای
ليتنا نرد ولا نكذب بايات ربنا ونكون من المؤمنين
کاشکی باز گردانیده شویمی و دروغ نداریمی آیتهای خداوند خویش و باشیمی از گرویدگان
بل بدا لهم ما كانوا يخفون من قبل ولو ردوا لعادوا
نه که بر آمد مر ایشان را آنچه بودند همی پنهان کردند از پیش و اگر باز گردانیده شوند باز گردند
لما نهوا عنه وانهم لكاذبون ۝ وقالوا ان هي الا حياتنا
سوی آنچه باز داشته شدند از آن و بحقیقت ایشان دروغ زنانند و گفتند نیست این مگر زندگانی
الدنيا وما نحن بمبعوثين ۝ ولو ترى اذ وقفوا على ربهم
ما که بگذرد در دنیا و نباشیم برانگیختگان و اگر ببینی آنگه باز دیدشان نزد خداوند ایشان

اشاره است بجماعت کفار قریش و غیر قریش را که مردم را منع میکردند از متابعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خود هم از آنحضرت دوری [illegible]

حس

[illegible]

عشر

قال أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب
گویند نه این راستست گویند آری و خداوند ما گوید بچشید عذاب
بما كنتم تكفرون ۝ قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله حتى
بدانچه کافر بودید زیان کردند آنکه دروغ داشتند رسیدن بخدا تا
إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يا حسرتنا على ما
چون بیامدشان رستخیز ناگاه گویند ای پشیمانا برانچه
فرطنا فيها وهم يحملون أوزارهم على ظهورهم ألا ساء
سستی کردیم اندرو و ایشان بردارند گناهان خویش را بر پشتهای خویش بدان که بد است
ما يزرون ۝ وما الحيوة الدنيا إلا لعب ولهو وللدار
آنچه همی بردارند و نیست زندگانی این جهان مگر بازی و فسوس و سرای
الآخرة خير للذين يتقون أفلا تعقلون ۝ قد نعلم إنه
بازپسین بهتر است مر آنکسانرا که پرهیز کنند با همی در نیابید نیک همیدانیم که
ليحزنك الذي يقولون فإنهم لا يكذبونك ولكن الظالمين
اندوهگین کند ترا آنچه همی گویند ایشان دروغ گردانند ترا ولیکن بیدادگران
بآيات الله يجحدون ۝ ولقد كذبت رسل من قبلك
بآیتهای خدا انکار همی کنند و دروغ زن داشته شدند پیغمبران از پیش تو
فصبروا على ما كذبوا وأوذوا حتى أتيهم نصرنا ولا مبدل
پس شکیبایی کردند برانچه دروغ داشته شدند و آزرده شدند تا بیامدشان یاری ما و برگرداننده نیست
لكلمات الله ولقد جاءك من نبإى المرسلين ۝ وإن
مر سخنان خدایرا و هر آینه آمد بتو از آگاهی پیغمبران و اگر
كان كبر عليك إعراضهم فإن استطعت أن تبتغي نفقا
چنان است که بزرگ آمد بر تو روی گردانیدنشان اگر تو اینی که بجویی رخنه در شدنی

في الارض

[illegible]

خمس

في الأرض أو سلما في السماء فتأتيهم بآية ولو شاء الله
اندر زمین یا نردبانی بازی اندر آسمان تا بیاری بایشان نشان حجتی و اگر خواستی خدا
لجمعهم على الهدى فلا تكونن من الجاهلين ۝ إنما
گرد آوردی ایشانرا براه راست پس مباش از نادانان همانا
يستجيب الذين يسمعون والموتى يبعثهم الله ثم إليه يرجعون
پاسخ کنند آنهاکه بشنوند و مردگان برانگیزدشان خدا باز سوی وی بازگردانیده شوند
وقالوا لولا نزل عليه آية من ربه قل إن الله قادر
وگفتند چرا فرو نفرستادند بروی نشان و حجتی از خداوندی بگو یا محمد که خدا تواناست
على أن ينزل آية ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝ وما
بر آنکه فرو فرستد نشان و حجتی ولیکن بیشتر ایشان همی ندانند و نیست
من دابة في الأرض ولا طائر يطير بجناحيه إلا أمم
هیچ جنبنده اندر زمین و نه پرنده که پرد بپر خویش مگر گروههااند
أمثالكم ما فرطنا في الكتاب من شيء ثم إلى ربهم يحشرون
مانند شما سستی نکردیم اندر نامه از پیدا کردن هیچ چیزی باز سوی خداوند خویش گرد آورده شوند
والذين كذبوا بآياتنا صم وبكم في الظلمات من
و آنکسانکه دروغ داشتند آیتهای مارا کرانند حق نشنوند و گنگانند حق نگویند اندر تاریکیهای کفر هر کرا
يشإ الله يضلله ومن يشأ يجعله على صراط مستقيم ۝ قل أرأيتكم
خواهد خدا گمراه گرداندش و هر کرا خواهد بکندش بر راه راست بگو یا محمد
إن أتيكم عذاب الله أو أتتكم الساعة أغير الله تدعون
از شما چه بینید اگر بیاید بشما عذاب خدای یا بیاید بشما رستخیز هیچ بجز خدای خوانید تا برداراد
إن كنتم صادقين ۝ بل إياه تدعون فيكشف ما تدعون
اگر هستید راست گویان نه که ویرا خوانید تا بگشاید آنچه همی خوانید

[illegible]

اليه ان شاء وتنسون ما تشركون ۝ ولقد ارسلنا
سوی وی اگر بخواهد و فراموش کنید آنچه انباز همی گیرید و فرو فرستادیم
الی امم من قبلك فاخذناهم بالباساء والضراء لعلهم
سوی گروهان از پیش تو بگرفتیم ایشان سختی و تنگی تا مگر ایشان
يتضرعون ۝ فلولا اذ جاءهم باسنا تضرعوا ولكن قست
زاری کنند چرا نبود چون بیامد بایشان سختی یعنی عذاب زاری کردند و لیکن سخت شد
قلوبهم وزين لهم الشيطان ما كانوا يعملون ۝ فلما نسوا
دلهای ایشان و بیاراست مر ایشان را دیو آنچه بودند همی کردند چون فراموش کردند
ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما
آنچه پند داده شدند بوی بگشادیم بر ایشان درهای هر چیزی را تا چون شادمان شدند بد
اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون ۝ فقطع دابر
داده شدند بگرفتیم ایشان ناگاه همانگاه ایشان نومید باشند بریده شد و دنبال و بن
القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين ۝ قل ارايتم
بیخ گروه آنکسانکه ستم کردند و سپاس مر خدای را پروردگار همه خلق بگو یا محمد چه بینید
ان اخذ الله سمعكم وابصاركم وختم على قلوبكم من
اگر بستاند خدای شنوایی شما و بینایی شما و مهر نهد بر دلهای شما کیست
اله غير الله ياتيكم به انظر كيف نصرف الايات ثم هم
خدای جز خدای بیارد بشما آن را بنگر چگونه همی گردانیم در سختها باز ایشان
يصدفون ۝ قل ارايتكم ان اتيكم عذاب الله بغتة
روی باز پس همی گردانند بگو یا محمد چه بینید شما اگر بیاید بشما عذاب خدای ناگاه
او جهرة هل يهلك الا القوم الظالمون ۝ وما نرسل
یا روی باروی یعنی آشکارا جز هلاک کنند مگر گروه بیدادگران و نفرستیم

خمس

[illegible]

المرسلين

۸۵

المرسلين الا مبشرين ومنذرين فمن امن واصلح فلا
پیغمبران را مگر مژده دهندگان و بیم کنندگان هر که بگروید و خوب کند نباشد
خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ والذين كذبوا باياتنا
بیم بر ایشان و نه ایشان اندوه خورند و آنکسانکه دروغ داشتند آیتهای ما را
يمسهم العذاب بما كانوا يفسقون ۝ قل لا اقول لكم
برسد بایشان عذاب آنچه همی بیفرمانی کردند بگو یا محمد نگویم مر شما را
عندي خزائن الله ولا اعلم الغيب ولا اقول لكم اني
که نزد من گنجهای خدایست و نه دانم ناپیدا را و نه گویم مر شما را که من
ملك ان اتبع الا ما يوحى الي قل هل يستوي الاعمى و
فرشته ام در پی همی روم مگر آنچه پیغام داده شد سوی من بگو چه مساوی باشد نابینا و
البصير افلا تتفكرون ۝ وانذر به الذين يخافون ان
بینا با همی نیندیشید و بیم کن بوی آنکسانکه بترسند که
يحشروا الى ربهم ليس لهم من دونه ولي ولا شفيع
گرد آورده شوند سوی خداوند ایشان نباشد مر ایشان را از فرودی یاری گری و نه خواهش گری
لعلهم يتقون ۝ ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغداة
مگر ایشان پرهیز کنند و مران و دور مکن آنکسان را که همی خوانند خداوند خویش را بامداد
والعشي يريدون وجهه ما عليك من حسابهم من شيء
و شبانگاه همی خواهند خشنودی خدا منت بر تو از شمار ایشان هیچ چیزی
وما من حسابك عليهم من شيء فتطردهم فتكون من
و نیست از شمار تو بر ایشان هیچ چیزی اگر برانی ایشان را باشی از
الظالمين ۝ وكذلك فتنا بعضهم ببعض ليقولوا اهؤلاء
ستمکاران و همچنین آزموده کردیم برخی را از ایشان ببرخی تا بگویند ایشان که

عشر

[illegible]

مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا اَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ
که سپاس نهاد خدا برایشان از میان ما ای نه خداوند داناترست به سپاسداران
وَاِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاٰيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
و چون بیایند بتو آن کسانکه بگرویده اند بآیتهای ما بگو یا محمد سلام بر شما باد
كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلٰى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ اَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا
نوشت است خداوند شما بر خود بخشودن بدرستی هر که بکند از شما بدی
بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَصْلَحَ فَاَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
بنادانی باز توبه کند از پس آن و خوب گردد که خدا آمرزنده است و بخشاینده
وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ
و همچنین پدید کنیم درستیها و تا پدید شود راه گناهکاران
قُلْ اِنِّي نُهِيتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قُلْ
بگو یا محمد مرا بازداشته اند که بپرستم آنکسانکه شما خوانید از بیرون خدا بگو
لَا اَتَّبِعُ اَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ اِذًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ
در پا نبرویم آرزوهاء شما را که گمراه گشته باشم آنگاه و نباشم از راه یافتگان
قُلْ اِنِّي عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا
بگو من بر درستی پیدا ام از خداوند من و بدروغ داشتید آن را نیست نزد من آنچه
تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ
شما شتاب کنید بوی نیست حکم مگر خدا را پدید کند راستی و وی بهتر
الْفَاصِلِينَ قُلْ لَوْ اَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ
جدا کنندگان و حاکمانست بگو یا محمد اگر نزد من بودی آنچه همی شتاب کنید بوی که گزارده
الْاَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ وَعِنْدَهُ
کار و میان ما و میان شما و خدا داناترست به بیدادگران و نزد ویست

خمس

وکذبتم حال است بتقدیر وقد
و ذو الحال ربی است و ضمیر
در به راجع ببینه است
کا زبینه مستفاد است لفظا
یا و ما عنده زبنه و معنی [illegible]
و این ما موصوله است و خبر
عنده است و مراد از ما
یستعجلون عذاب است که کفره
میگفتند با محمد ائتنا بما تعدنا
و دلیل بر این قول [illegible] تعالی
بالعذاب والله اعلم

مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا
کلیدهای نهانیها ناپیدا نداند آن را مگر وی و داند آنچه اندر دشت و در یاست و نه
تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا
افتد از درختی هیچ برگی مگر داندش و نه دانه اندر تاریکیهاء زمین و نه
رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ وَهُوَ الَّذِي
تری و نه خشکی مگر اندر نامه نوشته پیدا و ویست آن کسی که
يَتَوَفّٰيكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضٰى
بگزارد جانهای شما را بشب و داند آنچه بکنید بروز باز برانگیزاند شما را اندر وی
اَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ اِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَهُوَ الْقَاهِرُ
تا بگزارد نام برده باز سوی ویست بازگشتن شما باز آگاهی دهد شما را بدانچه بودید و میکردید و ویست فیروز و غالب
فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَكُمُ
زبر بندگان خویش و بفرستد بر شما نگاهبانان یعنی کرام کاتبین چون بیاید یکی از شما
الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ثُمَّ رُدُّوا اِلَى اللّٰهِ
مرگ جان بردارندش پیغمبران ما فرشتگان و ایشان تاخیر نکنند باز گردانندشان سوی خدا
مَوْلٰيهُمُ الْحَقِّ اَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ اَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ
خداوندشان براستی او راست حکم بر بندگان و ویست زودترین شمار کنندگان
قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَ
بگو یا محمد که رهاند شما را از تاریکیهای دشت و دریا بخوانید ویرا بزاری کردن و
خُفْيَةً لَئِنْ اَنْجٰينَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ
نهان اگر برهاند ما را ازین تاریکیها باشیم از سپاسداران
قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِكُونَ
بگو یا محمد خدا برهاند شما را از تنگیها و از هر سختی و اندوهی باز شما همی انباز گیرید

عشر

از ضرب ان ابو عبیده علیه الرحمه
کرملوا ور و سقط ان وارد
و زنده و رطب ارض و ام
با دار اثخ از یبس آمیزنده
سیاه [illegible]

مفاتح

... سبح و غیره مذکور است آن قسم فراموش در رسانیدن فرمان الهی و بیان آن جایز نیست ...

[illegible]

قُل هُوَ القادِرُ عَلَى اَن يَبعَثَ عَلَيكُم عَذابًا مِن فَوقِكُم
بگو ویست توانا بر انکه بفرستد بر شما عذاب از زبر
اَو مِن تَحتِ اَرجُلِكُم اَو يَلبِسَكُم شِيَعًا وَيُذيقَ بَعضَكُم
یا از زیر پایهاشما یا بپوشاند شمارا پراکندگی و بچشاند بهره از
بَاسَ بَعضٍ اُنظُر كَيفَ نُصَرِّفُ الاياتِ لَعَلَّهُم يَفقَهُونَ
سختی بهره بنگر محمد چگونه میگردانیم حجتها تا مگر ایشان دریابند
وَكَذَّبَ بِهِ قَومُكَ وَهُوَ الحَقُّ قُل لَستُ عَلَيكُم بِوَكيلٍ
و بدروغ داشتند قرانرا گروه تو یعنی مکیان و آن راست است بگو نیستم بر شما نگهبان
لِكُلِّ نَبَاٍ مُستَقَرٌّ وَسَوفَ تَعلَمُونَ ۞ وَاِذا رَاَيتَ الَّذينَ
مر هر خبری را آرامگاهیست و زود باشد که بدانید و چون ببینی یا محمد آنانکه
يَخُوضُونَ في اياتِنا فَاَعرِض عَنهُم حَتّى يَخُوضُوا في حَديثٍ
اندر شوند سخن گفتن اندر آیتها ما روی بگردان از ایشان تا اندر شوند اندر سخنی
غَيرِهِ وَاِمّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيطانُ فَلا تَقعُد بَعدَ الذِّكرى
جز آن و اگر فراموش گرداند ترا دیو منشین سپس یاد آوردن
مَعَ القَومِ الظّالِمينَ ۞ وَما عَلَى الَّذينَ يَتَّقُونَ مِن حِسابِهِم
با گروه بیدادگران و نیست بر آنکسها که پرهیزند از حساب ایشان
مِن شَيءٍ وَلكِن ذِكرى لَعَلَّهُم يَتَّقُونَ ۞ وَذَرِ الَّذينَ اتَّخَذُوا
از چیزی ولیکن پندیست تا مگر ایشان پرهیزند و دست باز دار آنکسها
دينَهُم لَعِبًا وَلَهوًا وَغَرَّتهُمُ الحَيوةُ الدُّنيا وَذَكِّر بِهِ اَن
کیش خویش را بازی و افسوس و بفریفت ایشانرا زندگانی این جهان و پند ده بدان قران
تُبسَلَ نَفسٌ بِما كَسَبَت لَيسَ لَها مِن دُونِ اللهِ وَلِيٌّ وَلا
تا هلاک کرده نشود تنی بدانچه کرده نیست مر او را بجز از خدای یاری گری

خمس

شَفيعٌ وَاِن تَعدِل كُلَّ عَدلٍ لا يُؤخَذ مِنها اُولئِكَ
خواهشگری و اگر برابر کند هر برابری بگیرند از وی ایشانند
الَّذينَ اُبسِلُوا بِما كَسَبُوا لَهُم شَرابٌ مِن حَميمٍ وَعَذابٌ
آنکسها که هلاک کرده شوند بدانچه کردند مر ایشانراست آشامیدنی از آب گرم و عذاب
اَليمٌ بِما كانُوا يَكفُرُونَ ۞ قُل اَنَدعُوا مِن دُونِ اللهِ ما لا
دردناک بدانچه بودند همی کافر شدند بگو یا محمد همی خوانیم بجز از خدا
يَنفَعُنا وَلا يَضُرُّنا وَنُرَدُّ عَلى اَعقابِنا بَعدَ اِذ هَدينَا اللهُ
سود کند مارا و نه گزند کند مارا و بازگردانند بر پس پاشنهای ما از پس آنکه راه نمود مارا خدا
كَالَّذِي استَهوَتهُ الشَّياطينُ فِي الاَرضِ حَيرانَ لَهُ اَصحابٌ
چنانکه کسی که اندر کشیده بردش دیوان اندر زمین فرومانده و گمگشته مر او را یاران
يَدعُونَهُ اِلَى الهُدَى ائتِنا قُل اِنَّ هُدَى اللهِ هُوَ الهُدى
همی خوانندش سوی راه راست یعنی سوی ما بگو که راه خدای ویست راه راست
وَاُمِرنا لِنُسلِمَ لِرَبِّ العالَمينَ ۞ وَاَن اَقيمُوا الصَّلوةَ وَاتَّقُوهُ
و فرموده شدیم تا گردن نهیم مر پروردگار همه جهانیان و فرمودند مرا که برپا دارید نمازرا و بترسید از خدا
وَهُوَ الَّذي اِلَيهِ تُحشَرُونَ ۞ وَهُوَ الَّذي خَلَقَ السَّمواتِ
و ویست آن خدای که سوی وی گرد آرند شمارا و ویست آنکه بیافرید آسمانهارا
وَالاَرضَ بِالحَقِّ وَيَومَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ ۞ قَولُهُ الحَقُّ وَلَهُ
و زمین براستی و از روز گوید باش پس باشد بفرمان خدا گفتار اوست حق و مر او راست
المُلكُ يَومَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ وَهُوَ
پادشاهی آن روز که اندر دمند اندر صور داناء ناپیدا و پیدا و ویست
الحَكيمُ الخَبيرُ ۞ وَاِذ قالَ اِبراهيمُ لِاَبيهِ آزَرَ اَتَتَّخِذُ اَصنامًا
بصواب کار و درست گفتار آگاه و چون گفت ابراهیم مر پدر خویش را آزر همی گیری بتان را

عشر

حزب

[illegible]

شفیع

خمس

الهة اني اريك وقومك في ضلال مبين ۝ وكذ

خدایان من همی بینم ترا و گروه ترا اندر گمراهی پیدا و همچنین

نري ابراهيم ملكوت السموات والارض وليكون من

همی نمودیم ابراهیم را پادشاهی آسمانها و زمین و تا باشد

الموقنين ۝ فلما جن عليه الليل راى كوكبا قال هذا

با گمانان آنگاه که برآمد بر وی شب بدید ستاره گفت

فلما افل قال لا احب الافلين ۝ فلما راى القمر بازغا

آنگاه که فرو شد گفت نه خواهم فرو شوندگان را آنگاه که بدید ماه را برآینده

هذا ربي فلما افل قال لئن لم يهدني ربي لاكونن من

این است خدای من آنگاه که فرو شد گفت اگر راه ننماید مرا خدای من هر آینه باشم از

القوم الضالين ۝ فلما راى الشمس بازغة قال هذا

گروه گمراهان آنگاه که دید آفتاب را برآینده گفت این است خدای

هذا اكبر فلما افلت قال يا قوم اني بريء مما تشركون

این بزرگتر است آنگاه که فرو شد گفت ای گروه من بیزارم از آنچه انباز گیرید

اني وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض

من روی آوردم روی خود مر آنکس را که بیافرید آسمانها و زمین

وما انا من المشركين ۝ وحاجه قومه قال اتحاجوني

و نیستم من از انباز گیرندگان و حجت آوردند با وی گروه وی گفت ای حجت می آرید

في الله وقد هدان ولا اخاف ما تشركون به الا ان

اندر خدا و وی راه نموده مرا و نترسم از آنچه انباز آرید بوی مگر که

يشاء ربي شيئا وسع ربي كل شيء علما افلا تتذكرون ۝

خواهد خداوند من چیزی فراخست خداوند من بهر چیزی دانش ای چرا پند همی نگیرید

عشر

وكيف

۸۸

هو

وكيف اخاف ما اشركتم ولا تخافون انكم اشركتم بالله

و چگونه ترسم از آنچه انباز گرفتید شما و نمی ترسید شما که انباز گرفتید با خدا

ما لم ينزل به عليكم سلطانا فاي الفريقين احق بالامن ان

آنچه فرو نفرستاد بدان بر شما حجتی و درستی کدام از دو گروه سزاوارتر با ایمنی اگر

كنتم تعلمون ۝ الذين امنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم

هستید همی دانید آنکسانی که بگرویدند و بنپوشیدند یعنی نیامیختند ایمان خویش را بستم

اولئك لهم الامن وهم مهتدون ۝ وتلك حجتنا اتيناها

ایشانند که ایشان راست ایمنی و ایشانند راه یافتگان و آنست درستی ما بدادیم آن

ابراهيم على قومه نرفع درجات من نشاء ان ربك حكيم

ابراهیم را بر گروه او برداریم پایگاهها آنچه که خواهیم که خداوند تو یا محمد [illegible]

عليم ۝ ووهبنا له اسحق ويعقوب كلا هدينا ونوحا

داناست و بخشیدیم [illegible] ابراهیم اسحق پسر و یعقوب پسر پسر و هر یکی را راه نمودیم و نوح را

هدينا من قبل ومن ذريته داود وسليمان وايوب

راه نمودیم از پیش و از فرزندان نوح داود را راه نمودیم و سلیمان را نیز و ایوب

ويوسف وموسى وهرون وكذلك نجزي المحسنين ۝

و یوسف و موسی و هرون را و همچنین پاداش دهیم نیکوکاران را

وزكريا ويحيى وعيسى والياس كل من الصالحين ۝ و

و زکریا را نیز راه نمودیم و یحیی پسر زکریا و عیسی و الیاس را نیز همه از نیکان اند و

اسمعيل واليسع ويونس ولوطا وكلا فضلنا على

اسماعیل را نیز راه نمودیم و یسع را و یونس را و لوط را و هر یکی را فضل کردیم بر

العالمين ۝ ومن اباىهم وذرياتهم واخوانهم واجتبيناهم

گروه زمانه وی و از پدران ایشان و فرزندان ایشان و برادران ایشان و بگزیدیم ایشان

خمس

وهديناهم الى صراط مستقيم ۝ ذلك هدى الله يهدى
و راه نمودیمشان سوی راه راست این است راه خدای که راه نماید
به من يشاء من عباده ولو اشركوا لحبط عنهم ما كانوا
بوی آنرا که خواهد از بندگان خویش و اگر انباز گیرند کا[ر] نیست کردند کرده ایشان آنچه بودند
يعملون ۝ اولئك الذين آتيناهم الكتاب والحكم والنبوة فان يكفر
همی کردند ایشانند یعنی پیغمبران آنکسها که بدادیم ایشانرا نامه و سخن صواب و پیغمبری اگر کافر گردند
بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكافرين ۝
بدین حجتها یعنی بمکه و گماشتیم بدان حجتها گروهی را که نیستند بوی کافران یعنی اهل مدینه
اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده قل لا اسألكم
ایشانند آنکسها که راه نمودشان خدا مر راه ایشانرا اسلام رو بگو یا محمد نخواهم از شما
عليه اجرا ان هو الا ذكرى للعالمين ۝ وما قدروا الله
بران مزد نیست این مگر پندی مر ادمیان و مومنانرا و اندازه ننهادند خدای را
حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء قل من
سزا و اندازه وی چون گفتند فرو نفرستاد خدا بر مردی هیچ چیز بگو یا محمد که
انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس
فرو فرستاد نامه که بیاورد آنرا موسی روشنائی و راه نمونی مر ادمیان
تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم
همی کنید این نامه یعنی توریة دفترها آشکارا همی کنید و پنهان کنید بسیاری و بیاموزانیدند
ما لم تعلموا انتم ولا آباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم
اگر ندانستید شما و نه پدران شما بگو یا محمد خدا فرو فرستاد بازگذار ایشانرا اندر سخن
يلعبون ۝ وهذا كتاب انزلناه مبارك مصدق الذي
تا بازی کنند و این نامه است که فرو فرستادیمش با برکت استوار دارنده آن

عشر

۸۹

بين يديه ولتنذر ام القرى ومن حولها والذين يؤمنون
پس وی بود یعنی توریة و تا بیم کنی مردمان مکه را و هر کسی که گرد آن است و آنکسها که بگروند
بالآخرة يؤمنون به وهم على صلاتهم يحافظون ۝ ومن اظلم
بروز بازپسین و بگروند بدین قرآن بر نماز خویش نگاهدار باشند و کیست ستمکارتر
ممن افترى على الله كذبا او قال اوحي الي ولم يوح اليه
از آنکس که بیافند و بافت بر خدا دروغی یا گوید وحی آمد بمن و وحی نیامد سوی او
شيء ومن قال سانزل مثل ما انزل الله ولو ترى اذ الظالمون في
چیزی و آنکس که گوید زود فرستادم همچنانکه فرو فرستاد خدا و اگر بینی ای محمد چون بیدادگران که اندر
غمرات الموت والملائكة باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم
سختیها مرگ باشند و فرشتگان گشوده اند دستها خویش را بیرون کنید جانها خویش
اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون على الله غير
امروز پاداش دهیمتان عذاب سختی و خواری بدانچه بودید و همی گفتید بر خدا نا
الحق وكنتم عن آياته تستكبرون ۝ ولقد جئتمونا
راست و بودید از آیتهای همی بزرگ منشی کردید و هر آینه بیامدید نزد ما
فرادى كما خلقناكم اول مرة وتركتم ما خولناكم وراء
یگان یگان همچنانکه بیافریدیمتان نخستین بار و بماندید آنچه بدادیم بشما پس
ظهوركم وما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم انهم
پشتهای خویش و نمی بینیم با شما خواهشگران شما آنانکه دعوی کردید که ایشان
فيكم شركاء لقد تقطع بينكم وضل عنكم ما كنتم تزعمون
اندر شما انبازانند هر آینه بریده گشت میان شما و گم گشت از شما آنچه بودید دعوی میکردید
ان الله فالق الحب والنوى يخرج الحي من الميت ومخرج
که خدا شکافنده دانه است و دانه خرما بیرون آرد زنده را از مرده و بیرون آرنده

[illegible]

۹۰

خمس

الميت من الحي ذلكم الله فانى تؤفكون فالق الاصباح
مرده را از زنده آنکستان خدایست چگونه پس بازگردانید شما را شکافنده سپیده‌دم
وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير
وکننده شب را آرامگاه و آفتاب و ماه را شمارنده این است اندازه کردن
العزيز العليم وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها
عزیز دانا و وی است آنکسی که بکرد مر شما را ستارگان تا راه برید بوی
في ظلمات البر والبحر قد فصلنا الايات لقوم يعلمون
اندر تاریکیهای دشت و دریا بیک بدید کردیم نشانها حجتها مر گروهی را که بدانند
وهو الذي انشاكم من نفس واحدة فمستقر ومستودع
و وی است آنکسی که آغاز کرد آفرینش شما را از یک تن تنها یعنی آدم گاه اندر نهان گاه و در وگاه اندر [illegible]
قد فصلنا الايات لقوم يفقهون وهو الذي انزل
بدید کردیم نشانها حجتها مر گروهی را که اندر یابند و وی است آنکسی که فرو فرستاد
من السماء ماء فاخرجنا به نبات كل شيء فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا
از آسمان آبی بیرون آوردیم از آن رسته سبز بیرون آوردیم از آن دانه یک بر یک
ومن النخل من طلعها قنوان دانية وجنات من اعناب
و از خرمابان از شکوفان خوشها نزدیک و بوستانها از انگور
والزيتون والرمان مشتبها وغير متشابه انظروا الى
و زیتون و انار مانند یکدیگر و نا مانند یکدیگر بنگرید سوی
ثمره اذا اثمر وينعه ان في ذلكم لايات لقوم يؤمنون
میوه وی چون بیرون آرد میوه و تمام رسیدن وی بیخگین اندر این نشانهاست مر گروهی را که ایمان آرند
وجعلوا لله شركاء الجن وخلقهم وخرقوا له بنين و
و بکردند مر خدای را انبازان پریان و بیافریدشان و بباختند و بتهمت مر او را پسران

بنات

[illegible]

عشر

خمس

بنات بغير علم سبحانه وتعالى عما يصفون بديع
و دختران بی دانشی پاکست وی و برتر است از آنچه وصف کننده نوکننده
السموات والارض انى يكون له ولد ولم تكن له صاحبة
آسمانها و زمین از اینجا باشد مر او را فرزندی و نه بود مر او را یاری یعنی زنی
وخلق كل شيء وهو بكل شيء عليم ذلكم الله ربكم
و بیافرید هر چیزی و وی به هر چیزی داناست اینستان خدای پروردگار شما
لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء
نیست خدای مگر وی آفریننده هر چیزی و بپرستید او را و وی بر هر چیزی
وكيل لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار و
نگهبان است اندر نیابد ویرا چشمها و وی اندر یابد چشمها و
هو اللطيف الخبير قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر
وی است مهربان و آگاه هر آینه آمد شما را پیداییها از خداوند شما هر که ببیند
فلنفسه ومن عمي فعليها وما انا عليكم بحفيظ و
مر تن خویش را ببیند و هر که کور گردد بر تن خویش گردد و نیست پیغمبر بر شما نگهبان و
كذلك نصرف الايات وليقولوا درست ولنبينه لقوم
همچنین همی گردانیم نشانها حجتها و تا گویند بیاموختی آن خبر و تا بدید کنیم آن مر گروهی را
يعلمون اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو
که بدانند بپروی کن مر آن را که وحی کرده شد بتو از خداوند تو نیست خدای مگر وی
واعرض عن المشركين ولو شاء الله ما اشركوا وما
و روی بگردان از انبازگیران و اگر بخواستی خدا انباز نگرفتندی و نه
جعلناك عليهم حفيظا وما انت عليهم بوكيل ولا
کردیم ترا بر ایشان نگهبان و نیستی تو بر ایشان نگهدار و

[illegible]

لا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدوا
و دشنام مدهید آنرا که خدای همی خوانند بجز خدا و دشنام دهند خدا را از خدا

بغير علم كذلك زينا لكل امة عملهم ثم الى ربهم
و آرزوی تمام نادانی همچنین بیاراستیم مر هر گروهی را کار ایشان باز سوی خداوند

مرجعهم فينبئهم بما كانوا يعملون ۝ واقسموا بالله جهد
بازگشتن ایشان آگاهی دهد شان بدانچه بودند همی کردند و سوگند خوردند بخدا سختتر

ايمانهم لئن جاءتهم آية ليؤمنن بها قل انما الآيات
سوگندها خویش اگر بیاید بایشان نشانی بگروند بدان بگو یا محمد مر نیستی نشانها

عند الله وما يشعركم انها اذا جاءت لا يؤمنون ۝
نزد خداست و چه دانید شما نشانها چون بیاید نگروند

ونقلب افئدتهم وابصارهم كما لم يؤمنوا به اول مرة
و همی گردانیم دلهاء ایشان را و بیناییهای ایشان همچنانکه نگروندند بوی نخستین بار

ونذرهم في طغيانهم يعمهون ۝ ولو اننا نزلنا اليهم
و بمانیم ایشان اندر گمراهی ایشان تا سرگشته همی گردند و اگر ما فرو فرستیم سوی ایشان

الملائكة وكلمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شيء قبلا
فرشتگان و سخن گویند با ایشان مردگان و گرد آریم بر ایشان هر چیزی گروه گروه

ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله ولكن اكثرهم
نه آنچنان اند که بگروند مگر بخواهد خدا و لیکن بیشترین ایشان

يجهلون ۝ وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا شياطين
نادانی همی کنند و همچنین بکردیم مر هر پیغمبری را دشمنی دیوان

الانس والجن يوحي بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا ولو شاء
آدمیان و پریان راه می نماید بعضی از ایشان سوی بعضی سخن آراسته بفریفتن و اگر خواستی

٩١

ربك ما فعلوه فذرهم وما يفترون ۝ ولتصغى اليه
خداوند تو نکردندی آنرا بمان ایشان را و آنچه همی دروغ بافتند و تا بگراید بدان سخن

افئدة الذين لا يؤمنون بالآخرة وليرضوه وليقترفوا
دلهای آنانکه نگروند بآنجهان و تا بپسندند و تا کسب کنند آنچه ایشان

ما هم مقترفون ۝ افغير الله ابتغي حكما وهو الذي
آنچه ایشان کسب کننده کانند هر که بجز خدا بجویم داوری و وی است آنکه

انزل اليكم الكتاب مفصلا والذين آتيناهم الكتاب
فرو فرستاد سوی شما نامه یعنی تورات به پدید کرده و آنانکه بدادیمشان نامه

يعلمون انه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترين ۝
بدانند که قرآن فرو فرستاده ایست از خداوند تو براستی پس مباش از گمانمندان

وتمت كلمت ربك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماته وهو
و تمام گشت سخن خداوند تو راست گفتاری و داد گری نیست گرداننده مر سخنان ویرا و وی

السميع العليم ۝ وان تطع اكثر من في الارض يضلوك
شنوا و داناست و اگر فرمان بری بیشتر از کسان که اندر زمین گم کنند ترا

عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون ۝
از راه خدا پی روی نکنند مگر گمان و نیستند ایشان مگر گزاف گویان

ان ربك هو اعلم من يضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين ۝
خداوند تو ویست داناتر بدانکه گم شود از راه وی و وی داناتر براه یافتگان

فكلوا مما ذكر اسم الله عليه ان كنتم بآياته مؤمنين ۝
بخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بروی اگر هستید بحجتهای وی گرویدگان

وما لكم الا تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه وقد
و چه بوده است شما را که نخورید از آنچه یاد کرده شود نام خدا بروی و بحقیقة

حس

فصل لكم ما حرم عليكم الا ما اضطررتم اليه وان
بديد كرد مر شما را آنچه حرام كرد بر شما مگر آنچه بيچاره كرديد بوى و
كثيرا ليضلون باهوائهم بغير علم ان ربك هو اعلم
بسيارى گمراه شوند بخواستهاى خويش بى دانش كه خداوند تو بيست داناتر
بالمعتدين ۞ وذروا ظاهر الاثم وباطنه ان الذين يكسبون
بگذرندگان و بگذاريد آشكار گناه و پنهان وى آنكه كه بكنند
الاثم سيجزون بما كانوا يقترفون ۞ ولا تاكلوا مما لم
بزه گناه زود پاداش دهدشان بدانچه همى كسب ميكردند و مخوريد از آنچه
يذكر اسم الله عليه وانه لفسق وان الشياطين ليوحون
ياد نكردند نام خدا بروى و آن بيرون شدنست و ديوان همه راه نمايند
الى اوليائهم ليجادلوكم وان اطعتموهم انكم لمشركون
سوى دوستان خويش تا پيكار كنند بشما و اگر فرمان كنيد ايشانرا شما انبازگيران
او من كان ميتا فاحييناه وجعلنا له نورا يمشي به في
هركسى كه بود مرده زنده كردانيمش و بكرديم مرا ورا روشنائى كه همى رود بدان اندر
الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها كذلك
مردمان همچون آنكسى باشد اندر تاريكيها مانده نتواند بيرون آمد از آنجا همچنين
زين للكافرين ما كانوا يعملون ۞ وكذلك جعلنا في كل
آراسته شود مر كافران آنچه همى كردند و همچنين كرديم اندر هر
قرية اكابر مجرميها ليمكروا فيها وما يمكرون الا بانفسهم
ديهى بزرگان گناهكاران ديه تا سازش بد كنند اندر ديه و سازش بد نميكنند مگر بتنهاى خويش
وما يشعرون ۞ واذا جاءتهم اية قالوا لن نؤمن حتى نؤتى
و آگاهى ندارند و چون بيايد بايشان آيتى بگويند نگرويم تا بدهند ما را

عشر

[illegible]

مثل

مثل ما اوتي رسل الله الله اعلم حيث يجعل رسالته
همچنانكه دادند پيغمبران خدا را خداى داناترست كه كجا نهد پيغامهاى خويش
سيصيب الذين اجرموا صغار عند الله وعذاب شديد
زود برسد بدانكه گناه كردند خوارى نزد خدا و عذاب سخت
بما كانوا يمكرون ۞ فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره
بانچه همى سازش بد كردند هركه بخواهد خدا كه راه نمايدش بگشايد دل ورا
للاسلام ومن يرد ان يضله يجعل صدره ضيقا حرجا
مر گردن نهادن او را و هر كرا كه بخواهد كه گم گرداندش بكند دل ورا سخت تنگ اندر آمده
كانما يصعد في السماء كذلك يجعل الله الرجس على الذين
پندارند كه همى بر شوند اندر آسمان همچنين بكند خدا پليدى و كفر و تنگ بر آنكسها كه
لا يؤمنون ۞ وهذا صراط ربك مستقيما قد فصلنا
نگروند و اين است راه خداى تو راست پيدا كرديم
الايات لقوم يذكرون ۞ لهم دار السلام عند ربهم
نشانها مر گروهى را كه پند گيرند مر ايشانراست سراى رستگارى نزد خداوند ايشان
وهو وليهم بما كانوا يعملون ۞ ويوم يحشرهم جميعا
و دوست يار نگهدار ايشان بدانچه بودند همى كردند و آن روز كه گرد آوردشان همه
يا معشر الجن قد استكثرتم من الانس وقال اولياؤهم
گويم اى گروه پريان بسيار كرديد از آدميان و گويند ياران و دوستان ايشان
من الانس ربنا استمتع بعضنا ببعض وبلغنا اجلنا
از آدميان اى خداوند ما برخوارى گرفت بهره از ما بهره و رسيديم بزمانه خويش
الذي اجلت لنا قال النار مثويكم خالدين فيها الا
آنكه بدبرگرده بودى ما را گفت آتش جاى شماست جاودان اندر آنجا مگر

خمس

[illegible]

ما شاء الله ان ربك حکیم علیم ۞ وکذلك نولی بعض
آنچه خواهد خدا که خداوند تو یا محمد صوابکار و داناست و همچنین برکاریم
الظالمین بعضا بما کانوا یکسبون ۞ یا معشر الجن و
بیدادگران را بهره بد آنچه بودند همی کردند ای گروه پریان و
الانس الم یاتکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی و
آدمیان نیامد بشما پیغمبران از شما همی خواندند بر شما آیتهای من و
ینذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا شهدنا علی انفسنا
بیم کردند شما را بازرسیدن و بروز شما این گویند گواهی دهیم بر تنهای خویش
وغرتهم الحیوة الدنیا وشهدوا علی انفسهم انهم کانوا
و بفریفتشان زندگانی اینجهان و گواهی دادند بر تنهاء خویش که ایشان بودند
کافرین ۞ ذلك ان لم یکن ربك مهلك القری بظلم و
ناگروندگان این پیغام فرستادن بدان بود که نبود خداوند تو هلاک کننده دیهها بستم و
اهلها غافلون ۞ ولکل درجات مما عملوا وما ربك
مردمان وی ناآگاهان و مر هر یکی را پایگاههاست از آنچه کردند و نیست خداوند
بغافل عما یعملون ۞ وربك الغنی ذو الرحمة ان یشا یذهبکم
بی آگاهی از آنچه کردید و خداوند تو بی نیازست با بخشایش اگر بخواهد ببرد
ویستخلف من بعدکم ما یشاء کما انشاکم من ذریة قوم
و بیارد از پس شما آنچه خواهد چنانچه بیافرید شما را از فرزندان گروه
آخرین ۞ انما توعدون لآت وما انتم بمعجزین ۞ قل یا
دیگران آنچه وعده کنند شما را آمدنیست و نتوانید شما کردن عاجز بگوای
قوم اعملوا علی مکانتکم انی عامل فسوف تعلمون
گروه من کار کنید بر جایگاه خویش که من همی کار کنم زود باشد که بدانید

من تکون

عشر

[illegible]

۹۲

خمس

من تکون له عاقبة الدار انه لا یفلح الظالمون ۞ و
که باشد مراورا سرانجام سرای که نرهند از عذاب ستمکاران و
جعلوا لله مما ذرا من الحرث والانعام نصیبا فقالوا
کردند یعنی بکفتند مرخدایرا از آنچه بیافرید از کشت و چهارپایان بهره گفتند
هذا لله بزعمهم وهذا لشرکائنا فما کان لشرکائهم
این است مرخدایرا بگفتار دروغ ایشان و این انبازان ما را آنچه باشد مر انبازان ایشان
فلا یصل الی الله وما کان لله فهو یصل الی شرکائهم
نرسد به خدا و آنچه باشد مرخدایرا آن برسد سوی انبازان ایشان
ساء ما یحکمون ۞ وکذلك زین لکثیر من المشرکین
بد حکم است که کنند و همچنین بیاراستند مر بسیاری را از انبازگیران
قتل اولادهم شرکاؤهم لیردوهم ولیلبسوا علیهم دینهم
کشتن فرزندان ایشان انبازان ایشان تا هلاک کنند ایشان را و تا پوشیده گردانند بر ایشان دین ایشان
ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم وما یفترون ۞ وقالوا
و اگر بخواستی خدا نکردندی آن دست بازدار از ایشان و آنچه همی سازند و بافند و گفتند
هذه انعام وحرث حجر لا یطعمها الا من نشاء بزعمهم
این چهارپایانست و کشتی است بازداشته نخورد آنرا مگر آنکه ما خواهیم بدعوی ایشان چهارپایانی
وانعام حرمت ظهورها
وانعام لا یذکرون اسم الله علیها افتراء علیه سیجزیهم
و چهارپایان که یاد نکنند نام خدا بروی دروغ بافته بروی زود بادافره دهد ایشان
بما کانوا یفترون ۞ وقالوا ما فی بطون هذه الانعام
بدانچه بافتند و ساختند و گفتند آنچه اندر شکمهای این چهارپایانست
خالصة لذکورنا ومحرم علی ازواجنا وان یکن میتة فهم
خالصست مر مردان ما را و حرام کرده شده است بر زنان ما و اگر باشد مردار ایشان

[illegible]

هیچیک ... چرا چنین معنی قایل نشوید

حزب

فیه شرکاء سیجزیهم وصفهم انه حکیم علیم قد
اندر وی انبازان باشند زود پاداش دهدشان وصف ایشان که وی استوار کارست دانا
خسر الذین قتلوا اولادهم سفها بغیر علم وحرموا ما رز
زیان کردند انک بکشتند فرزندان خویش را نجهلی به دانش وحرام کردند آنچه روزی داد
الله افتراء علی الله قد ضلوا وما کانوا مهتدین و
خدا بدروغ بافتن بر خدا گمراه شدند ونبودند راه یافتگان
هو الذی انشا جنات معروشات وغیر معروشات
ویست آن خدا که بیافرید بوستانها خیمیده و نه خیمیده
والنخل والزرع مختلفا اکله والزیتون والرمان
وخرمابنان وکشت ناهموار کردن خوردن وی زیتون وانار
متشابها وغیر متشابه کلوا من ثمره اذا اثمر واتوا ح
مانند یکدیگر ونه مانند یکدیگر بخورید از میوه وی چون میوه بیرون آرد و بدهید
یوم حصاده ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین ومن
روز درویدن وی واندر حد مگذرید که خدا دوست ندارد از حد درگذرندگان واز
الانعام حمولة وفرشا کلوا مما رزقکم الله ولا تتبعو
چهارپایان بیافریدیم باربردارندگان و گستردنی بخورید از آنچه روزی کرد شمارا خدا و در پی مروید
خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین ثمانیة ازواج
گامهای دیو حلال وحرام سازیدن که وی مر شمارا دشمنی است پیدا هشت جفت
من الضان اثنین ومن المعز اثنین قل الذکرین حرم
از گوسفند میش دو واز بز دو بگو دو نر حرام کرد
ام الانثیین اما اشتملت علیه ارحام الانثیین نبئونی
یا دو ماده یا آنچه گرد اندر گرفت بروی زهدانهای دو ماده آگاه کنید

عشر

گفته اند

علم

بعلم ان کنتم صادقین ومن الابل اثنین ومن البقر
مرا به دانش اگر هستید راست گویان واز شتر دو واز گاو
اثنین قل الذکرین حرم ام الانثیین اما اشتملت علیه
دو بگو دو نر حرام کرد یا دو ماده یا آنچه گرد اندر گرفت بروی
ارحام الانثیین ام کنتم شهداء اذ وصیکم الله بهذا
زهدانها دو ماده یا بودید گواهان چون اندرز کرد شمارا خدا بدین
فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر
... ستمکارتر از آنکسی که بافد بر خدا دروغ تا بیراه گرداند مردمانرا بی
علم ان الله لا یهدی القوم الظالمین قل لا اجد فیما
دانشی که خدا راه ننماید گروه بیدادگران بگو یا محمد نیابم اندر آنچه
اوحی الی محرما علی طاعم یطعمه الا ان یکون میتة او
وحی کردند سوی من حرام کرده بر خورنده که بخورد آنرا مگر که باشد مردار یا
دما مسفوحا او لحم خنزیر فانه رجس او فسقا اهل
خون ریخته روان یا گوشت خوک که پلید است یا بیفرمانی او از بر داشته باشند
لغیر الله به فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فان ربک
بجز نام خدای بروی هرکه بیچاره ... نه ستمکاره ونه از حد درگذرنده پس براستی که خداوند تو
غفور رحیم وعلی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر
آمرزنده است وبخشاینده وبر آنک که جهود گشتند حرام کرد هر جانوران ناخن
ومن البقر والغنم حرمنا علیهم شحومهما الا ما حملت
واز گاو وگوسفند حرام کرد برایشان پیهای این دو مگر آنچه برداشته
ظهورهما او الحوایا او ما اختلط بعظم ذلک جزیناهم
پشتهای ایشان یا جرب رودها یا آنچه آمیخته باشد باستخوان این پاداش کردیمشان

ببغیهم وانا لصادقون ۝ فان کذبوک فقل ربکم ذ
[illegible] ایشان و ما راست گویانیم   اگر دروغ میدارند ترا بگو خداوند شما

رحمة واسعة ولا یرد بأسه عن القوم المجرمین ۝ سیقو
بخشایش است و فراخ   و باز نتوانند گردانید عذاب او از گروه   گناه کاران   زود باشد

الذین اشرکوا لو شاء الله ما اشرکنا ولا آباؤنا و
آنکسانکه   انباز گرفتند   اگر خواستی خدای   انباز نگرفتیمی   و نه نیز پدران ما   و

حرمنا من شیء کذلک کذب الذین من قبلهم حتی ذا
حرام نکردیمی هیچ چیزی   همچنین   بدروغ داشتند آنکسانکه بودند از پیش ایشان تا بچشیدند

بأسنا قل هل عندکم من علم فتخرجوه لنا ان تتبع
عذاب ما بگو هیچ هست نزد شما   از دانش تا بیرون آرید آن ما را که همی

الا الظن وان انتم الا تخرصون ۝ قل فلله الحجة البا
مگر   گمان را   و نیستید شما مگر گزاف و دروغ گوی   بگو یا محمد مر خدایراست حجت   تمام

فلو شاء لهدیکم اجمعین ۝ قل هلم شهداءکم الذ
اگر خواستی راه نمودی شما را همگنان   بگو حاضر کنید   گواهان شما را آنکه

یشهدون ان الله حرم هذا فان شهدوا فلا تشهد
گواهی دهند   که خدا   حرام کرد این   اگر گواهی دهند   گواهی مده

معهم ولا تتبع اهواء الذین کذبوا بآیاتنا والذین لا
با ایشان   و پی مرو   آرزوها   آنکسانرا که بدروغ داشتند آیتهای ما را و آنکسانکه

یؤمنون بالآخرة وهم بربهم یعدلون ۝ قل تعالوا ا
گرویدند   بدان جهان و ایشان با خداوند خویش همی همتا گویند   بگو یا محمد بیائید بر

ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا وبالوال
آنچه حرام کرد خداوند شما   بر شما   که انباز نگیرید با وی چیزی   و با مادر و پدر

عشر

[illegible]

احسانا ولا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و
نیکی کردن   و مکشید   فرزندان شما را   از ترس درویشی که ما روزی دهیم شما را و

ایاهم ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا تقتلوا
ایشان را   و مشوید نزدیک   ناخوبیها   از آنچه آشکار است از وی و آنچه پنهان است و مکشید

النفس التی حرم الله الا بالحق ذلکم وصیکم به لعلکم
تنی را که حرام کرده است خدا مگر براستی   اندرزان شما را و اندرز کرد شما را بدان تا مگر شما

تعقلون ۝ ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی
دریابید   و نزدیک مشوید خواسته یتیم   مگر بدانکه وی نیکوتر باشد تا

یبلغ اشده واوفوا الکیل والمیزان بالقسط لا نکلف
اندر رسد   تمامی نیروی او   و تمام دهید پیمانه   و ترازوی   بداد   اندر نخواهیم

نفسا الا وسعها واذا قلتم فاعدلوا ولو کان ذا قربی و
از تنی   مگر توانایی وی   و چون بگوئید   داوری کنید براستی گویید و اگرچه باشد خویشاوندی و

بعهد الله اوفوا ذلکم وصیکم به لعلکم تذکرون ۝
بپیمان خدای را   تمام کنید   اینستان همی اندرز کند بوی تا مگر شما   پند پذیرید

وان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل
و این   راه من است   راست   پی روید ورا   و پی مروید   راههارا

فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون ۝
که پراکنده گرداند شما را از راه خدا   اینستان همی فرماید شما را خدا بوی تا مگر شما بپرهیزید از خشم

ثم آتینا موسی الکتاب تماما علی الذی احسن وتفصیلا
پس دادیم   موسی را   نامه یعنی توریة   تمام   بر آنکه نکو   نیکویی کرد و پدید کردیم

لکل شیء وهدی ورحمة لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون
هر چیزی را و راه راست بخشایشی   تا مگر ایشان برسیدن خداوند خویش بگروند

[illegible] مذکور است [illegible]

خمس

وهذا كتاب انزلناه مبارك فاتبعوه واتقوا لعلكم
واین نامه ایست یعنی قران فرو فرستادیمش با برکت متابع باشید ویرا و بپرهیزید خود را از عذاب تا
ترحمون ان تقولوا انما انزل الكتاب على طائفتين
بخشایند تا گویند فرو فرستاده اند نامه بر دو گروه [illegible]
من قبلنا وان كنا عن دراستهم لغافلين او تقولوا
از پیش ما واگرچه بودیم از خواندن ایشان نا آگاهان یا گویند
لو انا انزل علينا الكتاب لكنا اهدى منهم فقد جاءكم
اگر با بودی که فرو فرستادندی بما نامه بودیم راه راست تر از ایشان هر آینه بشما
بينة من ربكم وهدى ورحمة فمن اظلم ممن كذب
درستی از خداوند شما و راه نماینده و بخشایش یعنی کیست ستمکارتر [illegible]
بايات الله وصدف عنها سنجزي الذين يصدفون عن
بحجتهای خدا و برگردد از آن زود باداش دهیم آنکسها را که برگردند از
اياتنا سوء العذاب بما كانوا يصدفون هل ينظرون
حجتهای ما بدی عذاب یعنی سختی بدانچه بودند که برگشتند چیز همی پایند
الا ان تاتيهم الملائكة او ياتي ربك او ياتي بعض
مگر آنرا که بیاید بایشان فرشتگان یا بیاید خداوند تو یا بیاید بهره
ايات ربك يوم ياتي بعض ايات ربك لا ينفع نفسا
از نشانهای خداوند تو آن روز که بیاید بهره از نشانهای خداوند تو سود ندارد تنی
ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت في ايمانها خيرا قل
گرویدن وی که نبوده باشد گرویده از پیش یا کرده باشد اندر گروش خویش نیکی بگو
انتظروا انا منتظرون ان الذين فرقوا دينهم وكانوا
بپایید که ما پایندگانیم آنکسها که پراکنده کردند دین خویش را و شدند

[illegible]

شيعا

عشر

[illegible]

شيعا لست منهم في شيء انما امرهم الى الله ثم ينبئهم بما
گروه گروه نیستی تو از ایشان اندر چیزی هر آینه کار ایشان سوی خداست باز آگاهی دهد ایشان را بدانچه
كانوا يفعلون من جاء بالحسنة فله عشر امثالها
همی کردند هرکه بیارد نیکی مر او را باشد ده همچنان
ومن جاء بالسيئة فلا يجزى الا مثلها وهم لا يظلمون
و هرکه بیارد بدی نه دهند مزد مگر همچنان و برایشان ستم نکنند
قل انني هداني ربي الى صراط مستقيم دينا قيما ملة
بگو بدرستی که من راه نمود مرا خداوند من سوی راه راست راستی دین راست ایستاده دین
ابراهيم حنيفا وما كان من المشركين قل ان صلاتي
ابراهیم پاکیزه و نبود از انباز گیران بگو نماز من و طاعت من
ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك
و کارهای من و زندگانی من و مرگ من مر خدایراست پروردگار همه خلایق نیست انباز
له وبذلك امرت وانا اول المسلمين قل اغير الله ابغي
مر او را و بدین فرموده شدم و من نخست گردن نهندگانم بگو هرگز بجز خدا بخواهم
ربا وهو رب كل شيء ولا تكسب كل نفس الا عليها ولا
خداوندی و وی است خداوند هر چیزی و نکند هیچ تنی مگر بر خویشتن و بر
تزر وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم بما
ندارد بزه گناه کسی دیگر باز سوی خداوند شما بازگشتن شما آگاهی دهد شما را بدانچه
كنتم فيه تختلفون وهو الذي جعلكم خلائف
بودید در وی ناهموار و ویست آن خدای که کرد شما را باشندگان پس یکدیگر
الارض ورفع بعضكم فوق بعض درجات ليبلوكم
در زمین و برداشت بهره از شما زبر بهره پایگاهها تا آزموده کرد شما را

اناالله المقتدر الصادق و در روایات دیگر سر استنباط زوال ملک بنی امیه از آن کرده بحساب عدد حروف

[illegible]

حزب

نصف

فی ما اتیکم ان ربک سریع العقاب وانه لغفور رحیم

اندر آنچه بداد شما را که خداوند تو زود عقوبت است و وی آمرزنده و بخشاینده

سورة الاعراف مکیة مائتان وست آیات

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام آنخدای که همه خلق محتاج ویند مهربانی که کارکرم از طاقت فزاید بخشایندی که عطایش از اندازه فزاید

المص کتاب انزل الیک فلا یکن فی صدرک حرج

کاین نامه است که فرو فرستاده اند سوی تو مبادا اندر دل تو تنگی

منه لتنذر به وذکری للمؤمنین اتبعوا ما انزل الیکم

ازوی تا بیم کنی بوی و پندی مرگروندگان را چم رویدا آنرا که فرو آمد بشما

من ربکم ولا تتبعوا من دونه اولیاء قلیلا ما تذکرون

از خداوند شما و در پی مروید از فرو وی یاران و دوستان اندکی همی پند پذیرند

وکم من قریة اهلکناها فجاءها باسنا بیاتا او هم

وچند از دیهی که هلاک کردیمش بیامد بایشان عذاب ما بشب و ایشان

قائلون فما کان دعویهم اذ جاءهم باسنا الا ان

بنیمروز خفتگان بودند نه بود خواندن ایشان چون بیامد بایشان عذاب ما مگر آنکه

قالوا انا کنا ظالمین فلنسئلن الذین ارسل الیهم

گفتند ما بودیم ستمکاران ما بپرسیم آنکسانکه فرستاده آمد

ولنسئلن المرسلین فلنقصن علیهم بعلم وما کنا

و ما بپرسیم فرستادگان را بدیدکنیم بر ایشان بدانش و نبودیم

غائبین والوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه

غایبان و سنجیدن آنروز حق است هرکه گران شود ترازوهای وی

[illegible]

فاولئك

عشر

فاولئك هم المفلحون ومن خفت موازینه فاولئك

ایشان رستگارانند و هرکرا سبک شود ترازوهای وی ایشانند

الذین خسروا انفسهم بما کانوا بایاتنا یظلمون ولقد

آنکسانکه زیان کردند تنهای خویش را بدانچه بودند حجتهای ما ستم کردند و

مکناکم فی الارض وجعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما

جای دادیم شمارا اندر زمین و بکردیم مر شما اندر وی زندگانیها اندکی

تشکرون ولقد خلقناکم ثم صورناکم ثم قلنا

همی سپاس دارید و ما بیافریدیم شمارا باز بنگاشتیم شمارا باز گفتیم

للملئکة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس لم یکن من

مر فرشتگان سجده کنید مر آدم را سجده کردند مگر ابلیس که نبود از

الساجدین قال ما منعک الا تسجد اذ امرتک

سجده کنندگان گفت خدا چه باز داشت شما را که سجده نکردی چون فرمودمت

قال انا خیر منه خلقتنی من نار وخلقته من طین قال

گفت من بهترم ازو بیافریدی مرا از آتش و بیافریدی ورا از گل گفت

فاهبط منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج انک

فرو شو از آسمان که نباشد مر ترا که برتری جویی اندر اینجا بیرون شو از صورت و نیکی که تو

من الصاغرین قال انظرنی الی یوم یبعثون قال

از خواران گفت زمان ده مرا تا از روز که برانگیزند ایشانرا گفت خدا

انک من المنظرین قال فبما اغویتنی لاقعدن لهم

تو از زمان دادگان گفت ابلیس بدانچه بیراه کردی مرا بنشینم مر ایشانرا

صراطک المستقیم ثم لاتینهم من بین ایدیهم ومن

از راه تو راست راستی باز بیایم بایشان از میان ایشان پیش ایشان و از

[illegible]

حزب

خلفهم وعن ايمانهم وعن شمائلهم ولا تجد اكثرهم
و از پس ایشان با خرت فراموش کردن و از راست ایشان طاعت گران کردن و از چپ ایشان معصیت آراستن و نیابی بیشتر

شاكرين ۞ قال اخرج منها مذؤما مدحورا لمن تبعك
از سپاسداران گفت خدا بیرون شو از آنجا ننگ نکوهیده خوار کرده هر که پیروی کند

منهم لاملأن جهنم منكم اجمعين ۞ ويا آدم اسكن
از ایشان پر کنم دوزخ را از شما همگان و ای [illegible]

انت وزوجك الجنة فكلا من حيث شئتما ولا تقربا
تو و جفت تو اندر بهشت بخورید از هر کجا خواهید و نزدیک مشوید

هذه الشجرة فتكونا من الظالمين ۞ فوسوس لهما الشيطان
بدین درخت که باشید از ستمکاران و وسوسه کرد مر ایشان را دیو

ليبدي لهما ما ووري عنهما من سوآتهما وقال ما
تا پدید کرد مر ایشان را آنچه پوشیده گشته بود از ایشان از عورتهای ایشان و گفت دیو باز

نهاكما ربكما عن هذه الشجرة الا ان تكونا ملكين او
نداشت شما را خداوند شما از این درخت گندم مگر که باشید دو فرشته یا

تكونا من الخالدين ۞ وقاسمهما اني لكما لمن الناصحين
باشید از جاودانان و سوگند خورد مر ایشان را که من مر شما را از نیک خواهانم

فدلاهما بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوآتهما
فرود آورد شان بفریفتن چون بچشیدند از آن درخت پیدا گشت مر ایشان را عورتهای ایشان

وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة وناداهما
و در ایستادند و همی دوختند برخویشتن از برگهای بهشت و بخواند ایشان را

ربهما الم انهكما عن تلكما الشجرة واقل لكما ان الشيطان لكما عدو مبين
خداوند ایشان نه باز داشتم شما را ازین درخت و بگفتم مر شما را که دیو

قالا ربنا

قالا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا
گفت آدم و حوا ای خداوند ما ستم کردیم بر تنهای خویش و اگر نیامرزی ما را و بخشایی ما را

لنكونن من الخاسرين ۞ قال اهبطوا بعضكم لبعض
هر آینه باشیم از زیانکاران گفت خدا فرود شوید بعضی از شما مر بعضی را

عدو ولكم في الارض مستقر ومتاع الى حين ۞ قال
دشمن و مر شما راست اندر زمین قرارگاهی و برخورداری تا هنگامی گفت

فيها تحيون وفيها تموتون ومنها تخرجون ۞ يا بني آدم
اندر زمین زیید و اندر آنجا میرید و از آنجا بیرون آرندتان ای فرزند آدم

قد انزلنا عليكم لباسا يواري سوآتكم وريشا و
فرو فرستادیم بر شما پوششی که بپوشاند عورتهای شما و خواسته و

لباس التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله لعلهم
پوشش پرهیزکاری آن بهتر آن از حجتهای خداست تا مگر ایشان

يذكرون ۞ يا بني آدم لا يفتننكم الشيطان كما اخرج
پند گیرند ای فرزند آدم آزموده مکناد شما را دیو همچنانکه بیرون آورد

ابويكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوآتهما
پدر و مادر شما را از بهشت بیرون میکشید از ایشان هر دو پوشش ایشان تا بنماید ایشان را عورتهای ایشان

انه يراكم هو وقبيله من حيث لا ترونهم انا جعلنا
که ببینند شما را وی و یاران وی از آنجا که نه بینند ایشان را که ما کردیم

الشياطين اولياء للذين لا يؤمنون ۞ واذا فعلوا
دیوان را دوستان مر آنکسانرا که نگرویدند و چون بکنند

فاحشة قالوا وجدنا عليها آباءنا والله امرنا بها
ناخوبی گویند یافتیم ما بر آن پدران خویش را و خدا فرموده ما را بآن

حس

[illegible] بعضی [illegible] تفسیر [illegible] از امام محمد باقر علیه السلام [illegible] تفسیر [illegible] والله تعالی اعلم

[illegible]

عشر

[illegible] اعلم بالصواب

[illegible]

قل ان الله لا يامر بالفحشاء اتقولون على الله ما لا
بگو یا محمد که خدای نفرماید ناخوبی را می گویید بر خدای آنچه نه
تعلمون ۞ قل امر ربي بالقسط واقيموا وجوهكم عند
دانید بگو بفرمود خدای بداد و راست دارید رویهای خویش را نزد
كل مسجد وادعوه مخلصين له الدين كما بداكم تعودون
هر نمازگاهی و بخوانید خدای را یکتا گروهیده مر او را دین همچنانکه کردتان باز آیید
فريقا هدى وفريقا حق عليهم الضلالة انهم اتخذوا
گروهی را راه نمود و گروهی درست گشت بر ایشان گمراهی ایشان را گرفتند
الشياطين اولياء من دون الله ويحسبون انهم مهتدون
دیوان را دوستان و یاران از فرود خدا و همی پندارند که ایشان راه یافتگان
يا بني ادم خذوا زينتكم عند كل مسجد وكلوا واشربوا
ای فرزندان آدم بگیرید آرایش نزد هر نمازگاهی و بخورید و بیاشامید
ولا تسرفوا انه لا يحب المسرفين ۞ قل من حرم زينة الله
و از اندازه مگذرید که وی دوست ندارد از اندازه گذرندگان بگو که حرام کرد آرایش خدای
التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين
آنکه بیرون آورد بندگان خویش را پاکیها خوشیها از روزیها بگو ای مر آنکسانی را
امنوا في الحيوة الدنيا خالصة يوم القيمة كذلك نفصل
که بگرویدند در زندگانی اینجهان یکتا روز رستاخیز همچنین پدید میکنیم
الايات لقوم يعلمون ۞ قل انما حرم ربي الفواحش ما
نشانها گروهی را که بدانند بگو یا محمد که جز این حرام کرد خداوند من ناخوبیها
ظهر منها وما بطن والاثم والبغي بغير الحق وان تشركوا
پیداست از آن و آنچه نهانست و گناه کردن و ستم کردن ناشایست و آنچه انباز گیرید

[illegible]

عشر
یوسف بن ابراهیم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام روایت کرده که آنحضرت جامهٔ از خز و طیلسانی از خز پوشیده بود عرض کردم که این جامه خز است در باب پوشیدن آن چه میفرمایی فرمود قصوری ندارد گفتم تار آن ابریشم است فرمود که قصوری ندارد [illegible]

[illegible]

[illegible] خدا آیه سبب آنحضرت فرمود که لباس فاخر پوشش و ثیاب تجمل در برکن بدرستی که حق تعالی جمیل است و جمال [illegible]

بالله ما لم ينزل به سلطانا وان تقولوا على الله ما لا
بخدا آنچه فرو نفرستاد بوی حجتی و آنکه گویید بر خدای آنچه نه
تعلمون ۞ ولكل امة اجل فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون
دانید و هر گروهی را اجلی است چون بیاید اجل ایشان سپس نروند
ساعة ولا يستقدمون ۞ يا بني ادم اما ياتينكم
زمانی و نه پیش روند ای فرزندان آدم هر گاه که بیاید بشما
رسل منكم يقصون عليكم اياتي فمن اتقى واصلح
پیغامبرانی از شما که بر خوانند بر شما آیتهای من هر که پرهیزد و از ما شنید [illegible]
فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۞ والذين كذبوا باياتنا
[illegible] بیمی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند و آنکسانی که دروغ داشتند حجتها ما
واستكبروا عنها اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
و بزرگ منشی کردند از آن ایشانند باشندگان آتش ایشان در آنجا جاودان باشند
فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته اولئك
[illegible] ستمکارتر از آنکه فرا بافد بر خدا دروغی یا دروغ دارد حجتها وی را ایشانند
ينالهم نصيبهم من الكتاب حتى اذا جاءتهم رسلنا
برسد بایشان بهره ایشان از نوشته یعنی عذاب تا چون بیاید بایشان فرشتگان ما
يتوفونهم قالوا اين ما كنتم تدعون من دون الله
[illegible] بر دارندشان گویند کجاست آنچه معبود همی خواندید از جز خدا
قالوا عنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا كافرين ۞
[illegible] از ما و گواهی دهند بر تنهای خویش که ایشان بودند ناگرویدگان
قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم من الجن والانس
[illegible] اندر شوید اندر گروهها که گذشت از پیش شما از پریان و آدمیان

حس

ضلواء

[illegible]

یعنی کفر و تقلید ظاهر باشد از کفر تنها مجموع و اضلال در هر دو چنانچه بعضی گفته اند [illegible]

[illegible]

في النار كلما دخلت امة لعنت اختها حتى اذا اداركوا
در آتش هرگاه که اندر آمد گروهی لعنت کند بر خویش را تا چون در رسند
فيها جميعا قالت اخريهم لاوليهم ربنا هؤلاء اضلونا
اندر آنجا همه گویند بازپسینیان ایشان مر پیشینیان را ای خداوند ما اینها گم کردند ما را
فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف
بده ایشان را عذابی دوچندان از آتش گفت مر هر یکی را دوچندان
ولكن لا تعلمون ۞ وقالت اوليهم لاخريهم فما كان لكم
ولیکن همی ندانند و گویند پیشینیان ایشان مر پسینیان ایشان را نبود مر شما
علينا من فضل فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون ۞
بر ما هیچ افزونی بچشید عذاب بدانچه همی کردید
ان الذين كذبوا باياتنا واستكبروا عنها لا تفتح لهم
آنکه دروغ داشتند حجتهای ما را و بزرگ منشی کردند از آن نگشایند مر ایشان را
ابواب السماء ولا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم
درهای آسمان و اندر نشوند به بهشت تا بر شود شتر اندر سوراخ
الخياط وكذلك نجزي المجرمين ۞ لهم من جهنم مهاد ومن
سوزن و همچنین پاداش دهیم گناهکاران را مر ایشان را باشد از دوزخ گستردنی و از
فوقهم غواش وكذلك نجزي الظالمين ۞ والذين امنوا
زبر ایشان پوششی و همچنین پاداش دهیم بیدادگران را و آنکه بگرویدند
وعملوا الصالحات لا نكلف نفسا الا وسعها اولئك
و بکردند نیکیها اندر نخواهیم از تنی مگر توانایی او ایشانند
اصحاب الجنة هم فيها خالدون ۞ ونزعنا ما في صدورهم
باشندگان بهشت ایشان اندر آنجا جاودان و بیرون آوریم آنچه اندر دلهای

عشر

[illegible]

من غل

١٠٠

[illegible]

من غل تجري من تحتهم الانهار وقالوا الحمد لله الذي
از کینه همی رود از زیر ایشان جویها و گویند سپاس مر خدای را آنکه
هدينا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدينا الله لقد
راه نمود ما را بدین و نبودیم که راه یافتمی اگر نه بود که راه نمود ما را خدای هر آینه
جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلكم الجنة اورثتموها
آوردند پیغمبران خداوند ما براستی و آواز دهند شان که این بهشت میراث کردند تان
بما كنتم تعملون ۞ ونادى اصحاب الجنة اصحاب النار
بدانچه بودید همی کردید و آواز دهند باشندگان بهشت باشندگان دوزخ را
ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد
که ما یافتیم آنچه وعده کرد ما را خداوند ما راست چیز یافتید آنچه وعده کرد
ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بينهم ان لعنة الله
خداوند شما راست گویند آری آواز دهد آوازدهنده میان ایشان که لعنت خدا
على الظالمين ۞ الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها
بر بیدادگران باد آنکه باز داشتند از راه خدای و همی جستند آن را
عوجا وهم بالاخرة كافرون ۞ وبينهما حجاب وعلى
کژی و ایشان بروز پسین بدان جهان کافر بودند و میان ایشان پرده باشد و بر
الاعراف رجال يعرفون كلا بسيماهم ونادوا اصحاب
اعراف مردانی که میان بهشت و دوزخ مردانی باشند که بشناسند هر یکی را بنشان روی ایشان و آواز دهند باشندگان
الجنة ان سلام عليكم لم يدخلوها وهم يطمعون
بهشت که درود بر شما باد اندر نشدند به بهشت و ایشان امید همی دارند
واذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا
و چون باز گردانند چشمهای ایشان فرا سوی باشندگان دوزخ گویند ای خداوند ما

حزب

خمس

[illegible]

[illegible]

لا تجعلنا مع القوم الظالمين ۝ ونادى اصحاب الاعراف
مگردان مارا با گروه بیدادگران و آواز دهند مردمان اعراف
رجالا يعرفونهم بسيماهم قالوا ما اغنى عنكم جمعكم وما كنتم
مردانی را که بشناسند شان بنشان روی ایشان گویند سود نداشت شمارا گرد کردن و آنچه بودید
تستكبرون ۝ اهؤلاء الذين اقسمتم لا ينالهم الله برحمة
بزرگ منشی کردند اینها اند آنکسانکه سوگند خوردید که نرساند بایشان خدای بخشایش
ادخلوا الجنة لا خوف عليكم ولا انتم تحزنون ۝ ونادى
اندر شوید بهشت نباشد ترسی بر شما و نه شما اندوه خورید و آواز
اصحاب النار اصحاب الجنة ان افيضوا علينا من الماء او مما
دهند باشندگان آتش باشندگان بهشت را که فرو ریزید بر ما از آب یا از آنچه
رزقكم الله قالوا ان الله حرمهما على الكافرين ۝ الذين
روزی داد شمارا خدا گویند بهشتیان که خدای حرام کرد این دو بر ناگرویدگان آنکسانکه
اتخذوا دينهم لهوا ولعبا وغرتهم الحيوة الدنيا فاليوم
بگرفتند کیش خویش افسوس و بازی و بفریفت ایشانرا زندگانی اینجهان امروز
ننسيهم كما نسوا لقاء يومهم هذا وما كانوا باياتنا
فراموش انگاریم شان چنانکه فراموش کردند رسیدن روز ایشان این و آنچه بودند بآیتهای ما
يجحدون ۝ ولقد جئناهم بكتاب فصلناه على علم هدى
همی منکر شدند و بیاوردیم بایشان نامه که پدید کردیمش بر دانش راه
ورحمة لقوم يؤمنون ۝ هل ينظرون الا تاويله يوم
و بخشایش مر گروهی را که بگروند جز همی چشم دارند مگر سرانجام وی آن روز
ياتي تاويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل
که بیاید سرانجام وی گویند آنکسانکه فراموش کردند از پیش بحقیقه آوردند پیغمبران

عشر

[illegible]

ربنا

ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء فيشفعوا لنا او نرد فنعمل
خداوند ما براستی چه هست مارا از خواهشگران که خواهش کنند مارا یا بازگردانند بکنیم
غير الذي كنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم ما كانوا
جز آنکه بودیم که میکردیم بحقیقه زیان کردند تنهای خویش را و گم شود از ایشان آنچه
يفترون ۝ ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض
فرا همی بستند و ساختند هر آینه خداوند شما خدایست آنکه بیافرید آسمانها و زمین
في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار
اندر شش روز باز قصد کرد بآفریدن عرش همی پوشاند شب را بروز
يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
همی خواهد او را بشتاب و بیافرید آفتاب را و ماه را و ستارگان فرمان بردار بفرمان وی
الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ۝ ادعوا
بدانکه مراورست آفریدن و فرمودن با برکت کار خدا پروردگار همه خلق بخوانید
ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ۝ ولا تفسدوا
خداوند خویش را بزاری کردن و نهان که وی دوست ندارد از حد اندر گذرندگان را و تباه کاری مکنید
في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان
اندر زمین سپس خوب کردن وی و بخوانید مر او را بیم و با امید که
رحمت الله قريب من المحسنين ۝ وهو الذي يرسل الرياح
بخشایش خدا نزدیک است به نیکوکاران بویست آنکه بفرستد بادها را
بشرا بين يدي رحمته حتى اذا اقلت سحابا ثقالا
مژده دهنده پیش بخشایش وی یعنی باران چون بردارد باد ابرگران بار را
سقناه لبلد ميت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من
براندیمش سوی زمین مرده یعنی خشک فرو فرستیم بدان زمین آب بیرون آریم بدان آب از

حزب

[illegible]

مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
از هر میوه همچنین بیرون آریم مردگان را تا مگر شما همی پند گیرید
وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ
و زمین پاک و خوش بیرون آید گیاه وی بفرمان خداوندی وی و آن زمین که پلید است
لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۝
بیرون نیاید مگر رنج و بختی همچنین همی گردانیم حجتها مر گروهی که سپاسداری کنند
لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
بحقیقه فرستادیم نوح را سوی گروه خویش گفت ای گروه من بپرستید خدای را
مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝
نیست شما را خدای جزوی من همی ترسم بر شما عذاب روز بزرگ
قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ قَالَ
گفتند مهتران از گروه وی ما همی بینیم ترا اندر گمبودگی پیدا گفت
يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝
ای گروه من نیست بمن گمراهی ولیکن من پیغمبری ام از خداوند جهانیان
أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا
برسانم بشما پیغامهای خداوند من و نیکخواهم مر شما را و بدانم از خدا آنچه
تَعْلَمُونَ ۝ أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ
ندانید با شگفت دارید که بیامد بشما یادکردی از خداوند شما بر دست
مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ
از شما تا بیم کند شما را و تا پرهیزید از کفر و تا مگر شما بخشایند دروغ زن
فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا
برهانیدیمش و آنکه باوی بودند اندر کشتی و غرقه کردیم آنکه را بدروغ

عشر

[illegible]

بآياتنا

۱۰۷

[illegible]

خمس

بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا
بحجتهای ما را که ایشان بودند گروهی کور گشتگان و فرستادیم سوی گروه عاد برادر ایشان هود
قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝
گفت ای گروه من بپرستید خدای را نیست مر شما را خدای جزوی چرا نه بپرهیزید از خدا
قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ
گفتند مهتران آنها که کفر ورزیدند از گروه وی که ما همی بینیم ترا اندر سبکساری
وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي
و ما همی گمان بریم ترا که از دروغ زنانی گفت هود ای گروه من نیست بمن
سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أُبَلِّغُكُمْ
سبکساری ولیکن من پیغمبری ام از خداوند جهانیان برسانم بشما
رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ۝ أَوَعَجِبْتُمْ
پیغامهای خداوند من و من شما را نیکخواهم استوار با شگفت داشتید
أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ
که بیامد بشما پندی از خداوند شما بر دست مردی هم از شما تا بیم کند شما را
وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ
و یاد کنید که چون بکرد شما را خلیفتان از پس گروه نوح و فزود شما را
فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝
اندر آفرینش گسترشی پس یاد کنید نعمتهای خدا تا مگر شما رستگاری یابید
قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ
گفتند ای هود آمدی بما تا بپرستیم خدای یگانه و دست بازداریم آنچه همی پرستیدند
آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ
پدران ما پس بیار بما آنچه وعده کنی ما را اگر هستی از راست گویان گفت

[illegible]

عشر

قد وقع عليكم من ربكم رجس وغضب أتجادلونني

هرآینه واجب گشت بر شما از خداوند شما عذابی و خشمی همی بکار گر

في أسماء سميتموها أنتم وآباؤكم ما نزل الله بها من

اندر نامها که نام کردید مر آن را شما و پدران شما آنچه فرو فرستاد خدا بآن

من سلطان فانتظروا إني معكم من المنتظرين فأنجيناه

حجتی بپایید که من با شما از پایندگانم ر

خمس

والذين معه برحمة منا وقطعنا دابر الذين كذبوا

و آنکسان را که با وی بودند ببخشودنی از ما و ببریدیم دنبال آنها که دروغ داشتند

بآياتنا وما كانوا مؤمنين وإلى ثمود أخاهم صلحا

آیتهای ما و نبودند گرویدگان و فرستادیم سوی ثمود برادرشان صالح را

قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاءتكم

گفت ای گروه من بپرستید خدا را که نیست مر شما را هیچ خدای جز وی بحقیقه آمد

بينة من ربكم هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأكل

درستی از خداوند شما این ماده شتر خدایست مر شما را نشانی معجزه دست باز دارید

في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب أليم

اندر زمین خدا و منمایید بدی بگیرد شما را عذابی دردناک

واذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد وبوأكم في

و یاد کنید که چون بکرد شما را پادشاهان از پس قوم عاد و جای ساخت شما

الأرض تتخذون من سهولها قصورا وتنحتون الجبال

زمین همی کنید از زیستنها آن کوشکها و همی تراشید کوهها

بيوتا فاذكروا آلاء الله ولا تعثوا في الأرض مفسدين

خانها یاد کنید نعمتهای خدا را و مشوید اندر زمین تباه کاران

[illegible]

قال

قال الملأ الذين استكبروا من قومه للذين استضعفوا

گفتند مهتران از آنها که بزرگ منشی کردند از گروه وی مر آنکسان را که ضعیف داشتگان بودند

لمن آمن منهم أتعلمون أن صالحا مرسل من ربه قالوا

مر آنکسان را که گرویده بودند از ایشان همی دانید که صالح فرستاده است از خداوند خویش گفتند

إنا بما أرسل به مؤمنون قال الذين استكبروا إنا بالذي

ما بدانچه وی را فرستاده اند بوی گرویدگانیم گفتند آنها که بزرگ منشی بدانچه

خمس

آمنتم به كافرون فعقروا الناقة وعتوا عن أمر ربهم

شما گروید بوی ناگرویدگانیم پی بکشتند ماده شتر را و بیرون شدند از فرمان خداوند خویش

وقالوا يا صالح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين

گفتند ای صالح بیار بما آنچه وعده کنی ما را اگر هستی از پیغمبران

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين فتولى

فت ایشان را زلزله بشدند اندر سراهای خویش مردگان افتادگان و روی بگردانید

عنهم وقال يا قوم لقد أبلغتكم رسالة ربي ونصحت

از ایشان و گفت ای گروه من بنیک برسانیدم بشما پیغامهای خداوند من و نصیحت کردم

لكم ولكن لا تحبون الناصحين ولوطا إذ قال لقومه

مر شما را و لیکن دوست نپندارید نصیحت کنندگان را و فرستادیم لوط را چون گفت مر گروه خویش

عشر

أتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من أحد من العالمين

همی بیارید ناخوبی بیشی نگرفت بشما بدان ناخوبی از هیچکس از او میان

إنكم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل أنتم

شما همی فراز روید بمردان بآرزو از بیرون زنان که شما

قوم مسرفون وما كان جواب قومه إلا أن قالوا

گروه تباه کاران و نبود پاسخ گروه وی مگر آنکه گفتند

[illegible]

اخرجوهم من قريتكم انهم اناس يتطهرون ۝ فانجيناه
بیرون کنید شان از دیه شما کایشان مردمانند که همی پاکی جویند و برهانیدیمش
اهله الا امراته كانت من الغابرين ۝ وامطرنا عليهم
مردمان اورا مگر زن اورا که بود از ماندگان و بباراندیم بریشان
مطرا فانظر كيف كان عاقبة المجرمين ۝ والى مدين
بارانی بنگر چگونه بود سرانجام گنه کاران و فرستادیم بسوی مدین
اخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره
برادر ایشان شعیب را گفت ای گروه من بپرستید خدای را نیست مرشما را هیچ خدای جز او
قد جاءتكم بينة من ربكم فاوفوا الكيل والميزان ولا
بیامد بشما [illegible] از خداوند شما تمام دهید پیمانه را و ترازو را و
تبخسوا الناس اشياءهم ولا تفسدوا في الارض بعد
مکاهید مردمانرا چیزهای و تباهی مکنید اندر زمین از پس
اصلاحها ذلكم خير لكم ان كنتم مؤمنين ۝ ولا تقعدوا
خوب کردن وی اینتان بهتر مرشمارا اگر هستید گرویدگان و منشینید
بكل صراط توعدون وتصدون عن سبيل الله من
بهر راهی تا بیم کنید و باز دارید از راه خدای آنکس را
آمن به وتبغونها عوجا واذكروا اذ كنتم قليلا فكثركم
بگروید بوی و بجویید آنرا کژی و یاد کنید چون بودید اندک و بسیار کرد شما را
وانظروا كيف كان عاقبة المفسدين ۝ وان كان طائفة
و بنگرید چگونه بود سرانجام تباه کاران و اگر هست گروهی
منكم آمنوا بالذي ارسلت به وطائفة لم يؤمنوا فاصبروا
از شما که بگرویدند بدانچه بفرستادندم بوی و گروهی نگرویدند [illegible]

حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين ۝ قال الملأ الذين
تا حکم کند خدا میان ما و وی بهتر داوران است گفت مهتران آنکه
استكبروا من قومه لنخرجنك يا شعيب والذين آمنوا
بزرگ منشی کردند از گروه وی بیرون کنیم ترا ای شعیب و آنکسها که بگرویدند
معك من قريتنا او لتعودن في ملتنا قال اولو كنا
با تو از دیه ما یا بازآیید بدین ما گفت اگر چه باشیم
كارهين ۝ قد افترينا على الله كذبا ان عدنا في ملتكم
ناخواهندگان بافته باشیم بر خدا دروغی اگر بازگردیم بدین شما
بعد اذ نجينا الله منها وما يكون لنا ان نعود فيها الا
پس از آنکه برهانید مارا خدا از وی و نباشد مارا که بازگردیم اندروی مگر
ان يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله
که خواهد خدا پروردگار ما فراخست خداوند ما هر چیز دانش بر خدا
توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير
اندیم کار خویش خداوندا حکم کن میان ما و میان گروه ما براستی و تو بهترین
الفاتحين ۝ وقال الملأ الذين كفروا من قومه لئن اتبعتم
حکم کنندگانی و گفت مهتران آنکسها که کافر شدند از گروه وی اگر متابع گردید
شعيبا انكم اذا لخاسرون ۝ فاخذتهم الرجفة فاصبحوا
شعیب را شما آنگاه زیان کاران باشید پس بگرفت ایشانرا زلزله پس بامداد کردند
في دارهم جاثمين ۝ الذين كذبوا شعيبا كان لم يغنوا فيها
اندر سراهای خویش مردگان افتاده آنکسها که دروغ زن داشتند شعیب را چنان بود که نبودندی اندر آن
الذين كذبوا شعيبا كانوا هم الخاسرين ۝ فتولى عنهم وقال
آنکسها که دروغ داشتند شعیب را بودند ایشان زیان کاران پس روی بگردانید از ایشان و گفت

ربع

خمس

عشر

[illegible]

يا قوم لقد ابلغتكم رسالات ربي ونصحت لكم فكيف
اى گروه من تبلیغ رسانیدم بشما پیغامهای خداوند من و نصیحت کردم مرشما را پس چگونه
اسى على قوم كافرين ۝ وما ارسلنا في قرية من نبي الا
اندوه خورم بر گروه ناگرویدگان و نفرستادیم اندر دیه هیچ پیغمبری مگر
اخذنا اهلها بالباساء والضراء لعلهم يضرعون ۝
بگرفتیم باشندگان آن را برنج و سختی تا مگر ایشان زاری کنند
ثم بدلنا مكان السيئة الحسنة حتى عفوا وقالوا قد
باز گردانیدیم بجای بدی نیکی یعنی فراخی تا بسیار گشتند و گفتند بحقیقه
مس اباءنا الضراء والسراء فاخذناهم بغتة وهم لا يشعرون
برسید پدران ما سختی و شادی پس گرفتیمشان ناگاه و ایشان ندانستند
ولو ان اهل القرى امنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من
واگر چنان بودی که باشندگان دیهها بگرویدندی و خویشتن نگاهداشتندی بگشادیم بریشان برکتها از
السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون
آسمان یعنی باران و زمین یعنی نبات ولیکن بدروغ داشتند پس بگرفتیمشان بدانچه همی کردند
افامن اهل القرى ان ياتيهم باسنا بياتا وهم نائمون ۝ او امن
آیا ایمن گشتند باشندگان دیهها که بیاید بایشان عذاب ما شبیخون و ایشان خفتگان یا ایمن گشتند
اهل القرى ان ياتيهم باسنا ضحى وهم يلعبون ۝ افامنوا
باشندگان دیهها که بیاید بایشان عذاب ما چاشتگاه و ایشان بازی همی کنند آیا ایمن گشتند
مكر الله فلا يامن مكر الله الا القوم الخاسرون ۝ او لم
از سازش خدا پس ایمن نگردد از سازش خدا مگر گروه زیانکاران یا نه
يهد للذين يرثون الارض من بعد اهلها ان لو نشاء
راه نمود مر آنکسان را که میراث یابند زمین را از پس باشندگان وی اگر خواستمی

اصبناهم

خمس

[illegible]

اصبناهم بذنوبهم ونطبع على قلوبهم فهم لا يسمعون ۝
بگرفتیمی ایشان را بگناهانشان و مهر نهادیم بر دلهای ایشان که ایشان همی نشنوند
تلك القرى نقص عليك من انبائها ولقد جاءتهم رسلهم
آن دیهها که برخوانیم بر تو خبرهای آن و آمدند بایشان پیغمبران ایشان
بالبينات فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل كذلك
بدرستیها نبودندی که بگرویدندی بدانچه دروغ داشتند از پیش همچنین
يطبع الله على قلوب الكافرين ۝ وما وجدنا لاكثرهم
مهر نهد خدا بر دلهای ناگرویدگان و نیافتیم بیشترین ایشان را
من عهد وان وجدنا اكثرهم لفاسقين ۝ ثم بعثنا
هیچ پیمانی و یافتیم بیشترین ایشان مگر بیفرمانان باز فرستادیم
من بعدهم موسى باياتنا الى فرعون وملائه فظلموا بها
از پس ایشان موسی را با حجتهای ما سوی فرعون و مهتران وی پس بیداد کردند بوی
فانظر كيف كان عاقبة المفسدين ۝ وقال موسى يا فرعون
پس بنگر چگونه بود سرانجام تباهکاران و گفت موسی ای فرعون
اني رسول من رب العالمين ۝ حقيق على ان لا اقول
من فرستاده ام از پروردگار همه خلق سزاوارست بر آنکه نگویم
على الله الا الحق قد جئتكم ببينة من ربكم فارسل
بر خدا مگر حق یعنی راست بحقیقه آوردم بشما درستی از خداوند شما بفرست
معي بني اسرائيل ۝ قال ان كنت جئت باية فات بها
با من پسران یعقوب گفت اگر هستی تو آوردی نشانی بیار آن را
ان كنت من الصادقين ۝ فالقى عصاه فاذا هي ثعبان
اگر هستی از براستگویان پس بیفکند عصاره خویش را هم اندر وقت ماری گشت

عشر

خمس

[illegible]

مبين ۝ ونزع يده فاذا هي بيضاء للناظرين ۝ قال
پیدا و بیرون کشید دست خویش را سپید گشت مر نگرندگان را گفتند
الملأ من قوم فرعون ان هذا لساحر عليم ۝ يريد ان
مهتران از گروه فرعون این جادوی است دانا همی خواهد که
يخرجكم من ارضكم فماذا تأمرون ۝ قالوا ارجه واخاه
بیرون کند شما را از زمین شما چه چیز فرمایید گفتند باز دار وندش و برادرش
وارسل في المدائن حاشرين ۝ يأتوك بكل ساحر عليم ۝ و
و بفرست اندر شهرها گرد کنندگان بیارند بتو هر جادوی دانا
جاء السحرة فرعون قالوا ان لنا لاجرا ان كنا نحن
بیامدند جادوان فرعون گفتند هر آینه ما را باشد مزدی اگر باشیم ما
الغالبين ۝ قال نعم وانكم لمن المقربين ۝ قالوا يا موسى
غلبه کنندگان گفت آری و شما از نزدیکان باشید گفتند ای موسی
اما ان تلقي واما ان نكون نحن الملقين ۝ قال القوا
یا تو افکنی و یا ما باشیم افکندگان گفت بیفکنید
فلما القوا سحروا اعين الناس واسترهبوهم وجاؤ
آنگاه بیفکندند جادوی کردند چشمهای مردمانرا و بترسانیدندشان و بیاوردند
بسحر عظيم ۝ واوحينا الى موسى ان الق عصاك فاذا هي
جادوی بزرگ و پیغام فرستادیم سوی موسی که بیفکن عصاره خویش را پس همیدون
تلقف ما يأفكون ۝ فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون
فرو خورد آنچه دروغ ساختند پدید آمد راستی و تباه گشت آنچه ایشان همیکردند
فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين ۝ والقي السحرة ساجدين
غلبه کرده شدند آنجا و برگشتند خوارشدگان و افکنده شدند جادوان سجده کنان

قالوا

١٠٦

قالوا آمنا برب العالمين ۝ رب موسى وهرون ۝ قال
گفتند گرویدیم ما بپروردگار جهانیان پروردگار موسی و هرون گفت
فرعون آمنتم به قبل ان اذن لكم ان هذا لمكر مكرتموه
فرعون گرویدید بوی پیش از آنکه دستوری دادمی شما را بدرستی این سازشی است که ساختید
في المدينة لتخرجوا منها اهلها فسوف تعلمون ۝ لاقطعن
اندر شهرستان تا بیرون کنید ازین شهرها باشندگان آنرا زود باشد که بدانید هر آینه ببرم
ايديكم وارجلكم من خلاف ثم لاصلبنكم اجمعين ۝
دستهای شما را و پایهای شما از ناهمواری باز بدار کنیم شما را همگنان
قالوا انا الى ربنا منقلبون ۝ وما تنقم منا الا ان آمنا
گفتند ما سوی خداوند خویش بازگردندگانیم و کینه همی کشی از ما مگر آنکه گرویدیم
بآيات ربنا ~~الا ان آمنا~~ بآيات ربنا لما جاءتنا ربنا
بحجتهای خداوند ما چون بیامد بما ای خداوند ما
افرغ علينا صبرا وتوفنا مسلمين ۝ وقال الملأ من
فرو ریز بر ما صبری و جان بردار ما را مسلمان و گفت مهتران از
قوم فرعون اتذر موسى وقومه ليفسدوا في الارض
گروه فرعون ای دست بازداری موسی و گروهش تا تباهکاری کنند اندر زمین
ويذرك والهتك قال سنقتل ابناءهم ونستحيي نساءهم
و بهلد ترا و خدایان ترا گفت زود بکشیم پسران ایشانرا و زنده بگذاریم زنان ایشانرا
وانا فوقهم قاهرون ۝ قال موسى لقومه استعينوا
و ما زبر ایشان شکنندگانیم گفت موسی مر گروه خویش را یاری خواهید
بالله واصبروا ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده
از خدا و صبر کنید که زمین مر خدای راست میراث گرداندش آنرا که خواهد از بندگان وی

عشر

خمس

عشر

خمس

چنانکه در لغت ریسمانها و چوبهاشان مار و کژدم مینمود

[illegible]

١٠٧

وَالعاقِبَةُ لِلمُتَّقِينَ ۝ قالُوا اُوذِينا مِن قَبلِ اَن تَاْتِيَنا
وسرانجام نیک مر پرهیزکارانست گفتند رنجانیدند مارا از پیش انکه بیایدی بما
وَمِن بَعدِ ما جِئتَنا قالَ عَسى رَبُّكُم اَن يُهلِكَ عَدُوَّكُم
واز پس انکه بیامدی بما گفت زود باشد که خداوند شما هلاک کند دشمن شمارا
وَيَستَخلِفَكُم فِي الاَرضِ فَيَنظُرَ كَيفَ تَعمَلُونَ ۝ وَلَقَد
وخلیفه کرداند شمارا اندر زمین پس بنگرد بشان چگونه کار کنند وما
اَخَذنا آلَ فِرعَونَ بِالسِّنِينَ وَنَقصٍ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُم
بگرفتیم کسان فرعون را بتنگ سالها وکاستن از میوها تا مگر ایشان
يَذَّكَّرُونَ ۝ فَاِذا جاءَتهُمُ الحَسَنَةُ قالُوا لَنا هٰذِهِ وَاِن
پند گیرند وچون بیامد بایشان نیکی یعنی فراخی گفتندی مراست این واگر
تُصِبهُم سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسى وَمَن مَعَهُ اَلا اِنَّما طائِرُهُم
کرسیدی بدی یعنی تنگی فال زدند بموسی وآنها که با وی بودند بدانکه اختر ایشان
عِندَ اللهِ وَلٰكِنَّ اَكثَرَهُم لا يَعلَمُونَ ۝ وَقالُوا مَهما
نزد خداست ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند وگفتند هر گاه که
تَاْتِنا بِهِ مِن آيَةٍ لِتَسحَرَنا بِها فَما نَحنُ لَكَ بِمُؤمِنِينَ ۝
بیاری بما [illegible] نشانها جادو یا کنی مارا بدان نباشیم ما ترا استوار دارندگان
فَاَرسَلنا عَلَيهِمُ الطُّوفانَ وَالجَرادَ وَالقُمَّلَ وَالضَّفادِعَ
پس بفرستادیم ما برایشان طوفان وملخ و شپش وزغ یعنی [illegible]
وَالدَّمَ آياتٍ مُفَصَّلاتٍ فَاستَكبَرُوا وَكانُوا قَوماً
وخون نشانها پیدا کرده وبزرگ منشی کردند وبودند گروهی
مُجرِمِينَ ۝ وَلَمّا وَقَعَ عَلَيهِمُ الرِّجزُ قالُوا يا مُوسَى ادعُ
گناه کاران وچون بیفتاد یعنی وجب برایشان عذاب گفتند ای موسی بخوان

لَنا رَبَّكَ بِما عَهِدَ عِندَكَ لَئِن كَشَفتَ عَنّا الرِّجزَ لَنُؤمِنَنَّ
ازبهر ما خداوند خویش را بدانچه پیمان کرد نزد تو اگر برداری از ما عذاب باور داریم
لَكَ وَلَنُرسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي اِسرائِيلَ ۝ فَلَمّا كَشَفنا عَنهُمُ الرِّجزَ
ترا وبفرستیم باتو فرزندان یعقوب را چون بگشادیم از ایشان عذاب
اِلى اَجَلٍ هُم بالِغُوهُ اِذا هُم يَنكُثُونَ ۝ فَانتَقَمنا مِنهُم فَاَغرَقناهُم
تا زمانه که ایشان رسیده بوی همیدون ایشان بشکستند کینه کشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ایشان
فِي اليَمِّ بِاَنَّهُم كَذَّبُوا بِآياتِنا وَكانُوا عَنها غافِلِينَ ۝ وَاَورَثنا
اندر دریا بدانکه ایشان دروغ داشتند آیتها مارا و بودند ازآن بی آگاهان ومیراث کرد
القَومَ الَّذِينَ كانُوا يُستَضعَفُونَ مَشارِقَ الاَرضِ وَ
آن گروه که بودند ضعیف داشتگان مشرقها زمین و
مَغارِبَهَا الَّتِي بارَكنا فِيها وَتَمَّت كَلِمَتُ رَبِّكَ الحُسنى عَلى بَنِي
مغربها وی انکه برکت کردیم اندروی وتمام گشت سخن یعنی وعده خداوند تو نیکوترین بر پسران
اِسرائِيلَ بِما صَبَرُوا وَدَمَّرنا ما كانَ يَصنَعُ فِرعَونُ وَقَومُهُ
یعقوب بدانچه شکیبائی کردند وهلاک کردیم آنچه همی کرد فرعون وگروهش
وَما كانُوا يَعرِشُونَ ۝ وَجاوَزنا بِبَنِي اِسرائِيلَ البَحرَ فَاَتَوا
وآنچه بودند همی جفتا بنیدند وبگذاشتیم پسران یعقوب بدریا بیامدند
عَلى قَومٍ يَعكُفُونَ عَلى اَصنامٍ لَهُم قالُوا يا مُوسَى اجعَل
بر گروهی که ایستاده بودند بر بتانی که مرایشان را بودند گفتند ای موسی بکن
لَنا اِلٰهاً كَما لَهُم آلِهَةٌ قالَ اِنَّكُم قَومٌ تَجهَلُونَ ۝ اِنَّ هٰؤُلاءِ
مارا خدایی همچنانکه ایشان را خدایانند گفت شما گروهید که نادانی میکنید ایشان
مُتَبَّرٌ ما هُم فِيهِ وَباطِلٌ ما كانُوا يَعمَلُونَ ۝ قالَ اَغَيرَ اللهِ اَبغِيكُم
هلاک کنندهٔ از آنچه ایشان دروی اند و ناچیز است آنچه ایشان میکنند گفت موسی روا دارم که بجز خدای

بینند که آنچه ایشان میکنند فاسد است وخدای تعالی حکم بر بطلانش کرده است یا بمعنی که حق تعالی این بتان را شکسته وناچیز خواهد کرد

عشر

خمس

حزب

[illegible]

هو

الها وهو فضلكم على العالمين ۝ واذ انجيناكم من آل
خدا وی افزون کرد ایند شمار بر خلق زمانه شما وچون برهانیدیم شمارا از گروه
فرعون يسومونكم سوء العذاب يقتلون ابناءكم
فرعون می نمودند عذاب شمارا سخت عذاب همی کشتند پسران شمارا و زنده
وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم ۝ وواعدنا موسى ثلثين
و اندر آن سختی بود بلائی از خداوند شما بزرگ و وعده کردیم موسی را سی
ليلة واتممناها بعشر فتم ميقات ربه اربعين ليلة
شب و تمام کردیم آن وعده را به ده شب تمام شد وعده خداوندی وی چهل شب
وقال موسى لاخيه هارون اخلفني في قومي واصلح ولا
وگفت موسی مر برادر خویش هارون خلیفتی کن مرا اندر گروه من و خوب کن و
تتبع سبيل المفسدين ۝ ولما جاء موسى لميقاتنا وكلمه
متابعت مکن راه تباه کارانرا وچون بیامد موسی مر وعده گاه ما و سخن گفت
ربه قال رب ارني انظر اليك قال لن تريني ولكن انظر
خداوند وی گفت ای خداوند من بنمای من تا بنگرم بتو گفت نتوانی دیدن مرا ولیکن بنگر
الى الجبل فان استقر مكانه فسوف تريني فلما تجلى ربه
سوی کوه اگر آرام گیرد برجای خویش نگرزد و بتوانی دیدن مرا چون تجلی کرد خداوند
للجبل جعله دكا وخر موسى صعقا فلما افاق قال
مر کوه را کرد ورا پاره پاره و بیفتاد موسی بیهوش شد چون بهوش باز آمد گفت
سبحانك تبت اليك وانا اول المؤمنين ۝ قال يا موسى
پاکی تو باز گردیدم سوی تو و من نخستین گرویدگانم گفت ای موسی
اني اصطفيتك على الناس برسالاتي وبكلامي فخذ ما اتيتك
من گزیدم مر ترا بر مردمان به پیغام من و سخن من بستان آنچه دادم ترا

وكن من الشاكرين ۝ وكتبنا له في الالواح من كل
و باش از شکر گزاران و نوشتیم مر اورا اندر تختها از همه
شيء موعظة وتفصيلا لكل شيء فخذها بقوة وامر
چیزی پندی و پیدا کردیم مر هر چیزی را بگیر آنرا باستواری و بفرمای
قومك يأخذوا باحسنها ساوريكم دار الفاسقين ۝
قوم خویش را تا بگیرند نیکوترین وی زود بنمایم شمارا سرای بیفرمانان
ساصرف عن آياتي الذين يتكبرون في الارض بغير
زود باز گردانم از آیتهای من آنکسی که بزرگی کردند اندر زمین بنا
الحق وان يروا كل آية لا يؤمنوا بها وان يروا سبيل
حق و اگر بینند هر آیتی نگروند بدان و اگر بینند راه
الرشد لا يتخذوه سبيلا وان يروا سبيل الغي يتخذوه
راستی نگیرند آنرا راه و اگر بینند راه بیراهی بگیرند آنرا
سبيلا ۝ ذلك بانهم كذبوا بآياتنا وكانوا عنها غافلين
راه آن بدانست که ایشان دروغ داشتند حجتهای مارا و بودند از آن بی آگاهان
والذين كذبوا بآياتنا ولقاء الآخرة حبطت اعمالهم
و آنکسانی که دروغ داشتند آیتهای مارا و رسیدن بدانجهان تباه و نیست شد کارهای ایشان
هل يجزون الا ما كانوا يعملون ۝ واتخذ قوم موسى
هیچ پاداش ندهند شان مگر بدانچه همی کردند و فرا گرفتند گروه موسی
من بعده من حليهم عجلا جسدا له خوار الم يروا
از پس وی از پیرایهای خویش گوساله کالبدی که مرورا بود بانگی ای ندیدند
انه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا اتخذوه وكانوا
که وی سخن نگفت با ایشان و نه نمود ایشانرا راهی فرا گرفتند آنرا و بودند

خمس

[illegible]

وكن

١٠٩

[illegible]

ظالمين ۞ ولما سقط في أيديهم ورأوا أنهم قد ضلوا
بیدادگران وچون پشیمان گشتند بدانچه کردند وبدیدند که ایشان گمراه گشتند
قالوا لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخاسرين
گفتند اگر نه بخشاید مارا خداوند ما وبیامرزد مارا باشیم از زیان کاران
ولما رجع موسى إلى قومه غضبان أسفا قال بئسما
وچون بازگشت موسی سوی گروه خویش خشمناک واندوهگین گفت بد آنچه
خلفتموني من بعدي أعجلتم أمر ربكم وألقى الألواح
خلیفتی کردید برای من از پس من شتاب کردید فرمان خداوند خویش را وبیفکند تختها
وأخذ برأس أخيه يجره إليه قال ابن أم إن القوم استضعفوني
وبگرفت سر برادر خویش را میکشیدش سوی خویش گفت ای پسر مادر من ای گروه من ضعیف
وكادوا يقتلونني فلا تشمت بي الأعداء ولا تجعلني
وخواستند که بکشند مرا مکن شاد بمن دشمنان را ومکن مرا
مع القوم الظالمين ۞ قال رب اغفر لي ولأخي وأدخلنا
با گروه ستمکاران گفت ای خداوند من بیامرز مرا وبرادر من را واندر آور ما را
في رحمتك وأنت أرحم الراحمين ۞ إن الذين اتخذوا العجل
در بخشایش تو وتو بخشاینده ترین بخشایندگانی آنکسانکه بگرفتند گوساله
سينالهم غضب من ربهم وذلة في الحيوة الدنيا وكذلك
زود رسد بایشان خشمی از خداوندشان وخواری اندر زندگانی این جهان وچنین
نجزي المفترين ۞ والذين عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها وآمنوا
پاداش دهیم دروغ سازندگان را وآنکسانکه بکردند بدیها بازتوبه کردند از پس آن
من بعدها لغفور رحيم ۞ ولما سكت عن موسى الغضب
خداوند تو از پس آن آمرزنده است وبخشاینده وچون بنشست از موسی خشم

أخذ

عشر

[illegible]

[illegible] که در وعده گاه حاضر باشند [illegible]

أخذ الألواح وفي نسختها هدى ورحمة للذين هم لربهم
بگرفت تختها واندر نوشتگی آن راه راست بود وبخشایشی مر آنکسانرا که ایشان بخداوند خویش
يرهبون ۞ واختار موسى قومه سبعين رجلا لميقاتنا
ترسند وبگزید موسی از گروه خویش هفتاد مرد مر وعده گاه ما
فلما أخذتهم الرجفة قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل
پس چون بگرفت ایشانرا زلزله گفت یا خداوند من اگر بخواستی هلاک کردی ایشانرا از پیش
وإياي أتهلكنا بما فعل السفهاء منا إن هي إلا فتنتك
ومرا نیز هلاک کنی مارا بدانچه کردند کم خردان از ما نیست این مگر آزموده کردن تو
تضل بها من تشاء وتهدي من تشاء أنت ولينا فاغفر
گمراه کنی بآن هرکرا خواهی وراه نمائی هرکرا خواهی توئی یار ونگهدار ما بیامرز
لنا وارحمنا وأنت خير الغافرين ۞ واكتب لنا في هذه
مارا وبخشای مارا وتو بهترین آمرزندگانی وبنویس مارا اندرین
الدنيا حسنة وفي الآخرة إنا هدنا إليك قال عذابي
جهان نیکی واندر آنجهان بدرستی که ما بازگشتیم بسوی تو گفت عذاب من
أصيب به من أشاء ورحمتي وسعت كل شيء فسأكتبها
برسانم او را بدانکه خواهم وبخشایش من فراخ شده است هر چیزی را پس زود بنویسم
للذين يتقون ويؤتون الزكوة والذين هم بآياتنا يؤمنون
مرآنکسانرا که پرهیزکاری کنند وبدهند زکوة وآنکسانکه ایشان بحجتها ما بگروند
الذين يتبعون الرسول النبي الأمي الذي يجدونه مكتوبا
آنکسانکه متابع شوند پیغامبر که نانویسنده است آنکه همی یابندشان نوشته
عندهم في التوريه والإنجيل يأمرهم بالمعروف وينهيهم
نزدیک ایشان اندر توریة وانجیل همی فرماید شان به نیکوئی وهمی بازدارد شان

خمس

[illegible]

عن المنكر ويحل لهم الطيبات ويحرم عليهم الخبا

از بدی و حلال کند مر ایشانرا پاکها و حرام کند بر ایشان پلید

ويضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم فالذ

و فرو نهد از ایشان بارگران ایشان و بندها آن که بود بر ایشان پس آنکه

امنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي انز

بگرویدند بوی و بزرگ کردندش و یاری دادندش و متابع شدند روشنایی را آنکه فرو

معه اولئك هم المفلحون ۝ قل يا ايها الناس اني رسول

با وی ایشانند ایشان رستگاران بگو ای مردمان من پیغمبر فرستا

اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا ال

سوی شما همه آنکه مراورست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدا

هو يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذ

وی زنده گرداند و بمیراند و بگروید بخدا و پیغمبر وی پیغمبر نانویسنده آنکه

يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون ۝ ومن

بگرود بخدا و سخن وی و بدم وی روید تا مگر شما راه راست یابید و از

قوم موسى امة يهدون بالحق وبه يعدلون ۝ وقطعنـ

گروه موسی گروهی اند که همی راه برند براستی و بوی همی داد کنند و پراگنده

اثنتي عشرة اسباطا امما واوحينا الى موسى اذ استسقـ

دوازده نبیره یعنی فرقه گروه و پیغام فرستادیم سوی موسی آنگاه که آب

قومه ان اضرب بعصاك الحجر فانبجست منه اثنتا عشـ

گروه وی که بزن بچوب خویش سنگ را بیرون دمید ازوی دواز

عينا قد علم كل اناس مشربهم وظللنا عليهم الغمام

چشمه روان بحقیقه دانست هر مردمانی آبخور خویش و سایه کردیم بر ایشان ابر

وانزلنا

١١٠

عشر

خمس

انزلنا عليهم المن والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم

و فرستادیم بر ایشان ترانگبین و حمامه بخورید از خورشهاء پاک آنچه روزی کردیم شما را

ما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ واذ قيل لهم

کردیم ستم بر شما و لیکن بودید بر تنها خویش ستمکاران و چون گفته شد مر ایشانرا

سكنوا هذه القرية وكلوا منها حيث شئتم وقولوا حطة

آرامید اندرین دیه و بخورید از آنجا هرکجا خواهید و بگوئید بیفکن گناها

ادخلوا الباب سجدا نغفر لكم خطيئاتكم سنزيد

و اندر شوید بدر سرفگنده تا بیامرزیم شما را گناهان شما زود بیفزاییم

لمحسنين ۝ فبدل الذين ظلموا منهم قولا غير الذي قيل

نیکوکارانرا بدل کردند آنشان که بیداد کردند از ایشان گفتاری بجز آنکه گفته شد

هم فارسلنا عليهم رجزا من السماء بما كانوا يظلمون

ایشانرا بفرستادیم بر ایشان عذابی از آسمان بدانچه همی بیداد کردند

سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر اذ يعدون

و بپرس مر ایشانرا از دیه آنکه بود نزدیک دریا چون از حد اندر گذشتند

السبت اذ تاتيهم حيتانهم يوم سبتهم شرعا ويوم لا يسبتون

در شنبه چون همی بیامدشان ماهیان ایشان روز آسودن ایشان تابوهی و آن روز که شنبه کردندی

لا تاتيهم كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون ۝ واذ قالت

نیامدی بایشان همچنین آزموده کردیم ایشانرا بدانچه بودند بیفرمانی کردند و چون گفتند

امة منهم لم تعظون قوما الله مهلكهم او معذبهم عذابا

گروهی از ایشان که چرا همی پند دهید گروهی را که خدا هلاک خواهد کرد ایشانرا یا عذاب خواهد کرد ایشانرا عذابی

شديدا قالوا معذرة الى ربكم ولعلهم يتقون ۝ فلما

سخت گفتند عذر آوریم سوی خداوند شما و تا مگر ایشان پرهیز کنند چون

[illegible]

خمس

نسوا ما ذكروا به انجينا الذين ينهون عن السوء واخذ
فراموش كردند آنچه پند داده شان بوی برهانيم آنها كه همی بازداشتند از بدی و بگرفتيم
الذين ظلموا بعذاب بئيس بما كانوا يفسقون فلما عتوا
آنهارا كه ستم كردند بعذاب سخت بدانچه همی بفرمانی كردند پس چون
عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خاسئين واذ تا
از آنچه باز داشته شدند ازوی گفتيم مرايشان را باشيد بوزينگان دور شدگان و چون
ربك ليبعثن عليهم الى يوم القيمة من يسومهم سو
خداوند تو كه بفرستد بر ايشان تا روز رستخيز كرا اندر خواهد از ايشان
العذاب ان ربك لسريع العقاب وانه لغفور رحيم
عذاب كه خداوند تو زود عقوبت است و وی آمرزنده است
وقطعناهم في الارض امما منهم الصالحون ومنهم دو
و پراگنديم ايشان اندر زمين گروه گروه از ايشان بودند نيكان و از ايشان بود
ذلك وبلوناهم بالحسنات والسيئات لعلهم ير
آن و آزموده كرديم ايشان به نيكيها يعنی نعمتها و به بديها يعنی سختيها تا مگر ايشان باز
فخلف من بعدهم خلف ورثوا الكتاب ياخذون عرض
پس بماندند از پس ايشان فرزندانی بد كه ميراث يافتند نامه يعنی توريه همی گيرند
هذا الادنى ويقولون سيغفر لنا وان ياتهم عرض
اين جهان و همی گويند زود بيامرزد ما را و اگر بيايد بايشان
مثله ياخذوه الم يوخذ عليهم ميثاق الكتاب ان لا
همچون آن بگيرند آنرا گرفته نشود بر ايشان پيمان نامه يعنی توريه
يقولوا على الله الا الحق ودرسوا ما فيه والدار الا
گويند بر خدای مگر راست و بخواندند آنچه اندر وی و سرای باز

بعضی گفته اند که مراد از کتاب قرآن مجید است

[illegible]

خير للذين يتقون افلا تعقلون والذين يمسكون بالكتاب
بهتر است آنهارا كه از عذاب بترسند و چرا همی در نيابند و آنها كه دست اندر زنند بنامه [illegible]
واقاموا الصلوة انا لا نضيع اجر المصلحين واذ نتقنا
بپای دارند نماز را ما ضايع نكنيم مزد خوب كاران و چون بر داشتيم
الجبل فوقهم كانه ظلة وظنوا انه واقع بهم خذوا ما
كوه را زبر ايشان چنان چون سايه بود و گمان بردند كه او خواهد افتادن بايشان بگيريد آنچه
اتيناكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون واذ اخذ
داديم شما را باستواری و ياد كنيد آنچه اندر وی تا مگر شما برهانيد از عذاب و چون برگرفت
ربك من بني ادم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم
خداوند تو از فرزندان آدم از پشتهای ايشان فرزندان ايشان و گواه نهاد ايشان را بر تنهای ايشان
الست بربكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيمة انا كنا
نه من خداوند شما ام گفتند آری گواه گشتيم تا بگويند روز رستخيز ما بوديم
عن هذا غافلين او تقولوا انما اشرك اباؤنا من قبل
از اين بی آگاهان يا گويند انباز گرفتند پدران ما از پيش
وكنا ذرية من بعدهم افتهلكنا بما فعل المبطلون و
و بوديم فرزندانی از پس ايشان با هلاك كنی مارا بدانچه كردند بيكاران و
كذلك نفصل الايات ولعلهم يرجعون واتل عليهم
همچنين پيدا كنيم حجتها تا مگر ايشان باز گردند و برخوان بر ايشان
نبا الذي اتيناه اياتنا فانسلخ منها فاتبعه الشيطان فكا
خبر آن كه بداديمش نشانهای ما پس بيرون آمد از آن جامه از پی وی رفت ديو و بود
من الغاوين ولو شئنا لرفعناه بها ولكنه اخلد الى الارض
از بيراهان و اگر بخواستيمی برآورديمی بدان آيتها وليكن وی بگرويد سوی زمين

[illegible]

جزا

وَاتَّبَعَ هَوٰيهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ
و بدهم آرزوها خویش پس صفت وی چون صفت سگ است اگر نیرو کنی بروی بتواند

تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا فَا
اگر بازداریش اندر جهد این است صفت آن گروه آنانکه دروغ دارند آیتهاء ما

الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ
خبرها تا مگر ایشان اندیشه کنند بد است صفت گروه آنانکه

بِاٰيَاتِنَا وَاَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ مَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ
حجتها ما و بر تنها خویش بودند ستم کرده هرکه راه نماید خدا اوست راه

وَمَنْ يُضْلِلْ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَلَقَدْ ذَرَاْ
و هر کرا گمراه کند ایشانند که ایشان زیان کارانند و ما

لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ
مر دوزخ را بسیاری از پریان و آدمیان مر ایشانرا دلهاست اندر نیابند

بِهَا وَلَهُمْ اَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ اٰذَانٌ لَا يَسْمَعُو
بدان و مر ایشانرا چشمهاست که نبینند بدان و مر ایشانرا گوشهاست که نشنوند

بِهَا اُولٰئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ اُولٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُو
بدان ایشانند چون ستوران که ایشان گمراه ترند ایشانند که ایشان بیخبر

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُ
و مر خدا راست نامها بهترین بخوانید ورا بدان نامها و دست بازدارید

فِي اَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا اُمَّةٌ
اندر نامهاء وی زود پاداش دهندشان بدانچه همی کردند و از آنانکه بیافریدیم

يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِ
همی راه نمایند براستی و بوی حکم کنند و آنانکه دروغ داشتند

سنستدرجهم

ولقد ذرانا لجهنم كثيرا من الجن والانس لام در لجهنم لام عاقبت است نه لام علت چنانکه در فالتقطه آل فرعون ليكون لهم عدوا وحزنا [illegible] بسیار از ایشان دوزخی [illegible] عبادت آفریده شده اند [illegible] وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون

عشر

[illegible]

سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاُمْلِي لَهُمْ اِنَّ كَيْدِي
زود اندر کشیمشان از آنجا که ندانند و مهلت دهیم مر ایشانرا بدرستی که ساز کار من

مَتِينٌ ۝ اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ اِنْ هُوَ اِلَّا نَذِيرٌ
استوار است چرا اندیشه نکنند نیست یار ایشانرا هیچ دیوانگی نیست وی مگر بیم کننده

مُبِينٌ ۝ اَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا
آشکارا کننده چرا همی ننگرند اندر پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه

خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ وَاَنْ عَسٰى اَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ اَجَلُهُمْ
بیافرید خدا از چیزی و شاید بودن که باشد که نزدیک آمده باشد اجل ایشان

فَبِاَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝ مَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَا هَادِيَ
و بکدام سخن از پس آن بگروید هرکرا گمراه کرداند خدا نباشد راه نماینده

لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ
مر اورا و دست بازدارد ایشان اندر گرویدن ایشان تا گشته گردند همی پرسند ترا از قیامت

اَيَّانَ مُرْسٰيهَا قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا
کی باشد درست شدن وی بگو هر آینه دانش وی نزد خداوند من است کشف نکند اورا مر وقت وی

اِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَا تَاْتِيكُمْ اِلَّا بَغْتَةً
مگر وی گران باشد اندر آسمان و زمین نیاید بشما مگر ناگاه

يَسْئَلُونَكَ كَاَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَلٰكِنَّ
پرسند ترا چنانکه تو آگاهی از او بگو بدرستی دانش آن نزد خداست ولیکن

اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ قُلْ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا
بیشترین مردمان همی ندانند بگو ندارم پادشاهی مر تن خویش را سودی و نه

ضَرًّا اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَوْ كُنْتُ اَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ
زیانی مگر آنچه بخواهد خدا و اگر بودی که بدانستمی ناپیدا بسیار کردمی

خمس

من الخير وما مسني السوء ان انا الا نذير وبشير لقوم
از نیکی و نرسیدی بمن بدی نیستم من مگر بیم کننده و مژده دهنده

يؤمنون هو الذي خلقكم من نفس واحدة وجعل منها
که بگروید . وی است آنکه بیافرید شمارا از یک تن یگانه یعنی آدم و بکرد ازو

زوجها ليسكن اليها فلما تغشاها حملت حملا خفيفا
جفت وی یعنی حوا تا بیارامد بوی . چون فرا رفت بوی بار گرفت باری سبک

فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن آتيتنا
بگذشت بدان چون گرانبار شد بخواندند خدای را پروردگار خویش را اگر بدهی مارا

صالحا لنكونن من الشاكرين فلما آتاهما صالحا
فرزندی نیک بباشیم از سپاسداران . چون بداد شان فرزندی نیک

جعلا له شركاء فيما آتاهما فتعالى الله عما يشركون
بکردند مراورا انبازی اندر آنچه بداد شان برتر است خدا از آنچه انباز گیرند

ايشركون ما لا يخلق شيئا وهم يخلقون ولا يستطيعون لهم
با همی انباز گویند آنچه نیافریند چیزی و ایشان را بیافریده اند و نتوانند

نصرا ولا انفسهم ينصرون وان تدعوهم الى الهدى
یاری کردن و نه تنهای خویش را یاری کنند و اگر بخوانند شان براه راست

لا يتبعوكم سواء عليكم ادعوتموهم ام انتم صامتون
بدم نیایند شمارا یکسان است بر شما اگر بخوانید شان یا خاموش باشید

ان الذين تدعون من دون الله عباد امثالكم فادعوهم
آنکه همی خوانید از فرود خدای بندگانند همچون شما بخوانید شان

فليستجيبوا لكم ان كنتم صادقين الهم ارجل يمشون
تا پاسخ دهند مر شمارا اگر هستید راست گویان باهست مر ایشان را پایها که بروند

بها ام لهم ايد يبطشون بها ام لهم اعين يبصرون بها
بدان باهست مرایشان را دستها که بگیرند بدان باهست مرایشان را چشمها که ببینند بدان

ام لهم اذان يسمعون بها قل ادعوا شركاءكم ثم
باهست مرایشان را گوشها که بشنوند بدان بگو بخوانید انبازان شمارا پس

كيدون فلا تنظرون ان وليي الله الذي نزل الكتاب
ساز رنج کنید با من زمان ندهید مرا . هر آینه یار و نگهبان من خداست آنکه فرو فرستاد نامه یعنی قرآن

وهو يتولى الصالحين والذين تدعون من دونه لا
و وی یار و نگهدار نیکان را . و آنها که همی خوانند بجز وی نه

يستطيعون نصركم ولا انفسهم ينصرون وان تدعوهم
توانند یاری کردن شمارا و نه تنهای خویش را یاری کنند و اگر بخوانید شان

الى الهدى لا يسمعوا وتراهم ينظرون اليك وهم
براه راست نشنوند و همی بینید شان همی نگرند سوی تو و ایشان

لا يبصرون خذ العفو وامر بالعرف واعرض عن الجاهلين
نبینند . بگیر اندرگذاشتن و بفرمای نکو کردن و روی بگردان از نادانان

واما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه سميع عليم
و هرگاه که بجنباند ترا از دیو جنبانیدنی باز داشت خواه بخدا که وی شنوا است

ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا
آنکسانی که پرهیزکاری کردند چون برسد بدیشان اندیشه از دیو یاد دارند

فاذا هم مبصرون واخوانهم يمدونهم في الغي ثم لا
آنگاه ایشان بینندگانند و برادران ایشان همی کشند شان اندر بیراهی باز

يقصرون واذا لم تأتهم باية قالوا لولا اجتبيتها
نمیایستند . و چون بیاری ایشان حجتی گویند چرا نیاوری از خویشتن

خمس

عشر

عشر

بها

[illegible]

قل انما اتبع ما يوحى الي من ربي هذا بصائر من ربكم و
بگو جز آنکه من بر پیروم آنرا که پیغام فرستند بمن از خداوند من این پدیداییست از خداوند شما
هدى ورحمة لقوم يؤمنون • واذا قرئ القرآن فاستمعوا
راه نمونی و بخشایش مرگروهیرا که بگروند و چون خوانده شود قرآن گوش دارید
له وانصتوا لعلكم ترحمون • واذكر ربك في نفسك
مراورا و خاموش شوید تا مگر شمارا ببخشایند و یاد کن خداوند خویش را اندر تن خویش
تضرعا وخيفة ودون الجهر من القول بالغدو والآصال
بزاری و بیم و بجز آواز برداشتن از گفتار بامدادان و شبانگاهان
ولا تكن من الغافلين • ان الذين عند ربك لا يستكبرون
و مباش از دلبردگان یعنی بیخبران انکسانکه فرشتگانند نزد خداوند تو اند بزرگ منشی نکنند
عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون

سورة الانفال خمس وسبعون آية

از پرستیدن وی و پاک گویند ورا و مراورا سجده همی کنند

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدایی که غنیمت بر امت محمد صلی الله علیه و آله حلال کرد و مهربانی که مومنانرا نصرت کرد و بخشاینده که دشمنان [illegible]
يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا الله
همی پرسند ترا از غنیمتها کافران بگو یا محمد غنیمتها یعنی خواسته کافران خدایراست و پیغمبر را [illegible]
واصلحوا ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله ان كنتم
و آشتی افگنید میان یکدیگر و فرمان برید خدایرا و پیغمبر ویرا اگر هستید
مؤمنين • انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت
گرویدگان بحقیقت گرویدگان آنانند که چون یاد کرده شود خدا [illegible]
قلوبهم واذا تليت عليهم آياته زادتهم ايمانا وعلى
دلهای ایشان و چون بخوانند بر ایشان حجتهای وی بیفزاید ایشانرا گروش خویش و بر

خمس

سجده

حزب

[illegible]

ربهم

[illegible]

ربهم يتوكلون • الذين يقيمون الصلوة ومما رزقناهم
خداوند خویش ماننده کارهای خویش انکسانکه بپا دارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشانرا
ينفقون • اولئك هم المؤمنون حقا لهم درجات عند
هزینه کنند ایشانند که ایشانند گرویدگان براستی مرایشانراست پایگاهها نزد
ربهم ومغفرة ورزق كريم • كما اخرجك ربك من بيتك
خداوند ایشان و آمرزش و روزی بزرگوار یعنی بهشت همچنانکه بیرون آورد ترا خداوند تو از خانه تو
بالحق وان فريقا من المؤمنين لكارهون • يجادلونك
براستی و گروهی از گرویدگان دشوار همی داشتند پیکار همی کردند با تو
في الحق بعد ما تبين كانما يساقون الى الموت وهم
اندر راستی پس آنکه پدید آمد چنانکه همی رانند سوی مرگ و ایشان
ينظرون • واذ يعدكم الله احدى الطائفتين
همی نگرند و چون وعده کرد شمارا خدا یکی از دو گروه
انها لكم وتودون ان غير ذات الشوكة تكون لكم و
که آن مرشماراست و دوست داشتید که بجز صلاح داران باشد مرشمارا و
يريد الله ان يحق الحق بكلماته ويقطع دابر الكافرين
همی خواهد خدا که پدید کند راستی را بسخنان خویش و ببرد اصل گرویدگان
ليحق الحق ويبطل الباطل ولو كره المجرمون • اذ تستغيثون
تا درست نماید راستی را و نادرست نماید ناراستی را و اگرچه دشوار دارند گناهکاران چون فریاد میخواستید
ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من الملائكة مردفين
از خداوند خویش پاسخ کرد مرشمارا که بفرستم شمارا بهزار از فرشتگان دمادم یکدیگر
وما جعله الله الا بشرى ولتطمئن به قلوبكم وما النصر
و نکرد آنرا خدا مگر مژده و تا آرام گیرد بآن دلهای شما و نیست یاری

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

[illegible]

الا من عند الله ان الله عزيز حكيم ○ اذ يغشيكم النعا[س]

مگر از نزد خدا که خدا استوارکارست وصوابکار چون بپوشانید شمارا خواب

امنة منه وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم

ایمن کردنی ازوی و فرود آورد بر شما از آسمان آبی پاک تا پاک کند شمارا

به ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم

بوی و ببرد از شما عذاب دیو وتا استواری افکند بر دلها

ويثبت به الاقدام ○ اذ يوحي ربك الى الملائكة انى

واستوار گرداند بدان پایهارا چون وحی فرستاد خداوند تو سوی فرشتگان

معكم فثبتوا الذين امنوا سالقي في قلوب الذين كفروا

با شمام استوار گردانید آنکسانرا که بگرویدند زود اندر افکنم اندر دلهاء آنکه کافر شدند

الرعب فاضربوا فوق الاعناق واضربوا منهم كل بنان

بیم وبزنند زبر گردنها وبزنید ازایشان هر انگشت

ذلك بانهم شاقوا الله ورسوله ومن يشاقق الله

بدان بود که ایشان خلاف کردند با خدا وپیغمبراو وهرکه خلاف کند بخدای

ورسوله فان الله شديد العقاب ○ ذلكم فذوقوه

وپیغمبر اورا بدرستی که خدا سخت عقوبت است اینست بچشید

وان للكافرين عذاب النار ○ يا ايها الذين امنوا اذا

وبدرستی مر کافرانرا هست عذاب آتش ای آنکسانکه بگرویده اید چون

لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهم الادبار ○ ومن

فرارسید سوی آنکسانکه کافر شدند بانبوهی بر مگردانید ازایشان پشتهارا وهرکه

يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحيزا الى فئة

بگرداند ازایشان آن روز پشت خویش مگر بازگردانده کارزار را یا بازرونده سوی گروهی

فقد

١١٥

[illegible]

[illegible]

فقد باء بغضب من الله وماويه جهنم وبئس المصير ○

بحقیقت بازگشت بخشم از خدا وجای وی دوزخ باشد وبد جای بازگشتن است

فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت اذ رميت ولكن الله

نکشتید ایشان را ولیکن خدای کشت ایشان را ونه انداختی تو آنگه تو انداختی ولیکن خدا

رمى وليبلي المؤمنين منه بلاء حسنا ان الله سميع عليم ○

انداخت وتا بیازماید گرویدگان را ازوی نعمتی نیکو که خدا شنواست وداناست

ذلكم وان الله موهن كيد الكافرين ○ ان تستفتحوا فقد

چنین بود و خدا سست کننده خوار کننده سازش کافرانست اگر یاری خواهید

جاءكم الفتح وان تنتهوا فهو خير لكم وان تعودوا نعد

آمد بشما یاری واگر باز ایستید این بهتر مر شمارا واگر باز گردید بمعصیت باز گردیم

ولن تغني عنكم فئتكم شيئا ولو كثرت وان الله مع

وسود ندارد شمارا گروه شما چیزی واگر بسیار باشد وخدا

المؤمنين ○ يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله ورسوله

با گرویدگان است ای آنکسانکه گرویده اید فرمان برید خدای را وپیغمبر وی

ولا تولوا عنه وانتم تسمعون ○ ولا تكونوا كالذين

مگردید ازوی و شما همی شنوید ومباشید چون آنکسانکه

قالوا سمعنا وهم لا يسمعون ○ ان شر الدواب عند الله

گفتند شنیدیم وایشان نشنوند بدترین جنبندگان نزد خدا

الصم البكم الذين لا يعقلون ○ ولو علم الله فيهم خيرا

کرانند وگنگانند آنکسانکه اندر نیابند واگر دانستی خدا اندر ایشان نیکی

لاسمعهم ولو اسمعهم لتولوا وهم معرضون ○ يا ايها

بشنوانیدی شان واگر بشنوانیدی شان برگشتندی وایشان روی بگرداننده ای آن

عشر

حزب

[illegible] را بر جای خود با بنده بدینه رود و حکایت غار در اینوقت واقع یافت که از پیش گذشت

[illegible]

الذين آمنوا استجيبوا لله وللرسول إذا دعاكم لما يحييكم
کسانی که بگرویدید پاسخ کنید مر خدای را و مر پیغمبر را چون بخواند شما را زنده گرداند

واعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه وأنه إليه تحشرون
و بدانید که خدا جدا باکند میان مردم و دل وی و شما را سوی وی گردآرند

واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا
و بترسید از نوی ابتی عذاب رسد بدانکه ستم کردند از شما جدا کانه و بدانید

أن الله شديد العقاب واذكروا إذ أنتم قليل مستضعفون
که خدا سخت عقوبت است و یاد کنید چون شما بودید اندک زبون کرده

في الأرض تخافون أن يتخطفكم الناس فآواكم وأيدكم
اندر زمین همی ترسیدند که برانند شما را مردمان جای ساخت شما را و نیرومند کرد

بنصره ورزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون يا
بیاری خویش و روزی کرد شما را از پاکیها خوشها تا مگر شما سپاسدار بید ای

أيها الذين آمنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا أماناتكم
ای انکسانکه بگرویده اید نا راستی مکنید خدا یرا و پیغمبر را و نا راستی زینهار

وأنتم تعلمون واعلموا أنما أموالكم وأولادكم فتنة
و شما همی دانید و بدانید که خواستهاء شما و فرزندان شما

وأن الله عنده أجر عظيم يا أيها الذين آمنوا إن
و خدا است که نزد وی مزدی بزرگ است ای انکسانکه بگرویده اید

تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم سيئاتكم ويغفر
بپرهیزید از عذاب خدا بکند مر شما را خدا یامیان حق و باطل و بپوشاند از شما بدیهاء شما و بیامرزد

لكم والله ذو الفضل العظيم وإذ يمكر بك الذين
مر شما را و خدا خداوند افزونی بزرگ است و چون سازش بد کردند با تو

کفروا

عشر

كفروا ليثبتوك أو يقتلوك أو يخرجوك ويمكرون و
کافر شدند تا استوار کردانند ترا یا بکشند ترا یا بیرون کنند ترا و سازش بد کردند و

يمكر الله والله خير الماكرين وإذا تتلى عليهم آياتنا
بسازد خدا و خدا بهترین سازندگان است و چون برخوانند بر ایشان نشانهاء ما

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا
گفتند شنیدیم اگر بخواهیم بگوییم همچنین مثل این نیست این مگر

أساطير الأولين وإذ قالوا اللهم إن كان هذا
افسانهای پیشینیان و چون گفتند ای بارخدا اگر هست اینک

هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة من السماء
آن راست است از نزد تو بباران بر ما سنگ از آسمان

أو ائتنا بعذاب أليم وما كان الله ليعذبهم وأنت
یا بیار بما عذابی دردناک و نیچنان است که خدا عذاب کند ایشان را و تو

فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون وما لهم
میان ایشانی و نیچنان است که خدا عذاب کننده ایشان را ایشان همی آمرزش خواهند و چه بوده است ایشان را

ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام وما
که عذاب نکند ایشان را خدا و ایشان همی باز دارند از مزگت حرام و نیستند

كانوا أولياءه إن أولياؤه إلا المتقون ولكن أكثرهم
نگهداران وی نیستند نگهداران وی مگر پرهیزکاران و لیکن بیشترین

لا يعلمون وما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء
ندانند و نبود دعاء ایشان نزد خانه کعبه مگر دمیدن

وتصدية فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون إن
و دست بر هم زدن بچشید عذاب بدانچه همی کافر گشتید آن

خمس

الذين كفروا ينفقون اموالهم ليصدوا عن سبيل
کسانکه کافر شدند هزینه کنند خواستهاء خویش تا باز دارند از راه
فسينفقونها ثم تكون عليهم حسرة ثم يغلبون
وزود هزینه کنند آنرا باز باشد بر ایشان پشیمانی باز غلبه کنند ایشان را
والذين كفروا الى جهنم يحشرون ليميز الله الخبيث
وانکه کافر شدند سوی دوزخ گرد آرندشان تا جدا کند پلید را
من الطيب ويجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه
از پاکیها و بکند پلید را بهره از وی بر بهره دیگر
جميعا فيجعله في جهنم اولئك هم الخاسرون قل للذين
همه بکند آنرا در دوزخ ایشانند که ایشان زیان کارانند بگو مر آنکه
كفروا ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف وان يعودوا فقد
کافر شدند اگر باز ایستند از کفر بیامرزد مر ایشان را آنچه گذشت و اگر باز گردند بکفر بحقیقت
مضت سنت الاولين وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة
گذشت راه پیشینیان و کارزار کنید با ایشان تا نباشد آشوب
ويكون الدين كله لله فان انتهوا فان الله بما يعملون
و باشد دین همه مر خدایرا اگر باز ایستند از کفر و خدا بآنچه
بصير وان تولوا فاعلموا ان الله موليكم نعم المولى
بیناست و اگر روی بگردانند بدانید که خدا یار و نگهدار شماست نیک یار
ونعم النصير واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله
و نیکا یاری گر و بدانید که آنچه همی غنیمت گیرید از چیزی مر خدایرا
خمسه وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين
پنج یک وی و مر پیغمبر است و مر خویشاوندان و یتیمان را و درویشان

الجزو العاشر

عشر

[illegible]

١١٧

عشر

وابن السبيل ان كنتم امنتم بالله وما انزلنا على عبدنا
و راه گذاران را اگر چنان است که بگرویده اید بخدای و آنچه فرو فرستادیم بر بنده ما
يوم الفرقان يوم التقى الجمعان والله على كل شيء قدير اذ انتم
روز جدا کردن آن روز که گرد آمدند دو گروه و خدا بر هر چیزی تواناست چون شما
بالعدوة الدنيا وهم بالعدوة القصوى والركب اسفل منكم ولو
بکناره نزدیکتر زمینه بودید و ایشان بکناره دورترین بودند و سواران فروتر از شما بود و اگر
تواعدتم لاختلفتم في الميعاد ولكن ليقضي الله امرا كان
وعده نهاده بیکدیگر ناهموار گشتید اندر وعده و لیکن تا بگذارد خدا کاری که هست
مفعولا ليهلك من هلك عن بينة ويحيى من حي عن
کرده و بوده تا هلاک شود آنکه هلاک شود از حجت و بزید آنکه بزید
بينة وان الله لسميع عليم اذ يريكهم الله في منامك
از حجت و خدا شنوا و داناست چون بنمود ایشان خدا اندر خواب تو
قليلا ولو اريكهم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم في الامر
اندکی و اگر بنمودی ایشان را بتو بسیاری هر آینه بددل گشتید و اختلاف کردید اندر کار
ولكن الله سلم انه عليم بذات الصدور واذ يريكموهم
و لیکن خدا سلامت داد که وی داناست بدانچه اندر دلهاست و چون بنمود شما ایشان
اذ التقيتم في اعينكم قليلا ويقللكم في اعينهم كثيرا
چون فراهم رسیدند اندر چشمهاء شما اندک و اندک کرد اینه شمارا اندر چشمهای ایشان
ليقضي الله امرا كان مفعولا والى الله ترجع الامور
تا بگذارد خدا کاری که هست کرده و بوده و سوی خدا باز گردد کارها
يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا واذكروا الله
ای آنکسانکه گرویده اید چون فرا رسید بگروهی از کافران استوار باشید و یاد کنید خدایرا

خمس

[illegible]

كثيرا لعلكم تفلحون ۝ وأطيعوا الله ورسوله ولا
بسیار تا مگر شما برهید از آنچه بترسید و فرمان برید خدا را و پیغمبر وی را و

تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم واصبروا إن الله مع
ناهمواری مکنید که بددل شوید و برود باد شما یعنی دولت شما و شکیبایی کنید که خدا

الصابرين ۝ ولا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم بطرا
شکیبایانست و مباشید چون آنکسانی که بیرون آمدند از سراهای ایشان

ورئاء الناس ويصدون عن سبيل الله والله بما يعملون
بر دیدار مردمان و همی بازدارند از راه خدا و خدا بدانچه

محيط ۝ وإذ زين لهم الشيطان أعمالهم وقال لا غالب لكم
آگاهست و چون بیاراست مرایشان را دیو کارهای ایشان و گفت غلبه کننده

اليوم من الناس وإني جار لكم فلما تراءت الفئتان
امروز از مردمان و من همسایه ام و زینهاردارم مر شما را پس چون چشم دیدار کشید دو گروه

نكص على عقبيه وقال إني بريء منكم إني أرى ما
برگشت بر دو پاشنه خویش و گفت من بیزارم از شما که من همی بینم آنچه

لا ترون إني أخاف الله والله شديد العقاب ۝ إذ يقول المنافقون
نمی بینید من همی ترسم از خدا و خدا سخت عقوبتست چون گفتند

والذين في قلوبهم مرض غر هؤلاء دينهم ومن يتوكل
و آنکسانی که اندر دلهای ایشان بیماری شکی بود بفریفت اینان را دین ایشان و هر که توکل کند

على الله فإن الله عزيز حكيم ۝ ولو ترى إذ يتوفى
بر خدای خود خدا استوارکارست و صوابکار و چون ببینی یا محمد چون برگرداند

الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبارهم
آنکسان را که کافر شدند فرشتگان همی زنند رویهای ایشان و پشتهای

[illegible]

زراره گوید که بخدمت آنحضرت عرضه داشتم که شیطان از چه ترسید [illegible]

وذوقوا

١١٨

عشر

خمس

[illegible]

وذوقوا عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت أيديكم وأن
و بچشید عذاب سوزان بدانست که پیش فرستاد دستهای شما و

الله ليس بظلام للعبيد ۝ كدأب آل فرعون والذين
خدا نیست ستمکار مر بندگان را چون خوی کسان فرعون و آنکسانی که

من قبلهم كفروا بآيات الله فأخذهم الله بذنوبهم إن
پیش ایشان کافر شدند بحجتها خدا بگرفتشان خدا بگناهان ایشان که

الله قوي شديد العقاب ۝ ذلك بأن الله لم يك مغيرا
خدا با نیروست و سخت عقوبتست این بدانست که خدا نیست که بگرداند

نعمة أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وأن الله
نعمتی را که بنکوی کرد بر گروهی تا بگردانند آنچه بتنهای ایشانست و خدا

سميع عليم ۝ كدأب آل فرعون والذين من قبلهم كذبوا
شنوای داناست چون نهاد مردمان فرعون و آنکسانی که از پیش ایشان بودند بدروغ داشتند

بآيات ربهم فأهلكناهم بذنوبهم وأغرقنا آل فرعون و
حجتهای خداوند خویش و هلاک کردیمشان بگناهان ایشان و غرق کردیم مردمان فرعون و

كل كانوا ظالمين ۝ إن شر الدواب عند الله الذين
همه بودند بیدادگران بترین جنبندگان نزد خدا آنهااند

كفروا فهم لا يؤمنون ۝ الذين عاهدت منهم ثم ينقضون
که کافر شدند و ایشان نگرویده اند آنکسانی که پیمان کردی با ایشان باز بشکنند

عهدهم في كل مرة وهم لا يتقون ۝ فإما تثقفنهم في
پیمان خویش اندر هر باری و ایشان بنپرهیزند و اگر بگیری ایشان را در

الحرب فشرد بهم من خلفهم لعلهم يذكرون ۝ وإما
کارزار پس بدان از ایشان آنکسان را که از پس ایشانند تا مگر ایشان پند گیرند و اگر

[illegible]

119

حافظ ابو نعیم از ابو هریره روایة کرده که گفت از پیغمبر صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود که دیدم در معراج که بر عرش آن نوشته بود لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد عبده و رسوله ایدته بعلی بن ابی طالب ع و این است کریمه هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین والله اعلم بالصواب

تخافن من قوم خیانة فانبذ الیهم علی سواء ان الله
بترسی از گروهی کژی آگاه کن ایشان را باشکاری
لا یحب الخائنین ۝ ولا یحسبن الذین کفروا سبقوا
دوست ندارد خیانت کاران را و مپندارد آنها که کافر گشتند پیشی
انهم لا یعجزون ۝ واعدوا لهم ما استطعتم من قوة
ایشان شما را عاجز نتوانند کرد و آماده کنید مر ایشان را آنچه توانید از
ومن رباط الخیل ترهبون به عدو الله وعدوکم
واز بستن اسپان تا بترسانید بوی دشمنان خدا را و دشمنان شما را
من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم وما تنفقوا من شیء فی
از فرود ایشان ندانید ایشان را خدای داند ایشان را و آنچه هزینه کنید از چیزی
سبیل الله یوف الیکم وانتم لا تظلمون ۝ وان
راه خدا تمام باز شما و بر شما ستم نکنند
جنحوا للسلم فاجنح لها وتوکل علی الله انه هو
بگروند سوی آشتی بگرو سوی وی یعنی میل کن و توکل کن بر خدا که وی ست
السمیع العلیم ۝ وان یریدوا ان یخدعوک فان
شنوا دانا واگر خواهند که بفریبند ترا
حسبک الله هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین والف
بسنده است ترا خدا وی است آنکس نیرومند کرد ترا بیاری کردن خود و بگروندگان
بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت
میان دلهای ایشان اگر هزینه کردی یعنی خرج کردی آنچه اندر زمین است همه نتوانستی
بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم
میان دلهای ایشان ولیکن خدا پیوستگی افکند میان ایشان که وی استوار کار است

یا ایها النبی حسبک الله ومن اتبعک من المؤمنین ۝
ای پیغمبر بسنده است ترا خدا و آنکه متابعت کرد ترا از گروندگان
یا ایها النبی حرض المؤمنین علی القتال ان یکن منکم
ای پیغمبر برانگیزی یعنی رغبت ده گروندگان را بر کارزار اگر باشند از شما
عشرون صابرون یغلبوا مائتین وان یکن منکم مائة
شکیبایان و غلبه کنند دویست را و اگر باشند از شما صدتن
یغلبوا الفا من الذین کفروا بانهم قوم لا یفقهون ۝
غلبه کنند هزار را از آنها که بگرویدند بدانکه ایشان گروهی اند که اندر نیابند
الآن خفف الله عنکم وعلم ان فیکم ضعفا فان یکن منکم مائة
اکنون سبک کرد خدا از شما و دانست که اندر شما سستی هست اگر باشند از شما صدتن
صابرة یغلبوا مائتین وان یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله والله مع
شکیبایان غلبه یابند دویست را و اگر باشند از شما هزارتن غلبه کنند دو هزار بفرمان خدا و خدا با
الصابرین ۝ ما کان لنبی ان یکون له اسری حتی یثخن فی
شکیبایان است نبود مر پیغمبر را که باشد مر او را بندیان تا تاخت کردی کافران اندر
الارض تریدون عرض الدنیا والله یرید الآخرة والله
زمین می خواهید چیز اینجهان و میخواهد خدا آنجهان و خدا
عزیز حکیم ۝ لولا کتاب من الله سبق لمسکم فیما اخذتم
استوار کار و صواب کار اگر نه نوشته بودی از خدا که پیش گرفت هر آینه برسیدی شما را اندر آنچه بگرفتید
عذاب عظیم ۝ فکلوا مما غنمتم حلالا طیبا واتقوا الله
عذابی بزرگ بخورید از آنچه غنیمت یافتید حلال و پاک و بترسید از خدا
ان الله غفور رحیم ۝ یا ایها النبی قل لمن فی ایدیکم
خدا آمرزنده و بخشاینده است ای پیغمبر بگو مر آنها را که اندر دستهای شما

خمس

عشر

یعنی حق تعالی در قران مجید یا در لوح محفوظ نوشته وعده فرموده که اهل بدر را عذاب نکند برکت پیغمبر مصطفی

[illegible]

مسلط شدن کفار

عشر

مِنَ الاَسرٰی اِن یَعلَمِ اللهُ فی قُلُوبِکُم خَیرًا یُؤتِکُم خَیرًا
از بندیان اگر بداند خدا اندر دلهای شما بهتر سلمانید به شما
اُخِذَ مِنکُم وَیَغفِر لَکُم وَاللهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۝ وَاِن یُرِیدُوا
گرفته اند از شما و بیامرزد شما را و خدا آمرزنده است و بخشاینده و اگر خواهند
خِیَانَتَکَ فَقَد خَانُوا اللهَ مِن قَبلُ فَاَمکَنَ مِنهُم وَاللهُ عَلِیمٌ
کژی کردن تو بحقیقه ناراستی کردند با خدا از پیش توانا داد شما را از ایشان و خدا
حَکِیمٌ ۝ اِنَّ الَّذِینَ اٰمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِاَموَالِهِم
و صوابکار و آنکسانکه بگرویدند و هجرت کردند و کارزار کردند بخواسته
وَاَنفُسِهِم فی سَبِیلِ اللهِ وَالَّذِینَ اٰوَوا وَنَصَرُوا اُولٰٓئِکَ
و تنها خویش اندر راه خدا و آنکسانکه جای ساختند و یاری کردند ایشانند
بَعضُهُم اَولِیَآءُ بَعضٍ وَالَّذِینَ اٰمَنُوا وَلَم یُهَاجِرُوا مَا لَکُم
بعضی از ایشان نگهدار بعضی اند و آنکسانکه گرویدند و هجرت نکردند نیست
مِن وَلَایَتِهِم مِن شَیءٍ حَتّٰی یُهَاجِرُوا وَاِنِ استَنصَرُوکُم
از نگهداشتن ایشان هیچ چیزی تا هجرت کنند و اگر یاری خواهند از شما
فِی الدِّینِ فَعَلَیکُمُ النَّصرُ اِلَّا عَلٰی قَومٍ بَینَکُم وَبَینَهُم
در دین بر شماست یاری کردن مگر بر گروهی که میان شما و میان ایشان
مِیثَاقٌ وَاللهُ بِمَا تَعمَلُونَ بَصِیرٌ ۝ وَالَّذِینَ کَفَرُوا بَعضُهُم اَولِیَآءُ
پیمان بود و خدا بدانچه می کنید بیناست و آنکسانکه کافر شدند بعضی از ایشان
بَعضٍ اِلَّا تَفعَلُوهُ تَکُن فِتنَةٌ فِی الاَرضِ وَفَسَادٌ کَبِیرٌ ۝ وَالَّذِینَ
بعضی اند اگر نکنید آن باشد آشوبی اندر زمین و تباهی بزرگ و آنکسانکه
اٰمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فی سَبِیلِ اللهِ وَالَّذِینَ اٰوَوا
گرویدند و هجرت کردند و کارزار کردند اندر راه خدا و آنکسانکه جای ساختند

نصروا

[illegible]

نَصَرُوا اُولٰٓئِکَ هُمُ المُؤمِنُونَ حَقًّا لَهُم مَغفِرَةٌ وَرِزقٌ کَرِیمٌ ۝
یاری کردند ایشانند گرویدگان براستی مر ایشان راست آمرزشی و روزی بزرگ
وَالَّذِینَ اٰمَنُوا مِن بَعدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَکُم فَاُولٰٓئِکَ
و آنکسانکه گرویدند از پس و هجرت کردند و کارزار کردند با شما ایشان
مِنکُم وَاُولُوا الاَرحَامِ بَعضُهُم اَولٰی بِبَعضٍ فی کِتَابِ اللهِ
از شمااند و خویشاوندان بهره از ایشان سزاوارترند ببهره اندر نامه خدا
اِنَّ اللهَ بِکُلِّ شَیءٍ عَلِیمٌ ۝ سورة التوبة مائة وتسع وعشرون آية مدنية
که خدا بهر چیزی داناست
بَرَآءَةٌ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهٖٓ اِلَی الَّذِینَ عَاهَدتُم مِنَ المُشرِکِینَ ۝
این بیزاریست از خدا و پیغمبروی سوی آنکسانکه پیمان بکردید با ایشان از مشرکان
فَسِیحُوا فِی الاَرضِ اَربَعَةَ اَشهُرٍ وَاعلَمُوا اَنَّکُم غَیرُ مُعجِزِی اللهِ
پس بگردید اندر زمین چهار ماه و بدانید که شما گریخته اید از حکم خدا
وَاَنَّ اللهَ مُخزِی الکَافِرِینَ ۝ وَاَذَانٌ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهٖٓ
و خدا عذاب کننده یعنی رسوا کننده ناگرویدگانست و آگاه کردنست از خدا و پیغمبروی
اِلَی النَّاسِ یَومَ الحَجِّ الاَکبَرِ اَنَّ اللهَ بَرِیٓءٌ مِنَ المُشرِکِینَ وَرَسُولُهٗ
سوی مردمان روز حج بزرگترین که خدا بیزارست از انبازگیران یعنی اهل مکه و پیغمبر
فَاِن تُبتُم فَهُوَ خَیرٌ لَکُم وَاِن تَوَلَّیتُم فَاعلَمُوا اَنَّکُم غَیرُ
و اگر بازگردید آن بهتر مر شما را و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما
مُعجِزِی اللهِ وَبَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذَابٍ اَلِیمٍ ۝ اِلَّا الَّذِینَ عَاهَدتُم
نا گریزان خدا را از گرفتن شما و مژده ده آنکسان را که کافر شدند بعذاب دردناک مگر آنکسانکه عهد کردید
مِنَ المُشرِکِینَ ثُمَّ لَم یَنقُصُوکُم شَیئًا وَلَم یُظَاهِرُوا
از انبازگیران باز نه کاستند شما را پیمان چیزی و هم پشتی نکردند

حزب خمس

[illegible]

عليكم احدا فأتموا اليهم عهدهم الى مدتهم ان الله
بر شما کسی را پس تمام کنید باشان پیمان ایشان تا وقت ایشان که خدا
يحب المتقين ۝ فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا
دوست دارد پرهیزکارانرا چون بیرون شود ماهها حرام بکشید
المشركين حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا
انبازگیرانرا هرکجا بیابیدشان وبگیریدشان وبنشینید
لهم كل مرصد فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة
مرایشانرا بر هر گذری واگر بازگردند وبپای دارند نمازرا ودهند زکوة
فخلوا سبيلهم ان الله غفور رحيم ۝ وان احد من المشركين
پس دست بازدارید راه ایشانرا که خدا آمرزنده است وبخشاینده واگر کسی از انبازگیران
استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه
زینهار خواهند از تو زینهار دهش تا بشنود سخن خدایرا باز برسانش بجای ایمنی‌اش
ذلك بانهم قوم لا يعلمون ۝ كيف يكون للمشركين
بدانست که ایشان گروهی اند که ندانند چگونه باشد مرانبازگیرانرا
عهد عند الله وعند رسوله الا الذين عاهدتم
پیمان نزد خدا ونزد پیغمبروی مگر آنکه پیمان نهادند
عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم
نزدیک مزگت حرام تا راست باشد مرشمارا وراست باشید مرایشانرا
ان الله يحب المتقين ۝ كيف وان يظهروا عليكم
که خدا دوست دارد پرهیزکارانرا چگونه باشد شانرا عهد واگر غلبه کنند برشما
لا يرقبوا فيكم الا ولا ذمة يرضونكم بافواههم
نگاه ندارند اندر شما مگر خویشاوندی ونه پیمان خشنود گردانند شمارا بدهنهای خویش

خمس

[illegible]

وتأبى

وتأبى قلوبهم واكثرهم فاسقون ۝ اشتروا بآيات الله
ونخواهد دلهای ایشان وبیشترین ایشان بیفرمانانند بخریدند بحجتهای خدا
ثمنا قليلا فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا
بهای اندک باز داشتند از راه وی که ایشان بد است آنچه همی
يعملون ۝ لا يرقبون في مؤمن الا ولا ذمة واولئك هم
کنند نگه ندارند اندر گرویده خویشاوندی ونه عهدی وایشانند ایشان
المعتدون ۝ فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة
از حد درگذرندگان واگر بازگردند وبپای دارند نمازرا وبدهند زکوة را
فاخوانكم في الدين ونفصل الآيات لقوم يعلمون ۝
برادران شما باشند اندر مسلمانی وپیدا همی کنیم حجتها مرگروهیرا که بدانند
وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم وطعنوا في دينكم
واگر بشکستند سوگندهای خویش از پس پیمان بستن ایشان وعیب کنند اندر دین شما
فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون ۝
کارزار کنید با سران کافران که ایشانند نیست سوگندها مرایشانرا تا مگر ایشان بازایستند
از کفر وشکستن عهد
الا تقاتلون قوما نكثوا ايمانهم وهموا باخراج الرسول
چرا کارزار نکنید با گروهی که بشکستند سوگندهای خویش وآهنگ کردند بیرون کردن پیغمبر
وهم بدءوكم اول مرة اتخشونهم فالله احق ان
وایشان آغاز کردند با شما عهد شکستن نخست بار باهمی ترسید ایشان وخدا سزاوارتر است که
تخشوه ان كنتم مؤمنين ۝ قاتلوهم يعذبهم الله بايديكم
بترسید ازوی اگر هستید گرویدگان کارزار کنید با ایشان تا عذاب کند ایشانرا خدای بدستهای شما
ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين ۝
ورسوا کند ایشانرا ویاری دهد شمارا برایشان وخوش گرداند دلها گروهی گرویدگان

عشر

[illegible]

ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على من يشآء والله
وببرد خشم واندوه دلهاء ايشانرا وتوبه دهد خدا بر انكه خواهد وخدا
عليم حكيم ۝ ام حسبتم ان تتركوا ولما يعلم الله الذين
داناست وصواب كار پنداشتيد كه بمانند شمارا ونادانسته بود خدا مرانكسانرا
جاهدوا منكم ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا
كه جهاد كردند از شما ونگرفتند بجز از خدا ونه پيغمبروى ونه
المؤمنين وليجة والله خبير بما تعملون ۝ ما كان للمشركين
گرويدگان دوست نهانى وخدا آگاهست بدانچه مى كنيد نبود ونباشد مر انبازگيرانرا
ان يعمروا مساجد الله شاهدين على انفسهم بالكفر اولٓئك
كه عمارت كنند مزگتهاى خدا انگاه گواهان باشند بر تنهاء خويش بكافرى ايشانند
حبطت اعمالهم وفي النار هم خالدون ۝ انما يعمر مساجد الله
كه نيست وتباه گشت كارهاى ايشان واندر آتش ايشان جاودان بمانند همانا آبادان كنند مزگتهاى خدا
من آمن بالله واليوم الآخر واقام الصلوة وآتى الزكوة
انكسى كه بگرود بخدا وبروز بازپسين وبپاى دارد نمازرا وبدهد زكوةرا
ولم يخش الا الله فعسى اولٓئك ان يكونوا من المهتدين ۝
ونترسد مگر از خدا مگر شايد بودن كه ايشان باشند از راه يافتگان
اجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله
بابكرديد آب دادن حجاج را وآبادان كردن مزگت حرام را چون كسى كه بگرود بخدا
واليوم الآخر وجاهد في سبيل الله لا يستوون عند الله
وبروز بازپسين وجهاد كند در راه خدا برابر نباشند نزد خدا
والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ الذين آمنوا وهاجروا
وخدا راه ننمايد گروه ستمكارانرا انكسانكه بگرويدند وهجرت كردند از [illegible]

وجاهدوا

خمس

[illegible]

بهيچ مى گوييد گفتند مگر شمار [illegible] گفته بجا [illegible] بخدا سوگند كه ما عمارت مسجد الحرام مى نماييم وحجابت يعنى در [illegible] كعبه با ماست وسقايت حاج مى كنيم وهر كه در آن [illegible]

عشر

وجاهدوا في سبيل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة
وجهاد كردند اندر راه خداى بخواستهاء خويش وتنهاء خويش بزرگترند بپايگاه
عند الله واولٓئك هم الفآئزون ۝ يبشرهم ربهم برحمة
نزد خدا وايشانند كه ايشان رستگاراند مژده دهد ايشانرا خداوندايشان ببخشايش
منه ورضوان وجنات لهم فيها نعيم مقيم ۝ خالدين فيهآ
ازوى وخشنودى وبوستانهاى كه باشد مرايشانرا اندر آنجا نعمتى پايدار جاودان اندر آنجا
ابدا ان الله عنده اجر عظيم ۝ يآ ايها الذين آمنوا لا تتخذوا
هميشه كه خدايست كه نزدوى است مزد بزرگ اى آن كسانكه بگرويده ايد مگيريد
آبآءكم واخوانكم اوليآء ان استحبوا الكفر على الايمان
پدران شما وبرادران شمارا ياران اگر دوست گيرند وبگزينند كافريرا بر گروش
ومن يتولهم منكم فاولٓئك هم الظالمون ۝ قل ان كان
وهركه دوست گيرد ايشانرا از شما ايشانند كه ايشان ستمكاراانند بگو اگر باشد
آباؤكم وابنآؤكم واخوانكم وازواجكم وعشيرتكم
پدران شما وپسران شما وبرادران شما وزنان شما وتبار شما
واموال اقترفتموها وتجارة تخشون كسادها ومساكن
وخواستها كه كسب كرده ايد وبازرگانى كه بترسيد از ناروايى وى وآرامگاه بودن
ترضونها احب اليكم من الله ورسوله وجهاد في
كه بپسنديد دوست تر بشما از خدا وپيغمبروى وكارزار كردن در
سبيله فتربصوا حتى يأتي الله بامره والله لا يهدي
راه وى چشم داريد تا بيارد خداى كار وفرمان خويش وخدا ره ننمايد
القوم الفاسقين ۝ لقد نصركم الله في مواطن كثيرة
گروه بدكارانرا نيك يارى كرد شمارا خدا اندر جايگاههاى بسيار

[illegible]

ويوم حنين اذ اعجبتكم كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا
و روز غزای حنین چون خوش آمد شما را بسیاری شما و باز نداشت از شما چیزی
وضاقت عليكم الارض بما رحبت ثم وليتم مدبرين ثم
و تنگ شد بر شما زمین با فراخی وی باز برگشتید پس روندگان باز
انزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين وانزل
فرو فرستاد خدا آرامش وی بر پیغمبر وی و بر گرویدگان و فرو فرستاد
جنودا لم تروها وعذب الذين كفروا وذلك جزاء
سپاهها وی که ندیدید آنها را یعنی فرشتگان و عذاب کرد آنها را که کافر گشتند و این است پاداش
الكافرين ۝ ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء والله
ناگرویدگان باز توبه دهد خدا از پس آن بر هر که خواهد و خدا
غفور رحيم ۝ يا ايها الذين امنوا انما المشركون
آمرزنده است و بخشاینده ای آنها که گرویده اید بدانید که انباز گیرندگان
نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان
پلیدند نزدیک نیایند بمزگت حرام پس سال ایشان این و اگر
خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان
بترسید از درویشی زود باشد که بی نیاز کرداند شما را خدا از افزونی وی اگر
شاء ان الله عليم حكيم ۝ قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله
خواهد که خدا داناست و استوار کار کارزار کنید با آنها که نگروند بخدا
ولا باليوم الاخر ولا يحرمون ما حرم الله ورسوله ولا
و نه بروز بازپسین و حرام ندارند آنچه حرام کرد خدا و پیغمبر وی و نه
يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا
اعتقاد می کنند دین مسلمانی از آنها که داده شان نامه یعنی توریة تا بدهند

عشر

[illegible]

الجزية

الجزية عن يد وهم صاغرون ۝ وقالت اليهود عزير
سرگزیت از دست و ایشان خوار باشند و گفتند جهودان که عزیر
ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم
پسر خداست و گفتند ترسایان که عیسی پسر خداست این گفتار ایشان
بافواههم يضاهئون قول الذين كفروا من قبل قاتلهم الله
بدهنهای ایشان مانندهٔ است گفتار آنانکه کافر شدند از پیش هلاک کناد ایشان را خدا
انى يؤفكون ۝ اتخذوا احبارهم ورهبانهم اربابا
از کجا دروغ همی گویند بگرفتند دانشمندان خویش را و زاهدان خویش را خدایان
من دون الله والمسيح ابن مريم وما امروا الا ليعبدوا
از جز خدا و عیسی پسر مریم را و نفرمودند ایشان را مگر تا پرستند
الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون ۝
یک خدای را نیست خدای را مگر وی پاکست وی از آنچه همی انباز گیرند
يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم ويابى الله الا
همی خواهند که فرو نشانند روشنائی خدای را بدهنهای خویش و نپسندد خدا و نخواهد خدا مگر
ان يتم نوره ولو كره الكافرون ۝ هو الذي ارسل
که تمام کند روشنائی خویش را و اگر چه دشوار دارند ناگرویدگان وی است آنکه فرستاد
رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
پیغمبر خویش بر راه راست و دین راست تا غلبه کرداند او را بر دینها همه
ولو كره المشركون ۝ يا ايها الذين امنوا ان كثيرا
و اگر چه دشوار دارند انباز گیران ای آنها که گرویده اید بدانید که بسیاری
من الاحبار والرهبان لياكلون اموال الناس
از دانشمندان و زاهدان همی بخورند خواسته مردمان را

عشر

[illegible]

حق تعالی آسمان وزمین را آفرید هر سالی دوازده ماه است از جمله آنها چهار ماه حرام است سه ماه پی در پی که عبارت از
ذوالقعده وذوالحجه ومحرم وچهارم ماه رجب که درمیان جمادی وشعبان است پس نهی فرمود ایشانرا از النسئ وآن بود

بالباطل ویصدون عن سبیل الله والذین یکنزون
به ناشایست وباز همی دارند از راه خدا وآنکسانکه همی گنج نهند
الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم
زر را وسیم را وهزینه نکنند آنرا اندر راه خدا مژده ده
بعذاب الیم یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها
بعذاب دردناک روزی که بتفسانند آنرا اندر آتش دوزخ داغ کنند بوی
جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم
پیشانیهای ایشانرا وپهلوهای ایشان را وپشتهای ایشانرا گویند این است آنچه همی گنج نهادید مر تنهای
فذوقوا ما کنتم تکنزون ان عدة الشهور عند الله
بچشید آنچه همی گنج نهادید شمار ماهها نزد
اثنی عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات والارض
دوازده ماه است اندر نامه خدا یعنی لوح محفوظ آنروز که بیافرید آسمانها وزمین
منها اربعة حرم ذلک الدین القیم فلا تظلموا فیهن
ازان چهار ماه حرام است این است دین راست با شما درست وستم مکنید اندر آن
انفسکم وقاتلوا المشرکین کافة کما یقاتلونکم
بر تنهای خویشتن وکارزار کنید با انبازگیران همه چنانکه کارزار کنند با شما
کافة واعلموا ان الله مع المتقین انما النسئ زیادة
همه وبدانید که خدا با پرهیزکاران است جز این نیست پس افکندن حج را افزونیست
فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاما ویحرمونه
اندر کافری گمراه شوند بوی آنکسانکه کافر شدند حلال کردانند آنرا سالی وحرام کردانند
عاما لیواطئوا عدة ما حرم الله فیحلوا ما حرم الله زین
سالی تا موافق آرند شمار آنرا آنچه حرام کرد ایزد خدا تا حلال کردانند آنچه حرام کرد ایزد خدا آراسته

لهم سوء

[illegible]

لهم سوء اعمالهم والله لا یهدی القوم الکافرین یا
بر ایشان زشتی کارهای ایشان وخدا راه ننماید گروه ناگرویدگان را ای
ایها الذین امنوا ما لکم اذا قیل لکم انفروا فی
آنکسانکه گرویده اید چه بوده است مر شما را چون گویند مر شما را بیرون شوید اندر
سبیل الله اثاقلتم الی الارض ارضیتم بالحیوة الدنیا من الاخرة فما
راه خدا گران شدید سوی زمین تا پسند کردید زندگانی اینجهان از آنجهان نیست
متاع الحیوة الدنیا فی الاخرة الا قلیل الا تنفروا یعذبکم عذابا الیما
برخورداری زندگانی اینجهان اندر آنجهان مگر اندک مگر بیرون نشوید بجهاد عذاب کند شما را عذابی دردناک
ویستبدل قوما غیرکم ولا تضروه شیئا والله علی
وبدل آرد گروهی جز شما وزیان نکنید چیزی وخدا بر
کل شیء قدیر الا تنصروه فقد نصره الله اذ اخرجه
همه چیزی تواناست اگر یاری نکنید پیغمبر یاری کرد ویرا خدا چون بیرون کردند ویرا
الذین کفروا ثانی اثنین اذ هما فی الغار اذ یقول
آنکسانکه کافر شدند دوم دو چون ایشان هردو اندر غار بودند چون گفت
لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سکینته
مر یار خویش را اندوه مدار که خدا با ماست فرو فرستاد خدا آرامش خویش
علیه وایده بجنود لم تروها وجعل کلمة الذین
بر وی ونیرو داد کردش بسپاهها که ندیدید ویرا وبکرد سخن آنکسانکه
کفروا السفلی وکلمة الذین کفروا السفلی و
کافر شدند فروترین وسخن
کلمة الله هی العلیا والله عزیز حکیم انفروا خفافا
خدا ویست برترین وخدا استوار کار وصواب کار است بیرون شوید سبکباران

[illegible]

وثقالا وجاهدوا باموالكم وانفسكم في سبيل الله
وگرانباران وکارزار کنید بخواسته خویش وتنهاء خویش اندر راه خدا
ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون لو كان عرضا قريبا
اینتان بهتر مر شمارا اگر چنان است که همی دانید اگر بودی چیزی از جهان بغنیمت نزدیک
سفرا قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت عليهم الشقة
سفری میانه هر آینه پیروی کردندی ترا ولیکن دور دور از و برایشان سختی و راه دراز
سيحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون انفسهم
زود سوگند خورند بخدا اگر توانستیمی بیرون آمدیمی با شما هلاک میکنند تنهاء خویش
والله يعلم انهم لكاذبون عفا الله عنك لم
وخدا میداند که ایشان دروغ گویند اندر گذاشت خدا از تو چرا
اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم الكاذبين
دستوری دادی ایشان را تا پدید آمدی مر ترا آنها که راست گفتند و بدانستی دروغ زنان
لا يستاذنك الذين يؤمنون بالله واليوم الاخر ان
دستوری نخواهند از تو آنها که بگروند بخدا و بروز بازپسین که
يجاهدوا باموالهم وانفسهم والله عليم بالمتقين انما
کارزار کنند بخواسته خویش و تنهاء خویش و خداوند داناست بحال پرهیزکاران
يستاذنك الذين لا يؤمنون بالله واليوم الاخر وارتابت
دستوری خواهند از تو آنها که نگروند بخدا و روز بازپسین و گمان کردند
قلوبهم فهم في ريبهم يترددون ولو ارادوا الخروج
دلهاء ایشان و ایشان اندر گمان خویش همی گردند و اگر بخواستندی برون آمدن
لاعدوا له عدة ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم
ساخته کردندی مر او را سازی ولیکن نپسندید خدا اجنبیدن و خواستن ایشان گران کرد

وقيل اقعدوا

خمس

بعذر اوردن توکه منافقان رخصت خواهند
و ایستند جدا شدن پیر مخصت آن نماینده
دروغ نفاقشان معلوم گردد

وقيل اقعدوا مع القاعدين لو خرجوا فيكم ما زادوكم
و گفته بنشینید با نشستگان اگر بیرون آمدندی با شما نیفزودندی شمارا
الا خبالا ولا وضعوا خلالكم يبغونكم الفتنة وفيكم
مگر تباهی و اشتی ساختندی میان شما بجستندی شمارا عیب و آشوب و اندر شما
سماعون لهم والله عليم بالظالمين لقد ابتغوا الفتنة
شنوندگانند مرایشان را و خداوند داناست بحال بیدادگران نیک بجستند عیب و آشوب
من قبل وقلبوا لك الامور حتى جاء الحق وظهر امر الله وهم
از پروز برگردانیدند مر ترا کارها تا بیامد راستی و پدید آمد کار خدا و ایشان را
كارهون ومنهم من يقول ائذن لي ولا تفتني الا
دشوار همی داشتند و از ایشان کیست که میگوید دستوری ده مرا و میاشوبان مرا بدانید که در
في الفتنة سقطوا وان جهنم لمحيطة بالكافرين ان تصبك
آشوب افتادند ایشان و براستی که بدوزخ گرد اندر گرفته است ناگرویدگان را اگر برسد بتو
حسنة تسؤهم وان تصبك مصيبة يقولوا قد اخذنا امرنا
نیکی ظفری و غنیمتی اندوهگین گرداند ایشان را و اگر برسد بتو اندوه بزرگ گویند بحقیقه ما گرفته بودیم کار خویش
من قبل ويتولوا وهم فرحون قل لن يصيبنا الا ما كتب الله
از پیش و برگردند و ایشان شادمانانند بگو یا محمد هرگز نرسد بما مگر آنچه نبشت خدا
لنا هو مولينا وعلى الله فليتوكل المؤمنون قل
ما را وی است خداوند و نگهدار ما و بر خدا توکل باید کردن گرویدگان را بگو
هل تربصون بنا الا احدى الحسنيين ونحن نتربص
چشم میدارید بما مگر یکی از دو نیکوئی یا ظفر اندر دنیا و ما چشم داریم
بكم ان يصيبكم الله بعذاب من عنده او بايدينا
بشما که برساند شمارا خدا عذابی از نزدی یا بدستهاء ما یا بشمشیر

عشر

[illegible]

فتربصوا انا معکم متربصون ۝ قل انفقوا طوعا او کرها لن
وچشم همی دارید که ما با شما چشم دارندگانیم بگو هزینه کنید بکام یا بناکام هرگز
یتقبل منکم انکم کنتم قوما فاسقین ۝ وما
پذیرفته نشود از شما که شما هستید گروهی بیفرمانان و
منعهم ان تقبل منهم نفقاتهم الا انهم کفروا بالله وبرسوله
باز نداشت ایشانرا که پذیرفته شود از ایشان هزینه ایشان مگر انکه ایشان کافر گشتند بخدا و پیغمبر وی
ولا یاتون الصلوة الا وهم کسالی ولا ینفقون الا وهم
و نیایند بنماز مگر ایشان کاهلان باشند و هزینه نکنند مگر ایشان
کارهون ۝ فلا تعجبک اموالهم ولا اولادهم انما یرید الله
ناکام باشند خوش نیاید ترا خواستهای ایشان و نه فرزندان ایشان هر آینه خواهد خدا
لیعذبهم بها فی الحیوة الدنیا وتزهق انفسهم وهم
عذاب کند ایشانرا بدان در زندگانی این جهان و هلاک شود جانهای ایشان و ایشان
کافرون ۝ ویحلفون بالله انهم لمنکم وما هم منکم ولکنهم
کافران باشند و سوگند خورند بخدا که ایشان از شما اند و نیستند ایشان از شما و لکن
قوم یفرقون ۝ لو یجدون ملجا او مغارات او مدخلا
گروهی اند که همی ترسند اگر بیابندی پناه گاهی یا نهان گاهی یا جای اندر شدن
لولوا الیه وهم یجمحون ۝ ومنهم من یلمزک فی الصدقات
برگردند سوی وی و ایشان همی شتابند و از ایشان کسی که عیب کند ترا اندر صدقات
فان اعطوا منها رضوا وان لم یعطوا منها اذا هم
اگر بدهندشان از آنجا خشنود گردند و اگر ندهندشان از آنجا آنگه
یسخطون ۝ ولو انهم رضوا ما اتیهم الله ورسوله
خشم گیرند و اگر ایشان بپسندیدی آنچه مر ایشانرا خدا و پیغمبر وی

وقالوا

وقالوا حسبنا الله سیؤتینا الله من فضله ورسوله
و گفتندی بسنده است ما را خدا زود بدهد ما را خدا از افزونی خود و پیغمبر وی که ما
انا الی الله راغبون ۝ انما الصدقات للفقراء والمساکین
سوی خدا همی امیدواریم هر آینه صدقها مر درویشانراست و نیازمندان
والعاملین علیها والمؤلفة قلوبهم وفی الرقاب
و کارکنان را بر آن و نرم کرده دلهاء ایشانرا و اندر آزاد کردن بندگان
والغارمین وفی سبیل الله وابن السبیل فریضة
و وامداران را و اندر راه خدای و رهگذری را واجبی
من الله والله علیم حکیم ۝ ومنهم الذین یؤذون النبی
از خدای و خدای داناست بحال بندگان استوارکار و از ایشان کسانی اند که بیازارند پیغمبر را
ویقولون هو اذن قل اذن خیر لکم یؤمن بالله ویؤمن للمؤمنین
و گویند وی سخن شنوست بگو شنونده نیکست مر شما را بگرود بخدا و استوار دارد مر گرویدگانرا
ورحمة للذین امنوا منکم والذین یؤذون رسول الله
و بخشایشی مر آنکسانرا که بگرویده اند از شما و آنکسانکه بیازارند پیغمبر خدایرا
لهم عذاب الیم ۝ یحلفون بالله لکم لیرضوکم والله ورسوله
مر ایشانراست عذابی دردناک سوگند خورند بخدا مر شما را تا خشنود کردن شما را و خدا و پیغمبر وی
احق ان یرضوه ان کانوا مؤمنین ۝ الم یعلموا انه من
سزاوارترست که خشنود کرده آیند وی را اگر هستید گرویدگان همی ندانند که هر کسی که
یحادد الله ورسوله فان له نار جهنم خالدا فیها ذلک الخزی
خلاف کند خدایرا و پیغمبر وی را که هر آینه مر اوراست آتش دوزخ جاودان در آنجا اینست رسوایی
العظیم ۝ یحذر المنافقون ان تنزل علیهم سورة
بزرگ پرهیز کنند منافقان که فرو فرستاده شود بر ایشان سورتی از قرآن

صدقات را بزکوة واجبی تفسیر کرده اند و زکوة نسبتی مخصوص اثنا عشریه گفته اند که زکوة واجب لازم نیست که بهم آنها داده شود و الله اعلم بالصواب

عشر

مراد از سبیل الله جهاد است یا مصارف خیرات دیگر مثل پل و رباط و تعمیر مساجد و مانند اینها چنانکه مذهب امامیه است

اذن خبر مبتدا محذوف است و بر تقدیر است که فعل هو اذن خیر لکم و اذن کسی را گویند که سخن هر کس را بشنود و قبول کند [illegible]

[illegible]

[illegible]

خمس

حزب

محل الاستجابه

خمس

[illegible]

تنبئهم بما في قلوبهم قل استهزءوا ان الله مخرج ما تحـ
آگاهی دهد ایشانرا بدانچه در دلهای ایشانست بگو افسوس همی دارید که خدا بیرون آرنده است آنچ
ولئن سألتهم ليقولن انما كنا نخوض ونلعب قل ابالله
و اگر بپرسی ایشانرا بگویند ما سخن بکاری همی گفتیم و بازی همی کردیم بگو بخدا
وآياته ورسوله كنتم تستهزءون ۝ لا تعتذروا قد كفرتم
و بآیتهای وی و بپیغمبر وی همی افسوس کردید عذر میارید که کافر شدید
بعد ايمانكم ان نعف عن طائفة منكم نعذب طائفة
پس از گروش شما اگر اندر گذاریم از گروهی از شما و عذاب کنیم گروهی
بانهم كانوا مجرمين ۝ المنافقون والمنافقات بعضهم
بدانکه بودند گناه کاران مردان منافقان و زنان منافقان بهره از
من بعض يأمرون بالمنكر وينهون عن المعروف ويقبضون
از بهره همی فرمایند بناخوبی و باز همی دارند از نیکویی و همی واگیرند
ايديهم نسوا الله فنسيهم ان المنافقين هم الفاسقون
دستهای خویش یعنی بخیلی کنند بازماندند خدای را پس بازماند ایشانرا خدا که منافقان ایشانند بیفرمانان
وعد الله المنافقين والمنافقات والكفار نار جهنم
وعده کرد خدای مردان منافقان را و زنان منافقان و کافرانرا آتش دوزخ
خالدين فيها هي حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب مقيم
جاودان در آنجا آن بسنده است ایشانرا و دور کرد ایشانرا خدا و مر ایشانراست عذاب پاینده
كالذين من قبلكم كانوا اشد منكم قوة واكثر اموالا
چون آنکسانکه از پیش شما بودند سخت‌تر از شما بنیرو و بیشتر بخواسته
واولادا فاستمتعوا بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقكم كما
و فرزندان و برخورداری گرفتند بهره خویش پس برخورداری گرفتید شما بهره شما چنانکه

استمتع

١٢٧

[illegible]

عشر

استمتع الذين من قبلكم بخلاقهم وخضتم كالذي خاضوا
برخورداری گرفتند آنانکه از پیش شما بودند بهره خویش و سخن را بکار بد شنیدید چنانکه اندر شدند
اولئك حبطت اعمالهم في الدنيا والآخرة واولئك
ایشانند که تباه گشت کارهای ایشان اندر اینجهان و آنجهان و ایشانند
الخاسرون ۝ الم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح
زیان کاران نیامد بایشان آگاهی آنکسانکه از پیش ایشان بودند گروه نوح
وعاد وثمود وقوم ابراهيم واصحاب مدين والمؤتفكات
و گروه هود و گروه صالح و گروه ابراهیم و باشندگان شهر مدینه و اهل شهرستانهای لوط
اتتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم ولكن
آمدند بایشان پیغمبران ایشان حجتها پس نه چنان بود که خدا همی بیداد کردی بریشان ولیکن
كانوا انفسهم يظلمون ۝ والمؤمنون والمؤمنات بعضهم
بودند بر تنهای خویش ستم کردند و مردان گرویدگان و زنان گرویدگان برخی از ایشان
اولياء بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر
دوستان برخی اند میفرمایند به نیکویی و باز میدارند از ناخوبی
ويقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة ويطيعون الله و
و بپای میدارند نماز را و بدهند زکوة را و فرمان برند خدای و
رسوله اولئك سيرحمهم الله ان الله عزيز حكيم ۝
پیغمبر او را ایشانند که زود باشد که ببخشاید ایشانرا خدا که خدا صواب کار است و دانا
وعد الله المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من تحتها
وعده کرد خدا مردان گرویدگانرا و زنان گرویدگانرا بهشتها که میرود از زیر
الانهار خالدين فيها ومساكن طيبة في جنات عدن
جویهای روان جاودان در آنجا و ارامگاهها خوش پاکیزه در بهشت عدن

ایشان نبود وایشان سوکند خوردند که آنرا نکفته اند والله تعالی اعلم

[illegible]

وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ اَكْبَرُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ يَا اَيُّهَا
وخشنودی از خدای بزرک است این است آن فیروزی بزرک ای
النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان و درشت سخن باش بر ایشان
وَمَاْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ مَا قَالُوا
وجایکاه ایشان دوزخ و بد جای بازکشتن است سوکند خورند بخدا که نکفتند
وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ اِسْلَامِهِمْ وَ
وهرآینه کفتند سخن کفر و کافر شدند پس از کرویدن ایشان
هَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا اِلَّا اَنْ اَغْنٰيهُمُ اللّٰهُ وَرَسُو
آهنگ کردند بدانچه نیافتند و کینه نداشتند مکر آنکه توانکر کردانیدشان خدا و پیغمبر
مِنْ فَضْلِهِ فَاِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَاِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ
از افزونی خود اکر توبه کنند باشد بهتر مر ایشان را و اکر برکردند عذاب کند
عَذَابًا اَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْاَرْضِ مِنْ
عذابی دردناک اندر اینجهان و آنجهان و مر ایشان را اندر زمین هیچ دو
وَلَا نَصِيرٍ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ اٰتٰينَا مِنْ فَضْلِ
ونه یاری کری واز ایشان کیست که پیمان کرد با خدا که اکر بدهد مارا از افزونی
لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ فَلَمَّا اٰتٰيهُمْ مِنْ
صدقه دهیم و باشیم از نیکوکاران آنکاه که بدادشان از
فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ فَاَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا
افزونی خود بخیلی نمودند بدان و برکشتند و ایشان روی بکردانیدکان بودند پس از درشان
فِي قُلُوبِهِمْ اِلٰى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا اَخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُو
اندر دلهای ایشان تا آن روز که ببینند وی بدانچه خلاف کردند خدای را آنچه وعده کرد

این کروه نقض آنچه بود ایشان لازم است میکنند و در برابر نعمت آن کفران ورزیده اند و الا اغناهم الله بتقدیر حرف جراست و کو یا کفته شده الا لان اغنیهم الله

وبما

[illegible]

[illegible]

عشر

بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝ اَلَمْ يَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ
بدانچه که دروغ کفتند ندانستند که خدا همی داند
هُمْ وَنَجْوٰيهُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ اَلَّذِينَ
نهان ایشان و آشکار ایشان و خدا داننده غیبهاست آنکسانکه
ونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ
عیب کنند افزونی دهندکان را از کرویدکان در صدقها وآنکسانکه نیابند
لَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّٰهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
مکر توانایی خویش فسوس کنند از ایشان فسوس کند خدا از ایشان و مر ایشان را باشد عذاب
اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ
آمرزش خواه مر ایشان را یا مخواه آمرزش مر ایشان را اکر آمرزش خواهی ایشان را هفتاد
ةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ
نیامرزد خدا مر ایشان را این بدان است که ایشان کافر کشتند بخدا و پیغمبری
اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ
راه ننماید کروه بیفرمانان را شادمان کشتند باز پس ماندکان
عَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللّٰهِ وَكَرِهُوا اَنْ يُجَاهِدُوا
بنشستن ایشان پس پیغمبر خدا و دشوار داشتند که کارزار کنند
مْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا
بمالهای خویش و تنهای خویش اندر راه خدا و کفتند بیرون مروید
لْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ اَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ۝ فَلْيَضْحَكُوا
بکرما بکو آتش دوزخ سخت تر است کرما اکر خبر یابند که اندر یابید بخندید
لًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَاِنْ
اندکی و بکریید بسیار پاداش بود بدانچه همی کردند واکر

[illegible]

رجعك الله الى طائفة منهم فاستاذنوك للخروج

گرداند ترا خدا سوی گروهی ازیشان دستوری خواهند از تو مر بیرون

فقل لن تخرجوا معي ابدا ولن تقاتلوا معي عدوا انكم

بگو هرگز بیرون میایید با من همیشه وهرگز کارزار مکنید با من با دشمن

رضيتم بالقعود اول مرة فاقعدوا مع الخالفين

بپسندید کار کنید بنشستن نخستین بار بنشینید با سپس ماندگان

ولا تصل على احد منهم مات ابدا ولا تقم على قبره انهم

و نماز مکن بر کسی ازیشان که بمیرد هرگز و بایست بر گور وی

كفروا بالله ورسوله وماتوا وهم فاسقون ولا تعجبك

کافر گشتند بخدا و پیغمبر وی و بمردند و ایشان بیفرمانان بودند

اموالهم واولادهم انما يريد الله ان يعذبهم بها في

خواستهای ایشان و فرزندان ایشان بدرستی که همی خواهد خدا که عذاب کند ایشانرا بدان

وتزهق انفسهم وهم كافرون واذا انزلت سورة

وهلاک شود تنهاء ایشان و ایشان کافر باشند و چون فرو فرستاده شد

ان امنوا بالله وجاهدوا مع رسوله استاذنك اولوا

که بگروید بخداء و کارزار کنید بغزا روید با پیغمبر وی دستوری خواهند

الطول منهم وقالوا ذرنا نكن مع القاعدين رضوا

خواسته ازیشان و گویند دست باز دار ما را تا باشیم با نشستگان

يكونوا مع الخوالف وطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون

باشند با سپس ماندگان یعنی زنان و مهر نهاده شد و بر دلهای ایشان و ایشان

لكن الرسول والذين امنوا معه جاهدوا باموالهم

لیکن پیغمبر و آنهاکه بگرویدند با وی جهاد کردند

خمس

وانفسهم

١٢٩

وانفسهم واولئك لهم الخيرات واولئك هم المفلحون

و تنهای خویش و اینانند که مر ایشانرا نیکیهاست و اینانند که ایشان رستگارند

اعد الله لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين

ساخته کرد خدا مر ایشانرا بهشتها که همی رود از زیر آن جویها روان جاودان

فيها ذلك الفوز العظيم وجاء المعذرون من الاعراب

در آنجا این است رستگاری بزرگ و آمدند عذرخواهندگان از بیابانان

ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله ورسوله سيصيب

دستوری دهند مر ایشانرا و بنشستند آنهاکه دروغ گفتند خدا را و پیغمبر وی زود برسد

الذين كفروا منهم عذاب اليم ليس على الضعفاء

آنهاکه کافر گشتند ازیشان عذاب دردناک نیست بر پیران و ضعیفان

ولا على المرضى ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون

و نه بر بیماران و نه بر آنهاکه نیابند آنچه هزینه کنند

حرج اذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من

بزه چون نصیحت کردند مر خدا را و پیغمبر وی را نیست بر نیکوکاران هیچ

سبيل والله غفور رحيم ولا على الذين اذا ما

راه و خدا آمرزنده و بخشاینده و نه نیز بر آنهاکه چون

اتوك لتحملهم قلت لا اجد ما احملكم عليه تولوا

آمدند بنزد تو تا برداری ایشانرا گویی نیابم آنچه بر دارم شما را بر وی برگردند

واعينهم تفيض من الدمع حزنا الا يجدوا ما ينفقون

و چشمهای ایشان همی بارد از اشک از اندوه که نیابند آنچه هزینه کنند

انما السبيل على الذين يستاذنونك وهم اغنياء رضوا

بخواستند راه و بهانه بر آنهاست که دستوری خواهند از تو و ایشان توانگر باشند بپسندیدند

عشر

[illegible]

الجزء الحادی عشر

بان یکونوا مع الخوالف وطبع الله علی قلوبهم فهم
که باشند با پس ماندگان یعنی زنان و مهر نهاد خدای بر دلهای ایشان و ایشان
لا یعلمون ۝ یعتذرون الیکم اذا رجعتم الیهم
ندانند عذر آورند سوی شما چون بازگردید سوی ایشان
قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم قد نبأنا الله من اخبارکم
بگو عذر میارید هرگز باور نداریم مر شما را بحقیقه آگاهی داد ما را خدای از خبرهای شما
وسیری الله عملکم ورسوله ثم تردون الی عالم
و هر آینه ببیند خدا کارهای شما و پیغمبر وی نیز بازگردانند شما را سوی دانا
الغیب والشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون ۝ سیحلفون
نا پیدا و پیدا پس آگاهی دهد شما را بدانچه همی کردید همی سوگند خورند
بالله لکم اذا انقلبتم الیهم لتعرضوا عنهم فاعرضوا
بخدا مر شما را چون بازگردید سوی ایشان تا همی بگردانید از ایشان روی بگردانید
عنهم انهم رجس وماویهم جهنم جزاء بما کانوا یکسبون
از ایشان که ایشان پلیدند و جایگاه ایشان دوزخ است پاداش بدانچه همی کردند
یحلفون لکم لترضوا عنهم فان ترضوا عنهم فان الله
سوگند مر شما را تا خشنود شوند از ایشان و اگر خشنود شوند از ایشان بدرستی
لا یرضی عن القوم الفاسقین ۝ الاعراب اشد کفرا
خشنود نشود از گروه بیفرمانان اعرابیان سخت تراند از کافری
ونفاقا واجدر الا یعلموا حدود ما انزل الله علی
منافقان و سزاوارترند بدانکه ندانند حدها آنچه فرو فرستاد خدا بر
رسوله والله علیم حکیم ۝ ومن الاعراب من یتخذ
پیغمبر خویش و خدا داناست و استوارکار است و از اعرابیان کیست که بگیرد

ما ینفق

خمس

[illegible]

علیهم دایرة السوء جمله دعائیه است برای نفرین بر ایشان والله اعلم

ما ینفق مغرما ویتربص بکم الدوائر علیهم دائرة
آنچه هزینه کند تاوان و چشم دارد بشما برگشتن یعنی بلاها بر ایشان باشد گردش
السوء والله سمیع علیم ۝ ومن الاعراب من یؤمن بالله والیوم الآخر
بد و خدا شنوا و داناست و از اعرابیان کیست که بگرود بخدا و روز بازپسین
ویتخذ ما ینفق قربات عند الله وصلوات الرسول
و بگیرد آنچه هزینه کند نزدیکیها نزد خدا و دعاهای پیغمبر
الا انها قربة لهم سیدخلهم الله فی رحمته ان الله
بدانید که آن نزدیک است مر ایشان را زود اندر آرد ایشان را خدا اندر بخشایش خویش که خدا
غفور رحیم ۝ والسابقون الاولون من المهاجرین
آمرزنده است بخشاینده پیشی گرفتگان از مسلمانان پیشینیان از [illegible]
والانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم
و یاوران و آنانکه پس رفتند مر ایشان را به نیکویی خشنود گشت خدا از ایشان
ورضوا عنه واعد لهم جنات تجری تحتها الانهار
و خشنود گشتند ایشان از وی و ساخته کرد ایشان را بوستانها که همی رود از زیر آن جویها روان
خالدین فیها ابدا ذلک الفوز العظیم ۝ وممن حولکم
جاودان اندر آنجا همیشه این است رستگاری بزرگ و از آنانکه گرد بر گرد شما
من الاعراب منافقون ومن اهل المدینة مردوا علی
از بادیه نشینان منافقان و از کسان مدینه برگردیده اند بر
النفاق لا تعلمهم سنعذبهم مرتین ثم یردون الی
منافقی تو ندانی ایشان را زود عذاب کنیم ایشان را دو باره باز بازگردانیده شوند سوی
عذاب عظیم ۝ وآخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا
عذاب بزرگ و دیگران اند که مقر آمدند بگناهان خویش بیامیختند

عشر

[illegible]

عملا صالحا وآخر سيئا عسى الله أن يتوب عليهم
ایشان را توبه دهد خدا هرآینه بد و دیگر کار نیک
إن الله غفور رحيم ۝ خذ من أموالهم صدقة تطهرهم
که خدا آمرزنده است بخشاینده بگیر از مالهای ایشان صدقه که پاک کنی ایشان را
وتزكيهم بها وصل عليهم إن صلوتك سكن لهم والله
و افزون کردی نیکیهای ایشان بدان و دعا کن مر ایشان را که دعای تو آرامشی باشد مر ایشان را و
سميع عليم ۝ ألم يعلموا أن الله هو يقبل التوبة عن
شنوا و داناست همی ندانند که خدا وی بپذیرد توبه از
عباده ويأخذ الصدقات وأن الله هو التواب الرحيم
بندگان خود و بگیرد صدقها و خداست که اوست توبه پذیرنده
وقل اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله والمؤمنون
و بگو که کار کنید زود بود که بیند خدا کار شما و پیغمبر وی و گرویدگان
وستردون إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما
و زود باز گردانند شما را سوی دانای ناپیدا و پیدا و آگاهی دهد شما را
كنتم تعملون ۝ وآخرون مرجون لأمر الله إما يعذبهم
همی کنید و دیگران اند بازداشتگان مر فرمان خدا را یا عذاب کند
وإما يتوب عليهم والله عليم حكيم ۝ والذين اتخذوا
و یا توبه دهد ایشان را و خدا دانا و استوارکار است و آنکه بگرفتند
مسجدا ضرارا وكفرا وتفريقا بين المؤمنين وإرصادا
مسجدی زیان کاری را و کافری را و پراکندگی میان مومنان و چشم داشتی
لمن حارب الله ورسوله من قبل وليحلفن إن أردنا
مر آنکس را که حرب کند با خدا و پیغمبر وی از پیش و سوگند خورند که نخواستیم

الا الحسنى

مراد از صدقه زکوة است [illegible] حضرت رسول [illegible] و حضرت رسول [illegible] ابو لبابه انصاری [illegible] ایشان بعد از قبول توبه [illegible] اموال [illegible] والله اعلم بالصواب

خمس

[illegible]

۱۲۱

إلا الحسنى والله يشهد إنهم لكاذبون ۝ لا تقم فيه
مگر نیکویی را و خدا گواهی دهد که ایشان دروغ زنان اند مایست اندر آنجا
أبدا لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن
هرگز [illegible] یعنی نماز مکن هرآینه بنیاد افکنده شود بر پرهیزکاری از اول روز سزاوارتر که
تقوم فيه فيه رجال يحبون أن يتطهروا والله يحب
بایستی اندر آنجا در وی مردانی اند که دوست دارند که پاک کنند و خدا دوست دارد
المطهرين ۝ أفمن أسس بنيانه على تقوى من الله و
پاکی کنندگان را ای پس آنکه بنیاد نهاد بنیاد دین خود را بر ترس کاری از خدا و
رضوان خير أم من أسس بنيانه على شفا جرف هار
خشنودی بهتر باشد یا آنکه بنیاد افکند بر آورده خویش را بر کناره رود زیر خورده
فانهار به في نار جهنم والله لا يهدي القوم الظالمين
فرو افتد فرو افکنده را در آتش دوزخ و خدا راه ننماید گروه ستمکاران را
لا يزال بنيانهم الذي بنوا ريبة في قلوبهم إلا أن
باشد بر آورده ایشان آنکه بر آورده اند شکی را اندر دلهای ایشان مگر
تقطع قلوبهم والله عليم حكيم ۝ إن الله اشترى
پاره کرده دلهای ایشان و خدا داناست و صوابکار و خدا بخرید
من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون
از گرویدگان تنهای ایشان و خواستهای ایشان را بدانکه مر ایشان راست بهشت کارزار می کنند
في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا
در راه خدا و همی کشند و کشته میشوند و وعده بر وی واجب
في التورية والإنجيل والقرآن ومن أوفى بعهده
در توریة موسی و انجیل عیسی و قرآن محمد صلی الله علیه و آله و کیست تمام کننده تر به پیمان

عشر

من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و
از خدای بشادمان باشید بفروختن شما آنکه خرید و فروخت کردید بوی
ذلك هو الفوز العظيم ۝ التائبون العابدون الحامدون
این است کوی رستگاری بزرگ است توبه کنندگان و پرستندگان و ستایندگان
السائحون الراكعون الساجدون الآمرون بالمعروف
روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان فرمایندگان اند به نیکی
والناهون عن المنكر والحافظون لحدود الله
و بازدارندگان از بدی و نگاه دارندگان مرحدهای خدای
وبشر المؤمنين ۝ ما كان للنبي والذين آمنوا أن
و مژده ده گرویدگان را نباشد و نشاید مر پیغمبر را و آنها که گرویده اند که
يستغفروا للمشركين ولو كانوا أولي قربى من بعد ما
آمرزش خواهند مر انبازگیران را و اگرچه باشند خویشاوندی نزدیک از پس آنکه
تبين لهم أنهم أصحاب الجحيم ۝ وما كان استغفار إبراهيم
پدید آمد مر ایشان را که ایشان باشندگان دوزخ اند و نبود آمرزش خواستن ابراهیم
لأبيه إلا عن موعدة وعدها إياه فلما تبين له أنه
مر پدر خویش را مگر از بهر وعده او که وعده نهاده بودش چنین چون پدید آمد مر او را که وی
عدو لله تبرأ منه إن إبراهيم لأواه حليم ۝ وما كان
دشمن است مر خدا را بیزار شد از وی که ابراهیم زاری کننده بود بردبار و نه چنان
الله ليضل قوما بعد إذ هداهم حتى يبين لهم ما يتقون
که خدا گمراه کند گروهی را از پس آنکه راه نموده باشد ایشان را تا پدید کند مر ایشان را آنچه از وی
إن الله بكل شيء عليم ۝ إن الله له ملك السموات
که خدا بهر چیزی داناست که خدا مراورست پادشاهی آسمانها

خمس

[illegible]

والارض

والأرض يحيي ويميت وما لكم من دون الله من ولي
و زمین زنده گرداند و میراند و نیست مر شما را از دون خدا هیچ یاری
ولا نصير ۝ لقد تاب الله على النبي والمهاجرين والأنصار
و نه یاری گری توبه داد خدا مر پیغمبر را و هجرت کنندگان را و یاری کنندگان
الذين اتبعوه في ساعة العسرة من بعد ما كاد تزيغ قلوب
آنانکه متابعه کردند در زمان تنگی و سختی از پس آنکه خواست برگشتی دلهای
فريق منهم ثم تاب عليهم إنه بهم رؤوف رحيم ۝ وعلى
گروهی را از ایشان باز توبه داد ایشان را که وی بر ایشان مهربان و بخشاینده و توبه داد
الثلاثة الذين خلفوا حتى إذا ضاقت عليهم الأرض
مر سه تن را آنکه بازپس ماندند تا چون تنگ شد بر ایشان زمین
بما رحبت وضاقت عليهم أنفسهم وظنوا أن لا ملجأ
با فراخی وی و تنگ شد بر ایشان تنهای خویش و گمان داشتند که پناهگاهی نیست
من الله إلا إليه ثم تاب عليهم ليتوبوا إن الله هو
از خدا مگر سوی وی باز توبه داد بر ایشان تا توفیق توبه یابند که خداست
التواب الرحيم ۝ يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا
توبه پذیرنده و بخشاینده ای که شما گرویدگانید بترسید خود را از عذاب خدا و بباشید
مع الصادقين ۝ ما كان لأهل المدينة ومن حولهم
با راست کاران نبود مر مردمان مدینه را و آنچه گرداگرد ایشانند
من الأعراب أن يتخلفوا عن رسول الله ولا يرغبوا بأنفسهم
بیابانیان که ازپس مانند از پیغمبر خدا و نه خواهان باشند بنفسهای خود
عن نفسه ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا
از نفس پیغمبر این بدان است که ایشان اندر گذارند با ایشان تشنگی و نه رنج و نه

[illegible]

عشر

مخمصة في سبيل الله ولا يطؤن موطئا يغيظ الكفار
گرسنگی اندر راه خدا و پای ننهند بجایی که بخشم آرد کافران
ولا ينالون من عدو نيلا الا كتب لهم به عمل صالح
و نرسند از دشمن بچیزی مگر نوشته شود مرایشان را بدان کاری نیک
ان الله لا يضيع اجر المحسنين ولا ينفقون نفقة
که خدا ضایع نکند مزد نیکوکاران را و هزینه نکنند هزینه
صغيرة ولا كبيرة ولا يقطعون واديا الا كتب
خورد و نه بزرگ و نبرند وادی مگر نوشته شود
لهم ليجزيهم الله احسن ما كانوا يعملون وما كان
مرایشان را تا پاداش دهد مرایشان را خدا نیکوتر آنچه بودند همی کردند و نیست

حزب

المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم
مومنان را که بیرون روند بهمه چرا بیرون نروند از هر گروهی از ایشان
طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا
تنی چند تا فقیه گردند اندر دین و تا بیم کنند گروه خویش را چون باز گردند
اليهم لعلهم يحذرون يا ايها الذين امنوا قاتلوا الذين
سوی ایشان تا مگر ایشان پرهیز کنند ای گروهی که گرویده اید کارزار کنید با
يلونكم من الكفار وليجدوا فيكم غلظة واعلموا
نزدیک شما اند از کافران و تا یابند اندر شما درشتی و سختی و بدانید
ان الله مع المتقين واذا ما انزلت سورة فمنهم من
که خدا با پرهیزکاران است و چون فرستاده شود سورتی از ایشان
يقول ايكم زادته هذه ايمانا فاما الذين امنوا فزادتهم ايمانا وهم يستبشرون
که گوید کدام است از شما که بیش بوده این را ایمان اما کسانی که ایمان آوردند بیفزود مر ایشان را ایمان و ایشان

دیده ور اعطف [illegible] [illegible]

واما

حمس

واما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجسا الى رجسهم
و اما آنکسانی که اندر دلها ایشان بیماریست بیفزود ایشان را پلیدی با پلیدی ایشان
وماتوا وهم كافرون اولا يرون انهم يفتنون في كل
و بمردند و ایشان کافران بودند یا نمی بینند که ایشان آزمون کرده میشوند اندر هر
عام مرة او مرتين ثم لا يتوبون ولا هم يذكرون واذا
سالی یکبار یا دو بار باز توبه نکنند و نه ایشان پند گیرند و چون
ما انزلت سورة نظر بعضهم الى بعض هل يريكم من احد
فرستاده شود سورتی بنگرد بهره از ایشان سوی بهره هیچ همی بیند شما را هیچ کس
ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم بانهم قوم لا يفقهون
پس باز گردند باز گردانید خدا دلها ایشان را بدانکه ایشان گروهی اند که در نیابند
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم
بدرستی آمد بشما پیغمبر هم از تن شما یعنی پیغمبر عزیز است بروی آنچه برنج رسید
حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا
حریصست بر شما مومنان را مهربان است بخشاینده رحیم است و اگر برگردند
فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
بگوی بسنده است خدای نیست خدا مگر او بروی سپردم تن خود را و وی است
رب العرش العظيم
خداوند تخت بزرگوار

سورة يونس عليه السلام مكية مائة وتسع آيات

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوندی که همه را به بهشت دعوت کند مهربانی که مومنان را راه نمود بخشاینده که دیدار خود عطا کرد
الر تلك ايات الكتاب الحكيم اكان للناس عجبا
الر آن ایتها نامه ایست استوار کرده آیا هست مر مردمان را شگفتی

[illegible]

از حضرت صادق ع

سوگند [illegible] بالف و لام و را [illegible] خداوند

[illegible]

أن أوحينا إلى رجل منهم أن أنذر الناس وبشر الذين
بدانکه وحی کردیم سوی مردی از ایشان که بترسان مردمانرا و مژده ده
آمنوا أن لهم قدم صدق عند ربهم قال الكافرون
که بگرویدند که مر ایشانراست پیشی نیکو وعده صدق نزد خداوند ایشان گفتند کافران
إن هذا لساحر مبين ۝ إن ربكم الله الذي خلق
این جادوی است پیدا بدرستی که پروردگار شما خدایست انکه بیافرید
السموات والأرض في ستة أيام ثم استوى على
آسمانها و زمین در شش روز باز مستولی شد
العرش يدبر الأمر ما من شفيع إلا من بعد إذنه
عرش همی سازد کار نیست هیچ خواهش گری مگر از پس فرمان او
ذلكم الله ربكم فاعبدوه أفلا تذكرون ۝ إليه
اینان است خدا پروردگار شما بپرستیدش چرا همی پند نگیرید بسوی او
مرجعكم جميعا وعد الله حقا إنه يبدؤ الخلق ثم
بازگشت شما همه وعده خدا راست ای بحقیقت بیافرید
يعيده ليجزي الذين آمنوا وعملوا الصالحات بالقسط
افریند تا پاداش دهد آنهارا که ایمان آوردند وبکردند نیکیها بداد
والذين كفروا لهم شراب من حميم وعذاب أليم بما
وانکسانکه بگرویدند مر ایشانرا باشد شرابها از آب گرم وعذابها دردناک بانچه
كانوا يكفرون ۝ هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر
بودند بگرویدند وی این است انکه بکرد آفتاب را روشن وماه را
نورا وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب
نورانی واندازه کرد آنرا جای فرود آمدن تا بدانید شمار سالها وشمار

ما خلق الله

خمس

ما خلق الله ذلك إلا بالحق يفصل الآيات لقوم يعلمون ۝
بیافرید خدا اینرا مگر براستی جدا همی کنم نشانها مر گروهی را تا بدانند
إن في اختلاف الليل والنهار وما خلق الله في السموات
اندر ناهمواری شب وروز وانچه بیافرید خدا اندر آسمانها
والأرض لآيات لقوم يتقون ۝ إن الذين لا يرجون لقاءنا
وزمین نشانهاست مر گروهی را که پرهیزند انکسانکه امید ندارند رسیدن بما
ورضوا بالحيوة الدنيا واطمأنوا بها والذين هم عن
بسند کردند بزندگانی اینجهان ودیدار امیدند بدان وانکسانکه ایشان از
آياتنا غافلون ۝ أولئك مأويهم النار بما كانوا يكسبون
حجتهاء ما غافلند ایشانند که جایگاه ایشان آتش است بانچه بودند همی کردند
إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات يهديهم ربهم
انکسانکه بگرویدند وکردند نیکیها راه نماید ایشانرا خداوندشان
بإيمانهم تجري من تحتهم الأنهار في جنات النعيم ۝
بگروان ایشان همی رود از زیر ایشان جویهاء روان اندر بوستانهاء با نعمت
دعويهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها سلام و
خواندن ایشان اندر اینجا پاکی تو یا خدا ای بار خدا ودرود گفتار خوانش ایشان اندر اینجا سلامت باد
آخر دعويهم أن الحمد لله رب العالمين ۝ ولو يعجل الله
وبازپسین خواندن ایشان که سپاس مر خدایرا که پروردگار همه خلایق واگر بشتابیدی خدا
للناس الشر استعجالهم بالخير لقضي إليهم أجلهم فنذر
مردمانرا بدی بشتابیدن ایشانرا به نیکی گذارده شودی با ایشان زمانه ایشان وست بازدا
الذين لا يرجون لقاءنا في طغيانهم يعمهون ۝ وإذا
انکسانکه امید ندارند رسیدن بما اندر گردن بردگی ایشان سرگشته همی کنند وچون

عشر

[illegible]

مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما
برسد مردم سختی بخواند مارا بر پهلوی خویش یا نشسته یا ایستاده
فلما كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه
چون بگشاییم برداریم ازوی سختی وی برود چنانکه نه خواندی مارا از بهر سختی که رسید
كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون ۝ ولقد اهلكنا
همچنین آراسته بود مر تباه کاران را آنچه همی کردند و هلاک کردیم
القرون من قبلكم لما ظلموا وجاءتهم رسلهم
گروههارا از پیش شما چون ستم کردند و بیاوردند بایشان پیغمبران
بالبينات وما كانوا ليؤمنوا كذلك نجزي القوم المجرمين
حجتها درستیها و چنان بود که بگرویدندی همچنین پاداش دهیم گروه گناهکاران
ثم جعلناكم خلائف في الارض من بعدهم لننظر كيف
باز بکردیم شمارا خلیفگان اندر زمین از پس ایشان تا بنگریم که
تعملون ۝ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين
کار کنید و چون برخوانده شود بر ایشان آیتهای ما پیدا گفت آنها که
لا يرجون لقاءنا ائت بقران غير هذا او بدله قل ما
امید ندارند رسیدن بما بیاور نوی جز این یا بگردان این را بگو
يكون لي ان ابدله من تلقاء نفسي ان اتبع الا ما
باشد مرا که بگردانم آنرا از نزدیک من متابعت نکنم مگر
يوحى الي اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم
که وحی فرستاده شود بسوی من که من بترسم اگر عاصی شوم خداوند خویش را عذاب روز
عظيم ۝ قل لو شاء الله ما تلوته عليكم ولا ادريكم
بزرگ بگو اگر بخواستی خدای نخواندی مر آنرا بر شما و نه آگاهی دادی

به فقد

۱۳۵

فقد لبثت فيكم عمرا من قبله افلا تعقلون ۝ فمن
پس بدرستی که درنگ کردم بوده میان شما عمری دراز پیش از نزول القرآن آیا چرا در نمی‌یابید پس کیست
اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته انه لا يفلح
ستمکارتر از کسی که بربندد بر خدای دروغی یا تکذیب کند آیتهای اورا بدرستی که نجات
المجرمون ۝ ويعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم
گناهکاران بیخ کافران و میپرستند بدون خدای چیزی را که ضرر رساند بایشان و نه سود رساند
ويقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل اتنبئون الله بما
و میگویند عبده اصنام ایشان شفیعان ما اند نزدیک خدای بگو آیا خبر میکنید خدای را بچیزی
لا يعلم في السموات ولا في الارض سبحانه وتعالى عما
که نمیداند در آسمانها و نه در زمین پاکست خدا و برترست از آنچه
يشركون ۝ وما كان الناس الا امة واحدة فاختلفوا و
شریک اومیدارند و نبودند آدمیان مگر امتی یگانه پس خلاف کردند و
لولا كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم فيما فيه يختلفون
اگر نه کلمه ایست که پیشی گرفته از آفریدگار تو حکم کرده شدی میان ایشان در آنچه که ایشان در آن
ويقولون لولا انزل عليه اية من ربه فقل انما الغيب لله
و میگویند چرا فرو فرستاده نشد بر محمد معجزه از پروردگار او پس بگو جز او نیست که علم غیب
فانتظروا اني معكم من المنتظرين ۝ واذا اذقنا الناس رحمة
پس شما انتظار برید بدرستی که من با شما از منتظرانم و چون بچشانیم مردمانرا صحت
من بعد ضراء مستهم اذا لهم مكر في اياتنا قل الله اسرع
از پس بیماری که رسیده باشد بدیشان چون در مکر کردن آیتهای ما بگو که خدای زودتر است از شما
مكرا ان رسلنا يكتبون ما تمكرون ۝ هو الذي يسيركم في البر
مکر کردن بدرستی که فرستادگان مینویسند آنچه می اندیشید اوست آنکه میبراند شمارا در خشکی

عشر

خمس

[illegible]

والبحر حتى اذا كنتم في الفلك وجرين بهم بريح طيبة وفرحوا
و در تری تا چون باشید در کشتی و کشتیها میروند با آنکه ببادی خوش که نرم بود و شاد
بها جاءتها ريح عاصف وجاءهم الموج من كل مكان وظنوا
بآن باد آید بدان کشتی بادی سخت و بیاید بدیشان موج از هر کجا و
انهم احيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن انجيتنا من
دانستند که فرو گرفته بلاها از همه بخوانند خدایرا در حالتی که پاک کنندگانند مر خدا را دین را اگر برهانی ما را از
هذه لنكونن من الشاكرين ۝ فلما انجاهم اذا هم يبغون في
این بلا هر آینه باشیم از سپاس دارندگان پس چون باز رهانید ایشانرا از آنجا چون ستم کنند در
الارض بغير الحق يا ايها الناس انما بغيكم على انفسكم
زمین که بغیر حق است ای مردمان جز این نیست که ستم شما بر نفسهای شماست
متاع الحيوة الدنيا ثم الينا مرجعكم فننبئكم بما كنتم
تمتع و بهره زندگانی دنیاست پس بسوی ما بازگشت شماست پس خبر کنیم شما را بآنچه هستید
تعملون ۝ انما مثل الحيوة الدنيا كماء انزلناه من السماء
که عمل میکنید جز این نیست که مثل زندگانی دنیا مانند آبیست که ما فرو فرستادیم آنرا از آسمان
فاختلط به نبات الارض مما ياكل الناس والانعام
پس بیامیخت بآن گیاه رسته از زمین آنچه میخورند آدمیان و چارپایان
حتى اذا اخذت الارض زخرفها وازينت وظن اهلها
تا وقتی که فرا گرفت زمین پیرایه خود را و آراسته شد و گمان بردند اهل
انهم قادرون عليها اتيها امرنا ليلا او نهارا فجعلناها
آنکه ایشان قادرند بر درودن گیاه ناگاه آمد بر زمین در شب یا روز پس کردیم آنرا
حصيدا كان لم تغن بالامس كذلك نفصل الايات
همه آنچه درووده باشد گویا که هیچ نبود دیروز همچنین که در نیستی جدا میکنیم دلایل قدرت

ضمیر جمع غایب مونث در جرین راجع است بفلک و ضمیر جمع غایب مذکر در بهم راجع است بمخاطبین از باب التفات از خطاب بغیب
م

[illegible]

لقوم

١٣٦

نصف

[illegible]

لقوم يتفكرون ۝ والله يدعوا الى دار السلام ويهدي
گروهی را که اندیشه کنند و خدا همی خواند سوی سرای رستگاری و راه نماید
من يشاء الى صراط مستقيم ۝ للذين احسنوا الحسنى و
مر آنرا که خواهد سوی راه راست مر آنکسانرا که نیکی کردند نیکو پاداشت
زيادة ولا يرهق وجوههم قتر ولا ذلة اولئك اصحاب
افزونی و نرسد برویهای ایشان سختی و نه خواری ایشانند باشندگان
الجنة هم فيها خالدون ۝ والذين كسبوا السيئات
بهشت ایشان اندر آنجا جاودان و آنکسانکه اندوختند بدیها
جزاء سيئة بمثلها وترهقهم ذلة ما لهم من الله من
پاداش بدی همچون ویست و برسد بایشان خواری نباشد مر ایشانرا از خدا هیچ
عاصم كانما اغشيت وجوههم قطعا من الليل مظلما
نگهداری چنانکه پوشانیده شده رویهای ایشانرا پارهها از شب تاریک
اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ ويوم نحشرهم
ایشانند باشندگان آتش ایشان اندر آنجا جاودان و روزی که گرد آوریم ایشانرا
جميعا ثم نقول للذين اشركوا مكانكم انتم وشركاؤكم
همه باز گوییم مر آنکسانرا که انباز گرفتند بجای خویش باشید شما و انبازان شما
فزيلنا بينهم وقال شركاؤهم ~~فزيلنا بينهم وقال~~
پس جدا کنیم میان ایشان و گفت انبازان ایشان
شركاؤهم ما كنتم ايانا تعبدون ۝ فكفى بالله شهيدا
نبودید شما مارا پرستندگان بسنده است خدا گواه
بيننا وبينكم ان كنا عن عبادتكم لغافلين ۝
میان ما و میان شما که ما بودیم از پرستیدن شما بی آگاهان

[illegible]

هنالك تبلوا كل نفس ما اسلفت وردوا الى الله
آنجا بیازماید هر تنی را آنچه پیش فرستاده است و بازگردانیدشان سوی خدا
موليهم الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ قل من
خداوندیشان براستی وگم شود از ایشان آنچه بودند بدروغ بافتن بگو که
يرزقكم من السماء والارض امن يملك السمع والابصار
روزی دهد شما را از آسمان و زمین یا که پادشاهی دارد بر شنوا و بینا
ومن يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ومن يدبر
و که بیرون آرد زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده و که سازد
الامر فسيقولون الله فقل افلا تتقون ۝ فذلكم الله
کار بندگان را زود گویند خدا بگو چرا نه پرهیزید خود را از عذاب ایشان که این است
ربكم الحق فماذا بعد الحق الا الضلال فانى
پروردگار شما براستی چه چیزست از پس راستی مگر گمراهی از کجا
تصرفون ۝ كذلك حقت كلمت ربك على الذين فسقوا
بازگردانند همچنین واجب گشت سخن خداوند تو بر وعده بر آنان که بیرون شدند
انهم لا يؤمنون ۝ قل هل من شركائكم من يبدؤا
که ایشان نگروند بگو هیچ هست از انبازان شما کسی که آغاز کند
الخلق ثم يعيده قل الله يبدؤا الخلق ثم يعيده فانى تؤفكون
آفریدن خلق باز گرداند مر آنرا بگو خدا آغاز کند آفریدن خلق را باز گرداند مر آنرا پس از کجا
قل هل من شركائكم من يهدي الى الحق قل الله يهدي
بگو هیچ کس هست از انبازگران شما کسی را راه نماید سوی راستی بگو خدا راه نماید
للحق افمن يهدي الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدي
مر راستی را بر آن کسی که راه نماید سوی راستی سزاوارتر که متابعت وی کنند یا آنکه راه ننماید

عشر

الا ان

الا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون ۝ وما يتبع اكثرهم
مگر آنکه راه نمایندش پس چه بوده است شما را چگونه همی داوری کنید و پیروی نکنند بیشتر ایشان
الا ظنا ان الظن لا يغني من الحق شيئا ان الله عليم
مگر گمانی و گمان ها باز ندارد از راستی چیزی که خدا داناست
بما يفعلون ۝ وما كان هذا القران ان يفترى من
بدانچه همی کنند و نبود این قرآن بدروغ تراشیدن از
دون الله ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل الكتاب
جز خدا ولیکن راست کرداننده است مر آنرا که از پیش وی بودی و پدید کردن نامه است
لا ريب فيه من رب العالمين ۝ ام يقولون افتريه قل فاتوا
نیست اندر وی گمان از پروردگار همه خلق یا همی گویند از خویشتن بافته محمد بگو بیارید
بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله ان
سورتی همچون وی و بخوانید بیاری خویش هر که توانید از بیرون خدا اگر
كنتم صادقين ۝ بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه
هستید راست گویان بلکه بدروغ داشتند آنچه نرسیدند بدانش وی
ولما ياتهم تاويله كذلك كذب الذين من قبلهم
و هنوز نیامد بایشان تفسیر وی همچنین بدروغ داشتند آنکه بودند از پیش ایشان
فانظر كيف كان عاقبة الظالمين ۝ ومنهم من يؤمن
بنگر چگونه بود سرانجام بیدادگران و از ایشان کس است که بگرود
به ومنهم من لا يؤمن به وربك اعلم بالمفسدين ۝ وان
بوی و از ایشان کس است که نگرود بوی و خداوند تو داناتر است بر تباه کاران و اگر
كذبوك فقل لي عملي ولكم عملكم انتم بريئون مما
دروغ زن دارند ترا بگو مر است کار من و مر شماراست کار شما شما بیزارید از آنچه

خمس

الوسیط

[illegible] بعضی قرآن ... وما کان هذا القرآن ... [illegible]

یعنی هنوز نیامد بحقیقت تفسیر آن ... و نه مراد ایشان ... استعلام کرده ... البیان از حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست

عشر

از ابن المبارک منقولست که آیه ومنهم من یؤمن به در مدینه نازل شده و مراد یهود مدینه است

[illegible] ایشان در آن روز دیده خواهد شد والله اعلم بالصواب

أعمل وأنا بريء مما تعملون ۝ ومنهم من يستمعون إليك

من کنم ومن بیزارم ازانچه می کنید وازیشان کس که گوش دارو بتو

أفأنت تسمع الصم ولو كانوا لا يعقلون ۝ ومنهم

هرکز تو توانی شنوانیدن کرانرا واکرچه اندر نیابند وازیشان

من ينظر إليك أفأنت تهدي العمي ولو كانوا لا يبصرون ۝

کیست که بنکرد سوی تو هرکز تو توانی راه نمود کورانرا واکرچه نه بینند

إن الله لا يظلم الناس شيئا ولكن الناس أنفسهم يظلمون ۝

که خدا بیداد نکند مردمانرا چیزی ولیکن مردمان تنها خویش را بیداد کنند

ويوم يحشرهم كأن لم يلبثوا إلا ساعة من النهار يتعارفون بينهم

و روزی که برانگیزد ایشان چنانکه درنک نکردندی مگر زمانی از روز بشناسند یکدیگر را

قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله وما كانوا مهتدين ۝

زیان کردند آنکه بدروغ داشتند رسیدن بخدا ونه بودند راه یافتکان

وإما نرينك بعض الذي نعدهم أو نتوفينك فإلينا مرجعهم

واگر نمائیم بتو بهره از انکه وعده کردیم ایشانرا یا بمیرانم ترا سوی ما باشد بازگشت ایشان

ثم الله شهيد على ما يفعلون ۝ ولكل أمة رسول

باز خدا گواه است بر آنچه ایشان کردند و مر هر گروهی را پیغمبری

فإذا جاء رسولهم قضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون ۝

چون بیامد پیغمبر ایشان گذارده شد کار میان ایشان براد و ایشان بیداد نکرده شوند

ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ۝ قل لا

و می گویند که است این وعده اگر هستید راست گویان بگو

أملك لنفسي ضرا ولا نفعا إلا ما شاء الله لكل أمة أجل

پادشاهی ندارم مرتن خویش را گزندی و نه منفعتی بجز آنچه بخواهد خدا مر هر گروهی را

خمس

[illegible]

إذا جاء أجلهم فلا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون ۝

چون بیاید زمانه ایشان باز پس نشوند زمانی ونه پیش شوند

قل أرأيتم إن أتاكم عذابه بياتا أو نهارا ماذا

بگو چه بینید اگر بیاید عذاب وی بشب یا بروز چه چیز

يستعجل منه المجرمون ۝ أثم إذا ما وقع آمنتم به آلآن

شتاب دارید ازوی گناهکاران یا آنگاه که بیفتد عذاب بگروید بوی اکنون آن

وقد كنتم به تستعجلون ۝ ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا

بودید که بوی شتاب کردند باز گویند مر آنکسانرا که بیداد کردند بچشید

عذاب الخلد هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون ۝ و

عذاب جاودانی هیچ پاداش کنند شمارا مگر بدانچه می کردند و

يستنبئونك أحق هو قل إي وربي إنه لحق وما أنتم

می پرسند از تو که راست است آن یعنی قران بگو آری وسوگند بخداوندم که این راست است ونیستید شما

بمعجزين ۝ ولو أن لكل نفس ظلمت ما في الأرض لافتدت

[illegible] کنندگان ازگرفتن خویش واگر مر هر تنی را که بیداد کرد آنچه اندر زمین است همانا باز خریدی

به وأسروا الندامة لما رأوا العذاب وقضي بينهم

بوی و پنهان کنند پشیمانی را چون ببینند عذاب را وحکم کرده شود میان ایشان

بالقسط وهم لا يظلمون ۝ ألا إن لله ما في السماوات و

براد و ایشان ستم نکنند بدانید که مر خدا راست آنچه اندر آسمانها و

الأرض ألا إن وعد الله حق ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝

زمین است و بدانید که وعده خدا راست است ولیکن بیشتر ایشان نمی دانند

هو يحيي ويميت وإليه ترجعون ۝ يا أيها الناس قد جاءتكم

وی زنده کرداند و بمیراند و سوی وی بازگردانند شمارا ای مردمان آمد بشما

عشر

خمس

[illegible] والله اعلم [illegible]

۱۳۹

[illegible]

موعظة من ربكم وشفاء لما في الصدور وهدى
پند — از خداوند شما — و آسانی مر آنرا — در دلهاست — و راه
ورحمة للمؤمنين ۝ قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا
و بخشایشی مر گرویدگان را — بگو بفضل — خدای — و برحمت وی یعنی قرآن بدان شاد
هو خير مما يجمعون ۝ قل ارايتم ما انزل الله لكم من رزق
آن بهتر از آنچه همی گرد کنند — بگو چه بینید — آنچه فرو فرستاد خدای شما را از
فجعلتم منه حراما وحلالا قل الله اذن لكم ام على الله
بگردید — از وی حرام — و حلال — بگو خدا — فرمود شما را — یا بر
تفترون ۝ وما ظن الذين يفترون على الله الكذب
همی بافید دروغ — و چیست گمان آنانکه بافند — بر خدا — دروغ
يوم القيامة ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثرهم
روز رستاخیز — که خدا — خداوند افزونیست — بر مردمان — و لیکن بیشتر
لا يشكرون ۝ وما تكون في شان وما تتلوا منه من
سپاس ندارند — و نباشد — اندر کاری — و نخوانید — از وی از
قران ولا تعملون من عمل الا كنا عليكم شهودا اذ
قرآن — و نکنید — از کاری — مگر باشیم — بر شما — گواهان — چون
تفيضون فيه وما يعزب عن ربك من مثقال ذرة في
در شوید — اندر وی — و دور نشود — از خداوند تو — از همسنگ — مورچه
الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا
زمین و نه — اندر آسمان — و نه خوردتر — از آن — و نه بزرگتر
في كتاب مبين ۝ الا ان اولياء الله لا خوف عليهم
اندر نامه پیدا — بدانید که دوستان — خدا را — نباشد بیمی بر ایشان

عشر

[illegible]

ولاهم

ولا هم يحزنون ۝ الذين امنوا وكانوا يتقون لهم البشرى
و نه ایشان اندوه باید خورد — آنانکه بگرویدند — و بودند — همی پرهیزکردند مر ایشانراست مژده
في الحيوة الدنيا وفي الاخرة لا تبديل لكلمات الله
اندر زندگانی این جهان — و اندر آن جهان — نگردانیدن نیست — مر سخنان — خدا را
ذلك هو الفوز العظيم ۝ ولا يحزنك قولهم ان العزة
آنست وی رستگاری بزرگ — و اندوهگین نگرداند ترا گفتار ایشان که حقیقة عزت
لله جميعا هو السميع العليم ۝ الا ان لله من في السموات
خدا راست همه — و ویست شنوا و دانا — بدانید که مر خدا راست آنکه اندر آسمانهاست
ومن في الارض وما يتبع الذين يدعون من دون الله
و آنکه اندر زمین است — و پی نروند — آنانکه همی خوانند جز خدا
شركاء ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون ۝ هو
انبازان را — پی نروند — مگر گمان را — و نیستند ایشان مگر دروغ گزاف گوینده
الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا
آنکه کرد شما را — شب — تا بیارامید اندر وی — و روز بینا کننده
ان في ذلك لايات لقوم يسمعون ۝ قالوا اتخذ الله
اندر این — نشانهاست مر گروهی را که بشنوند — گفتند بگرفت خدا
ولدا سبحانه هو الغني له ما في السموات وما في الارض
فرزندی پاکست وی — اوست غنی و بی نیاز — مر او راست آنچه اندر آسمانهاست — و آنچه اندر زمین است
ان عندكم من سلطان بهذا اتقولون على الله ما لا
نیست نزد شما — هیچ حجتی — بدین — همی گویید — بر خدا آنچه نه
تعلمون ۝ قل ان الذين يفترون على الله الكذب لا
دانید — بگو آنانکه — بر بافند — بر خدا — دروغ نه

خمس

[illegible] [illegible] والله اعلم بالصواب

عشر

يفلحون ۝ متاع في الدنيا ثم الينا مرجعهم ثم نذيقهم

رهند از عذاب برخورداری اندرین جهان باز سوی ما باشد بازگشت ایشان باز بچشانیم

العذاب الشديد بما كانوا يكفرون ۝ واتل عليهم نبا

عذاب سخت بدانچه کفر ورزیدند و برخوان بر ایشان خبر

نوح اذ قال لقومه يا قوم ان كان كبر عليكم مقامي و

نوح چون گفت مر گروه خویش را ای گروه من اگر چنانست که بزرگست بر شما بودن من

تذكيري بايات الله فعلى الله توكلت فاجمعوا امركم

پند دادن من بآیتهای خدا و بر خدا توکل کردم گرد آرید کار را

وشركاءكم ثم لا يكن امركم عليكم غمة ثم اقضوا

و انبازان خویش باز مباد کار شما بر شما پوشیده پس بگزارید

الي ولا تنظرون ۝ فان توليتم فما سالتكم من اجر ان

بمن آنچه خواهید و زمان مدهید مرا اگر بازگردید و نخواهم از شما هیچ مزدی

اجري الا على الله وامرت ان اكون من المسلمين ۝ فكذبوه

مزدی نیست مگر بر خدا و فرموده شدم که باشم از گردن نهادگان پس دروغ

فنجيناه ومن معه في الفلك وجعلناهم خلائف و

برهانیدیمش و آنکسانرا که بااوی اندر کشتی بودند و کردیمشان خلیفگان

اغرقنا الذين كذبوا باياتنا فانظر كيف كان عاقبة

غرق کردیم آنکسان را که دروغ داشتند حجتهای ما را بنگر چگونه بود سرانجام

المنذرين ۝ ثم بعثنا من بعده رسلا الى قومهم

بیم کردگان باز بفرستادیم از پس وی پیغمبران سوی گروه ایشان

فجاءوهم بالبينات فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من

بیاوردند ایشان درستیها نه چنان بود که بگرویدندی بدانچه دروغ داشتند

قبل

خمس

قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين ۝ ثم بعثنا

پیش از بعث رسل مثل این مهر نهیم بر دلهای از حد درگذرگان پس برانگیختیم

من بعدهم موسى وهرون الى فرعون وملائه باياتنا

از پس ایشان موسی بن عمران و برادرش بسوی ولید بن مصعب و اشراف قوم او با نشانهای ما

فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين ۝ فلما جاءهم الحق من عندنا

پس گردن کشی کردند و بودند گروهی جرم آرندگان پس آن هنگام که آمد بایشان سخن راست از نزد ما

قالوا ان هذا لسحر مبين ۝ قال موسى اتقولون للحق لما

گفتند براستی که این جادوییست آشکار گفت موسی آیا میگویید شما مرسخن راست آن هنگام

جاءكم اسحر هذا ولا يفلح الساحرون ۝ قالوا اجئتنا

بشما آمد که سحرست این و فیروز نباشند ساحران گفتند آیا آمدی تو ما را

لتلفتنا عما وجدنا عليه اباءنا وتكون لكما الكبرياء

تا برگردانی ازآنچه یافته ایم ما بر آن پدران خود را و باشد مر دو برادر را پادشاهی

في الارض وما نحن لكما بمؤمنين ۝ وقال فرعون ائتوني

در زمین مصر و نیستیم ما مر شما هر دو را از گرویدگان و گفت فرعون بیارید من

بكل ساحر عليم ۝ فلما جاء السحرة قال لهم موسى القوا ما

هر ساحر دانا پس آن هنگام که آمدند جادویان گفت ایشانرا موسی بیفگنید آنچه

انتم ملقون ۝ فلما القوا قال موسى ما جئتم به السحر ان الله

شما افگنندگانید پس چون بیفگندند گفت موسی آنچه آوردید شما آن جادویست بدرستی که خدای

سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين ۝ ويحق الله الحق

زود تباه گرداند بدرستی که خدای اصلاح نکند کار تباه کاران و ثابت گرداند خدای حق را

بكلماته ولو كره المجرمون ۝ فما امن لموسى الا ذرية من قومه

بسخنان خود و اگرچه کراهت دارند کافران پس ایمان نیاوردند بموسی مگر فرزندان از قوم او

[illegible]

که مومنان قوم موسی علیه السلام هم داخل در خطاب بوده واقامت نماز کار همه بود والله اعلم

على خوف من فرعون وملائهم ان يفتنهم وان فرعون
با وجود ترس از فرعون و ترس از گروه خود اگه عذاب کند فرعون ایشان را
لعال في الارض وانه لمن المسرفين ۞ وقال موسى يا قوم
غالب بود در زمین و بدرستی که بود از حد برندگان وگفت موسی مومنان را ای
ان كنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا ان كنتم مسلمين ۞
اگر هستید گرویده اید بخدا پس براو توکل کنید اگر هستید گردن نهادگان
فقالوا على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم
پس گفتند بر خدای توکل کردیم ای پروردگار ما مگردان ما را آزمایش برای گروه
الظالمين ۞ ونجنا برحمتك من القوم الكافرين ۞ واوحينا
ستمکاران وخلاص ده ما را بمهربانی خود از گروه ناگرویدگان ووحی کردیم
الى موسى واخيه ان تبوآ لقومكما بمصر بيوتا واجعلوا
بموسی و برادر او اگه فرا گیرید برای قوم خود در شهر مصر خانها و بسازید
بيوتكم قبلة واقيموا الصلوة وبشر المؤمنين ۞ وقال
خانهای خود را که گرفته اند مسجد وبپا دارید نماز را وبشارت ده مومنان را وگفت
ربنا انك آتيت فرعون وملأه زينة واموالا في
ای پروردگار ما بدرستی که دادی تو فرعون وگروه او را آرایش گنجینها و مالها در
الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على
زندگانی دنیا ای پروردگار ما تا گمراه کردند از راه عبادت تو ای پروردگار ما محو گردان
اموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب
مالهای ایشان و سخت فرو گیر بر دلهای ایشان پس ایمان نیاورند تا ببینند عذاب
الاليم ۞ قال قد اجيبت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان
دردناک را گفت خدا بدرستی که اجابت کرده شد دعای شما هر دو برادر پس ثابت باشید و پیروی مکنید

خمس

تبعیت نشان نیز وارد شد

سبیل

وبعضی گفته اند که ثبات قدم ورزیدن در پی دعا و شتاب نکنید در هلاک فرعونیان چنانچه جاهلان دعا کنند وخطاب دارند در بر آمدن آن مطلب

سبيل الذين لا يعلمون ۞ وجاوزنا ببني اسرائيل
راه آنکسانکه ندانند وبگذرانیدیم پسران یعقوب را
البحر فاتبعهم فرعون وجنوده بغيا وعدوا حتى
از دریا اندر یافتن فرعون و سپاه وی بستم کردن و دشمنی داز حد گذشتن
اذا ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا
فرعون اندر یافتند غرق گشتن گفت گرویدم که وی نیست خدا مگر
الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين ۞ آلآن
آنکه گرویدند بوی پسران یعقوب ومن از گردن نهندگانم اکنون
وقد عصيت قبل وكنت من المفسدين ۞ فاليوم
گرویدی و بدرستی که بیفرمانی کردی از پیش و بودی از تباه کاران امروز
ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك آية وان كثيرا
برهانیم ترا تن ترا تا باشی مر آنها را که از پس تو اند نشانه و بدرستی بسیاری
من الناس عن آياتنا لغافلون ۞ ولقد بوأنا بني اسرائيل
از مردمان از آیتهای ما بیخبرانند و بدرستی جای ساختیم پسران یعقوب را
مبوأ صدق ورزقناهم من الطيبات فما اختلفوا
جای نیک وروزی دادیم ایشان از خوشیها پاکها و ناهموار نشدند
حتى جاءهم العلم ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة
تا آنگه آمد بایشان دانش که خداوند تو حکم کند میان ایشان روز رستاخیز
فيما كانوا فيه يختلفون ۞ فان كنت في شك مما انزلنا
در آنچه بودند در وی ناهموار بودند واگر هستی اندر گمان از آنچه فرو فرستادیم
اليك فاسئل الذين يقرؤن الكتاب من قبلك لقد
سوی تو پس بپرس از آنانکه میخوانند نامه یعنی توریة از پیش تو

عشر

...کت فی شک از ابن عباس منقولست که این آیه تا سه آیه بعد مدنی است از ابو عبد الله ع مرویست که مقصود در این آیه خطاب باامت نبی

١٤٢

[illegible]

خمس

جاءك الحق من ربك فلا تكونن من الممترين ۝ ولا
آمد بتو راستی از خداوند تو مباش از گمان بندان وشک داران
تكونن من الذين كذبوا بآيات الله فتكونن من الخاسرين
مباش از آنها که دروغ داشتند آیتهای خدا که باشی از زیانکاران
إن الذين حقت عليهم كلمت ربك لا يؤمنون ۝ ولو
آنکسان که واجب گشت بر ایشان سخن خداوند تو یعنی وعده خدا نگروند
جاءتهم كل آية حتى يروا العذاب الأليم ۝
باید بایشان هر حجتی تا ببینند عذاب دردناک
فلولا كانت قرية آمنت فنفعها إيمانها إلا قوم
چرا نبودند دیهی که بگرویدند تا سود داشتی اورا گرویدن لیکن گروه
يونس لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي في الحياة
یونس آنگاه که بگرویدند برداشتیم از ایشان عذاب رسوایی اندر زندگانی
الدنيا ومتعناهم إلى حين ۝ ولو شاء ربك لآمن
اینجهان و برخورداری دادیم ایشان تا گاهی واگر بخواستی خداوند تو بگرویدی
من في الأرض كلهم جميعا أفأنت تكره الناس
هرکه اندر زمین اند همه همگیان باش تو ببستم بدان آری مردمان را
حتى يكونوا مؤمنين ۝ وما كان لنفس أن تؤمن إلا
تا باشند گرویدگان و نه بود مرتنی را که بگرودی مگر
بإذن الله ويجعل الرجس على الذين لا يعقلون ۝
بفرمان خدا و کند پلیدی یعنی عذاب بر آنها که در نیابند
قل انظروا ماذا في السموات والأرض وما تغني الآيات
بگو بنگرید چه چیزست اندر آسمانها و زمین و سود ندارد

والنذر

والنذر عن قوم لا يؤمنون ۝ فهل ينتظرون إلا مثل
و بیم کنندگان یعنی پیغمبران از گروهی که نگروند چه چیز همی پایند مگر همچنان
أيام الذين خلوا من قبلهم قل فانتظروا إني معكم
روزگار آنها که گذشتند از پیش ایشان بگو همی پایید که من با شما
من المنتظرين ۝ ثم ننجي رسلنا والذين آمنوا كذلك
از همی پایندگان باز رهانیم پیغمبران را و آنها که بگرویدند همچنین
حقا علينا ننج المؤمنين ۝ قل يا أيها الناس إن كنتم في شك
واجب بر ما که برهانیم گرویدگان را بگو ای مردمان اگر هستید اندر گمان
من ديني فلا أعبد الذين تعبدون من دون الله ولكن
از دین من نه پرستم آن کسان را که همی پرستید بجز خدا ولیکن
أعبد الله الذي يتوفاكم وأمرت أن أكون من المؤمنين
پرستم خدا را آنکه بمیراند شما را و فرمودند مرا که باشم از گرویدگان
وأن أقم وجهك للدين حنيفا ولا تكونن من المشركين
و بپا داری روی خویش دین را مسلمان پاکیزه و مباش از انباز گیران
ولا تدع من دون الله ما لا ينفعك ولا يضرك فإن
و مخوان بجز از خدا آنکه سود کند ترا و نه زیان دارد ترا اگر
فعلت فإنك إذا من الظالمين ۝ وإن يمسسك الله
کنی تو آنگاه باشی از بیدادگران واگر برساند بتو خدا
بضر فلا كاشف له إلا هو وإن يردك بخير فلا راد
گزندی پس نباشد بردارنده مراو را مگر او واگر بخواهد بتو نیکی نیست بازدارنده
لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم
مر فضل او را برساند بر آن کسی که خواهد از بندگان خویش و ویست آمرزگار بخشاینده

خمس

عشر

[illegible]

قل يا ايها الناس قد جاءكم الحق من ربكم فمن اه
بگو ای مردمان آمد بشما درستی و راستی از خداوند شما و هر که

فانما يهتدي لنفسه ومن ضل فانما يضل عليها
و راه راست مرتن خویش را کرد و هر که گم شود از راه گمراه بر تن خویش

وما انا عليكم بوكيل واتبع ما يوحى اليك
و نیستم من بر شما نگهبان و پیم رو آنرا که وحی فرستاده

حتى يحكم الله سورة هود مائة وثلث وعشرون وهو خير الحاكمين
تا حکم کند خدا و وی بهترین حکم کنندگان

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که شقاوت بعدل قضا کرد مهربانی که سعادت بفضل عطا کرد بخشاینده که حاجت روا

الر كتاب احكمت اياته ثم فصلت من لدن حكيم
این نامه ایست که استوار کرده شد آیتهاء وی باز پدید کرده شود از نزد استوارکار

الا تعبدوا الا الله انني لكم منه نذير وبشير وان است
نپرستید مگر خدای که من شما را از وی بیم کننده ام و مژده دهنده و اگر آ

ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعا حسنا الى اجل
از خداوند خویش باز توبه کنید سوی وی تا برخوردار کرداند شما را برخورداری نیکو سوی زمان

مسمى ويؤت كل ذي فضل فضله وان تولوا فاني
نام زده کرده و بدهید هر خداوند فضل را ایمان و عطا افزونی و اگر برگردند گویم من

اخاف عليكم عذاب يوم كبير الى الله مرجعكم
همی ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ سوی خدا باشد بازگشت

وهو على كل شيء قدير الا انهم يثنون صدورهم
و وی است بر هر چیزی توانا و بدانکه ایشان دو تا میکنند سینها

ليستخفوا

ليستخفوا منه الا حين يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون
تا پنهان شوند از وی بدان آنگاه همی اندر کشند بجامهای خویش بداند آنچه همی پنهان کنند

وما يعلنون انه عليم بذات الصدور وما من دابة
و آنچه آشکار کنند که وی داناست بدانچه در دلهاست و نیست هیچ جنبنده

في الارض الا على الله رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها
در زمین مگر بر خداست روزی وی و بداند آرامگاه وی و جای نگاهداشت وی

كل في كتاب مبين وهو الذي خلق السموات و
همه اندر نامه پیدا و وی است آنکه بیافرید آسمانها و

الارض في ستة ايام وكان عرشه على الماء ليبلوكم
زمین در شش روز و بود عرش وی بر آب تا آزموده کند

ايكم احسن عملا ولئن قلت انكم مبعوثون
تا کدام است از شما نیکوکار و اگر گفتی که شما را برانگیزانند

من بعد الموت ليقولن الذين كفروا ان هذا الا
از پس مرگ گویند آنها که نگرویدند نیست این مگر

سحر مبين ولئن اخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة
جادوی پیدا و اگر سپس داریم از ایشان عذاب سوی گروه شمرده

ليقولن ما يحبسه الا يوم ياتيهم ليس مصروفا عنهم
گویند چه باز دارد آنرا بدان روز که بیاید بدیشان نباشد بازگردانیده از ایشان

وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ولئن اذقنا الانسان
و فرود آید بایشان آنچه بودند که بدان همی افسوس کردند و اگر بچشانیم مردم را

منا رحمة ثم نزعناها منه انه ليئوس كفور ولئن
از ما بخشایشی و باز ستانیم آنرا از وی وی باشد نومید ناسپاس و اگر

خمس

الجزء الثاني عشر

کتاب احکمت آیاته و فصلت آیات ... از بلاغت آنها مستفاد است اثبات صدق آنها و مراد از تفصیل آیات لکه بیان حلال و حرام

[illegible]

بر محکمت چون مفسر بیان کرده شده بنابر اگر مراد از آنها بود و اگر بر معجز مکشوف کشته

[illegible]

عشر

أذقناه نعماء بعد ضراء مسته ليقولن ذهب السيئا
بچشانیمش نیکویا و فراخی از پس سختی که رسیده بوی بگوید رفت بدیها
عني إنه لفرح فخور إلا الذين صبروا وعملوا الصـ
از من هر آینه وی شادی کننده است و نازنده مگر آنکسانی که شکیبایی کردند و کردند نیکویی
أولئك لهم مغفرة وأجر كبير فلعلك تارك بعض
ایشانند مر ایشان را باشد آمرزش و مزدی بزرگ مگر تو بازداری
ما يوحى إليك وضائق به صدرك أن يقولوا لولا
از آنچه وحی فرستند بتو و تنگ شود بدان دل تو بدانکه گویند چرا نفرستادند
عليه كنز أو جاء معه ملك إنما أنت نذير والله
بر وی گنجی یا بیامد با وی فرشته هر آینه تویی بیم کننده و خدا
كل شيء وكيل أم يقولون افتريه قل فأتوا بعشـ
بر هر چیزی نگهبان یا همی گویند که خویشتن ساخته است بگو بیارید
سور مثله مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله
سوره همچون قرآن از خود ساخته و بخوانید آنرا که توانید از بیرون
إن كنتم صادقين فإن لم يستجيبوا لكم فاعلمو
اگر هستید راست کاران و اگر پاسخ نکنند مر شما را بدانید که
أنما أنزل بعلم الله وأن لا إله إلا هو فهل أنتم مسـ
فرو فرستاده اند بدانش خدا و نیست خدا مگر او پس هستید
من كان يريد الحيوة الدنيا وزينتها نوف إليهم
هر که خواهد زندگانی اینجهان و آرایش وی تمام بسپاریم
أعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون أولئك الذين ليس
کارهای ایشان اندر آنجا و ایشان اندر آنجا کم کنند ایشانند آنکسانیکه نیست

خمس

[illegible]

لهم

[illegible]

لهم في الآخرة إلا النار وحبط ما صنعوا فيها وباطل
مر ایشانرا اندر آنجهان مگر آتش و نیست گشت آنچه کردند اندر دنیا و تباه گشت
ما كانوا يعملون أفمن كان على بينة من ربه
آنچه می کردند یا آن کسی که بود بر حجتی و پیدایی از خداوند خویش
ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتاب موسى إماما ورحمة
و بر پی وی آورد گواهی از وی خدا و از پیش وی نامه موسی پیشروی و بخشایش
أولئك يؤمنون به ومن يكفر به من الأحزاب فالنار
ایشان بگروند بوی و هر که کافر شود بوی از گروهها اهل مکه آتش
موعده فلا تك في مرية منه إنه الحق من ربك ولكن
وعده گاه ویست مباش اندر گمان از وی که آن راست است از خداوند تو ولیکن
أكثر الناس لا يؤمنون ومن أظلم ممن افترى
بیشترین مردمان ناگرویدگانند و کیست ستمکارتر از آنکه بر بافد
على الله كذبا أولئك يعرضون على ربهم ويقول
بر خدا دروغ ایشانند که عرضه کنند شان بر خداوند خویش و گویند
الأشهاد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله
گواهان حاضران این اند آنکسانکه دروغ نهادند بر خداوند خویش بدانید که لعنت خدا
على الظالمين الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها
بر ستمکاران آنکسانکه بازدارند از راه خدا و بجویند مر آنرا
عوجا وهم بالآخرة هم كافرون أولئك لم يكونوا معجزين
کژی و ایشان در آنجهان ایشان کافرانند ایشانند نبودند از عذاب خدا گریزندگان
في الأرض وما كان لهم من دون الله من أولياء يضاعف
اندر زمین و نبود مر ایشانرا از بیرون خدا از یاری کنندگان بیفزایند

[illegible]

لهم العذاب ما كانوا يستطيعون السمع وما كانوا
مر ایشانرا عذاب نبودند که بتوانستندی شنیدن و نبودند
يبصرون ۝ اولئك الذين خسروا انفسهم وضل عنهم
که بدیدندی ایشانند آنکسانکه زیان کردند تنهای خویش را و گم شد از ایشان
ما كانوا يفترون ۝ لا جرم انهم في الآخرة هم الاخسرون
آنچه همی فرا بافتند هر آینه ایشان اندر آنجهان ایشان زیانکارترند
ان الذين امنوا وعملوا الصالحات واخبتوا الى ربهم
آنکسانکه بگرویدند و بکردند نیکیها و فروتنی کردند خداوند خویش را
اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون ۝ مثل الفريقين
ایشانند باشندگان بهشت ایشان اندر آنجا جاودان و داستان این دو
كالاعمى والاصم والبصير والسميع هل يستويان
چون کور هست و کر و بینا و شنوا هرگز برابر باشند
مثلا افلا تذكرون ۝ ولقد ارسلنا نوحا الى قومه
این دو با مانند که با هیچ پند نگیرند و ما فرستادیم نوح را سوی گروه
انى لكم نذير مبين ۝ ان لا تعبدوا الا الله انى اخاف
که من شمارا بیم کننده‌ام پیدا کننده که نپرستید مگر خدایرا که من همی ترسم
عليكم عذاب يوم اليم ۝ فقال الملأ الذين كفروا
بر شما عذاب روز دردناک گفتند مهتران آنها که کافر شدند
من قومه ما نريك الا بشرا مثلنا وما نريك اتبعك
از گروه وی نمی‌بینم ترا مگر مردی همچون ما و نه بینم ترا که متابعت کرد
الا الذين هم اراذلنا بادى الرأي وما نرى لكم علينا
مگر آنانکه ایشان زیردستان ما اند آشکاره نادانان و نمی‌بینیم شمارا بر ما

عشر

خمس

[illegible]

من فضل

١٤٥

[illegible]

عشر

من فضل بل نظنكم كاذبين ۝ قال يا قوم ارأيتم
هیچ افزونی بلکه گمان بریتان که دروغ زنانید گفت ای گروه من چه بینید
ان كنت على بينة من ربى واتانى رحمة من عنده فعميت
اگر باشم بر حجتی از خداوند من و بداد مرا بخشایشی از نزدیک وی پوشیده گشت
عليكم انلزمكموها وانتم لها كارهون ۝ ويا قوم لا
بر شما یا واجب کنیم بر شما این و شما مر آنرا ناخواهان باشید و ای گروه من نه
اسئلكم عليه مالا ان اجرى الا على الله وما انا
خواهم از شما بروی خواسته مزد من نیست مگر بر خدا و نیستم من
بطارد الذين امنوا انهم ملاقوا ربهم ولكنى اريكم قوما
راننده آنکسانرا که بگرویدند که ایشان خواهند رسیدن خداوند خویش ولیکن من همی بینم شمارا گروهی
تجهلون ۝ ويا قوم من ينصرنى من الله ان طردتهم
نادانی کنید و ای گروه من که یاری کند مرا از خدا اگر برانم ایشان
افلا تذكرون ۝ ولا اقول لكم عندى خزائن الله
با هیچ پند نگیرید و نه گویم مر شمارا که نزد من است گنج خانهای خدا
ولا اعلم الغيب ولا اقول انى ملك ولا اقول للذين
و نه دانم نابوده و نه گویم که من فرشته‌ام و نه گویم مر آنکسانرا
تزدرى اعينكم لن يؤتيهم الله خيرا الله اعلم بما فى
که خوار همی دارد چشمهای شما ندهد ایشانرا خدا نیکی خدا داناتر است بدانچه اندر
انفسهم انى اذا لمن الظالمين ۝ قالوا يا نوح قد جادلتنا
تنهای ایشانست من آنگاه باشم از بیدادگران گفتند ای نوح پیکار کردی با ما
فاكثرت جدالنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين ۝
و بسیار کردی پیکار ما را بیار با آنچه وعده همی کنی مرا اگر هستی از راست گویان

قال انما یاتیکم به الله ان شآء وما انتم بمعجزین ولا
گفت بیارد بشما آنرا خدا اگر بخواهد و نتوانید خدا را عاجز کردن و
ینفعکم نصحی ان اردت ان انصح لکم ان کان الله
سود ندارد شما را نصیحت کردن من اگر خواهم که نصیحت کنم مر شما را اگر چنان است که خدا
یرید ان یغویکم هو ربکم والیه ترجعون ۝ ام
خواهد که بیراه گرداند شما را او وی است خداوند شما و سوی وی باز گردانند شما را یا
یقولون افتریه قل ان افتریته فعلی اجرامی وانا بری
همی گویند از خود ساخت قرآن بگو که اگر خویشتن ساخته باشم پس بر من باشد گناه کردن من و من بیزار
مما تجرمون ۝ واوحی الی نوح انه لن یؤمن من قومك
از آنچه شما همی گناه کنید و پیغام فرستادیم سوی نوح که هرگز نگروند از گروه تو
الا من قد امن فلا تبتئس بما کانوا یفعلون ۝ واصنع
مگر آنکسی که گرویده اند و بکمین مشو بدانچه همی کنند بساز
الفلك باعیننا ووحینا ولا تخاطبنی فی الذین ظلموا
کشتی بدیدار ما و پیغام ما و خطاب مکن اندر آنکسانی که بیدادگری کردند
انهم مغرقون ۝ ویصنع الفلك وکلما مر علیه ملا
ایشان غرقه خواهد شدن و بکرد کشتی و هر آنگاه که بگذشتی بروی گروهی
من قومه سخروا منه قال ان تسخروا منا فانا نسخر منکم
از مردمان وی فسوس کردندی ویرا گفت اگر فسوس کنید ما را ما فسوس کنیم شما را
کما تسخرون فسوف تعلمون ۝ من یاتیه عذاب یخزیه
چنانچه فسوس کنید ما را زود باشد که بدانید کیست بیاید بروی عذاب که هلاک کند ویرا
ویحل علیه عذاب مقیم ۝ حتی اذا جاء امرنا وفار
و فرود آید بروی عذاب پایدار تا چون بیامد فرمان ما و برجوشید

التنور

ام منقطعه است [illegible]

خمس

[illegible]

التنور قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین واهلك
تنور گفتیم بردار اندر کشتی از هر دو جفتی دو تا و کسان خویش را
الا من سبق علیه القول ومن امن وما امن معه الا
مگر آنکه پیش رفت بروی گفتار یعنی عذاب و آنکسی که بگروید و نگروید با وی مگر
قلیل ۝ وقال ارکبوا فیها بسم الله مجریها ومرسیها ان
اندک و گفت برنشینید اندر کشتی بنام خدا رفتن و فرو ایستادن وی که
ربی لغفور رحیم ۝ وهی تجری بهم فی موج کالجبال
خداوند من آمرزنده است بخشاینده و آن کشتی همی برد ایشانرا اندر موج چون کوهها
ونادی نوح ابنه وکان فی معزل یا بنی ارکب معنا ولا
و آواز داد نوح پسر خویش را و بود بیک کرانه یا پسر من برنشین با ما و
تکن مع الکافرین ۝ قال ساوی الی جبل یعصمنی من الماء
مباش با ناگرویدگان گفت زود پناه جویم سوی کوهی که نگاه دارد مرا از آب
قال لا عاصم الیوم من امر الله الا من رحم وحال بینهما
گفت نیست نگاه دارنده امروز از فرمان خدا مگر آنکس را که بخشاید و جدا کرد میان ایشان
الموج فکان من المغرقین ۝ وقیل یا ارض ابلعی ماءك
موج بود از غرقه شدگان و گفته شد ای زمین فرو خور آب خود را
ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
و ای آسمان باز ایست از باریدن و فرو شد آب و گذارده شد کار یعنی هلاک شد قوم نوح و بایستاد کشتی
علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین ۝ ونادی
بر کوه جودی و گفته شد دوری باد مر گروه ستمکاران را و بخواند
نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی وان وعدك
نوح خداوند خویش را و گفت یا خداوند من پسر من از کسان من است و هر آینه وعده تو

عشر

[illegible]

الحق وانت احكم الحاكمين ۝ قال يا نوح انه ليس من
راست است و تو کارگذارتر کارگذاران ۝ گفت ای نوح وی نیست از
اهلك انه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به علم
کسان تو که وی کاری کرد ناخوب مخواه از من آنچه نیست مر ترا بوی دانش
اني اعظك ان تكون من الجاهلين ۝ قال رب اني اعوذ
من پند دهم ترا که باشی از نادانان گفت نوح ای خداوند من
بك ان اسئلك ما ليس لي به علم والا تغفر لي وترحمني
بتو که بخواهم از تو آنچه نیست مرا بوی دانشی و اگر نیامرزی مرا و نبخشایی
اكن من الخاسرين ۝ قيل يا نوح اهبط بسلام منا وبركات
باشم از زیان کاران گفت ای نوح فرود آی برآیندن از ما و برکتها
عليك وعلى امم ممن معك وامم سنمتعهم ثم يمسهم منا
بر تو و بر گروهها از آنکه با تواند و گروهی زود برخوردار کنیم ایشان باز رسد
عذاب اليم ۝ تلك من انباء الغيب نوحيها اليك ما
عذاب دردناک این است از خبرهای ناپیدا که وحی فرستیم سوی تو
كنت تعلمها انت ولا قومك من قبل هذا فاصبر ان
بودی که بدانستی آنرا تو ونه گروه تو از پیش این شکیبایی کن که
العاقبة للمتقين ۝ والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم
سرانجام نیک مر پرهیزکاران است و فرستادیم سوی گروه عاد برادر ایشان هود را گفت ای گروه من
ما لكم من اله غيره ان انتم الا مفترون ۝ يا قوم لا
نیست مر شما هیچ خدایی جز وی نیستید شما مگر دروغ زنان ای گروه من
عليه اجرا ان اجري الا على الذي فطرني افلا تعقلون
بروی مزدی نیست مزد من مگر بر کسی که بیافرید مرا

ويا قوم استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يرسل
ای گروه من آمرزش خواهید از خداوند خویش باز بازگردید سوی وی تا بفرستد
السماء عليكم مدرارا ويزدكم قوة الى قوتكم ولا
آسمان بر شما باران ریزنده و بیفزاید شما را نیروی با نیروی شما و
تتولوا مجرمين ۝ قالوا يا هود ما جئتنا ببينة وما
گناه کاران گفتند ای هود نیاوردی با ما حجتی و نیستیم
نحن بتاركي آلهتنا عن قولك وما نحن لك بمؤمنين ۝
دست بازدارنده خدایان خویش را از گفتار تو و نیستیم ما مر ترا استوار دارندگان
ان نقول الا اعتراك بعض آلهتنا بسوء قال اني اشهد الله
مگر برسانیدن تو بهره از بتان ما دیوانگی گفت هود من گواه کنم خدای
واشهدوا اني بريء مما تشركون ۝ من دونه فكيدوني
گواه باشید که من بیزارم از آنچه شما انباز گیرید از بیرون خدا سازش بکنید مرا
جميعا ثم لا تنظرون ۝ اني توكلت على الله ربي
باز زمان ندهید مرا من ماندم کار خویش بر خدا پروردگار من
وربكم ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها ان ربي
پروردگار شما نیست هیچ جنبنده مگر وی گرفته است پیشانی وی که خداوند من
على صراط مستقيم ۝ فان تولوا فقد ابلغتكم ما ارسلت
راه راست است اگر برگردند بگو رسانیدم بشما آنچه فرستاده شدم
اليكم ~~ويستخلفكم~~ ويستخلف ربي قوما غيركم
سوی شما و بسپس بیارد خداوند من گروهی جز شما
ولا تضرونه شيئا ان ربي على كل شيء حفيظ ۝ ولما
نتوانید کرد وی را چیزی که خداوند من بر هر چیزی نگهبان است و چون

ويا قوم

١٤٧

خمس

عشر

منقول است ... در میان ایشان ... والله اعلم [illegible]

[illegible]

... والله اعلم بالصواب

جاء امرنا نجينا هودا والذين امنوا معه برحمة منا
بیامد فرمان ما برهانیدیم هود را و آنکسان را که بگرویدند باوی و بخشایشی از
ونجيناهم من عذاب غليظ وتلك عاد جحدوا بايا
و برهانیدیم ایشان از عذاب درشت سخت واین است قوم عاد منکر گشتند حجتهای
ربهم وعصوا رسله واتبعوا امر كل جبار عنيد واتبعوا
خداوند خویش و بیفرمانی کردند پیغمبران او را و پس روی کردند فرمان هر گردن کشی ستیزه کار را و اندر
في هذه الدنيا لعنة ويوم القيمة الا ان عادا كفر
اندر این جهان لعنت و روز قیامت بدانید که گروه عاد
ربهم الا بعدا لعاد قوم هود والى ثمود اخاهم صالحا
خداوند خویش هلاک دوری باد عادیان را گروه هود و فرو فرستادیم سوی گروه ثمود
قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره هو انشأكم
گفت ای گروه من بپرستید خدای را نیست مر شما را هیچ خدا جز وی
من الارض واستعمركم فيها فاستغفروه ثم توبوا اليه
از زمین پس آمرزش خواهید ازو باز گردید سوی
ان ربي قريب مجيب قالوا يا صالح قد كنت فينا مرجوا
که خداوند نزدیک است پاسخ کننده گفتند ای صالح بحقیقه بودی اندر ما امید
قبل هذا اتنهانا ان نعبد ما يعبد اباؤنا وانا لفي
پیش ازین که بازداری ما را که بپرستیم آنچه پرستیدند پدران ما و ما
شك مما تدعونا اليه مريب قال يا قوم ارايتم ان
گمانیم از آنچه همی خوانی ما را سوی وی گمان افکنده گفت ای گروه من چه بینید اگر
كنت على بينة من ربي واتاني منه رحمة فمن ينصرني
باشم بر حجتی از خداوند خود و داده باشد مرا از وی بخشایشی کیست که یاری

عشر

من الله ان عصيته فما تزيدونني غير تخسير ويا قوم
خدا اگر بیفرمانی کنم وی را پس نیفزایید مرا بجز زیان کاری و ای گروه من
ذه ناقة الله لكم اية فذروها تاكل في ارض الله
ماده شتر خداست مر شما را نشانی دست بدارید وی را تا همی خورد اندر زمین خدای
ولا تمسوها بسوء فياخذكم عذاب قريب فعقروها
مساوید وی را به بدی که بگیرد شما را عذابی نزدیک پس پی کردند
تمتعوا في داركم ثلاثة ايام ذلك وعد غير مكذوب
برخورید اندر سرای خویش سه روز که این وعده است نادروغ داشته
لما جاء امرنا نجينا صالحا والذين امنوا معه برحمة منا
بیامد فرمان ما برهانیدیم صالح را و آنکسانکه بگرویدند باوی بخشایشی از ما
ومن خزي يومئذ ان ربك هو القوي العزيز واخذ الذين
و از عذاب آن روز که پروردگار تو اوست نیرومند و استوار کار و بگرفت آنکسانی که
ظلموا الصيحة فاصبحوا في ديارهم جاثمين كان لم يغنوا
بانگ و گشتند اندر سراهای خویش مردگان افتادگان پنداری نبودند
فيها الا ان ثمود كفروا ربهم الا بعدا لثمود ولقد
بدانید که گروه ثمود کافر شدند بخداوند خویش دوری و هلاک باد مر ثمودیان را و
جاءت رسلنا ابراهيم بالبشرى قالوا سلاما قال سلام
آمدند فرستادگان ابراهیم را مژده گفتند ابراهیم را سلام گفت سلام
فما لبث ان جاء بعجل حنيذ فلما را ايديهم لا تصل اليه
که بیاورد گوساله بریان کرده چون بدید دستهای ایشان نرسید بدان
نكرهم واوجس منهم خيفة قالوا لا تخف انا ارسلنا الى
و بدل اندر گرفت از ایشان بیم گفتند مترس ما را فرستاده اند سوی

خمس

[illegible]

گویند که چهار فرشته بودند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل والله اعلم بحقایق الامور

[illegible]

عشر

قوم لوط ۝ وامرأته قائمة فضحكت فبشرناها باسحق

گروه لوط وزن وی نام او ساره ایستاده بود بخندید مژده دادیمش باسحق

ومن وراء اسحق يعقوب ۝ قالت يا ويلتى ءالد وانا

و از پس اسحق یعقوب پسره گفت ای وای من زایم و من

عجوز وهذا بعلي شيخا ان هذا لشيء عجيب ۝ قالوا

پیرم گشته و این شوهر من پیر گشته و این چیزی شگفت است گفتند

اتعجبين من امر الله رحمت الله وبركاته عليكم اهل

همی شگفت داری از کار خدا بخشایش خدا و برکتها بر شما

البيت انه حميد مجيد ۝ فلما ذهب عن ابراهيم الروع

خانه گروهی ستوده است بزرگوار چون بشد از ابراهیم ترس

وجاءته البشرى يجادلنا في قوم لوط ۝ ان ابراهيم لحليم

و بیامد بوی مژده پیکار همی کرد با ما اندر گروه لوط که ابراهیم بردبار

اواه منيب ۝ يا ابراهيم اعرض عن هذا انه قد

زاری کننده و بازگردنده ای ابراهیم روی بگردان از این پیکار که

جاء امر ربك وانهم اتيهم عذاب غير مردود ۝ ولما

آمد فرمان خداوند تو و ایشان اند که بیاید بایشان عذاب نا بازگردانیده

جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا وقال

بیامدند رسولان ما سوی لوط اندوهگین شد بآمدن ایشان و تنگ شد بایشان دلش

هذا يوم عصيب ۝ وجاءه قومه يهرعون اليه

این روزیست صعب و بیامدند سوی گروه وی همی شتافتند

ومن قبل كانوا يعملون السيئات قال يا قوم هؤلاء

وز پیش بودند که همی کردند بدیها گفت ای گروه من این

بناتي

بناتي هن اطهر لكم فاتقوا الله ولا تخزون في ضيفي

دختران من اند ایشان پاکیزه تر اند مر شما را آنگاه بترسید از خدا و شرمنده مکنید مرا اندر مهمانان من

اليس منكم رجل رشيد ۝ قالوا لقد علمت ما لنا في بناتك

نیست از شما مردی راه یافته گفتند نیک دانسته که نیست ما را اندر دختران تو

من حق وانك لتعلم ما نريد ۝ قال لو ان لي بكم قوة او

بهره و تو همی دانی آنچه همی خواهیم گفت اگر بودی با شما نیروی یا

اوي الى ركن شديد ۝ قالوا يا لوط انا رسل ربك

بازگشتمی سوی گروهی استوار گفتند فرشتگان ای لوط ما رسولان خداوند توایم

لن يصلوا اليك فاسر باهلك بقطع من الليل ولا يلتفت

نرسند بتو ببر کسان خویش بپاره گذشته از شب و باز پس منگرد

منكم احد الا امرأتك انه مصيبها ما اصابهم ان موعدهم

از شما یکی مگر زن تو که برسد بوی آنچه بخواهد رسیدن ایشان که وعده گاه ایشان

الصبح اليس الصبح بقريب ۝ فلما جاء امرنا جعلنا عاليها

صبح است ای نیست سپیده دم نزدیک چون بیامد فرمان ما بکردیم زبر آن دیه

سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل منضود مسومة

زیر وی و بباریدیم بر آن دیه سنگی از سنگ گل اندر هم پیوسته نشان کرده

عند ربك وما هي من الظالمين ببعيد ۝ والى مدين اخاهم

نزد خداوند تو و نیست آن سنگ از بیدادگران دور و فرستادیم سوی مردمان مدین برادرشان

شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ولا

شعیب گفت ای گروه من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدای جز وی و

تنقصوا المكيال والميزان اني اريكم بخير واني اخاف

مکاهید پیمانه را و ترازو را که من همی بینم شما را به نیکی و من همی ترسم

عشر

خمس

نصف

[illegible]

ازینان لعنة الله که ایشان مستحق آن بودند و بقوله وما هي من الظالمين ببعيد ستمکار است و غرض آنست که هر ستمکار را ساعة بساعة باید که مترصد نزول چنین عذاب باشد

[illegible]

یعنی آنچه را نه پسندیدم و نهی کرده ام شما را بر خود نه پسندیدم و خود را از آن باز داشتم

خمس

عليكم عذاب يوم محيط ۞ ويا قوم اوفوا المكيال
بر شما عذاب روز گرد کننده وای گروه من تمام دهید پیمانه را

والميزان بالقسط ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تعثوا
و ترازو را براه و مکاهید مردمان را چیزهای ایشان و تباهی مکنید

في الارض مفسدين ۞ بقيت الله خير لكم ان كنتم مؤمنين
اندر زمین تباه کاران آنچه باز ماند از خدا بهتر مر شما را اگر هستید گرویدگان

وما انا عليكم بحفيظ ۞ قالوا يا شعيب اصلوتك تامرك
و نیستم من بر شما نگاهبان گفتند ای شعیب نمازهای تو [illegible]

ان نترك ما يعبد اباؤنا او ان نفعل في اموالنا ما نشاء
که بگذاریم آنچه پرستیدند پدران ما یا آنکه کنیم اندر خواستهای [illegible]

انك لانت الحليم الرشيد ۞ قال يا قوم ارايتم ان كنت
که تو بردباری و راه یافته گفت ای گروه من چه بینید اگر باشم

على بينة من ربي ورزقني منه رزقا حسنا وما اريد
بر درستی از خداوند من و روزی داد مرا از وی روزی نیکو و نخواهم

ان اخالفكم الى ما انهيكم عنه ان اريد الا الاصلاح
که خلاف کنم شما را سوی آنچه باز دارم شما را از وی نخواهم من خوب کاری

ما استطعت وما توفيقي الا بالله عليه توكلت واليه
تا توانم و نیست کارسازی من مگر بخدا بر وی توکل کردم و سوی او

انيب ۞ ويا قوم لا يجرمنكم شقاقي ان يصيبكم
بازگردم وای گروه من میارد شما را خلاف من که برسد شما

مثل ما اصاب قوم نوح او قوم هود او قوم صالح وما قوم
همچنان که رسید گروه نوح را یا گروه هود را یا گروه صالح را و نیست

قوم

عشر

لوط منكم ببعيد ۞ واستغفروا ربكم ثم توبوا اليه
لوط از شما دور و آمرزش خواهید از خداوند خویش و بازگردید بخدای خویش

ان ربي رحيم ودود ۞ قالوا يا شعيب ما نفقه كثيرا مما
خداوند من بخشاینده است و دوستدار گفتند ای شعیب در نیابیم بسیاری از آنچه

تقول وانا لنريك فينا ضعيفا ولولا رهطك لرجمناك
می گویی و ما هر آینه می بینیم ترا اندر ما سست و اگر کسان تو نبودی سنگسار کردیمی ترا

وما انت علينا بعزيز ۞ قال يا قوم ارهطي اعز عليكم من الله
و نه ای تو بر ما عزیز گفت ای گروه من کسان من عزیزتر بر شما از خدا

واتخذتموه وراءكم ظهريا ان ربي بما تعملون محيط ۞ ويا
و گرفتید وی را پس پشت شما انداخته که خداوند من بدانچه می کنید آگاه است وای

قوم اعملوا على مكانتكم اني عامل سوف تعلمون من ياتيه
گروه من کار کنید بر جایگاه خویش من کار کنم زود بدانید که بیاید بوی

عذاب يخزيه ومن هو كاذب وارتقبوا اني معكم
عذاب هلاک کند وی را و کیست که آن دروغ زن است چشم دارید که من با شما

رقيب ۞ ولما جاء امرنا نجينا شعيبا والذين امنوا معه
چشم دارم و چون بیامد فرمان ما برهانیدیم شعیب را و آنکه گرویده بودند با وی

برحمة منا واخذت الذين ظلموا الصيحة فاصبحوا في ديارهم
ببخشایش از ما و بگرفت آنها را که بیداد کردند بانگ پس شدند اندر سرایهای خویش

جاثمين ۞ كان لم يغنوا فيها الا بعدا لمدين كما بعدت
مردگان چنانکه نبودند اندر آنجا بدانکه دوری باد مر مدین را همچنانکه هلاک شدند

ثمود ۞ ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين
ثمود و بحقیقه فرستادیم موسی را با نشانهای ما و حجت پیدا

خمس

الى فرعون وملائه فاتبعوا امر فرعون وما امر
سوی فرعون و گروه مهان وی و بهم رفتند فرمان فرعون را و نبود فرمان
فرعون برشيد ۝ يقدم قومه يوم القيمة فاوردهم
فرعون راه نماینده پیش رود گروه خویش را روز رستاخیز پیاردشان
النار وبئس الورد المورود ۝ واتبعوا في هذه لعنة
باتش و بد جای آمدن است که آنجا آیند و ایشان را بهم فرستاده اندرین
ويوم القيمة بئس الرفد المرفود ۝ ذلك من انباء القرى
و روز رستاخیز بد عطایست داده اینست از خبرهای دیهها
نقصه عليك منها قائم وحصيد ۝ وما ظلمناهم
خبر دهیم او را بر تو از آن دیهها هست بر پای و فتاده و نکردیم بیداد برایشان
ولكن ظلموا انفسهم فما اغنت عنهم الهتهم التي يدعون
ولیکن بیداد کردند بر تنهاء خویش پس سود نداشت از ایشان بتان ایشان که همی خواندند
من دون الله من شيء لما جاء امر ربك وما زادوهم
از جز خدا هیچ چیز چون بیامد فرمان خداوند و نیفزودشان
غير تتبيب ۝ وكذلك اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي
بجز هلاک کردن و همچنین باشد گرفتن خداوند تو چون بگیرد دیهها و آن
ظالمة ان اخذه اليم شديد ۝ ان في ذلك لاية لمن خاف
ستمکار باشند که گرفتن وی دردناک است سخت بدرستی اندرین نشانهاست مر آنکس را
عذاب الاخرة ذلك يوم مجموع له الناس وذلك يوم
از عذاب آن جهان آن روزیست گرد آورده مراورا مردمان و آن روزی است
مشهود ۝ وما نؤخره الا لاجل معدود ۝ يوم يات
بنجا آمده هم اندروی و سپس نداریم آنرا مگر تا زمانه شمرده آن روز که بیاید

عشر

[illegible]

۱۵۱

خمس

[illegible]

لا تكلم نفس الا باذنه فمنهم شقي وسعيد ۝ فاما الذين شقوا
سخن نگوید تنی مگر بفرمان وی از ایشان باشد بدبخت و نیک بخت پس اما آنکه بدبختی کردند
ففي النار لهم فيها زفير وشهيق ۝ خالدين فيها ما دامت
اندر آتش باشند مر ایشان را اندر آنجا بانگ ناله و خروش جاودان اندر آنجا تا بجای باشند
السموات والارض الا ما شاء ربك ان ربك فعال لما
آسمان یعنی آسمان دوزخ و زمین یعنی زمین دوزخ مگر آنکه خواهد خدای تو که خداوند تو کننده است آنچه
يريد ۝ واما الذين سعدوا ففي الجنة خالدين فيها ما
خواهد و اما آنکه نیکبخت باشند اندر بهشت جاودان اندر آنجا تا
دامت السموات والارض الا ما شاء ربك عطاء غير
بجای باشند آسمانها و زمین مگر آنکه خواهد خداوند تو عطا جز
مجذوذ ۝ فلا تك في مرية مما يعبد هؤلاء ما يعبدون
بریده پس مباش اندر گمان آنچه همی پرستید ایشان نه پرستند
الا كما يعبد اباؤهم من قبل وانا لموفوهم نصيبهم
مگر آنچه پرستیدند پدران ایشان از پیش و ما تمام دهیم ایشان را بهره ایشان
غير منقوص ۝ ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف
ناکاسته و بدادیم موسی را نامه یعنی توریة ناهموار شد
فيه ولولا كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم وانهم
اندروی و اگر نه سخنی بودی که پیش رفت از خداوند تو حکم کرده شدی میان ایشان و ایشان
لفي شك منه مريب ۝ وان كلا لما ليوفينهم ربك اعمالهم
اندر گمان اند از وی اندر گمان افگنده و هر تنی را هر آینه تمام دهندشان خداوند تو کارهای ایشان
انه بما يعملون خبير ۝ فاستقم كما امرت ومن تاب معك
که وی بآنچه کنند آگاه است راست و استوار باش چنانکه فرمودت و آنها که توبه کردند با تو

[illegible]

خمس

ولا تطغوا انه بما تعملون بصير ۞ ولا تركنوا الى الذين
و گردن بر مکشید آنچه می کنید بیناست و منگرید سوی آنانکه
ظلموا فتمسكم النار وما لكم من دون الله من اولياء
بیداد کردند که بساوند شمارا آتش و نباشد شمارا بجز از خدا هیچ کمکداران
ثم لا تنصرون ۞ واقم الصلوة طرفي النهار وزلفا من
باز شمارا یاری نکنند و بپای دار نماز را بدو کناره روز و پارهای از
الليل ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى
شب که نیکیها ببرد بدیهارا این پندیست
للذاكرين ۞ واصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين
مر پندگیران را و شکیبائی کن که خدا نکند ضایع مزد نیکوکاران
فلولا كان من القرون من قبلكم اولوا بقية ينهون
پس نبودند از گروهان از پیش شما خداوندان هوش و خرد که باز داشتندی
عن الفساد في الارض الا قليلا ممن انجينا منهم واتبع
از تباه کاری اندر زمین مگر اندکی از آنکسانکه برهانیدیم از ایشان و پیروی کردند
الذين ظلموا ما اترفوا فيه وكانوا مجرمين ۞ وما كان
آنکسانکه بیداد کردند آنچه فراخ داده کردند در روی و بودند گناهکاران و نه چنان بود
ربك ليهلك القرى بظلم واهلها مصلحون ۞ ولو شاء
که خداوند تو هلاک کند دیهارا بستم و باشندگان دیهها باشند نیکوکاران واگر خواستی
ربك لجعل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفين
خداوند تو بکردی مردم را گروه یگانه و همواره ناهموار میباشند
الا من رحم ربك ولذلك خلقهم وتمت كلمة ربك
مگر آن کسی که بخشاید ویرا خداوند تو و از بهر آن آفریدشان و تمام گشت سخن خداوند تو

لاملان

[illegible]

عشر

[illegible]

لاملأن جهنم من الجنة والناس اجمعين ۞ وكلا
پر کنم دوزخ از پریان و مردمان همگان و همه
نقص عليك من انباء الرسل ما نثبت به فؤادك وجاءك
خوانیم بر تو از خبرها پیغمبران آنچه استوار گردانیدیم بوی دل ترا و بیامد بتو
في هذه الحق وموعظة وذكرى للمؤمنين ۞ وقل للذين
اندرین قصهها راستی و پندی و یادکردی مر گرویدگان را و بگو مر آنکسانرا
لا يؤمنون اعملوا على مكانتكم انا عاملون ۞ وانتظروا
که نگرویدند کار کنید بر جایگاه خویش که ما کارکنندگانیم و چشم دارید
انا منتظرون ۞ ولله غيب السموات والارض واليه
ما چشم دارندگانیم و مر خدایراست نهانی آسمانها و زمین و باوی
يرجع الامر كله فاعبده وتوكل عليه وما ربك
باز گردد کار همه بپرست ویرا و توکل کن بروی و نیست خداوند تو
بغافل عما تعملون ۞
بی آگاهی از آنچه میکنید

سورة يوسف عليه السلم مكية وهي مائة واحدى عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوندی که یعقوب را در دیوسف بخشاید مهربانی که یوسف را ملک مصر گردانید بخشاینده که یوسف را بیعقوب رسانید
الر تلك آيات الكتاب المبين ۞ انا انزلناه قرانا عربيا
این نشانها نامه ایست پیدا کننده ما فرستادیم مر اورا قرانی بتازی
لعلكم تعقلون ۞ نحن نقص عليك احسن القصص بما
تا مگر شما اندر یابید ما میکنیم بر تو نیکوترین پیدا کردنی بدانچه
اوحينا اليك هذا القران وان كنت من قبله لمن الغافلين ۞
پیغام کردیم سوی تو ای محمد این قرآن واگر چه بودی از پیش آن از نا آگاهان

[illegible]

اذ قال يوسف لابيه يا ابت اني رايت احد عشر كوكبا

چون گفت يوسف مر پدر خويش را اى پدر من من ديدم يازده ستاره

والشمس والقمر رايتهم لي ساجدين ۝ قال يا بني لا

و آفتاب و ماه ديدم ايشانرا مرا سجده كنان گفت اى پسرك من

تقصص رؤياك على اخوتك فيكيدوا لك كيدا ان

پيدا مكن خواب خويش را بر برادران خويش كه بسازند مر ترا سازشى بدرستى

الشيطان للانسان عدو مبين ۝ وكذلك يجتبيك

كه ديو هست مر مردم را دشمنى پيدا و همچنين بگزيند ترا

ربك ويعلمك من تاويل الاحاديث ويتم نعمته عليك

خداوند تو و بياموزاند ترا از تعبير خواب و تمام كند نعمت خويش بر تو

وعلى آل يعقوب كما اتمها على ابويك من قبل ابراهيم

و بر كسان يعقوب همچنانكه تمام كرد بر دو پدر تو پيش از اين بر جد و پدر جد ابراهيم

واسحق ان ربك عليم حكيم ۝ لقد كان في يوسف

و اسحق بدرستى كه خداوند تو دانا است و استواركار بود اندر يوسف

واخوته آيات للسائلين ۝ اذ قالوا ليوسف واخوه

و برادران اش نشانها مر پرسندگان را چون گفتند يوسف و برادرش

احب الى ابينا منا ونحن عصبة ان ابانا لفي ضلال مبين

دوست تر به پدر ما از ما و ما گروهيم بنيرو كه پدر ما اندر خطاست پيدا

اقتلوا يوسف او اطرحوه ارضا يخل لكم وجه ابيكم

بكشيد يوسف را و يا بيفكنيد اش بزمينى تا تنها ماند مر شما را روى پدر شما

وتكونوا من بعده قوما صالحين ۝ قال قائل منهم لا

و باشيد از پس آن گروهى نيكان گفت گوينده از ايشان

لا تقتلوا

عشر

[illegible]

حزب

[illegible]

خمس

[illegible]

خمس

[illegible]

تقتلوا يوسف والقوه في غيابت الجب يلتقطه بعض

مكشيد يوسف را و بيفكنيد اش اندر بن چاه تا بر گيرد اش بهره

السيارة ان كنتم فاعلين ۝ قالوا يا ابانا ما لك

كاروانيان اگر هستيد كنندگان گفتند اى پدر چه بود ترا

لا تامنا على يوسف وانا له لناصحون ۝ ارسله معنا

استوار ندارى ما را بر يوسف و ما مر اورا نيك خواهانيم بفرست اورا با ما

غدا يرتع ويلعب وانا له لحافظون ۝ قال اني ليحزنني

فردا تا بچرد و بازى كند و ما مر اورا نگهداريم گفت من آنرا اندوهگين كند مرا

ان تذهبوا به واخاف ان ياكله الذئب وانتم عنه

كه ببريد اورا و ميترسم كه بخورد اورا گرگ و شما از وى

غافلون ۝ قالوا لئن اكله الذئب ونحن عصبة

ناآگاه باشيد گفتند اگر بخورد اورا گرگ و ما گروهيم بنيرو

انا اذا لخاسرون ۝ فلما ذهبوا به واجمعوا ان يجعلوه

ما آنگاه زيانكاران باشيم آنگاه ببردند اورا و آهنگ كردند كه بيفكنند اش

في غيابت الجب واوحينا اليه لتنبئنهم بامرهم هذا وهم

اندر تاريكى چاه و وحى فرستاديم بوى كه آگاه كنى ايشانرا بكار ايشان اين و ايشان

لا يشعرون ۝ وجاءو اباهم عشاء يبكون ۝ قالوا يا

ندانستند و بيامدند سوى پدر خويش شبانگاه گريستند گفتند اى

ابانا انا ذهبنا نستبق وتركنا يوسف عند متاعنا فاكله الذئب

پدر ما ما رفتيم تا بپيشى گيريم و بگذاشتيم يوسف را نزد كالاى خويش بخورد اورا گرگ

وما انت بمؤمن لنا ولو كنا صادقين ۝ وجاءو على قميصه

و نيستى تو استواردارنده مارا و اگر چه باشيم راست گويان و بياوردند بر پيراهن وى

بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَ

خون دروغ کفت یعقوب نه بل آراست شما را تنهاء شما کاری شکیبائی

جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ وَجَاءَتْ سَيَّا

نیکو و از خدا یاری باید خواستن بر آنچه همی وصف کنید و بیامدند کاروانی

فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَامٌ وَأَسَ

بیوست و ز آنچه بیند خویش فروهشت دلو خویش کفت ای مژده مر شما را این کودکیست و پنهان

بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ

بضاعه و خدا دانا بود بدانچه همی کردند و فروختندش بهای اندک درمها

مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَ

شمرده و بودند اندر وی از ناخواهندکان و کفت آنکه بخرید

مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَ

از شهر مصر مر زن خویش را کرامی دار جایگاه وی را اگر که منفعت کند ما را یا بگیریم او را بفرزندی

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِي

و همچنین جای دادیم یوسف را اندر زمین و تا بیاموزانیمش از تعبیر

الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

خوابها و خدا غلبه کننده بر کارها ولیکن بیشتر مردمان

يَعْلَمُونَ ۝ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰ

ندانند و چون برسید بنیروی خویش بدادیمش سخن صواب و دانش و همچنین

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْ

پاداش دهیم نیکوکاران را و خواست آن زن که وی در خانه او بود از تن وی

وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّ

و ببست درها را و کفت بیا شتاب تو کفت باز داشت خدای

عشر

بنمودند برادران یوسف پیراهن آلوده [illegible] را بر پدر [illegible] یعقوب [illegible] [illegible] از آن [illegible] بر [illegible] [illegible] و [illegible]

دنتی

١٥٤

نِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ

دکار منست نیکو ساخت منزل مرا بدرستی که او رستکار نشوند ستمکاران و بدرستی که قصد کرد زلیخا

وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ

یوسف نیز اگر نه بدیدی یوسف برهان پروردکار خود را همچنین او را اثبات دادیم تا بکردانیم از وی بدی

وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ۝ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَ

زشت بغرزنا بدرستی که او از بندکان خالص است و پیش کرفتند یوسف و زلیخا سوی در و

قَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا

بدرید زلیخا پیراهن یوسف را از قفا و بیافتند شوهر زن یعنی عزیز را نزدیک در بیرون کفت زلیخا چیست

جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

پاداش کسی که خواهد بکسان تو بدی مکر آنکه بزندان کرده شود یا عذابی دردناک

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ

او درخواست کرد مرا از نفس من و کواهی داد کواهی از کسان زلیخا اکر هست

قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ

پیراهن یوسف دریده از پیش پس زلیخا راست کوید و یوسف از دروغ کویان است و اکر هست

قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ

پیراهن یوسف دریده از پس او پس زلیخا دروغ کوید و یوسف از راستکویان است پس چون دید

قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ۝ يُوسُفُ

پیراهن یوسف را دریده از پس کفت بدرستی که این کار از حیله شما زنان است بدرستی که حیله شما بزرکست ای یوسف

أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۝

از این هم و ای زلیخا آمرزش طلب از برای کناه خود بدرستی که تو بودی از کرده کناه کاران

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ

کروه زنان در شهر مصر که زن عزیز یعنی زلیخا طلب کرده غلام خود را از نفس او بدرستی

خمس

[illegible]

شاهد طفل بود [illegible] زلیخا
و بعضی گفته‌اند مردی دانا بود از خویشان زلیخا
و بعضی گفته‌اند که [illegible] زلیخا بود والله اعلم

عشر

شغفها حبا انا لنريها في ضلال مبين فلما سمعت بمكرهن
بشکافته غلاف دل او از جهت دوستی که ما می‌بینیم او را در گمراهی هویدا پس چون بشنید زلیخا سخن ایشان
ارسلت اليهن واعتدت لهن متكأ واتت كل واحدة
فرستاد بحضور ایشان کس و آماده کرد برای ایشان بالشی و بداد هر یکی را
منهن سكينا وقالت اخرج عليهن فلما رأينه اكبرنه وقطعن
از آن زنان کاردی تا گوشت بریده کنند و گفت یوسف را که بیرون آی بر آن زنان پس چون بدیدند او را بزرگ یافتند
ايديهن وقلن حاش لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك
دستهای خود و گفتند پاکست خدای نیست این غلام آدمی نیست این مگر فرشته
كريم قالت فذلكن الذي لمتنني فيه ولقد راودته
کرامی گفت زلیخا این آن کس است که ملامت کردید مرا در دوستی و بدرستی که من مراوده
عن نفسه فاستعصم ولئن لم يفعل ما آمره ليسجنن
از نفس او پس خویشتن را نگاه داشت و اگر چنانچه نکند آنچه میفرمایم هر آینه زندان کرده
وليكونا من الصاغرين قال رب السجن احب الي مما
و باشد از خوار شدگان گفت پروردگارا زندان دوستر است بمن
يدعونني اليه والا تصرف عني كيدهن اصب اليهن
میخوانند این زنان مرا بسوی وی و اگر نگردانی از من کید ایشان را میل کنم بسوی ایشان
واكن من الجاهلين فاستجاب له ربه فصرف عنه
و باشم از نادانان پس استجابت کرد دعای او را پروردگار او پس بگردانید از وی
كيدهن انه هو السميع العليم ثم بدا لهم من بعد ما
مکر ایشان را بدرستی که او شنوا و داناست پس ظاهر شد ایشان را از پس
راوا الايات ليسجننه حتى حين ودخل معه السجن
دیدند دلایل عصمت هر آینه او را تا هنگامی که مقرر شده و در آمدند با او بزندان

فتیان

روایت کرده ابو حمزه ثمالی از حضرت علی بن الحسین علیه السلام
که چون آن زنان از مجلس [illegible]
[illegible]
[illegible] والله اعلم بالصواب

خمس

[illegible]

فتيان قال احدهما اني اريني اعصر خمرا وقال الاخر
دو جوان گفت یکی از آن دو من دیدم خویشتن را همی فشردمی خمرا و گفت دیگر
اني اريني احمل فوق راسي خبزا تاكل الطير منه نبئنا
دیدم خویشتن را همی بردمی بر سر خویش نان همی خوردند مرغان از وی آگاهی ده ما را
بتاويله انا نريك من المحسنين قال لا ياتيكما طعام
بتعبیر خواب که همی بینیم ترا از نکوکاران گفت نیاید بشما خوردنی
ترزقانه الا نباتكما بتاويله قبل ان ياتيكما ذلكما مما
شما مگر آگاهی دهم شما را بتعبیر آن پیش از آنکه بیاید بشما این سخنان از آن
علمني ربي اني تركت ملة قوم لا يؤمنون بالله وهم بالاخرة
آموزانید مرا پروردگار من بدرستی که بگذاشتم دین گروهی که نگروند بخدا و ایشان بدان جهان
هم كافرون واتبعت ملة اباءي ابراهيم واسحق
کافرانند و پیروی کردم دین پدران خویش را ابراهیم و جد من اسحق
ويعقوب ما كان لنا ان نشرك بالله من شيء ذلك
و یعقوب نشاید و نسزد ما را که انباز گرفتی بخدا از چیزی این
من فضل الله علينا وعلى الناس ولكن اكثر الناس
فضل خداست بر ما و بر مردمان و لیکن بیشترین مردمان
لا يشكرون يا صاحبي السجن ءارباب متفرقون خير
سپاس داری نکنند ای دو یار زندان خداوندان پراکنده بهتر
ام الله الواحد القهار ما تعبدون من دونه الا اسماء
قهر و شکننده همی پرستید جز وی مگر نامها را
سميتموها انتم واباؤكم ما انزل الله بها من سلطان
نهادید شما و پدران شما نه فرو فرستاد خدا بدان نامها هیچ حجتی

[illegible]

عشر

إن الحكم إلا لله أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين
نیست حکم مگر خدایرا فرمود که مپرستید مگر وی را این است دین
القيم ولكن أكثر الناس لا يعلمون ۝ يا صاحبي السجن
راست ولیکن بیشترین مردمان ندانند ای دو یار زندان
أحدكما فيسقي ربه خمرا وأما الآخر فيصلب فتأكل الطير
یکی از شما دو بخوراند خداوند خویش را می و اما آن دیگر بردار کنندش بخورند مرغان
من رأسه قضي الأمر الذي فيه تستفتيان ۝ وقال
از سر وی گذارده شد کاری آنکه اندر وی همی پاسخ جویید وگفت
للذي ظن أنه ناج منهما اذكرني عند ربك فأنساه
مر آنرا که پنداشت که وی رستنی است از آن دو یاد کن مرا نزد خداوند تو فراموش
الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن بضع سنين ۝ وقال
شیطان یاد کرد خداوند خویش درنگ کرد در زندان کم از ده سال وگفت
الملك إني أرى سبع بقرات سمان يأكلهن سبع عجاف
پادشاه من دیدم در خواب هفت ماده گاو فربه که میخورند ایشان را هفت دیگر
وسبع سنبلات خضر وأخر يابسات يا أيها الملأ
و هفت خوشه سبز و هفت دیگر خشک شده ای
أفتوني في رؤياي إن كنتم للرؤيا تعبرون ۝ قالوا أضغاث
پاسخ کنید مرا اندر خواب من اگر هستید که مر خواب را تعبیر کنید گفتند آشفته
أحلام وما نحن بتأويل الأحلام بعالمين ۝ وقال الذي
خوابهاست و نیستیم ما بتفسیر خوابها دانایان وگفت آنکه
نجا منهما وادكر بعد أمة أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون
خلاص یافته بود از آن دو و بیاد کرد پس از هنگامی من آگاهی دهم شما را بتفسیر آن بفرستید

خمس

يوسف أيها الصديق أفتنا في سبع بقرات سمان
ای یوسف ای راست گفتار پاسخ کن ما را در هفت ماده گاو فربه
يأكلهن سبع عجاف وسبع سنبلات خضر وأخر يا
میخورند شان هفت لاغر و هفت خوشه سبز و دیگر
بسات لعلي أرجع إلى الناس لعلهم يعلمون ۝ قال
تا مگر من باز گردم سوی مردمان تا مگر ایشان بدانند گفت
تزرعون سبع سنين دأبا فما حصدتم فذروه في
هفت سال بپایید و دوام آنچه بدروید بگذاریدش در
سنبله إلا قليلا مما تأكلون ۝ ثم يأتي من بعد ذلك
آن مگر اندکی که از آنچه خورید باز بیاید از پس آن
سبع شداد يأكلن ما قدمتم لهن إلا قليلا مما تحصنون ۝
سال سخت بخورید آنچه پیش فرستاده اید مر ایشان را مگر اندکی که از آنچه پنهان کنید
يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه
از پس آن سالی که اندر وی باران دهند مردمان را و اندر وی
يعصرون ۝ وقال الملك ائتوني به فلما جاءه الرسول
افشرند انگور و زیتون وگفت پادشاه بیاریدش چون بیامد بوی رسول
ارجع إلى ربك فسئله ما بال النسوة اللاتي
بازگرد سوی خداوند خویش بپرسش چه رسید حال آن زنان آنان که
قطعن أيديهن إن ربي بكيدهن عليم ۝ قال ما خطبكن
دستها خویش که خداوند من بسازش ایشان داناست گفت چه بود کار شما زنان
راودتن يوسف عن نفسه قلن حاش لله ما علمنا
یوسف را از تن وی گفتند بازداشت خواهیم بخدا آنچه دانستیم ما

عشر

[illegible]

الجزء الثالث عشر

عليه من سوء قالت امرات العزيز الان حصحص الحق

بروی از بدی گفت زن عزیز زلیخا اکنون پدید آمد راستی

انا راودته عن نفسه وانه لمن الصادقين ذلك

من خواستم ویرا از تن وی و وی از راست گویان است گفت یوسف

ليعلم اني لم اخنه بالغيب وان الله لا يهدي كيد

تا بداند که من خیانت نکردم ویرا بجای در غیب و براستی خدای راه ننماید سازش

الخائنين وما ابرئ نفسي ان النفس لامارة بالسوء

خیانت کاران را و بیزار نکردانم تن خویش را که تن فرماینده است بدی

الا ما رحم ربي ان ربي غفور رحيم وقال الملك ائتوني به

مگر آنچه ببخشاید خداوند من که خداوند من آمرزنده است و بخشاینده و گفت پادشاه بیارید

استخلصه لنفسي فلما كلمه قال انك اليوم لدينا مكين

تا یکتا کردانم مر خویشتن را چون سخن گفت با وی گفت ملک تو امروز نزد ما جای گیر

امين قال اجعلني على خزائن الارض اني حفيظ عليم

استوار گفت یوسف بکن مرا بر گنج خانهاء زمین که من نگهدارم شمار کرد

وكذلك مكنا ليوسف في الارض يتبوا منها حيث

و همچنین جای ساختیم مر یوسف را اندر زمین جا همی گرفت از زمین هر کجا

يشاء نصيب برحمتنا من نشاء ولا نضيع اجر المحسنين

میخواست برسانیم بخشایش خویش بدانکه خواهیم و ضایع نکنیم مزد نیکوکاران

ولاجر الاخرة خير للذين امنوا وكانوا يتقون وجاء

و مزد آن جهان بهتر مر آنها را که گرویده اند و بودند از پرهیزکاران و آمدند

اخوة يوسف فدخلوا عليه فعرفهم وهم له منكرون

برادران یوسف اندر شدند بروی شناختشان را و ایشان مر او را ناشناسندگان

ولما

[illegible]

عشر

ولما جهزهم بجهازهم قال ائتوني باخ لكم من ابيكم الا ترون

و چون بساخت کار ایشان را گفت یوسف بیارید برادری که شماراست از پدر شما آیا نمی بینید

اني اوفي الكيل وانا خير المنزلين فان لم تاتوني به فلا كيل

که من تمام میدهم پیمانه را و من بهترین فرود آرندگانم پس اگر بیارید بمن برادر را پس نیست کیل مر

لكم عندي ولا تقربون قالوا سنراود عنه اباه وانا

شما را نزدیک من و نزدیک مشوید بمن گفتند ویرا طلب کنیم از پدر جهد کنیم و ما

لفاعلون وقال لفتيانه اجعلوا بضاعتهم في رحالهم

کنندگانیم چنین را و گفت مر غلامان خود را که بنهید بضاعت ایشان را در بار و انبار ایشان

لعلهم يعرفونها اذا انقلبوا الى اهلهم لعلهم يرجعون فلما رجعوا

تا ایشان بشناسند بضاعت خود را چون باز گردند سوی کسان خود شاید که باز گردند پس چون باز گشتند فرزندان یعقوب

الى ابيهم قالوا يا ابانا منع منا الكيل فارسل معنا اخانا نكتل

گفتند ای پدر ما منع کرده شد از ما پیمودن طعام پس بفرست با ما برادر ما را تا کیل کنیم

وانا له لحافظون قال هل امنكم عليه الا كما امنتكم على

و ما مر او را نگاه دارندگانیم گفت یعقوب آیا شما را امین دارم بر او مگر همچنان که امین ساختم شما را بر

اخيه من قبل فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين ولما

برادر او پیش از این پس خدای بهترست جهت نگاهداشتن و او بخشاینده ترین بخشایندگانست و هنگام

فتحوا متاعهم وجدوا بضاعتهم ردت اليهم قالوا يا ابانا ما

گشادند بارهای خود را یافتند بضاعت خود را باز گردانیده بدیشان گفتند ای پدر ما

نبغي هذه بضاعتنا ردت الينا ونمير اهلنا ونحفظ اخانا

چه طلب میکنیم از احسان این بضاعت ما باز گردانیده اند بما و طعام کشان خود را و نگاهبانیم برادر خود را

ونزداد كيل بعير ذلك كيل يسير قال لن ارسله معكم حتى تؤتون

و افزون کنیم بار یک شتر و این کیل اندک است گفت یعقوب نفرستم او را با شما تا بدهید مرا

[illegible]

خمس

موثقا من الله لتأتنني به الا ان يحاط بكم فلما آتوه موثقهم

پیمانی مؤکد بذکر خدای که بیارید بمن آنرا مگر آنکه گرد شما در آورده شود پس چون دادند او را پیمان خود

قال الله على ما نقول وكيل وقال يا بني لا تدخلوا من باب

گفت که خدای بر آنچه ما میگوییم گواه و مطلع است و گفت ای فرزندان من در میایید اندر شهر مصر از یک دروازه

واحد وادخلوا من ابواب متفرقة وما اغني عنكم من الله

و در آیید هر دو و سه از درهای پراکنده و من نفع نمیکنم از شما از قضای

من شيء ان الحكم الا لله عليه توكلت وعليه فليتوكل

چیزی را نیست حکم نفرمان مگر خدای را بر او توکل کردم من و بر او و باید که توکل کنند

المتوكلون ولما دخلوا من حيث امرهم ابوهم

توکل کنندگان و آن هنگام که در آمدند از آنجا که فرموده بود ایشان را

ما كان يغني عنهم من الله من شيء الا حاجة في نفس يعقوب

نبود که دفع کند از ایشان از قضای خدا چیزی را مگر آنکه حاجتی بود در نفس یعقوب

قضيها وانه لذو علم لما علمناه ولكن اكثر الناس لا

ظاهر کرد آن را و بدرستی که خداوند دانش مر آنچه که آموختیم او را و لیکن بیشتر آدمیان

يعلمون ولما دخلوا على يوسف اوى اليه اخاه قال

میدانند و آن هنگام که در آمدند بر یوسف جای داد بسوی خود برادر خود را گفت

اني انا اخوك فلا تبتئس بما كانوا يعملون فلما جهزهم

بدرستی که من برادر توام پس اندوهناک مباش بآنچه کردند برادران در حق ما پس چون

بجهازهم جعل السقاية في رحل اخيه ثم اذن مؤذن

[illegible] سقایه را در بار برادر او پس ندا کرد ندا کننده

ايتها العير انكم لسارقون قالوا واقبلوا عليهم ماذا

ای کاروانیان بدرستی که شما دزدانید گفتند و روی آوردند بدان جمع که [illegible]

تفقدون

عشر

[illegible]

١٥٨

تفقدون قالوا نفقد صواع الملك ولمن جاء به

[illegible] گفتند گم کرده ایم پیمانه پادشاه را و مر آنرا که بیارد آن

حمل بعير وانا به زعيم قالوا تالله لقد علمتم ما جئنا

[illegible] و من بدان [illegible] گفتند بخدا که دانسته اید که نیامدیم

لنفسد في الارض وما كنا سارقين قالوا فما جزاؤه

[illegible] کاری کنیم اندر زمین و نیستیم ما دزدان گفتند چیست پاداش وی

ان كنتم كاذبين قالوا جزاؤه من وجد في رحله فهو

[illegible] دروغ زنان گفتند پاداش وی است هر که یافته شود در بار وی وی باشد

جزاؤه ~~من وجد في رحله فهو~~ جزاؤه كذلك نجزي الظالمين

همچنین پاداش دهیم ستمکاران را

فبدا باوعيتهم قبل وعاء اخيه ثم استخرجها من وعاء

[illegible] بجوالهای ایشان پیش از جوال برادر خویش باز بیرون آورد آن از جوال

اخيه كذلك كدنا ليوسف ما كان لياخذ اخاه في دين

[illegible] همچنین ساختیم مر یوسف را نبود که بگرفتی برادر خویش را اندر دین

الملك الا ان يشاء الله نرفع درجات من نشاء وفوق

[illegible] مگر که بخواستی خدا برداریم پایگاهها مر آنرا که خواهیم و زبر

كل ذي علم عليم قالوا ان يسرق فقد سرق اخ له من قبل

[illegible] داناتر است گفتند اگر دزدی کند بحقیقة دزدی کرد برادری که او را بود از پیش

فاسرها يوسف في نفسه ولم يبدها لهم قال انتم شر مكانا

[illegible] یوسف اندر تن خویش و پیدا نکرد آن سخن مر ایشان را گفت شما بد جای اید

والله اعلم بما تصفون قالوا يا ايها العزيز ان له ابا

[illegible] بآنچه وصف کنید گفتند ای عزیز مر او را پدریست

خمس

[illegible]

شيخا كبيرا فخذ احدنا مكانه انا نريك من المحسنين
پدری بزرگ بگیر یکی از ما بجای وی که ما همی بینیم ترا از نیکوکاران

معاذ الله ان ناخذ الا من وجدنا متاعنا عنده
باز داشت خواهم بخدا که بگیریم مگر آنکسی که یافتیم کالای خویش نزد وی

انا اذا لظالمون فلما استيئسوا منه خلصوا نجيا
که ما آنگاه از ستمکاران باشیم چون نومید گشتند برادران از وی بیکسو شدند براز گفتن

كبيرهم الم تعلموا ان اباكم قد اخذ عليكم موثقا من الله
مهتر ایشان همی ندانید که پدر شما بگرفت بر شما پیمان استوار از خدا

ومن قبل ما فرطتم في يوسف فلن ابرح الارض حتى ياذن
واز پیش آنچه سستی همی کردید اندر کار یوسف از آن سوی نشوم ازین زمین تا دستوری دهد

لي ابي او يحكم الله لي وهو خير الحاكمين ارجعوا الى ابيكم
مرا پدر من یا حکم کند خدای مرا و وی بهترین حکم کنندگانست باز گردید سوی پدرتان

فقولوا يا ابانا ان ابنك سرق وما شهدنا الا بما علمنا
بگویید ای پدر ما پسر تو دزدی کرد و گواهی ندهیم مگر بدانچه دانستیم

وما كنا للغيب حافظين وسئل القرية التي كنا
و نبودیم مر نهان را نگهدارندگان و بپرس اهل آن دیه را که ما بودیم

فيها وانا لصادقون قال بل سولت لكم انفسكم امرا

فصبر جميل عسى الله ان ياتيني بهم جميعا انه هو العليم

الحكيم وتولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف وابيضت

عشر

كأنما فقأها و[illegible] التي [illegible]

[illegible]

[illegible]

چون بیغمبر یوسف و [illegible]

[illegible]

عيناه

١٥٩

عيناه من الحزن فهو كظيم قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف
وچشم وی از اندوه و وی خشم فروبرنده بود گفتند بخدا سوگند که همیشه یاد کنی یوسف را

حتى تكون حرضا او تكون من الهالكين قال انما اشكوا
تا باشی بیماری گران یا باشی از هلاک شدگان گفت همی نالم

بثي وحزني الى الله واعلم من الله ما لا تعلمون يا بني
و اندوه خویش را بخدا و من دانم از خدا آنچه شما ندانید ای پسرکان من

اذهبوا فتحسسوا من يوسف واخيه ولا تياسوا من
بروید و بجویید از یوسف و برادرش و نومید مشوید از

روح الله انه لا يياس من روح الله الا القوم الكافرون
رحمت خدای بدرستی که نومید نشود از رحمت خدا مگر گروه ناگرویدگان

فلما دخلوا عليه قالوا يا ايها العزيز مسنا واهلنا
چون اندر شدند بر یوسف گفتند ای عزیز رسید بما و بکسان ما

الضر وجئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الكيل و
تنگی و آورده ایم بضاعتی اندک تمام کن مارا پیمانه و

تصدق علينا ان الله يجزي المتصدقين قال هل علمتم
صدقه کن بر ما که خدا پاداش دهد راست کاران را گفت هیچ دانستید

ما فعلتم بيوسف واخيه اذ انتم جاهلون قالوا ائنك
که چه کردید با یوسف و برادر وی چون شما نادان بودید گفتند هر آینه تویی

لانت يوسف قال انا يوسف وهذا اخي قد من الله
یوسف گفت من یوسفم واین است برادر من منت نهاد خدا

علينا انه من يتق ويصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين
بر ما بدرستی که هر که پرهیزکاری کند وشکیبا کند خدا ضایع نکند مزد نیکوکاران

تفتؤا یعنی لا تفتؤا [illegible]

[illegible]

والله اعلم

حزب

از حضرت [illegible] علیه السلام

مرویست [illegible] یعقوب [illegible]

[illegible]

یوسف [illegible]

چون غرض از استفهام

تقریر است [illegible]

[illegible]

استفهام [illegible]

عشر

[illegible]

قالوا تالله لقد آثرك الله علينا وإن كنا لخاطئين
کفتند بخدا که برگزید ترا خدای بر ما و اگر چه بودیم گناه کاران
قال لا تثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم وهو أرحم
کفت نیست سرزنش بر شما امروز بیامرزد خدا مر شما را و وی است بخشاینده ترین
الراحمين ۝ اذهبوا بقميصي هذا فألقوه على وجه أبي
بخشایندگان ببرید پیراهن من این بیفکنید بر روی پدرم
يأت بصيرا ۝ وأتوني بأهلكم أجمعين ۝ ولما فصلت
تا آید بینا و بیایید بمن با کسان خویش همگنان و چون بیرون شد
العير قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف لولا أن تفندون
کاروان کفت پدرشان من همی یابم بوی یوسف را اگر نه شما خرف خوانید
قالوا تالله إنك لفي ضلالك القديم ۝ فلما أن جاء البشير
کفتند بخدا که تو اندر گمراهی قدیمی پس چون بیامد مژده دهنده
ألقاه على وجهه فارتد بصيرا قال ألم أقل لكم إني
برافکند پیراهن بر روی وی پس گشت بینا کفت نه کفتم شما را که من
أعلم من الله ما لا تعلمون ۝ قالوا يا أبانا استغفر لنا
دانم از خدا آنچه شما ندانید کفتند ای پدر ما آمرزش خواه ما را
إنا كنا خاطئين ۝ قال سوف أستغفر لكم ربي إنه
که ما بوده ایم گناه کاران کفت باشد زود آمرزش خواهم مر شما را از خداوند من که وی
هو الغفور الرحيم ۝ فلما دخلوا على يوسف آوى إليه
آمرزنده است و بخشاینده چون اندر آمدند بر یوسف نزدیک کرد بخود
أبويه وقال ادخلوا مصر إن شاء الله آمنين ۝ ورفع أبويه
پدر و خاله و کفت اندر آیید بمصر اگر خواهد خدا ایمنان و برآورد پدر و مادر

على العرش

خمس

[illegible]

على العرش وخروا له سجدا وقال يا أبت هذا تأويل رؤياي
بر تخت و بیفتادند مر او را سجده کنان و کفت یا پدر من این است تفسیر خواب من
من قبل قد جعلها ربي حقا وقد أحسن بي إذ أخرجني من
از پیش بکردانیدش خداوند من راست و نیکویی کرد با من چون بیرون آورد مرا از
السجن وجاء بكم من البدو من بعد أن نزغ الشيطان بيني
زندان و بیاورد شما را از بیابان از پس آنکه شورش افکند دیو میان من
وبين إخوتي إن ربي لطيف لما يشاء إنه هو العليم الحكيم رب
و میان برادران من که خداوند من نیکو کار است بدانچه خواهد که وی داننده صواب کار است ای پروردگار
قد آتيتني من الملك وعلمتني من تأويل الأحاديث فاطر
دادی مرا از پادشاهی و بیاموزانیدی مرا از تفسیر سخنان ای آفریدگار
السماوات والأرض أنت وليي في الدنيا والآخرة توفني
آسمانها و زمین تویی یار من اندرین جهان و آن جهان جان بردار مرا
مسلما وألحقني بالصالحين ۝ ذلك من أنباء الغيب نوحيه
مسلمان و برسان مرا بنیکان این از خبرهای ناپیداست که وحی کنیم
إليك وما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون
بتو و نبودی نزد ایشان چون آهنگ کردند بکار خویش و ایشان سازش میکردند
وما أكثر الناس ولو حرصت بمؤمنين ۝ وما تسألهم
و نیستند بیشترین مردمان و اگر چه میل کنی بگرویدن ایشان و نخواهی از ایشان
عليه من أجر إن هو إلا ذكر للعالمين ۝ وكأين من آية
بر آن هیچ مزدی نیست او مگر پندی مر همه خلق را و چند از نشانها
في السماوات والأرض يمرون عليها وهم عنها معرضون
در آسمانها و زمین همی گذرند بر وی و ایشان از آن روی گردانند

عشر

خمس

[illegible]

وما يؤمن اكثرهم بالله الا وهم مشركون افامنوا ان

و نه گروند بیشتر ازیشان بخدا مگر ایشان باشند انباز گیران تا ایمن گشتند که

تاتيهم غاشية من عذاب الله او تاتيهم الساعة بغتة وهم

بیاید بایشان پوششی از عذاب خدا یا بیاید بایشان رستخیز ناگاه و ایشان

لا يشعرون قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا

آگاهی ندارند بگو این است راه من همی خوانم بخدا بر بینایی من

ومن اتبعني وسبحان الله وما انا من المشركين وما ارسلنا

و آنکس که پس رود مرا و پاکست خدا و نیستم من از انباز گیران و نفرستادیم

من قبلك الا رجالا نوحي اليهم من اهل القرى افلم يسيروا

از پیش تو مگر مردانی وحی فرستادیم سوی ایشان از باشندگان دیهها آیا نرفتند

في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم

اندر زمین تا بنگرند چگونه بود سرانجام آنها که از پیش ایشان بودند

ولدار الآخرة خير للذين اتقوا افلا تعقلون حتى

و سرای بازپسین بهتر مر آنها را که پرهیزند هیچ خرد تان نیست تا

اذا استيأس الرسل وظنوا انهم قد كذبوا جاءهم نصرنا

چون نومید گشتند پیغمبران و بگمان گشتند که ایشان دروغ گفته اند بیامد بایشان یاری ما

فنجي من نشاء ولا يرد بأسنا عن القوم المجرمين لقد كان

برهانیم آنرا که خواهیم و باز نشود عذاب ما از گروه گناهکاران بود

في قصصهم عبرة لاولي الالباب ما كان حديثا يفترى

اندر قصهای ایشان پندی مر خداوندان خرد را نبود سخنی که دروغ

ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل كل شيء وهدى

ولیکن راست کردن آنچه پیش ازوی بود و پیدا کردن هر چیزی

عشر

[illegible]

ورحمة لقوم يؤمنون

سورة الرعد مكية ثلث واربعون آية

و بخشایشی مر گروه که بگروند

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدایا که آسمانها را استوار کشید [illegible] که زمین را [illegible] بگسترانید بخشاینده که زمین بگسترانید

المر تلك آيات الكتاب والذي انزل اليك من ربك الحق

این آیتهای نامه است یعنی نبی و آنچه فرستاده آمد سوی تو از خداوند تو راست

ولكن اكثر الناس لا يؤمنون الله الذي رفع السموات

ولیکن بیشترین مردمان نگروید کانند خدا است آنکه برداشت آسمانها

بغير عمد ترونها ثم استوى على العرش وسخر الشمس والقمر

بی ستون همی بینید مر آنرا باز قصد کرد بر آفریدن عرش و فرمان بردار کرد آفتاب و ماه

كل يجري لاجل مسمى يدبر الامر يفصل الآيات لعلكم

هر یکی همی رود تا زمانی نام زده همی سازد کار پدید کند نشانها تا مگر شما

بلقاء ربكم توقنون وهو الذي مد الارض وجعل فيها

برسیدن بخداوند شما بی شک شوید و ویست آنکه بکشید و بگسترد زمین را و بکرد اندروی

رواسي وانهارا ومن كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين

کوهها استوار و جویها و از هر میوه بکرد اندر آنجا دو جفت دوگانه

يغشي الليل النهار ان في ذلك لآيات لقوم يتفكرون

بپوشاند شب را بروز که اندرین نشانهاست مر گروهی را که اندیشه کنند

وفي الارض قطع متجاورات وجنات من اعناب وزرع

و اندر زمین پارهاست همسایه یکدیگر و بوستانها از انگورها و کشت

ونخيل صنوان وغير صنوان يسقى بماء واحد ونفضل

و خرما بنان از یک بن برآمده و نه از یک بن برآمده آب داده میشوند بیک آب و افزونی همی کنیم

[illegible]

بعضها على بعض في الاكل ان في ذلك لايات لقـ

بهره ازان بر بهره اندر مزه اندر این نشانهاست مر گروهی

يعقلون ۝ وان تعجب فعجب قولهم ائذا كنا ترابا ا

که بدانند و دریابند و اگر شگفت آیدت شگفت گفتار ایشان چون باشیم خاک

لفي خلق جديد ۝ اولئك الذين كفروا بربهم واولئك

اندر آفرینش نو باشیم ایشانند آنانکه کافر شدند بخداوند ایشان و ایشان

الاغلال في اعناقهم واولئك اصحاب النار هم فيها خا

که بندها باشد اندر گردن ایشان و ایشان اند باشندگان دوزخ ایشان اندر

ويستعجلونك بالسيئة قبل الحسنة وقد خلت من قبلهم

و همی شتاب کنند ترا ببدی پیش از نیکی و گذشت از پیش ایشان

المثلات وان ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم و

عذابهای عبرت و خداوند تو خداوند آمرزش است مردمان را بر بیداد ایشان

ربك لشديد العقاب ۝ ويقول الذين كفروا لولا

خداوند تو سخت عقوبت است و گویند آنانکه کافر شدند چرا فرو

عليه اية من ربه انما انت منذر ولكل قوم هاد ۝

بروی نشانی از خداوندی وی نیستی بیم کننده و مر هر گروهی را راه نماینده

يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد

بداند آنچه بار گیرد هر ماده و آنچه بکاهد زهدانها و آنچه بیفزاید

وكل شيء عنده بمقدار ۝ عالم الغيب والشهادة الكبير

و هر چیزی نزد وی باندازه است دانای ناپیدا و پیداست بزرگ

المتعال ۝ سواء منكم من اسر القول ومن جهر به ومن

بلند مرتبه یکسان است از شما کسی که پنهان دارد گفتار و آنکه آشکار کند وی و کسی

مستخف

مستخف بالليل وسارب بالنهار ۝ له معقبات من بين

پنهان شود بشب و بیرون آید بروز مر او را ملائکه پس یکدیگر آیند که از پیش

يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله ان الله لا يغير

وی و از پس وی همی نگاه دارندش از فرمان خدا که خدا نگرداند

ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم واذا اراد الله بقوم سوءا

آنچه بگروهی باشد تا بگردانند آنچه به تنهای ایشان باشد و چون خواهد خدا بگروهی عذاب

فلا مرد له وما لهم من دونه من وال ۝ هو الذي يريكم

باز نباشد مر او را و نباشد ایشان را از بیرون وی هیچ نگهداری وی است آنکه بنماید بشما

البرق خوفا وطمعا وينشئ السحاب الثقال ۝ ويسبح

درخش بیم و امید و برآرد ابرها را گران بار و تسبیح کند

الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب

رعد بستایش وی و فرشتگان از بیم وی و بفرستد آتشها، چنانچه برساند

بها من يشاء وهم يجادلون في الله وهو شديد المحال ۝

بدانکه خواهد و ایشان پیکار همی کنند اندر کار خدا و وی سخت است یعنی بغایت عقوبت

له دعوة الحق والذين يدعون من دونه لا يستجيبون

مر اوراست خواندن راستی و آنکه همی خوانند بجز خدا را پاسخ نکنند

لهم بشيء الا كباسط كفيه الى الماء ليبلغ فاه وما هو

ایشان را بچیزی مگر چون دراز کننده دو دست خویش سوی آب تا برسد بدهان وی و نیست آن

ببالغه وما دعاء الكافرين الا في ضلال ۝ ولله يسجد

رسنده بوی و نیست خواندن کافران مگر اندر گمراهی و مر خدایرا سجده همی کند

من في السموات والارض طوعا وكرها وظلالهم بالغدو

هر که اندر آسمانها و زمین اند بخوش منشی و ناخوش منشی و سایهای ایشان بامدادو

عشر

خمس

[illegible]

١٦٩

والاصال ۞ قل من رب السموات والارض قل افا[تخذتم]
وشبانگاه بگو کیست خداوند آسمانها وزمین بگو [illegible]

من دونه اولياء لا يملكون لانفسهم نفعا ولا ضرا
از جز وی خدایانی که پادشاه نباشند مر تنها خویشتن را سودی ونه زیانی

هل يستوي الاعمى والبصير ام هل تستوي الظلمات
چیزی هیچ برابر باشد نابینا وبینا یا هیچ برابر باشد تاریکیها و

النور ام جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق
روشنی یا نه کردند مر خدای را انبازان بیافریدند چون آفرینش وی مانند گشت آفرینش

عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار
برایشان بگوی خدا آفریننده هر چیزست ووی است یکی فرو شکننده

من السماء ماء فسالت اودية بقدرها فاحتمل السيل
از آسمان آب روان گشت رودها باندازه وی وبرداشت رود

زبدا رابيا ومما يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية
کفی برآمده وازآنچه می افروزند بروی اندر آتش جستن پیرایه

او متاع زبد مثله كذلك يضرب الله الحق و
یا جامه را کفی است همچنان همچنین همی بزند خدای حق را

والباطل فاما الزبد فيذهب جفاء واما ما ينفع الناس
وباطل را اما کفک شود ومی برد بجفا وناچیز شدن واما آنچه منفعت کند

فيمكث في الارض كذلك يضرب الله الامثال للذين استجابوا
بباشد وبماند اندر زمین همچنین بزند خدای مثلها مر آنکسانرا که اجابت کردند

لربهم الحسنى والذين لم يستجيبوا له لو ان لهم ما في الارض
مرخداوند خویش را به نیکوئی وآنکسانکه پاسخ نکردند مراورا اگر باشدی مرایشانرا آنچه [illegible]

جميعا ومثله معه لافتدوا به اولئك لهم سوء الحساب
ومانند آن نیز با وی خویشتن بازخریدندی بدان ایشانند که مرایشان را باشد سختی حساب

ومأويهم جهنم وبئس المهاد ۞ افمن يعلم انما انزل اليك
وبازگشت ایشان دوزخ است وبد جای گسترش است ای پس آنکه بداند آنچه فرو فرستاده از

من ربك الحق كمن هو اعمى انما يتذكر اولوا الالباب ۞
خدای تو راست است چون آنکسی که باشد وی نابینا برستی که پند گیرند مگر خداوندان خردها

الذين يوفون بعهد الله ولا ينقضون الميثاق ۞ والذين
آنکسانکه تمام کنند پیمان خدای را ونشکنند پیمان را وآنکسانکه

يصلون ما امر الله به ان يوصل ويخشون ربهم ويخافون
پیوندند آنچه فرمان داد خدای بوی که پیوندند وبترسند از خداوند خویش وبترسند

سوء الحساب ۞ والذين صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا
[illegible] شمار وآنکسانکه شکیبائی کردند وجستند خشنودی خداوند خویش وبپای داشتند

الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية ويدرؤن
نماز را وهزینه کردند ازآنچه روزی دادیم شان نهان وآشکارا وبازدارند

بالحسنة السيئة اولئك لهم عقبى الدار ۞ جنات
به نیکی بدی را ایشانند که ایشان را باشد سرانجام سرای بوستانهای

عدن يدخلونها ومن صلح من آبائهم وازواجهم و
اندر شوند اندر آنجا وآنکه نیک باشد از پدران ایشان وزنان ایشان

ذرياتهم والملئكة يدخلون عليهم من كل باب ۞
فرزندان ایشان وفرشتگان اندر آیند برایشان از هر دری

سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار ۞ والذين
[illegible] برشما بدانچه شکیبائی کردید نیک است سرانجام سرای وآنکسانکه

جميعا

نصف

عشر

خمس

سجده

[illegible]

ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما امر
بشکنند پیمان خدایرا از پس استواری وی و ببرند آنچه فرمود
به ان يوصل ويفسدون في الارض اولئك لهم اللعـ
بدان که پیوندند و تباهی می‌کنند اندر زمین ایشانند که مرایشانرا لعنـ
ولهم سوء الدار الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقد
و مرایشانراست بدی سرای خدا فراخ کند روزی مرآنرا که خواهد و تنگ کرد
وفرحوا بالحيوة الدنيا في الاخرة الا متاع ويقول
وما الحيوة الدنيا
و شادی همی کنند بزندگانی اینجهان اندر آنجهان مگر برخورداری و گوید
الذين كفروا لولا انزل عليه اية من ربه قل ان الله
آنهانکه کافرند چرا فرو نفرستند بروی نشانی از خداوند خویش بگو که خدا
يضل من يشاء ويهدي اليه من اناب الذين امنـ
گم کند آنرا که خواهد و راه نماید سوی خود آنرا که بازگردد آنهانکه بگرویدند
وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلـ
و بیارامید دلهای ایشان بیاد خدا هرآینه بیاد خدا بیارامد دلها
الذين امنوا وعملوا الصالحات طوبى لهم وحسن ما
آنهانکه بگرویدند و بکردند نیکیها خنک مرایشانرا و نیکو جای باز
كذلك ارسلناك في امة قد خلت من قبلها امم لتتـ
همچنین فرستادیم ترا اندر گروهی که گذشت از پیش وی گروهها تا بر خوا
عليهم الذي اوحينا اليك وهم يكفرون بالرحمن قل
بر ایشان آنچه وحی فرستادیم سوی تو و ایشان کافر گردند بخدای مهربان بگو
ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ولو ا
خداوند من نیست خدا مگر وی بر وی توکل کردم و سوی ویست بازگشتن و اگر

قرانا

حز

عشر

[illegible]

انا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم
ی برسیدی بدان کوهها یا پاره پاره کردندی بدان زمین یا سخن آوردندی
الموتى بل لله الامر جميعا افلم ييئس الذين امنوا
مردگانرا بلکه مر خدایراست کار و فرمان همه یا همی ندانند آنها که بگرویدند
لو يشاء الله لهدى الناس جميعا ولا يزال الذين كفروا
راستی خدا راه نمودی مردمان را همه و همیشه بود آن مردمان که کافر گشتند
بهم بما صنعوا قارعة او تحل قريبا من دارهم حتى ياتي
ایشان بدانچه بکردند کاری بزرگ یا فرود آید نزدیکی از سرای ایشان تا بیاید
الله ان الله لا يخلف الميعاد ولقد استهزئ
خدا که خدا خلاف نکند وعده را و فسوس کردند
ل من قبلك فامليت للذين كفروا ثم اخذتهم فكيف
را از پیش تو زمان دادم مرآنها که بگرویدند باز بگرفتمشان چگونه
عقاب افمن هو قائم على كل نفس بما كسبت و
عقوبت من هرآنکس که ایستاده است بر هر تنی بدانچه کرده است و
علوا لله شركاء قل سموهم ام تنبئونه بما لا يعلم في الارض
مر خدایرا انبازان بگو نام برید ایشانرا یا آگاهی دهید خدای بدانچه نداند اندر زمین
ظاهر من القول بل زين للذين كفروا مكرهم وصدوا
از گفتار بلکه آراسته شد مرآنکسانرا که کافر شدند سازش ایشان و بازداشته شدند
السبيل ومن يضلل الله فما له من هاد لهم عذاب
از راه و هرکرا گمراه کند خدا نباشد او را هیچ راه نما مرایشانراست عذا
حيوة الدنيا ولعذاب الاخرة اشق وما لهم من الله
اینجهان و عذاب آنجهان سخت‌تر و نباشد مرایشانرا از خدا

هو

١٦٥

خمس

من واق ۞ مثل الجنة التي وعد المتقون ط تجري من
هیچ نگاهدارنده مثل بهشت آنکه وعده کرده شد پرهیزکارانرا همی رود از
تحتها الانهار اكلها دائم وظلها تلك عقبى الذين
زیر آن جویهای روان میوه آن پایدار باشد وسایه وی نیز اینست سرانجام آنانکه
اتقوا وعقبى الكافرين النار ۞ والذين آتيناهم الكتاب
پرهیز کردند وسرانجام ناگرویدگان آتش است وآنانکه دادیمشان یعنی عبد الله
يفرحون بما انزل اليك ومن الاحزاب من ينكر بعضه
شادی می‌کنند بدانچه فرو فرستاده شود یعنی قرآن سوی تو واز گروهان احزاب کسی است که منکر شود
قل انما امرت ان اعبد الله ولا اشرك به اليه ادعو
بگو مرا فرمودند که بپرستم خدا ونگیرم انباز بوی سوی وی
واليه مآب ۞ وكذلك انزلناه حكما عربيا ولئن اتبعت
وسوی وی بازگشتن همچنین فرو فرستادیمش حکمی یعنی قرآن تازی واگر
اهواءهم بعد ما جاءك من العلم ما لك من الله من ولي
آرزوهاء ایشان پس آنکه آمد بتو از دانش نباشد ترا از خدا هیچ
ولا واق ۞ ولقد ارسلنا رسلا من قبلك وجعلنا لهم
ونه نگاهداری وبدرستی فرستادیم پیغمبرانرا از پیش تو
ازواجا وذرية وما كان لرسول ان ياتي باية الا باذن
جفتان وفرزندان ونبود هیچ پیغمبر را که بیاورد آیتی
الله لكل اجل كتاب ۞ يمحوا الله ما يشاء ويثبت وعنده
خدا مر هر زمانه نوشته ایست محو کند خدا آنچه خواهد واستوار کند
ام الكتاب ۞ وان ما نرينك بعض الذي نعدهم او
اصل نامه یعنی لوح محفوظ واگر بنمائیم ترا بهره از آنکه وعده

عشر

نتوفينك فانما عليك البلاغ وعلينا الحساب ۞ اولم يروا انا
رسانیدن وبر ما شمار است همی نه بینند که ما
نأتي الارض ننقصها من اطرافها والله يحكم لا معقب لحكمه
زمین را همی کاهیمش از کنارهای وی وخدا حکم کند سپس افکنده نباشد حکم ویرا
وهو سريع الحساب ۞ وقد مكر الذين من قبلهم فلله المكر
زود شمار است وسازش بد کردند آنانکه از پیش ایشان بودند مر خدایراست سازش
جميعا يعلم ما تكسب كل نفس وسيعلم الكفار لمن عقبى الدار
داند آنچه کند هر تنی وزود داند کافران مرکرا باشد سرانجام سرا
ويقول الذين كفروا لست مرسلا قل كفى بالله شهيدا
آنانکه نگرویدند نیستی فرستاده بگو بسنده است خدا گواه
بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب ۞

سورة ابراهيم مكية اثنان وخمسون

میان من ومیان شما وآنکه نزد وی است دانش یعنی عبد الله بن سلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور
اینست که فرو فرستادیمش سوی تو تا بیرون آری مردمانرا از تاریکیهای کفر سوی روشنائی ایمان
باذن ربهم الى صراط العزيز الحميد ۞ الله الذي له ما في السموات
بفرمان خداوند ایشان سوی راه خداوند بیهمتا ستوده خدا آن است که مر او راست آنچه در آسمانها
وما في الارض وويل للكافرين من عذاب شديد ۞ الذين
وآنچه در زمین است ووای مر ناگرویدگانرا از عذاب سخت آنانکه
يستحبون الحيوة الدنيا على الآخرة ويصدون عن سبيل الله
دوست دارند زندگانی اینجهان بر آنجهان وباز دارند از راه خدا

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام مرویست که هر که سوره ابراهیم وسوره حجر هر دو را در دو رکعت نماز روز جمعه بخواند هرگز تنگ دستی نه بیند وهرگز مجنون نشود وهرگز بلائی [illegible] نرسد

جواب [illegible]

ویل مصدر [illegible]

[illegible]

ويبغونها عوجا اولٓئك في ضلٰل بعيد ۝ وما ارسلنا
وهمی جویند ازا کژئی ایشانند اندر گمراهی دور از حق و نفرستادیم
من رسول الا بلسان قومه ليبين لهم فيضل الله من
هیچ پیغمبر را مگر بزبان گروه خود تا پیدا کند مرایشانرا پس گم کرداند خدا ازا
ويهدي من يشاء ~~ويهدي من يشاء~~ وهو العزيز الحكيم
وراه نماید ازاکه خواهد و وویست عزیز و استوار
ولقد ارسلنا موسى بايٰتنا ان اخرج قومك من الظلمٰت
و بفرستادیم موسی را باحجتها که بیرون آور گروه خودرا از تاریکیها
الى النور وذكرهم بايٰم الله ان في ذٰلك لايٰت لكل
سوی روشنیها ایمان و پند ده ایشانرا بروزکارها خدا که اندرین نشانهاست مر
شكور ۝ واذ قال موسى لقومه اذكروا نعمة الله عليكم
سپاس دارنده و چون گفت موسی مر گروه خودرا که یاد کنید نیکویی خدا را بر شما
انجىٰكم من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب ويذبحون
برهانید تان از کسان فرعون همی بچشانند شمارا بدی و سختی عذاب و کلو ببریدند
ابناءكم ويستحيون نساءكم وفي ذٰلكم بلاء من
پسران شمارا و زنده گذاشتند دختران شمارا و در اینتان بلا یا بود بی نعمتی
عظيم ۝ واذ تاذن ربكم لئن شكرتم لازيدنكم ولئن
بزرگ و چون آگاه کرد خداوند شما اگر سپاس دارید بیفزاییم شمارا و اگر
كفرتم ان عذابي لشديد ۝ وقال موسى ان تكفروا انتم
ناسپاسی کنید عذاب من سخت بود وگفت موسی ای کافر گردید
ومن في الارض جميعا فان الله لغني حميد ۝ الم ياتكم
وهرکه اندر زمین اند همه پس بدرستی که خدا بی نیازست ستوده ای نیامد

خمس

و اذ تاذن عطف است [illegible]
قول موسی علیه السلام [illegible]
نعمة منعم علام [illegible]
لازم دارد [illegible]
[illegible] گردد

نبؤا

الذين من قبلكم قوم نوح وعاد وثمود والذين
آنانکه از پیش شما بودند گروه نوح و هود و گروه صالح و آنکسانکه
من بعدهم لا يعلمهم الا الله جاءتهم رسلهم
که از پس ایشان باشند نه داند ایشانرا مگر خدا آمدند بایشان پیغمبران
بالبينٰت فردوا ايديهم في افواههم وقالوا انا كفرنا
باحجتها باززدند دستها خویش را اندر دهنها خویش و گفتند ما کافر گشتیم
بما ارسلتم به وانا لفي شك مما تدعوننا اليه مريب ۝ قالت
بآنچه فرستاده شدید بوی و ما اندر گمانیم از آنچه همی خوانید مارا سوی وی گمان افکنده گفتند
رسلهم افي الله شك فاطر السمٰوٰت والارض يدعوكم
پیغمبران ایشان اندر خدا گمان است آفریننده آسمانها و زمین میخواند شمارا
ليغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم الى اجل مسمى قالوا
تا بیامرزد شمارا از گناهان و سپس دارد شمارا تا زمانی نام برده گفتند
ان انتم الا بشر مثلنا تريدون ان تصدونا عما كان يعبد
نیستید شما مگر مردمان همچون ما میخواهید که بازگردانید مارا از آنچه بودند که پرستیدند
اباؤنا فاتونا بسلطٰن مبين ۝ قالت لهم رسلهم ان نحن
پدران ما بیارید بما حجتی پیدا گفتند مرایشانرا پیغمبران ایشان نه ایم ما
الا بشر مثلكم ولٰكن الله يمن على من يشاء من عباده
مگر مردمانی همچون ما ولیکن خدا منت نهد برآنکه خواهد از بندگان خود
وما كان لنا ان ناتيكم بسلطٰن الا باذن الله وعلى
و نبود مارا که بیاریم بشما حجتی مگر بفرمان خدا و بر
الله فليتوكل المؤمنون ۝ وما لنا الا نتوكل على الله
خدا توکل کنند گروندگان و چه بوده است مارا که نکنیم توکل بر خدا

[illegible]
[illegible] حقوق [illegible]
[illegible] حقوق الله [illegible] حقوق
[illegible] حقوق
الناس
والله اعلم

حزب عشر

وقد هدينا سبلنا ولنصبرن على ما اذيتمونا وعلى الله
وبنمود مارا راهها ما وشکیبایی کنیم بر آنچه بیازاید مارا و بر خدا
فليتوكل المتوكلون ۝ وقال الذين كفروا لرسلهم
توکل کنند توکل کنندگان وگفتند آنکه کافر شدند مر پیغمبران
لنخرجنكم من ارضنا او لتعودن في ملتنا فاوحى اليهم
که بیرون کنیم شمارا از زمین ما یا بازگردید اندر کیش ما وحی کرد بایشان
ربهم لنهلكن الظالمين ۝ ولنسكننكم الارض من
پروردگار ایشان که هلاک کنیم بیدادگران را و بیارامیم شمارا اندر زمین
بعدهم ذلك لمن خاف مقامي وخاف وعيد ۝ واستفتحوا
پس ایشان این مرآنراست که بترسد از بازایستادن پیش من و بترسید از بیم کردن من و یاری خواستند
وخاب كل جبار عنيد ۝ من ورائه جهنم ويسقى من
ونومید شد هر گردنکشی ستیهنده که از پس وی دوزخ است و بخورانند از
ماء صديد ۝ يتجرعه ولا يكاد يسيغه ويأتيه الموت
آن زرداب فرو کشند آنرا و نتوانند فرو بردن آنرا و بیاید بوی مرگ
من كل مكان وما هو بميت ومن ورائه عذاب غليظ
از هر جایگاهی و نباشد وی مرده و از پس وی عذابی درشت
مثل الذين كفروا بربهم اعمالهم كرماد اشتدت
مثل آنان که کافر شدند بخداوند خویش کارهای ایشان چون خاکستریست که سخت
به الريح في يوم عاصف لا يقدرون مما كسبوا على شيء
بوی باد اندر روزی بادناک نتوانند و توانا نباشند بر آنچه کردند بر چیزی
هو الضلال البعيد ۝ الم تر ان الله خلق السموات
وی گمراهی دوراست نگاه نکنی که خدا بیافرید آسمانها

والارض

خمس

[illegible]

الارض بالحق ان يشأ يذهبكم ويأت بخلق جديد ۝
و زمین براستی اگر بخواهد ببرد شمارا و بیاورد آفرینش نو
وما ذلك على الله بعزيز ۝ وبرزوا لله جميعا فقال الضعفوا
و نیست آن بر خدا دشوار و بیرون آیند مر خدایرا همه گویند بیچارگان
للذين استكبروا انا كنا لكم تبعا فهل انتم مغنون عنا
ایشان را که بزرگ منشی کردند ما بودیم مرشمارا پس روان هیچ توانید شما بازداشتن از ما
من عذاب الله من شيء قالوا لو هدينا الله لهدينكم
عذاب خدا از چیزی گویند اگر ره نمودی مارا خدا راه نمودی شمارا
سواء علينا اجزعنا ام صبرنا ما لنا من محيص ۝ وقال
یکسانست بر ما اگر بنالیم یا شکیبایی کنیم نیست مارا هیچ رستن و گفت
الشيطان لما قضي الامر ان الله وعدكم وعد الحق و
دیو چون گذارده شود کار که خدا وعده کرد شمارا وعده راست و
وعدتكم فاخلفتكم وما كان لي عليكم من سلطان الا
وعده کردم شما و خلاف کردم شما و نبود مرا با شما هیچ حجت
ان دعوتكم فاستجبتم لي فلا تلوموني ولوموا انفسكم
مگر بخواندمتان پاسخ کردید مرا و مکنید ملامت مرا و ملامت کنید تنها خویش
ما انا بمصرخكم وما انتم بمصرخي اني كفرت بما اشركتمون
نیستم من فریادرس شمارا و نه اید شما فریادرس مرا من کافر شده بودم بدانچه انباز کردید مرا
من قبل ان الظالمين لهم عذاب اليم ۝ وادخل الذين
از پیش که ستمکاران مرایشان را باشد عذابی دردناک و اندر آرند آنانکه
آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار
گرویدند و کردند نیکیها اندر بوستانها همی رود از زیر آن جویها روان

عشر

١٦٧

نیافرید و اشاره است بانیعز و مغیره از انجره حنظله گفته اند

[illegible]

خالدین فیها باذن ربهم تحیتهم فیها سلام ۝ الم تر کیف
جاوو ان اندر آنجا بفرمان خداوند ایشان زندگانی ایشان اندر آنجا سلام نگاه نکنی چگونه
ضرب الله مثلا کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها
بدید کرد خدا داستانی سخن پاکیزه همچون درخت پاکیزه بیخ خرما
ثابت وفرعها فی السماء ۝ توتی اکلها کل حین باذن
استوار و شاخ وی اندر آسمان بدهد بر خویش یعنی میوه هر گاهی بفرمان
ربها ۝ ویضرب الله الامثال للناس لعلهم یتذکرون ۝
خداوند خویش و بدید می کند خدا مثلها مر مردمان را تا مگر ایشان پند گیرند
ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض
داستان سخن پلید چون درخت پلید که برکنده شود از زبر زمین
ما لها من قرار ۝ یثبت الله الذین امنوا بالقول الثابت
و نباشد مر او را هیچ قراری استوار کرداند خدا آنان را که بگرویدند بگفتار استوار
فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة ویضل الله الظالمین ۝ و
اندر زندگانی اینجهان و اندر آنجهان وگم کرداند خدا بیدادگران را و
یفعل الله ما یشاء ۝ الم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا
بکند خدا آنچه خواهد نگه نکنی یا محمد سوی آنکسانی که بگردانیدند نعمت خدا را
واحلوا قومهم دار البوار ۝ جهنم یصلونها وبئس القرار ۝
و فرود آوردند گروه خویش را در سرای هلاک دوزخ در شوند اندر آنجا و بد آرامگاهست
وجعلوا لله اندادا لیضلوا عن سبیله ۝ قل تمتعوا فان مص
بکردند مر خدا را همتایان تا گم کنند از راه خدا بگو بر خورید که بازگشت
الی النار ۝ قل لعبادی الذین امنوا یقیموا الصلوة و
سوی آتش است بگو یا محمد بندگان مرا آنها که بگرویدند بپای دارند نماز را و

حس

حس

مما رزقناهم سرا وعلانیة من قبل ان یاتی یوم لا بیع فیه
از آنچه روزی دادیم ایشان را نهان و آشکارا از پیش آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت باشد درو
ولا خلال ۝ الله الذی خلق السموات والارض وانزل من
و نه دوستی خدای آنست که بیافرید آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از
السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم وسخر لکم الفلک
آسمان آبی که بیرون آورد بدان آب از میوها روزی مر شما را و فرمانبردار کرد مر شما را کشتیها
لتجری فی البحر بامره وسخر لکم الانهار ۝ وسخر لکم الشمس والقمر
تا برود اندر دریا بفرمان وی و فرمانبردار کرد مر شما را جویباران و فرمانبردار کرد مر شما را آفتاب و ماه
دائبین وسخر لکم الیل والنهار ۝ واتیکم من کل ما سالتموه
مقطوع
پیوسته در رفتن هر دو و فرمانبردار کرد مر شما را شب و روز و بداد تان از هر چه بخواستید
وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم کفار ۝
و اگر بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید شمردن و را بدرستی که آدمی ستمکاره است ناسپاس دار
واذ قال ابرهیم رب اجعل هذا البلد امنا واجنبنی وبنی
و چون گفت ابراهیم ای خداوند من بگردان این شهر را با بیم و دور گردان مرا و پسران
ان نعبد الاصنام ۝ رب انهن اضللن کثیرا من الناس
از پرستیدن بتان را ای خداوند من ایشان گم کردند بسیاری را از مردمان
فمن تبعنی فانه منی ومن عصانی فانک غفور رحیم ۝ ربنا
هر که پی روی کند مرا وی از من است و هر که بیفرمانی کند مرا تو خداوند آمرزنده و بخشاینده ای خداوند
انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم
من بجای بنشاندم از فرزندان خویش بیابانی بی کشت مند نزدیک خانه تو حرام کرده
ربنا لیقیموا الصلوة فاجعل افئدة من الناس تهوی
خداوندا تا بپای دارند نماز را بگردان دلهایی را از مردمان که بگراید

حس

[illegible]

الیهم وارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون ربنا انک
سوی ایشان و روزی دهشان از میوه‌ها تا مگر ایشان سپاس دارند بار خداوندا تو
تعلم ما نخفی وما نعلن وما یخفی علی الله من شیء فی الارض
میدانی بر آنچه پنهان میداریم و آنچه آشکار کنیم و پوشیده نگردد بر خدا از چیزی اندر زمین
ولا فی السماء الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل
و نه اندر آسمان سپاس مر خدایرا آنکه بخشید مرا بر پیری اسماعیل
واسحق ان ربی لسمیع الدعاء رب اجعلنی مقیم الصلوة
و اسحق که خداوند من شنونده دعاست یا خداوند من کن مرا بپادارنده نماز را
ومن ذریتی ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفر لی ولوالدی
و از فرزندان من یا پروردگار ما و بپذیر دعای من ای خداوند من بیامرز مرا و مادر و پدر
وللمؤمنین یوم یقوم الحساب ولا تحسبن الله غافلا
و مر گرویدگان را روزی که بپای گردد شمار و مپندار خدایرا ناآگاه
عما یعمل الظالمون انما یؤخرهم لیوم تشخص فیه الابصار
بر آنچه همی کنند ستمکاران همانا پس دارد ایشان مر روزی که بیرون آید در وی چشمها
مهطعین مقنعی رؤسهم لا یرتد الیهم طرفهم وافئدتهم
همی شتابند بر داشته سرهای خویش باز نگردد سوی ایشان چشم ایشان و دلهای
هواء وانذر الناس یوم یاتیهم العذاب فیقول الذین
تهی و بیم کن مردمان را آن روزی که بیایدشان عذاب گویند آنکه
ظلموا ربنا اخرنا الی اجل قریب نجب دعوتک ونتبع
ستم کردند یا خداوند ما پس دار ما را تا وقتی نزدیک تا پاسخ کنیم خواندن ترا و بدم
الرسل اولم تکونوا اقسمتم من قبل ما لکم من زوال و
پیغمبران را گویند ایشان را نه شما سوگند خورده بودید از پیش نباشد مر شما را هیچ فنا

[illegible] سر‌ها بسوی آسمان بلند کرده و دیده‌ها بر آن دوخته اند ۴

عشر

[illegible]

١٦٩

خمس

[illegible]

سکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم وتبین لکم
آرامیدند اندر آرامگاهها و آنجا که ستم کردند تنها خویش را و پدید آمده بود مر شما را
کیف فعلنا بهم وضربنا لکم الامثال وقد مکروا
چگونه کردیم بر ایشان و پدید کردیم مر شما را مثلها و بساختند سازش
مکرهم وعند الله مکرهم وان کان مکرهم لتزول منه
خویش و نزد خداست سازش ایشان و اگر نبود سازش ایشان که بگشتی از وی
الجبال فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله ان الله عزیز
کوهها مپندار خدایرا خلاف کننده وعدهٔ خویش پیغمبران خود را که خدا عزیز است
ذو انتقام یوم تبدل الارض غیر الارض والسموت و
خداوند کین گذار آن روز که بگردانند زمین را بجز این زمین و آسمانها و
برزوا لله الواحد القهار وتری المجرمین یومئذ مقرنین
بیرون آیند گروه مر خدایرا یکتا شکننده گامها و بینی گناهکاران را آن روز قرین کرده بیکدیگر
فی الاصفاد سرابیلهم من قطران وتغشی وجوههم
اندر بندها و غلها پیراهنهای ایشان از قطران و بپوشد رویهای ایشان
النار لیجزی الله کل نفس ما کسبت ان الله سریع
آتش تا پاداش دهد خدا هر تنی از آنچه کرده است که خدای زود
الحساب هذا بلاغ للناس ولینذروا به ولیعلموا انما
شمار است این رسانیدن است مر مردمان را و تا بیم کرده شوند بوی و تا بدانند که هر آینه
هو اله واحد ولیذکر اولوا الالباب

سورة الحجر مکیة تسع و تسعون

وی خداست یکی و تا پند گیرند خداوندان خردها
بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای [illegible] از عذاب ترسانید مهربانی که رحمت امید کرد بخشایش که کس را نومید نکرد

عشر

[illegible]

الر تلك آيات الكتاب وقرآن مبين ربما يود الذين

اینست آیتهاء نامه و بینی پیدا بسا که دوست دارند آنها که

كفروا لو كانوا مسلمين ذرهم يأكلوا ويتمتعوا ويلههم

اگر بودندی مسلمان بگذار ایشانرا بخورند و برخورند و مشغول کند

الأمل فسوف يعلمون وما أهلكنا من قرية إلا ولها

آرزو باشد که بدانند و هلاک نکردیم از هیچ دیهی مگر ایشانرا

كتاب معلوم ما تسبق من أمة أجلها وما يستأخرون

نامه بودی دانسته که هلاک کرد پیش نشود از گروهی مر اجل خویش را و پس نایستند

وقالوا يا أيها الذي نزل عليه الذكر إنك لمجنون لو

و گفتند ای آنکس که فرو فرستاده بروی یادکرد یعنی قرآن تو دیوانه

ما تأتينا بالملائكة إن كنت من الصادقين ما ننزل

بودی چرا نیاوردی فرشتگان اگر هستی از راست گویان فرو نفرستیم

الملائكة إلا بالحق وما كانوا إذا منظرين إنا نحن نزلنا

فرشتگان را مگر براستی و نبودند چون زمان داوگان ما آنیم که فرو فرستادیم

الذكر وإنا له لحافظون ولقد أرسلنا من قبلك

یادکرد یعنی نبی و ما مر او را نگاه دارنده کاییم و ما فرو فرستادیم از پیش تو

في شيع الأولين وما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزئون

اندر گروهان پیشینیان و نیامد بایشان هیچ پیغمبر مگر بودند که بوی فسوس

كذلك نسلكه في قلوب المجرمين لا يؤمنون به وقد خلت

همچنین اندر آریم اینرا اندر دلهای گناه کاران یعنی کافران نگروند بدان

سنة الأولين ولو فتحنا عليهم بابا من السماء فظلوا

راه پیشینیان و اگر بگشاییمی برایشان دری از آسمان پس همه روز

خمس

عشر

[illegible]

فيه

١٧٠

فيه يعرجون لقالوا إنما سكرت أبصارنا بل نحن قوم

اندر آن در بالا میروند هر آینه گویند که جز این نیست که ربسته اند چشمهای ما را بلکه ما گروهی

مسحورون ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها للناظرين

جادو کرده کاییم و در راستی که پیدا کردیم ما در آسمان بروج دوازده گانه و بیاراستیم آنرا از بهر نگرندگان

وحفظناها من كل شيطان رجيم إلا من استرق السمع

و نگاه داشتیم آسمان را از هر دیوی رانده لیکن هر دیو که خواهد بدزدد سخنی

فأتبعه شهاب مبين والأرض مددناها وألقينا فيها

پس از پی درآید او را ستاره روشن و زمین را کشیدیم و در افکندیم در زمین

رواسي وأنبتنا فيها من كل شيء موزون وجعلنا لكم فيها

کوهها و برویانیدیم درو هر چیزی سنجیده و ساختیم برای شما در زمین

معايش ومن لستم له برازقين وإن من شيء إلا عندنا خزائنه

اسباب معیشت و آنرا که نیستید شما آنرا روزی دهندگان و نیست هیچ چیز مگر نزدیک ماست خزینهای آن

وما ننزله إلا بقدر معلوم وأرسلنا الرياح لواقح

و فرو نفرستیم آنرا مگر باندازه دانسته شده و فرستادیم بادهای آبستنان

فأنزلنا من السماء ماء فأسقيناكموه وما أنتم له بخازنين وإنا

پس فرو فرستادیم از آسمان آب پس بخورانیدیم شما را و نیستید شما آنرا نگاه دارندگان و

لنحن نحيي ونميت ونحن الوارثون ولقد علمنا المستقدمين

ما آنیم که زنده میداریم و میمیرانیم و ما وارثانیم و هر آینه میدانیم پیشی کنندگان را

منكم ولقد علمنا المستأخرين وإن ربك هو يحشرهم إنه حكيم

از شما و در راستی که میدانیم واپس افتادگان را و پروردگار تو جمع کند ایشانرا به درستی که او داناست

عليم ولقد خلقنا الإنسان من صلصال من حمإ مسنون

و در راستی که ما آفریدیم آدم را از گل خشک که کاریز از سیاه بوی گرفته

خمس

[illegible]

والجان خلقناه من قبل من نار السموم ۝ واذ قال ربك للملئكة
و جان که پدر پریانست آفریدیم او را پیش از آفریدن ایشان از آتش بیدود و یاد کن آنگه که گفت پروردگار تو

اني خالق بشرا من صلصال من حماء مسنون ۝ فاذا سويته و
من آفریننده ام آدمیرا از گل خشک کامیز از لای متغیر پس راست کنم صورت

نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين ۝ فسجد الملئكة كلهم
در آوردم در وی از روحی که آفریده منست پس بیفتید مر او را سجده کنندگان پس سجده کردند فرشتگان

اجمعون ۝ الا ابليس ابى ان يكون مع الساجدين ۝ قال يا ابليس
تمام مگر ابلیس که سر باز زد از آنکه باشد از سجده کنندگان گفت خدا ای

ما لك الا تكون مع الساجدين ۝ قال لم اكن لاسجد لبشر خلقته من
چیست ترا که نباشی از سجده کنندگان مر آدم را گفت ابلیس نیستم مر که سجده کنم آدمیرا که آفریدی از

صلصال من حما مسنون ۝ قال فاخرج منها فانك رجيم ۝ وان
گل خشک کامیز از لای سیاه بویناک گفت خدا ابلیس را بیرون رو از آسمان پس بدرستیکه تو رانده

عليك اللعنة الى يوم الدين ۝ قال رب فانظرني الى يوم يبعثون
که بر تست دوری و راندگی تا روز جزا ابلیس گفت ای پروردگار مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند

قال فانك من المنظرين ۝ الى يوم الوقت المعلوم ۝ قال رب
گفت بدرستی که هستی تو از مهلت دادگان تا روز وقت معلوم گفت ابلیس ای پروردگار

بما اغويتني لازينن لهم في الارض ولاغوينهم اجمعين ۝
سوگند بآنکه گمراه کردی مرا که بیارایم گناه را برای ایشان در زمین دنیا و همه ایشان را گمراه کنم

الا عبادك منهم المخلصين ۝ قال هذا صراط علي مستقيم ۝
مگر بندگان تو از ایشان خالص شدگان گفت خدا اخلاص اینست که راه راست

ان عبادي ليس لك عليهم سلطان الا من اتبعك من الغاوين
بدرستی که بندگان من نیست ترا بر ایشان قوتی مگر آنکه متابعت تو کند از گمراهان

وان

عشر

خمس

عشر

١٧١

ان جهنم لموعدهم اجمعين ۝ لها سبعة ابواب لكل باب
دوزخ وعده گاه ایشانست همگان مر آنرا هفت در است مر هر دری را

هم جزء مقسوم ۝ ان المتقين في جنات وعيون ۝ ادخلوها
ایشان پاره است قسمت کرده پرهیزکاران اندر بهشتها باشند و چشمها گویند اندر شوید دروی

لام امنين ۝ ونزعنا ما في صدورهم من غل اخوانا على
ان با ترسان و بیرون کشیم آنچه اندر دلهاء ایشان باشد از کینه برادران بر

ر متقابلين ۝ لا يمسهم فيها نصب وما هم منها بمخرجين ۝ نبئ
روی بروی آورده نرسد بایشان در آنجا رنجی و نباشند ایشان از آن بهشتها بیرون آیندگان

ادي اني انا الغفور الرحيم ۝ وان عذابي هو العذاب الاليم
ان را که من آمرزنده ام و بخشاینده و عذاب من وی عذابیست دردناک

بئهم عن ضيف ابراهيم المكرمين ۝ اذ دخلوا عليه فقالوا
ایشان از مهمانی ابراهیم چون در شدند بروی گفتند

لاما قال انا منكم وجلون ۝ قالوا لا توجل انا نبشرك
گفت ما از شما ترسانیم گفتند مترس که ما مژده دهیم ترا

لام عليم ۝ قال ابشرتموني على ان مسني الكبر فبم تبشرون
گفتند مژده میدهید مرا بر آنکه رسید من پیری بچه مژده دهید مرا

وا بشرناك بالحق فلا تكن من القانطين ۝ قال ومن
مژده دهیم ترا براستی مباش از نومیدان گفت ابراهیم دیگر

ط من رحمة ربه الا الضالون ۝ قال فما خطبكم ايها
از رحمت خداوند خویش مگر گمراهان گفت چکار هست شما را ای

ها المرسلون ۝ قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين ۝ الا
فرستادگان گفتند ما را فرستاده اند سوی گروه گنهکاران مگر

خمس

عشر

خمس

و روایت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که جهنم را هفت طبقه است
پایین ترین [illegible]
آن طبقه لظی است و بالای
آن سقر و بالای آن جحیم و بالای
آن سعیر و بالای آن هاویه
و اکثر مفسرین [illegible]
پایین طبقات [illegible] گفت
که این نامها نامهای ابواب است
نه نام آن طبقات [illegible]
و بعضی [illegible]
بلفظ [illegible]

آل لوط إنا لمنجوهم أجمعين ۝ إلا امرأته قدرنا إنها لمن

بجان لوط ما برهانيم ايشانرا همگان مگر زن او اندازه كرديم كه وى از

الغابرين ۝ فلما جاء آل لوط المرسلون ۝ قال إنكم قوم منكرون

ماندگان باشد چون بيامد بجان لوط فرستادگان گفت شما گروهى [illegible]

قالوا بل جئناك بما كانوا فيه يمترون ۝ وأتيناك بالحق

گفتند نه آمديم بتو بدانچه همى اندروى بشك بودند وآورديم بتو راستى

وإنا لصادقون ۝ فأسر بأهلك بقطع من الليل واتبع

وما راست گوئيم بشب بر كسان ترا بپاره گذشته از شب وبرو از پس

أدبارهم ولا يلتفت منكم أحد وامضوا حيث تؤمرون

از پس ايشان وباز پس منگريد از شما كسى وبرويد هرجا تان فرمايند

وقضينا إليه ذلك الأمر أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين

وبگذارديم سوى وى آن كار دنبال اينها بريده خواهد شد چون بامداد

وجاء أهل المدينة يستبشرون ۝ قال إن هؤلاء ضيفي

وبيامدند مردمان شهر شادى همى كردند گفت اينان مهمان منند

فلا تفضحون واتقوا الله ولا تخزون ۝ قالوا أولم ننهك

رسوا مكنيد مرا وبترسيد از خدا وخوار مكنيد گفتند [illegible]

عن العالمين ۝ قال هؤلاء بناتي إن كنتم فاعلين لعمرك

از جهانيان گفت اينها دختران من اند اگر هستيد كنندگان سوگند

إنهم لفي سكرتهم يعمهون ۝ فأخذتهم الصيحة مشرقين

كه ايشان در جهالت اند سرگشته شوند پس گرفت ايشانرا آواز سخت

فجعلنا عاليها سافلها وأمطرنا عليهم حجارة من سجيل

پس گردانيديم زبران زير وبارانيديم برايشان سنگ از سنگ

إن

في ذلك لآيات للمتوسمين ۝ وإنها لبسبيل مقيم ۝ إن

راستى كه در آن نشانهاست مر عبرت گيرندگان را وبدرستى كه آن راهيست مقيم بدرستى كه

في ذلك لآية للمؤمنين ۝ وإن كان أصحاب الأيكة لظالمين

در آن نشانهاست مر مؤمنان را واگر بودند از اهل بيشه هر آينه ستمكاران

فانتقمنا منهم وإنهما لبإمام مبين ۝ ولقد كذب أصحاب

كينه كشيديم از ايشان وبدرستى كه ايشان پيشوا باشند روشن وبحقيقه بدروغ داشتند اهل

الحجر المرسلين ۝ وآتيناهم آياتنا فكانوا عنها معرضين

حجر پيغمبران را وداديم ايشانرا دلايل پس بودند از ايشان روى گردندگان

وكانوا ينحتون من الجبال بيوتا آمنين ۝ فأخذتهم الصيحة

ميتراشيدند از كوهها خانهاء ايمن پس گرفت ايشانرا آواز اهل

مصبحين ۝ فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝ وما خلقنا

بامداد كنان پس بى نياز نشد از ايشان آنچه بودند كسب ميكردند ونيافريديم

السماوات والأرض وما بينهما إلا بالحق وإن الساعة

آسمانها وزمين را وآنچه ميان ايشانست مگر براستى وبدرستى كه قيامت

لآتية فاصفح الصفح الجميل ۝ إن ربك هو الخلاق العليم

[illegible] روى گردانيدنى نيكو بدرستى كه پروردگار تو اوست آفريدگار دانا

ولقد آتيناك سبعا من المثاني والقرآن العظيم ۝ لا

داديم ترا هفت آيه از آنچه گردانيده وقران بزرگ

تمدن عينيك إلى ما متعنا به أزواجا منهم ولا تحزن

[illegible] چشم ترا از آنچه برخوردارى داديم آن گروهى از ايشان واندوهگين مباش

عليهم واخفض جناحك للمؤمنين ۝ وقل إني أنا النذير

[illegible] ايشان وفرو گذار بال خود مر مؤمنان را وبگو بدرستى كه من بيم كننده ام

خمس

عشر

خمس

عشر

خمس

عشر

خمس

[illegible]

۱۷۷

المبين ۝ كما انزلنا على المقتسمين ۝ الذين جعلوا القرآن
آشکارا را ۔ چنانکه فرو فرستادیم بر قسمت کنندگان ۔ آنانکه کردانیدند قرآن را

عضين ۝ فوربك لنسئلنهم اجمعين ۝ عما كانوا يعملون ۝
بعضی جادو یا ۔ پس بپروردگار تو هر آینه بپرسیم ایشان را همه ۔ از آنچه بودند میکردند

فاصدع بما تؤمر واعرض عن المشركين ۝ انا كفيناك
روشن کن بآنچه فرمودند و روی بگردان از مشرکان ۔ بدرستی ما کفایت کردیم ترا

المستهزءين ۝ الذين يجعلون مع الله الها آخر فسوف
افسوس کنندگان ۔ آنانکه اعتقاد می آرند با خدا خدای دیگر زود

يعلمون ۝ ولقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون ۝
بدانند ۔ وبتحقیق میدانیم بدرستی تنگ میشود سینهٔ تو بآنچه میگویند

فسبح بحمد ربك وكن من الساجدين ۝ واعبد ربك حتى
بپاکی یاد کن پروردگار ترا و باش از سجده کنندگان ۔ و بپرست خداوند خویش تا

يأتيك اليقين ۝

سورة النحل مكية مائة وثمان وعشرون

بیاید بتو وفات

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدایی که خلق را بقیامت گرد آرد مهربانا که محمد را شفیع امت خود کرد از بخشاینده که بر مؤمنان رحمت

اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون ۝
آمد فرمان خدا پس شتاب مکنید پاکست او و بزرگوار از آنچه شرک می آرند

ينزل الملائكة بالروح من امره على من يشاء من عباده
فرو میفرستد فرشتگان با جبرئیل از فرمان او بر آنکه خواهد از بندگان

ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون ۝ خلق السموات و
که بیم کنید بدرستی که نیست خدایی مگر من پس بترسید از من ۔ بیافریدم آسمانها

عشر

حزب

خمس

[illegible] الاسماعیل

[illegible]

[illegible]

الارض بالحق تعالى عما يشركون ۝ خلق الانسان من
و زمین را بکمال براستی بزرگوار است از آنچه انباز میگیرند ۔ بیافرید آدمیان را از

نطفة فاذا هو خصيم مبين ۝ والانعام خلقها لكم فيها
آب اندک پس چون او خصومت کننده است آشکارا ۔ و چهارپایان بیافریدشان مر شما را در آن

دفء ومنافع ومنها تأكلون ۝ ولكم فيها جمال حين
گرما است و منفعتهاست و از آن میخورند ۔ و مر شما را در آن تجمل نیکوست آنگه که

تريحون وحين تسرحون ۝ وتحمل اثقالكم الى بلد لم تكونوا
شبانگاه باز آرید و آنگه که چون بامدادان بصحرا گسیل کنید ۔ و بر دارند بارهای گران شما را بسوی شهری نباشند

بالغيه الا بشق الانفس ان ربكم لرءوف رحيم ۝ والخيل
رسنده مگر بسختی نفسها یعنی تنها بدرستی که پروردگار شما بخشاینده مهربانست ۔ و اسب را بیافرید

والبغال والحمير لتركبوها وزينة ويخلق ما لا تعلمون ۝
و استران را و خران بجهت آنکه برنشینید و را و آرایش و می آفرید آنچه نمی دانید

وعلى الله قصد السبيل ومنها جائر ولو شاء لهديكم اجمعين ۝
و بر خداست بیان راه راست و از وی راههاست و اگر خواستی هر آینه راه دادی شما را همگی

الذي انزل من السماء ماء لكم منه شجر فيه تسيمون ۝
اوست که فرو فرستاد از آسمان آبی مر شما را از آن و درختان در روی چرانیده

ينبت لكم به الزرع والزيتون والنخيل والاعناب و
میرویاند مر شما را بآن آب کشت و زیتون و خرماستان و انگورها و

من كل الثمرات ان في ذلك لاية لقوم يتفكرون ۝
از همه میوهها بدرستی اندر وی نشانی و حجتی است بادکردیم مر قومی را که اندیشه کنند

وسخر لكم الليل والنهار والشمس والقمر والنجوم مسخرات
و رام کرد مر شما را شب و روز و آفتاب و ماه و ستارگان را فرمانبردار

خمس

[illegible] بابی است که محافظت [illegible] میکند

مضاف قصد بمعنی مستقیم [illegible]
که [illegible] قصد السبیل [illegible]
راجع سبیل است [illegible]

عشر

بامره ان في ذلك لايات لقوم يعقلون ۝ وما ذرا ل
بفرمان او بدرستی در آن نشانهاست مر قومیرا که اندیشه کنند و آنچه بافرید
في الارض مختلفا الوانه ان في ذلك لاية لقوم يذكر
در زمین ناهموار رنگهای وی بدرستی که در آن آیتی است مر قومیرا که پند گیر
وهو الذي سخر البحر لتاكلوا منه لحما طريا وتستخرجوا من
و وی است آنکه آرام گردانید تا بخورید از آن گوشتی تازه و بیرون آورید از
حلية تلبسونها وترى الفلك مواخر فيه ولتبتغوا م
زیوری بپوشید آن را و بینی کشتیها رونده و آینده در آن و تا بجوید
فضله ولعلكم تشكرون ۝ والقى في الارض ر
عطای او و تا مگر شما شکر گویید و افکند در زمین کو
ان تميد بكم وانهارا وسبلا لعلكم تهتدون ۝ وعل
آنکه نگشته بشما و بخشاید شما را جویها و راهها تا مگر شما راه یابید
وبالنجم هم يهتدون ۝ افمن يخلق كمن لا يخلق اف
و بستاره ایشان راه می یابند ای پس آنکه آفریند چون آنکس که نیافریند
تذكرون ۝ وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان ال
پند نگیرند و اگر بر شمارید نعمة خدا را نتوانید شمردن آن را بدر
لغفور رحيم ۝ والله يعلم ما تسرون وما تعلنون ۝
آمرزنده و بخشاینده است و خدای میداند آنچه پنهان کنید و آنچه آشکارا میکنید
الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئا وهم يخل
آنانکه می خوانند از جز خدای نمی توانند آفرید چیزی و ایشان
اموات غير احياء وما يشعرون ايان يبعثون ۝
مردگانند نه زندگان و نمیدانند که کدام وقت بر انگیخته اند

ان الرع مختلف عبارت است از [illegible]

[illegible] عبارت است از [illegible]

خمس

از حضرت صادق علیه السلم [illegible]

عشر

١٧٤

واحد فالذين لا يؤمنون بالاخرة قلوبهم منكرة
یکی است پس آنانکه نگروند بدان جهان دلهای ایشان ناشناسات
مستكبرون ۝ لا جرم ان الله يعلم ما يسرون وما
ایشان بزرگ نمایندگانند هر آینه بدرستی که خدا میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه
لنون ۝ انه لا يحب المستكبرين ۝ واذا قيل لهم ماذا
بدرستی که دوست ندارد بزرگ نمایندگان را و چون گویند مر ایشانرا چه چیز
ل ربكم قالوا اساطير الاولين ۝ ليحملوا اوزارهم
پروردگار شما گویند افسانهای پیشینیان تا بردارند گناهان ایشان
لة يوم القيمة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير
روز قیامت و از گناهان آنانکه گمراه میکنند ایشانرا به
الا ساء ما يزرون ۝ قد مكر الذين من قبلهم فاتى الله
بد آنچه همی بردارند بحقیقه مکر کردند آنانکه از پیش ایشان بودند پس آمد خدا
يانهم من القواعد فخر عليهم السقف من فوقهم
از بنیاد پس بیفتاد بر ایشان سقف خانه از بالای ایشان
العذاب من حيث لا يشعرون ۝ ثم يوم القيمة
عذاب از آنجا که ندانند پس روز قیامت
يهم ويقول اين شركاءي الذين كنتم تشاقون
و گویند کجا اند انبازان من آنانکه بودند ناهموار همی گشتند
قال الذين اوتوا العلم ان الخزي اليوم والسوء
گفت آنانکه داده اند ایشانرا دانش بدرستی رسوایی امروز و بدی و سختی
الكافرين ۝ الذين تتوفيهم الملئكة ظالمي
کافران است آنانکه جان میستانند ایشانرا فرشتگان ظالمانند

و اذا قیل لهم ماذا [illegible] مضمون [illegible] والله تعالی اعلم

خمس

[illegible] والله تعالی اعلم

[illegible]

[illegible]

انفسهم فالقوا السلم ما كنا نعمل من سوء بلى ان الله عليم

بر تنهاء خويش پس بيفكنند كردن بصلح نبوديم كه كنيم هيچ بدی اری كه خدای

بما كنتم تعملون ۝ فادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها فلبئس

بدانچه شما كنيد پس درآييد بدرها دوزخ جاويد در آن پس

مثوى المتكبرين ۝ وقيل للذين اتقوا ماذا انزل

جای متكبرين دگويند مرانرا كه پرهيزكاری ميوردند چه چيز

قالوا خيرا للذين احسنوا فى هذه الدنيا حسنة ولدار

گويند بهتر است مرانرا كه نيك كردند در اين دنيا نيكوست و سرای

عشر

الاخرة خير ولنعم دار المتقين ۝ جنات عدن يدخلونها

آخرت بهتر است و نيكا سرای پرهيزكاران بوستانها درنگ درآيند

تجرى من تحتها الانهار لهم فيها ما يشاءون كذلك

همی رود از زير آن جويهاء روان مرايشانراست از آنجا آنچه خواهند همچنين

يجزى الله المتقين ۝ الذين تتوفيهم الملئكة طيبين

جزا دهد خدا پرهيزكارانرا آنانكه قبض روح ايشان ميكنند فرشتگان پاك

يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون

گويند درود بر شما درآييد در بهشت بانچه بوديد

هل ينظرون الا ان تاتيهم الملئكة او ياتى امر ربك

جز همی با چه نيفتم كافران مگر آنكه بيايد بايشان فرشتگان يا بيايد فرمان

كذلك فعل الذين من قبلهم وما ظلمهم الله ولكن

همچنان كردند آنانكه از پيش ايشان بودند و ستم نكرد برايشان خدای وليكن

انفسهم يظلمون ۝ فاصابهم سيئات ما عملوا وحاق

بر خود ستم ميكردند پس برسيد بايشان بدی آنچه همی كردند و فرود

[illegible]

بهم نا

بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ وقال الذين اشركوا لو شاء الله

بايشان آنچه بودند كه بآن استهزا ميكردند و گفتند آنان كه شرك آوردند اگر خواستی خدای

ما عبدنا من دونه من شىء نحن ولا آباؤنا ولا حرمنا من

نپرستيديم بجز خدای هيچ چيز ما و نه پدران ما و حرام نميكرديم بی

دونه من شىء كذلك فعل الذين من قبلهم فهل على

هيچ چيز مانند كردار اهل مكه كردند آنانكه پس از ايشان بودند پس نيست بر

خمس

الرسل الا البلاغ المبين ۝ ولقد بعثنا فى كل امة رسولا

دكان مگر رسانيدن پيدا و هر آينه ما فرستاديم در ميان هر گروه پيغمبری

ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدى الله

پرستيد خدايرا و بيكسو رويد از پرستيدن ديوان او پس از ايشان كس بود كه راه نمود خدا او را

ومنهم من حقت عليه الضلالة فسيروا فى الارض فانظروا

از ايشان كس بود كه وجب شد براو گمراهی پس سير كنيد شما در زمين پس بنگريد

كيف كان عاقبة المكذبين ۝ ان تحرص على هديهم

بود سرانجام كار تكذيب كنندگان اگر حرص كوشی بر راه يافتن مشركان

فان الله لا يهدى من يضل وما لهم من ناصرين ۝ واقسموا

به درستی كه خدا راه ننمايد آنرا كه ميخواهد و نيست مر ايشانرا هيچ ياران و سوگند خوردند

بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله من يموت بلى وعدا عليه

بخدا سخت ترين سوگندان برنه انگيزد خدا آنرا كه بميرد برخواهد انگيخت وعده كرده

حقا ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ ليبين لهم الذى يختلفون

راست و ليكن بيشتر آدميان نميدانند خدای تعالی برانگيزد ايشانرا تا پيدا كند براى ايشان آنكه

فيه وليعلم الذين كفروا انهم كانوا كاذبين ۝ انما قولنا لشىء

دران و تا بداند خدا آنكه نگرويدند آنرا كه بودند دروغ گويان جز اين نيست كه قول ما مر چيز را

[illegible]

عشر

[illegible]

إذا أردناه أن نقول له كن فيكون ۝ والذين هاجروا
كه چون خواهيم آفريدن آن آنست كه گوييم مران چيز را كه باش پس بباشد ۝ و آنانكه بريدند از طان خو
من بعد ما ظلموا لنبوئنهم في الدنيا حسنة ولأجر الآ
از پس آنكه ستم رسيده شدند هر آينه جاى دهيم ايشان را در اين سرا شهرى نيكو و هر آينه مزد آخ
أكبر لو كانوا يعلمون ۝ الذين صبروا وعلى ربهم يتوك
بزرگتر است اگر باشند كافران كه بدانند ۝ آنانكه صبر كردند بر مفارقت وطن و بر پروردگار خود توكل
وما أرسلنا من قبلك إلا رجالا نوحي إليهم فاسئلو
و نه فرستاديم ما برسالت پيش از فرستادن تو مگر مردانى را كه وحى ميفرستاديم بسوى ايشان پس
أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون ۝ بالبينات والزبر وأن
اهل كتاب را اگر هستيد شما كه نميدانيد معجزهاى روشن و كتابهاى نوشته و
إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم ولعلهم يتفكر
بتو قرآن را تا روشن كنى مر مردمان آنچه فرستاده بسوى ايشان و تا شايد كه ا
أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض
آيا ايمن شدند آنانكه كردند مكرهاى بد از آنكه فرو برد خداى ايشان را در ز
أو يأتيهم العذاب من حيث لا يشعرون ۝ أو يأخذهم في تق
يا بيايد ايشان را عذاب از آنجا كه ندانند يا آنكه بگيرد شان در گ
فما هم بمعجزين ۝ أو يأخذهم على تخوف فإن ربك
پس نيستند ايشان عاجز كنندگان يا بگيرد خداى ايشان را بر ترس پس بدرستى كه پروردگار
لرءوف رحيم ۝ أولم يروا إلى ما خلق الله من
مهربان و بخشاينده است آيا نمى نگرند بسوى آنچه آفريده است خداى از چ
يتفيؤا ظلاله عن اليمين والشمائل سجدا لله وهم
كه ميگردد سايهاى او از راست و چپ سجده كنندگان مر خداى را و

داخرون

خمس

[illegible]

خرون ۝ ولله يسجد ما في السموات وما في الأرض من دابة
ند و مر خداى راست سجده كنند آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمين است از جنبنده
لائكة وهم لا يستكبرون ۝ يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون
شتگان نيز و ايشان تكبر نمى نمايند ميترسند از پروردگار ايشان از زبر ايشان و ميكنند
ؤمرون ۝ وقال الله لا تتخذوا إلهين اثنين إنما هو إله واحد
وده ميشوند و گفت خداى مگيريد خداى دو بدرستى كه اوست خداى يگانه
ى فارهبون ۝ وله ما في السموات والأرض وله الدين
از من بترسيد و مر او راست آنچه در آسمانها و زمين و مر او راست دين
صبا أفغير الله تتقون ۝ وما بكم من نعمة فمن الله ثم إذا مسكم
اى جز خداى ميترسيد و آنچه بشماست از نعمتها پس از خداى باز چون برسد بش
ر فإليه تجارون ۝ ثم إذا كشف الضر عنكم إذا فريق
بسوى او بزارى كنيد باز چون بردارد گزند از شما ناگاه گروهى
بربهم يشركون ۝ ليكفروا بما آتيناهم فتمتعوا فسوف
بپروردگار ايشان همى انباز گيرند تا ناسپاسى كنند بآنچه داديم ايشان پس برخوردار شويد پس
ون ۝ ويجعلون لما لا يعلمون نصيبا مما رزقناهم تالله
و بپه كردند و مى كنند مر آنرا كه نميدانند بهره از آنچه روزى داديم ايشان بخدا
ئلن عما كنتم تفترون ۝ ويجعلون لله البنات سبحانه
شما از آنچه بوديد افترا ميكرديد و بپه كردند مر خدا را دختران پاكست او
ا يشتهون ۝ وإذا بشر أحدهم بالأنثى ظل وجهه مسودا
ست آنچه آرزو ميبرند و چون مژده دهند يكى از ايشان را بماده گردد همه روزه روى وى سياه
ظيم ۝ يتوارى من القوم من سوء ما بشر به أيمسكه على
اندوهگين شود پنهان شود از قوم خويش از بدى آنچه مژده داده باشند آيا نگاه دارد بر

عشر

نصف

[illegible]

خمس

[illegible]

هونٍ ام يدسه في التراب الا ساء ما يحكمون ❁ للذين لا يؤ
خواری یا پنهان کند اورا در خاک مگر بدا انچه حکم میکنند مرانان را که با

بالاخرة مثل السوء ولله المثل الاعلى وهو العزيز الحكيم ❁ ولو
باخرت واستان بدی وزشتی ومرخدایراست واستان بزرگتر واوست عزیز حکیم و اگ

يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها من دابة ولكن
بگیرد خدای مردمانرا بستم ایشان نگذاشتی بزمین هیچ جنبنده ولکن

يؤخرهم الى اجل مسمى فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون ساعة
باز پس میدارد ایشانرا تا وقتی نام برده چون آید وقت ایشان باز پس نشوند یکزمانی

ولا يستقدمون ❁ ويجعلون لله ما يكرهون ❁ ويصف السنتهم
فرا پیش شوند ومیکنند بدرستی میگویند مرخدایرا آنچه نپسندند خویش را وصفت میکنند زبانها

الكذب ان لهم الحسنى لا جرم ان لهم النار وانهم مفرطون
بدروغ مرایشانراست نیکوتر هر آینه ایشانراست آتش وایشانند که فرا سو

تالله لقد ارسلنا الى امم من قبلك فزين لهم الشيطان اعمالهم
بخدای بحقیقه فرستادیم سوی گروهی از پیش تو پس بیاراست ایشانرا دیو بر عملهای

فهو وليهم اليوم ولهم عذاب اليم ❁ وما انزلنا عليك الكتاب
وی دوست ویاران ایشانست امروز ومرایشانراست عذابی دردناک و نفرستادیم بر تو قرآن

الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه وهدى ورحمة لقوم يؤمنون
مگر تا پدید کنی مرایشانرا انچه ناهموار شدند دران وراه نمونی وبخشایشی مرگروهی که باو

والله انزل من السماء ماء فاحيا به الارض بعد موتها ان
وخدای فرو فرستاد از آسمان آبی پس زنده کرد بدان زمین را پس از مردن آن اندر

ذلك لاية لقوم يسمعون ❁ وان لكم في الانعام لعبرة
آن نشانیست مرگروهی راکه بشنوند وهر آینه مرشماراست اندر چارپایان عبرت

عشر

خمس

نسقیکم

١٧٧

كم مما في بطونه من بين فرث ودم لبنا خالصا سائغا
شمارا از انچه در شکمهای وست از میان سرگین وخون شیری پاکیزه گوارنده

اربين ❁ ومن ثمرات النخيل والاعناب تتخذون منه
ندگان واز میوها خرماستان وانگورها فرا میگیرید ازو

كرا ورزقا حسنا ان في ذلك لاية لقوم يعقلون ❁ و
ورزی نیکو بدرستی که در آن آیتیست مرگروهی راکه دریابند و

حى ربك الى النحل ان اتخذي من الجبال بيوتا ومن الشجر و
خداوند تو سوی زنبور عسل که فرا گیرید از کوهها خانها واز درختان و

يعرشون ❁ ثم كلي من كل الثمرات فاسلكي سبل ربك
پس بخورید از هر میوه پس بروید راههای پروردگار

للا يخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء
برون آورده از شکمها آشامیدنی ناهموار رنگهای آن دران آشامیدنی

اس ان في ذلك لاية لقوم يتفكرون ❁ والله خلقكم
مردمانرا که در آن آیتیست مرگروهی را که اندیشه کنند وخدا آفرید شمارا

يتوفيكم ومنكم من يرد الى ارذل العمر لكي لا يعلم
مقطوع بالاتفاق
شمارا واز شما کسی که بازگردد سوی فرومایه ترین زندگانی بهر خود تا نداند از

بعد علم شيئا ان الله عليم قدير ❁ والله فضل بعضكم على
از آن چیزی که خدای داناست وتواناست وخدا افزونی نهاد بعضی از شما بر

بعض في الرزق فما الذين فضلوا برادي رزقهم على
در روزی نیستند آنانکه تفضیل کرده شدند بازگردانیده روزی ایشانرا بر

ما ملكت ايمانهم فهم فيه سواء افبنعمة الله يجحدون ❁
اه گشت دستهای ایشان وایشان در آن برابرند ای پس نعمت خدای انکار میکنند

عشر

ومن ثمرات النخيل عطف است [illegible]

[illegible]

والله جعل لكم من انفسكم ازواجا وجعل لكم من ا

و خدا بدید کرد مر شما را از جنس شما جفتها و بدید کرد مر شما را از ز

بنين وحفدة ورزقكم من الطيبات افبالباطل يؤمنون

بسرکان و نبیرکان و روزی داد شما را از پاکیها ای پس بباطل بگرو

بنعمت الله هم يكفرون ويعبدون من دون الله ما لا يملك

نعمة خدای ایشان ناسپاسی کنند و میپرستند از جز خدا آنچه مالک

لهم رزقا من السموات والارض شيئا ولا يستطيعون

مر ایشان را روزی دادن از آسمان و زمین چیزی و نه میتوانند و توانا

فلا تضربوا لله الامثال ان الله يعلم وانتم لا تعلمون

پس بدید مکنید [illegible] مر خدا را داستانها که خدا میداند و شما نمیدانید

ضرب الله مثلا عبدا مملوكا لا يقدر على شيء ومن

بدید کرد خدا داستان بنده پادشاه کشته توانا نباشد بر چیزی و از

منا رزقا حسنا فهو ينفق منه سرا وجهرا هل يستوون الحمد

از ما روزی نیکو پس او نفقه میکند از آن پنهان و آشکارا هیچ یکسان باشند

لله بل اكثرهم لا يعلمون وضرب الله مثلا رجلين

مر خدا را آنکه بیشترین ایشان نمیدانند و بدید کرد خدای داستان دو مرد

ابكم لا يقدر على شيء وهو كل على موليه اينما يوجهه لا يأت

گنگ که توانا نبود بر چیزی و او [illegible] خداوند خویش هرکجا فرستد او را نیارد

بخير هل يستوي هو ومن يأمر بالعدل وهو على صراط

هیچ نیکی هیچ برابر بود او و آنکس که فرماید براستی و داد و او بر راه راست

مستقيم ولله غيب السموات والارض وما امر الساعة

و مر خدا راست نهانهای آسمانها و زمین و نیست آمدن قیامت

الا

[illegible]

١٧٨

الا كلمح البصر او هو اقرب ان الله على كل شيء قدير

چون زدن چشم یا او نزدیکتر است که خدا بر هر چیزی تواناست

الله اخرجكم من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل

خدا بیرون آورد شما را از شکمهای مادران شما نمیدانستید چیزی و بدید کرد

لكم السمع والابصار والافئدة لعلكم تشكرون الم يروا

شنوایی و بینایی و دلها تا مگر شما شکر گویید ای ندیدند

الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن الا الله ان في

مرغان فرمان بردار کرده در میان آسمان نگاه نمیدارد ایشان را مگر خدای که در

ذلك لآيات لقوم يؤمنون والله جعل لكم من بيوتكم

آن نشانهاست مر گروه گرویدگان و خدای بدید کرد مر شما را از خانهای شما

سكنا وجعل لكم من جلود الانعام بيوتا تستخفونها يوم

آرامگاه و بدید کرد مر شما را از پوستهای چهارپایان خانها که سبک دارید آن را روز

ظعنكم ويوم اقامتكم ومن اصوافها واوبارها واشعارها

رفتن شما و روز ایستادن شما و از پشمهای گوسفندان و از پشمهای شتران و مویها

اثاثا ومتاعا الى حين والله جعل لكم مما خلق ظلالا

و برخورداریها تا گاهی و خدای بدید کرد مر شما را از آنچه آفرید سایها

جعل لكم من الجبال اكنانا وجعل لكم سرابيل تقيكم

بدید کرد مر شما را از کوهها نهفتها و بدید کرد مر شما را پیراهنها که نگاه دارد شما را

الحر وسرابيل تقيكم بأسكم كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم

و پیراهنها که نگاه دارد شما را از سختی همچنان تمام گرداند نعمة خود بر شما تا مگر شما

تسلمون فان تولوا فانما عليك البلاغ المبين يعرفون

پس اگر برگردند نیست بر تو بجز رسانیدن آشکارا می شناسند

[illegible]

١٧٩

نعمت الله ثم ينكرونها واكثرهم الكافرون ۝ ويوم نبعث
نعمة خدايرا باز انكار مينمايند و بيشتر ايشان كافرانند و آن روز كه برانگيز

كل امة شهيدا ثم لا يؤذن للذين كفروا ولا هم يستعتب
هر گروهی گواهی پس دستوری ندهند مرانرا كه كافر شدند و نه ايشان خشنودی

واذا راى الذين ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم و
و چون ببينند انانكه ستم كردند عذاب را سبك نكرده اند از ايشان

هم ينظرون ۝ واذا راى الذين اشركوا شركاءهم قا
ايشان مهلت داده شوند و چون ببينند انانكه شرك آوردند انبازان ايشان گفت

ربنا هؤلاء شركاؤنا الذين كنا ندعوا من دونك فا
ای پروردگار ما ايشان انبازانند انانكه ما بوديم همی خوانديم از جز تو

اليهم القول انكم لكاذبون ۝ والقوا الى الله يوم
بسوی ايشان گفتار كه شما دروغ گوييد و بيفكنند بخدا روز

السلم وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ الذين كف
تسليم را و گم شود از ايشان انچه همی افترا كردند انانكه كاف

وصدوا عن سبيل الله زدناهم عذابا فوق العذا
و بگشتند از راه خدا بيفزوديمشان عذابی زبر عذاب

بما كانوا يفسدون ۝ ويوم نبعث في كل امة شهيدا
بدانچه بودند كه تباهی ميكردند و آن روزی كه برانگيزانديم در هر گروهی گواهی

من انفسهم وجئنا بك شهيدا على هؤلاء ونزلنا عليك الك
از جنس تنهای ايشان و آورديم ترا گواه برايشان و فرو فرستاديم بر تو

تبيانا لكل شيء وهدى ورحمة وبشرى للمسلمين ان ال
برای بيان مر هر چيزرا و راه نمونی و بخشايش و بشارتی مر مسلمانان را

بالعدل والاحسان وايتاء ذي القربى وينهى عن
براستی داد كردن و نيكويی كردن و دادن خويشاوند و باز ميدارد از

حشاء والمنكر والبغي يعظكم لعلكم تذكرون ۝
و ناشايست و از حد در گذشتن پند دهد شمارا تا مگر شما پند گيريد

فوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الايمان بعد
پيمان خدا چون پيمان كنيد و مشكنيد پيمان را از پس

كيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلا ان الله يعلم
كردن وی و بحقيقة كرده باشيد خدای بر شما پذيرفتار كه خدای ميداند

فعلون ۝ ولا تكونوا كالتي نقضت غزلها من بعد قوة
كنيد و مباشيد شما چون زنی كه تاب باز دهد ريسمان خود را از پس استواری

كاثا تتخذون ايمانكم دخلا بينكم ان تكون امة هي اربى
همی گيريد سوگندهای خويش را دام آوردن حيله ميان شما كه باشند گروهی اهل افزونتر

امة انما يبلوكم الله به وليبينن لكم يوم القيمة ما كنتم
آزموده گرداند شمارا خدا بدان و تا پديد كند مر شمارا روز قيامت انچه بوديد

يه تختلفون ۝ ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة ولكن
ری كنيد و اگر خواهد خدا بكردی شمارا گروه يگانه وليكن

ضل من يشاء ويهدي من يشاء ولتسئلن عما كنتم
هر كرا خواهد و راه نمايد آنرا كه خواهد و بپرسند از انچه

ملون ۝ ولا تتخذوا ايمانكم دخلا بينكم فتزل قدم بعد
و مگيريد سوگندان خويش را حيله ميان شما تا بلغزد پايها از پس

وتها وتذوقوا السوء بما صددتم عن سبيل الله ولكم
استواری و بچشيد بدی عذاب بدانچه باز داشتيد از راه خدا و مر شمارا

عشر

خمس

حزب

از حضرت صادق عليه السلم مرويست كه اين
آيت در شان ولايت امير المؤمنين عليه السلام
نازل شده و آن عهدی كه رسول خدا صلعم
[illegible]

عذاب عظیم ۝ ولا تشتروا بعهد الله ثمنا قلیلا انما

عذابی دردناک   و مخرید   پیمان   خدا   بهای اندک مبادا که

عند الله هو خیر لکم ان کنتم تعلمون ۝ ما عندکم ینفد

نزد خداست آن بهترست مر شما را اگر هستید دانید   آنچه نزد شماست بپرد

وما عند الله باق ولنجزین الذین صبروا اجرهم باحسن

و آنچه نزد خداست بماند   و جزا دهیم آنرا که شکیبائی کردند مزد ایشان بنیکوترین

ما کانوا یعملون ۝ من عمل صالحا من ذکر او انثی و

آنچه همی کردند   هر که بکند نیکی   از نرینه   یا ماده

مؤمن فلنحیینه حیوة طیبة ولنجزینهم اجرهم باحسن

گرونده باشد بر آینه بیش زندگانی پاک و پاکیزه و پاداش دهیم ایشانرا مزد ایشان بنیکوترین

ما کانوا یعملون ۝ فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من

آنچه همی کردند   چون برخوانی تو یعنی قرآن را باز دار خود را بخدا از

الشیطان الرجیم ۝ انه لیس له سلطان علی الذین آمنوا وعلی ربهم

دیو دور کرده   که وی نیست که او را پادشاهی بر آنکسانکه گرویده اند

یتوکلون ۝ انما سلطانه علی الذین یتولونه والذین

توکل کنند   هر آینه پادشاهی وی بر آن کسانست که ویرا دوست گیرند

هم به مشرکون ۝ واذا بدلنا آیة مکان آیة والله اعلم

ایشان بوی انباز گیرند   و چون بدل کنیم آیتی را بجای آیتی   و خدا داناتر

بما ینزل قالوا انما انت مفتر بل اکثرهم لا یعلمون ۝

بدانچه همی فرو فرستد گویند هر آینه تو از خود فرا بافی تهمة بیشترین ایشان ندانند

قل نزله روح القدس من ربک بالحق لیثبت الذین آمنوا

بگو فرو آورد او را جبرئیل پاک از خداوند تو براستی تا استوار گرداند آنانرا که

خمس

محل الاستعاذه

عشر

هدی وبشری للمسلمین ۝ ولقد نعلم انهم یقولون انما

راه نمونی و مژده دهنده مر گردن نهندگان را و بتحقیق همی دانیم که ایشان همی گویند که همی

یعلمه بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان

آموزد او را مردی زبان آنکسی که همی گرایند سوی عجمی است . و این زبانیست

عربی مبین ۝ ان الذین لا یؤمنون بآیات الله لا یهدیهم

تازی پیدا   آنانکه   نگروند   بنشانها   خدا   راه ننماید ایشانرا

الله ولهم عذاب الیم ۝ انما یفتری الکذب الذین لا یؤمنون

و مر ایشانرا باشد عذابی دردناک   هر آینه بافند   دروغ   آنانکه   نگروند

بآیات الله واولئک هم الکاذبون ۝ من کفر بالله من بعد

بنشانهای خدا   و ایشانند که ایشان دروغ زنانند   هر که کافر شود بخدا از پس

ایمانه الا من اکره وقلبه مطمئن بالایمان ولکن من شرح

ایمان وی مگر آنکسی که او را ستم فرمایند و دل وی آرمیده باشد بگروش   و لیکن آنکسی که بگشاید

بالکفر صدرا فعلیهم غضب من الله ولهم عذاب عظیم ۝

دل را   بر ایشان باشد خشمی   از خدا   و مر ایشانرا باشد عذابی بزرگ

ذلک بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الآخرة وان الله لا یهدی

آن بدان است که ایشان برگزیدند زندگانی اینجهان   بر   آنجهان   و خدا   راه ننماید

القوم الکافرین ۝ اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و

گروه کافران را   ایشانند آنکه مهر نهاد   خدا   بر دلهای ایشان و

سمعهم وابصارهم واولئک هم الغافلون ۝ لا جرم انهم فی

گوشهای ایشان و بینائیهای ایشان و ایشانند که ایشان غافلانند بحقیقت هر آینه که ایشان اندر

الآخرة هم الخاسرون ۝ ثم ان ربک للذین هاجروا من بعد

آنجهان ایشان زیان کارانند   باز   خداوند تو مر آنانرا که ببریدند از پس

[illegible] اطلاع [illegible] بگفتند [illegible] احوال ایشان [illegible] بگفتند [illegible] تعلیم [illegible] کلام [illegible] لغت عجمی [illegible] در کمال فصاحت [illegible] عجمان [illegible]

خمس

والکذب [illegible] بدل است از الذین لا یؤمنون [illegible] الکاذبون [illegible] و تقدیم [illegible] محذوف [illegible]

دهری

ما فتنوا ثم جاهدوا وصبروا ان ربك من بعدها لغفو
آنکه عذاب کردندشان باز جهاد کردند و شکیبایی کردند که خداوند تو از پس آن هر آینه آمرزنده
رحيم ⊙ يوم تاتي كل نفس تجادل عن نفسها وتوفى كل
بخشاینده است روزی یاد کن که بیاید هر تنی پیکار همی کند از تن خویشتن و تمام بدهند
نفس ما عملت وهم لا يظلمون ⊙ وضرب الله مثلا قرية
تنی را آنچه کردند و بر ایشان ستم نکنند و بزد خدا مثلی دیهی
كانت امنة مطمئنة ياتيها رزقها رغدا من كل مكان
که بود ایمن وی بی بیم آرامیده همی آمد بایشان روزی ایشان فراخ تمام از هر جا
فكفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما
پس ناسپاسی کردند بنعمتهای خدا بچشانیدشان خدا پوشش گرسنگی و بیم
كانوا يصنعون ⊙ ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فاخذهم
همی کردند و آمد بایشان پیغمبری از ایشان پس دروغ زن داشتند
العذاب وهم ظالمون ⊙ فكلوا مما رزقكم الله حلالا
عذاب و ایشان ستمکارانند پس بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا حلال
طيبا واشكروا نعمت الله ان كنتم اياه تعبدون ⊙ انما
پاکیزه و شکر کنید نعمتهای خدا را اگر چنان است که وی را همی پرستید
حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل لغير الله
حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه آواز برداشته شود
به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان الله غفور رحيم ⊙ ولا
بدوی و هرکه بیچاره کرده شود نه ستم کننده و نه از حد در گذرنده که خدا آمرزنده است و بخشاینده
تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا
مگوئید مر آنرا که صفت کند زبانهای شما دروغ این حلال است و این

حرام

عشر

[illegible]

خمس

١٨١

خمس

[illegible]

عشر

حرام لتفتروا على الله الكذب ان الذين يفترون على
حرام تا ببافید بر خدا دروغ آنکسها که ببافند بر
الله الكذب لا يفلحون ⊙ متاع قليل ولهم عذاب اليم
خدا دروغ نرهند از عذاب برخوردی اندک و مر ایشان راست عذاب دردناک
وعلى الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك من قبل
و بر آنکسها که جهود شدند حرام کردیم آنچه یاد کردیم بر تو از پیش
وما ظلمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ⊙ ثم ان
و ستم نکردیم برایشان ولیکن بودند بر تنهای خویش ستمکاران باز
ربك للذين عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك
بدرستی که خداوند تو مر آنکسان را که بکردند بدی بنادانی باز توبه کردند از پس آن
واصلحوا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ⊙ ان ابراهيم
و نیکی کردند خداوند تو از پس آن آمرزنده و بخشاینده ابراهیم را
كان امة قانتا لله حنيفا ولم يك من المشركين ⊙ شاكرا
بود امامی فرمانبردار مر خدا را پاک و نبود از انباز گیران سپاسدار
لانعمه اجتبيه وهديه الى صراط مستقيم ⊙ واتيناه في
مر نعمتهای او را برگزیدش و راه نمودش سوی راه راست و بدادیمش
الدنيا حسنة وانه في الاخرة لمن الصالحين ⊙ ثم اوحينا
اندر این جهان نیکویی و وی اندر آنجهان از نیکان باشد باز پیغام فرستادیم
اليك ان اتبع ملة ابراهيم حنيفا وما كان من المشركين
بسوی تو که متابعت کن دین ابراهیم را پاکیزه و نه بود از انباز گیران
انما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه وان ربك
جز این نیست که نهاده شد شنبه بر آنکسانیکه ناهموار گشتند اندر وی و خداوند تو

ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

حكم كند ميان ايشان روز رستخيز اندر آنچه همی اندر وی ناهمواری كردندی

ادع الی سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة

بخوان سوی راه خداوند تو بسخن صواب يعنی قرآن و پند نكو يعنی سخن درست

جادلهم بالتی هی احسن ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله

پيكار كن با ايشان بدانچه وی نيكوترست كه خداوند تو ويست داناتر بدانكه گم كرد از راه

وهو اعلم بالمهتدين ○ وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما

و وی داناترست براه يافتگان   و اگر عقوبت كنيد عقوبت كنيد بچندانكه

عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خير للصابرين ○ واصبر وما

عقوبت كردند بوی   و اگر شكيبايی كنيد آن بهتر مر شكيبايان را

صبرك الا بالله ولا تحزن عليهم ولا تك فی ضيق مما

شكيبايی تو مگر بخدا   و اندوه مبر بر ايشان و مباش اندر تنگی

يمكرون ○ ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون

همی سازند   بدرستی كه خدا با آنهاست كه بپرهيزند و آنها اند كه ايشان نيكوكار

الجزو الخامس عشر سورة الاسراء مكية مائة واحد عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای كه مصطفی صلی الله عليه وآله بيك شب بملكوت عرضه كرد مهربانی كه قرب گرانتر بخشی بنده نكه

سبحان الذی اسری بعبده ليلا من المسجد الحرام الی

پاكست خدا   آنكه   ببرد   بنده خود را بشبی   از مزگت   حرام

المسجد الاقصا الذی باركنا حوله لنريه من اياتنا انه هو

مزگت بيت المقدس   آنكه بركت كرديم گرد اگرد وی تا بنمايم ورا از نشانهای

السميع البصير ○ واتينا موسی الكتاب وجعلناه هدی

شنوا و بينا   و بداديم موسی را نامه يعنی توريه و بكرديم آن نامه را راه نما

لبنی اسرائيل الا تتخذوا من دونی وكيلا ○ ذرية من

پسران يعقوب را كه نگيريد بجز من كارگزاری   ای فرزندان آنكه

حملنا مع نوح انه كان عبدا شكورا ○ وقضينا الی بنی

برداشتيم ايشان با نوح   كه وی بود   بنده سپاس دار   و حكم كرديم   سوی پسران

اسرائيل فی الكتاب لتفسدن فی الارض مرتين ولتعلن

يعقوب   اندر توريه   كه تباه كاری خواهند كرد اندر زمين   دو باره و برتری كنيد

علوا كبيرا ○ فاذا جاء وعد اوليهما بعثنا عليكم عبادا

كاری بزرگ   چون بيايد بايشان وعده نخستين از آن دو بفرستاديم بر شما بندگان

لنا اولی باس شديد فجاسوا خلال الديار وكان وعدا مفعولا

از آن ما   خداوندان سختی   اندر شدند ميانه سرايها   و بود   وعده كرده بوده

ثم رددنا لكم الكرة عليهم وامددناكم باموال وبنين

باز گردانيديم مر شما را حمله   بر ايشان   و افزون كردانيديمتان بخواستها و پسران

وجعلناكم اكثر نفيرا ○ ان احسنتم احسنتم لانفسكم

و گردانيديمتان   بسيارتر بگروه   اگر نيكويی كنيد نيكويی كنيد مر تنها خويش را

وان اسأتم فلها فاذا جاء وعد الاخرة ليسوءوا وجوهكم

و اگر بد كنيد هم تن خويش را بد   چون بيايد وعده بازپسين اندوهگين كردانند رويهای شما

وليدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة وليتبروا ما علوا

و اندر آيند   بمزگت   همچنانكه اندر شدند نخستين بار   و تا هلاك كنند   آنرا كه برتری كنند

تتبيرا ○ عسی ربكم ان يرحمكم وان عدتم عدنا وجعلنا

هلاك كردنی   مگر خداوند شما كه ببخشايد شما را   و اگر باز گرديد بمعصيت باز گرديم بعذاب و كرديم

[illegible]

خمس

جهنم للكافرين حصيرا ان هذا القران يهدي
دوزخ مر ناگرویدگان را جای بازگشتن این سخن یعنی قرآن راه نماید
للتي هي اقوم ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات
بدانچه وی راستر است و مژده دهند گرویدگان را آن کسان را که بکنند نیکیها
ان لهم اجرا كبيرا وان الذين لا يؤمنون بالاخرة اعتدنا
مر ایشان راست مزدی بزرگ و آنکه نگروند بدان جهان آماده کردیم
لهم عذابا اليما ويدع الانسان بالشر دعاءه بالخير
مر ایشان را عذاب دردکن و همی خواند آدمی بدی چون خواندن وی بنیکی
وكان الانسان عجولا وجعلنا الليل والنهار آيتين
و هست آدمی شتاب زده و بکردیم شب و روز را دو نشان
فمحونا آية الليل وجعلنا آية النهار مبصرة لتبتغوا
و ناپدید کردیم نشان شب را و بکردیم نشان روز را هویدا تا بجویید
فضلا من ربكم ولتعلموا عدد السنين والحساب وكل
افزونی از خداوند خویش و تا بدانید شمردن سالها و شمارها و
شيء فصلناه تفصيلا وكل انسان الزمناه طائره في
چیز را بیان کردیم بیان کردنی و هر آدمی را واجب کردیمش اختروی یعنی فال وی اندر
عنقه ونخرج له يوم القيمة كتابا يلقيه منشورا اقرا
گردن وی و بیرون آریم مر او را روز رستخیز نامه که ببیند آن را گشاده بر خوان
كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيبا من اهتدى
نامه خویش بسنده است بتن تو امروز بر تو شمارگیر هر که راه راست یافت
فانما يهتدي لنفسه ومن ضل فانما يضل عليها ولا
آن راه گیرد مر تن خویش را و هر که گم کرد پس گم کرد بر تن خویش و

تزر

عشر

تزر وازرة وزر اخرى وما كنا معذبين حتى نبعث
بار برگیرد بار برگیرنده بار کسی دیگر و نبودیم عذاب کردگان تا بفرستادیم
رسولا واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها ففسقوا
پیغامبران و چون خواهیم که هلاک کنیم دیهی را بسیار کردیم توانگران و جباران وی را بعز کنند
فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميرا وكم اهلكنا
اندر آنجا واجب گردد بروی گفتار عذاب هلاک کنیمش هلاک کردنی و چند هلاک کردیم
من القرون من بعد نوح وكفى بربك بذنوب عباده
از گروهان از پس نوح و بسنده است خداوند تو بگناهان بندگان خویش
خبيرا بصيرا من كان يريد العاجلة عجلنا له فيها ما نشاء
آگاه و بینا هر که باشد که خواهد اینجهان را شتابانیم مر او را اندر اینجهان آنچه خواهیم
لمن نريد ثم جعلنا له جهنم يصليها مذموما مدحورا و
مر آنکه خواهیم باز کنیم مر او را دوزخ در شود اندر آنجا نکوهیده و دور کرده و
من اراد الاخرة وسعى لها سعيها وهو مؤمن فاولئك كان
هر که خواهد آنجهان و بکوشد مر او را کوشش وی و وی گرویده باشد ایشانند که باشد
سعيهم مشكورا كلا نمد هؤلاء وهؤلاء من عطاء ربك
کوشش ایشان پسندیده همه فزون کردیم ایشان را و ایشان را از عطاء خداوند تو
وما كان عطاء ربك محظورا انظر كيف فضلنا بعضهم
و نیست عطاء خداوند تو بازداشته بنگر چگونه افزون کردیم بعضی ایشان را
على بعض وللاخرة اكبر درجات واكبر تفضيلا
بر بعضی و آنجهان بزرگتر است بپایگاه و بزرگتر بافزون کردن
لا تجعل مع الله الها اخر فتقعد مذموما مخذولا و
مکن انباز با خدای خدای دیگر که بنشینی نکوهیده ترا بوماند و

عشر

قضى ربك الا تعبدوا الا اياه وبالوالدين احسانا اما يبلغن

فرموده خداوند تو که مپرستید مگر ویرا و با مادر و پدر نیکویی کنید البته اگر برسد

عندك الكبر احدهما او كليهما فلا تقل لهما اف ولا

نزد تو به پیری یکی از ایشان یا هر دو از ایشان و مگو ایشان را اف یعنی سخت

تنهرهما وقل لهما قولا كريما ۝ واخفض لهما جناح الذل من الرحمة

بانگ مزن ایشان را و بگو مر ایشان را گفتاری صواب خوب و فرود آر مر ایشانرا بال فروتنی از بخشایش

وقل رب ارحمهما كما ربياني صغيرا ۝ ربكم اعلم بما في نفوسكم

و بگو خداوندا ببخشای مر ایشان را چنانکه پروردی مرا خورد که خداوند شما داناترست بدانچه

ان تكونوا صالحين فانه كان للاوابين غفورا ۝ وآت ذا القربى

اگر باشید نیکان که وی هست مر بازآیندگان را آمرزگار و بده مر خویشاوند

حقه والمسكين وابن السبيل ولا تبذر تبذيرا ۝ ان المبذرين

حق وی و درویش را و رهگذری را و میراکن پراکندنی که پراکندگان

كانوا اخوان الشياطين وكان الشيطان لربه كفورا ۝

که هستند برادران دیوان و هست دیو مر خداوند خویش را ناسپاس

واما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك ترجوها فقل لهم

و اگر روی بگردانی از ایشان جستن بخشایش از خداوند تو که امید داری بدان بگو مر ایشان

قولا ميسورا ۝ ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك ولا

گفتاری آسان و مکن دست خویش را بسته سوی گردن خویش یعنی بخیلی

تبسطها كل البسط فتقعد ملوما محسورا ۝ ان ربك

مگشای آن را همه گستراندن که بنشینی ملامت زده پشیمان گشته که خداوند تو

يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر انه كان بعباده خبيرا

بگستراند روزی مر آنرا که خواهد و تنگ گرداند که وی هست به بندگان خویش آگاه

بصيرا

١٨٤

عشر

بصيرا ۝ ولا تقتلوا اولادكم خشية املاق نحن نرزقهم

بینا و مکشید فرزندان خویش را از بیم درویشی ما روزی دهیم ایشانرا

واياكم ان قتلهم كان خطا كبيرا ۝ ولا تقربوا الزنى انه

و شمارا که کشتن ایشان باشد خطایی بزرگ و نزدیک مشوید بزنا که آن

كان فاحشة وساء سبيلا ۝ ولا تقتلوا النفس التي حرم

هست ناخوب کاری و بد راهی است و مکشید تن آنرا که حرام کرد

الله الا بالحق ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا

خدا مگر براستی و هر که کشته شود ستم کرده شد پس ما کردیم خویشان ویرا پادشاهی قصاص

فلا يسرف في القتل انه كان منصورا ۝ ولا تقربوا مال

تا درنگذرد از حد در کشتن که وی هست یاری داده و فرا مشوید بخواسته

اليتيم الا بالتي هي احسن حتى يبلغ اشده واوفوا بالعهد

یتیم مگر بدان روی که باشد نیکوتر تا برسد تمامی نیروی خویش و تمام کنید پیمان را

ان العهد كان مسؤولا ۝ واوفوا الكيل اذا كلتم وزنوا

که پیمان هست پرسیده و تمام پیمایید پیمانه را چون پیمایید و بسنجید

بالقسطاس المستقيم ذلك خير واحسن تاويلا ۝ ولا تقف

بترازوی قپان و شاهین راست آن بهتر و نیکوتر سرانجام را بغایة و کژ افکو

ما ليس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك

آنچه نیست ترا بوی دانش که شنوایی و بینایی و دل هر یکی از ایشان

كان عنه مسؤولا ۝ ولا تمش في الارض مرحا انك لن

هست از ایشان پرسیده و مرو اندر زمین بنشاط و شادی که تو هرگز

تخرق الارض ولن تبلغ الجبال طولا ۝ كل ذلك كان سيئه

نشکافی زمین را و نتوانی رسیدن بکوهها بدرازی همه آن هست بدی

خمس

خمس

از حضرت صادق علیه السلام مرویست
در تفسیر محسورا یعنی برهنه و از جابر روایت
کرده که وقتی در حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله نشسته بودیم کودکی
آمد و عرضه داشت که مادرم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۞ ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ
نزد پروردگار تو ناپسندیده این از آن است که وحی فرستاد سوی تو خداوند تو از حکمت
وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا
و مگردان با خدای خدایی دیگر که افکنند در دوزخ ملامت زده نکوهیده
أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا
آیا برگزید شما را خداوند شما به پسران و بگرفت از فرشتگان دختران
إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ۞ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ
که شما همی گویید گفتاری بزرگ و ما گردانیدیم اندر این قرآن
لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ۞ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ
تا پند گیرند و نه فزاید ایشان را مگر رمیدن بگو اگر بودی با وی
آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ۞
خدایان چنانکه شما همی گویید آنگاه بجستندی سوی خداوند عرش راه
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ۞ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ
پاکست وی و برتر است از آنچه همی گویند برتری بزرگ تسبیح همی کند مر او را آسمانها
السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ
هر هفت و زمین و آنکه اندر ایشان است و نیست هیچ چیزی مگر تسبیح همی کند
وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۞ وَإِذَا
ولیکن در نمی یابید شما تسبیح ایشان را که وی هست بردبار و آمرزگار و چون
قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
خواندی تو قرآن را و بکردیم میان تو و میان آنکه نگروند بد آن جهان
حِجَابًا مَسْتُورًا ۞ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي
پرده پوشیده و بکردیم بر دلهای ایشان پوششها که در نیابند

آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ
و در گوشهای ایشان گرانی و چون یاد کنی خداوند خویش را اندر قرآن یگانه
وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ۞ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ
برگردند بر پشتهای خویش رمیدگان ما داناتریم بدانچه همی گوش دارند بوی چون گوش دارند
إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا
سوی تو و چون ایشان راز گویند چون گویند بیدادگران پی نمی روید مگر
رَجُلًا مَسْحُورًا ۞ انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا
مردی جادو کرده را بنگر چگونه زدند مر ترا مثلها گم کنند نه
يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۞ وَقَالُوا أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَئِنَّا
توانند راه بردن و گفتند چون باشیم استخوانها و ریزها پراکنده ما را
لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۞ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ۞ أَوْ
انگیزند آفرینش نو بگو باشید سنگی یا آهنی یا
خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا
آفرینشی از آنچه بزرگ نماید در دلهای شما زود گویید که باز گرداند ما را
قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ
بگو آنکه بیافرید شما را اول بار همی جنبانند سوی تو سرهای خویش
وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ۞ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ
و همی گویند کی باشد آن بگو شاید که باشد نزدیک روزی که بخواندتان
فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۞ وَقُلْ
پاسخ کنید بستایش وی و گمان برید که درنگ نکردید مگر اندک و بگو
لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ
مر بندگان مرا گویند آنچه وی نیکوتر است که دیو هست که تباه میکند میان ایشان بدرستی

عشر

خمس

٨٥

حزب

اذ يقول الظالمون بدل است از اذ هم نجوى
بوضع اسم ظاهر که گویا گفته اذ يقولون
ان تتبعون و نجوى معمول اذكر مقدرست

عشر

خس

[illegible]

الشيطان كان للانسان عدوا مبينا ربكم اعلم بكم
دیو هست مر آدمی را دشمنی پیدا خداوند شما داناترست به شما
ان يشا يرحمكم او ان يشا يعذبكم وما ارسلناك عليهم
که بخواهد ببخشایدتان یا اگر بخواهد عذاب کندتان و نفرستادیم ترا بر ایشان
وكيلا وربك اعلم بمن في السموات والارض ولقد
نگهبانی و خداوند تو داناترست بدانکه اندر آسمانهاست و زمین و
فضلنا بعض النبيين على بعض واتينا داود زبورا قل
ما افزون کردیم بهره از پیغمبران بر بهره و بدادیم داود را زبور بگو
ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم
بخوانید آنکسان را که دعوی کردید بجز وی پس پادشاهی ندارند گشادن سختی از
ولا تحويلا اولئك الذين يدعون يبتغون الى ربهم
و نه گردانیدن ایشانند آنکه همی خوانند همی جویند سوی خداوند
الوسيلة ايهم اقرب ويرجون رحمته ويخافون عذابه
نزدیکی تا کیست از ایشان نزدیکتر و امیدوارند بخشایش وی و همی ترسند از عذاب
ان عذاب ربك كان محذورا وان من قرية الا نحن
که عذاب خداوند تو هست جای ترسیدن ازوی و نیست هیچ دیهی مگر ما
مهلكوها قبل يوم القيمة او معذبوها عذابا شديدا
هلاک کنیم آنرا پیش از روز رستاخیز یا عذاب کنیمش عذابی سخت
كان ذلك في الكتاب مسطورا وما منعنا ان نرسل
هست آن اندر نامه یعنی نوشته [illegible] و باز نداشت ما را که بفرستادیم
بالايات الا ان كذب بها الاولون واتينا ثمود الناقة
نشانها مگر آنکه بدروغ داشتند آنرا پیشینیان و بدادیم قوم صالح را

مبصرة فظلموا بها وما نرسل بالايات الا تخويفا واذ قلنا
بینا بیداد کردند بدان شتر و نفرستادیم نشانها مگر بیم کردن را و چون گفتیم
لك ان ربك احاط بالناس وما جعلنا الرؤيا التي اريناك الا
که خداوند تو توانا ست بر مردمان و نکردیم نمایش آنکه بنمودیم ترا مگر
فتنة للناس والشجرة الملعونة في القران ونخوفهم فما يزيدهم
آزمایشی مر مردمان را و درخت دور کرده از رحمت اندر قرآن و بیم کنیم ایشانرا نیفزاید ایشانرا
الا طغيانا كبيرا واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم فسجدوا
مگر از حد اندر گذشتنی بزرگ و چون گفتیم مر فرشتگان را سجده کنید مر آدم را سجده کردند
الا ابليس قال ءاسجد لمن خلقت طينا قال ارءيتك هذا
مگر ابلیس گفت ای سجده کنم مر آنکس که آفریدی تو از گل گفت چه بینی تو این
الذي كرمت علي لئن اخرتن الى يوم القيمة لاحتنكن
آنکه گرامی کردی تو بر من اگر زمان دهی مرا تا روز رستاخیز هر آینه بیخ بر کنم
ذريته الا قليلا قال اذهب فمن تبعك منهم فان جهنم
فرزندان ویرا مگر اندکی گفت برو هرکه پس روی کند ترا از ایشان پس دوزخ
جزاؤكم جزاء موفورا واستفزز من استطعت منهم
پاداش شماست پاداشی تمام کرده و بجنبان هرکرا توانی از ایشان
بصوتك واجلب عليهم بخيلك ورجلك وشاركهم في الاموال
بآواز تو و گرد آور بر ایشان بسواران تو و پیادگان تو و انباز باش با ایشان اندر خواستها
والاولاد وعدهم وما يعدهم الشيطان الا غرورا ان
و فرزندان یعنی حرام زنان و وعده ده ایشانرا و نکند وعده [illegible] مگر فریفت بدرستی
عبادي ليس لك عليهم سلطان وكفى بربك وكيلا ربكم
بندگان نیست مر ترا بر ایشان پادشاهی و بسنده هست خداوند تو نگهبان خداوند شما

[illegible]

الذي يزجي لكم الفلك في البحر لتبتغوا من فضله انه كان
آن هست براند مر شمارا کشتی اندر دریا تا بجویید از افزونی وی که وی هست

بكم رحيما ۝ واذا مسكم الضر في البحر ضل من تدعون الا
بر شما مهربان و چون برسد بشما سختی اندر دریا کم کردد آنکه همی خوانید مکر

اياه فلما نجيكم الى البر اعرضتم وكان الانسان كفورا
خدا چون برهانندتان سوی دشت روی بکردانید و هست آدمی ناسپاس

افامنتم ان يخسف بكم جانب البر او يرسل عليكم حاصبا
تا ایمن کشتید که بزمین فرو بردتان بکناره دشت یا بفرستد بر شما بادی سنکبار

ثم لا تجدوا لكم وكيلا ۝ ام امنتم ان يعيدكم فيه تارة اخرى
باز نیابید مر شمارا نکهبان ایمن کشتید که باز کرداندتان اندر وی باری دیکر

فيرسل عليكم قاصفا من الريح فيغرقكم بما كفرتم ثم
بفرستد بر شما شکننده از بادها غرقه کند شمارا بدانچه ناسپاسی کردید

لا تجدوا لكم علينا به تبيعا ۝ ولقد كرمنا بني ادم وحملناهم
نیابید مر شمارا بر ما بوی پس آینده و بزرکی دادیم ما فرزندان آدم را و برداشتیمشان

في البر والبحر ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم على كثير
اندر دشت و دریا و روزی دادیمشان از پاکیها و خوشیها و افزون کردانیدیمشان

ممن خلقنا تفضيلا ۝ يوم ندعوا كل اناس بامامهم فمن
از آنچه بیافریدیم افزون کردانیدنی آن روز که بخوانیم هر مردمانی را به پیشوای ایشان

اوتي كتابه بيمينه فاولئك يقرءون كتابهم ولا يظلمون
داده شود نامه بدست راست وی ایشانند که برخوانند نامه خویش و بیداد کرده نشوند

فتيلا ۝ ومن كان في هذه اعمى فهو في الاخرة اعمى و
چند رشته و هرکه باشد اندر این جهان نابینا و وی باشد اندر آن جهان نابیناتر

سبيلا

سبيلا ۝ وان كادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا اليك
واکر چه خواستند که بفریبند ترا از آنچه وحی فرستادیم سوی تو

لتفتري علينا غيره ۝ واذا لاتخذوك خليلا ۝ ولولا
تا بر بافی بر ما جز وی را و آنکاه بکرفتندی ترا بدوستی و اکر نه

ان ثبتناك لقد كدت تركن اليهم شيئا قليلا ۝ اذا
آنکه استوار کردیم ترا خواستی که میل کنی سوی ایشان چیزی اندک آنکاه

لاذقناك ضعف الحيوة وضعف الممات ثم لا تجد لك
بچشانیدیم ترا دو باره عذاب زندکانی و دو باره عذاب مرک باز نیافتی مر ترا

علينا نصيرا ۝ وان كادوا ليستفزونك من الارض ليخرجوك
بر ما یاری کری و اکرچه خواستند که عاجز کردانند ترا از زمین تا بیرون کنند ترا

منها ۝ واذا لا يلبثون خلافك الا قليلا ۝ سنة من قد ارسلنا
از آنجا و آنکاه درنک نکردندی سپس تو مکر اندک راه آنکسانکه بفرستادیم

قبلك من رسلنا ولا تجد لسنتنا تحويلا ۝ اقم الصلوة
پیش از تو از پیغامبران ما و نیابی مر راه مارا کردانیدن بپای دار نماز را

لدلوك الشمس الى غسق الليل وقران الفجر ان قران الفجر
بکشتن آفتاب تا تاریکی شب و خواندن سپیده دم نماز بامداد که خواندن سپیده

كان مشهودا ۝ ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى
هست فرشتکان حاضر و از شب بیدار باش بقران خواندن افزونی مر ترا مکر

ان يبعثك ربك مقاما محمودا ۝ وقل رب ادخلني مدخل
که برانکیزد ترا خداوند تو بجایکاه ستوده یعنی شفاعه و بکو خداوند من اندر آر مرا اندر آوردن

صدق واخرجني مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا
راست و بیرون آر مرا بیرون آوردن راست و بکن مرا از نزد تو حجة

عشر

[illegible]

عشر

[illegible]

نصيرا ۝ وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كا

بانصرت وبگو آمد راستی ونیست گشت باطل که باطل بود

زهوقا ۝ وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين

نیست گشته وفرو فرستیم از نبی آنچه وی آبادینست وبخشایش است مرگرو

ولا يزيد الظالمين الا خسارا ۝ واذا انعمنا على الانـ

ونیفزاید بیدادگرانرا مگر زیان کاری وچون نیکویی کنیم بر مرد

على الانسان اعرض ونا بجانبه واذا مسه الشر كان

روی گرداند ودور برد پهلوی خویش وچون برسد بروی بدی باشد

قل كل يعمل على شاكلته فربكم اعلم بمن هو اهدى سبـ

بگو هرکه کار کند اندر خور خویش خداوند شما داناترست بآنکه وی راه یافته ترست

ويسئلونك عن الروح قل الروح من امر ربي وما او

وهمی پرسند ترا از جان بگو جان از فرمان خداوند منست وندا

خمس

من العلم الا قليلا ۝ ولئن شئنا لنذهبن بالذي

از دانش مگر اندک واگر بخواهیم ببریم آنکه

اليك ثم لا تجد لك به علينا وكيلا ۝ الا رحمة من

سوی تو باز نیابی باوکردن توازان برما نگهداری مگر بخشایشی

ربك ان فضله كان عليك كبيرا ۝ قل لئن اجتمعـ

خداوند تو که افزونی وی هست بر تو بزرگ بگو اگر گرد آ

الانس والجن على ان ياتوا بمثل هذا القرآن لا يا

آدمیان وپریان بر آنکه بیارند همچون این نبی نیارند

بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا ۝ ولقد صرفـ

همچون وی واگرچه باشند بهره ازایشان بهره را هم پشت ولقد گردانید

للناس

[illegible]

[illegible]

ـاس في هذا القرآن من كل مثل فابى اكثر الناس الا

مر مردمانرا اندرین نبی از هر داستانی نخواستند بیشترین مردمان مگر

عشر

ـفورا ۝ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا

ناسپاسی وگفتند استوار نداریم ترا تا بیرون آری ازبهرما از زمین چشمه روان

ـكون لك جنة من نخيل وعنب فتفجر الانهار خلالها

باشد مر ترا بوستانی از خرمابن وانگور وبیرون شکافی جویها درمیان آن

ـجيرا ۝ او تسقط السماء كما زعمت علينا كسفا

شکافتنی یا بیفکنی آسمان چنانکه دعوی کردی برما پاره پاره

ـاتي بالله والملائكة قبيلا ۝ او يكون لك بيت من زخرف

خدایرا وفرشتگان گروه گروه یا باشد مر ترا خانه از زر

ـرقى في السماء ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتابا

اندر آسمان واستوار نداریم مر رفتن ترا تا فرو باری برما نامه که

ـروه قل سبحان ربي هل كنت الا بشرا رسولا ۝ وما منع

بگو پاکست خداوند من جز هستم من مگر مردمی پیغمبری وبازنداشت

ـاس ان يؤمنوا اذ جاءهم الهدى الا ان قالوا ابعث الله

که بگروید چون بیامد بایشان راه راست مگر آنکه گفتند که بفرستاد خدای

ـرسولا ۝ قل لو كان في الارض ملائكة يمشون مطمئنين

بگو اگر بودی اندر زمین فرشتگان همی رفتندی آرمیدگان

خمس

ـنا عليهم من السماء ملكا رسولا ۝ قل كفى بالله شهيدا

از آسمان فرشته پیغمبری بگو بسنده است بخدا گواه

ـكفى بالله شهيدا بيني وبينكم انه كان بعباده

میان من ومیان شما که وی هست به بندگان خویش

خبيرا بصيرا ۝ ومن يهد الله فهو المهتد ومن يضلل
آگاه و بینا و هر کرا راه نماید خدا وی باشد راه یافته و هر کرا گم کند
فلن تجد لهم أولياء من دونه ونحشرهم يوم القيمة على
نیابی مر ایشانرا دوستان بجز از وی و گرد آریم ایشانرا روز رستخیز بر
وجوههم عميا وبكما وصما مأويهم جهنم كلما خبت
رویهای ایشان نابینا و گنگان و کران جای ایشان باشد دوزخ هرگاه فرو نشیند
زدناهم سعيرا ۝ ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بآياتنا وقالوا
بیفزاییم ایشان افروختن سوختن این است پاداش ایشان به آنکه ایشان کافر گشتند بآیتهای ما و گفتند
أإذا كنا عظاما ورفاتا أإنا لمبعوثون خلقا جديدا
هرگز ما چون باشیم استخوانها و ریزها ما را برانگیزند آفرینش نو
أولم يروا أن الله الذي خلق السموات والأرض قادر
هرگز همی ببینند که خدا آنکه بیافرید آسمانها و زمین توانا
على أن يخلق مثلهم وجعل لهم أجلا لا ريب فيه فأبى
بر آنکه بیافریند همچون ایشان و بکرد مر ایشانرا زمانه که نیست گمان اندر وی [illegible]
الظالمون إلا كفورا ۝ قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة
بیدادگران مگر ناسپاسی بگو اگر شما پادشاه گردیده گنجهای
ربي إذا لأمسكتم خشية الإنفاق وكان الإنسان قتورا
خداوند من آنگاه بخل نمودید از ترس درویشی و هست آدمی [illegible]
ولقد آتينا موسى تسع آيات بينات فسئل بني إسرائيل
و ما بدادیم موسی را نه حجت پیدا بپرس پسران یعقوب
إذ جاءهم فقال له فرعون إني لأظنك يا موسى مسحورا
چون بیامد بایشان گفت مر او را فرعون همی گمان برم ترا ای موسی [illegible]

قال لقد

١٨٩

لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا رب السموات و
[illegible] دانستی آنچه که فرو نفرستاد اینها مگر خداوند آسمانها و
الأرض بصائر وإني لأظنك يا فرعون مثبورا ۝ فأراد
زمین بینایها و من همی گمان برم ترا ای فرعون هلاک خواهی شدن خواست فرعون
أن يستفزهم من الأرض فأغرقناه ومن معه جميعا ۝ وقلنا
[illegible] از زمین غرق کردیمش و آنانکه با وی بودند همه و گفتیم
من بعده لبني إسرائيل اسكنوا الأرض فإذا جاء وعد الآخرة
[illegible] پس وی مر پسران یعقوب را بیارامید بر زمین مصر چون بیاید وعدهای آنجهان
جئنا بكم لفيفا ۝ وبالحق أنزلناه وبالحق نزل وما أرسلناك
[illegible] شما را بهم اندر آمیخته و براستی فرو آوردیم او را و براستی فرو آمدن و نفرستادیم ترا
إلا مبشرا ونذيرا ۝ وقرآنا فرقناه لتقرأه على الناس على
[illegible] مژده دهنده و بیم کننده و سخن را پراکنده کردیمش بر خوانیش بر مردمان بر
مكث ونزلناه تنزيلا ۝ قل آمنوا به أو لا تؤمنوا إن الذين
[illegible] و فرو فرستادیمش فرو فرستادنی بگو خواهید بگروید بوی اگر خواهید نگروید که آنانکه
أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون للأذقان
[illegible] ایشان دانش از پیش چون برخوانند بر ایشان فرو افتند بر زنخها
سجدا ويقولون سبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا ۝
[illegible] و گویند پاکست خداوند ما که هست وعده خداوند کرده بود
ويخرون للأذقان يبكون ويزيدهم خشوعا ۝ قل ادعوا
[illegible] بر زنخها همی گریند و بیفزاید ایشانرا ترسکاری بگو بخوانید
الله أو ادعوا الرحمن أيا ما تدعوا فله الأسماء الحسنى
خداوند را یا بخوانید خدای بخشاینده هرکدام که خوانید او مر اوراست نامهای نیکوترین

خمس

عشر

آیات تسع معجزه است که بآنحضرت عطا شده
بود ید بیضا و عصا و [illegible]
[illegible]

[illegible]

ولا تجهر بصلوتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك
وآواز بر مدار بنماز خويشتن وپنهان مدار آنرا وبجوى ميان آن
سبيلا ۝ وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له
راهى وبگو سپاس مر خدايرا آنكه نگرفت فرزندى ونبود
شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره
انبازى در پادشاهى ونبود مراورا يارى گرى از خوارى وبزرگ

سورة الكهف مكية تكبيرا ۝ مائة واحدى عشر

بزرگ داشتنى

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى كه بهشت و پرده نداند مهربانا كه بر تو پرده پوشد بخشاينده كه عذر خواهى
الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له
سپاس مر خدايرا آنكسى كه فرو فرستاد بر بنده خويش محمد يعنى نبى ونكرد مراورا
عوجا ۝ قيما لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين
راست تا بيم كند از سختى سخت از نزد وى ومژده دهد گرويدگانرا
يعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماكثين فيه ابدا
بكروند نيكيها كه مرايشانرا باشد مزدى نيكو باشندگان اندر آنجا
وينذر الذين قالوا اتخذ الله ولدا ۝ ما لهم به من علم
وبيم كند آنكسانرا كه گفتند بگرفت خدا فرزندى نيست مرايشانرا بدان
ولا لآبائهم كبرت كلمة تخرج من افواههم ان
ونه مر پدران ايشانرا بزرگ است سخنى كه بيرون آيد از دهن ايشان
يقولون الا كذبا ۝ فلعلك باخع نفسك على آثارهم
ميگويند مگر دروغ مگر تو هلاك خواهى كردن تن خويش را بر پيهاى

ان لم

عشر

[illegible]

[illegible]

ان لم يؤمنوا بهذا الحديث اسفا ۝ انا جعلنا ما على
نگروند بدان سخن از اندوه ما بكرديم آنچه بر
الارض زينة لها لنبلوهم ايهم احسن عملا ۝ وانا لجاعلون
زمين است آرايش مراورا تا بيازمائيم ايشانرا كه كدام نيكوكارتر وما بخواهيم كردن
ما عليها صعيدا جرزا ۝ ام حسبت ان اصحاب الكهف
آنچه بر زمين است زمينى هموار بى نبات يا همى پندارى كه مردمان غار
والرقيم كانوا من آياتنا عجبا ۝ اذ اوى الفتية الى الكهف
ونبشته بودند از آيتهاى ما شگفت چون جاى كردند جوانمردان سوى غار
فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمة وهيئ لنا من امرنا رشدا ۝
بار خدايا بده مارا از نزد تو رحمتى وبساز مارا از كار ما كارى راست
فضربنا على آذانهم في الكهف سنين عددا ۝ ثم بعثناهم
بر گوشهاى ايشان اندر غار سالهاى شمرده باز برانگيختيم ايشانرا
لنعلم اي الحزبين احصى لما لبثوا امدا ۝ نحن نقص عليك
كدام از دو گروه شمار گيرانند مر آنرا كه درنگ كردند سرانجام ما همى برخوانيم بر تو
نبأهم بالحق انهم فتية آمنوا بربهم وزدناهم هدى ۝ و
خبر ايشان براستى كه ايشان جوانمردان بودند گرويده بخداوند خويش وبيفزوديمشان راه يافتگى و
ربطنا على قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات
استوار كرديم بر دلهاى ايشان چون برخواستند بگفتند اى خداوند ما خداوند آسمانها
والارض لن ندعوا من دونه الها لقد قلنا اذا شططا ۝
وزمين است نخوانيم جز از وى خدايى كه گفته باشيم آنگه دروغ با ستم
هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه آلهة لولا يأتون عليهم
اينان گروه ما بگرفتند بجز از وى خدايانى چرا نيارند بر ايشان

١٩٥

[illegible]

خمس

[illegible]

بسلطان بين ط فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا ۝ واذ

حجتی پیدا گیست ستمکارتر از کسی که فرو بافد بر خدا دروغ وچون

اعتزلتموهم وما يعبدون الا الله فاووا الى الكهف ينشر

بیکسو شدی از ایشان وآنچه همی پرستید مگر خدارا بیایید سوی غار تا بگستراند

لكم ربكم من رحمته ويهيئ لكم من امركم مرفقا

مر شمارا خداوند شما از بخشایش خود وبسازد مر شمارا از کار شما کاری

وترى الشمس اذا طلعت تزاور عن كهفهم ذات اليمين

وبینی آفتاب را چون برآید میل کننده از غار ایشان سوی راست

واذا غربت تقرضهم ذات الشمال وهم في فجوة منه ذلك

وچون فرو رود قطع کند ایشانرا سوی چپ وایشان اندر فراخی بودند از آن

من ايات الله ط من يهد الله فهو المهتد ج ومن يضلل

از نشانهای خدایست هرکرا راه نماید خدا پس وی باشد راه یافته وهرکرا گمراه کند

له وليا مرشدا ۝ وتحسبهم ايقاظا وهم رقود ط ونقلبهم

مر او را دوستی یاری نماینده وپنداری ایشانرا که بیدارانند وایشان خفتگانند وهمی گردانیم

ذات اليمين وذات الشمال صلے وكلبهم باسط ذراعيه

سوی راست وسوی چپ وسگ ایشان گسترده دودست

بالوصيد ط لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارا ولملئت

بدرگاه غار اگر فرا نگرستی بر ایشان هرآینه برگشتی از ایشان گریزان وپر گشتی

منهم رعبا ۝ وكذلك بعثناهم ليتساءلوا بينهم ط قال قائل

از ایشان بیم وهمچنین برانگیختیم ایشانرا تا بپرسند یکدیگررا گفت گوینده

منهم كم لبثتم ط قالوا لبثنا يوما او بعض يوم ط قالوا ربكم

از ایشان چند درنگ کردید گفتند درنگ کردیم روزی یا بهره روزی گفتند خداوند

[illegible]

[illegible]

اعلم بما

[illegible]

عشر

[illegible]

[illegible]

اعلم بما لبثتم فابعثوا احدكم بورقكم هذه الى المدينة فلينظر

داناترست بدانچه درنگ کردید بفرستید یکی را از شما با درم شما این سوی شهرستان تا بنگرد

ايها ازكى طعاما فليأتكم برزق منه وليتلطف ولا

کدام پاکیزه ترست خوردنی تا بیارد شمارا روزی ازوی وچابک کاری کند ور

يشعرن بكم احدا ۝ انهم ان يظهروا عليكم يرجموكم او

آگاه کند از شما کسی را که ایشان اگر آگاه شوند بر شما سنگسار کنند شمارا یا

يعيدوكم في ملتهم ولن تفلحوا اذا ابدا ۝ وكذلك اعثرنا

بازگردانند شما اندر دین ایشان ونرهید از عذاب آنگاه هرگز وهمچنین برسانیدیم

عليهم ليعلموا ان وعد الله حق وان الساعة لا ريب

ایشان تا بدانند که وعده خدا راستست وقیامت گمان نیست

فيها اذ يتنازعون بينهم امرهم فقالوا ابنوا عليهم بنيانا ط

اندروی چون پیکار کردند میان یکدیگر اندر کار ایشان گفتند برآرید بر ایشان بنا

ربهم اعلم بهم ط قال الذين غلبوا على امرهم لنتخذن عليهم

خداوند ایشان داناترست بایشان گفتند آنکسانکه غلبه کردند بر کار ایشان اندر آریم بر ایشان

مسجدا ۝ سيقولون ثلثة رابعهم كلبهم ج ويقولون

همی گویند سه تن بودند چهارم ایشان سگ ایشان وهمی گویند

خمسة سادسهم كلبهم رجما بالغيب ج ويقولون سبعة

پنج تن بودند ششم ایشان سگ ایشان بود سخن اندر حتی بگمان وهمی گویند هفت تن بودند

وثامنهم كلبهم ط قل ربي اعلم بعدتهم ما يعلمهم

وهشتم ایشان سگ ایشان بود بگو ای محمد خداوند من داناترست بشمار ایشان نداند ایشانرا

الا قليل ط فلا تمار فيهم الا مراء ظاهرا ص ولا تستفت فيهم

مگر اندکی بیکار مکن اندر کار ایشان مگر خصومتی آشکارا ومپرس اندر ایشان

[illegible]

منهم احدا ۝ ولا تقولن لشاىء انى فاعل ذلك غدا الا ان
از ایشان کسی را ۝ و مگوی مر چیزیرا که من خواهم کردن آن فردا مگر که
یشاء الله واذكر ربك اذا نسيت وقل عسى ان يهدين
بخواهد خدای و یاد کن خداوند خویش را چون فراموش کنی و بگو مگر که راه نماید
ربى لاقرب من هذا رشدا ۝ ولبثوا فى كهفهم ثلث مائة
خداوند نزدیکتر ازین راه راست و درنگ کردند در غارشان سیصد
سنين وازدادوا تسعا ۝ قل الله اعلم بما لبثوا له غيب
سال و بیفزودند نه سال بگو خدا داناترست بانچه درنگ کردند او را
السموات والارض ابصر به واسمع ما لهم من دونه من
آسمان و زمین چون بیناست بدان و چون شنواست نیست مرایشانرا بجز وی
ولى ولا يشرك فى حكمه احدا ۝ واتل ما اوحى اليك من
یاری و نگهداری و انباز نکند اندر حکم خویش کسی را و برخوان آنچه وحی فرستاده شد سوی تو از
كتاب ربك لا مبدل لكلماته ولن تجد من دونه ملتحدا
نامه یعنی [illegible] خداوند تو بدل کننده نیست مر سخنان ویرا و هرگز نیابی از جز وی پناهی
واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداة والعشى
و شکیبا کن تن خویش را با آنانکه همی خوانند خداوند خویش را بامداد و شبانگاه
يريدون وجهه ولا تعد عيناك عنهم تريد زينة الحيوة
همی خواهند خوشنودی خدا و مگردان چشم خویش از ایشان بخواهی آرایش زندگانی
الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هويه
این جهان و فرمان مبر آنرا که غافل کردانیدیم دل ویرا از یاد ما و بهم رفت
وكان امره فرطا ۝ وقل الحق من ربكم فمن شاء فليؤمن
و بود کار وی از حد گذشته و بگو راستی از خداوندتست هر که خواهد بگرود

خمس

بعض گفته‌اند سیصد سال
شمسی [illegible]
و نه سال [illegible]
[illegible]
ان [illegible] سلام
[illegible]
اصحاب کهف [illegible]
صلی الله علیه واله [illegible]
[illegible]
و این وعده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] والله اعلم
بالصواب

ومن شاء

١٩٢

ومن شاء فليكفر انا اعتدنا للظالمين نارا احاط بهم
هر که خواهد نگرود ما آماده کردیم مر بیدادگران را آتشی که گرد اندر گیرد بایشان
سرادقها وان يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل يشوى الوجوه
سراپرده‌های آتش و اگر فریاد خواهند فریادرسیده شوند بآبی چون مس گداخته بریان کند رویها
بئس الشراب وساءت مرتفقا ۝ ان الذين
بد شرابست و بد جایگاهیست آنانکه
امنوا وعملوا الصالحات انا لا نضيع اجر من احسن عملا
ایمان آوردند و بکردند نیکیها ما ضایع نکنیم مزد آنکسی که نیکوکاری کرد
اولئك لهم جنات عدن تجرى من تحتهم الانهار يحلون
ایشانند مرایشانراست بوستانهای درنگ که همی رود از زیر ایشان جویها روان زیور کنند
فيها من اساور من ذهب ويلبسون ثيابا خضرا من سندس
اندرآنجا از دست‌ورنجنها یعنی یاره از زر و بپوشند جامهای سبز از دیبا و تنک
واستبرق متكئين فيها على الارائك نعم الثواب وحسنت
و دیبا ستبر تکیه زدگان اندرآنجا بر تختها نیک پاداشست و نیک
مرتفقا ۝ واضرب لهم مثلا رجلين جعلنا لاحدهما
تکیه‌گاهیست و بزن مرایشانرا مثلی دو مرد که بکردیم هریکی را از ایشان
جنتين من اعناب وحففناهما بنخل وجعلنا بينهما زرعا
دو بوستان از انگورها و بپیراستیم گرد ایشان بخرماستان و بکردیم میان دو بوستان کشت
كلتا الجنتين اتت اكلها ولم تظلم منه شيئا وفجرنا
هر دو بوستان بداد بار خود را و نکاست از آن چیزی و بشکافتیم
خلالهما نهرا ۝ وكان له ثمر فقال لصاحبه وهو يحاوره
میان هر دو بوستان جویها و بود مرا ورا میوه‌ها و گفت مر یار خویش را و وی سخن گفت با وی

عشر

انفاق نمایند از اسباب
نفیسه [illegible]
حسنت [illegible]
[illegible]
اعلم بالصواب

[illegible]
کافر [illegible]
نصرانی بود [illegible]
[illegible]
بنی اسرائیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
تمام [illegible]
[illegible]
کفتها از ایشان بوده
والله اعلم [illegible]

[illegible]

أنا أكثر منك مالا وأعز نفرا ۝ ودخل جنته وهو ظا
من بیشترم از تو بخواسته و عزیزترم بگروه و اندر شد ببوستان خویش و وی
لنفسه قال ما أظن أن تبيد هذه أبدا ۝ وما أظن السا
مر تن خویش را گفت من گمان نبرم که نیست شود این بوستان هرگز و گمان نبرم
قائمة ولئن رددت إلى ربي لأجدن خيرا منها منقلبا
خواستنی است و اگر باز گردانندم سوی خداوندم بیابم بهتر ازین در بوستان
قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت بالذي خلقك
گفت مر او را یار وی و وی گاهی سخن گفت با وی کافر گشتی بدان کسی که ترا بیافرید
من تراب ثم من نطفة ثم سواك رجلا ۝ لكنا هو الله
از خاک باز از آبی اندک باز راست کرد ترا مردی لیکن وی است خدا
ولا أشرك بربي أحدا ۝ ولولا إذ دخلت جنتك قلت
و انباز نکردم با خداوند خویش کسی را و چه بود اگر چون در آمدی ببوستان تو گفتی
ما شاء الله لا قوة إلا بالله إن ترن أنا أقل منك مالا
آن باشد که خواهد خدا نیست نیرو مگر که از جانب خدا اگر بینی مرا من کمترم از تو بخواسته
وولدا ۝ فعسى ربي أن يؤتين خيرا من جنتك ويرسل
و فرزند مگر خداوند من که بدهد مرا بهتر از بوستان تو و بفرستد
عليها حسبانا من السماء فتصبح صعيدا زلقا ۝ أو يصبح
بر آن بوستان آتشی یا عذابی از آسمان بشود خاک نغز هموار یا بشود
ماؤها غورا فلن تستطيع له طلبا ۝ وأحيط بثمره فأصبح
آب وی فرو رفته پس هرگز نتوانی مر او را جستن و ناچیز کرده شد میوه وی
يقلب كفيه على ما أنفق فيها وهي خاوية على عروشها
همی گرداند دو دست خویش بر آنچه خرج کرده بود در بوستان و آن افتاده بود بر سقفها

ويقول

عشر

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که عجب دارم از کسی که از چیزی بترسد چرا پناه نبرد بگفته حق تعالی حسبنا الله و نعم الوکیل که حق تعالی بعد از آن فرموده فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء و عجب دارم از کسی که غمگین باشد چرا متوسل نمی‌شود بگفته لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین که حق تعالی در عقب آن وعده کرده فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و عجب دارم از کسی که حیله با او کرده شود چرا متوسل نمی‌شود بقول حق تعالی و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و بدرستی که شنیدم قول خدا را بعد از آن فوقاه الله سیئات ما مکروا و عجب دارم از کسی که دنیا و زینت آن را دوست دارد چرا متوسل نمی‌شود باین قول حق تعالی ما شاء الله لا قوة الا بالله که در عقب آن فرموده فعسی ربی ان یؤتین خیرا من جنتک

۱۹۲

حزب

ويقول يا ليتني لم أشرك بربي أحدا ۝ ولم تكن له فئة
گفت ای کاشکی من انباز نکردمی بخداوند خویش کسی را و نبود مر او را گروهی
ينصرونه من دون الله وما كان منتصرا ۝ هنالك الولاية
که یاری دادندی بجز از خدای و نتوانست بود یاری کننده در اینجا حکم و ولایت
لله الحق هو خير ثوابا وخير عقبا ۝ واضرب لهم مثل الحيوة
خدای راست وی بهتر پاداش و بهتر سرانجام و پدید کن مر ایشان را داستان زندگانی
الدنيا كماء أنزلناه من السماء فاختلط به نبات
این جهان چون آبی فرو آوریمش از آسمان بیامیخت با وی گیاه
الأرض فأصبح هشيما تذروه الرياح ۝ وكان الله على
زمین بشود خشک همی پراکند بادها و هست خدا بر
كل شيء مقتدرا ۝ المال والبنون زينة الحيوة الدنيا
همه چیزی توانا خواسته و پسران آرایش زندگانی این جهان
والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا وخير
و آنچه بماند از نیکیها بهتر شود نزد خداوند پاداش و بهتر باشد
أملا ۝ ويوم نسير الجبال وترى الأرض بارزة وحشرناهم
و آن روز که برانیم کوهها را و بینی زمین را پیدا کننده آنچه در وی و گرد کنیم
فلم نغادر منهم أحدا ۝ وعرضوا على ربك صفا لقد جئتمونا
باز نداریم از ایشان کسی را و عرضه کنند شان بر خداوند تو صف زده بدرستی آمدید
كما خلقناكم أول مرة بل زعمتم ألن نجعل لكم موعدا ۝ ووضع
چنانکه آفریدیم شما را نخست بار نه دعوی کردید که هرگز نکنیم مر شما را وعده گاهی و نهاده شود
الكتاب فترى المجرمين مشفقين مما فيه ويقولون يا
نامه بینی گناهکاران را ترسندگان از آنچه اندر نامه باشد و گویند ای

هنالک اشاره است بروز قیامت
ازین بعد کلام سابق مستفاد است
و بعضی اشاره است بآن وقت
آن محل کرده‌اند و بیان آن مردود است
تعالی اعلم

حزب

مراد از باقیات صالحات که در آیه کریمه مذکور است در اخبار مختلفه که هر یک از آنها [illegible] امور مذکوره شده [illegible] از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است [illegible] سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر [illegible] باقیات صالحات [illegible]

[illegible]

ويلتنا مال هذا الكتاب لايغادر صغيرة ولا كبيرة الا

وای ما چه بود است این نامه را که هیچ باز ندارد خوردی و نه بزرگی

احصاها ووجدوا ما عملوا حاضرا ولا يظلم ربك احدا

بشمرد آن را و بیابند آنچه کردند بجا آمده و ستم نکند خداوند تو کسی

واذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس كان

و چون گفتیم فرشتگان را سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود

من الجن ففسق عن امر ربه افتتخذونه وذريته اولياء

از پریان و بیرون شد از فرمان خداوند خویش ایا بگیرید وی را و فرزندان وی را دوستان

من دوني وهم لكم عدو بئس للظالمين بدلا ۞ ما اشهدتهم

بجز من و ایشان مر شما را دشمن اند بد است مر ستمکاران را این بدل حاضر کرده بودم

خلق السموات والارض ولا خلق انفسهم وما كنت

آفرینش آسمانها و زمین و نه آفریدن تنها ایشان و نبودم

متخذ المضلين عضدا ۞ ويوم يقول نادوا شركائي

گیرنده گمراهان جادو گر بیاری بدهم و آن روزی که گوید خدا بخوانید انبازان مرا

الذين زعمتم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم وجعلنا بينهم

آنهایکه دعوی کردید بخوانند شان پاسخ نکنند مر ایشان را و بکنیم میان ایشان

موبقا ۞ وراى المجرمون النار فظنوا انهم مواقعوها

جای هلاک و ببینند گناهکاران آتش را بیگمان شوند که ایشان اندر افتند

ولم يجدوا عنها مصرفا ۞ ولقد صرفنا في هذا القران

و نیابند از آنجا جای بازگشتن و ما برگردانیدیم اندرین نبی

للناس من كل مثل وكان الانسان اكثر شيء جدلا

مر مردمان را از همه مثلی و هست مردم بیشتر از هر چیزی

ومانع

عشر

[illegible] نفس [illegible]
[illegible] ابلیس [illegible] و غرض اظهار کمال قدرت
[illegible] هیچ حاجت [illegible]
خدا [illegible] جمعی که اطاعت [illegible]
[illegible] اطاعت [illegible]
نموده اند [illegible]
[illegible]
[illegible] کمال قدرت [illegible]
و این علم مخلوقات [illegible]
و بعضی گفته اند که [illegible]
خدا [illegible]
[illegible] دختران خدا اند [illegible]
گروه هنگام خلق عالم موجود نبوده
[illegible] از خدا
[illegible]
[illegible] شده اند [illegible]

وما منع الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم الهدى ويستغفروا

و باز داشت مر مردمان را که بگروند چون بیامد بایشان راه راست و آمرزش خواهند

ربهم الا ان تاتيهم سنة الاولين او ياتيهم العذاب

خداوند خویش مگر آنکه بیاید بایشان راه پیشینیان بیاید بایشان عذاب

قبلا ۞ وما نرسل المرسلين الا مبشرين ومنذرين و

و نفرستیم پیغمبران را مگر مژده دهندگان و بیم کنندگان و

يجادل الذين كفروا بالباطل ليدحضوا به الحق و

آنهایکه کافر شدند بباطل تا تباه کنند بدان بیکار راست و

اتخذوا اياتي وما انذروا هزوا ۞ ومن اظلم ممن ذكر بايات ربه

آیتهای مرا و آنچه بیم کرده شان افسوس و کیست ستمکارتر از آنکس که پند دهندش بحجتهای خداوندی

فاعرض عنها ونسي ما قدمت يداه انا جعلنا على قلوبهم

روی گرداند از آن و فراموش کند آنچه پیش فرستاد دو دست وی ما بکردیم بر دلهای ایشان

اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا وان تدعهم الى

که در یابند آن را و اندر گوشهای ایشان گرانی و اگر بخوانی ایشان را سوی

الهدى فلن يهتدوا اذا ابدا ۞ وربك الغفور ذو الرحمة

راه راست در راه باز نیابند هیچ هرگز و خداوند تو آمرزگار است با بخشایش

لو يؤاخذهم بما كسبوا لعجل لهم العذاب بل لهم موعد

ایشان بآنچه کردند بشتابانیدی مر ایشان را عذاب بلکه مر ایشان را وعده گاهی است

لن يجدوا من دونه موئلا ۞ وتلك القرى اهلكناهم

بجز وی پناه جایی و آن دیهها هلاک کردیم شان

لما ظلموا وجعلنا لمهلكهم موعدا ۞ واذ قال موسى لفتيه

چون بیداد کردند و بکردیم هلاک ایشان وعده گاهی و چون گفت موسی مر جوانمرد خویش را

خمس

[illegible] که [illegible]
[illegible] بان [illegible] مقدر است [illegible]
[illegible] انتظار ان
[illegible] عقوبه
[illegible] عذاب
[illegible] عذاب است [illegible] معاینه [illegible]
[illegible] پیغمبران و از عذاب [illegible]
روز قیامت [illegible] رسول خدا صلی الله
[illegible] ایمان [illegible]
علیه و آله [illegible]

ان یفقهوه [illegible]
[illegible] است از [illegible]
[illegible] ان یفقهوه [illegible]
[illegible] و الله اعلم [illegible]

[illegible]

عشر

لا ابرح حتى ابلغ مجمع البحرين او امضي حقبا ۝ فلما بلغا
زانسو برنشوم تا برسم بگرد آمدن گاه دو دریا یا بروم سالها چون برسیدند
مجمع بينهما نسيا حوتهما فاتخذ سبيله في البحر سربا
بگرد آمدن گاه میان دو دریا فراموش کردند ماهی خویش را بگرفت ماهی راه خویش را اندر دریا راه گرفتنی
فلما جاوزا قال لفتيه اتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا
چون بگذشتند گفت مر جوانمرد خویش را بیار چاشت ما که دیدیم از سفر
هذا نصبا ۝ قال ارايت اذ اوينا الى الصخرة فاني نسيت
این رنج گفت بهیچ دیدی چون جای گرفتیم سوی سنگ پس بدرستی که من فراموش کردم
الحوت وما انسانيه الا الشيطان ان اذكره واتخذ
ماهی و فراموش نکردانید مرا آن مگر دیو که یاد کردمیش و بگرفت
سبيله في البحر عجبا ۝ قال ذلك ما كنا نبغ فارتدا على
راه خویش اندر دریا بشگفت گفت موسی آنست آنچه ما همی خواستیم پس بازگشتند
اثارهما قصصا ۝ فوجدا عبدا من عبادنا اتيناه رحمة
بپای خویش بر پی جستن بیافتند بنده را از بندگان ما که بدادیمش بخشایش
من عندنا وعلمناه من لدنا علما ۝ قال له موسى هل
از نزد ما و بیاموزانیدیش از نزد ما دانشی گفت مر او را موسی
اتبعك على ان تعلمن مما علمت رشدا ۝ قال انك لن
بدم تو روم بر آنکه بیاموزی مرا از آنچه بیاموزانیدند ترا راه گفت تو
تستطيع معي صبرا ۝ وكيف تصبر على ما لم تحط به خبرا
نتوانی با من شکیبایی کردن و چگونه شکیبا کنی بر آنچه نرسیده باشی دانش
قال ستجدني ان شاء الله صابرا ولا اعصي لك امرا ۝ قال
گفت باشد که بیابی مرا اگر خواهد خدا شکیبایی و بپیچم نافرمانی ترا بکاری

خمس

[illegible]

عشر

قال فان اتبعتني فلا تسالني عن شيء حتى احدث لك منه ذكرا
گفت اگر بدم من آیی مپرس مرا از چیزی تا بگویم ترا از وی یاد کردنی
فانطلقا حتى اذا ركبا في السفينة خرقها قال اخرقتها
برفتند تا چون برنشستند اندر کشتی بدرید آن گفت موسی بدریدی اش
لتغرق اهلها لقد جئت شيئا امرا ۝ قال الم اقل انك لن
تا غرقه کنی مردمان ویرا آوردی چیزی کاری گفت نه گفتم که تو نه
تستطيع معي صبرا ۝ قال لا تؤاخذني بما نسيت ولا ترهقني من
نتوانی با من شکیبایی کردن گفت مگیر مرا بدانچه فراموش کردم و اندر مخواه از من
امري عسرا ۝ فانطلقا حتى اذا لقيا غلاما فقتله قال
از کار من دشواری برفتند تا چون بدیدند کودکی را بکشتش گفت
اقتلت نفسا زكية بغير نفس لقد جئت شيئا نكرا ۝ قال
بکشتی تن پاکیزه بی کشتن تنی آوردی چیزی ناپسندیده گفت
الم اقل لك انك لن تستطيع معي صبرا ۝ قال ان سالتك
نگفتم مر ترا که تو هرگز نتوانی با من شکیبایی کردن گفت اگر بپرسم
عن شيء بعدها فلا تصاحبني قد بلغت من لدني عذرا ۝
از چیزی پس ازین مکن صحبت با من بحقیقه رسیدی از نزد من بعذر
فانطلقا حتى اذا اتيا اهل قرية استطعما اهلها فابوا
برفتند تا چون بیامدند بباشندگان دیهی خوردنی خواستند از باشندگان آن دیه بنپذیرفتند
ان يضيفوهما فوجدا فيها جدارا يريد ان ينقض فاقامه
که مهمان کنند شان بیافتند اندران دیه دیواری که خواست بیفتد بپای کرد آن
قال لو شئت لاتخذت عليه اجرا ۝ قال هذا فراق بيني
گفت اگر خواستی بگرفتی بر وی مزدی گفت این جدایست میان من

عشر

[illegible]

خمس

[illegible]

وبينك سأنبئك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرا
و میان تو زود آگاهی دهم ترا بتفسیر آنچه نتوانستی بروی شکیبائی

أما السفينة فكانت لمساكين يعملون في البحر فأرد
اما کشتی بود مر درویشانرا که کاری همی کردند اندر دریا خوا

أن أعيبها وكان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة
که عیب کنم آنرا و بود پس ایشان پادشاهی همی بگرفت هر کشتی

غصبا وأما الغلام فكان أبواه مؤمنين فخشينا
بستم و اما آن کودک بودند مادر و پدروی گرویدگان بترسیدیم

يرهقهما طغيانا وكفرا فأردنا أن يبدلهما ربهما خيرا
اندر خواهد ازیشان کردن بزرگی و کافری خواستیم که بدل دهد ایشانرا خداوندایشان

منه زكوة وأقرب رحما وأما الجدار فكان لغلامين
ازوی پاکی و نزدیکتر بمهربانی و آن دیوار بود مر دو کودکانرا

يتيمين في المدينة وكان تحته كنز لهما وكان أبو
بی پدران اندر شهر و بود زیر آن دیوار گنجی مرایشانرا و بود پدر

صالحا فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما
نیکمرد خواست خداوند تو که برسند تمامی نیروی خویش و بیرون آرند گنج خویش

رحمة من ربك وما فعلته عن أمري ذلك تأوي
بخشایش از خداوند تو و نکردم آن از فرمان خویش این است تفسیر

ما لم تسطع عليه صبرا ويسئلونك عن ذي القرنين
آنچه نتوانستی بروی شکیبا کردن و همی پرسند ترا ای محمد از ذوالقرنین

قل سأتلوا عليكم منه ذكرا إنا مكنا له في الأ
بگو زود برخوانم بر شما ازوی یاد کردنی ما جای ساختیم مر اورا اندر

عشر

از حضرت صادق علیه السلام مرویست [illegible] حق تعالی در عوض غلام دختری به پدر و مادرش داد [illegible]

از حضرت صادق علیه السلام مرویست [illegible] صالح [illegible] بسبب صلاح مرد مؤمن [illegible] فرزند [illegible] و مردم خانه [illegible] در حفظ و حمایت [illegible] الهی [illegible] کرامت [illegible] حق تعالی

[illegible]

واتيناه

حزب

يناه من كل شيء سببا فأتبع سببا حتى إذا بلغ
ویرا از هر چیزی سببی [illegible] سببی را تا چون برسید

رب الشمس وجدها تغرب في عين حمئة ووجد عندها
رفتن گاه آفتاب بیافت ورا که فرو شد اندر چشمه گرم و بیافت نزد آن

قلنا يا ذا القرنين إما أن تعذب وإما أن تتخذ
را گفتیم ای ذوالقرنین یا مر ایشانرا عذاب کنی و یا گیری

هم حسنا قال أما من ظلم فسوف نعذبه ثم يرد إلى
ایشان نیکوئی گفت اما آنکه بیداد کند زود عذاب کنیمش باز بازگردانندش سوی

ه فيعذبه عذابا نكرا وأما من آمن وعمل صالحا فله
عذاب کندش عذابی سخت و اما آنکه بگروید و بکند نیکی مر اورست

اء الحسنى وسنقول له من أمرنا يسرا ثم أتبع سببا
نیکو و هرآینه بگوییم مر اورا از کار ما آسانی باز در پی رفت سازی را

إذا بلغ مطلع الشمس وجدها تطلع على قوم لم نجعل
برسید برآمدنگاه آفتاب بیافت ازا همی برآید بر گروهی نکردیم

من دونها سترا كذلك وقد أحطنا بما لديه خبرا
را از پس آفتاب پرده همچنین و هرآینه رسیده بودیم بدانچه نزد وی بود دانستنی

أتبع سببا حتى إذا بلغ بين السدين وجد من دونهما
در پی رفت سازی را تا چون برسد میان دو کوه و بیافت از پیش آن دو کوه

ما لا يكادون يفقهون قولا قالوا يا ذا القرنين إن
نزدیک نبود که دریابند گفتاری گفتند یا ذوالقرنین

جوج ومأجوج مفسدون في الأرض فهل نجعل لك
و ماجوج تباه کاران اندر زمین خواهی تا کنیم بر ترا

[illegible] آن بزرگ [illegible] و بنا کرد دیوار [illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible] والله اعلم بالصواب

حزب

هو

خرجا على ان تجعل بيننا وبينهم سدا ۞ قال ما مكني فيه

خراجی بر آنکه بکنی میان ما و میان ایشان بندی گفت توانایی که مرا

ربي خير فاعينوني بقوة اجعل بينكم وبينهم ردما ۞ اتوني

خداوند من بهتر یاری کنید مرا به نیروی تا بکنم میان شما و میان ایشان بندی

زبر الحديد حتى اذا ساوى بين الصدفين قال انفخوا حتى

پارهای آهن تا چون برابر کرد میان دو کوه گفت بدمید

اذا جعله نارا قال اتوني افرغ عليه قطرا ۞ فما اسطاعوا

چون بکرد آن را آتشی گفت بدهید مرا مس گداخته تا بر روی فرو ریزم نتوانستند

ان يظهروه وما استطاعوا له نقبا ۞ قال هذا رحمة من ربي

که بر آیند و نتوانستند مر او را سوراخ کرد گفت این بخشایشی است از

فاذا جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي حقا

چون بیاید وعده خداوند من بکند آن را پاره پاره و هست وعده خداوند من راست

وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور

و بماندیم بهره از ایشان آن روز همی اندر شدند اندر بهره و اندر دمیده شود

فجمعناهم جمعا ۞ وعرضنا جهنم يومئذ للكافرين عرضا

گرد آوریم ایشان را گرد آوردنی و عرضه کنیم دوزخ را آن روز مر ناگرویدگان را عرضه

الذين كانت اعينهم في غطاء عن ذكري وكانوا لا

آنهایی که بود چشمهای ایشان اندر پوششی از یاد من و بودند

يستطيعون سمعا ۞ افحسب الذين كفروا ان يتخذوا

نتوانستند شنیدن پنداشتند آنهایی که کافر گشتند که بگیرند

عبادي من دوني اولياء انا اعتدنا جهنم للكافرين نزلا

بندگان مرا بجز من دوستان و یاران ما ساخته کردیم دوزخ را مر ناگرویدگان را

خمس

آتیا بنعت عطاوان تتعدی با دو مفعول است
وضمیر نکلم مفعول اول است وقطرا مفعول
ثانی تنوزعا است از باب تنازع الفعلین
والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب

عشر

ان یتخذوا قائم مقام مفعول
حسب است بتاویل افحسب الذین
کفروا عبادی اولیاء ویجوز ان مفعول
اول است ومفعول ثانی محذوف
بتاویل افحسب الذین کفروا اتخاذهم
نافعهم والله تعالی اعلم ٣

قل هل

١٩٧

قل هل ننبئكم بالاخسرين اعمالا ۞ الذين ضل سعيهم

بگو خواهید تا آگاه کنیم شما را بزیان کارترین کارها آنهایی که گم شد کوشش ایشان

في الحيوة الدنيا وهم يحسبون انهم يحسنون صنعا ۞ اولئك

اندر زندگانی این جهان و ایشان پندارند که ایشان نیکو کنند کار ایشانند

الذين كفروا بايات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا

آنهایی که کافر گشتند بحجتهای خداوند خویش و برسیدن بوی تباه و نیست گشت کارهای ایشان

نقيم لهم يوم القيمة وزنا ۞ ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا

نه برپای کنیم مر ایشان را روز رستاخیز سنجیدنی آن است پاداش ایشان دوزخ بدانچه کافر گشتند

واتخذوا اياتي ورسلي هزوا ۞ ان الذين امنوا وعملوا

و فرا گرفتند حجتهای مرا و پیغمبران مرا افسوس آنهایی که بگرویدند و بکردند

الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا ۞ خالدين فيها

نیکیها باشد مر ایشان را بوستانها بهشت جای فرود آمدن جاودان در آنجا

لا يبغون عنها حولا ۞ قل لو كان البحر مدادا لكلمات

نخواهند از آنجا گشتن بگو یا محمد اگر بودی دریا مداد مر سخنان

ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله

خداوند من سپری گشتی دریا پیش از آنکه سپری گشتی بریدی سخنان خداوند من و اگر بیاوردیمی همچنان

مددا ۞ قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله

بگو یا محمد من آنم که من مردمی ام همچون شما وحی همی آید سوی من که خداوند شما یک خداست

واحد فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا

هر که هست امیدوار رسیدن خداوند خویش بکند کاری نیک شایسته و

يشرك بعبادة ربه احدا ۞

سورة مريم مكية ثمان وتسعون اية

انباز نگیرد بپرستیدن خداوند خویش کسی را

خمس

عشر

[illegible]

از حضرت صادق علیه السلام [illegible] سوره مریم [illegible] در مال و فرزند [illegible] عیسی بن مریم [illegible] سلیمان علیه السلام [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدا یاد کرد دعای زکریا مستجاب کرد مهربانی که یحیی را بوی بخشید [illegible] معصوم کرد رحمت

کهیعص ذکر رحمت ربك عبده زکریا اذ نادی

کافیست هادیست صادق است یاد کن بخشایش خداوند تو بنده خویش زکریا را چون بخواند

ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی واشتعل

خداوند خویش را خواندن پنهان گفت ای خداوند من سست گشت استخوان من و افروخت

الراس شیبا ولم اکن بدعائك رب شقیا وانی خفت

سر من سپیدی و نبودم بخواندن تو یا خداوند بدبخت و من ترسیدم

الموالی من ورائی وکانت امراتی عاقرا فهب لی من لدنك

از خویشاوندان از پس من و هست زن من نازاینده و ببخش مرا از نزد تو

ولیا یرثنی ویرث من آل یعقوب واجعله رب رضیا

فرزندی تا میراث گیرد از من و میراث گیرد از تبار یعقوب و بکن مر او را خداوندا پسندیده

یا زکریا انا نبشرك بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل

ای زکریا ما مژده دهیم ترا به پسری نام وی یحیی نکردیم مر او را از پیش

سمیا قال رب انی یکون لی غلام وکانت امراتی عاقرا

نامی گفت یا خداوند من از کجا باشد مرا کودکی و هست زن من نازاینده

وقد بلغت من الکبر عتیا قال کذلك قال ربك

و بحقیقه رسیدم از پیری [illegible] گفت همچنین گفت خداوند تو

هو علی هین وقد خلقتك من قبل ولم تك شیئا قال رب

او بر من آسانست و بیافریدم ترا از پیش و نبودی تو چیزی گفت ای خداوند

اجعل لی آیة قال آیتك الا تکلم الناس ثلث لیال

بکن مرا نشانی گفت نشان تو آنست که سخن نگویی با مردمان سه شب

سویا

عشر

سویا فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان

درست پس بیرون آمد بر گروه خویش از محراب اشارت کرد ایشان را که

سبحوا بکرة وعشیا یا یحیی خذ الکتاب بقوة وآتیناه

تسبیح کنید بامداد و شبانگاه ای یحیی بگیر نامه را بنیرو و بدادیمش

الحکم صبیا وحنانا من لدنا وزکوة وکان تقیا وبرا

حکمت کودکی و مهربانی از نزد ما و پاکی و بود پرهیزگار و نیکوکار

بوالدیه ولم یکن جبارا عصیا وسلام علیه یوم ولد

با مادر و پدر و نبود گردنکش بیفرمان و درود بروی آن روز که زاد

ویوم یموت ویوم یبعث حیا واذکر فی الکتاب مریم

و آن روز که بمیرد و آن روز که برانگیزندش زنده و یاد کن اندر نامه قصه مریم

اذ انتبذت من اهلها مکانا شرقیا فاتخذت من دونهم

آنگاه که یکسو شد از کسان خویش بجای که آفتاب برآید بگرفت از پیش ایشان

حجابا فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرا سویا قالت

پرده پس بفرستادیم سوی وی جبرئیل را پس پیش آمد مر او را چون آدمی درست گفت مریم

انی اعوذ بالرحمن منك ان کنت تقیا قال انما انا رسول

من زنهار خواهم بخدای از تو اگر هستی تو پرهیزگار گفت منم که پیغمبر

ربك لاهب لك غلاما زکیا قالت انی یکون لی غلام

خداوند توام تا دهم مر ترا کودکی پاکیزه گفت از کجا باشد مرا کودکی

ولم یمسسنی بشر ولم اك بغیا قال کذلك قال ربك هو

و نبسود مرا آدمی و نبودم زانیه گفت همچنین گفت خداوند تو آن

علی هین ولنجعله آیة للناس ورحمة منا وکان امرا

بر من آسانست و تا بکنیم او را نشانی مر مردمان را و بخشایشی از ما و هست این کاری

خمس

عشر

خمس

از حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

حزب

[illegible]

مقضيا ۝ فحملته فانتبذت به مكانا قصيا ۝ ~~فحملته~~
رانده مقدر بلوح محفوظ پس حامله شد بعیسی پس یکسو برد وی را بجای دور
~~مكانا قصيا~~ ۝ فأجاءها المخاض الى جذع النخلة قالت
و بیاوردش درد زادن سوی درخت خرما بی کف برا[illegible]
ليتني مت قبل هذا وكنت نسيا منسيا ۝ فناديها من تحتها
کاشکی من بمردمی پیش ازین و بودمی فراموش کار و گوی چیز بی پروا او از زیر وی
الا تحزني قد جعل ربك تحتك سريا ۝ وهزي اليك بجذع
اندوه مدار که بکرد خداوند تو از زیر تو جوی روان و بجنبان سوی خویش
النخلة تساقط عليك رطبا جنيا ۝ فكلي واشربي
خرمابن تا بیفتد بر تو خرمای تر تازه بخور آب و خرما
وقري عينا فاما ترين من البشر احدا ۝ فقولي اني نذرت
روشن دار چشم اگر ببینی از آدمیان یکی را بگو من
للرحمن صوما فلن اكلم اليوم انسيا ۝ فأتت به
مر خدای را خاموشی و هرگز سخن نگویم امروز هیچ آدمی را بیاوردش
تحمله قالوا يا مريم لقد جئت شيئا فريا ۝ يا اخت هرون
برداشته گفتند ای مریم آوردی چیزی زشت ای خواهر هرون
ما كان ابوك امرأ سوء وما كانت امك بغيا ۝ فاشارت
نبود پدر تو مردی بد و نبود مادر تو زانیه و بدکار
اليه قالوا كيف نكلم من كان في المهد صبيا ۝ قال اني
سوی عیسی گفتند چگونه سخن گوییم با کسی که هست اندر گهواره کودکی گفت عیسی
عبد الله اتاني الكتاب وجعلني نبيا ۝ وجعلني مبارك
بنده خدا بداد مرا کتاب انجیل و کرد مرا پیغمبری و کرد مرا با

خمس

[illegible]

عشر

۱۹۹

[illegible]

...ما كنت واوصاني بالصلوة والزكوة ما دمت حيا ۝
جا باشم و بفرمود مرا بنماز کردن و زکوة دادن تا باشم زنده
برا بوالدتي ولم يجعلني جبارا شقيا ۝ والسلام على
و نیکوکار با مادر خویش و نکرد مرا گردن کشی بدبخت و درود باد بر من
يوم ولدت ويوم اموت ويوم ابعث حيا ۝ ذلك عيسى
آن روز که بزادم و آن روز که بمیرم و آن روز که برانگیزندم زنده آن عیسی بود
ابن مريم قول الحق الذي فيه يمترون ۝ ما كان لله ان
پسر مریم گفتار راست اندر وی بگمان شدند نشاید بود مر خدای را که
يتخذ من ولد سبحانه اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون ۝
گیرد هیچ فرزندی پاک است چون بگذارد کاری ورا بگوید مر اورا که باش بباشد
وان الله ربي وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم ۝
و بدرستی که خداوند من و خداوند شما پرستید وی را که اینست راه راست
فاختلف الاحزاب من بينهم فويل للذين كفروا من
اختلاف کردند گروهان از میان ایشان وای مر آنکه کافر شدند از
مشهد يوم عظيم ۝ اسمع بهم وابصر يوم يأتوننا لكن
آن روز بزرگ نیک شنوا باشند و نیک بین آن روز که بیایند لیکن
الظالمون اليوم في ضلال مبين ۝ وانذرهم يوم الحسرة
ستمکاران امروز اندر گمراهی اند پیدا و بیم کن ایشان را از روز پشیمانی
اذ قضى الامر وهم في غفلة وهم لا يؤمنون ۝ انا نحن نرث
چون گذارده شود کار و ایشان اندر بی آگاهی اند و ایشان نگروند ما آییم که میراث گیریم
الارض ومن عليها والينا يرجعون ۝ واذكر في الكتاب
زمین را و آن که بر وی اند و سوی ما باز گردانندشان و یاد کن اندر این نامه

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

اینما کنت

ابراهيم انه كان صديقا نبيا • اذ قال لابيه يا ابت
قصه ابراهیم همه وی بود راست کوی پیغمبران چون گفت مر پدر خویش را ای پدر
لم تعبد ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغنى عنك شيئا •
چرا همی پرستی آنرا که نشنود ونه بیند وباز ندارد از تو چیزی
يا ابت انى قد جاءنى من العلم ما لم ياتك فاتبعنى اهدك
ای پدر من همانا که بیامد بمن از دانش آنچه نیامد بتو پس پیروی کن مرا تا راه نمایم ترا
صراطا سويا • يا ابت لا تعبد الشيطان ان الشيطان كان للرحمن
براهی راست ای پدر من مپرست دیو را که دیو هست مر خدای را
عصيا • يا ابت انى اخاف ان يمسك عذاب من الرحمن
نافرمان ای پدر من همی ترسم که برسد بتو عذاب از خدای
فتكون للشيطان وليا • قال اراغب انت عن الهتى يا
پس باشی مر دیو را یار گفت ناخواهانی تو مر آن بتان را
ابراهيم لئن لم تنته لارجمنك واهجرنى مليا • قال
ای ابراهیم اگر باز نایستی سنگسار کنم ودور گرد از من تا زمانی گفت
سلام عليك ساستغفر لك ربى انه كان بى حفيا
درود باد بر تو زود آمرزش خواهم مر ترا از خداوند من که وی هست بمن مهربان
واعتزلكم وما تدعون من دون الله وادعوا ربى عسى
وجدا شوم از شما وآنچه همی خوانید بجز خدا وبخوانم خداوند خویش را
الا اكون بدعاء ربى شقيا • فلما اعتزلهم وما يعبدون
که نباشم بخواندن خداوند خویش بدبخت چون جدا گشت از ایشان وآنچه همی پرستند
من دون الله وهبنا له اسحق ويعقوب وكلا جعلنا نبيا
بجز خدای ببخشیدیم او را اسحق ویعقوب وهر یکی را کردیم پیغمبر

ووهبنا

خمس

ووهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق عليا
وببخشیدیم مر ایشان را از بخشایش ما وکردیم مر ایشان را زبان راست وبلند
واذكر فى الكتاب موسى انه كان مخلصا وكان رسولا
ویاد کن اندرین نامه موسی را که وی بود یکتا بعبادت وبود پیغمبر
نبيا • وناديناه من جانب الطور الايمن وقربناه نجيا
وخوانیدیمش از کناره کوه طور دست راست ونزدیک کردیمش براز
ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبيا • واذكر فى الكتاب
وبخشیدیم مر او را از بخشایش ما برادر وی هرون را پیغمبر ویاد کن اندرین نامه
اسمعيل انه كان صادق الوعد وكان رسولا نبيا • و
اسمعیل را که وی بود راست وعده وبود برکشیده و
كان يامر اهله بالصلوة والزكوة وكان عند ربه مرضيا
بود که همی فرمود کسان خویش را بنماز وزکوة وبود نزد خداوند خویش پسندیده
واذكر فى الكتاب ادريس انه كان صديقا نبيا • ورفعناه
ویاد کن اندرین نامه قصه ادریس که وی بود راست کوی پیغمبر وبرآوردیمش
مكانا عليا • اولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين
بجایگاهی بلند ایشانند آنچنانکه نیکویی کرد خدا بر ایشان از پیغمبران
من ذرية ادم وممن حملنا مع نوح ومن ذرية ابراهيم
از فرزندان آدم وازآنکه برداشتیم با نوح در کشتی واز فرزندان ابراهیم
واسرائيل وممن هدينا واجتبينا اذا تتلى عليهم ايات الرحمن
ویعقوب وازانکه راه نمودیم وبرگزیدیم چون خوانده شدی بر ایشان آیتهای خداوند
خروا سجدا وبكيا • فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة
بیفتادندی سجده کنان وگریندگان اندر رسید از پس ایشان فرزندان که ضایع کردند نمازرا

عشر

خمس

[illegible]

از حضرت ابو جعفر علیه السلام ادریس را ... بر آسمان بردند و قبض روح آنحضرت در میان آسمان چهارم و پنجم واقع شد
از حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین ع مرویست که این آیه در شان ما نازل شده یعنی ما معصومیم از ذریه ابراهیم ع وظاهر آنست که ذریه اسرائیل اشاره به پیغمبران بنی اسرائیل باشند والله تعالی یعلم

[illegible]

واتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا ۝ الا من تاب وامن

و بدم رفتند آرزوها را زود باشد که برسند بهلاک مگر آنکس که توبه کرد

وعمل صالحا فاولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون شيئا

و بکند نیکی ایشانند که اندر آرندشان بهشت و نکاهندشان چیزی

جنات عدن التي وعد الرحمن عباده بالغيب انه كان

بوستانها و درنگی آنکه وعده خداوند بندگان خویش را بناپیدا که وی

وعده ماتيا ۝ لا يسمعون فيها لغوا الا سلاما ولهم رزقهم

وعده وی آمدنی نشنوند اندر آنجا یعنی بهشت سخن بیهوده مگر سلام کردن و مر ایشان راست روزی

فيها بكرة وعشيا ۝ تلك الجنة التي نورث من عبادنا

اندر آنجا بامداد و شبانگاه آن بهشت است آنکه میراث دهیم بندگان ما

من كان تقيا ۝ وما نتنزل الا بامر ربك له ما بين ايدينا

کسی که هست پرهیزکار و فرو نیاییم ما فرشتگان مگر بفرمان خداوند تو مراوراست آنچه فرا

وما خلفنا وما بين ذلك وما كان ربك نسيا ۝ رب

وآنچه فراپس ماست وآنچه میان این دو ونیست خداوند تو فراموش کار خداوند

السموات والارض وما بينهما فاعبده واصطبر لعبادته

آسمانها و زمین وآنچه میان این دوست بپرست ورا و شکیبا باش مر پرستیدن

هل تعلم له سميا ۝ ويقول الانسان ءاذا ما مت لسوف

هیچ دانی مراورا همنام و گویند مردم ای چون بمیرم زود

اخرج حيا ۝ اولا يذكر الانسان انا خلقناه من قبل

که بیرون آرند زنده یا یاد نکنند مردم که ما بیافریدیم از پیش

ولم يك شيئا ۝ فوربك لنحشرنهم والشياطين ثم لنحضرنهم

و نبود چیزی پس خداوند تو که گرد آریم ایشان را و دیوان را باز

عشر

خمس

یا مفعول یعنی فاعل است والله اعلم بالصواب

[illegible]

حول

حول جهنم جثيا ۝ ثم لننزعن من كل شيعة ايهم

گرد دوزخ بزانو افتادگان باز جدا کنیم از هر گروهی هر کدام از ایشان

اشد على الرحمن عتيا ۝ ثم لنحن اعلم بالذين هم اولى بها

سخت تر بر خدای بخشاینده بنافرمان بازها و داناتریم بدانکه ایشان سزاوارترند

صليا ۝ وان منكم الا واردها كان على ربك حتما

بسوختن ونیست از شما مگر اندر آینده دوزخ هست بر خداوند تو واجب

مقضيا ۝ ثم ننجي الذين اتقوا ونذر الظالمين فيها جثيا

کرده باز برهانیم آنانکه بپرهیزیدند از کفر و بگذاریم بیدادگران را اندر آنجا بزانو درافتاده

واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين كفروا للذين

بخوانده شد بر ایشان نشانهای ما پیدا گفت آنانکه کافر شدند مر آنکسانرا

امنوا اي الفريقين خير مقاما واحسن نديا ۝ وكم

کدام آن دو گروه بهتر است بجایگاه و نیکوترند بمجلس و چند

اهلكنا قبلهم من قرن هم احسن اثاثا ورئيا ۝ قل من كان

کردیم پیش از ایشان از گروهان ایشان نیکوترند بمتاع خانه و فرزندان بگو هر که باشد

في الضلالة فليمدد له الرحمن مدا حتى اذا راوا ما

گمراهی پس مهلت دهد ورا خدای بخشاینده مهلت دادنی تا چون ببینند آنچه

يوعدون اما العذاب واما الساعة فسيعلمون من هو

وعده کنندشان یا عذاب و یا رستخیز که بدانند بتر وی

شر مكانا واضعف جندا ۝ ويزيد الله الذين اهتدوا

بجایگاه و سست تر بسپاه و بیفزاید خدای آنکه براه آمدند

هدى والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا

راه نمایی و کارهای نیک بهتر نزد خداوند تو پاداش

عشر

خمس

ایهم مشهور است
تا بر قول [illegible] ثابت [illegible] و ارتفاع است وارن
میان [illegible] است وانه خبر او است تاویل
[illegible] برای لننزعن [illegible] تعالی فیهم
جمله مفعول [illegible] شیعة الذین [illegible]
لننزعن من کل شیعة کلمة استفهام
ایهم اشد عتیا و ایهم مفعول است لننزعن و در
و یقول لهم [illegible] ایهم [illegible] تضمن نفع
ایهم محل نصب [illegible] و مفعول ان [illegible]
تمیز که لازم علم [illegible] کل شیعة [illegible]
[illegible] است و من کل شیعة مفعول
من یا تاویل بعضی کل شیعة [illegible]
لننزعن است و بنا بر مذهب [illegible]
ایهم اصل موصول مضاف بضمیر است
وان مبنی است بر ضم است و در
موصولات و اعراب [illegible] لننزعن
محل نصب است بمفعولیت [illegible]
و اشد خبر مبتدای محذوف است
و جمله صله موصول است
چو آنکه وان [illegible]
والله اعلم بالصواب

وخير مردا ۝ افرايت الذي كفر باياتنا وقال لاوتين
وبهتر بازگشتن ۝ چه بینی آنکسی را که کافر شد بآیتهای ما وگفت بدهند مرا
مالا وولدا ۝ اطلع الغيب ام اتخذ عند الرحمن عهدا
خواسته وفرزند ۝ باید دانست که ایچ ناپیدا یا بگرفت نزد خدا
كلا سنكتب ما يقول ونمد له من العذاب مدا ۝ ونر
حقا که زود بود که بنویسیم آنچه همی گوید وزیادت کنیم اینرا از عذاب زیاده کردنی وبرا
ما يقول ويأتينا فردا ۝ واتخذوا من دون الله الهة
آنچه میگوید وبیاید بما تنها ۝ وبگرفتند بجز خدا خدا
ليكونوا لهم عزا ۝ كلا سيكفرون بعبادتهم ويكونو
تا باشید مرایشانرا عزت ۝ حقا که زود بود که کافر شوند بپرستیدن ایشان وباشن
عليهم ضدا ۝ الم تر انا ارسلنا الشياطين على الكا
برایشان خلاف ۝ ای نه دیدی محمد که ما بفرستادیم دیوان را بر کاف
تؤزهم ازا ۝ فلا تعجل عليهم انما نعد لهم عدا ۝ يوم نحـ
همی جنبانند ایشانرا جنبانیدنی ۝ پس شتاب مکن برایشان که ما همی شماریم مرایشانرا شمردنی ۝ روزی
المتقين الى الرحمن وفدا ۝ ونسوق المجرمين الى جهنم و
پرهیزکاران را سوی خدا بنواخته سواران ۝ وبرانیم گنهکارانرا سوی دوزخ
لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن ع
پادشاهی ندارند خواهش کردن را مگر آنکس که بگرفته اند نزد خدا
وقالوا اتخذ الرحمن ولدا ۝ لقد جئتم شيئا ادا ۝ تكاد ال
وگفتند بگرفت خدا فرزندی ۝ آوردید شما چیزی بزرگ ۝ خواست
يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ۝ ان د
که بشکافندی ازوی وبدریدی زمین وبیفتادی کوهها شکسته ۝ که

عشر

خمس

عشر

للرحمن

[illegible]

رحمن ولدا ۝ وما ينبغي للرحمن ان يتخذ ولدا ۝ ان كل من
خدایرا فرزندی ۝ ونسزد ونشاید مر خدایرا که بگیرد فرزندی ۝ نیست همه آنکه
السموات والارض الا اتي الرحمن عبدا ۝ لقد احصيهم
در آسمانها اند وزمین مگر بیایند خدایرا بنده ۝ دانسته است شمار ایشان
عدهم عدا ۝ وكلهم اتيه يوم القيمة فردا ۝ ان الذين
وشمرده است ایشانرا شمردنی ۝ وهمه ایشان بیایند روز قیامت تنها ۝ آنکه
منوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا ۝ فانما
ایمان آوردند وکردند نیکیها زود کند مرایشانرا خدا دوستی از دل ۝ بدرستی
ناه بلسانك لتبشر به المتقين وتنذر به قوما لدا
آسان کردیم اورا بزبان تو تا مژده دهی بآن پرهیزکارانرا وبیم کنی بدان گروهی خصومت کنان
كم اهلكنا قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع
چند هلاک کردیم پیش از ایشان از گروهی هیچ می یابی از ایشان از یکی یا بشنوی

سورة طه مكية مائة وخمس وثلثون آية

لهم ركزا ۝
آواز آهسته

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای [illegible] جهان مهربان روزی دهنده زندگان بخشاینده مردگان

ه ما انزلنا عليك القران لتشقى ۝ الا تذكرة لمن
آنچه فرو فرستادیم بر تو قرآن تا رنج یابی ۝ مگر پندی مرآنکس را
يخشى ۝ تنزيلا ممن خلق الارض والسموات العلى ۝ الرحمن
که ترسد ۝ فرو فرستادنی از آنکسی که بیافرید زمین وآسمانها برترین ۝ بخشاینده
على العرش استوى ۝ له ما في السموات وما في الارض وما
بر عرش مستولی وفرمان روا ورست ۝ اوراست آنچه اندر آسمانهاست وآنچه اندر زمین است وآنچه

خمس

نصف

از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم روایت
کرده اند که [illegible] تلاوت سوره طه و یس
که حق تعالی [illegible]
دوست دارد [illegible] این سوره را
[illegible]

بينهما وما تحت الثرى ۝ وان تجهر بالقول فانه يعلم

میان آن دوست و آنچه زیر هفتم زمین است و اگر آواز برداری بگفتار وی بداند

السر واخفى ۝ الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى ۝

راز نهان را و از راز نهانتر خدایست که نیست خدا مگر او مر او راست نامها و

هل اتيك حديث موسى ۝ اذ رأى نارا فقال لاهله

به جز او آمد بتو قصهٔ موسی چون بدید آتش گفت مرکسان خویش را

امكثوا اني آنست نارا لعلي آتيكم منها بقبس او اجد

درنگ کنید که من دیدم آتشی مگر من بیارم از آن آتش پاره افروخته یابم

على النار هدى ۝ فلما اتيها نودي يا موسى ۝ اني انا

بر آتش راهی چون بیامد بآتش بخواندندش که ای موسی منم که من

ربك فاخلع نعليك انك بالواد المقدس طوى ۝

خداوند توام بیرون کن نعلین خویش که تو بجایگاهی پاکی نام آن وادی [illegible]

وانا اخترتك فاستمع لما يوحى ۝ انني انا الله لا اله الا

و من بگزیدم ترا گوش دار بر آنچه وحی کرده شود بتو که منم که من خدایم نیست خدا

انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري ۝ ان الساعة آتية

من بپرست مرا و بپا دار نماز را مر یاد کردن مرا که رستخیز آمدنیست

اكاد اخفيها لتجزى كل نفس بما تسعى ۝ فلا يصدنك

که خواستم که پنهان دارم تا پاداش دهند مر تنی را بدانچه کند بازندارد [illegible]

عنها من لا يؤمن بها واتبع هويه فتردى ۝ وما تلك

از آن آنکه نگرویدند بوی و بدم رود مر کام خود را که هلاک شود و چیست

بيمينك يا موسى ۝ قال هي عصاي اتوكؤا عليها واهش

بدست تو ای موسی گفت این عصای من است تکیه میکنم بروی [illegible]

عشر

[illegible]

خمس

بها

بها على غنمي ولي فيها مآرب اخرى ۝ قال القها يا موسى

[illegible] بر گوسفندان خویش و مرا بدین عصا حاجتهای دیگر است گفت بیفکن عصای ای موسی

فالقيها فاذا هي حية تسعى ۝ قال خذها ولا تخف سنعيدها

[illegible] بیفکندش همانگاه آن ماری گشت همی دوید گفت بگیرش و مترس تا باز گردانیمش

سيرتها الاولى ۝ واضمم يدك الى جناحك تخرج بيضاء

[illegible] بود سخت بار و باهم آر دست خویش سوی بغل خویش تا بیرون آید سپید

من غير سوء آية اخرى ۝ لنريك من آياتنا الكبرى ۝ اذهب

[illegible] جز بدی نشان دیگر بنمایم ترا از نشانها بزرگترین برو

الى فرعون انه طغى ۝ قال رب اشرح لي صدري ۝ ويسر لي امري

[illegible] فرعون که وی فرمان برنداشت گفت موسی خداوندا بگشای مرا دل من و آسان کن مرا کار من

واحلل عقدة من لساني ۝ يفقهوا قولي ۝ واجعل لي وزيرا

[illegible] از زبان من تا بدانند گفتار من و بکن مرا یاری گری

من اهلي ۝ هرون اخي ۝ اشدد به ازري ۝ واشركه في امري

[illegible] من هرون برادر من و سخت کن بوی پشت من و انباز گردان ورا در کار من

كي نسبحك كثيرا ۝ ونذكرك كثيرا ۝ انك كنت بنا بصيرا

[illegible] تسبیح کنم ترا بسیاری و یاد کنیم ترا بسیاری که تو هستی بکردار ما بینا

قال قد اوتيت سؤلك يا موسى ۝ ولقد مننا عليك مرة

[illegible] بحقیقه داده ترا خواست تو ای موسی و منت نهادیم بر تو یکبار

اخرى ۝ اذ اوحينا الى امك ما يوحى ۝ ان اقذفيه في

[illegible] چون در دل افکندیم بالهام مادر ترا آنچه الهام کرده شد که اندر افکن ویرا اندر

التابوت فاقذفيه في اليم فليلقه اليم بالساحل ياخذه

[illegible] و انداز افکنش بدریا تا بیفکندش دریا بکناره تا بگیرد ش

عشر

[illegible]

خمس

عشر

خمس

عشر

[illegible]

عدو لی وعدو له والقیت علیک محبة منی ولتصـ

و دشمنی که مراست و دشمنی که اوراست و برافکندم بر تو دوستی من و تا بپر

علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من یکـ

بر نگاهداشت چون میرفت خواهر تو همی گفت هیچ نمایم شما را [illegible]

فرجعناک الی امک کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت

باز گردانیدیم ترا سوی مادر تو تا روشن گردد چشم وی و اندوه مخورد و بکشتی

فنجیناک من الغم وفتناک فتونا فلبثت سنین فی اهـ

برهانیدیمت از اندوه و آزموده کردانیدیت آزمودنی و درنگ کردی سالها اندر

مدین ثم جئت علی قدر یا موسی واصطنعتک لنفـ

مدین باز بیامدی بر اندازه ای موسی و بگزیدمت

انت واخوک بایاتی ولا تنیا فی ذکری اذهبا الی

تو و برادر تو با نشانهای من و سستی مکنید اندر یاد کردن من بروید سوی

انه طغی فقولا له قولا لینا لعله یتذکر او یخشی

که وی گردن برداشت بگویید مر او را گفتاری نرم تا مگر پند گیرد یا بترسد

ربنا اننا نخاف ان یفرط علینا او ان یطغی قال لا

ای خداوند ما بترسیم که بد زبانی کند بر ما یا از حد اندر گذرد گفت مترسید

اننی معکما اسمع واری فاتیاه فقولا انا رسولا

که من با شما ام همی شنوم و همی بینم بروید سوی وی و بگویید ما فرستادگان خد

فارسل معنا بنی اسرائیل ولا تعذبهم قد جئناک بایة

بفرست با ما پسران یعقوب را و عذاب مکن ایشان را آوردیم بتو نشان

ربک والسلام علی من اتبع الهدی انا قد اوحی الـ

خداوند تو و درود بر کسی که برود براه راست که ما ایم که وحی فرستا

العذاب علی من کذب وتولی قال فمن ربکما یا موسی

عذاب دنیا و آخرت بر کسی که تکذیب کند و پشت برگرداند گفت فرعون پس کیست پروردگار شما ای موسی

ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی قال فما بال

پروردگار ما آنکس است که داده است هر چیز را آفریده صورت و شکل او پس راه نمود او را گفت فرعون پس چیست

القرون الاولی قال علمها عند ربی فی کتاب لا یضل

نخستین گفت موسی علم آن گروه نزدیک آفریدگار منست در لوح محفوظ خطا نکند

ولا ینسی الذی جعل لکم الارض مهدا وسلک لکم

کار من و فراموش نکند آنست که گردانید برای شما زمین را فرشی گسترده و روان کرد از برای شما

سبلا وانزل من السماء ماء فاخرجنا به ازواجا من

و فرو فرستاد از آسمان آبی که باران است پس بر آوردیم بسبب آن آب اصناف از

شتی کلوا وارعوا انعامکم ان فی ذلک لایات

پراکنده بخورید و بچرانید چارپایان خود را بدرستی که در آنچه مذکور شد هر آینه

النهی منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم

از زمین آفریدیم شما را و در زمین باز بریم شما را و از زمین بیرون آریم شما را

اخری ولقد اریناه ایاتنا کلها فکذب وابی قال

و بدرستی که ما بنمودیم فرعون را همه معجزهای ما پس بدروغ نسبت داد و سر باز زد

لتخرجنا من ارضنا بسحرک یا موسی فلناتینک

تا بیرون کنیم ما از زمین ما که مصر است بجادوی خود ای موسی پس هر آینه بیاریم

مثله فاجعل بیننا وبینک موعدا لا نخلفه

مانند جادوی تو پس مقرر کن میان ما و میان خود وعده بجهة معارضه خلاف نکنیم او را

ولا انت مکانا سوی قال موعدکم یوم الزینة

نه تو در جایی که میانه ما و شما برابر باشد گفت موسی زمان وعده شما روز آرایش قبطیان

عشر

[illegible]

عشر

کوینه که خطاب شد بموسی علیه السلام که بمصر رو و وحی آمد در مصر بهرون که باستقبال موسی علیه السلام [illegible]

خمس

وان يحشر الناس ضحى فتولى فرعون فجمع كيده ثم اتى

وانکه جمع کرده شوند مردمان در چاشتگاه پس برگشت فرعون پس جمع کرد سحر و آلات آن را پس آمد

قال لهم موسى ويلكم لا تفتروا على الله كذبا فيسحتكم

گفت موسی مر جادویان را وای بر شما افترا مکنید بر خدا دروغ را از بیخ برکند

بعذاب وقد خاب من افترى فتنازعوا امرهم بينهم و

بعذابی که نازل گرداند و بدرستی که بی بهره ماند هر که افترا کرد بر خدا پس نزاع کردند در کار خود میان یکدیگر

اسروا النجوى قالوا ان هذان لساحران يريدان ان

پنهان داشتند راست گفتن گفتند بدرستی که این هر دو جادویانند که میخواهند آنکه

يخرجاكم من ارضكم بسحرهما ويذهبا

بیرون کنند شما را از زمین شما بجادوی خود و ببرند

بطريقتكم المثلى فاجمعوا كيدكم ثم ائتوا صفا

مذهب شما را که افضل مذهب است پس چون حال چنین است جمع کنید ادوات کید خود را

وقد افلح اليوم من استعلى قالوا يا موسى اما ان تلقي

و بدرستی که فیروز یافت امروز هر که برتر آمد گفتند ای موسی یا تو افکنی عصای خود

واما ان نكون اول من القى قال بل القوا فاذا حبالهم وعصيهم

و یا آنکه ما باشیم نخست کسی که بیفکند گفت بلکه شما بیفکنید پس نموده رسنهای ایشان و عصاها

اليه من سحرهم انها تسعى فاوجس في نفسه خيفة موسى قلنا لا تخف

نمودند بموسی از جادوی ایشان بدرستی که آن میشتابد پس یافت در دل خود ترسی موسی گفتیم مترس

انك انت الاعلى والق ما في يمينك تلقف ما صنعوا انما صنعوا كيد

بدرستی که تو برتری و بیفکن آنچه در دست راست تست تا فرو برد آنچه ساخته اند بدرستی که آنچه ساخته اند

ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى فالقي السحرة سجدا قالوا

فریب جادوست و رستگار نشود جادوگر هر جا باشد پس انداخته شد ساحران در حالتی که گفتند

[illegible]

عشر

امنا برب هرون وموسى قال امنتم له قبل ان اذن

ایمان آوردیم بخدای هرون و موسی گفت فرعون استوار داشتید مر او را پیش از آنکه دستوری دهم

لكم انه لكبيركم الذي علمكم السحر فلاقطعن

شما را که وی است بزرگ شما آنکه بیاموزانید شما را جادوی پس ببرم

ايديكم وارجلكم من خلاف ولاصلبنكم في جذوع

دستهای شما و پایهای شما را بخلاف یکدیگر و بدار کشم شما را بر چوبهای

النخل ولتعلمن اينا اشد عذابا وابقى قالوا لن نؤثرك

درخت خرما و تا بدانید که کدام ما سخت تر عذاب و پایدار تر گفتند هرگز نگزینیم

على ما جاءنا من البينات والذي فطرنا فاقض ما انت

ترا بر آنچه بیامد بما از حجتها و آنکه بیافرید ما را پس بکن آنچه تو

قاض انما تقضي هذه الحيوة الدنيا انا امنا بربنا ليغفر

کننده ای جز این نیست که حکم میکنی اندرین زندگانی این جهان ما گرویدیم بخدای خود تا بیامرزد

لنا خطايانا وما اكرهتنا عليه من السحر والله خير

ما را گناهان ما و آنچه بناکام بیاوردیم بروی از جادوی و خدا بهتر

وابقى انه من يات ربه مجرما فان له جهنم لا يموت

و پایدار تر که هر که بیاید بخدای خویش گناهکار مر او راست دوزخ نه بمیرد

فيها ولا يحيى ومن ياته مؤمنا قد عمل الصالحات

در آنجا و نه زنده شود و هر که بیاید بوی گرویده که کرده باشد نیکیها

فاولئك لهم الدرجات العلى جنات عدن تجري

پس آن گروه که ایشان باشد پایگاههای برترین بستانها درنگ همی رود

من تحتها الانهار خالدين فيها وذلك جزاء من تزكى

زیر آن جویهای روان جاودان اندر آنجا و این است پاداش آنکه پاک باشد

حزب

ولقد اوحينا الى موسى ان اسر بعبادي فاضرب لهم
و وحی فرستادیم سوی موسی که ببر بندگان مرا بید کن ایشان
طريقا في البحر يبسا لا تخاف دركا ولا تخشى فاتبعهم
راهی اندر دریا خشک نترسی از اندر یافتن و نه از غرق شدن و بر
فرعون بجنوده فغشيهم من اليم ما غشيهم واضل فرعون
فرعون با سپاه خویش بپوشیدشان از دریا بزرگ آنچه بپوشیدشان و گمراه کرد فرعون
قومه وما هدى يا بني اسرائيل قد انجيناكم من عد
گروه خویش را و ننمود راه ای پسران یعقوب رهانیدیمتان از دشمن
وواعدناكم جانب الطور الايمن ونزلنا عليكم المن
و وعده کردیمتان بکناره کوه از دست راست و فرو فرستادیم برشما ترنگبین
والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم ولا تطغوا فيه عشر
و سمانه یعنی مرغ سمن بخورید از پاکیزه آنچه روزی دادیم شما را و از حد در
فيحل عليكم غضبي ومن يحلل عليه غضبي فقد
که فرود آید برشما غضب من و هر که فرود آید بروی غضب من
هوى واني لغفار لمن تاب وامن وعمل صالحا ثم اهتدى
نگون رفت و بدرستی که آمرزنده‌ام آنرا که توبه کند و بگرود و بکند نیکی باز
وما اعجلك عن قومك يا موسى قال هم اولاء على
و آنچه شتابانیدت از گروه تو ای موسی گفت ایشان اینان از
اثري وعجلت اليك رب لترضى قال فانا قد فتنا
پی من و من شتاب کردم سوی تو یا خداوند من تا خشنود شوی گفت ما آزموده کردیم
قومك من بعدك واضلهم السامري فرجع موسى خمس
گروه ترا از پس تو و گمراه کرد ایشانرا سامری بازگشت موسی

الى قومه

٢٠٦

الى قومه غضبان اسفا قال يا قوم الم يعدكم ربكم
سوی گروه خویش خشم آلود اندوهگین گفت ای گروه من نه وعده کرد شما را خداوند شما
وعدا حسنا افطال عليكم العهد ام اردتم ان يحل
وعده نیکو یا دراز گشت برشما پیمان یا خواستید که فرود آید
خمس عليكم غضب من ربكم فاخلفتم موعدي قالوا ما
برشما خشمی از خداوند شما خلاف کردید وعده مرا گفتند
اخلفنا موعدك بملكنا ولكنا حملنا اوزارا من زينة
خلاف نکردیم وعده ترا بپادشاهی ما ولیکن ما برداشتیم بارها از پیرایه
القوم فقذفناها فكذلك القى السامري فاخرج لهم
آن گروه بیفگندیم آنرا همچنانکه بیفگند سامری بیرون آورد مر ایشانرا
عجلا جسدا له خوار فقالوا هذا الهكم واله موسى
گوساله تنی مر او را بود بانگی گفتند این خدای شماست و خدای موسی
فنسي افلا يرون الا يرجع اليهم قولا ولا يملك لهم
فراموش کرد آیا همی نبینند که باز نگردد سوی ایشان گفتاری و نه پادشاهی دارد مر ایشانرا
ضرا ولا نفعا ولقد قال لهم هرون من قبل يا قوم
زیانی و نه سودی و گفت مر ایشانرا هرون از پیش ای گروه
انما فتنتم به وان ربكم الرحمن فاتبعوني واطيعوا
جز این نیست که آزموده گشتید بوی و خداوند شما بخشاینده است پس من بیایید و فرمانبردار باشید
عشر امري قالوا لن نبرح عليه عاكفين حتى يرجع الينا
فرمان مرا گفتند هرگز باشیم در عبادت معتکف شوندگان تا بازآید سوی ما
موسى قال يا هرون ما منعك اذ رايتهم ضلوا الا تتبعن
موسی گفت ای هرون چه بازداشت ترا چون بدیدی ایشانرا گمراه گشته از پیم نیامدی

لا در الا تتبعن زايده است
چنانکه در کریمه الا تسجد
از اعراف
گذشت و
العلم عند
[illegible]

[illegible]

أفعصيت أمري ۝ قال يبنؤم لا تأخذ بلحيتي ولا برأسي
بفرمان گشتی فرمان مرا گفت ای پسر مادر من مگیر محاسن من و نه موی سر
إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل ولم ترقب
من بترسیدم که تو گویی افگندی جدائی میان پسران یعقوب و نگه نداشتی
قولي ۝ قال فما خطبك يسامري ۝ قال بصرت بما لم
گفتار من گفت چه کاری بزرگ آوردی ای سامری گفت بدیدم بدانچه
يبصروا به فقبضت قبضة من أثر الرسول فنبذتها
ندیدند ایشان بدان برگرفتم یک مشت خاک از پای اسپ جبرئیل بیفگندمش
وكذلك سولت لي نفسي ۝ قال فاذهب فإن لك في الحياة
و همچنین بیاراست مرا تن من گفت برو که مر تراست اندر زندگانی
أن تقول لا مساس وإن لك موعدا لن تخلفه وانظر
که گویی بسودن نیست ترا پس و مر ترا وعده گاهی است که خلاف کنند او را و بنگر
إلى إلهك الذي ظلت عليه عاكفا لنحرقنه ثم لننسفنه في
سوی خداوند خویش آنکه بودی بپرستش او ایستاده تا بسوزیمش باز بباد دهیمش اندر
اليم نسفا ۝ إنما إلهكم الله الذي لا إله إلا هو وسع
دریا بباد دادنی که خدای شما خدایست آنکه نیست خدا مگر وی فراخ
كل شيء علما ۝ كذلك نقص عليك من أنباء ما قد
هر چیزی دانش او را همچنین همی پیدا کنیم بر تو از خبرها آنچه
سبق وقد آتيناك من لدنا ذكرا ۝ من أعرض عنه فإنه
بیش رفت و بدادیم ترا از نزد ما یادگاری یعنی قرآن هر که روی بگرداند از وی
يحمل يوم القيامة وزرا ۝ خالدين فيه وساء لهم يوم
برگیرد روز رستخیز باری یعنی گناه را جاودان اندر آنجا بد باشد مر ایشان را

حف

عشر

[illegible]

[illegible]

القيمة

[illegible]

القيمة حملا ۝ يوم ينفخ في الصور ونحشر المجرمين يومئذ
قیامت باری ایشان را روزی که دمیده در صور و حشر کنیم گناهکاران را آن روز
زرقا ۝ يتخافتون بينهم إن لبثتم إلا عشرا ۝ نحن أعلم بما يقولون
کبود چشمان پنهان و آهسته میگویند با یکدیگر درنگ نکردید در گورها مگر ده شبان روز ما که خداوندیم داناتریم بآنچه
إذ يقول أمثلهم طريقة إن لبثتم إلا يوما ۝ ويسئلونك عن
ایشان میگویند چون گوید تمامترین ایشان درنگ نکردید مگر روزی و می پرسند ترا از
الجبال فقل ينسفها ربي نسفا ۝ فيذرها قاعا صفصفا ۝
کوهها پس بگو پراکنده سازد آنرا آفریدگار من پراکنده ساختنی پس بگذارد زمین را خالی هموار
لا ترى فيها عوجا ولا أمتا ۝ يومئذ يتبعون الداعي لا
نبینی در آن پستی و مغاره و نه بلندی و پشته در آن روز پیروی کنند همه مردمان هیچ
عوج له وخشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع إلا همسا
میل و کژی نیست او را و پست شود آوازها برای سخن گفتن خدای نشنوی تو در آن روز مگر آوازی نرم
يومئذ لا تنفع الشفاعة إلا من أذن له الرحمن ورضي له
آن روز سود ندارد درخواست کسی مگر آنرا که دستوری دهد مر شفاعت او را خدای و بپسندد برای
قولا ۝ يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون به
سخن شفیع را میداند خدا آنچه از پیش ایشان است و آنچه از پس ایشان است و احاطه نمی توانند کرد بدان
علما ۝ وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما ۝
از جهت دانش و خوار و فروتن شوند رویها خدای زنده پاینده و بدرستی که بی بهره ماند هر که برداشت ظلم را
ومن يعمل من الصلحت وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا
و هر که کند بعضی از کارهای ستوده و حال آنکه او مومن باشد پس نترسد در آن روز از ستم و بیدادی
هضما ۝ وكذلك أنزلناه قرآنا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد
و از کم گشت و همچنین فرو فرستادیم کتاب را قرآن بلغت تازی و مکرر گردانیدیم در وی از آیات

خمس

عشر

[illegible]

[illegible]

هو

لعلهم یتقون او یحدث لهم ذکرا فتعالی الله الملک الحق

شاید که مشرکان بپرهیزند یا تجدید کند قران ایشانرا پندی پس برترست خدای پادشاه

ولا تعجل بالقران من قبل ان یقضی الیک وحیه وقل رب

و شتاب منما بقرات قران پیش از آنکه ادا کرده شود بتو وحی آن و بگو ای

زدنی علما ولقد عهدنا الی ادم من قبل فنسی ولم نجد له

بیفزای مرا دانش و بدرستی که وحی فرستادیم ما بسوی آدم پس از زمان پیش فراموش کرد

عزما واذ قلنا للملئکة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس

عزیمتی بر گناه و یاد کن او را که گفتیم ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس همه سجده کردند مگر ابلیس

ابی واستکبر فقلنا یا ادم ان هذا عدو لک ولزوجک

سر باز زد پس گفتیم ما ای آدم بدرستی که این دیو دشمن هست مر ترا و مر جفت ترا

فلا یخرجنکما من الجنة فتشقی ان لک الا تجوع فیها ولا تعری وانک

پس باید که بیرون نکند شما را از بهشت که تو در رنج افتی بدرستی که تراست آنکه گرسنه نشوی در او و برهنه

لا تظمؤا فیها ولا تضحی فوسوس الیه الشیطان قال یا

تشنه نشوی و در آفتاب نمانی پس وسوسه کرد بسوی آدم شیطان گفت ای

ادم هل ادلک علی شجرة الخلد وملک لا یبلی فاکلا

آدم آیا دلالت کنم ترا بر درخت جاویدی و راه نمایم ترا بملکی که کهنه نشود پس بخوردند

منها فبدت لهما سواتهما وطفقا یخصفان علیهما

از آن درخت پس آشکارا شد مر ایشانرا عورت ایشان و در ایستادند و می چسبانیدند بر عورات خود

من ورق الجنة وعصی ادم ربه فغوی ثم اجتبه

از برگ درخت بهشت و خلاف کرد آدم امر پروردگار خود را پس بی بهره ماند پس برگزید او را

ربه فتاب علیه وهدی قال اهبطا منها جمیعا

خداوند و قبول کرد توبه او را و راه نمود او را گفت خدا که فرو روید ای از بهشت هم

بعضکم

کرید عبد البیر کاه داد امر کنند او را
و الله اعلم بالصواب

حس

عشر

عضکم لبعض عدو فاما یاتینکم منی هدی فمن اتبع

از شما مر بعضی را دشمن باشید چون بیاید بشما از من رسولی یا راهنمایی هر که بپی رود

هدای فلا یضل ولا یشقی ومن اعرض عن ذکری

راه مرا گم نگردد و بدبخت نگردد و هر که روی بگرداند از یاد کردن من

ان له معیشة ضنکا ونحشره یوم القیمة اعمی قال

او را باشد زندگانی تنگ و انگیزیم روز قیامت کور گفت

ب لم حشرتنی اعمی وقد کنت بصیرا قال کذلک

چرا برانگیختی مرا کور و بودم من بینا گفت همچنین

تتک ایاتنا فنسیتها وکذلک الیوم تنسی وکذلک

نشانهای ما و فراموش کردی و همچنین امروز بگذارند ترا و همچنین

جزی من اسرف ولم یؤمن بایات ربه ولعذاب

پاداش دهیم آنرا که تباه کاری کند و نگرود بنشانهای خداوند خویش و عذاب

لاخرة اشد وابقی افلم یهد لهم کم اهلکنا قبلهم

آن جهان سخت تر و پاینده تر آیا پیدا نشد مر ایشانرا که چند هلاک کردیم از پیش ایشان

ن القرون یمشون فی مساکنهم ان فی ذلک لایات

گروهان همی روند اندر جایگاههای ایشان اندر این نشانهاست

اولی النهی ولولا کلمة سبقت من ربک لکان

خداوندان عقل و اگر نه سخنی بودی پیش رفته از خداوند تو بودی

زاما واجل مسمی فاصبر علی ما یقولون وسبح بحمد ربک

لازم و زمانی نام برده پس شکیبایی کن بر آنچه همی گویند و تسبیح کن بستایش خداوند تو

قبل طلوع الشمس وقبل غروبها ومن اناء اللیل فسبح واطراف ١٠

پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آفتاب و از ساعتهای شب و تسبیح کن

حس

صادق از حضرت [illegible] کردی
[illegible] عبد [illegible]
صلوات الله علیه [illegible]
و ما [illegible] القیمة
[illegible]
سبحان الله [illegible]
کرد [illegible]
و الله اعلم

لعلك ترضى ۝ ولا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجا

تا مگر تو خشنود گردی و دراز مکن دو چشم خود سوی آنچه برخورداری [illegible]

منهم زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم فيه ورزق ربك خير وا

ازیشان روشنایی زندگانی تا آزموده کرد ایشان اندروی و روزی خداوند تو بهتر و پا[illegible]

وامر اهلك بالصلوة واصطبر عليها لا نسئلك

و بفرما کسان خویش را بنماز و شکیبا باش بران نخواهیم از تو

نحن نرزقك والعاقبة للتقوى ۝ وقالوا لولا يا

ما روزی دهیم ترا و سرانجام نیک مر پرهیزگاران راست و گفتند چرا

باية من ربه اولم تاتهم بينة ما في الصحف الا

نشانی از خداوند خویش ای باید بایشان درستی آنچه اندر نامها

ولو انا اهلكناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا

و اگر ما هلاک کردیم ایشان را بعذابی از پیش وی گفتندی ای خداوند ما

ارسلت الينا رسولا فنتبع اياتك من قبل ان نذل

بفرستادی بر ما پیغمبری تا بدیم پذیرفتیم نشانهای ترا از پیش آنکه خوار

ونخزى ۝ قل كل متربص فتربصوا فستعلمون

و رسوا گشتیمی بگو همه چشم دارند چشم دارید زود بدانید

من اصحاب الصراط السوي ومن اهتدى

سورة الانبياء

که از خداوندان راه راست و کیست راه [illegible]

١١٢ آیه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که کمان مومنان محل خوف و رجا کرد اینه مهربانا که بخشید ایشان محمد را ثنا کرد بخشاینده [illegible]

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون

نزدیک شد مر مردمان را شمار ایشان و ایشان اندر بیخبری روی [illegible]

ما ياتيهم

ما ياتيهم من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه وهم

[illegible] بایشان هیچ یاد کردی از خداوند ایشان نو کرده مگر گوش میدارند و ایشان

يلعبون ۝ لاهية قلوبهم واسروا النجوى الذين ظلموا

[illegible] همی کنند مشغول شده دلهای ایشان و پنهان همی گویند راز آنکه ستم کردند

هل هذا الا بشر مثلكم افتاتون السحر وانتم تبصرون

[illegible] این مگر آدمی همچون شما باهمی روید سوی جادو و شما همی بینید

قال ربي يعلم القول في السماء والارض وهو السميع

خداوند من بداند گفتار اندر آسمان و زمین و ویست شنوا

العليم ۝ بل قالوا اضغاث احلام بل افتريه بل هو شاعر

[illegible] بلکه گفتند شوریده و باطل خوابهاست وی فرابافته است کروی شاعرست

فلياتنا باية كما ارسل الاولون ۝ ما امنت قبلهم

[illegible] چنانکه فرستاده شد به پیشینیان نگرویدند از پیش ایشان

من قرية اهلكناها افهم يؤمنون ۝ وما ارسلنا

[illegible] و هلاک کردیمشان با ایشان همی گرویدگان و نفرستادیم

قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل الذكر ان

[illegible] مگر مردمان که وحی فرستادیم سوی ایشان پرسید از خداوندان توریة اگر

كنتم لا تعلمون ۝ وما جعلناهم جسدا لا ياكلون

[illegible] که ندانید و نکردیم ایشان را تنی که نخوردندی

الطعام وما كانوا خالدين ۝ ثم صدقناهم الوعد فانجيناهم

[illegible] و نبودند جاودانگان پس راست کردیمشان وعده و برهانیدیمشان

ومن نشاء واهلكنا المسرفين ۝ لقد انزلنا اليكم كتابا

[illegible] که خواهیم و هلاک کردیم تباه کاران را هر آینه فرو فرستادیم سوی شما نامه

عشر

از حضرت ابوجعفر علیه السلام مرویست [illegible] حق تعالی [illegible] مردمان [illegible] والله اعلم

ربع حزب

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره انبیا را تلاوت نماید در [illegible] رفیق [illegible] پیغمبران خواهد بود در بهشت [illegible]

حزب

[illegible]

عشر

فيه ذكركم افلا تعقلون ۝ وكم قصمنا من قرية
اندروی یاد کرد شما چرا در نیابید و چند شکستیم از دیها
كانت ظالمة وانشانا بعدها قوما آخرين ۝ فلما احسوا
بودند ستمکاره و بیافریدیم از پس ایشان گروهی دیگران چون بدیدند
باسنا اذا هم منها يركضون ۝ لا تركضوا وارجعوا
سختی عذاب ما همانگاه ایشان از عذاب همی دویدند مدوید و باز گردید
الى ما اترفتم فيه ومساكنكم لعلكم تسئلون ۝ قالوا
سوی آنچه فراخی داده بودند اندروی و آرامگاهها شما تا مگر شما بپرسند گفتند ای
يا ويلنا انا كنا ظالمين ۝ فما زالت تلك دعويهم
وای ما را ما بودیم ستمکاران همواره آن بود خواندن ایشان تا
حتى جعلناهم حصيدا خامدين ۝ وما خلقنا السماء والارض
بکردیم ایشان را درودگان مردگان افتادگان و نه آفریدیم آسمان و زمین
وما بينهما لاعبين ۝ لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذناه
و آنچه میان دو است بازی کنان اگر خواستمی که بگیریم بازی بگرفتیمی
من لدنا ان كنا فاعلين ۝ بل نقذف بالحق على الباطل
از نزد ما که ما هرگز آن نکردیم بلکه می افگنیم راست بر ناراست
فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما تصفون ۝ وله
خورد شکندش همانگاه وی نیست گردد و مر شما راست عذاب از آنچه صفت کنید و مر
من في السموات والارض ومن عنده لا يستكبرون
آنچه اندر آسمانهاست و زمین و آنکه نزدیک ویست بزرگ منشی نکنند
عن عبادته ولا يستحسرون ۝ يسبحون الليل والنهار
از پرستیدن وی و حسرت نخورند تسبیح همی کنند شب و روز

لا يفترون

خمس

۲۱۵

لا يفترون ۝ ام اتخذوا آلهة من الارض هم ينشرون
ست کرده اند یا بگرفتند خدایانی از زمین ایشان همی باو زنند
لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا فسبحان الله رب
بودی اندر آسمان و زمین خدایانی بجز خدا تباه شدندی آسمان و زمین پاکست خدا خداوند
العرش عما يصفون ۝ لا يسئل عما يفعل وهم يسئلون
عرش از آنچه صفة کنند نپرسندش از آنچه کرد و ایشان را بپرسند
ام اتخذوا من دونه آلهة قل هاتوا برهانكم هذا ذكر
گرفتند ای بجز وی خدایانی بگو بیارید حجت شما اینک یاد کرد
من معي وذكر من قبلي بل اكثرهم لا يعلمون الحق فهم
من است و یاد کرد آنچه پیش از من بود نه که بیشتر ایشان همی ندانند راستی و ایشان
معرضون ۝ وما ارسلنا من قبلك من رسول الا
روی گردانیدگانند و نفرستادیم از پیش تو هیچ پیغمبری مگر
نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون ۝ وقالوا اتخذ
سوی او بدرستی که نیست خدا مگر من پس پرستید مرا و گفتند بگرفت
الرحمن ولدا سبحانه بل عباد مكرمون ۝ لا يسبقونه
فرزندی پاکست وی بلکه بندگان نواختگان پیش از وی نروند
بالقول وهم بامره يعملون ۝ يعلم ما بين ايديهم وما
و ایشان بفرمان وی کار کنند بداند آنچه پیش ایشان است و آنچه
خلفهم ولا يشفعون الا لمن ارتضى وهم من خشيته
ایشانست و خواهش نکنند مگر آنرا که بپسندد وی و ایشان از وی ترسکاران
مشفقون ۝ ومن يقل منهم اني اله من دونه فذلك
و هرکه گوید از ایشان که من خدایم از وی او را

عشر

خمس

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که مراد [illegible]

حصیدا [illegible] والله اعلم بالصواب

نجزیه جهنم کذلک نجزی الظالمین ◉ اولم یر الذین
پاداش دهیم ورا دوزخ همچنین پاداش دهیم ستمکاران را آیا همی نه بینند
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
کافر شدند که آسمانها و زمین بودند برهم بسته بگشادیمشان
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون ◉ وجعلنا
وبکردیم از آب همه چیزی زنده نمی گروند وبکردیم
فی الارض رواسی ان تمید بهم وجعلنا فیها فجاجا
اندر زمین کوهها تا بگراید ایشان وبکردیم اندر انجا گشاده
سبلا لعلهم یهتدون ◉ وجعلنا السماء سقفا
راهها تا مگر ایشان راه برند وبکردیم آسمان را سقفی
محفوظا وهم عن آیاتها معرضون ◉ وهو الذی خلق
پوشیده نگاهداشته وایشان از نشانهاء آن روی گرداینده کانند وویست آنکسی که بیافرید
اللیل والنهار والشمس والقمر کل فی فلک یسبحون
شب وروز را وآفتاب وماه را همه اندر گردش شناهی کنند
وما جعلنا لبشر من قبلک الخلد افان مت فهم الخالدون
ونه کردیم هیچ مردمی را از پیش تو جاودانی پس اگر تو بمیری ایشان جاودان
کل نفس ذائقة الموت ونبلوکم بالشر والخیر فتنة والینا
هر تنی چشنده مرگست وآزموده گردانیم شما را بدی ونیکی آزموده
ترجعون ◉ واذا رآک الذین کفروا ان یتخذونک الا هزوا
بازگردانیده تان وچون بینند آنانکه کافر شدند نگیرند ترا
اهذا الذی یذکر آلهتکم وهم بذکر الرحمن هم کافرون
این هست آنکسی که یاد میکند خداوندان شما را وایشان بیاد کرد خدا ایشان کافر

عشر

در کتاب روضه کافی از حضرت ابو جعفر علیه السلام
در حدیث شامی مروی است که [illegible]
از آنحضرت پرسید از تفسیر قوله تعالی اولم یر
الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما پس آنحضرت
فرمود که گویا گمان میکنی که مراد است
که آسمان و زمین بهم چسبیده بود
پس حق تعالی یکی را از دیگری جدا کرد
شامی گفت آری پس آنحضرت
فرمود که استغفار کن [illegible]
[illegible]
[illegible]

خمس

[illegible]

خلق الانسان

۲۱۱

خلق الانسان من عجل ساوریکم آیاتی فلا تستعجلون ◉
آفریده شد مردم از شتاب زود نمایمتان نشانهاء خویش شتاب مکنید
ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین ◉ لو یعلم الذین
وگویند که باشد این وعده اگر هستید راست گویان اگر بدانندی آنانکه
کفروا حین لا یکفون عن وجوههم النار ولا عن ظهورهم ولا
آنگاه که نتوانند بازداشتن از رویهای خویش آتش ونه از پشتهای خویش ونه
هم ینصرون ◉ بل تأتیهم بغتة فتبهتهم فلا یستطیعون ردها
ایشان را یاری کنند که آید بایشان ناگاه فروگیردشان نتوانند بازگردانیدن
ولا هم ینظرون ◉ ولقد استهزئ برسل من قبلک فحاق بالذین
ونه ایشان را زمان دهند وافسوس داشتند پیغمبران را از پیش تو فرو آمد بآنکسان
سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون ◉ قل من یکلؤکم باللیل و
که افسوس کردند از ایشان آنچه بودند بوی افسوس همیکردند بگو که نگاه دارد شما را بشب و
النهار من الرحمن بل هم عن ذکر ربهم معرضون ◉ ام لهم آلهة
روز از عذاب خدا بلکه ایشان از یادکردن خداوند خویش روی بگردانیده کانند یا هست مرایشان را خدایانی
تمنعهم من دوننا لا یستطیعون نصر انفسهم ولا هم منا یصحبون ◉
که نگاه دارد ایشان را بجز ما نتوانند یاری کردن برخویشتن ونه ایشان از ما یاری یابند
بل متعنا هؤلاء وآباءهم حتی طال علیهم العمر افلا یرون انا
بلکه برخورداری دادیم اینها را وپدران ایشان را تا دراز گشت برایشان زندگانی یا نمی بینند که ما
نأتی الارض ننقصها من اطرافها افهم الغالبون ◉ قل انما
می آییم زمین را که همی کمینیش از کنارهای وی یا ایشان غلبه کنند بگو من همی
انذرکم بالوحی ولا یسمع الصم الدعاء اذا ما ینذرون
بیم کنم شما را به پیغام ونشنوند کران خواندن را چون ایشان را بیم کنند

[illegible]

عشر

اصحاب در اصل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خمس

ولئن مستهم نفحة من عذاب ربك ليقولن يا ويلنا انا
واکر برسد بایشان وزیدنی از عذاب خداوند تو هرآینه کویند ای وای ما
كنا ظالمين ونضع الموازين القسط ليوم القيمة فلا
بودیم ستمکاران و بنهیم ترازوها داد در روز قیامت و
تظلم نفس شيئا وان كان مثقال حبة من خردل اتينا بها
ستم کرده نشود تنی را چیزی واکر باشد همسنک دانه از سپندان بیاریم آن را
وكفى بنا حاسبين ولقد اتينا موسى وهرون الفرقان
و بسنده است بما شمار کردن و بدادیم موسی و هرون را جدا کننده
وضياء وذكرا للمتقين الذين يخشون ربهم بالغيب وهم
و روشنایی و پندی مر پرهیزکاران را آنان که میترسند از خداوند خویش بناپیدا
من الساعة مشفقون وهذا ذكر مبارك انزلناه افانتم
از رستاخیز ترسانند و این قران پندیست مبارک فرو فرستادیم آن را آیا شما
منكرون ولقد اتينا ابراهيم رشده من قبل وكنا
منکر شوید و بدادیم ابراهیم را راه راست وی از پیش و بودیم
به عالمين اذ قال لابيه وقومه ما هذه التماثيل
بوی دانایان چون کفت ابراهیم مر پدر خویش را و کروه خویش را چیست این نکاشته‌ها و صورتها
انتم لها عاكفون قالوا وجدنا اباءنا لها عابدين قال
شما بروی ایستاده اند کفتند یافتیم پدران خویش را مر آنرا پرستندکان کفت
لقد كنتم انتم واباؤكم في ضلال مبين قالوا اجئتنا
بود شما و پدران شما اندر کمراهی پیدا کفتند آوردی ما را
بالحق ام انت من اللاعبين قال بل ربكم رب السموات
براستی یا تو از بازی کنانی کفت که خداوند شما خدای آسمانها

والارض

عشر

حزب

خمس

۲۱۷

والارض الذي فطرهن وانا على ذلكم من الشاهدين
و زمین است آنکه بیافرید ایشان را و من بر این از کواهانم
وتالله لاكيدن اصنامكم بعد ان تولوا مدبرين فجعلهم
و بخدا که سازش کنم بتان شما را از پس که روی بکردانید پس وندکان و بکرد ایشان را
جذاذا الا كبيرا لهم لعلهم اليه يرجعون قالوا من فعل
پاره پاره مکر مهتر که بود بایشان تا مکر ایشان سوی وی باز کردند کفتند که کرد
هذا بالهتنا انه لمن الظالمين قالوا سمعنا فتى يذكرهم
این بخدایان ما که وی از ستمکاران است کفتند شنیدیم برنایی که عیب همی کرد ایشان را
يقال له ابراهيم قالوا فاتوا به على اعين الناس لعلهم
کویند او را ابراهیم کفتند بیارید اورا بر چشمهای مردمان تا مکر ایشان
يشهدون قالوا ءانت فعلت هذا بالهتنا يا ابراهيم
کواهی دهند کفتند آیا تو کردی این با خدایان ما ای ابراهیم
قال بل فعله كبيرهم هذا فسئلوهم ان كانوا ينطقون
کفت بلکه کرد مهتران ایشان این بپرسیدشان اکر چنانست که همی سخن کویند
فرجعوا الى انفسهم فقالوا انكم انتم الظالمون ثم نكسوا
باز کشتند سوی تنهای خویش پس کفتند شما بید که شما ستمکارانید پس نکونسار شدند
على رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون قال افتعبدون
بر سرهای خویش بتحقیق دانستی تو که نه این که سخن کویند کفت ای میپرستید
من دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضركم اف لكم ولما
بجز خدا آنچه نکند سود شما را چیزی و نه زیان کند شما را ننک باد بر شما و مر آنرا
تعبدون من دون الله افلا تعقلون قالوا حرقوه وانصروا
میپرستید بجز خدا ای پس خرد تان نیست کفتند بسوزانیدش و یاری کنید

على اعين الناس در محل نصب است بر حالیت
از ضمیر مجرور در کلمه به والله اعلم بالصواب

عشر

[illegible] کلمه [illegible] معنی اف [illegible]
[illegible] لکم [illegible]
[illegible] والله اعلم بالصواب

خمس

هو

اِلٰهَتَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ● قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلٰ

خدایان خویش را اگر استیزید و خواهید کردن گفتیم ای آتش باش سرد و سلا

عَلٰى اِبْرٰهِيمَ ● وَاَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْاَخْسَرِينَ

برابرهیم بخواستند باوی ساختن بد پس بکردیم ایشان را زیان کار

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا اِلَى الْاَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

و برهانیدیم اورا و لوط را سوی آن زمین آنکه برکت کردیم اندر آنجا مر جهانیان

عشر

وَوَهَبْنَا لَهُ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

بدادیم مر اورا اسحق پسر و یعقوب نبیره افزونی و همه را بکردیم نیکان

جَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَهْدُونَ بِاَمْرِنَا وَاَوْحَيْنَا اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَ

بکردیم ایشان را پیشروان راه نماینده بفرمان ما و وحی فرستادیم سوی ایشان کردن نیک

وَاِقَامَ الصَّلٰوةِ وَاِيتَاءَ الزَّكٰوةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ● وَلُو

و بجای داشتن نماز را و بدادن زکوة و بودند مارا پرستندگان

اٰتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْ

بدادیمش حکمت و دانش و برهانیدیش از اهل آن ده آنکه بودند که بکر

اَلْخَبَائِثَ اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ● وَاَدْخَلْنَاهُ

پلید ایشان بودند گروهی بد بیفرمانان

خمس

رَحْمَتِنَا اِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ● وَنُوحًا اِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَا

بخشایش ما که بود از نیکوکاران و نوح را چون بخواند از پیش

لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ● وَنَصَرْنَاهُ مِنَ

اورا و برهانیدیم و کسان وی از اندوه بزرگ و یاری کردیم

اَلْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاَغْ

گروه آنکه دروغ شمردند آیتها ما که ایشان بودند گروهی بد غرقه کرد

اجمعین

نفش عبارت از آنست که [illegible]
گوسفندان [illegible]

جْمَعِينَ ● وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ اِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ

و یاد کن قصه داود و پسر او سلیمان چون حکم کردند در کشت چون شب رفته بود

فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ● فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ

کشت زار گوسفند گروهی و بودیم مر حکم حاکم را داننده پس تفهیم دادیم حکومت مر سلیمان

وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ

یک از پدر و پسر دادیم حکم و دانش و رام ساختیم با داود کوهها را تسبیح میکردند خدای را

الطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ● وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ

مرغان و هستیم ما کننده امثال اینها را و بیاموختیم داود را ساختن زره برای شما تا نگاه دارد زره

عشر

مِنْ بَاْسِكُمْ فَهَلْ اَنْتُمْ شَاكِرُونَ ● وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيحَ عَاصِفَةً

کارزار شما پس آیا هستید شما سپاس گویندگان و مسخر گردانیدیم مر سلیمان را باد سخت و تند بود

تَجْرِي بِاَمْرِهِ اِلَى الْاَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ

بفرمان سلیمان بدان زمین که برکت کرده ایم در آن زمین و هستیم بهمه چیزها

عَالِمِينَ ● وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا

و مسخر ساختیم مر سلیمان را از دیوان کسانی که غواصی کنند در دریاها و بکنند عملی دیگر

دُونَ ذٰلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ● وَاَيُّوبَ اِذْ نَادٰى رَبَّهُ

جز غواصی و بودیم مر دیوان را نگهدارندگان یاد کن ایوب را چون بخواند پروردگار خود

اَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ● فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا

رسید مرا رنج و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی پس اجابت کردیم دعاء او را

مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَاٰتَيْنَاهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ

بود از رنج و دادیم اورا فرزندان وی و مانند ایشان با ایشان بخشیشی است از

عِنْدِنَا وَذِكْرٰى لِلْعَابِدِينَ ● وَاِسْمٰعِيلَ وَاِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ

و پند برای پرستندگان و یاد کن اسمعیل و ادریس و الیاس که خداو

[illegible]
ابا عبد الله عمرو [illegible] از جانب [illegible]
[illegible]

كل من الصابرين ۝ وادخلناهم في رحمتنا انهم من الصالحين

همه از صبرکنندگان بودند و درآوردیم ایشان را در بخشش ما بدرستی که ایشان از ستودگان

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى

و یادکن یونس چون برفت خشمناک پس گمان برد آنکه تنگ نخواهیم ساخت بر وی

في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من

در تاریکیها که نیست معبودی مگر تو پاکی ترا از آنکه در چیزی درمانی بدرستی که من هستم از

الظالمين ۝ فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي

ستمکاران پس ما اجابت کردیم دعای او را و برهانیدیم او را از غم دریا و همچنین نجات می دهیم

المؤمنين ۝ وزكريا اذ نادى ربه رب لا تذرني فردا

گرویدگان را و یادکن زکریا را چون بخواند پروردگار خود را ای خداوند مگذار مرا بی وارث

وانت خير الوارثين ۝ فاستجبنا له ووهبنا له يحيى و

و تو بهترین وارثانی پس اجابت کردیم دعای او را و بخشیدیم او را یحیی

اصلحنا له زوجه انهم كانوا يسارعون في الخيرات

بصلاح آوردیم برای او زن او بدرستی که پیغمبران که یاد کردیم شتافتند در نیکوییها

ويدعوننا رغبا ورهبا وكانوا لنا خاشعين ۝ والتي

و میخواندند ما را از روی رغبت و ترس از عقاب و بودند ما را فروتنان و یادکن آن زن

احصنت فرجها فنفخنا فيها من روحنا وجعلناها وابنها

که نگاه داشت فرج خود را پس دردمیدیم در پیرهن او از روح که بیافریدیم و گردانیدیم او را و پسر او را

آية للعالمين ۝ ان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم

حجتی مر عالمیان را بدرستی که ملت توحید که دین است شما ملتی یگانه و من پروردگار شما

فاعبدون ۝ وتقطعوا امرهم بينهم كل الينا راجعون

پس مرا پرستید و ببریدند امم پیشینه کار دین خود را درمیان خود همه بسوی ما بازگردند

حمس

عشر

[illegible] والله اعلم بالصواب

[illegible] والله اعلم

ممنوعیل

٢١٤

فمن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا كفران لسعيه

پس هرکه بکند از نیکیها و وی گرویده بود ناسپاسی نباشد کار او را

وانا له كاتبون ۝ وحرام على قرية اهلكناها انهم

و ما آن را نویسندگانیم و حرام است بر اهل دیهی که هلاک کردیم شان که ایشان

لا يرجعون ۝ حتى اذا فتحت ياجوج وماجوج وهم من كل

بازنگردند تا چون گشاده شود یاجوج و ماجوج و ایشان از همه

حدب ينسلون ۝ واقترب الوعد الحق فاذا هي شاخصة

بالاها بروند و نزدیک آمد وعده درست آنگاه بیرون آمده

ابصار الذين كفروا يا ويلنا قد كنا في غفلة من

چشمهای آنها که کافر شدند ای وای ما بودیم ما اندر بیخبری از

هذا بل كنا ظالمين ۝ انكم وما تعبدون من دون الله

این بلکه بودیم ستمکاران بدرستی که شما و آنچه می پرستید بجز خدای

حصب جهنم انتم لها واردون ۝ لو كان هؤلاء آلهة

هیزم دوزخ اید شما آنجا آینده اید اگر بودندی اینان بتان خدایان

ما وردوها وكل فيها خالدون ۝ لهم فيها زفير وهم

نیامدندی و همه اندر آنجا جاودان باشند ایشان باشند اندر آنجا خروش و ناله

فيها لا يسمعون ۝ ان الذين سبقت لهم منا الحسنى اولئك

آنجا هیچ نشنوند آنها که پیش رفت مر ایشان را از ما نیکویی ایشانند

عنها مبعدون ۝ لا يسمعون حسيسها وهم فيما اشتهت

دور کردگان هیچ نشنوند آواز آن و ایشان اندر آنچه آرزو کنند

انفسهم خالدون ۝ لا يحزنهم الفزع الاكبر وتتلقاهم الملائكة

ایشان جاودان باشند اندوهگین نگرداند ایشان را فزع بزرگترین و پیش آیند ایشان را فرشتگان

حمس

عشر

[illegible]

هذا يومكم الذي كنتم توعدون ◉ يوم نطوي السماء كطي
این روز شماست آنکه کرده شد شما را وعده آن روزی که درنوردیم آسمان چون
السجل للكتب كما بدانا اول خلق نعيده وعدا علينا
نامه مر نوشتن را چنانکه آغاز کردیم نخستین آفرینش باز گردانیمش وعده بر ما
انا كنا فاعلين ◉ ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر
هستیم کنندگان و نوشتیم ما اندر لوح محفوظ از پس تورات
ان الارض يرثها عبادي الصالحون ◉ ان في هذا لبلاغا
که زمین را میراث گیرند بندگان من نیکان که اندرین رسانیدنیست
لقوم عابدين ◉ وما ارسلناك الا رحمة للعالمين ◉ قل انما
مر گروه پرستندگان را و نفرستادیم ترا مگر بخشایش همه خلق را بگوی
يوحى الي انما الهكم اله واحد فهل انتم مسلمون ◉ فان تولوا
وحی همی آید سوی من که خدای شما یک خدا است چه جز شما گردن همی خواهید نهاد
فقل اذنتكم على سواء وان ادري اقريب ام بعيد ما توعدون
بگو آگاه کردم شما را برابر و ندانم من نزدیک است یا دور است آنچه
انه يعلم الجهر من القول ويعلم ما تكتمون ◉ وان ادري
که وی بداند آواز بلند از گفت و بداند آنچه همی پوشید و ندانم من
لعله فتنة لكم ومتاع الى حين ◉ قال رب احكم بالحق
مگر وی آزمایشی است مر شما را و برخورداری تا گاه بگو یا خداوند من حکم کن براستی
وربنا الرحمن المستعان على ما تصفون
و خداوند ما بخشاینده و یاری دهنده بر آنچه صفت کنید

سورة الحج مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که نگهدار مؤمنان است بخشاینده و مهربان که روزی ده دشمن و دوست است

يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شئ عظيم ◉
ای مردمان بترسید از خداوند خویش که جنبانیدن رستخیز چیزیست بزرگ
يوم ترونها تذهل كل مرضعة عما ارضعت وتضع
روزی که ببینید آنرا مشغول شود هر شیر دهنده از آنچه شیر داده باشد و بنهد
كل ذات حمل حملها وترى الناس سكارى وما هم بسكارى
هر بارداری بار خویش و ببینی مردمان را مستان و نباشند ایشان مستان
ولكن عذاب الله شديد ◉ ومن الناس من يجادل في الله
ولیکن عذاب خدا سخت است و از مردمان کیست که پیکار همی کند اندر کار خدا
بغير علم ويتبع كل شيطان مريد ◉ كتب عليه انه من تولاه
بی دانش و پیروی همی کند هر دیو سرکش را نوشته شد بروی که هر که دوست گیرد
فانه يضله ويهديه الى عذاب السعير ◉ يا ايها الناس
او را گمراه کند او را و راه نماید سوی عذاب سوزان ای مردمان
ان كنتم في ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب ثم
اگر هستید اندر گمان از این انگیختن ما بیافریدیم شما را از خاک باز
من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة وغير
از آب باز از خون بسته باز از گوشت پاره تمام کرده و نا
مخلقة لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل
تمام کرده تا پیدا کنیم مر شما را و بپاداریم اندر زهدانها آنچه خواهیم تا زمانه
مسمى ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم ومنكم من يتوفى
نامزد کرده باز بیرون آریمتان کودکان باز برسید بجا مردان شما و از شما کس
ومنكم من يرد الى ارذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئا
کسی است که باز گردانیده شود با فروترین زندگانی تا هیچ نداند از پس دانش چیزی

كطي السجل منصوب [illegible] صفة مفعول مطلق [illegible] والله اعلم بالصواب

الزبور مراد از زبور همه کتابهاست و ذکر لوح محفوظ است والله اعلم بالصواب

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

نصف

٢١٥

[illegible]

يا ايها

خمس الاستعاذه

وترى الارض هامدة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت و
و بینی زمین را پژمرده چون فرو فرستیم بروی اب را وحرکت آورده و درست
ربت وانبتت من كل زوج بهيج ● ذلك بان الله
بپروراند و برویاند از هر گونه نیکو ● این بدان است که
هو الحق وانه يحي الموتى وانه على كل شي قدير ● وان الساعة
و بیت براستی و وی زنده کرد مردکان را و خدا بر هر چیزی تواناست و رستخیز
اتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور ● ومن الناس
آمدنیست نیست کمانی اندر وی و خدا برانگیزاند آنها را که اندر گورند و از مردمان
من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير
کس است که پیکار کند اندر کار خدا بی دانش و نه راه راست و نه نامه روشن
ثاني عطفه ليضل عن سبيل الله له في الدنيا خزي و
روی بکرده و گردن کژ کرده تا گم کرده اند از راه خدا مر او را اندرین جهان رسوا باید
يوم القيمة عذاب الحريق ● ذلك بما قدمت يداك
روز قیامت عذاب سوزان ● این بدانست که پیش فرستاده دو دست
ان الله ليس بظلام للعبيد ● ومن الناس من يعبد الله على
خدا ستم کننده نیست مر بندگان خویش را و از مردمان کسی است که بپرستد خدا را بر کناره
فان اصابه خير اطمان به وان اصابته فتنة انقلب على
اگر رسد بوی نیکی بیارامد بدان و اگر رسد بوی سوزشی و سختی برگردد
وجهه خسر الدنيا والاخرة ذلك هو الخسران المبين ● يدعوا
روی خویش زیان کرد اندرین جهان و آنجهان این است که آن زیانی است پیدا
من دون الله ما لا يضره وما لا ينفعه ذلك هو الضلال
جز خدا زیان نکندش هیچ سودی این است آن گم بودن

البعيد

عطف [illegible] عبارت عن عنق [illegible]
و ان عضو [illegible] انسان [illegible]
[illegible]
عطف [illegible]

خطاب [illegible] از ارباب البلاغة
یعنی ذلک تا آخر مقول قول محذوف
تقدیره یقال له یوم القیمة ذلک بما قدمت
یداک والله اعلم بالصواب

٢١٦

عشر

البعيد ● يدعوا لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى و
همی خواند مر آنرا که زیان وی نزدیکتر از سود وی بد دوست و
لبئس العشير ● ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات
بد یاریست ● که خدا اندر آرد آنکسانرا که بگرویدند و بکردند نیکیها
جنات تجري من تحتها الانهار ان الله يفعل ما يريد ● من
بوستانها همی رود از زیر آن جویهای روان که خدا بکند آنچه خواهد هرکه
كان يظن ان لن ينصره الله في الدنيا والاخرة فليمدد بسبب
گمان برد که یاری نکند محمد را خدا اندرین جهان و اندر آنجهان برکشد خویشتن را برسنی
الى السماء ثم ليقطع فلينظر هل يذهبن كيده ما يغيظ ●
روی آسمان باز ببرد و بنگرد که چه چیز بود که ببرد سازش بدو آنچه و برانجش او
وكذلك انزلناه ايات بينات وان الله يهدي من يريد ●
و همچنین فرو فرستادیمش نشانها پیدا و خدا راه نماید آنرا که خواهد
ان الذين امنوا والذين هادوا والصابئين والنصارى
که بگرویدند و آنکسانکه بازگشتند یعنی جهودان و آنکه دین بگذاشتند و ترسایان
والمجوس والذين اشركوا ان الله يفصل بينهم يوم القيمة
و گبران و آنکسانکه انباز گرفتند خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت
ان الله على كل شي شهيد ● الم تر ان الله يسجد له
خدا بر همه چیزی گواهست ● همی نبینی که خدا همی سجده کند مر او را
من في السموات ومن في الارض والشمس والقمر والنجوم
در آسمانهاست و آنکه اندر زمین اند و آفتاب و ماه و ستارگان
والجبال والشجر والدواب وكثير من الناس وكثير حق
و کوهها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردمان و بسیاری که واجب شد

خمس

[illegible] لیقطع [illegible]
[illegible]
قطع نفس [illegible]
و انه [illegible]
و علاج [illegible]
مراد [illegible]
و بخواهد که خدا [illegible]
کند [illegible]
سافت [illegible]
نصرت او [illegible]

عليه العذاب ومن يهن الله فما له من مكرم ان الله
بروی عذاب   و هر کرا خوار کرد اند خدای نباشد مر او را هیچ نوازنده که خدای
يفعل ما يشاء هذان خصمان اختصموا في ربهم فالذين
بکند آنچه خواهد   این هر دو مومن و کافر دو خصم اند که بکار کردند اندر یگانگی خداوند خویش و آنها
كفروا قطعت لهم ثياب من نار يصب من فوق رؤسهم
که کافر شدند بریده شود مر ایشان را جامها از آتش بر ریزند از زبر سرهای ایشان
الحميم يصهر به ما في بطونهم والجلود ولهم مقامع
آب گرم   بگدازند بدو آنچه در شکمهای ایشان باشد و پوستها   و مر ایشان را
من حديد كلما ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا
از آهن   هر گاه که خواهند که بیرون آیند از آنجا از اندوه باز گردانند
فيها وذوقوا عذاب الحريق ان الله يدخل الذين امنوا
اندر آنجا و گویند شان بچشید عذاب آتش سوزان   که خدای اندر آرد آن کسان را که گرویدند
وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار يحلون فيها
و کردند نیکیها   بوستانهایی که همی رود از زیر آن جویها روان   بر آرایند
من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير وهدوا
از دستورنجنها از زر   و مروارید   و پوشش ایشان اندر آنجا دیبای نرم و راه
الى الطيب من القول وهدوا الى صراط الحميد ان الذين
سوی خوشی و پاکی از گفتار   و راه نمایید شان سوی راه ستوده   آنکسانی که
كفروا ويصدون عن سبيل الله والمسجد الحرام الذي
کافر شدند و همی باز دارند از راه   خدای   و مزگت حرام   آنکه
جعلناه للناس سواء العاكف فيه والباد ومن يرد فيه
بکردیم او را مر مردمان را برابر   باشنده اندر وی و آنکه از دشت آید و هر که

بالحاد

عشر

اساور در محل نصب است که صفت [illegible]
محذوف باشد تقدیره یحلون فیها حلیا
اساور و اساوره جمع سوار
[illegible] ولؤلؤا عطف [illegible]
[illegible] منصوب بعامل
مقدر تقدیره [illegible] لؤلؤا
[illegible]
خالص [illegible]

حزب

[illegible]

بالحاد بظلم نذقه من عذاب اليم واذ بوانا لابراهيم
و ستم بچشانیمش از عذاب دردناک   و چون ساختیم مر ابراهیم را
مكان البيت ان لا تشرك بي شيئا وطهر بيتي للطائفين و
جای خانه   که انباز مگیر با من چیزی و پاک دار خانه مرا مر طوف کنندگان را و
القائمين والركع السجود واذن في الناس بالحج ياتوك
ایستادگان را و رکوع کنندگان را و سجود کنندگان را   و آواز ده اندر مردمان با حج بزیارت خانه   بیایند بتو
رجالا وعلى كل ضامر ياتين من كل فج عميق ليشهدوا
پیادگان   و بر هر اشتر لاغر بیایند از هر راهی دور   تا بیابند و بیارند
منافع لهم ويذكروا اسم الله في ايام معلومات على ما رزقهم
سودهاشان را و یاد کنند نام خدای اندر روزها دانسته   بر آنچه روزی دادیم ایشان را
من بهيمة الانعام فكلوا منها واطعموا البائس الفقير ثم
از این بسته چهارپایان   بخورید از آن و بخورانید   بیچاره را درویش را   باز
ليقضوا تفثهم وليوفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت العتيق
برارند حاجت خویش و تمام کنند بجا نهادهای خویش را و بگروند گرد اگرد خانه کنانده و آزاد کرده
ذلك ومن يعظم حرمات الله فهو خير له عند ربه واحلت
این است و هر که بزرگ دارد حرمتهای خدای او را بهتر مر او را نزد خداوندی و حلال کرده
لكم الانعام الا ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من
شد شما را چهارپایان مگر آنچه برخوانند بر شما   کناره کنید از پلیدی از
الاوثان واجتنبوا قول الزور حنفاء لله غير مشركين
بتان و کناره کنید از گفتار دروغ   پاکان مر خدای را نه انباز گیرندگان
به ومن يشرك بالله فكانما خر من السماء فتخطفه الطير
و هر که او را انباز گیرد بخدای چنان است که بیفتدی از آسمان بربایند او را مرغان

عشر

[illegible]

أو تهوي به الريح في مكان سحيق ذلك ومن يعظم شعائر
یا بیفکند مر او را باد اندر جای دور اینست آن و هر که بزرگ دارد
فإنها من تقوى القلوب لكم فيها منافع إلى أجل مسمى
... گران از پرهیزگاری دلها باشد مر شما را اندران سودها باشد تا وقتی نام برده
ثم محلها إلى البيت العتيق ولكل أمة جعلنا منسكا ليذ
پس حلال شود و از حرم بیرون آید سوی خانه آزاد کرده و مر هر گروهی بکردیم خون ریختنی
اسم الله على ما رزقهم من بهيمة الأنعام فإلهكم إله وا
نام خدای را بر آنچه روزی داد ایشان را از دهن بسته چهارپایان خداوند شما یک خدا
فله أسلموا وبشر المخبتين الذين إذا ذكر الله وجل
مر او را گردن نهید و مژده ده فروتنان را آنها که چون یاد کنند خدای را بتر
قلوبهم والصابرين على ما أصابهم والمقيمي الصلو
دلهای ایشان و شکیبایان بر آنچه رسد بایشان و بپای دارندگان نماز را
ومما رزقناهم ينفقون والبدن جعلناها لكم من شعا
و از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج کنند و اشتران قربانی بکردیم آن را مر شما را از نشانها
لكم فيها خير فاذكروا اسم الله عليها صواف فإذا وجب
دون الحرم
مر شما را اندر آنجا بهتری یاد کنید نام خدای را بر وی صف زدگان چون بر افتد
جنوبها فكلوا منها وأطعموا القانع والمعتر كذلك
پهلوی ایشان بخورید از آن و بدهید خواهنده را و نا خواهنده را همچنین
سخرناها لكم لعلكم تشكرون لن ينال الله لحو
فرمانبردار کردیم آن را مر شما را تا مگر شما سپاس داری کنید نرسد بخدای گوشتهای
ولا دماؤها ولكن يناله التقوى منكم كذلك سخرها
و خونهای آن و لیکن رسد بوی پرهیزکاری از شما همچنین فرمانبردار کرد

لتكبروا الله

خمس

[illegible]

حزب

[illegible]

عشر

كبروا الله على ما هديكم وبشر المحسنين إن الله يدافع
بزرگ دارید خدای را بر آنچه راه نمود شما را و مژده ده نیکوکاران را که خدا باز دارد
عن الذين آمنوا إن الله لا يحب كل خوان كفور أذن للذين
از آنکه بگرویدند که خدا دوست ندارد هر خیانت کاری ناسپاس را دستوری داده شود آنها را
يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير الذين
کارزار کنند بدانکه بر ایشان ستم کردند و خدا بر یاری کردن ایشان تواناست آنکسان که
أخرجوا من ديارهم بغير حق إلا أن يقولوا ربنا الله ولولا
بیرون کردند شان از سرایهای خویش بناحق مگر که بگویند خداوند ما خداست و اگر نه
دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع و
باز داشت خدا بودی مردمان بعضی از ایشان ببعضی ویران کرده شدی صومعهای زاهدان و کلیساها و
صلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا ولينصرن
کنشتهای جهودان و مزگتهای مؤمنان که یاد کرده شود اندر وی نام خدای بسیاری و یاری کند
الله من ينصره إن الله لقوي عزيز الذين إن مكناهم في
خدا آنرا که یاری کند دین او را که خدا تواناست یکتا آنکسان را که جای سازیم ایشان را اندر
الأرض أقاموا الصلوة وآتوا الزكوة وأمروا بالمعروف
زمین بپای دارند نماز را و بدهند زکوة و بفرمایند به نیکی کردن
ونهوا عن المنكر ولله عاقبة الأمور وإن يكذبوك فقد
و باز دارند از بدی و مر خدا راست سرانجام کارها و اگر بدروغ زن دارند ترا خود
كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وثمود وقوم إبراهيم
بدروغ زن داشتند از پیش ایشان گروه نوح و گروه عاد و گروه ثمود صالح را و گروه ابراهیم ابراهیم را
وقوم لوط وأصحاب مدين وكذب موسى فأمليت للكافرين
و گروه لوط لوط را و مردمان مدین و بدروغ داشتند موسی را زمان دادم مر کافران را

ثم اخذتهم فكيف كان نكير ۝ فكاين من قرية اهلكناها
باز بگرفتمشان چگونه بود عذاب من وچند از اهل دیهها که هلاک کردیم

وهي ظالمة فهي خاوية على عروشها وبئر معطلة وقصر
وايشان ستمكار بودند وآن در افتاده بر سقفها خويش وچاى گذاشته وانباشته وكوشك

خمس

افلم يسيروا في الارض فتكون لهم قلوب يعقلون بها او
چرا سير نروند اندر زمين تا باشد مرايشانرا دلها كه اندر يابند بوى يا

يسمعون بها فانها لا تعمى الابصار ولكن تعمى القلوب التي
كه بشنوند بوى كه نه نابينا گردد بينائيها وليكن نابينا گردد دلها، آنكه

في الصدور ۝ ويستعجلونك بالعذاب ولن يخلف
اندر سينهاست ومى شتابانند ترا بعذاب كردن وخلاف نكند

وعده وان يوما عند ربك كالف سنة مما تعدون ۝ وكاين
وعده خويش وبدرستى روزى نزد خداوند تو چون هزار سال است از آنچه شما شمريد

من قرية امليت لها وهي ظالمة ثم اخذتها والى المصير
از ديهى كه زمان داديم اورا وايشان ستمكاره بودند باز بگرفتيم ايشانرا وسوى من

قل يا ايها الناس انما انا لكم نذير مبين ۝ فالذين ا
بگو اى مردمان هر آينه من شمارا بيم كننده ام جدا، آنكه كه بگرويدند

وعملوا الصالحات لهم مغفرة ورزق كريم ۝ والذين
وكردند نيكيها مرايشانراست آمرزشى وروزى بزرگ

عشر

سعوا في اياتنا معاجزين اولئك اصحاب الجحيم ۝ وما
بكوشيدند اندر نشانها ما ايشانند باشندگان دوزخ

من قبلك من رسول ولا نبي الا اذا تمنى القى الشيطان
از پيش تو هيچ پيغمبرى وهيچ آگاه دهنده مگر چون برخواندى اندر افكندى ديو

امنيته

٢١٩

امنيته فينسخ الله ما يلقي الشيطان ثم يحكم الله اياته
اندر خواندن وى پاك كردى خداى آنچه افكندى ديو باز استوار كردانيدى خداى نشانها

الله عليم حكيم ۝ ليجعل ما يلقي الشيطان فتنة للذين
دانا است وصواب كار تا بكند آنچه اندر افكند ديو آزمايشى مرآنكسانرا

قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم وان الظالمين لفي
دلهاء ايشان بيماريست وآنكه سخت است دلهاء ايشان وبدرستى ستمكاران اندر

بعيد ۝ وليعلم الذين اوتوا العلم انه الحق من
دور وتا بدانند آنكه بداده شان دانش كه آن راست است از

فيؤمنوا به فتخبت له قلوبهم وان الله لهاد الذين
تا بگروند بوى نرم شود مراورا دلهاء ايشان وخداى راه نماينده است آنكسانرا

الى صراط مستقيم ۝ ولا يزال الذين كفروا في
سوى راه راست وهمواره باشند آنكه نگرويدند واندر

منه حتى تاتيهم الساعة بغتة او ياتيهم عذاب يوم
ازوى تا بيايد بايشان رستخيز ناگاه يا بيايد بايشان عذاب روزى

خمس

الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين امنوا و
پادشاهى آن روز مر خدايرا باشد حكم كند ميان ايشان پس آنكه بگرويدند

الصالحات في جنات النعيم ۝ والذين كفروا
نيكيها اندر بوستانها باشند بانعمت وآنكه نگرويدند

بآياتنا فاولئك لهم عذاب مهين ۝ والذين هاجروا
نشانها مارا ايشانند كه مرايشانراست عذاب خوار كننده وآنكه ببريدند از وطن

سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقنهم الله رزقا حسنا
خداى باز كشته شدند يا بمردند روزى دهند بيشانرا خداى روزى نيكو

[illegible]

هو

وَاِنَّ اللهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ

وخداست که وی بهترین روزی دهندست اندر آرد ایشانرا اندر

وَاِنَّ اللهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ۝ ذٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ

و خدا داناست و بردبار این بود و هر که عقوبت کند همچنانکه عقوبت کرده

ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللهُ اِنَّ اللهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ۝ ذٰلِكَ

باز ستم کنند بروی یاری کند ویرا خدا که خدا اندر گذارنده است و آمرزنده این

اللهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَاَنَّ

که خدا اندر آرد شب را اندر روز و اندر آرد روز را اندر شب و

سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ

شنوا و بیناست این بدانست که خداویست راست و آنچه شما خوانید

هُوَ الْبَاطِلُ وَاَنَّ اللهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ

ویست باطل و بدرستی که خداویست برتر و بزرگتر همی نبینی که

اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْاَرْضُ مُخْضَرَّةً اِنَّ اللهَ لَطِيفٌ

فرو فرستید از آسمان آبی بشود زمین سبز گردانیده که خدا مهربان

خَبِيرٌ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاِنَّ اللهَ لَهُوَ

و دانا مر اوراست اندر آسمانها و آنچه اندر زمین است و خداست که

الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْاَرْضِ وَالْفُلْكَ

بی‌نیازست و ستوده همی نبینی که خدا فرمانبردار کرد مر شما را اندر زمین است و کشتی

تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ

همی رود اندر دریا بفرمان وی و نگاه میدارد آسمان را تا نیفتد بر زمین

اِلَّا بِاِذْنِهِ اِنَّ اللهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي اَحْيَا

مگر بدستوری وی که خدا بکردار مردمان مهربانست و بخشاینده و ویست آنکه زنده

ثم يحييكم

عشر

خمس

نازل شد [illegible]

[illegible] ان تقع [illegible] والله اعلم

۲۸۰

١

يُحْيِيكُمْ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُورٌ ۝ لِكُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا

زنده کرداند شما را که مردم ناسپاس است مر هر گروهی بکردیم خون بختنی

هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْاَمْرِ وَادْعُ اِلَى رَبِّكَ اِنَّكَ

همی ریزند او بیکار نباید کردن ترا اندر کار و بخوان سوی خداوند تو که تو

لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ ۝ وَاِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللهُ اَعْلَمُ بِمَا

راستی و اگر بیکار کنند با تو بگو خدای داناتر است بدانچه

ون ۝ اَللهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ

خدا حکم کند میان شما روز قیامت اندر آنچه شما اندر وی

تَخْتَلِفُونَ ۝ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ

نمیدانی که خدا داند آنچه اندر آسمان و زمین است

ذٰلِكَ فِي كِتَابٍ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللهِ يَسِيرٌ ۝ وَيَعْبُدُونَ

اندر نامه است یعنی لوح محفوظ آن بر خدا آسانست و همی پرستند

دُونِ اللهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ

آنچه فرو نفرستاد بوی حجت و آنچه نیست مر ایشان را بوی دانش

لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ۝ وَاِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ

از هیچ یاری گری و چون خوانده شود بر ایشان نشانها پیدا

فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ

اندر رویهای آنکسانکه کافر شدند ناپسند همی خواهند اندر رفتند

يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ اٰيَاتِنَا قُلْ اَفَاُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذٰلِكُمُ النَّارُ

خوانند بر ایشان نشانها ما بگو آگاهی دهم تان به بدی از آن آتش

هَا اللهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا اَيُّهَا النَّاسُ

خدا بر آنانکه کافر شدند و بد جای بازگشتن است ای مردمان

عشر

[illegible] والله اعلم بالصواب

ضرب مثل فاستمعوا له ان الذين تدعون من دون الله

زده شود داستانی گوش دارید مر او را آنکسانی که میخوانند بجز خدا

لن يخلقوا ذبابا ولو اجتمعوا له وان يسلبهم الذباب

هرگز نیافرینند مگسی را واگر گرد آیند واگر برباید از ایشان مگس

شيئا لا يستنقذوه منه ضعف الطالب والمطلوب

چیزی نتوانند رهانیدن آنرا ازوی سست جوینده وجسته

قدروا الله حق قدره ان الله لقوي عزيز الله يصطف

اندازه خدا سزای اندازه وی که خدا تواناست وبیهتا خدا برگزیند

من الملئكة رسلا ومن الناس ان الله سميع بصير

از فرشتگان پیغمبری واز مردمان که خدا شنوا وبیناست

ما بين ايديهم وما خلفهم والى الله ترجع الامور

آنچه پیش ایشان است وآنچه پس ایشانست وسوی خدا بازگردانند کارها

ايها الذين امنوا اركعوا واسجدوا واعبدوا ربكم وافع

ای آنکه بگرویدند رکوع کنید وسجود کنید وپرستید خداوند خویش را

الخير لعلكم تفلحون وجاهدوا في الله حق جهاده

نیکی تا مگر شما رها یابید وبکوشید اندر طاعت خدا سزای کوشش وی

اجتبكم وما جعل عليكم في الدين من حرج م

بگزید شما را ونکرد بر شما اندر مسلمانی هیچ تنگی کیش

ابيكم ابرهيم هو سمكم المسلمين من قبل وفي هذا ليك

پدر شما ابراهیم وی نام نهاد ترا مسلمان از پیش واندر این قرآن

الرسول شهيدا عليكم وتكونوا شهداء على الناس فا

پیغمبر گواه بر شما وباشید گواهان بر مردمان وبپا

حزب

سجده شافعی

الجزو الثامن عشر

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام مرویست [illegible]

الصلوة واتوا الزكوة واعتصموا بالله هو مولكم

نماز را وبدهید زکوة را واستوار باشید بخدا وویست خداوند ویار شما

فنعم المولى ونعم النصير

سورة المؤمنون مائة وثمان عشر آية

نیک خداوند ونیک یاریگریست

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدایی که دل مؤمنان را محل خوف ورجا کرد مهربانی که دلهای ایشان محل ثنا ودعا کرد بخشایشگری که ایشان را [illegible]

قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون والذين هم

رستگار شدند گرویدگان آنکسانکه ایشان اندر نماز خویش ترسکاری رمیده باشند وآنکه

عن اللغو معرضون والذين هم للزكوة فاعلون والذين هم

از بازی وکار بیهوده روی بگردانند وآنکه ایشان مر زکوة گذارندگانند وآنکه ایشان

لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم

اندام خویش را نگاه دارنده مگر بر زنان خویش یا آنچه پادشاه گشت دستهای ایشان

فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك

که ایشان نباشند ملامت کردگان هرکه بجوید بجز این ایشانند

هم العادون والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون

ستمکارانند وآنکسانکه ایشان مر امانتها وپیمان خویش را نگاه دارنده

والذين هم على صلوتهم يحافظون اولئك هم الوارثون

وآنکه بر نماز خویش نگاه دارانند ایشانند که ایشان میراث گیرانند

الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون ولقد خلقنا

آنکه میراث یابند بهشت را ایشان اندر آنجا جاودان وما بیافریدیم

الانسان من سلالة من طين ثم جعلناه نطفة

مردم را از بیرون آورده از گل باز بکردیمش آنرا از آب اندک

حزب

عشر

[illegible]

فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا
اندر آرامگاه استوار باز بیافریدیم آن آب اندک را خون بسته پس بیافریدیم
الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا
بسته را گوشت پاره پس بیافریدیم گوشت پاره پاره استخوانها و بپوشانیدیم
الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ
استخوانها را بگوشت باز نغافریدیم خلقی دیگر بابرکت است خدای
الْخَالِقِينَ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ
آفریدگاران است باز شما پس آن بمیرید باز شما
الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا
رستاخیز برانگیزند و بیافریدیم ما زبر شما هفت آسمان بر یکدیگر
كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ
بودیم ما از آفریدن بی آگاه و فرو فرستادیم از آسمان آبی باندازه
فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ فَأَنْشَأْنَا
و بیارامانیدیم آن آب اندر زمین و ما بر بردن آن آب توانا ایم
لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ
مر شما را بوی بوستانها از خرما بنان و انگورها مر شما را اندر آنجا میوها
وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ
و از آنجا همی بخورید و درختی که بیرون آید ازین کوه نیکو برویاند
وَصِبْغٍ لِلْآكِلِينَ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ
و نان خورشی مر خورندگان را و مر شما را اندر چهارپایان پند است
مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ
از آنچه اندر شکمهای ایشان است و مر شما را اندر آنجا منفعتها بسیارست و از آن همی خورند

نان خورش را از آن صبغ گویند که نان را رنگین کند والله اعلم بالصواب

حس

۷
طور
کوهیست
بیت المقدس و ایله
[illegible]
[illegible]
کاتب
شاهزاده سینا
[illegible]
والله اعلم

عليها

عَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ
و بر ایشان و بر کشتیها بر دارند و برند و ما بفرستادیم نوح را سوی
قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا
گروه خویش گفت ای گروه من بپرستید خدای را نیست مر شما را هیچ خدای جز وی
تَتَّقُونَ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا
بترسید از عذاب گفت اشراف آنانکه کافر بودند از گروه وی نیست این مگر
بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ
آدمی همچون شما همی خواهند فزونی کند بر شما و اگر خواستی خدا فرو فرستادی
مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا
فرشتگان نشنیدیم این اندر پدران ما پیشینیان نیست وی مگر
رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي
مردی که بوی دیوانگی است چشم دارید وی را تا گاهی گفت یا خداوند من یاری ده مرا
بِمَا كَذَّبُونِ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا
بدانکه دروغ داشتند و وحی فرستادیم سوی نوح که کن کشتی به دیدار ما
وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ
چون بیاید فرمان ما و بجوشد تنور اندر آور اندر کشتی از هر
زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ
جفتی دو و کسان ماده و نر و کسان خویش مگر آنکس که پیش رفت بروی گفت از ایشان
وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ
و مگوی سخن با من اندر آنکه ستم کردند ایشان را غرق خواهند کرد چون راست نشستی
أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا
تو و آنکه با تو اند بر کشتی بگو سپاس مر خدای را آنکه برهانید ما را

حس

۲
از
ابن المنذر
علیه السلام
نقل کرده اند
مراد از فوران تنور
طلوع صبح
[illegible]
گفته اند که مراد از روی زمین
[illegible]
قتاده گوید که تنور
[illegible]
که آب از آنجا بجوشید
که مراد از تنور
نوح آن در آن
بود آن تنور
از آنجا در کشتی
موضع
[illegible]
که نوح علیه السلام
هم بگوی

بالاستصحاب

عشر

نبی صالح علیه السلام را [illegible] آن قصه دلالت بران دارد
از عذاب ثمود والله اعلم

مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ
از گروه ستمکاران ۝ وبگو خداوندا فرود آور مرا فرود آوردنی بابرکت و
خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ۝ ثُمَّ
بهترین فرود آورندگانی ۝ اندر این نشانهاست وما هستیم آزمایندگان ب
أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ
بیافریدیم از پس ایشان گروهی دیگران ۝ بفرستادیم اندر ایشان پیغمبر از ایشان
أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ وَقَالَ
که بپرستید خدای را نیست مر شما را هیچ خدای بجز وی چرا نه پرهیزید خود را از عذاب وگفت
الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ
مهتران از گروه وی آنانکه کافر گشتند ودروغ داشتند رسیدن بدانجهان
وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا
ونعمت دادیمشان اندر زندگانی اینجهان نیست این مگر مردمی چون شما بخورد از
تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ۝ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ
بخورید شما ازوی وبیاشامند ازانچه شما بیاشامید ۝ واگر فرمان برید
بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ ۝ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ
آدمی را همچون شما شما آنگاه باشید زیان کاران ۝ بیم کند شما را وعید که شما چون
وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ ۝ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا
وبباشید خاک واستخوانها شمارا بیرون آرند ۝ دور بود دور بود
تُوعَدُونَ ۝ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا
وعده کنند شمارا ۝ نیست مگر زندگانی ما اینجهان بمیریم وزییم
نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
ما برانگیختگان ۝ نیست وی مگر مردی از خویشتن ساخته بهتان بر خدا

وماكنا

۲۲۴

عشر

[illegible] آن قوم [illegible] حضرت صالح علیه السلام [illegible]
والله اعلم بالصواب

وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ۝ قَالَ
ونیستیم ما مر اورا باور دارندگان ۝ گفت یا خداوند نصرت ده مرا بانچه بدروغ داشتند مرا ۝ گفت بکمتر الوقت
عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ۝ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ
ازانچه بانگ وقت تیغ زود شوند پشیمانان ۝ بگرفت ایشانرا بانگ براستی بگردیم ایشان
غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ
خاک دوری وهلاک باد مر گروه بیدادگرانرا ۝ باز بیافریدیم از پس ایشان
قُرُونًا آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝
گروهی دیگران ۝ پیش نروند هیچ گروهی اندر زمانه خویش ونه باشند کان
ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ
بفرستادیم پیغمبران مارا دمادم هرگاه که بیامدی بگروهی پیغمبرشان دروغ داشتند
فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ
فرستادیم بهره ازیشان بر بهره وبکردیم ایشانرا سخنان تا باز گویند هلاک زند مر گروهی را
لَا يُؤْمِنُونَ ۝ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ
که نگرویدند ۝ باز فرستادیم موسی را وبرادر وی هرون بنشانهاء ما وحجتها
مُبِينٍ ۝ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا
سوی فرعون وگروه وی ۝ بزرگ منشی کردند وبودند گروهی
عَالِينَ ۝ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا
[illegible] ۝ گفتند ما بگرویم دو مردرا همچون ما وگروه ایشان مارا
عَابِدُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا
پرستندگان ۝ بدروغ داشتند پس بودند از هلاک کردگان ۝ و بدادیم
مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ
موسی را توریة تا مگر ایشان راه راست گیرند ۝ وبکردیم عیسی پسر مریم را ومادر او را

خمس

عشر

آيةً وآويناهما الى ربوة ذات قرار ومعين يا ايها الرسل
نشانی و فرود آوردیشان سوی بالای برارام گاهی و چشمهٔ آب روان یا ایها پیغمبران

كلوا من الطيبات واعملوا صالحا اني بما تعملون
بخورید از پاکیها و حلالها و بکنید نیکیها که من بدانچه می کنید

عليم وان هذه امتكم امةً واحدةً وانا ربكم
دانایم و این گروه شما یک گروه است و من خداوند شما

فاتقون فتقطعوا امرهم بينهم زبرا كل حزب بما لديهم
بترسید از من بریدند کار خویش میان یکدیگر بخشها هر گروهی بدانچه نزد ایشان

فرحون فذرهم في غمرتهم حتى حين ايحسبون انما نمدهم به من مال
شادمان همی باشند بگذار ایشان را اندر کوشش ایشان تا گاهی آنچه افزون کردیم ایشان را

خمس

وبنين نسارع لهم في الخيرات بل لا يشعرون ان
و فرزندان همی شتابیم مر ایشان را اندر نیکیها کردن بلکه ندانند

الذين هم من خشية ربهم مشفقون والذين هم بايات
آنها که ایشان از ترس و بیم خداوند خویش ترسان باشند و آنها که ایشان بنشانهای

ربهم يؤمنون والذين هم بربهم لا يشركون والذين
خداوند خویش گرویده اند و آنها که ایشان بخداوند خویش انباز نگیرند و آنها

يؤتون ما اتوا وقلوبهم وجلة انهم الى ربهم راجعون اولئك
آنچه بدهند و دلهاء ایشان ترسان باشد که ایشان سوی خداوند خویش بازگردند اینان

عشر

يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون ولا نكلف
که همی شتابند اندر نیکیها کردن و ایشان مر آنرا پیشی روند و اندر نکنیم

نفسا الا وسعها ولدينا كتاب ينطق بالحق وهم لا يظلمون
از تنی مگر آنچه تواند و نزد ماست نامه یعنی قران که همی سخن گوید [illegible]

بل قلوبهم في غمرة من هذا ولهم اعمال من دون ذلك هم لها
بلکه دلهاء ایشان کفره در غفلت و حیرت است ازین سخن و مر ایشانراست عملها ناپاک بجز این خطاء عظیم ایشان مر آنرا

عاملون حتى اذا اخذنا مترفيهم بالعذاب اذا هم يجأرون
همی کنند تا وقتی که بگیریم ما متنعمان ایشانرا بعذاب جوع یا قتل آنگاه که ایشان فریاد و گریه کنند

حزب

لا تجأروا اليوم انكم منا لا تنصرون قد كانت اياتي تتلى
زاری مکنید امروز بدرستی که شما از جهت ما یاری کرده نخواهید شد بدرستی که بود آیتهای من خوانده میشد

عليكم فكنتم على اعقابكم تنكصون مستكبرين به سامرا
بر شما پس بودید که از شنیدن آن بر پاشنهای خود باز میگردید در حالتی که طلب رفعت میکردید بجرم [illegible]

تهجرون افلم يدبروا القول ام جاءهم ما لم يأت اباءهم الاولين
افسانه میگویید در شب آیا تفکر نکردند در قران آیا آمد بدیشان آنچه نیامده بود پدران ایشان را پیشینیان

ام لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون ام يقولون به جنة
ناشناخته اند پیغمبر خود را پس ایشان مر او را منکران و ناشناسندگان اند آیا میگویند در او دیوانگی است

عشر

بل جاءهم بالحق واكثرهم للحق كارهون ولو اتبع الحق
بلکه آورد بدیشان دین درست و بیشتر کافران مر حق را ناخواهانند و اگر پیروی کند حق سبحانه

اهواءهم لفسدت السموات والارض ومن فيهن بل اتيناهم
هواهای کافران را هر آینه تباه شدی آسمان و زمین و هر که در آسمان و زمین است بلکه آوردیم بدیشان

بذكرهم فهم عن ذكرهم معرضون ام تسئلهم خرجا فخراج
پند ایشانرا پس ایشان از موعظه خود روی گردانندگان اند آیا تو میخواهی از ایشان مزدی پس مزد

ربك خير وهو خير الرازقين وانك لتدعوهم الى صراط
پروردگار تو بهتر است و خدای بهترین روزی دهندگانست و بدرستی که تو میخوانی ایشانرا به راه

مستقيم وان الذين لا يؤمنون بالاخرة عن الصراط لناكبون
راست که اسلام است و بدرستی که آنانکه نمی گروند بسرای دیگر از آن راه برگشتگان اند

بل قلوبهم

[illegible]

خمس

ولو رحمناهم وكشفنا ما بهم من ضر للجوا في طغيانهم يعمهون

و اگر ما بخشیم برایشان و بر داریم آنچه بدیشان است از سختی هرآینه لجاجت کنند در سرکشی خود سرگشته

ولقد اخذناهم بالعذاب فما استكانوا لربهم وما يتضرعون

و بدرستی که گرفتیم اهل مکه را بعذاب قتل در روز بدر پس فروتنی نکردند مر پروردگار خود را و تضرع ننمودند

حتى اذا فتحنا عليهم بابا ذا عذاب شديد اذا هم فيه مبلسون

تا چون بگشادیم بر ایشان دری خداوند عذاب سخت آنگاه ایشان در آن نا امید

وهو الذي انشا لكم السمع والابصار والافئدة قليلا

و اوست آنکه بیافرید برای شما گوش را و دیدها را و دلها را اندکی را

ما تشكرون وهو الذي ذراكم في الارض واليه تحشرون

شکر میگذارند و اوست آنکه بیافرید شما را در زمین و بسوی او جمع کرده خو

عشر

وهو الذي يحيي ويميت وله اختلاف الليل

و اوست آنکه زنده میکرداند و میمیراند و با مر اوست مخالفت شب

والنهار افلا تعقلون بل قالوا مثل ما قال

و روز آیا تعقل نمی کنید بلکه گفتند مانند آنچه گفته بودند

الاولون قالوا ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا

پیشینیان گفتند آیا چون بمیریم و باشیم خاک و استخوانها خالی آیا

لمبعوثون لقد وعدنا نحن وآباؤنا هذا ~~وآباؤنا~~

برانگیخته شدگان شویم هرآینه وعده داده شده ایم ما و پدران ما این سخن را

هذا من قبل ان هذا الا اساطير الاولين قل لمن الارض

پیش از آمدن محمد نیست این قول مگر افسانهای پیشینیان بگوی محمد مر کراست زمین

ومن فيها ان كنتم تعلمون

و آنکه در ویست اگر هستید که میدانید

سيقولون

۲۲۵

خمس

سيقولون لله قل افلا تذكرون قل من رب السموات

زود گویند از برای خداست بگو پس چرا یاد نمیکنید بگو کیست پروردگار آسمانهای

السبع ورب العرش العظيم سيقولون لله قل افلا تتقون

ت گانه و پروردگار عرش عظیم زود گویند از برای خداست بگو پس چرا [illegible]

ل من بيده ملكوت كل شيء وهو يجير ولا يجار عليه ان كنتم

یست که بحکم ویست پادشاهی هر چیزی و وی زینهار دهد و زینهار نه دهد بروی اگر جان

علمون سيقولون لله قل فانى تسحرون بل اتيناهم

دانید گویند مر خدا را بگو از کجا تان همی باز گردانند که آوردیم بایشان

عشر

لحق وانهم لكاذبون ما اتخذ الله من ولد وما كان

ی و ایشان دروغ زنانند نگرفت خدا هیچ فرزندی و نبود

عه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق ولعلا بعضهم على

با هیچ خدا آنگاه ببردی هر خدا آنچه آفریده وی و برتری جستی بهره ایشان بر

عض سبحان الله عما يصفون عالم الغيب والشهادة

پاکست خدا از آنچه همی صفت کنند داننده نهان و آشکاراست

عالى عما يشركون قل رب اما تريني ما يوعدون رب

ت از آنچه انباز گیرند بگو یا خداوند من اگر بنمایی بمن آنچه وعده میکنند شان یا خداوند من

تجعلني في القوم الظالمين وانا على ان نريك ما نعدهم

اندر گروه بیدادگران و ما بر آنیم که بنماییم ترا آنچه وعده همی کنیم

خمس

ادرون ادفع بالتي هي احسن السيئة نحن اعلم بما يصفون

بسیم باز گردان بدانچه وی نیکو زشت بدی را ما داناتریم بدانچه همی صفت کنند

ل رب اعوذ بك من همزات الشياطين واعوذ بك رب ان

خداوند من باز داشت خواهم بتو از طعنهاء دیوان و باز داشت خواهم بتو یا خداوند من که

[illegible]

عشر

حزب

يحضرون حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلي
سوی من آیند تا چون بیاید بهر یکی ازیشان مرگ گوید خداوند من باز گردانید مرا
اعمل صالحا فيما تركت كلا انها كلمة هو قائلها ومن وراىٔهم
بکنم نیکی اندر آنچه بگذاشتم از طاعتها نی که این سخنیست که وی میگوید و از پس ایشان
برزخ الى يوم يبعثون فاذا نفخ في الصور فلا انساب بينهم
ایستادنی تا آن روز که برانگیزندشان چون بدمند اندر صور نباشند خویشاوندی میان
يومئذ ولا يتساءلون فمن ثقلت موازينه فاولئك هم
ازو روز و نپرسند یکدیگر را هر که گران شود ترازوی حسنات وی ایشانند که
المفلحون ومن خفت موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم
رستگارانند و هر که سبک آید ترازوی وی ایشانند آنکسانند که زیان کردند تنهای
في جهنم خالدون تلفح وجوههم النار وهم فيها كالحون الم
اندر دوزخ جاودانند سیاه کرد اندر رویهای ایشان آتش و ایشان اندر آنجا زشت رویان
تكن اياتي تتلى عليكم فكنتم بها تكذبون قالوا ربنا غلبت
آیتهای من که همی خواندند بر شما بودید شما که ازان دروغ داشتید گویند ای خداوند ما زور کرد
علينا شقوتنا وكنا قوما ضالين ربنا اخرجنا منها فان عدنا
بر ما بدبختی ما و بودیم گروهی گمشدگان ای خداوند ما بیرون آر ما را از دوزخ اگر باز
فانا ظالمون قال اخسئوا فيها ولا تكلمون انه
ستمکاران باشیم گفت دور شوید اندر دوزخ و سخن مگوئید با من
كان فريق من عبادي يقولون ربنا امنا فاغفر لنا وارحمنا
بودند گروهی از بندگان من که می گفتند ای خداوند ما گرویدیم بیامرز گناهان ما را و بخشای
وانت خير الراحمين فاتخذتموهم سخريا حتى انسوكم ذكري
و تو بهترین بخشایندگانی فرا گرفتید ایشان را افسوس تا فراموش کردند یاد من

وکنتم

٤٢٦

عشر

حزب

وكنتم منهم تضحكون اني جزيتهم اليوم بما صبروا انهم
و بودید شما که از ایشان همی خندیدید من پاداش دهم ایشان را امروز بانچه شکیبایی کردند ایشانند
هم الفائزون قال كم لبثتم في الارض عدد سنين قالوا
ایشان رستگارانند گوید چند درنگ کردید اندر زمین شمار سالها گویند
لبثنا يوما او بعض يوم فسئل العادين قال ان لبثتم الا
درنگ کردیم روزی یا بهره از روزی بپرس از شمارگیران گفت خدا اگر باشید درنگ
قليلا لو انكم كنتم تعلمون افحسبتم انما خلقناكم
اندک اگر چنان بودی که شما بدانستیدی که پنداشتید که بیافریدیم شما را
عبثا وانكم الينا لا ترجعون فتعالى الله الملك الحق
بیهوده و شما را سوی ما باز نگردانند برتر است خدا پادشاهی براستی
لا اله الا هو رب العرش الكريم ومن يدع مع الله
نیست خدا مگر وی خداوند عرش بزرگوار و هر که بخواند با خدای
الها اخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا
خدای دیگر نیست حجتی وی را بدان که شمار وی نزد خداوندست که نرهند
يفلح الكافرون وقل رب اغفر وارحم وانت خير
کافران و بگو خداوند من بیامرز و ببخشای و تو بهترین
الراحمين
بخشایندگانی

سورة النور مدنية شصت و چهار آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای روزی دهنده که بارکنایت بخشاینده که رحمت او را شمار نیست
سورة انزلناها وفرضناها وانزلنا فيها ايات بينات لعلكم
سورتی که فرو فرستادیم وی را و فریضه کردیم و فرو فرستادیم اندر وی آیتهای پیدا کرده تا مگر شما

[illegible]

تذكرون ۝ الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما
پند گیرید   زن زنا کننده و مرد زنا کننده بزنید   هر یکی   از ایشان
مائة جلدة ولا تاخذكم بهما رافة في دين الله ان كنتم
صد   تازیانه   و نگیرد شما را بایشان مهربانی اندر حکم خدا اگر چنان است
تؤمنون بالله واليوم الآخر وليشهد عذابهما طائفة
که بگروید   بخدا   و روز باز پسین   و حاضر بود عذاب ایشان گروهی
من المؤمنين ۝ الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة والزانية
از گرویدگان   مرد زانی بزنا نکند   مگر زانیه را   یا مشرکه را   و زن زانیه
لا ينكحها الا زان او مشرك وحرم ذلك على المؤمنين والذين
بزنا نکند   مگر مرد زانی یا مشرک   و حرام کرده شد آن   بر گرویدگان   و آنانکه
يرمون المحصنات ثم لم ياتوا باربعة شهداء فاجلدوهم
دشنام دهند زنان پاکدامن را باز نیارند   بچهار گواه   بزنیدشان
ثمانين جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك هم
هشتاد   تازیانه   و مپذیرید مر ایشان را گواهی هرگز   و ایشانند
الفاسقون ۝ الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا
بیفرمانان   مگر آنکه   توبه کنند از پس این   و نیک کردند
فان الله غفور رحيم ۝ والذين يرمون ازواجهم ولم يكن
که خدا   آمرزنده است و بخشاینده   و آنکه دشنام دهند زنان خویش را و نبود
لهم شهداء الا انفسهم فشهادة احدهم اربع شهادات
مر ایشان را گواهان   مگر خود ایشان   پس گواهی یکی از ایشان چهار گواهی باشد
بالله انه لمن الصادقين ۝ والخامسة ان لعنت الله عليه
بخدا که این شوی از راست گویان   و پنجم   که لعنت   خدای

ان كان

كان من الكاذبين ۝ ويدرؤا عنها العذاب ان
باشد   از دروغ گویان   و دفع کند   از آن زن حبس را اگر
هد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين ۝ والخامسة
دهد بچهار گواهی   بخدای بدرستی که شوهر از دروغگویان است   و گواهی پنجم
غضب الله عليها ان كان من الصادقين ۝ ولولا
خشم خدای بر آن زن اگر باشد مرد   از راستگویان   و اگر نه
ضل الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم ۝ ان
خدا است بر شما و بخشایش او و آنکه خدا قبول کنند توبه است حکم کننده بدرستی که
ين جاءو بالافك عصبة منكم لا تحسبوه شرا لكم
آوردند دروغ بزرگ گروهی اند از شما   مپندارید آنرا بدی از برای شما
هو خير لكم لكل امرئ منهم ما اكتسب من الاثم
بهتر است مر شما را هر یکی را از مردم سخن گفتگان جزای آنچیزی است که کسب کرده از گناه
لذي تولى كبره منهم له عذاب عظيم ۝ لولا اذ سمعتموه
و کسی که فرا گرفت معظم آن سخن را از آن جماعت مر او راست عذابی بزرگ چرا نه آنگاه که شنودید
المؤمنون والمؤمنات بانفسهم خيرا وقالوا هذا افك
مردان و زنان گرونده   بهم دیگران خود نیکوئی را   و گفتند این سخن دروغ است
لولا جاءو عليه باربعة شهداء فاذ لم ياتوا بالشهداء
چرا نیاوردند بدین سخن   چهار گواه   که گواهی دهند پس چون نیاوردند گواهان
لئك عند الله هم الكاذبون ۝ ولولا فضل الله عليكم
نزدیک خدا ایشانند دروغگویان   و اگر نه افزونی کرم خدای بود بر شما
حمته في الدنيا والاخرة لمسكم فيما افضتم فيه عذاب
او در دنیا   و در آخرة هر آینه برسید بر شما در آنچه که خوض کرده اید در او عذابی

الاسماء
[illegible]

عشر

یعنی [illegible]
[illegible]
۱۶۳

خمس

[illegible]

عظيم اذ تلقونه بالسنتكم وتقولون بافواهكم ما ليس لكم به

بزرگ آنگاه که فرا میگرفتید سخن را بزبانها خود و میگفتید بدهنهای خود آنچه نبود شما را بدان

علم وتحسبونه هينا وهو عند الله عظيم ولولا اذ سمعتموه قلتم

علم و می‌پنداشتید آنرا سهل و حال آنکه این سخن نزدیک خدای بزرگست و چرا چون شنیدید آنرا نگفتید

ما يكون لنا ان نتكلم بهذا سبحانك هذا بهتان عظيم يعظكم

نمی‌سزد ما را و نیز سه آنکه سخن گوییم بدین قول پاکست خدای این کلام افترایی بزرگست پند میدهد

الله ان تعودوا لمثله ابدا ان كنتم مومنين ويبين الله لكم الايات

خدای از آنکه باز گردید بمثل این سخن هرگز اگر هستید گرویدگان و بیان میکند خدای

والله عليم حكيم ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة

و خدای داناست حکم کننده بدرستی که آنها که دوست دارند آنکه فاش گردد زشتی

في الذين امنوا لهم عذاب اليم في الدنيا والاخرة والله يعلم

در شان آنها که گرویده‌اند مر ایشانراست عذاب دردناک در دنیا و در آخرت و خدای

وانتم لا تعلمون ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله

و شما نمیدانید و اگر فضل خدا نبودی بر شما و بخشایش او

رؤف رحيم يا ايها الذين امنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان ومن يتبع خطوات الشيطان

مهربانست بخشاینده ای آنها که گرویده‌اید پیروی مکنید گامهای

فانه يامر بالفحشاء والمنكر ولولا فضل الله عليكم ورحمته

پس بدرستی که او میفرماید بکار زشت و عمل ناپسند و اگر نه کرم الهی نبودی بر شما و بخشایش

ما زكى منكم من احد ابدا ولكن الله يزكي من يشاء والله

پاک نگشتی از شما هیچ یکی تا آخر ولیکن خدا پاک سازد هر کرا خواهد و خدای

سميع عليم ولا ياتل اولوا الفضل منكم والسعة ان

شنواست دانا و باید که سوگند نخورند خداوندان فضل و دارندگان توانگری از شما

يؤتوا اولي القربى والمساكين والمهاجرين في سبيل الله

دهند و نزدیکان را و درویشان را و رونده‌گان از خانمان اندر راه خدا

وليعفوا وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله لكم والله

و در گذرند و روی گردانند دوست ندارید که بیامرزد خدا مر شما را و خدا

غفور رحيم ان الذين يرمون المحصنات الغافلات

آمرزنده است و بخشاینده بدرستی آنکه دشنام دهند پاکدامنان را بی آگاهان را

المومنات لعنوا في الدنيا والاخرة ولهم عذاب عظيم

گرویدگان لعنت کرده شد بر ایشان اندر دنیا و عقبی و مر ایشانراست عذابی بزرگ

يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم بما كانوا

روزی که گواهی دهند بر ایشان زبان ایشان و دستهای ایشان و پایهای ایشان بدانچه

يعملون يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق ويعلمون ان الله

آن روز تمام دهد مر ایشانرا خدا پاداش ایشان براستی و بدانند که خدای

هو الحق المبين الخبيثات للخبيثين والخبيثون للخبيثات

راست پیدا کننده زنان پلید مر مردان پلید را شاید و مردان پلید مر زنان پلید را

والطيبات للطيبين والطيبون للطيبات اولئك

زنان پاک مر مردان پاک را شاید و مردان پاک مر زنان پاک را شاید ایشانند

مبرؤن مما يقولون لهم مغفرة ورزق كريم يا

بیزارکان از آنچه همی گویند مر ایشانراست آمرزش و روزی بزرگوار ای

ايها الذين امنوا لا تدخلوا بيوتا غير بيوتكم حتى تستانسوا

آنها که گرویده‌اید اندر مشوید بخانها جز بخانهای شما تا دستوری

وتسلموا على اهلها ذلكم خير لكم لعلكم تذكرون

سلام کنید بر باشندگان خانه ایشان بهتر مر شما را تا مگر شما پند گیرید

حس

عشر

حس

ان تعودوا [illegible]
والله اعلم

[illegible]

فان لم تجدوا فيها احدا فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم

پس اگر نیابید اندر آنجا کسی را اندر مشوید اندر آنجاها تا دستوری دهند

وان قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو ازكى لكم والله بما

واگر گویند مر شما را بازگردید پس بازگردید آن پاکتر مر شما را و خدا بآنچه

تعملون عليم ليس عليكم جناح ان تدخلوا بيوتا

همی کنید داناست نیست بر شما بزه که اندر شوید بخانها

غير مسكونة فيها متاع لكم والله يعلم ما تبدون وما

که نباشد از آنگاه شما اندر آنجا کالا باشد مر شما را و خدا داند آنچه پیدا کنید و آنچ

تكتمون قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم ويحفظوا

پنهان کنید بگو مرگرویدگان را تا بخوابانند از چشمهای خویش و نگاه دارند

فروجهم ذلك ازكى لهم ان الله خبير بما يصنعون وقل

عورتهای خویش را آن پاکیزه تر ایشانرا که خدا آگاه است بدانچه همی کنند

عشر

للمؤمنات يغضضن من ابصارهن ويحفظن فروجهن

زنان گرویدگان تا فروخوابانند چشمهای خویش را و نگاه دارند فرجهای خویش

ولا يبدين زينتهن الا ما ظهر منها وليضربن بخمرهن على

و پیدا نکنند آرایش خویش را مگر آنچه ظاهر باشد از آن و تنگ بپوشند مقنعها خویش

جيوبهن ولا يبدين زينتهن الا لبعولتهن او آبائهن

گریبانها خویش و پیدا نکنند آرایش خویش مگر خویشان شوی را یا پدران خویش

او آباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او اخوانهن

یا پدران شوی خویش را یا پسران خویش را یا پسران شویان خویش یا برادران

او بني اخوانهن او بني اخواتهن او نسائهن او ما ملكت ايمانهن

یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش را یا زنان خویش را یا آنکه پادشاه شود

او التابعين

[illegible]

او التابعين غير اولي الاربة من الرجال او الطفل الذين

یا مردی که در خانه باشد که نباشد ویرا حاجت بزنان از مردان یا کودکانی آنانکه

لم يظهروا على عورات النساء ولا يضربن بارجلهن

رسیده بر کارهای زنان و نزنند پایهای خویش را

ليعلم ما يخفين من زينتهن وتوبوا الى الله جميعا ايه المؤمنون

تا دانسته شود آنچه پنهان دارند از آرایش خویش و بازگردید سوی خدا همه ای گرویدگان

لعلكم تفلحون وانكحوا الايامى منكم والصالحين

مگر برهید از عذاب و زن دهید بیوگان را از شما و نیکان را

من عبادكم وامائكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من

از بندگان و پرستاران شما اگر باشند درویشان بی نیاز گرداندشان خدا از

خمس

فضله والله واسع عليم وليستعفف الذين لا يجدون

خویش و خدا فراخ عطاست و داناست و خویشتن داری کنید یعنی عفت ورزند آنانکه نیابند

نكاحا حتى يغنيهم الله من فضله والذين يبتغون الكتاب

تا بی نیاز کندشان خدا از فزونی و آنکه جویند خویشتن باخریدن نامه

مما ملكت ايمانكم فكاتبوهم ان علمتم فيهم خيرا واتوهم

آنکه پادشاه شود و شما باز فروشیدشان اگر بدانید که اندر ایشان نیکی و بدهیدشان

من مال الله الذي اتاكم ولا تكرهوا فتياتكم على البغاء

از خواسته خدا آنکه بداد شما را و مدارید بجور و ستم پرستاران خویش بر زناکردن

ان اردن تحصنا لتبتغوا عرض الحيوة الدنيا ومن يكرههن

اگر خواهند عفت ورزیدن تا بجویید متاع زندگان اینجهان و هرکه بناکام فرماید ایشانرا

فان الله من بعد اكراههن غفور رحيم ولقد انزلنا

از پس ناکام فرمودن ایشان آمرزنده و بخشاینده و ما فرو فرستادیم

إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ
سوی شما آیتهاء پدید کرده ومثلی از آنکسانیکه گذشتند از پیش شما
وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ ۞ اللَّهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ
و پندی مر پرهیزکارانرا خدای روشن کننده آسمانها و زمین است مثل
نُورِهِ كَمِشْكٰوةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ
روشنائی وی چون چراغدانست اندر آنجا چراغی بود آن چراغ اندر آبگینه
الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ
آن آبگینه همچون ستاره رخشان افروخته از درختی بسیار منافع زیتون
لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ
نه سوی برآمدن آفتاب و نه سوی فروشدن خواهد روغن وی که روشنائی دهد و اگرچه نرسد بوی آتش
نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ
روشنائی بر روشنائی راه نماید خدا بر روشنائی وی آنرا که خواهد و همی پدید آرد خدای
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۞ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ
مانندها مر مردمانرا و خدا بهر چیزی داناست اندر خانها که فرموده خدای
أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ
بر دارند سقف و یاد کنند اندر آنجا نام وی تسبیح کنند مر او را اندر آنجا بامداد و شبانگاه
رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلٰوةِ
مردانی از ذکر مشغول نکرد ایشانرا بازرگانی کردن و نه فروختن از یاد کرد خدا و بپا داشتن نماز
وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ
و دادن زکوة همی ترسند از روزی که گردان گردد اندر دلها و دیدها
لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ
پاداش دهد ایشانرا خدا نیکوترین آنچه کردند و بیفزاید ایشانرا از افزونی و خدا

من یشا

۷
از
حضرت
ابو عبد الله ع
در حدیث صالح بن
سهل همدانی که در کتاب
کافی مذکور است تفسیر نموده مشکوة را
بفاطمه علیها السلم و مصباح را بالحسن و زجاجه را
بحسین ع و در تفسیر کانها کوکب دری فرموده
که فاطمه ستاره ایست درخشان میان زنان
اهل دنیا و شجره مبارکه را با براهیم علیه السلم [illegible]
[illegible]
که چون
رسول خدا صلعم
این آیه را تلاوت
نمود [illegible]
[illegible]
این خانه یعنی خانهای علی و فاطمه از آن خانهاست
[illegible]

مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۞ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ
آنرا که خواهد بی شمار وآنکسانکه نگرویدند کارهای ایشان مانند آب نما
بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا
در بیابانی پندارد آنرا تشنه که آبست تا چون بیاید بوی نیابد بوی چیزی
وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفّٰىهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۞
و یابد عذاب خدا نزدیک وی و تمام دهد ویرا شمار وی و خدا زود شمار است
أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشٰىهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ
یا چون تاریکیها اندر دریا آب بر پوشد آهنگی از زیر آن آهنگی
مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ
از زبر آن ابری تاریکیها بعضی از آن از زبر بعضی چون بیرون آید
يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرٰىهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ
دست خویش نخواهد که بیند آنرا و هر که نکند خدا مر او را روشنائی نباشد او را
مِنْ نُورٍ ۞ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَ
هیچ روشنی نه بینی یا محمد که خداست که مر او را هر که اندر آسمانهاست و زمین اندر و
الطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
مرغان صف زده همه میدانند دعاء وی و تسبیح وی و خدا داناست
بِمَا يَفْعَلُونَ ۞ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ
بدانچه می کنند و مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین و سوی خداست
الْمَصِيرُ ۞ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ
بازگشتن نه بینی که خدا همی راند ابری را باز بر پیوندد میان وی باز
يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ
گرداندش از یکدیگر ببینی مر باران را بیرون آید از میان وی و فرود آید

[illegible]

عشر

۶
ضمیر
فی علم و
ضمیر صلوته و تسبیحه
همه را [illegible]
از اهل سموات و ارض [illegible]
[illegible]
۲
[illegible]
و ضمیر صلوته و تسبیحه راجع [illegible]
والله علیم بما یفعلون [illegible]
[illegible]
ضمیر صلوته
و تسبیحه راجع
[illegible]
والله اعلم [illegible] بالصواب

من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء و

از آسمان از کوهها از تگرگ برساند آن بدانکه خواهد و

يصرفه عن من يشاء يكاد سنا برقه يذهب بالابصار

بازدارد آنرا از آنکه خواهد نزدیک میشود روشنائی برق که ببرد بینائیها

يقلب الله الليل والنهار ان في ذلك لعبرة لاولي

می گرداند خدا شب و روز را اندرین پندیست مر خداوندان

الابصار ۝ والله خلق كل دابة من ماء فمنهم من

بینائیها و خدا بیافرید هر جنبنده را از آب از ایشان هست که

يمشي على بطنه ومنهم من يمشي على رجلين ومنهم من

میرود بر شکم خویش و از ایشان هست که میرود بر دو پای و از ایشان هست که

يمشي على اربع يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شي قدير

میرود بر چهار پای بیافریند خدا آنچه خواهد که خدا بر هر چیزی توانا

لقد انزلنا ايات مبينات والله يهدي من يشاء الى

ما فرو فرستادیم نشانها پیدا کرده و خدا راه نماید آنرا که خواهد سوی

صراط مستقيم ۝ ويقولون امنا بالله وبالرسول و

راه راست و می گویند گرویدیم بخدا و به پیغمبر و

اطعنا ثم يتولى فريق منهم من بعد ذلك وما اولئك بالمؤمنين

فرمانبرداریم باز گردند گروهی از ایشان از پس آن و نیند ایشان گرویدگان

واذا دعوا الى الله ورسوله ليحكم بينهم اذا فريق منهم

و چون بخوانندشان سوی خدا و پیغمبر او تا داوری کند میان ایشان چون گروهی از ایشان

معرضون ۝ وان يكن لهم الحق ياتوا اليه مذعنين ۝

روی گردانیدگان و اگر باشد مر ایشان را حق بیایند سوی وی گردن نهادگان

حزب

عشر

[illegible]

افي قلوبهم مرض ام ارتابوا ام يخافون ان يحيف الله

آیا اندر دلهای ایشان بیماریست یا بشک شده اند یا همی ترسند که ستم کند خدا

عليهم ورسوله بل اولئك هم الظالمون ۝ انما كان قول

بر ایشان و پیغمبر وی بلکه ایشانند که ایشان ستمکارانند هر آینه بود گفتار

المؤمنين اذا دعوا الى الله ورسوله ليحكم بينهم ان يقولوا

گرویدگان چون بخوانندشان سوی خدا و پیغمبر وی تا داوری کند میان ایشان که گویند

سمعنا واطعنا واولئك هم المفلحون ۝ ومن يطع الله و

شنیدیم و فرمان کردیم و ایشانند که ایشان پایدارانند در بهشت و هر که فرمان کند خدا را و

رسوله ويخش الله ويتقه فاولئك هم الفائزون ۝ و

پیغمبر را و بترسد از خدا و از عذاب ایشانند که ایشان رستگارانند و

اقسموا بالله جهد ايمانهم لئن امرتهم ليخرجن قل لا تقسموا

سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگندهای ایشان و اگر بفرمائی ایشان بیرون روند بگو سوگند مخورید

طاعة معروفة ان الله خبير بما تعملون ۝ قل اطيعوا الله

فرمانبرداری نیکو که خدا آگاه است بدانچه همی کنند بگو ای محمد فرمان برید خدا را

واطيعوا الرسول فان تولوا فانما عليه ما حمل وعليكم

و فرمان برید پیغمبر را اگر برگردید خود بر پیغمبر است آنچه روی نهاده اند و بر شماست

ما حملتم وان تطيعوه تهتدوا وما على الرسول الا

آنچه بر شما نهاده اند و اگر فرمان برید او را راه راست یابید و نیست بر پیغمبر مگر

البلاغ المبين ۝ وعد الله الذين امنوا منكم وعملوا

رسانیدن پیدا وعده کرد خدا آنها را که بگرویدند از شما و بکردند

الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين

نیکیها که خلیفه کرداند ایشان را اندر زمین همچنانکه خلیفه کرد آنها که

خمس

من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم
از پیش ایشان بودند و استوار کرد اندر ان ایشان را دین ایشان آنکه پسندید مر ایشان را و بدل کند
من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيا
از پس ترس ایشان بایمنی بپرستید مرا انباز نکیرند بمن چیزی
ومن كفر بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون ۝ واقيموا
و هرکه کافر کردد از پس آن ایشانند ایشان بی فرمانان اند و بپای دارید
الصلوة واتوا الزكوة واطيعوا الرسول لعلكم ترحمون
نماز را و بدهید زکوة را و فرمان برید پیغمبر را تا مگر شما را رحمت کند
لا تحسبن الذين كفروا معجزين في الارض وماويهم
و مپندار انکسانرا که کافر شدند که بتوانند کریختن اندر زمین و جای ایشان
النار ولبئس المصير ۝ يا ايها الذين امنوا ليستاذنكم
دوزخ است و بد جای بازگشتن است ای آنکسانکه بگرویدید دستوری خواهد از شما
الذين ملكت ايمانكم والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث
آنکسانکه زیردست شما اند و آنکسانکه نرسیده باشند بخواب دیدن از شما سه
مرات من قبل صلوة الفجر وحين تضعون ثيابكم من
بار و سه عیب از پیش نماز بامداد و آنگاه بنهید جامهای شما را از
الظهيرة ومن بعد صلوة العشاء ثلث عورات لكم
نیم روز و از پس نماز خفتن سه ساعة مر شما را
ليس عليكم ولا عليهم جناح بعدهن طوافون عليكم
نیست بر شما و نه بر ایشان بزه پس این سه گردندگان بر شما
بعضكم على بعض كذلك يبين الله لكم الايات
بهره از شما بر بهره همچنین پدید کند خدا مر شما را نشانها

والله

والله عليم حكيم ۝ واذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستاذنوا
و خدا دانا و صواب کار است و چون برسند خردکان از شما بکال خود دستوری خواهند
كما استاذن الذين من قبلهم كذلك يبين الله
چنانکه دستوری خواستند آنکسانکه از پیش ایشان بودند همچنین پدید کند خدا
لكم اياته والله عليم حكيم ۝ والقواعد من النساء
مر شما را آیتهای خویش و خدا داناست و صواب کار و نشستگان از زنان
اللاتي لا يرجون نكاحا فليس عليهن جناح ان يضعن
آنانکه امید ندارند زنان شوی نیست بر ایشان بزه که بنهند
ثيابهن غير متبرجات بزينة وان يستعففن خير لهن والله
جامهای خویش را جز بازایندکان خویشتن آرایشن و اگر عفت نمایند بهتر ایشان را و خدا
سميع عليم ۝ ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج
شنوای داناست نیست بر نابینا تنگی و نه بر لنگ
حرج ولا على المريض حرج ولا على انفسكم ان تاكلوا
تنگی و نه بر بیمار تنگی و نه بر تنهاء شما که بخورید
من بيوتكم او بيوت ابائكم او بيوت امهاتكم او بيوت اخوانكم
از خانهاء شما یا خانهاء پدران شما یا خانهاء مادران شما یا خانهاء برادران خویش
او بيوت اخواتكم او بيوت اعمامكم او بيوت عماتكم او بيوت
یا خانهاء خواهران خویش یا خانهای عمان خویش یا خانهاء عمتان خویش یا خانهاء
اخوالكم او بيوت خالاتكم او ما ملكتم مفاتحه او صديقكم
برادران مادر خویش یا خانهاء خواهران مادر خویش یا آنچه پادشاه شوند کلیدها و را یا دوست شما
ليس عليكم جناح ان تاكلوا جميعا او اشتاتا فاذا
نیست بر شما بزه که بخورید همه یا پراکنده چون

عشر

[illegible]

[illegible]

مراد از سلام بر اهل خانه است
فیکون از [illegible] علیکم [illegible]
تحیت [illegible] مفعول مطلق [illegible]
[illegible]
وطیبة [illegible]

دخلتم بيوتا فسلموا على انفسكم تحية من عند الله مبارك

اندر شوید بخانها سلام کنید بر تنهای خویش درودی از نزد خدا بابرکت

طيبة كذلك يبين الله لكم الايات لعلكم تعقلون

خوش همچنین پیدا کند خدا مر شما را نشانها تا مگر شما اندر یابید

انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله واذا كانوا مع

گرویدگان ایشان اند که بگروید بخدا و پیغمبر وی و چون باشند با وی

على امر جامع لم يذهبوا حتى يستاذنوه ان الذين يستاذنو

بر کاری گرد آمده نروند تا دستوری خواهند ازوی آنها که دستوری خواهن

اولئك الذين يؤمنون بالله ورسوله فاذا استاذنو

ایشانند آنها که بگروند بخدا و پیغمبر وی و چون دستوری خوا

لبعض شانهم فاذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله

مر بهره کارهای خویش دستوری ده مر آنرا که خواهی از ایشان و آمرزش خواه مر ایشانرا از

ان الله غفور رحيم لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعا

که خدا آمرزنده است و بخشاینده مکنید خواندن بنام پیغمبر میان شما چو

بعضكم بعضا قد يعلم الله الذين يتسللون منكم لواذ

یکی از شما مر دیگر را همی داند خدا آنها که خویشتن بیرون شوند از شما

فليحذر الذين يخالفون عن امره ان تصيبهم فتنة او يصي

پرهیز کنید آنها که همی مخالف شوند از فرمان پیغمبر که برسد بایشان آزمایشی یا بر

عذاب اليم الا ان لله ما في السموات والارض قد يعلم

عذابی دردناک بدانید که مر خدایراست آنچه اندر آسمانها و زمین است

ما انتم عليه ويوم يرجعون اليه فينبئهم بما عملوا والله

آنچه شما بر وی آیند و آن روزی که بازگردانندشان سوی وی آگاهی دهدشان بدانچه کردند

بكل

مراد از [illegible]
[illegible]

اشاره است بتضمین مخالفت معنی اعراض
[illegible]
مفعول یخالفون مقدر است [illegible]
[illegible] والله اعلم بالصواب
[illegible]
یعلم بحقایق الامور [illegible]

[illegible]

بكل شئ سورة الفرقان مكية سبع وسبعون آية عليم

چیزی و دانا است

بسم الله الرحمن الرحيم

م خدای که خلایق حاجتها بوی بردارند مهربانی که روزی ازوی خواهند بخشاینده که رحمت او امید دارند

بارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا

وار و برکتست آنکه فرو فرستاد نبی جدا کننده حق از باطل بر بنده خود محمد تا باشد مر آدمیان و پریان را بیم کننده

الذي له ملك السموات والارض ولم يتخذ ولدا ولم

مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و نگرفت فرزندی و نه

ن له شريك في الملك وخلق كل شئ فقدره تقديرا

مر او را انبازی اندر پادشاهی و بیافرید همه چیزی و اندازه کرد اندازه کردنی

تخذوا من دونه الهة لا يخلقون شيئا وهم يخلقون

گرفتند بجز ازوی خدایان که نیافرینند چیزی و ایشانرا بیافرینند

لا يملكون لانفسهم ضرا ولا نفعا ولا يملكون موتا

پادشاهی ندارند مر تنها خویش گزندی و نه سودی و پادشاهی ندارند مرگی

لا حيوة ولا نشورا وقال الذين كفروا ان هذا الا

زندگانی و نه برانگیختنی و گفتند آنها که کافر شدند نیست این مگر

فك افتريه واعانه عليه قوم اخرون فقد جاءو

که از خویشتن ساخته و یاری کرده است او را گروهی دیگران بحقیقه آوردند

ظلما وزورا وقالوا اساطير الاولين اكتتبها فهي

ستمی و دروغی و گفتند این نوشتها پیشینیان است خویشتن نبشته است آن همه

تملى عليه بكرة واصيلا قل انزله الذي يعلم السر

خوانند بروی بامداد و شبانگاه بگو فرو فرستاد او را آنکه بداند راز

حن

في السموات والارض انه كان غفورا رحيما وقالوا
اندر آسمانها وزمین کوی هست آمرزنده وبخشاینده وگفتند
مال هذا الرسول ياكل الطعام ويمشي في الاسواق
چه بوده است این پیغمبر را که میخورد طعام ومیرود اندر بازارها
لولا انزل اليه ملك فيكون معه نذيرا او
چرا نفرستادند سوی فرشته تا باشدی باوی بیم کننده یا
يلقى اليه كنز او تكون له جنة ياكل منها وقال الظالمون
بیفکندی سوی وی گنجی یا باشد مر او را بوستانی بخورد ازآنجا وگفتند بیدادگران
ان تتبعون الا رجلا مسحورا انظر كيف ضربوا لك
که پس روید مگر مردی جادو کرده را. بنگر چگونه زدند مر ترا
الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا تبارك الذي
مثلها وگم شدند ونتوانستند براه برآمدن با فزونیست آنکه
ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار
که اگر بخواهد بکند مر ترا بهتر ازین بستانها که همی رود از زیر آن جویها
ويجعل لك قصورا بل كذبوا بالساعة واعتدنا لمن
وبکند مر ترا کوشکها بلکه دروغ داشتند رستاخیز وساختیم مر آن کسی را
كذب بالساعة سعيرا اذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا
که دروغ داشت رستاخیز آتشی سوزان چون ببینند ایشانرا از جایگاه دور بشنوند
لها تغيظا وزفيرا واذا القوا منها مكانا ضيقا مقرنين
مر آنرا خشم آوردنی وخروشیدنی وچون در افکنند شان از آنجا تنگ برهم بسته
دعوا هنالك ثبورا لا تدعوا اليوم ثبورا واحدا وادعوا
بخوانند آنجا وای وای مخوانید امروز وای وای یکی وبخوانید

عشر

گاه میگفتند که مسحور است وگاه میگفتند که فقیر است وبدین علت از او در گذر [illegible] او میکردند وگاه میگفتند معلم کار او [illegible] دیگری میکنند والله اعلم بالصواب

ثبورا [illegible]

[illegible]

هو

۲۷۴

ثبورا كثيرا قل اذلك خير ام جنة الخلد التي وعد
وای وای بسیار بگو آن بهتر یا بهشت جاودانی آنکه وعده کردند
المتقون كانت لهم جزاء ومصيرا لهم فيها ما يشاؤن خالدين
پرهیزکارانرا هست مر ایشانرا پاداشتی وجای بازگشتن مر ایشانرا اندر آنجا آنچه خواهند جاودان
كان على ربك وعدا مسؤلا ويوم يحشرهم وما يعبدون
هست بر خداوند تو وعده خواسته وآن روز که گرد آورد ایشانرا وآنچه پرستیدند
من دون الله فيقول ءانتم اضللتم عبادي هؤلاء ام هم
بجز خدا بگوید ای شما گم کردید بندگان مرا اینها را یا ایشان
ضلوا السبيل قالوا سبحانك ما كان ينبغي لنا ان نتخذ
گم کردند راه را راست گویند پاکی تو نبود سزاوار ما را که بگیریم
من دونك من اولياء ولكن متعتهم واباءهم حتى نسوا الذكر
بجز از تو از یاران ودوستان ولیکن برخوردار کردی ایشانرا وپدران ایشانرا تا فراموش کردند یاد کرد و
وكانوا قوما بورا فقد كذبوكم بما تقولون فما تستطيعون
بودند گروهی هلاک شدگان ودروغ زن گردانیدند شما را بدانچه میگویند نتوانند
صرفا ولا نصرا ومن يظلم منكم نذقه عذابا كبيرا
گردانیدن ونه یاری دادن وهر که بیداد کند از شما بچشانیم عذاب بزرگ
وما ارسلنا قبلك من المرسلين الا انهم لياكلون الطعام
ونفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبرانی مگر ایشان همی خوردند طعام
ويمشون في الاسواق وجعلنا بعضكم لبعض فتنة اتصبرون
ومیرفتند اندر بازارها وبکردیم بعضی از شما مر بعضی را آزمایشی ای شکیبایی کنید
وكان ربك بصيرا وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا انزل
وهست خداوند تو بینا وگفتند آنکه امید ندارند رسیدن ما چرا نفرستادند

حزب

[illegible]

الجزء التاسع عشر

عشر

عَلَیْنَا الْمَلٰئِکَةُ اَوْ نَرٰی رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَکْبَرُوا فِی اَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْ
بر ما فرشتگان یا بدیدیمی خداوند خویش را بزرگ منشی کردند در تنهاء ایشان و از حد
عُتُوًّا کَبِیرًا ۝ یَوْمَ یَرَوْنَ الْمَلٰئِکَةَ لَا بُشْرٰی یَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِینَ
بزرگ آن روز که ببینند فرشتگان را مژده ندهند آن روز مر گناهکاران را
وَیَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ۝ وَقَدِمْنَا اِلٰی مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ
وگویند حرامست و بازداشته وقصد کنیم سوی آنچه کردند از کار و گردانیم
هَبَاءً مَنْثُورًا ۝ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ یَوْمَئِذٍ خَیْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ
گردی پراکنده باشندگان بهشت آن روز بهتر آرامگاهی
اَحْسَنُ مَقِیلًا ۝ وَیَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلٰئِکَةُ
خوبترین خوابگاهی باشند و آن روز که بشکافد آسمان بابر و فرو فرستاده
تَنْزِیلًا ۝ اَلْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ وَکَانَ یَوْمًا عَلَی
فرشتگان پادشاهی آن روز براستی مر خدای را باشد و باشد روزی بر
الْکَافِرِینَ عَسِیرًا ۝ وَیَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلٰی یَدَیْهِ یَقُولُ یَا
کافران دشوار و آن روز که بخاید کافر بر دو دست خویش را گوید ای
لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا ۝ یَا وَیْلَتٰی لَیْتَنِی لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا
کاشکی من برگرفتمی با پیغمبر راهی ای وای کاشکی من برگرفتمی بهمان
خَلِیلًا ۝ لَقَدْ اَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ اِذْ جَاءَنِی وَکَانَ
دوست گمراه گردانید مرا از یاد کرد و توحید پس آنکه بیامد بمن
الشَّیْطَانُ لِلْاِنْسَانِ خَذُولًا ۝ وَقَالَ الرَّسُولُ یَا رَبِّ اِنَّ قَوْمِی
دیو مر مردم را بجا مانده وگفت پیغمبر ای خداوند من
اتَّخَذُوا هٰذَا الْقُرْاٰنَ مَهْجُورًا ۝ وَکَذٰلِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ
بگرفتند این قران را سخن بیهوده وهمچنین بکردیم مر هر پیغمبری

خمس

عشر

[illegible]

عدوا

۲۳۵

عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِینَ وَکَفٰی بِرَبِّکَ هَادِیًا وَنَصِیرًا ۝ وَقَالَ
دشمن از گناهکاران وبسنده است خداوند تو راه نماینده و یاری کننده وگفتند
الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَیْهِ الْقُرْاٰنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً
آنها که کافر شدند چرا فرو نفرستادند بروی قرآن جمله بیکبار
کَذٰلِکَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَکَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِیلًا ۝ وَلَا یَاْتُونَکَ
استوار کردیم بوی [illegible] وآهسته فرستادیمش آهسته فرستادنی ونه آمد بتو
بِمَثَلٍ اِلَّا جِئْنَاکَ بِالْحَقِّ وَاَحْسَنَ تَفْسِیرًا ۝ اَلَّذِینَ یُحْشَرُونَ
مثلی مگر بیاریم بتو براستی و نیکوتر پیدا کردن آنها که گرد آرند
عَلٰی وُجُوهِهِمْ اِلٰی جَهَنَّمَ اُولٰئِکَ شَرٌّ مَکَانًا وَاَضَلُّ سَبِیلًا ۝
بر رویهای خویش سوی دوزخ ایشانند بتر بجایگاه و گمگشته تر از راه
وَلَقَدْ اٰتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ اَخَاهُ
بدادیم موسی را نامه یعنی توریة وبکردیم با وی برادر وی
هٰرُونَ وَزِیرًا ۝ فَقُلْنَا اذْهَبَا اِلَی الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا
وزیری یاری گر وگفتیم بروید سوی گروه آنها که دروغ داشتند
بِاٰیَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِیرًا ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا کَذَّبُوا الرُّسُلَ
آیتهای ما را هلاک کردیمشان هلاک کردنی وگروه نوح را چون دروغ داشتند پیغمبران
اَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ اٰیَةً وَاَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِینَ
غرق کردیمشان وبکردیمشان مر مردمان را پندی وساخته کردیم مر بیدادگران را
عَذَابًا اَلِیمًا ۝ وَعَادًا وَثَمُودَا وَاَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَیْنَ
عذابی دردناک وگروه عاد وگروه ثمود را وخداوندان چاه را وگروهان میان
ذٰلِکَ کَثِیرًا ۝ وَکُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْاَمْثَالَ وَکُلًّا
آن بسیاری وهمه را بدادیم مر او را مثلها و داستانها و همه را

خمس

[illegible]

تبرنا تتبيرا ۝ ولقد اتوا على القرية التي امطرت مطر
هلاک کردیم هلاک کردنی وایشان گذشته اند بر ده که باریده شد باران بد
السوء افلم يكونوا يرونها بل كانوا لا يرجون نشورا
به آیا نبودند که بدیدندی آن نکه بودند ایشان امید نداشتند برانگیختن
واذا راوك ان يتخذونك الا هزوا اهذا الذي بعث الله
وچون ببینند ترا که نگیرند تو مگر بافسوس این آن است که برانگیخت خدا
رسولا ۝ ان كاد ليضلنا عن الهتنا لولا ان صبرنا
پیغمبری خواست که گم کرداند ما را از خدایان ما یعنی بتان اگر نه آن بودی که صبر کردیم
عليها وسوف يعلمون حين يرون العذاب من اضل
برآن وزود باشد که بدانند آنگاه که ببینند عذاب را که کیست گمراه تر
سبيلا ۝ ارايت من اتخذ الهه هويه افانت تكون عليه
از راه چه بینی تو یا محمد کسی که گیرد بخدای هوای خویش را یا تو هرگز باشی بر وی کارساز
وكيلا ۝ ام تحسب ان اكثرهم يسمعون او يعقلون ان هم
نگاهدارنده یا همی پنداری که بیشتر ازیشان بشنوند یا دریابند نیستند ایشان
الا كالانعام بل هم اضل سبيلا ۝ الم تر الى ربك
مگر چون ستوران بل ایشان گمراه تراند از راه نگاه نکنی سوی خداوندت
كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا الشمس
چگونه بکشید سایه یعنی شب را و اگر خواستی بگردیدیش آرامیده باز بگردیدیم آفتاب
عليه دليلا ۝ ثم قبضناه الينا قبضا يسيرا ۝ وهو الذي
بر روی راه نمون باز فراگرفتیمش سوی ما گرفتنی آسان و اوست آنکه
جعل لكم الليل لباسا والنوم سباتا وجعل النهار
بکرد مر شما را شب پوشیدنی و خواب آسایشی و بکردیم روز

نشورا

نشورا ۝ وهو الذي ارسل الرياح بشرا بين يدي رحمته
برانگیختن و اوست آنکه بفرستاد بادها را مژده دهنده پیش آمدن باران
وانزلنا من السماء ماء طهورا ۝ لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه
و فرستادیم از آسمان آبی پاک کننده تا زنده کردانیم بدان آب زمینی مرده و آب دهیم آنرا
مما خلقنا انعاما واناسي كثيرا ۝ ولقد صرفناه بينهم
از آنچه بیافریدیم چهارپایان و مردمان بسیار را و بدرستی که بگردانیدیم میان ایشان
ليذكروا فابى اكثر الناس الا كفورا ۝ ولو شئنا لبعثنا
تا پند گیرند نخواهند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی و اگر خواستیمی بفرستادیم
في كل قرية نذيرا ۝ فلا تطع الكافرين وجاهدهم
در هر دهی بیم کننده فرمان مبر کافران را و کارزار کن با ایشان
به جهادا كبيرا ۝ وهو الذي مرج البحرين هذا عذب فرات
بآن قرآن کارزاری بزرگ و اوست آنکه بیامیخت دو دریا این خوش شیرین
وهذا ملح اجاج وجعل بينهما برزخا وحجرا محجورا ۝
و آن شور تلخ و بکردیم میان ایشان بازداشتنی و بازداشتی بازداشته و
وهو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان
اوست آنکه بیافرید از آب مردمی و بکردیم مر او را خویشاوندی و زناشویی و هست
ربك قديرا ۝ ويعبدون من دون الله ما لا ينفعهم
خداوند تو توانا و همی پرستند بجز از خدا آنچه سود نکند ایشان را
ولا يضرهم وكان الكافر على ربه ظهيرا ۝ وما ارسلناك
و زیان نکند ایشان را و هست کافر بر خداوند خویش یاری کر و نفرستادیم ترا
الا مبشرا ونذيرا ۝ قل ما اسئلكم عليه من اجر الا من
مگر مژده دهنده و بیم کننده بگو نخواهم از شما بر وی هیچ مزدی مگر آنکسی

عشر

خمس

عشر

خمس

[illegible]

... علی الارض هونا و یقولوا خطاب بغیر سینین باشند [illegible]

شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا ۝ وتوكل على الحي الذي
که بخواهد که بگیرد سوی خداوند خویش راهی و توکل کن بر زنده آنکه

لا يموت وسبح بحمده وكفى به بذنوب عباده خبيرا ۝
هرگز نمیرد و تسبیح کن بستایش وی و بسنده است وی بگناهان بندگان خود آگاه

الذي خلق السموات والارض وما بينهما في ستة ايام
آنکه بیافرید آسمانها و زمین و آنچه میان دو است اندر شش روز

ثم استوى على العرش الرحمن فسئل به خبيرا ۝ واذا قيل
باز قصد کرد بر نگاهداشتن عرش بخشاینده، بپرس برا که آگاه است و چون گویند

لهم اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن انسجد لما تامرنا
مر ایشان را سجده کنید مر خدا را گویند چیست خدا، که سجده کنیم مرا آنرا که فرمایی ما را

وزادهم نفورا ۝ تبارك الذي جعل في السماء بروجا
و بیفزاید ایشان را رمیدن خیر است آنکه بکرد اندر آسمان جای ستارگان

وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا ۝ وهو الذي جعل الليل والنهار
و بکرد اندروی چراغی یعنی آفتاب و ماهی تابان و وی است آنکه بکرد شب و روز

خلفة لمن اراد ان يذكر او اراد شكورا ۝ وعباد الرحمن
از پس یکدیگر اندر آینده مر او را که خواست که پند گیرد یا خواهد سپاسداری کردن و بندگان خدای

الذين يمشون على الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون
آنانند که میروند بر زمین نرم آهسته و چون سخن گویند با ایشان نادان

قالوا سلاما ۝ والذين يبيتون لربهم سجدا وقياما ۝ والذين يقولون
گویند سلامت با شما و آنانکه شب گذارند مر خداوند خویش را سجده کنندگان و ایستادگان و آنانکه گویند

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما
یا خداوند ما باز گردان از ما عذاب دوزخ که عذاب وی هست سخت گران

سجده

حزب

[illegible]

انها

انها ساءت مستقرا ومقاما ۝ والذين اذا انفقوا لم
آن بد آرامگاهیست و جای سخت و آنانکه چون هزینه کنند از

يسرفوا ولم يقتروا وكان بين ذلك قواما ۝ والذين لا
اندازه نگذرند و تنگ نگیرند و باشد میان این دو ایستاده و آنانکه نخوانند

يدعون مع الله الها اخر ولا يقتلون النفس التي حرم الله
با خدا خدای دیگر و نکشند تنی را که حرام کرده است خدا

الا بالحق ولا يزنون ومن يفعل ذلك يلق اثاما ۝ يضاعف
مگر براستی و زنا نکنند و هر که بکند این برسد اثام نام وادی اندر دوزخ بیفزاید

له العذاب يوم القيمة ويخلد فيه مهانا ۝ الا من تاب
وی را عذاب روز رستاخیز و جاودان باشد در آنجا خوار کرده مگر آنکه توبه کرد

وامن وعمل عملا صالحا فاولئك يبدل الله سيئاتهم
و گرود و بکند کاری نیک. ایشانند که بدل کند خدا بدیهای ایشان

حسنات وكان الله غفورا رحيما ۝ ومن تاب وعمل
و هست خدا آمرزنده و بخشاینده و هر که توبه و بکند

صالحا فانه يتوب الى الله متابا ۝ والذين لا يشهدون
نیکی وی بازگرد و سوی خدا بازگشتنی و آنانکه حاضر نکردند

الزور واذا مروا باللغو مروا كراما ۝ والذين اذا
دروغ گفتن و چون بگذرند سخن بیهوده بگذرند با بزرگان و آنانکه چون

ذكروا بايات ربهم لم يخروا عليها صما وعميانا ۝ والذين
پند داده شان بآیتها خداوند خویش نیفتند بران آنجا کران و کوران و آنانکه

يقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا قرة اعين واجعلنا
گویند یا خداوند ببخش ما را از زنان ما و فرزندان ما روشنایی چشمها و بکردان ما را

عشر

حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

للمتقين اماما ۝ اولٰئك يجزون الغرفة بما صبروا ويلقون

از پرهیزکاران پیشوان ایشانند که پاداش دهند شان بجایگاه بهشت بدانچه شکیبایی کردند و

فيها تحية وسلاما ۝ خالدين فيها حسنت مستقرا ومقاما

اندر آنجا درودی و سلامتی جاودان باشند اندر آنجا نیکست آن آرامگاه و جای

قل ما يعبؤا بكم ربي لولا دعاؤكم فقد كذبتم فسوف

بگو چه باک دارد از شما خداوند من اگر نخوانید شما او را بدرستی دروغ داشتید زود

يكون لزاما

باشد عذاب شما

سورة الشعراء مكية مائتان وسبع وعشرون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدایی که خلق و عظمت سرکرداند مهربان که لقمه و روزی او را دهند بخشاینده که رحمت او ابد

طسم ۝ تلك آيات الكتاب المبين ۝ لعلك باخع نفسك الا

آیتها قسم یاد میکند که این نامه است یعنی قران پیدا کرده مگر تو هلاک کنی تن خویش

يكونوا مؤمنين ۝ ان نشأ ننزل عليهم من السماء آية فظلت

نباشند آن کافران گرویدگان اگر بخواهیم فرو فرستیم بر ایشان از آسمان عذابی تا بماند

اعناقهم لها خاضعين ۝ وما يأتيهم من ذكر من الرحمن محدث

گردنهای ایشان مر آن را فروشکسته و نیاید بایشان هیچ یادکردی از خدای بخشاینده

الا كانوا عنه معرضين ۝ فقد كذبوا فسيأتيهم انبؤا ما

مگر باشند ازوی روی بگردانندگان بدروغ زود باید بایشان خبرها آنچه

كانوا به يستهزءون ۝ اولم يروا الى الارض كم انبتنا

بودند بوی فسوس کنندگان هی ننگرستند سوی زمین چند برویانیدیم

فيها من كل زوج كريم ۝ ان في ذلك لاية وما كان

اندروی از هر گونه نیکو بی اندر این نشانیست و نبود

اكثرهم

خمس

حزب

خمس

بروایت ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت که هر که سوره طواسین را بخواند بوده باشد از دوستان خدا و در جوار رحمت او و در حفظ و حمایت او و در دنیا هیچ بلایی نرسد او را هرگز و در روز قیامت بقدر ثواب داده شود که راضی گردد و زیاده از خوشنودی او و بزنی بدهد او را صد حور العین والله اعلم

[illegible]

اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ واذ نادى

بیشتر ایشان گرویدگان و خداوند تو ویست عزیز و بخشاینده و چون بخواند

ربك موسى ان ائت القوم الظالمين ۝ قوم فرعون الا يتقون

خداوند تو موسی را که برو سوی گروه بیدادگران گروه فرعون چرا نپرهیزند

قال رب اني اخاف ان يكذبون ۝ ويضيق صدري ولا

گفت ای خداوند من همی ترسم که دروغ زن دارند مرا و تنگ گردد دل من و

ينطلق لساني فارسل الى هرون ۝ ولهم علي ذنب فاخاف

و بگردد زبان من بفرست سوی هرون و مرا ایشان را بر من گناهیست بیم

ان يقتلون ۝ قال كلا فاذهبا بآياتنا انا معكم

که بکشند مرا گفت نه چنین است بروید نشانهای ما که ما با شماایم

مستمعون ۝ فأتيا فرعون فقولا انا رسول رب العالمين

شنوندگان بروید سوی فرعون بگویید که ما فرستاده خداوند جهانیم

ان ارسل معنا بني اسرائيل ۝ قال الم نربك فينا وليدا ولبثت

بفرست با ما پسران یعقوب را گفت نپروردیت اندر ما نوزادی و بودی

فينا من عمرك سنين ۝ وفعلت فعلتك التي فعلت و

اندر میان ما از زندگانی خویش سالها و بکردی کار تو آنکه بکردی و

انت من الكافرين ۝ قال فعلتها اذا وانا من الضالين

از ناسپاسان گفت موسی کردم آن چون من بودم از بی‌خبران

ففررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما وجعلني

بگریختم از شما چون بترسیدم از شما بداد مرا خداوند من حکمت و بکرد مرا

من المرسلين ۝ وتلك نعمة تمنها علي ان عبدت بني اسرائيل

از پیغمبران و این نیکویی که سپاس بر من آنست که بنده کردانید پسران یعقوب را

عشر

خمس

عشر

[illegible]

قال فرعون وما رب العالمين ۞ قال رب السموات و
کفت فرعون چیست خداوند همه خلایق کفت موسی خداوند آسمانها و
الارض وما بينهما ان كنتم موقنين ۞ قال لمن حوله
زمین وآنچه میان این دوست اکر هستید بیکمانان کفت مر آنهارا که کرد بر کرد او
الا تستمعون ۞ قال ربكم ورب ابائكم الاولين ۞ قال
همی نشنوید کفت موسی خداوند شما و خداوند پدران شما پیشینیان کفت
ان رسولكم الذي ارسل اليكم لمجنون ۞ قال رب
آن پیغمبر شما آنکه فرستادند سوی شما دیوانه است کفت خداوند
المشرق والمغرب وما بينهما ان كنتم تعقلون ۞ قال لئن
مشرق و مغرب وآنچه میان این دوست اکر هستید که درمی یابید کفت اکر
اتخذت الها غيري لاجعلنك من المسجونين ۞ قال اولو
بکیری خدای جز من کنم ترا از زندانیان کفت هر چند
جئتك بشيء مبين ۞ قال فات به ان كنت من الصادقين ۞
بیارم بتو چیزی پیدا کفت بیار آن اکر هستی از راست کویان
فالقى عصاه فاذا هي ثعبان مبين ۞ ونزع يده فاذا هي
بیفکند عصاره خویش پس وی ماری است کفت پیدا و بیرون کشید دست خویش
بيضاء للناظرين ۞ قال للملا حوله ان هذا لساحر
سپید بود مر نکرندکانرا کفت مهتران کرد اکرد ویرا این جادویست
عليم ۞ يريد ان يخرجكم من ارضكم بسحره فماذا تامرون ۞
داناست همی خواهد بیرون کند شمارا از زمین شما بجادوی پس چه میفرمایید
قالوا ارجه واخاه وابعث في المدائن حاشرين ۞ ياتوك
کفتند بازدار ویرا و برادرش و بفرست اندر شهرها کرد کنندکان تا بیایند

خمس

عشر

خمس

بعضی کفته اند که ما در ماذا استفهامی در محل رفع است بابتدائیت و ذا بمعنی الذی موصوله [illegible] و آن مبتدا و تامرون خبر اوست و الله اعلم

بکل

۲۴۹

بكل سحار عليم ۞ فجمع السحرة لميقات يوم معلوم ۞ وقيل
بهر جادوی دانا کرد آورده شدند جادوان را برای ایستادن روزی دانسته و کفته شد
للناس هل انتم مجتمعون ۞ لعلنا نتبع السحرة ان كانوا هم
مر مردمان را هیچ هستید شما کرد آیندکان تا مکر ما پی روی کنیم جادوان را اکر باشند ایشان
الغالبين ۞ فلما جاء السحرة قالوا لفرعون ائن لنا لاجرا
غلبه کنندکان چون بیامدند جادوان کفتند مر فرعون را از کجا باشد ما را مزدی
ان كنا نحن الغالبين ۞ قال نعم وانكم اذا لمن المقربين ۞
اکر باشیم ما غلبه آیندکان کفت آری و شما آنکاه باشید از نزدیک کردکان
قال لهم موسى القوا ما انتم ملقون ۞ فالقوا حبالهم وعصيهم
کفت مر ایشان را موسی بیفکنید آنچه شما خواهید افکندن پس بیفکندند رسنهای خویش و عصاهای خویش
وقالوا بعزة فرعون انا لنحن الغالبون ۞ فالقى موسى عصاه
و کفتند سوکند بعزت فرعون که ما باشیم بر آیندکان بیفکند موسی عصای خویش را
فاذا هي تلقف ما يافكون ۞ فالقي السحرة ساجدين ۞ قالوا
پس آن فرو خورد آنچه بدروغ ساخته بودند بر افکنده شدند جادوان را سجده کنندکان کفتند
امنا برب العالمين ۞ رب موسى وهرون ۞ قال امنتم له
ایمان آوردیم بخدای همه خلایق خداوند موسی و هرون کفت فرعون بکرویدید او را
قبل ان اذن لكم انه لكبيركم الذي علمكم السحر
پیش از آنکه دستوری دهم شما را او خود مهتر شماست آنکه بیاموزید شما را جادوی را
فلسوف تعلمون ۞ لاقطعن ايديكم وارجلكم من خلاف
پس زود باشد که بدانید ببرم دستهای شما را و پایهای شما را از ناهمواری
ولاصلبنكم اجمعين ۞ قالوا لا ضير انا الى ربنا منقلبون ۞
و بر آویزم شما را همکان کفتند زیان ندارد که ما سوی خداوند خویش باز کردندکانیم

عشر

خمس

عشر

٢٤٥

إنا نطمع أن يغفر لنا ربنا خطايانا أن كنا أول المؤمنين ۞
ما همی امید داریم که بیامرزد ما را خداوند گناهان ما بدانکه بودیم نخستین گرویدگان

وأوحينا إلى موسى أن أسر بعبادي إنكم متبعون ۞ فأرسل
و پیغام فرستادیم سوی موسی که ببر بشب بندگان مرا که شما را مردم خواهد آمدن بفرستاد

فرعون في المدائن حاشرين ۞ إن هؤلاء لشرذمة قليلون
فرعون اندر شهرها گرد آرندگان که اینها گروهی اند اندک

وإنهم لنا لغائظون ۞ وإنا لجميع حاذرون ۞ فأخرجناهم
و ایشان ما را بخشم آرند و ما همه ساز کرده ایم و بیرون آوردیم

من جنات وعيون ۞ وكنوز ومقام كريم ۞ كذلك و
از بوستانها و چشمها و گنجها و جایگاهی بزرگوار همچنین

أورثناها بني إسرائيل ۞ فأتبعوهم مشرقين ۞ فلما تراءى الجمعان
میراث گردانیدیم آن پسران یعقوب را بدم آمدند ایشان را گاه آفتاب برآمدن چون بدیدند هر

قال أصحاب موسى إنا لمدركون ۞ قال كلا إن معي ربي
گفتند گروه موسی ما اندر یافتگانیم گفت نه چنین است که با من

سيهدين ۞ فأوحينا إلى موسى أن اضرب بعصاك
راه نماید مرا وحی فرستادیم سوی موسی که بزن چوب خویش را

البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم ۞
بر دریا تا شکافته شود بود هر پاره چون کوهی بزرگ

وأزلفنا ثم الآخرين ۞ وأنجينا موسى ومن معه أجمعين
نزدیک گردانیدیم دیگران را و برهانیدیم موسی را و هر که با وی بودند همگان

ثم أغرقنا الآخرين ۞ إن في ذلك لآية ۞ وما كان أكثرهم
باز غرقه کردیم دیگران را که اندرین نشانیست و نبودند بیشتر

مومنين

خمس

عشر

خمس

مؤمنين ۞ وإن ربك لهو العزيز الرحيم ۞ واتل عليهم
گرویدگان و خداوند تو ویست بی هتا بخشاینده و برخوان بریشان

نبأ إبراهيم ۞ إذ قال لأبيه وقومه ما تعبدون ۞ قالوا
خبر ابراهیم چون گفت مر پدر خویش را و گروه خویش را چه میپرستید گفتند

نعبد أصناما فنظل لها عاكفين ۞ قال هل يسمعونكم
می پرستیم بتان را همی باشیم مر اورا ایستادگان گفت چیزی می شنوند

إذ تدعون ۞ أو ينفعونكم أو يضرون ۞ قالوا بل وجدنا
چون بخوانید یا منفعت کنند شما را یا زیان کنند گفتند که یافتیم ما

آباءنا كذلك يفعلون ۞ قال أفرأيتم ما كنتم تعبدون
پدران خویش را همچنین همی کردند گفت چه بینید آنچه شما همی پرستید شما

أنتم وآباؤكم الأقدمون ۞ فإنهم عدو لي إلا رب العالمين
و پدران شما پیشینیان ایشان دشمن اند مرا مگر خداوند همه خلق

الذي خلقني فهو يهدين ۞ والذي هو يطعمني ويسقين
بیافرید مرا و ویست که راه نماید مرا و آنکه وی طعام دهد مرا و آب دهد مرا

وإذا مرضت فهو يشفين ۞ والذي يميتني ثم يحيين
چون بیمار گردم وی بهتر کند مرا و آنکه بمیراند مرا باز زنده گرداند مرا

والذي أطمع أن يغفر لي خطيئتي يوم الدين ۞ رب
و آنکه امید دارم بوی که بیامرزد مرا گناه من روز شمار یا خداوند

هب لي حكما وألحقني بالصالحين ۞ واجعل لي لسان
حکمتی و برسان مرا به نیکان و کن مرا زبان

صدق في الآخرين ۞ واجعلني من ورثة جنة النعيم
اندر آن بازپسینان و کن مرا از میراث گیران بهشت با نعمت

عشر

خمس

عشر

و بقول مراد از لسان صدق فرزند نیکو
کار است که عبارتست از محمد صلی الله
علیه و آله و اولاد امجاد
آنحضرت علیهم السلام
۱۰

خمس

واغفر لابی انه کان من الضالین ۞ ولا تخزنی یوم یبعثون
و بیامرز مر پدر مرا که هست از گمرهگان و رسوا مکن مرا از روز برانگیختن

یوم لا ینفع مال ولا بنون ۞ الا من اتی الله بقلب سلیم
آن روز که سود نکند خواسته و پسران مگر آنکه بیاورد بخدا دلی با سلامت

وازلفت الجنة للمتقین ۞ وبرزت الجحیم للغاوین ۞
و نزدیک کردانیده بهشت مر پرهیزکاران را و بیرون آرند دوزخ مر گمراهان را

وقیل لهم اینما کنتم تعبدون ۞ من دون الله هل ینصرونکم
و گویند مر ایشان را کجاست آنکه شما همی پرستید بجز از خدا هیچ یاری همی کنند

او ینتصرون ۞ فکبکبوا فیها هم والغاوون ۞ وجنود
یا یاری دارند خویشتن بروی اندر افکنندشان اندر آنجا ایشان گمراهان

ابلیس اجمعون ۞ قالوا وهم فیها یختصمون ۞ تالله ان
ابلیس همگیان گویند و ایشان اندر آنجا پیکار همی کنند بخدا که

کنا لفی ضلال مبین ۞ اذ نسویکم برب العالمین ۞ وما
بودیم اندر گمراهی پیدا چون برابر کردیم شما را با خداوند همه خلق

اضلنا الا المجرمون ۞ فما لنا من شافعین ۞ ولا صدیق
گم کردانیدند ما را مگر گناهکاران نیست ما را هیچ خواهشگری

حمیم ۞ فلو ان لنا کرة فنکون من المؤمنین ۞ ان فی
مهربان اگر ما را باز گشتن بودی تا باشیمی از گرویدگان اندر

ذلک لایة وما کان اکثرهم مؤمنین ۞ وان ربک لهو
این نشانیست نبودند بیشتر ایشان از گرویدگان و خداوند تو او

العزیز الرحیم ۞ کذبت قوم نوح المرسلین ۞ اذ قال لهم
عزیز و بخشاینده بدروغ داشتند گروه نوح پیغمبران را چون گفت مر ایشان را

اخوهم نوح الا تتقون ۞ انی لکم رسول امین ۞ فاتقوا الله
ایشان نوح چرا نترسید که من شما را پیغمبرم بامانت بترسید از خدا

واطیعون ۞ وما اسئلکم علیه من اجر ان اجری الا علی
فرمان برید مرا و نخواهم از شما بروی یعنی بپیغمبری هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر

رب العالمین ۞ فاتقوا الله واطیعون ۞ قالوا انؤمن
خداوند همه خلایق بترسید از خدا و فرمان برید مرا گفتند استوار داریم

لک واتبعک الارذلون ۞ قال وما علمی بما کانوا یعملون ۞
و پسروی کنند ترا فرومایگان گفت نیست دانش من بدانچه بودند و همی کنند

ان حسابهم الا علی ربی لو تشعرون ۞ وما انا بطارد
نیست شمار ایشان مگر بر خداوند من اگر بدانید و نیستم من که برانم

المؤمنین ۞ ان انا الا نذیر مبین ۞ قالوا لئن لم تنته
گرویدگان را نیستم من مگر بیم کننده پیدا گفتند اگر باز نایستی

یا نوح لتکونن من المرجومین ۞ قال رب ان قومی کذبون
نوح باشی از سنگساران گفت یا خداوند گروه من بدروغ داشتند مرا

فافتح بینی وبینهم فتحا ونجنی ومن معی من المؤمنین ۞
میان من و میان ایشان حکم کردنی و برهان من و آنکه با من اند از گرویدگان

فانجیناه ومن معه فی الفلک المشحون ۞ ثم اغرقنا
برهانیدیمش و آنکه با وی بودند اندر کشتی پر کرده باز غرقه کردیم

بعد الباقین ۞ ان فی ذلک لایة وما کان اکثرهم
پس ماندگان اندرین نشانیست و نبودند بیشترینه

مؤمنین ۞ وان ربک لهو العزیز الرحیم ۞ کذبت عاد
گرویدگان و خداوند تو اوست عزیز و بخشاینده بدروغ داشتند

عشر

خمس

ان در ان کنا مخففه است ۶

عشر

عشر

نصف

خمس

انتهی در اینجا مشتق است از ...

عشر

اخوهم

عاد المرسلين اذ قال لهم اخوهم هود الا تتقون انی

عاد پیغمبرانرا چون گفت مرایشانرا برادر ایشان هود چرا نترسید

لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون وما اسئلكم

مر شمارا پیغامبری ام با خیانت بترسید از خدا و فرمان برید مرا

عليه من اجر ان اجری الا علی رب العالمين اتبنون

بروی هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خداوند جمله خلایق

بكل ريع اية تعبثون وتتخذون مصانع لعلكم تخلدون

بهمه راهی تا بازی کنید و همی کنید شکستگاهها تا مگر شما جاو

واذا بطشتم بطشتم جبارين فاتقوا الله واطيعون

و چون درشتی کنید درشتی کنید گردن کشان و بترسید از خدا و فرمان بر

واتقوا الذی امدكم بما تعلمون امدكم بانعام و

و بترسید از انکه مدد کرد افزون گردانیدتان بدانچه همی دانید فزون گردانید شمارا چهارپایان

بنين وجنات وعيون انی اخاف عليكم عذاب

بپسران و بوستانها و چشمهاء روان من بترسم بر شما عذاب

يوم عظيم قالوا سواء علينا اوعظت ام لم تكن

روز بزرگ گفتند یکسانست بر ما یا پند دهی یا نباشی

من الواعظين ان هذا الا خلق الاولين وما

از پند دهندگان نیست این مگر خوی پیشینیان

نحن بمعذبين فكذبوه فاهلكناهم ان فی ذلك لاية

ما عذاب یافتگان بدروغ داشتندش هلاک کردیمشان که اندرین

وما كان اكثرهم مؤمنين وان ربك لهو العزيز الرحيم

بودند بیشترینه گرویدگان و خداوند تو ویست بیهمتا و بخشا

خمس

عشر

خمس

عشر

[illegible]

یعنی دین ما و زشت کیش پیران ما درگذشته اند و ما [illegible]

كذبت

كذبت ثمود المرسلين اذ قال لهم اخوهم صالح الا تتقون

دروغ داشتند گروه صالح پیغمبرانرا چون گفت ایشانرا برادر ایشان صالح چرا نترسید

انی لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون وما

من شمارا پیغمبری ام با خیانت بترسید از خدا و فرمان برید مرا و نه

اسئلكم عليه من اجر ان اجری الا علی رب العالمين

خواهم از شما بروی هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خداوند همه خلایق

اتتركون فی ما هاهنا امنين فی جنات وعيون و

بازدارند شمارا اندرانچه اینجاست بایمن و ترس اندر بوستانها و چشمها و

زروع ونخل طلعها هضيم وتنحتون من الجبال بيوتا

کشتها و خرما بنان شکوفه آن لطیف ارزنده و همی تراشید از کوهها خانها

فارهين فاتقوا الله واطيعون ولا تطيعوا امر

استادوار بترسید از خدا و فرمان برید مرا و فرمان مبرید فرمان

المسرفين الذين يفسدون فی الارض ولا يصلحون

کاران انانکه تباهکاری کنند اندر زمین و نیکویی نکنند

قالوا انما انت من المسحرين ما انت الا بشر مثلنا فات

جز اینکه تو از جادویانی نیستی تو مگر مردی همچون ما بیار

باية ان كنت من الصادقين قال هذه ناقة لها شرب

اگر هستی تو از راست گویان گفت این ماده شتر مرا اورا نوبتی است

ولكم شرب يوم معلوم ولا تمسوها بسوء فياخذكم عذاب يوم

و مرسانیدش بدی که بگیرد شمارا عذاب روز

عظيم فعقروها فاصبحوا نادمين فاخذهم العذاب

پی کردندش پس گشتند پشیمانان بگرفتشان عذاب

خمس

عشر

خمس

ان في ذلك لآية وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك
اندر این نشانیست و نبودند بیشتر ایشان گرویدگان وخداوند
لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت قوم لوط المرسلين ۝ اذ قال
ویست بیهمتا و بخشاینده بدروغ داشتند گروه لوط پیغمبرانرا چون گفت
لهم اخوهم لوط الا تتقون ۝ اني لكم رسول امين ۝ فاتقوا
مرایشانرا برادر ایشان لوط چرا نترسید که من مر شمارا پیغمبرم با خیانة بترسید از
واطيعون ۝ وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على
وفرمان بریدمرا و نمی خواهم از شما بر رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر
رب العالمين ۝ اتاتون الذكران من العالمين ۝ وتذرون
خداوند جهانیان با همی فراشوید بذکران از همه خلق ودست
ما خلق لكم ربكم من ازواجكم بل انتم قوم عادون
از آنچه بیافریدست خداوند شما از زنان شما که شما گروهی ستمکارید
قالوا لئن لم تنته يا لوط لتكونن من المخرجين ۝ قال
گفتند اگر بازنایستی ای لوط بباشی از شهر بیرون کردگان گفت من
اني لعملكم من القالين ۝ رب نجني واهلي مما يعملون
مر شمارا از دشمن دارندگانم یا خداوند من برهان مرا و کسان مرا از آنچه همی ک
فنجيناه واهله اجمعين ۝ الا عجوزا في الغابرين ۝ ثم دمرنا
برهانیدیم ویرا و کسان ویرا همگنان مگر کنده پیره زنی که بود از بازماندگان باز
الآخرين ۝ وامطرنا عليهم مطرا فساء مطر المنذرين
دیگرانرا و بباراندیم بر ایشان بارندنی بد بود باران بیم کردگان
ان في ذلك لآية وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك
اندرین نشانیست و نبود بیشتر ایشان گرویدگان وخداوند

عشر

خمس

عشر

لهو العزيز الرحيم ۝ كذب اصحاب الايكة المرسلين ۝
ویست بیهمتا و بخشاینده بدروغ داشتند خداوندان بیشه پیغمبرانرا
اذ قال لهم شعيب الا تتقون ۝ اني لكم رسول امين ۝
چون گفت مرایشانرا شعیب چرا نترسید که من شمارا پیغمبری ام با خیانت
فاتقوا الله واطيعون ۝ وما اسئلكم عليه من اجر ان
بترسید از خدا و فرمان بریدمرا ونمی خواهم از شما بران از مزدی نیست
اجري الا على رب العالمين ۝ اوفوا الكيل ولا تكونوا
مزد من مگر بر خداوند جهانیان تمام دهید پیمانه را و مباشید
من المخسرين ۝ وزنوا بالقسطاس المستقيم ۝ ولا تبخسوا
از کاهندگان و بسنجید ترازوی راست و مکاهید
الناس اشياءهم ولا تعثوا في الارض مفسدين ۝ واتقوا
مردمان چیزهای ایشانرا و مباشید اندر زمین تباه کاران و بترسید
الذي خلقكم والجبلة الاولين ۝ قالوا انما انت
از خدای که بیافرید شمارا و آفریدگان پیشینیانرا گفتند هر آینه تو
من المسحرين ۝ وما انت الا بشر مثلنا وان نظنك
از جادوشدگانی و نیستی تو مگر مردمی همچون ما و ما گمان همی بریم
لمن الكاذبين ۝ فاسقط علينا كسفا من السماء ان كنت
از دروغ زنانی بیفکن بر ما پاره عذاب از آسمان اگر هستی
من الصادقين ۝ قال ربي اعلم بما تعملون ۝ فكذبوه فاخذهم
از راست گویان گفت خداوند من داناترست بدانچه همی کنید دروغ زن داشتند
عذاب يوم الظلة انه كان عذاب يوم عظيم ۝ ان في
روز سایه که آن بود عذاب روزی بزرگ اندرین

خمس

عشر

گفته
قتلوا ازین جای
و ایشان از دور
آسمان از شعیب علیه السلام
طلب ابر کنند [illegible]
بسبب کردار ایشان [illegible]
که ما بر ایشان گرما [illegible]
برداشت [illegible] و باد را از ایشان
باز [illegible] ایشان [illegible]
پس چون آن خلق [illegible]
[illegible]
قرار گرفتند
پس آن ابر
بر ایشان آتش
بارید و بسوختند و
عذاب یوم الظله
[illegible]

خمس

عشر

[illegible]

خمس

عشر

خمس

ذلك لآية وما كان أكثرهم مؤمنين وإن ربك
معجزی است و نبودند بیشتر ایشان گرویدگان و خداوند تو
لهو العزيز الرحيم وإنه لتنزيل رب العالمين نزل به
وی است بیهمتا و بخشاینده و این قران فرو فرستاده است خداوند جهانیان فرو
الروح الأمين على قلبك لتكون من المنذرين بلسان
جبرئیل امین را بر دل تو تا باشی از بیم کنندگان بزبان
عربي مبين وإنه لفي زبر الأولين أولم يكن لهم
تازی پیدا کرده و این اندر نامهای پیشینیان است و نبود مر ایشان
آية أن يعلمه علماء بني إسرائيل ولو نزلناه على بعض الأعجمين
نشانی اینکه بدانستند او را دانایان پسران یعقوب و اگر این قران فرو فرستادیمی بر بعضی از عجمیان
فقرأه عليهم ما كانوا به مؤمنين كذلك سلكناه في قلوب
تا برخواندی آن بر ایشان و نبودندی بوی گرویدگان و همچنین اندر آوردیم
المجرمين لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم فيأتيهم
گناهکاران نگروند بوی تا ببینند عذاب دردناک
بغتة وهم لا يشعرون فيقولوا هل نحن منظرون أفبعذابنا
ناگاه و ایشان ندانند گویند چه چیز ما را زمان دهند
يستعجلون أفرأيت إن متعناهم سنين ثم جاءهم
همی شتاب کنند چه بینی اگر برخورداری دهیمشان سالها باز بیاید
ما كانوا يوعدون ما أغنى عنهم ما كانوا يمتعون وما
آنچه ایشان همی وعده کردند سود ندارد از ایشان آنچه برخورداری یابند
أهلكنا من قرية إلا لها منذرون ذكرى وما كنا ظالمين
هلاک نکردیم هیچ دیهی را مگر بود مر آنرا بیم کنندگان پندی و نبودیم

وماتنزلت

وما تنزلت به الشياطين وما ينبغي لهم وما يستطيعون
و فرو نیاوردند این دیوان و نسزد مر ایشان را و نتوانند که
إنهم عن السمع لمعزولون فلا تدع مع الله إلها آخر
ایشان از شنودن دور کرده اند مخوان با خدا خدای دیگر
فتكون من المعذبين وأنذر عشيرتك الأقربين واخفض
تا باشی از عذاب کردگان و بیم کن تبار ترا نزدیکتران را و فروتنی کن
جناحك لمن اتبعك من المؤمنين فإن عصوك فقل
... مر آنکسی که بدم تو رود از گرویدگان اگر بیفرمانی کنند ترا بگو
إني بريء مما تعملون وتوكل على العزيز الرحيم الذي
بیزارم از آنچه شما همی کنید و دل بنه بر حکم خداوند بیهمتا و بخشاینده آنکه
يراك حين تقوم وتقلبك في الساجدين إنه هو
همی بیند ترا آنگاه که برخیزی و گشتن تو اندر سجده کنندگان که وی
السميع العليم هل أنبئكم على من تنزل الشياطين
شنوا و دانا هر چیزی آگاهی دهم شما را بر کدام که فرود آید دیوان
تنزل على كل أفاك أثيم يلقون السمع وأكثرهم
فرود آید بر هر دروغ زن بزه کاری که بیفکنند گوش را و بیشتر ایشان
كاذبون والشعراء يتبعهم الغاوون ألم تر أنهم
دروغزنان اند و شاعران که بدم ایشان روند بیراهان نه بینی که ایشان
في كل واد يهيمون وأنهم يقولون ما لا يفعلون
اندر هر وادی سرگشته همی روند و ایشان همی گویند آنچه نه کنند
إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وذكروا الله كثيرا
مگر آنکسانی که بگرویدند و بکردند نیکیها و یاد کردند خدا را بسیار

[illegible]

وانتصروا من بعد ما ظلموا وسيعلم الذين ظلموا اى

وکینه کذارند از پس آنکه بایشان ستم رسید و زود بدانند آنکسانکه ستم کردند که بکدام

منقلب ينقلبون

سورة النمل ثلث وتسعون آية

باز گردند بازگشتن

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که توفیق طاعت دهد مهربانا که کار کرم از طاعت فرماید بخشاینده که بالتقصیر بنده را

طس تلك آيات القرآن وكتاب مبين هدى وبشرى

این آیتهای بی هست یعنی قرآن و نامه هست پیدا راه نماینده و مژده

للمؤمنين الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم

مرکرویدکانرا آنکسانکه بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را و [illegible]

بالآخرة هم يوقنون ان الذين لا يؤمنون بالآخرة زينا

بدانجهان ایشان بیکمان اند که آنکسانکه نکروند بدانجهان [illegible]

لهم اعمالهم فهم يعمهون اولئك الذين لهم سوء العذاب

مرایشان کارهای ایشان و ایشان متحیر میکردند ایشانند آنکسانکه مرایشانراست سخت عذاب

وهم في الآخرة هم الاخسرون وانك لتلقى القرآن من لدن

و ایشان اندران جهان ایشان زیان کاران بشند و تو هی فرا کیری مر [illegible] را از نزد

حكيم عليم اذ قال موسى لاهله اني آنست نارا سآتيكم

استوار کاری دانا چون کفت موسی مرکسان خویش را بدیدم آتشی زود بیارم

منها بخبر او آتيكم بشهاب قبس لعلكم تصطلون فلما

از آن آتش آکاهی یا آرم شمارا آتشی افروخته تا مکر شما کرم شوید چون

جاءها نودي ان بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله

بیامد باتش خوانده شد که با برکت آنکه اندر آتشست و آنکه کرد ویست و پاکست

رب العالمين

٢٤٥

رب العالمين يا موسى انه انا الله العزيز الحكيم

[illegible] و کار همه خلق ای موسی اینک منم خدا استوار کار صواب کار

والق عصاك فلما رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا و

بیفکن عصای خویش چون بدیدش که همی جنبید پنداری که آن ماریست جنبده پس برکشت روی

لم يعقب يا موسى لا تخف اني لا يخاف لدي المرسلون

و پس نکرست ای موسی مترس که منم که نترسد نزد من پیغمبران

الا من ظلم ثم بدل حسنا بعد سوء فاني غفور رحيم

مکر کسی که ستم کند باز بدل کند نیکوی پس بدی که من آمرزنده ام و بخشاینده

وادخل يدك في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء في تسع

و اندر آر دست خویش را اندر کریبان تو بیرون جهید از بی عیبی یعنی پیسی اندر نه

آيات الى فرعون وقومه انهم كانوا قوما فاسقين

آیتها سوی فرعون و کروه وی که ایشان بودند کروهی بیفرمانان

فلما جاءتهم آياتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبين وجحدوا

چون بیامد بایشان نشانهای ما بینا کفتند این جادویست پیدا و منکر شدند

بها واستيقنتها انفسهم ظلما وعلوا فانظر كيف كان

بدان و بدانستند وی را تنهای ایشان به بیدادی و برتری کردن بنکر چگونه بود

عاقبة المفسدين ولقد آتينا داود وسليمان علما

انجام تباه کاران و بحقیقه بدادیم داود را و سلیمانرا دانش

وقالا الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين

و کفتند سپاس مر خدای را آنکه فضیلت کرد مارا بر بسیاری از بندکان وی کرویدکان

وورث سليمان داود وقال يا ايها الناس علمنا منطق

و میراث یافت سلیمان از داود و کفت ای مردمان آموزیدند مارا سخن

عشر

حزب

جز

[illegible]

مَنطِقَ الطَّيرِ وَاُوتِينَا مِن كُلِّ شَيءٍ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الفَضلُ
سخن مرغان و بدادند ما را از همه چیزی که اینست که وی افزونی
المُبِينُ ۝ وَحُشِرَ لِسُلَيمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الجِنِّ وَالاِنسِ وَالطَّيرِ
پیدا راست و گرد آورده شد سلیمان را سپاههای وی از پریان و از آدمیان و مرغان
فَهُم يُوزَعُونَ ۝ حَتّٰى اِذَا اَتَوا عَلٰى وَادِ النَّملِ قَالَت نَملَةٌ
ایشان و جمله باز میداشتند تا چون بیامدند بر جای مورچگان گفت موری
يَا اَيُّهَا النَّملُ ادخُلُوا مَسَاكِنَكُم لَا يَحطِمَنَّكُم سُلَيمَانُ
ای مورچگان اندر شوید بخانهای خویش تا نه خرد کند شما را
وَجُنُودُهُ وَهُم لَا يَشعُرُونَ ۝ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا
و سپاه وی و ایشان آگاهی ندارند پس بخندید بخندیدنی
مِن قَولِهَا وَقَالَ رَبِّ اَوزِعنِي اَن اَشكُرَ نِعمَتَكَ الَّتِي اَنعَمتَ
از گفتار مورچه و گفت یا خداوند من الهام کن مرا که سپاس داری کنم تو را و نیکوییها را که کردی
عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَن اَعمَلَ صَالِحًا تَرضٰيهُ وَاَدخِلنِي
بر من و بر مادر و پدر من و آنکه بکنم کار نیک بپسندی او را و اندر آر مرا
بِرَحمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ۝ وَتَفَقَّدَ الطَّيرَ فَقَالَ
ببخشایش تو اندر بندگان تو نیکان را و طلب کرد مرغان را گفت
مَا لِيَ لَا اَرَى الهُدهُدَ اَم كَانَ مِنَ الغَائِبِينَ ۝ لَاُعَذِّبَنَّهُ
چه بوده است که نمی بینم هدهد را یا هست از غایبان عذاب کنم او را
عَذَابًا شَدِيدًا اَو لَاَذبَحَنَّهُ اَو لَيَأتِيَنِّي بِسُلطَانٍ مُبِينٍ
عذابی سخت یا بکشم او را یا بیارد بمن حجتی هویدا
فَمَكَثَ غَيرَ بَعِيدٍ ۝ فَقَالَ اَحَطتُ بِمَا لَم تُحِط بِهِ وَجِئتُكَ
درنگ کرد نه دور گفت رسیدم بدانچه نرسیدی تو و آوردم

من سبا

عشر

[illegible] که ابو حنیفه [illegible] سلیمان علیه السلام [illegible] مرغان [illegible] از میان مرغان [illegible]

[illegible]

مِن سَبَاٍ بِنَبَاٍ يَقِينٍ ۝ اِنِّي وَجَدتُ امرَاَةً تَملِكُهُم وَاُوتِيَت
از شهر سبا آگاهی بیگمان من بیافتم زنی که پادشاه گشته است بر ایشان و داده اند
مِن كُلِّ شَيءٍ وَلَهَا عَرشٌ عَظِيمٌ ۝ وَجَدتُهَا وَقَومَهَا يَسجُدُونَ
از هر چیزی و مر او را تختی بزرگ یافتم آن زن را و گروه او را سجده میکردند
لِلشَّمسِ مِن دُونِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيطَانُ اَعمَالَهُم فَصَدَّهُم
مر آفتاب را از بیرون خدا و بیاراست مر ایشان را دیو کارهای ایشان و باز داشت ایشان را
عَنِ السَّبِيلِ فَهُم لَا يَهتَدُونَ ۝ اَلَّا يَسجُدُوا لِلّٰهِ الَّذِي
از راه و ایشان راه باز نیابند چرا سجده نکنند مر خدای را آنکه
يُخرِجُ الخَبءَ فِي السَّمٰوَاتِ وَالاَرضِ وَيَعلَمُ مَا تُخفُونَ
بیرون آرد نهانی اندر آسمانها و زمین و بداند آنچه پنهان دارند
وَمَا تُعلِنُونَ ۝ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظِيمِ
و آنچه آشکارا کنند خدایست که نیست خدای مگر او خداوند عرش بزرگ
قَالَ سَنَنظُرُ اَصَدَقتَ اَم كُنتَ مِنَ الكَاذِبِينَ ۝ اِذهَب
گفت سلیمان بنگریم که راست گفتی یا بودی از دروغ گویان ببر
بِكِتَابِي هٰذَا فَاَلقِه اِلَيهِم ثُمَّ تَوَلَّ عَنهُم فَانظُر مَاذَا يَرجِعُونَ
نامه مرا این بیفکن سوی ایشان باز برگرد از ایشان بنگر که چه پاسخ کنند
قَالَت يَا اَيُّهَا المَلَؤُا اِنِّي اُلقِيَ اِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ
گفت بلقیس ای گروه مهتران من که بیفکندم سوی من نامه بزرگوار
اِنَّهُ مِن سُلَيمَانَ وَاِنَّهُ بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ ۝ اَلَّا
این نامه از سلیمان است و اندر وی نام خدایست مهربان و بخشاینده
تَعلُوا عَلَيَّ وَاتُونِي مُسلِمِينَ ۝ قَالَت يَا اَيُّهَا المَلَؤُا اَفتُونِي
برتری مجویید بر من و بیایید سوی من گردن نهادگان گفت ای گروه مهتران

حزب

عشر

گویند بلقیس در خواب بود که [illegible] نامه [illegible] آفتاب [illegible]

في أمري ما كنت قاطعة أمرا حتى تشهدون ● قالوا
اندر کار من که نباشم من که برم کاری را تا حاضر باشید شما گفتند
نحن أولوا قوة وأولوا بأس شديد والأمر إليك فانظري
ما خداوندان نیرویم و خداوندان جنگی سخت و فرمان مر تراست بنگر
ماذا تأمرين ● قالت إن الملوك إذا دخلوا قرية أفسدوها
تا چه فرمایی گفت بلقیس که پادشاهان چون اندر شوند به دیهی تباه کنند
وجعلوا أعزة أهلها أذلة وكذلك يفعلون ● وإني
و بکنند عزیزان کسان دیه را خوار و همچنین کنند
مرسلة إليهم بهدية فناظرة بم يرجع المرسلون ● فلما
فرستادم سوی ایشان هدیه بنگرم بچه باز گردند پیغمبران چون
جاء سليمان قال أتمدونن بمال فما آتاني الله خير مما
بیامد سوی سلیمان گفت همی افزونی کنید مرا بخواسته آنچه بداد مرا خدا بهتر از
آتاكم بل أنتم بهديتكم تفرحون ● ارجع إليهم
بداد شما را نه شما بهدیه خویش شادی همی کنید باز گرد سوی
فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها أذلة وهم
که بیاریم با ایشان سپاهها که طاقت نباشد مر ایشان را از آن سپاه و بیرون کنیم ایشان را از آنجا خواران
صاغرون ● قال يا أيها الملأ أيكم يأتيني بعرشها قبل أن يأتوني
خواران باشند گفت یا گروه مهتران کیست از شما بیارد مرا تخت آن زن پیش از آنکه بیارند
مسلمين ● قال عفريت من الجن أنا آتيك به قبل أن تقوم
گردن نهادگان گفت ستنبه از پریان من بیارم بتو تخت او را پیش از آنکه برخیزی
من مقامك وإني عليه لقوي أمين ● قال الذي عنده
از جای خویش و من بر وی توانایم استوار گفت آنکه بود نزد وی

۷
گویند
که چون بلقیس
هدیه بفرستاد پانصد غلام و پانصد
کنیز بود و کنیزان قباها در بر
و کمربندها در کمر و غلامان دست
بندهای طلا در دست و گردن
بندهای طلا در گردن و گوشوارها در گوش
مرصع بانواع جواهر و کنیزان [illegible]
تا در زیر آن دو غلامان را بر پانصد اسب سوار گردانیده
و پانصد خشت طلا و پانصد خشت نقره و تاج مکلل
[illegible] و یاقوت گرانبها و حقه که در میان [illegible]

[illegible]

علم من الك

علم من الكتاب أنا آتيك به قبل أن يرتد إليك طرفك
دانشی از توریة من بیارم بتو تخت را پیش از آنکه برهم زنی تو چشم خویش
فلما رآه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربي ليبلوني
چون بدید آن را آرامیده نزد وی گفت این از افزونی خداوند من است تا بیازماید مرا
أأشكر أم أكفر ومن شكر فإنما يشكر لنفسه ومن
که سپاس دارم یا ناسپاسداری کنم و هر که سپاسداری کند خود سپاسدار مر تن خویش را کند و هر که
كفر فإن ربي غني كريم ● قال نكروا لها عرشها ننظر
ناسپاسداری کند خود خداوند من بی‌نیاز است و بزرگوار گفت ناشناخته کنید مر او را تخت وی تا بنگرم
أتهتدي أم تكون من الذين لا يهتدون ● فلما جاءت
راه یابد یا باشد از آنکه راه ندانند چون بیامد
قيل أهكذا عرشك قالت كأنه هو وأوتينا العلم من
گفتند همچنین است تخت تو گفت بلقیس چنان است که وی بداد ما را دانش از
قبلها وكنا مسلمين ● وصدها ما كانت تعبد
پیش آن و بودیم گردن نهادگان و باز داشت مر او را آنچه همی پرستید
من دون الله إنها كانت من قوم كافرين ● قيل لها ادخلي
بجز خدا که وی بود از گروه ناگرویدگان گفتند مر او را اندر آی
الصرح فلما رأته حسبته لجة وكشفت عن ساقيها قال
اندر کوشک چون بدید او را پنداشت که آبست و بگشاد از ساقهای وی گفت سلیمان
إنه صرح ممرد من قوارير ● قالت رب إني ظلمت نفسي وأسلمت
آن کوشکی اندوده از آبگینه گفت بلقیس یا خداوند من ستم کردم بر تن خویش را و گردن نهادم
مع سليمان لله رب العالمين ● ولقد أرسلنا إلى ثمود
با سلیمان مر خدای پروردگار همه خلق و بفرستادیم سوی گروه ثمود

[illegible]

خمس

اخاهم صالحا ان اعبدوا الله فاذا هم فريقان يختصمون
برادرشان صالح را که بپرستید خدا را همیدون ایشان دو گروه گشتند بکار همیگر

قال يا قوم لم تستعجلون بالسيئة قبل الحسنة لولا
گفت ای گروه من چرا همی شتابید به بدی پیش از نیکی چرا

تستغفرون الله لعلكم ترحمون قالوا اطيرنا بك وبمن
آمرزش نخواهید از خدا تا مگر شما را ببخشایند گفتند فال بد گرفتیم بتو و

معك قال طائركم عند الله بل انتم قوم تفتنون وكان
با تو اند گفت اختر شما نزد خداست که شما گروهی اید شما را عذاب خواهند کرد و بود

في المدينة تسعة رهط يفسدون في الارض ولا يصلحون
اندر شهر نه تن که تباهی همی کردند اندر زمین و خوبی نکردند

قالوا تقاسموا بالله لنبيتنه واهله ثم لنقولن لوليه
گفتند سوگند خورید بخدا که شبیخون کنیم بوی و کسهای وی باز گوییم خونخواه وی را

ما شهدنا مهلك اهله وانا لصادقون ومكروا مكرا
ما حاضر نبودیم هلاک کردن وی و ما راست گوییم و بدی ساختند

ومكرنا مكرا وهم لا يشعرون فانظر كيف كان عاقبة
و بدی ساختیم ساختنی و ایشان ندانستند بنگر چگونه بود سرانجام

مكرهم انا دمرناهم وقومهم اجمعين فتلك بيوتهم
بدی ساختن ایشان ما هلاک کردیمشان و گروه ایشان را همگیان آن خانهاشان

خاوية بما ظلموا ان في ذلك لاية لقوم يعلمون وانجينا
بیفتاده بدانچه ستم کردند اندر آن نشانیست مر گروهی را که بدانند

الذين امنوا وكانوا يتقون ولوطا اذ قال لقومه اتاتون
آنها را که بگرویدند و بودند پرهیزکاران و لوط را فرستادیم چون گفت گروه خویش را

عشر

[illegible]

الفاحشة

۲۴۸

[illegible] خمس

الفاحشة وانتم تبصرون ائنكم لتاتون الرجال شهوة
زشتی و شما همی بینید شما همی فراز روید مردان را بآرزو

من دون النساء بل انتم قوم تجهلون فما كان جواب
جز از زنان که شما گروهی نادانید نبود پاسخ

قومه الا ان قالوا اخرجوا آل لوط من قريتكم انهم اناس
گروه وی مگر آنکه گفتند بیرون کنید کسان لوط را از دیه شما که ایشان مردمانی اند

يتطهرون فانجيناه واهله الا امراته قدرناها من
که پاکی همی کنند برهانیدیم او را و کسان وی را مگر زن او را که اندازه کردیمش از

الغابرين وامطرنا عليهم مطرا فساء مطر المنذرين قل
بازماندگان و بباراندیم بر ایشان بارانی بد بود باران بیم کردگان بگو

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى الله خير اما
سپاس خدای را و درود بر بندگان آنکه بگزید ایشان را خدا بهتر یا آنچه

يشركون امن خلق السموات والارض وانزل لكم من
انباز گیرند یا کیست که بیافرید آسمان و زمین را و فرو فرستاد مر شما را از

السماء ماء فانبتنا به حدائق ذات بهجة ما كان لكم ان
آسمان آبی برویانیدیم بوی بوستانها با درختان نشنود مر شما را که

تنبتوا شجرها االه مع الله بل هم قوم يعدلون امن جعل
برویانید درختان وی هیچ خدا هست با خدا که ایشان گروهی اند که [illegible] یا کیست که کرد

الارض قرارا وجعل الارض قرارا وجعل خلالها انهارا
زمین آرامیده و بکرد میان وی جویها

وجعل خلالها انهارا وجعل لها رواسي وجعل بين البحرين
و بکرد مر او را کوهها استوار و بکرد میان دو دریا

انکه بعد در اصل السعود نفی
دو [illegible] اول [illegible]
نقرب است والله اعلم بالصواب

عشر

حاجزا أإله مع الله بل أكثرهم لا يعلمون ۝ أمن يجيب المضطر

بازداشتی هیچ خداهست با خدا بلکه بیشتر ازیشان همی ندانند یا کیست که پاسخ کند

إذا دعاه ويكشف السوء ويجعلكم خلفاء الأرض أإله

چون بخواند ویرا وبردارد سختی وبکند شمارا خلیفتان زمین هیچ خدا

مع الله قليلا ما تذكرون ۝ أمن يهديكم في ظلمات البر

خدا اندکی شما پند گیرید یا کیست که راه نماید شمارا اندر تاریکیهای

والبحر ومن يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته أإله مع الله

ودریا وکیست که بفرستد بادی مژده دهنده پیش از رحمت وی هیچ خداهست با

تعالى الله عما يشركون ۝ أمن يبدؤا الخلق ثم يعيده ومن

برتر است خدا از آنچه همی انباز گیرند یا کیست که آغاز کند آفرینش باز بازآفریند و

يرزقكم من السماء والأرض أإله مع الله قل هاتوا برهانكم

که روزی دهد شمارا از آسمان و زمین هیچ خداهست با خدا بگو بیارید حجت خویش

إن كنتم صادقين ۝ قل لا يعلم من في السموات والأرض

اگر هستید راست گویان بگو نداند آنکه اندر آسمانها و زمین

الغيب إلا الله وما يشعرون أيان يبعثون ۝ بل ادارك

نه پیدا مگر خدا و آگاهی ندارند که کی برانگیزندشان

علمهم في الآخرة بل هم في شك منها بل هم منها عمون ۝ وقال

دانش ایشان اندر آنجهان بلکه ایشان اندر گمان اند ازوی بلکه ایشان ازان کورانند و گفت

الذين كفروا أإذا كنا ترابا وآباؤنا أئنا لمخرجون

آنها که نگرویدند هرگز چون باشیم خاک وپدران ما ما بیرون آر

لقد وعدنا هذا نحن وآباؤنا من قبل إن هذا إلا أسا

بدرستی وعده کردند این مارا وپدران مارا از پیش نیست

الاولین

الأولين ۝ قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة

پیشینیان بگو بروید اندر زمین بنگرید چگونه بود سرانجام

المجرمين ۝ ولا تحزن عليهم ولا تكن في ضيق مما يمكرون ۝

گناهکاران و اندوه مخور برایشان و مباش اندر تنگی از آنچه همی سگالند

ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ۝ قل عسى أن

همی گویند کی باشد این وعده اگر هستید از راست گویان بگو مگر که

يكون ردف لكم بعض الذي تستعجلون ۝ وإن ربك

[illegible] آنکه همی شتاب کنید و خداوند تو

لذو فضل على الناس ولكن أكثرهم لا يشكرون ۝ و

خداوند افزونیست بر مردمان ولیکن بیشتر ازیشان سپاسداری نکنند و

إن ربك ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون ۝ وما من

خداوند تو همی داند آنچه پنهان دارد دلهای ایشان و آنچه آشکارا کنند و نیست هیچ

غائبة في السماء والأرض إلا في كتاب مبين ۝ إن هذا

پوشیده اندر آسمان و زمین مگر اندر نامه است پیدا کرده اگر این

القرآن يقص على بني إسرائيل أكثر الذي هم فيه

قرآن همی خواند بر پسران یعقوب بیشتر از آنچه ایشان اندروی

يختلفون ۝ وإنه لهدى ورحمة للمؤمنين ۝ إن ربك يقضي

شوند و این براه راست و بخشایشی است مرگرویدگان را که خداوند تو حکم کند

بينهم بحكمه وهو العزيز العليم ۝ فتوكل على الله إنك على

میان ایشان بحکم خویش و ویست با هستا و دانا و توکل کن بر خدا که تو بر

الحق المبين ۝ إنك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم

حق پیدایی تو نتوانی شنوانیدن مردگان را و نتوانی شنوانیدن کران را

خمس

عشر

خمس

[illegible]

الدعاء اذا ولوا مدبرين ۝ وما انت بهادي العمي عن
خواندن چون روی بگردانید پس روندگان ونیستی تو راه نماء کوران از
ضلالتهم ان تسمع الا من يؤمن باياتنا فهم مسلمون ۝
گمراهی ایشان نشنوانی مگر آنکس که بگرود بنشانهاء ما ایشان گردن نهادگان
واذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم
وچون برفتد عذاب بر ایشان بیرون آریم برایشان جنبنده از زمین با ایشان سخن گوید
ان الناس كانوا باياتنا لا يوقنون ۝ ويوم نحشر من كل
بدرستی مردمان بودند بنشانهاء ما بیگمانان وآن روزی که گرد آریم از
امة فوجا ممن يكذب باياتنا فهم يوزعون ۝ حتى اذا جاؤ
گروهی گروهی از آنکه بدروغ دارند نشانهاء ما را ایشان را بازدارند تا بیشان چون
قال اكذبتم باياتي ولم تحيطوا بها علما اما ذا كنتم
گفت بدروغ داشتید آیتهاء مرا ونرسیدید بر آن بدانش یا چه بودید
تعملون ۝ ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون ۝
میکنید وبرافتد عذاب بر ایشان بدانچه ستم کردند ایشان سخن نگویند
الم يروا انا جعلنا الليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرا
همی نه بینند که ما بکردیم شب را تا بیارامند اندروی وروزی را روشن
ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ۝ ويوم ينفخ في الصور
اندرین نشانهاست مرگروهی بگروند وروزی که بدمند اندر صور
ففزع من في السموات ومن في الارض الا من شاء
بیم افتد آنکه اندر آسمانها اند وآنکه اندر زمین مگر آنکه بخواهد
وكل اتوه داخرين ۝ وترى الجبال تحسبها جامدة
وهر که بیاید خوار گردگان وبینی کوه را پنداری تو ایشان فسرده

وهي

وهي تمر مر السحاب صنع الله الذي اتقن كل شيء انه
وایشان همی روند چون رفتن ابر کرد خدا آنکه استوار کرد همه چیز برا که وی
خبير بما تفعلون ۝ من جاء بالحسنة فله خير منها وهم
آگاهست بدانچه همی کنید هرکه بیاید بنیکی مراورا باشد بهتر از آن وایشان
من فزع يومئذ امنون ۝ ومن جاء بالسيئة فكبت وجوههم
از ترس آن روز ایمن باشند وهرکه بیارد بدی نگونسار افکنند رویهای ایشان
في النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون ۝ انما امرت
در آتش چه جز پاداش دهندتان مگر آنچه همی کردید وفرموده اند مرا
ان اعبد رب هذه البلدة الذي حرمها وله كل شيء
تا پرستم خداوند این شهر که ایمن کرد اینجا است واورا است هر چیزی
وامرت ان اكون من المسلمين ۝ وان اتلوا القران فمن
وفرموده اند مرا که باشم از گردن نهادگان وآنکه برخوانم قرآن هرکه
اهتدى فانما يهتدي لنفسه ومن ضل فقل انما
راست گیرد خود راه است مرتن خود را وهر که گم شود بگو که
انا من المنذرين ۝ وقل الحمد لله سيريكم اياته فتعرفونها
من از بیم کنندگانم وبگو سپاس مر خدای را زود بنمایم شمارا نشانهاء وی بشناسید آن
وما ربك بغافل عما تعملون ۝
ونیست خداوند تو بی آگاه از آنچه همی کنید

سورة القصص ٨٨

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای فراخ بخشایش درماندگان مهربان روزی دهنده بندگان وبخشاینده مومنان
طسم ۝ تلك ايات الكتاب المبين ۝ نتلوا عليك من نبإ
این آیتها نامه ایست هویدا برخوانیم بر تو از آگاهی

عشر

[illegible]

۲۵۱

[illegible]

موسی وفرعون بالحق لقوم یؤمنون ۝ ان فرعون علا
موسی و فرعون براستی مر گروه گرویدگان را که فرعون برتری
فی الارض وجعل اهلها شیعا یستضعف طائفة
اندر زمین و بکرد کسان زمین را گروه گروه زبون گرفت گروهی را
منهم یذبح ابناءهم ویستحیی نساءهم انه کان من المفسدین
از ایشان همی کشت پسران ایشان را و زنده میداشت دختران ایشان را که وی بود از تباهکاران
ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض
و میخواهیم که منت نهیم بر آنها که زبون گرفته شدند اندر زمین
ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین ۝ ونمکن لهم
و کنیم ایشان را پیشروان و کنیم ایشان را میراث گیران و جای سازیم ایشان را
فی الارض ونری فرعون وهامان وجنودهما منهم ما
اندر زمین و بنمائیم فرعون را و هامان را و سپاههای ایشان را از ایشان آن
کانوا یحذرون ۝ واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه
بودند ترسیدند و وحی فرستادیم مادر موسی که شیر ده وی را
فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی ولا تحزنی
چون بترسی بروی اندر فکنش در دریا و مترس و اندوه مدار
انا رادوه الیک وجاعلوه من المرسلین ۝ فالتقطه آل
ما باز گردانیم او را بتو و کنیم او را از پیغمبران برگرفتندش کسان
فرعون لیکون لهم عدوا وحزنا ان فرعون وهامان
فرعون تا باشد مر ایشان را دشمنی و اندوهی که فرعون و هامان
وجنودهما کانوا خاطئین ۝ وقالت امرأت فرعون قرت
و سپاههای ایشان بودند گناهکاران و گفت آسیه زن فرعون روشنی

[illegible]

حزب

عین

عین لی ولک لا تقتلوه عسی ان ینفعنا او نتخذه ولدا
چشم مرا و ترا مکشیدش شاید که منفعت کند ما را یا بگیریمش بفرزندی
وهم لا یشعرون ۝ واصبح فؤاد ام موسی فارغا ان کادت
و ایشان آگاهی نداشتند و گشت دل مادر موسی پرداخته اگرچه خواست
لتبدی به لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین
که پیدا کردی از آن اگر نه آن بودی که بید او استوار کردی دل وی را تا باشد از گرویدگان
وقالت لاخته قصیه فبصرت به عن جنب وهم لا یشعرون
و گفت مر خواهر موسی را که بر پی وی برو پس بدیدش او را از دور و ایشان نه دانستندی
وحرمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل ادلکم علی
و حرام کردیم بروی شیر خوردن را از پیش گفت خواهر موسی راه نمونم شما را بر
اهل بیت یکفلونه لکم وهم له ناصحون ۝ فرددناه الی
خاندانی که بپذیرند او را از شما و ایشان مر او را نیکوخواهان باشند باز آوردیم او را سوی
امه کی تقر عینها ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله حق
مادر وی تا روشن شود چشم وی و اندوه نخورد و تا بداند که وعده خدا راست
ولکن اکثرهم لا یعلمون ۝ ولما بلغ اشده واستوی
ولیکن بیشترین ایشان ندانند و چون برسید به نیروی خویش یعنی چهل ساله و درست شد
آتیناه حکما وعلما وکذلک نجزی المحسنین ۝ ودخل
دادیمش حکمت و دانش و همچنین پاداش دهیم نیکوکاران را و اندر شد
المدینة علی حین غفلة من اهلها فوجد فیها رجلین
بشهر بر وقت بی آگاهی از باشندگان شهر یافت اندر آنجا دو مرد
یقتتلان هذا من شیعته وهذا من عدوه فاستغاثه
که کارزار میکردند این یکی از دوستداران و این یکی از دشمنان وی فریاد خواست ازوی

عشر

[illegible]

خمس

الذی من شیعته علی الذی من عدوه فوکزه موسی فقضی
آنکه بود از دوستداران وی بر آنکه بود از دشمنان وی پس پنجه اندر زدش موسی
علیه قال هذا من عمل الشیطان انه عدو مضل
بروی گفت موسی این کار دیو است که وی دشمنی است گمراه کننده
مبین قال رب انی ظلمت نفسی فاغفر لی فغفر له انه
پیدا کننده گفت خداوندا من ستم کردم بر تن خود بیامرز مرا بیامرزید او را که
هو الغفور الرحیم قال رب بما انعمت علی فلن اکون
آمرزنده و بخشاینده گفت ای خداوند من بدانچه نیکوئی کردی بر من پس هرگز
ظهیرا للمجرمین فاصبح فی المدینة خائفا یترقب
هم پشت مر گناه کاران را برخاست اندر شهر ترسنده چشم همی داشت
فاذا الذی استنصره بالامس یستصرخه قال له موسی
همیدون آنکس که یاری خواست از وی دیروز فریاد خواست از وی گفت مر او را موسی
انک لغوی مبین فلما ان اراد ان یبطش بالذی هو
که تو بی گمراهی پیدا چون بخواست که بعنف بگیرد آنرا که وی
عدو لهما قال یا موسی اترید ان تقتلنی کما قتلت نفسا
دشمن بود مر ایشان را گفت ای موسی همی خواهی که بکشی مرا چنانکه بکشتی تنی
بالامس ان ترید الا ان تکون جبارا فی الارض وما ترید
دیروز همی خواهی مگر آنکه باشی گردن کشی اندر زمین و نمی خواهی
ان تکون من المصلحین وجاء رجل من اقصا المدینة
که باشی از نیکوکاران و بیامد مردی از کناره شهر
یسعی قال یا موسی ان الملا یاتمرون بک لیقتلوک فاخرج
همی دوید گفت ای موسی مهتران رای همی زنند اندر تو که بکشند ترا

[illegible]

کم بعد از قتل قبطی در [illegible] از قبطیان [illegible]

انی لک

۲۵۲

عشر

[illegible] از آنجا [illegible]

انی لک من الناصحین فخرج منها خائفا یترقب قال
که من ترا از نیکخواهانم بیرون شد از آنجا ترسان چشم همی داشت گفت
رب نجنی من القوم الظالمین ولما توجه تلقاء مدین
خداوندا برهان مرا از گروه بیدادگران و چون روی نهاد موسی سوی شهر شعیب
قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء مدین
گفت باید خداوند من نماید مرا راه راست و چون بیامد باب شهر
وجد علیه امة من الناس یسقون ووجد من دونهم
یافت بروی گروهی از مردمان آب میدادند و بیافت بجز از ایشان
امراتین تذودان قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر
دو زن که میراندند گوسفندان گفت موسی چه بوده است شما را گفتند آب ندهیم تا باز گردند
الرعاء وابونا شیخ کبیر فسقی لهما ثم تولی الی الظل
شبانان و پدر ما پیری است بزرگ آب داد مر ایشان را باز گشت سوی سایه
فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر فجاءته احدیهما
گفت پروردگارا من بدانچه فرو فرستادی سوی من از نیکی نیازمندم آمد یکی از ایشان
تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما
بشرم گفت که پدر من میخواند ترا تا پاداش ترا مزد آنچه
سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف
آب دادی ما را چو بیامد سوی پدر و گفت بروی خبر خویش گفت مترس
نجوت من القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استاجره
رستی از گروه ستمکاران گفت یکی از این دو زن ای پدر مزدور گیر او را
ان خیر من استاجرت القوی الامین قال انی ارید ان
بهترین کسی که مزدور گیریش به نیروی استوار گفت شعیب که من میخواهم که

از صفوان بن یحیی روایت است که گفت
از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم
که کدام یک از دو دختران [illegible]
بموسی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خمس

انكحك احدى ابنتي هاتين على ان تاجرني ثماني حجج

که بزنی بتو دهم یکی ازین دو دختر من اینجا بر آنکه مزدوری کنی مرا هشت سال

فان اتممت عشرا فمن عندك وما اريد ان اشق عليك

اگر تمام کنی ده سال آن از نزد تو بود ونخواهم که سخت گردانم برتو

ستجدني ان شاء الله من الصالحين قال ذلك بيني وبينك

بیابی مرا اگر بخواهد خدا از نیکان گفت آن میان من و میان تو

ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي والله على ما

کدام دو مدت بگذارم نیست زیادت بر من و خدا بر آنچه

نقول وكيل فلما قضى موسى الاجل وسار باهله

می گوییم گواه است چون بگذارد موسی مدت را و ببرد کسان خویش

انس من جانب الطور نارا قال لاهله امكثوا اني انست

بجان دید از کناره کوه آتشی گفت مر کسان خویشرا درنگ کنید که من بدیدم

نارا لعلي اتيكم منها بخبر او جذوة من النار لعلكم

آتشی که من بیارم بشما ازین آتش آگاهی یا ختم سوزی از آتش تا گرم

تصطلون فلما اتيها نودي من شاطئ الواد الايمن

گرم شوید چون بیامد آتش خداوندش از کرانه دست راست

في البقعة المباركة من الشجرة ان يا موسى اني انا الله

اندر جایگاهی بابرکت از درخت که ای موسی منم من خدای

رب العالمين وان الق عصاك فلما راها تهتز كانها

پروردگار همه خلق و آنکه بیفکند عصای خویش پس چون دید عصا جنبیده پنداشت

جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى اقبل ولا تخف انك

ماریست جنبده برگشت ازپس و ننگرست پس گفت ای موسی پیش آی و مترس که تو

عشر

بعضی [illegible] نقطان در با موسی معجزه است [illegible] معجزه را [illegible] منصوب [illegible]

من الآمنين

[illegible]

من الآمنين اسلك يدك في جيبك تخرج بيضاء من

از ایمنانی اندر آور دست خویش اندر گریبان خویش بیرون آید سپید بی سوزشی

غير سوء واضمم اليك جناحك من الرهب فذانك برهانان

بی خویش و باهم آر سوی خویش بغل خویش از ترس این است دو حجت

من ربك الى فرعون وملائه انهم كانوا قوما فاسقين

از خداوند تو سوی فرعون و گروه وی که ایشان بودند گروهی بیفرمانان

قال رب اني قتلت منهم نفسا فاخاف ان يقتلون و

گفت ای خداوند من بکشتم از ایشان یکی بترسم که بکشند مرا و

اخي هرون هو افصح مني لسانا فارسله معي ردءا يصدقني

برادر من هارون وی گشاده تر است از من زبان و بفرستش با من یاری گری براست گو دارد

اني اخاف ان يكذبون قال سنشد عضدك باخيك

من بترسم که دروغ زن دارند مرا گفت سخت گردانیم بازوت را ببرادر تو

ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما باياتنا انتما ومن

وکنیم مر شما را حجتی تا نرسند بشما بنشانهای ما شما و آنکه

اتبعكما الغالبون فلما جاءهم موسى باياتنا بينات قالوا ما

پی برد شمارا و غلبه کنندگان چون بیاورد بایشان موسی حجتهای ما پیدا گفتند نیست

هذا الا سحر مفترى وما سمعنا بهذا في اباءنا الاولين

این مگر جادویی از خویشتن ساخته ونشنیدیم این اندر پدران ما پیشینیان

وقال موسى ربي اعلم بمن جاء بالهدى من عنده ومن

وگفت موسی خداوند من داناتر است بدانکه بیاورد راه راست از نزد خود و آنکه

تكون له عاقبة الدار انه لا يفلح الظالمون وقال

باشد مر او را سرانجام سرای که نرهند از عذاب ستمکاران وگفت

خمس

فرعون يا ايها الملأ ما علمت لكم من اله غيري فاوقد

فرعون ای گروه مهتران ندانستم مر شما هیچ خدا جز من پس آتش کن

يا هامان على الطين فاجعل لي صرحا لعلي اطلع

ای هامان بر گل و پختن مرا کوشکی تا مگر من بر آیم

الى اله موسى واني لاظنه من الكاذبين ۝ واستكبر هو

بخدای موسی و من گمان برم او را از دروغ زنان و بزرگ منشی کرد او

وجنوده في الارض بغير الحق وظنوا انهم الينا لا يرجعون

و سپاه وی اندر زمین بنا راستی و گمان بردند کایشان سوی ما باز گردانیده نشوند

فاخذناه وجنوده فنبذناهم في اليم فانظر كيف كان عاقبة

بگرفتیم او را و سپاهها او را و بیفگندیمشان اندر دریا بنگر چگونه بود سرانجام

عشر

الظالمين ۝ وجعلناهم ائمة يدعون الى النار ويوم القيمة

بیدادگران و کردیمشان پیشروانی همی خوانند سوی آتش و روز رستاخیز

لعنة

لا ينصرون ۝ واتبعناهم في هذه الدنيا ويوم القيمة هم

اندرین جهان دوری از رحمة و روز قیامت ایشان

من المقبوحين ۝ ولقد اتينا موسى الكتاب من بعد

از هلاک کردگان و بدادیم موسی را توریة از پس

ما اهلكنا القرون الاولى بصائر للناس وهدى

آنکه هلاک کردیم گروهان پیشینیان را نشانها مر مردمان را و راه نمودن

ورحمة لعلهم يتذكرون ۝ وما كنت بجانب الغربي

و بخشایشی تا مگر ایشان پند گیرند و نبودی تو بکناره کوه غربی

اذ قضينا الى موسى الامر وما كنت من الشاهدين

چون بگزاردیم سوی موسی فرمان و نبودی از حاضران

ولكنا

٢٥٤

خمس

ولكنا انشانا قرونا فتطاول عليهم العمر وما كنت

ولیکن ما پدید کردیم گروهی دراز گشت بر ایشان زندگانی و نبودی تو

ثاويا في اهل مدين تتلوا عليهم اياتنا ولكنا كنا مرسلين

باشنده اندر مردمان مدین که همی خواندی بر ایشان آیتها ما ولیکن بودیم ما از پیغمبران

وما كنت بجانب الطور اذ نادينا ولكن رحمة من

و نبودی بکناره کوه چون بخواندیم موسی را ولیکن بخشودنی بود از

ربك لتنذر قوما ما اتاهم من نذير من قبلك لعلهم

خداوند تو تا بیم کنی گروهی آنچه نیامد بایشان هیچ بیم کننده از پیش تو تا مگر ایشان

يتذكرون ۝ ولولا ان تصيبهم مصيبة بما قدمت ايديهم

پند گیرند و اگر نه آنستی که برسد بایشان کاری اندوهگن بدانچه فرستاده دستهای ایشان

فيقولوا ربنا لولا ارسلت الينا رسولا فنتبع اياتك

پس گویند ای خداوند ما فرستادی سوی ما پیغمبری تا بدم رفتی آیتها ترا

ونكون من المؤمنين ۝ فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا

و بودمی از گرویدگان چون بیامد بایشان راستی از نزد ما گفتند

لولا اوتي مثل ما اوتي موسى اولم يكفروا بما اوتي

چرا ندادند همچنانکه دادند موسی را نه کافر گشتند بدانچه دادند

موسى من قبل قالوا سحران تظاهرا وقالوا انا بكل

موسی را از پیش گفتند دو جادو اند هم پشت و گفتند ما بهمه گاه

كافرون ۝ قل فاتوا بكتاب من عند الله هو اهدى

ناگرویدگانیم بگو یا محمد بیارید نامه از نزد خدا که وی راه نمای تر باشد

منهما اتبعه ان كنتم صادقين ۝ فان لم يستجيبوا لك

از ایشان تا بدم روم آنرا اگر هستید شما راست گویان اگر پاسخ بکنند مر ترا

بحذف مضاف گفته اند که و منقطع بود
خبرهای پیشینان بدانی در میان آدم
تا زمان تو بود و لهذا خبرهای ایشان را بتو
وحی فرستادیم ۱۲

ولولا در اول آیه لولا امتناعیه
[illegible]
که ولولا نه بیشتر لولا در قول [illegible]
[illegible]
[illegible]
جواب لولا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

فاعلم انما يتبعون اهواءهم ومن اضل ممن اتبع هويه
بدان که همی بدم روند آرزوهای خویش و کیست گمراه تر از انکه بدم رود آرزوی خویش
بغير هدى من الله ان الله لا يهدي القوم الظالمين
به پرستی اورا از خدای که خدای راه ننماید گروه بیدادگران را
ولقد وصلنا لهم القول لعلهم يتذكرون الذين اتيناهم
و پیوسته گردانیدیم مرایشان را گفتار تا مگر ایشان پند گیرند انکه بدادیم
الكتاب من قبله هم به يؤمنون واذا يتلى عليهم قالوا
نامه یعنی توریة از پیش وی بقرآن ایشان بگروند و چون برخوانند بر ایشان گویند
امنا به انه الحق من ربنا انا كنا من قبله مسلمين اولئك
بگرویدیم بوی که وی راست است از خداوند ما و ما بودیم از پیش وی گردن نهادگان ایشان
يؤتون اجرهم مرتين بما صبروا ويدرءون بالحسنة السيئة
که بدهندشان مزد ایشان دوباره بدانچه شکیبا کردند و رفع میکنند به نیکی بدی را
ومما رزقناهم ينفقون واذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه
و از آنچه روزی دادیمشان هزینه می کنند و چون بشنوند سخن بیهوده روی گردانند
وقالوا لنا اعمالنا ولكم اعمالكم سلام عليكم لا
وگفتند مارا کارهای ما و شمارا باد کارهای شما درود باد بر شما
نبتغي الجاهلين انك لا تهدي من احببت ولكن الله
نخواهیم نادانان را که تو راه ننمایی آنرا که دوست داری ولیکن خدای
يهدي من يشاء وهو اعلم بالمهتدين وقالوا ان نتبع
راه نماید آنرا که خواهد و وی داناترست براه یافتگان وگفتند اگر بدم رویم
الهدى معك نتخطف من ارضنا اولم نمكن لهم حرما امنا
راه راست را با تو بربایند مارا از زمین ما نه جای ساختیم مرایشان را حرمی ایمن

نصف عشر

یکی برای ایمان ایشان بقرآن از قبل
نزول توریة و انجیل پیش از نزول قرآن
دیگر برای ایمان ایشان بقرآن بعد
از نزول آن و بقولی یکی مزد برای
ایمان ایشان و مزد دیگر برای
صبر بر آزار ... کافران گفته

خمس

یجبی

يجبى اليه ثمرات كل شيء رزقا من لدنا ولكن اكثرهم
آورده می آیند سوی وی میوها همه چیزی روزی هست از نزد ما ولیکن بیشتر ایشان
لا يعلمون وكم اهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك
ندانند و چند هلاک کردیم از دیها برگرفته بودشان از زندگانی خویش و از جا
مساكنهم لم تسكن من بعدهم الا قليلا وكنا نحن الوارثين
باشندگان ایشان نباشید آنجا از پس ایشان مگر اندکی و بودیم ما میراث گیران
وما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في امها رسولا
و چنان است خداوند تو هلاک کننده دیها تا بفرستد اندر اهل پیغمبری
يتلوا عليهم اياتنا وما كنا مهلكي القرى الا واهلها ظالمون
که برخواند برایشان آیتهاء ما و ما نباشیم هلاک کنندگان دیها مگر باشندگان آن ستمکاران
وما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما
و آنچه دادند شمارا از چیزی برخورداری زندگانی اینجهان و آرایش وی و آنچه
عند الله خير وابقى افلا تعقلون افمن وعدناه وعدا
نزد خدایست بهتر و پایدارتر و با هی اندر نیابند هرانکسی که وعده کردیمش وعده
حسنا فهو لاقيه كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا
نیکو و وی برسد بدان چون کسی باشد که برخورداری دهیمش برخورداری زندگانی اینجهان
ثم هو يوم القيمة من المحضرين ويوم يناديهم فيقول
پس وی روز رستخیز از کجا آوردگان باشد و آن روز که بخواندشان گوید
اين شركاءي الذين كنتم تزعمون قال الذين حق
کجا اند انبازان من آنانکه شما دعوی کردید گویند آنکسانکه واجب شود
عليهم القول ربنا هؤلاء الذين اغوينا اغويناهم كما
برایشان عذاب یا خداوند ما ایشانند آنکسانکه گم کردانیدیمشان چنانکه

عشر

کلمه جواب نفس [illegible] لا ابتغی
[illegible] بر [illegible] دو [illegible] ان
در [illegible] بر [illegible]
[illegible] والله اعلم

غوينا تبرأنا إليك ما كانوا إيانا يعبدون ◉ وقيل

گمره شدیم بیزار شدیم ما از بهر تو نه چنان بودند که ما را پرستیدندی و گویند

ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم ورأوا العـ

بخوانید انبازان خویش را بخوانندشان پاسخ نکنند مر ایشان را و ببینند عذاب

لو أنهم كانوا يهتدون ◉ ويوم يناديهم فيقول ماذا

اگر ایشان چنان بودندی که راه یافتندی و آن روز که بخوانندشان گوید چه

أجبتم المرسلين ◉ فعميت عليهم الأنباء يومئذ فهم

پاسخ کردید پیغمبرانرا پوشیده شود بر ایشان خبرها آن روز ایشان

لا يتساءلون ◉ فأما من تاب وآمن وعمل صالحا

نپرسند یکدیگر واما آنکس که بازگردد و بگرود و بکند نیکی

فعسى أولئك أن يكون من المفلحين ◉ وربك يخلق

مگر که باشد از رستگاران و خداوند تو بیافریند

ما يشاء ويختار ما كان لهم الخيرة سبحان الله وتعالى

آنچه خواهد و برگزیند نرسد مر ایشان را گزیدن پاکست خدای و برتر

عما يشركون ◉ وربك يعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون

از آنچه انباز گیرند و خداوند تو میداند آنچه پنهان دارد دلهاء ایشان و آنچه

وهو الله لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة

و ویست خدای نیست خدای مگر وی مر او راست ستایش اندرین جهان و در آن جهان

وله الحكم وإليه ترجعون ◉ قل أرأيتم إن جعل الله عليكم

و مر او راست حکم و سوی باز گردانندتان بگو چه بینید اگر بکند خدای بر

الليل سرمدا إلى يوم القيمة من إله غير الله يأتيكم

شب پیوسته تا روز رستخیز کیست خدای جز خدای که بیارد

بضياء

[illegible]

خس

عشر

٢٥٦

بضياء أفلا تسمعون ◉ قل أرأيتم إن جعل الله عليكم النهار

روشنی چرا نشنوید بگو چه بینید اگر بکند خدای بر شما روز را

سرمدا إلى يوم القيمة من إله غير الله يأتيكم بليل

پیوسته تا روز قیامت کیست خدای جز خدای که بیارد بشما شب

تسكنون فيه أفلا تبصرون ◉ ومن رحمته جعل لكم

بیارامید اندروی پاهی نه بینید و از بخشایش وی بکرد مر شما را

الليل والنهار لتسكنوا فيه ولتبتغوا من فضله ولعلكم

شب و روز تا بیارامید اندروی و تا بجویید از افزونی وی و تا مگر شما

تشكرون ◉ ويوم يناديهم فيقول أين شركائي

سپاس دارید و آن روز که بخواندشان گوید که کجا اند انبازان من

الذين كنتم تزعمون ◉ ونزعنا من كل أمة شهيدا

که شما دعوی کردید و بیرون آوردیم از هر گروهی گواهی

فقلنا هاتوا برهانكم فعلموا أن الحق لله وضل عنهم ما

پس گفتیم بیارید حجت شما را و بدانید که راستی مر خدایراست و گم شود از ایشان آنچه

كانوا يفترون ◉ إن قارون كان من قوم موسى فبغى

و قارون بود از گروه موسی ستم کرد

عليهم وآتيناه من الكنوز ما إن مفاتحه لتنوء بالعصبة

بر ایشان و بدادیمش از گنجها آنچه برداشتن کلیدهای وی گران آید بر گروهی که بودند

أولي القوة إذ قال له قومه لا تفرح إن الله لا يحب

با زور و هنر و چون گفت مر او را گروه وی شاد مباش که خدای دوست ندارد

الفرحين ◉ وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة ولا

شادمانرا و بجوی اندر آنچه داد ترا خدای سرای آن جهان و

خس

[illegible]

تنس نصيبك من الدنيا واحسن كما احسن الله اليك ولا
فراموش مکن بهره خویش از اینجهان و نیکویی کن همچنانکه نیکویی کرد خدا با تو و

تبغ الفساد في ~~الارض لفساد~~ في الارض ان الله لا يحب
مجوی تباهی کردن اندر زمین که خدا دوست ندارد

المفسدين ۝ قال انما اوتيته على علم عندي اولم
تباهکارانرا گفت بدرستی داده شدم آنرا بر دانشی که نزد منست

يعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون من هو
ندانست که خدا هلاک کرد از پیش وی از گروهان آنکسی را که

اشد منه قوة واكثر جمعا ولا يسئل عن ذنوبهم
سخت تر بود از وی بنیروی و بیشتر بگروه و نپرسند از گناهان

المجرمون ۝ فخرج على قومه في زينته قال الذين يريدون
گناهکاران بیرون آمد بر گروه خویش اندر آرایش خویش گفت آنکسانکه میخواستند

الحيوة الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتي قارون انه لذو
زندگانی اینجهان ای کاشکی مارا بودی همچنان که بداوند قارون را که وی با

حظ عظيم ۝ وقال الذين اوتوا العلم ويلكم ثواب الله
بهره بزرگست و گفت آنانکه بداوندشان دانش وای مرشمارا پاداش

خير لمن امن وعمل صالحا ولا يلقيها الا الصابرون ۝
بهتر مرآنرا که بگروید نیکیها و ندهید این مگر شکیبایان را

فخسفنا به وبداره الارض فما كان له من فئة ينصرونه
و فرو آوردیم اورا و سرای اورا بزمین و نبود مر اورا هیچ گروهی که یاری کنند

من دون الله وما كان من المنتصرين ۝ واصبح الذين
از فرود خدا و نتوانست از خویشتن باز داشتن و برخواستند آنکسانکه

عشر

[illegible]

٢٥٧

كانه بالامس يقولون ويكان الله يبسط الرزق لمن
گاه وی دیروز همی گویند وای تراکه خدا فراخ کرداند روزی مرآنرا

من عباده ويقدر لولا ان من الله علينا لخسف بنا
از بندگان خویش و تنگ کرداند اگر نه آن بودی که منت نهاد خدا برما بزمین فرو بردی مارا

يكانه لا يفلح الكافرون ۝ تلك الدار الاخرة
زا که رهند از عذاب ناگرویدگان آنکه سرای بازپسین

علها للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا
ش مرآنکسانرا که نخواهند برتری اندر زمین و نه تباه کاری

العاقبة للمتقين ۝ من جاء بالحسنة فله خير منها ومن
رانجام نیک مرپرهیزکارانست هر که بیاید به نیکی مراورا بهتر از آن و هر که

بالسيئة فلا يجزى الذين عملوا السيئات الا ما كانوا
بدی پاداش ندهند آنکسانرا که کردند بدیها مگر آنچه همی

ملون ۝ ان الذي فرض عليك القران لرادك الى معاد
ز آنکسی که فرو فرستاد بر تو نبی بازگرداند ترا سوی انجاکه بیابی

ربي اعلم من جاء بالهدى ومن هو في ضلال مبين
اوند من داناترست بدانکسی که بیاورد راه راست و آنکسی که وی اندر گمراهی است پیدا

ما كنت ترجوا ان يلقى اليك الكتاب الا رحمة
دی تو که امید داشتی که فرو فرستند سوی تو قران مگر بخشایشی

ربك فلا تكونن ظهيرا للكافرين ۝ ولا يصدنك
اوند تو و مباش یاری کننده مر کافرانرا و باز مدارند ترا

ايات الله بعد اذ انزلت اليك وادع الى ربك
نهای خدا پس آنکه فرو فرستاده اند سوی تو و بخوان سوی خداوند تو

حزب

ولا تكونن من المشركين ولا تدع مع الله الها
و مباش از انبازگیران و مخوان با خدا خدا
آخر لا اله الا هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم و
دیگر نیست خدا مگر وی هر چیزی هلاک شوند مگر وی مراورست حکم
اليه ترجعون

سورة العنكبوت تسع وستون آية

بازگرداند سوی وی

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که راه نماینده است مهربان پرورنده بنعمت بخشاینده رحمت

الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا وهم لا يفتنون
پندارند مردمان که دست بازدارندش که گویند گرویدیم و ایشان
ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا
و آزموده کردیم آنکسان را که از پیش ایشان بودند و نیک داند خدا آنکسان را که
وليعلمن الكاذبين ام حسب الذين يعملون السيئات ان
و نیک داند دروغ زنان را یا می پندارند آنکسانکه می کنند بدیها که
يسبقونا ساء ما يحكمون من كان يرجو لقاء الله فان
از ما اندرگذرند بدست آنچه حکم کنند هر که امید دارد رسیدن بخدا
اجل الله لآت وهو السميع العليم ومن جاهد فانما
عذاب خدا آمدنیست و وی شنوا و داناست و هر که بکوشد
يجاهد لنفسه ان الله لغني عن العالمين والذين
بکوشد مرتن خویش که خدا بی نیاز است از همه خلق
آمنوا وعملوا الصالحات لنكفرن عنهم سيئاتهم ولنجزينهم
بگرویدند و بکردند نیکیها بپوشانیم از ایشان بدیهای

احسن الذي كانوا يعملون ووصينا الانسان بوالديه
نکوتر و بهتر از آنچه همی کردند و فرمودیم مردم را با مادر و پدر خویش
حسنا وان جاهداك لتشرك بي ما ليس لك به علم
نکوکاری و اگر بکوشند با تو تا انبازگیری بمن آنچه نیست ترا بوی دانش
فلا تطعهما الي مرجعكم فانبئكم بما كنتم تعملون
پس فرمان مبر ایشانرا سوی من باشد بازگشت شما آگاهی دهم شما را بآنچه کردید
والذين آمنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم في الصالحين
و آنکسانکه بگرویدند و بکردند نکوییها اندر آریمشان اندر نیکان
ومن الناس من يقول آمنا بالله فاذا اوذي في الله جعل
و از مردمان کسی که گوید گرویدیم بخدا چون رنجه شود در دین خدای کند
فتنة الناس كعذاب الله ولئن جاء نصر من ربك
رنجش مردمان چون عذاب خدا و اگر بیاید یاری از خداوند تو
ليقولن انا كنا معكم اوليس الله باعلم بما في صدور العالمين
گویند ما بودیم با شما ای نیست خدا داناترست بآنچه اندر دلهاء همه خلق است
وليعلمن الله الذين آمنوا وليعلمن المنافقين وقال
و نیک بداند خدا آنکسانرا که بگرویدند و نیک داند منافقان را و گفتند
الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا ولنحمل
آنکسانکه کافر شدند مر آنکسانرا که بگرویدند پس روید راه ما را و برداریم
خطاياكم وما هم بحاملين من خطاياهم من شيء انهم
گناهان شما را و نباشند ایشان بردارندگان از گناهان ایشان از چیزی که ایشان
لكاذبون وليحملن اثقالهم واثقالا مع اثقالهم وليسئلن
دروغ زنانند و بردارند بارهای گران خویش و بارهای گران با بارهای ایشان و پرسند

[illegible]

عشر

بعضی کسان از آزار دیدن بسبب دین
اگر از ترسکان از دین برگردد بعد
از آنکه از عذاب آن ترسند و عذاب
آدمیان را چون عذاب خدا دانند
بحکم آنکه بگردد والله تعالی اعلم بالحقایق

ولنحمل معطوف است بر اتبعوا و [illegible]
عطف انشا بر انشا است [illegible]
[illegible]

[illegible]

خمس

[illegible]

يوم القيمة عما كانوا يفترون ۝ ولقد ارسلنا نوحا الى
روز قيامت از انچه دروغ ساختند وهر آينه بفرستاديم نوح را
قومه فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاما فاخذهم
گروه وی درنگ کرد میان ایشان هزار سال مگر پنجاه سال بگرفت ایشان
الطوفان وهم ظالمون ۝ فانجيناه واصحاب السفينة
باران وایشان ستمکار بودند وبرهانیدیم او را وباشند کشتی را
وجعلناها اية للعالمين ۝ وابرهيم اذ قال لقومه اعبدوا
وکردیم آن کشتی را نشانی مر همه خلق وابراهیم چون گفت مر گروه خویش
واتقوه ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون ۝ انما تعبدون
وبترسید از وی آن بهتر مر شما را اگر هستید که بدانید همی پرستید
من دون الله اوثانا وتخلقون افكا ان الذين تعبدون
از فرود خدای بتان را ومی آفرینید دروغ را آنکه همی پرستید
من دون الله لا يملكون لكم رزقا فابتغوا عند الله الرزق
از جز خدای پادشاهی ندارند مر شما روزی بجویید نزد خدای روزی
واعبدوه واشكروا له اليه ترجعون ۝ وان تكذبوا
وبپرستید او را وسپاس داری کنید مر او را سوی وی بازگردانند شما را واگر بدروغ دارید
فقد كذب امم من قبلكم وما على الرسول الا البلاغ
خود بدروغ داشتند گروهانی که پیش شما بودند ونیست بر پیغمبر مگر رسانیدن
المبين ۝ اولم يروا كيف يبدئ الله الخلق ثم يعيده
پیدا باهمی نبینند چگونه آغاز کند خدای آفریدن باز بازگرداند
ان ذلك على الله يسير ۝ قل سيروا في الارض فانظروا
که آن بر خدای آسانست بگو بروید اندر زمین وبنگرید

حس

[illegible]

كيف

كيف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشاة الاخرة ان الله
چگونه آغاز کند آفریدن باز خدای آفریند آفریدن دیگر که خدای
على كل شيء قدير ۝ يعذب من يشاء ويرحم من يشاء
بر هر چیزی تواناست عذاب کند آنرا که خواهد وببخشاید آنرا که خواهد
واليه تقلبون ۝ وما انتم بمعجزين في الارض ولا في
وسوی وی بازگردانند ونیستید شما که بجهید اندر زمین ونه اندر
السماء وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ۝ والذين
آسمان ونیست مر شما را از فرود خدای هیچ نگهداری ونه یاری وآنها که
كفروا بايات الله ولقائه اولئك يئسوا من رحمتي واولئك
کافر شدند بنشانهای خدای ورسیدن بوی ایشانند که نومید گشتند از رحمت من وایشانند که
لهم عذاب اليم ۝ فما كان جواب قومه الا ان قالوا اقتلوه
مر ایشانراست عذاب دردناک پس نبود پاسخ گروه وی مگر آنکه گفتند بکشید وی را
او حرقوه فانجيه الله من النار ان في ذلك لايات
یا بسوزید برهانیدش خدای از آتش اندرین نشانهاست
لقوم يؤمنون ۝ وقال انما اتخذتم من دون الله اوثانا
گروهی را که بگروند وگفت بگرفتید بجز خدای بتان را
مودة بينكم في الحيوة الدنيا ثم يوم القيمة يكفر
دوستی میان شما اندر زندگانی اینجهان باز روز قیامت کافر شوند
بعضكم ببعض ويلعن بعضكم بعضا وماويكم النار وما لكم من
بعضی ببعضی ولعنت کند بهرهٔ از شما بر بهره وجای شما آتش باشد ونباشد مر شما را هیچ
ناصرين ۝ فامن له لوط وقال اني مهاجر الى ربي انه هو
یاری استوار داشت مر او را لوط وگفت من ببرم از کسان خویش سوی خداوند خویش که وی است

عشر

خمس

[illegible]

خمس

لا

سُ شُ

ىُ ءُ لاُ هُ وُ

ذِ زِ سِ شِ صِ

مِ نِ هِ وِ لاِ ءِ

تهران خیابان ناصر خ

[illegible]

العزيز الحكيم ووهبنا له اسحق ويعقوب وجعلنا في
بی همت و صوابکار و بداديم مر او را اسحق پسر و یعقوب پسر پسر و بکرديم اندر
ذريته النبوة والكتاب وآتيناه اجره في الدنيا وانه
فرزندان او را پیغمبری و نامه یعنی توریة و بداديم او را مزد وی اندر این جهان و وی
في ~~الدنيا وانه~~ في الآخرة لمن الصالحين ولوطا اذ قال
اندر آن جهان از نیکان باشد و لوط چون گفت
لقومه انكم لتاتون الفاحشة ما سبقكم بها من
مر گروه خویش را ای شما بکنید کاری زشت پیشی نکرد است از شما بدان
احد من العالمين ائنكم لتاتون الرجال وتقطعون
کس را از همه خلق ای شما همی فرود آیید بر مردان و همی برید
السبيل وتاتون في ناديكم المنكر فما كان جواب قومه
راه و همی بکنید اندر مجلس خویش ناخوب و نبود پاسخ گروه وی
الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان كنت من الصادقين
مگر آنکه گفتند بیار بما عذاب خدا اگر هستی تو از راست گویان
قال رب انصرني على القوم المفسدين ولما جاءت
گفت ای پروردگار فریاد ده مرا بر گروه تباه کاران و چون بیامد
رسلنا ابراهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هذه
پیغمبران ما سوی ابرهیم با مژده گفتند هلاک خواهیم کردن باشندگان
القرية ان اهلها كانوا ظالمين قال ان فيها لوطا
دیه را که باشندگان وی هستند ستمکاران گفت اندر آنجا لوط است
قالوا نحن اعلم بمن فيها لننجينه واهله الا امراته كانت
گفتند ما داناتریم بدانکه اندر آنجاست برهانیم لوط را و کسان وی مگر زن وی را که

من الغابرين

عشر

من الغابرين ولما ان جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق
از باقی ماندگان و آن هنگام که آمدند فرستادگان ما سوی لوط اندوهگین شد بدیشان و تنگ شد
بهم ذرعا وقالوا لا تخف ولا تحزن انا منجوك واهلك الا
بسبب ایشان از جهت دل و گفتند مترس و اندوه مدار بدرستی که ما رهاننده ایم ترا و کسان ترا مگر
امراتك كانت من الغابرين انا منزلون على اهل هذه القرية
زن ترا که باشد از پس ماندگان بدرستی که ما فرود آرندگانیم بر اهل این دیه
رجزا من السماء بما كانوا يفسقون ولقد تركنا منها آية بينة
عذابی از آسمان بسبب آنکه بودند فسق میکردند و بدرستی که ما بگذاشتیم از قریه نشانی روشن
لقوم يعقلون والى مدين اخاهم شعيبا فقال يا قوم اعبدوا الله
برای گروهی که تعقل کنند و فرو فرستادیم بسوی مدین برادرشان شعیب را پس گفت ای گروه بپرستید خدا را
وارجوا اليوم الآخر ولا تعثوا في الارض مفسدين فكذبوه
و امید دارید ثواب روز بازپسین را و تباهی مجویید در زمین مدین در حالت فساد پس دروغ زن داشتند او را
فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين وعادا وثمود وقد
پس گرفت ایشان را زلزله سخت پس بامداد کردند در سرای خود بزانو در آمدگان و یاد کن قوم عاد و ثمود و بدرستی
تبين لكم من مساكنهم وزين لهم الشيطان اعمالهم فصدهم عن
روشن شد مر شما را هلاک ایشان از منازل ایشان و بیاراست برای ایشان دیو سرکشی کردارهای ایشان پس بازداشت ایشان را از
السبيل وكانوا مستبصرين وقارون وفرعون وهامان ولقد
راه راست و بودند بینایان و یاد کن قارون را و فرعون و هامان را و بدرستی
جاءهم موسى بالبينات فاستكبروا في الارض وما كانوا سابقين
آمد بایشان موسی ع به حجتهای روشن پس سرکشی کردند در زمین مصر و نبودند پیشی گیرندگان
فكلا اخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا عليه حاصبا ومنهم من
پس همه را گرفتیم بگناه ایشان پس بعضی از ایشان کسی که فرستادیم بر او بادی سخت و بعضی از ایشان کسی بود

[illegible]

خمس

عشر

أخذته الصيحة ومنهم من خسفنا به الأرض ومنهم من أغرقنا
که گرفت او را عذاب صیحه وبعضی از ایشان کسی بود که فرو بردیم او را بزمین واز ایشان کسی بود که غرق
وما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون ۝ مثل الذين اتخذوا
ونبود خدای که ستم کند بر ایشان ولیکن بودند ایشان که بجهل بر نفس خود ستم میکردند مثل آنانکه فرا گرفتند
من دون الله أولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتا وإن أوهن البيوت
بجز خدای دوستان مانند عنکبوت است که برای خود بگیرد خانه و بدرستی که سست ترین
لبيت العنكبوت لو كانوا يعلمون إن الله يعلم ما يدعون من دونه
خانه عنکبوت است اگر باشند کافران که دانند بدرستی که خدا میداند آنچه میخوانند بجز او
من شيء وهو العزيز الحكيم ۝ وتلك الأمثال نضربها للناس وما
از هر چیز واو غالب است محکم کار است واین مثلها میزنیم وبیان میکنیم برای مردمان و در
يعقلها إلا العالمون ۝ خلق الله السموات والأرض بالحق إن في
نیابند آنرا مگر دانایان بیافرید خدای تعالی آسمانها و زمینها برای حق بدرستی که در
ذلك لآية للمؤمنين ۝ اتل ما أوحي إليك من الكتاب وأقم
این آفریدن نشانه ایست مر گروندگانرا بخوان آنچه وحی کرده شد بتو از قرآن و بپای دار
الصلوة إن الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله
نماز را بدرستی که نماز را باز میدارد از کاری که زشت بود و از عمل منکر و هر آینه ذکر خدا
أكبر والله يعلم ما تصنعون ۝ ولا تجادلوا أهل
بزرگتر از ذکرهاست وخدای میداند آنچه میکنید وپیکار مکنید با اهل
الكتاب إلا بالتي هي أحسن إلا الذين ظلموا منهم وقولوا
کتاب مگر بخصلتی که آن نیکوترست مگر آنانکه ستم کردند از ایشان وبگوید ایشانرا
آمنا بالذي أنزل إلينا وأنزل إليكم وإلهنا وإلهكم واحد
گرویدیم بانچیز که فرو فرستاده شد بسوی ما و فرستاده شد بسوی شما و خدای ما و خدای شما یکیست

[illegible]

از حضرت صادق علیه السلم [illegible]

خمس

[illegible]

وكى

٢٦١

ونحن له مسلمون ۝ وكذلك أنزلنا إليك الكتاب فا
وما مر او را گردن نهادگانیم وهمچنین فرو فرستادیم بتو نامه یعنی [illegible] و
الذين آتيناهم الكتاب يؤمنون به ومن هؤلاء من يؤمن
آنانکه دادیم ایشانرا توریه بگروند بوی واز جهودان کس است که بگرود
به وما يجحد بآياتنا إلا الكافرون ۝ وما كنت تتلوا من
بوی وانکار نکند بآیتهای ما مگر کافران وآنچه بودی تو که خواندی از
قبله من كتاب ولا تخطه بيمينك إذا لارتاب المبطلون ۝
پیش وی از نامه و نه نوشتی بدست راست خویش چون انگاه که بگمان افتادندی کافران
بل هو آيات بينات في صدور الذين أوتوا العلم وما يجحد
بلکه وی یعنی قرآن آیتهاست پیدا اندر دلها آنانکه داده شان دانش وجحد نکنند
بآياتنا إلا الظالمون ۝ وقالوا لولا أنزل عليه آيات
بآیتهای ما مگر بیدادگران وگفتند چرا نبودی اگر فرستاده شدی بروی نشانها
من ربه قل إنما الآيات عند الله وإنما أنا نذير مبين ۝
از خداوندی بگو نشانها نزد خداست ومنم آنکه بیم کننده ام پیدا
أولم يكفهم أنا أنزلنا عليك الكتاب يتلى عليهم إن في ذلك
آیا بس نیست ایشانرا که ما فرستادیم بر تو قرآن همی خواند بریشان اندر این
لرحمة وذكرى لقوم يؤمنون ۝ قل كفى بالله بيني و
بخشایش است وپندی گروهی را که بگروند بگو بسنده است بخدا میان من و
بينكم شهيدا يعلم ما في السموات والأرض والذين
میان شما گواه بداند آنچه اندر آسمانهاست و زمین است وکسانیکه
آمنوا بالباطل وكفروا بالله أولئك هم الخاسرون ۝ و
گرویدند بناشایست وکافر شدند بخدای ایشانند که ایشان زیان کارانند و

[illegible]

عشر

يستعجلونك بالعذاب ولولا اجل مسمى لجاءهم العذاب

همی شتاب کنند ترا بعذاب ساختن و اگر نه وقتی بیغمبر بودی هر آینه آمدی بایشان عذاب

وليأتينهم بغتة وهم لا يشعرون ۝ يستعجلونك بالعذاب

و بیاید بایشان ناگاه و ایشان آگاهی ندارند و شتاب کنند ترا بعذاب

وان جهنم لمحيطة بالكافرين ۝ يوم يغشيهم العذاب من

و دوزخ گرد اندر گرفته است مر کافران را آن روزی که آید بایشان عذاب از

فوقهم ومن تحت ارجلهم ويقول ذوقوا ما كنتم تعملون ۝

زبر ایشان و از زیر پایهای ایشان و گویند بچشید آنچه شما همی کردید

يا عبادي الذين امنوا ان ارضي واسعة فاياي فاعبدون

ای بندگان من آنکه بگرویدند بدرستی که زمین من فراخ است پس خاص مرا بپرستید

كل نفس ذائقة الموت ثم الينا ترجعون ۝ والذين امنوا

هر تنی چشنده مرگ است باز سوی ما باز گردانیدندتان و آنکه بگرویدند

وعملوا الصالحات لنبوئنهم من الجنة غرفا تجري من تحتها

و کردند نیکیها جای سازیمشان از بهشت غرفها همی رود از زیر آن

الانهار خالدين فيها نعم اجر العاملين ۝ الذين صبروا

جویها روان جاویدان اندر آنجا نیکو مزد است مر کار کنندگان را آنها که شکیبا کردند

وعلى ربهم يتوكلون ۝ وكاين من دابة لا تحمل

و بر خداوند خویش توکل کنند و چند از جنبنده که بر ندارد

رزقها الله يرزقها واياكم وهو السميع العليم ۝ ولئن

روزی خویش خدا روزی دهد او را و شما را و ویست شنوا و دانا و اگر

سالتهم من خلق السموات والارض وسخر الشمس والقمر

پرسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین و فرمانبردار گردانید آفتاب و ماه

خمس

عشر

ليقولن

ليقولن الله فانى يؤفكون ۝ الله يبسط الرزق لمن يشاء

گویند خدا پس از کجا همی گردانند ایشان را خدا فراخ کند روزی آنرا که خواهد

من عباده ويقدر له ان الله بكل شيء عليم ۝ ولئن

از بندگان خویش و تنگ بگرداند او را که خدا بهمه چیزی داناست و اگر

سالتهم من نزل من السماء ماء فاحيا به الارض من بعد

پرسی ایشان را که فرو فرستید از آسمان آب که زنده کرد بدان زمین را از پس

موتها ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعقلون ۝ وما

مرگ آن گویند خدا بگو سپاس مر خدای را که بیشتر ایشان اندر نیابند و نیست

هذه الحيوة الدنيا الا لهو ولعب وان الدار الاخرة لهي

این زندگانی دنیا مگر فسوس و بازی و سرای آن جهان ویست

الحيوان لو كانوا يعلمون ۝ فاذا ركبوا في الفلك دعوا الله

زندگانی اگر دانستندی و چون بر نشینند اندر کشتی بخوانند خدای را

مخلصين له الدين فلما نجيهم الى البر اذا هم يشركون ۝

ویژه گردانیده مر او را دین چون برهاند ایشان را سوی دشت همانگاه ایشان انباز گیرند

ليكفروا بما اتيناهم وليتمتعوا فسوف يعلمون ۝ اولم يروا

تا کافر شوند بدانچه دادیمشان و تا برخورند زود باشد که بدانند یا همی نبینند

انا جعلنا حرما امنا ويتخطف الناس من حولهم افبالباطل

که ما کردیم حرم را ایمن و همی ربایند مردمان را از گرداگرد ایشان با باطل

يؤمنون وبنعمة الله يكفرون ۝ ومن اظلم ممن افترى على الله

همی گروند و به نیکویی خدای همی کافر گردند و کیست ستمکارتر از آنکس که فرا بافد بر خدای

كذبا او كذب بالحق لما جاءه اليس في جهنم مثوى

دروغی یا دروغ دارد براستی چون بیامد بوی ای نیست در دوزخ جای بودن

خمس

مثوى للكافرين ۝ والذين جاهدوا فينا لنهدينهم

مر کافران را · و آنکسانکه کوشیدند اندر طاعت ما نماییمشان

سبلنا وان الله لمع المحسنين ۝

سورة الروم ستون آية

راههاء ما · و خدا · با نیکوکاران است

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خدای که والا بصفت بیار است مهربان که تن را نعمت بیار است بخشاینده که [illegible]

الم غلبت الروم ۝ في ادنى الارض وهم من بعد غلبهم سيغلبون

[illegible] غلبه کردند پارسیان روم را اندر نزدیکترین زمین و ایشان از پس غلبه کردن [illegible]

في بضع سنين لله الامر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح

اندر چند سال کم از ده · مر خدایراست فرمان از پیش و از پس · و آن روز شاد گردند

المؤمنون ۝ بنصر الله ينصر من يشاء وهو العزيز الرحيم ۝

گرویدگان را · بیاری دادن خدا یاری دهد آنرا که خواهد و ویست بی همتا و بخشاینده

وعد الله لا يخلف الله وعده ولكن اكثر الناس لا

وعده داد خدا · خلاف نکند خدا · وعده وی · ولیکن بیشترین · مردمان نه

يعلمون ۝ يعلمون ظاهرا من الحيوة الدنيا وهم عن الاخرة هم

دانند · میدانند آشکارا · از زندگانی اینجهان · و ایشان از آنجهان

غافلون ۝ اولم يتفكروا في انفسهم ما خلق الله

بی آگاهانند · چرا همی اندیشه نکنند · اندر تنهاء خویش · بیافرید · خدای

السموات والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى و

آسمانها · و زمین · و آنچه میان این دوست مگر براستی و زمانه نام زده کرده

ان كثيرا من الناس بلقاء ربهم لكافرون ۝ اولم يسيروا

بسیاری · از مردمان برسیدن خداوند خویش ناگرویدگانند · یا چرا نروند

في الارض

٢٦٥

في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم

اندر زمین · پس بنگرند · چگونه · بود · سرانجام · آنکسانکه · از پیش ایشان بودند

كانوا اشد منهم قوة واثاروا الارض وعمروها اكثر مما

بودند · سخت تر از ایشان بنیرو · و زیر و زبر کردند زمین را و آبادان کردند بیشتر از آنچه

عمروها وجاءتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم

آبادان کردند و بیامد بایشان پیغمبرانشان بدرستیها · و چنان نبود که خدا ستم کردی بریشان

ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ ثم كان عاقبة الذين

ولیکن بودند · تنهاء خویش را ستمکاران · باز بود سرانجام · آنکسانکه

اساءوا السوأى ان كذبوا بايات الله وكانوا بها يستهزءون

بدی کردند · بدی · بدانکه دروغ داشتند حجتهاء خدا را · و بودند بدان فسوس کنندگان

الله يبدؤا الخلق ثم يعيده ثم اليه ترجعون ۝ ويوم تقوم

خدا آغاز کند آفریدن باز باز آرد او را باز بسوی وی باز گردانند تان · و آن روز که برخیزد

الساعة يبلس المجرمون ۝ ولم يكن لهم من شركائهم شفعؤا

[illegible] نومید شوند گناهکاران · و نباشد مرایشان را از انبازان ایشان خواهشگران

وكانوا بشركائهم كافرين ۝ ويوم تقوم الساعة يومئذ

[illegible] باشند با انبازان خویش کافران · و آن روز که برخیزد قیامه · آن روز

يتفرقون ۝ فاما الذين امنوا وعملوا الصالحات فهم

[illegible] شوند · پس آنکسانکه · بگرویدند و بکردند نیکیها · ایشان

في روضة يحبرون ۝ واما الذين كفروا وكذبوا باياتنا

اندر مرغزاری شادمان باشند · و اما آنها که کافر گشتند و بدروغ داشتند حجتهاء ما

ولقاء الاخرة فاولئك في العذاب محضرون ۝ فسبحان الله

و رسیدن بآنجهان · ایشان باشند اندر عذاب بجا آوردگان · پاکست و پاک کردن خدا

عشر

خمس

عشر

حين تمسون وحين تصبحون ۝ وله الحمد في السموات
چون نماز دیگر کنند وچون نماز بامدادان ومراورا باشد ستایش اندر آسمانها
والارض وعشيا وحين تظهرون ۝ يخرج الحي من الميت
وزمین ونماز خفتن وگاه نیم روز نماز پیشین بیرون آرد زنده را از مرده
ويخرج الميت من الحي ويحي الارض بعد موتها وكذلك
وبیرون آرد مرده را از زنده وزنده کند زمین پس از مرگ او وهمچنین
تخرجون ۝ ومن اياته ان خلقكم من تراب ثم اذا انتم
بیرون شمارا واز نشانهای وی که بیافرید شمارا از خاک باز آنگاه شما
بشر تنتشرون ۝ ومن اياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا
مردم گشتید پراکنده واز نشانهای وی که بیافرید مر شمارا از تنهای شما جفتان
لتسكنوا اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك
تا بیارامید باایشان وکرد میان شما دوستی وبخشایش اندرین
لايات لقوم يتفكرون ۝ ومن اياته خلق السموات و
نشانهاست مرگروهیرا که بیندیشند واز نشانهای وی آفریدن آسمانها
الارض واختلاف السنتكم والوانكم ان في ذلك لايات
زمین وگردیدن زبانهای شما وگونهای شما اندر این نشانهاست
للعالمين ۝ ومن اياته منامكم بالليل والنهار وابتغاؤكم
مر همه خلق را واز نشانهای وی خفتن شماست بشب وروز وجستن شما
من فضله ان في ذلك لايات لقوم يسمعون ۝ ومن اياته
از افزونی وی که اندرین وآن نشانهاست مرگروهی را که بشنوند واز نشانهای
يريكم البرق خوفا وطمعا وينزل من السماء ماء فيحي
که بنماید شمارا درخش بیم را وامیدرا وفرو فرستد از آسمان آبی تا زنده کند

الارض

٢٦٤

حزب

به الارض بعد موتها ان في ذلك لايات لقوم يعقلون
بوی زمین را پس مرگ آن اندرین نشانهاست مرگروهیرا که اندریابند
ومن اياته ان تقوم السماء والارض بامره ثم اذا دعاكم
واز نشانهای وی که بایستد آسمان وزمین بفرمان خدا باز چون بخواند شمارا
دعوة من الارض اذا انتم تخرجون ۝ وله من في السموات
خواندنی از زمین همانگاه شما بیرون آیند ومراورا هست آنکه اندر آسمانها
والارض كل له قانتون ۝ وهو الذي يبدؤا الخلق
وزمین است همه مراورا فرمانبردارند ووی است آنکه آغاز کند آفریدن
ثم يعيده وهو اهون عليه وله المثل الاعلى في السموات
ودیگر باره آفریند اورا وآن آسانتر بروی ومراورا هست برتری اندر آسمانها
والارض وهو العزيز الحكيم ۝ ضرب لكم مثلا من انفسكم
وزمین ووی است بی‌همتا وصوابکار بزد مر شمارا مثلی از تنهای شما
هل لكم مما ملكت ايمانكم من شركاء فيما رزقناكم فانتم
هیچ مر شمارا از آنچه پادشاه شود دستهای شما انبازان اندر آنچه روزی دادیم شمارا
فيه سواء تخافونهم كخيفتكم انفسكم كذلك نفصل
اندروی برابر بترسید از ایشان چون ترسیدن شما بتن خویش همچنین پدید کنیم
الايات لقوم يعقلون ۝ بل اتبع الذين ظلموا اهواءهم
نشانها مرگروهیرا که اندریابند نه هم رفتند آنکسانکه ستم کردند آرزوهای خویش را
بغير علم فمن يهدي من اضل الله وما لهم من ناصرين ۝
بنادانی کیست که راه نماید آنرا که گم کرداند خدا ونباشد مرایشانرا از هیچ یاری گری
فاقم وجهك للدين حنيفا فطرت الله التي فطر الناس
راست دار روی خویشتن را مر دین پاک آفرینش خدا آنکه بیافرید مردم را

عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر
بر وی کرد ایشانرا نیست مر دین خدا این است دین راست ولیکن بیشتر

الناس لا يعلمون منيبين اليه واتقوه واقيموا
مردمان ندانند بازگردید سوی وی وبترسید از وی وبپا دارید

الصلوة ولا تكونوا من المشركين من الذين فرقوا
نماز را ومباشید از انباز گیرندگان از آنانکه پراکنده کردند

دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون
وگشتند گروهی هر گروهی بدانچه نزد ایشان است شاد

واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منيبين اليه ثم اذا
وچون برسد مردم را سختی بخوانند خداوند خویشرا بازگردندگان سوی وی باز چون

اذاقهم منه رحمة اذا فريق منهم بربهم يشركون ليكفروا
بچشاند ایشان از وی بخشودنی چون همانگاه گروهی از ایشان بخداوند خویش انباز گیرند

بما آتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون ام انزلنا عليهم
بدانچه بدادیم ایشانرا بگو برخورید که زود باشد که بدانید باز فرو فرستادیم بر ایشان

سلطانا فهو يتكلم بما كانوا به يشركون واذا اذقنا
حجتی وی سخن همی گوید بدانچه بودند بوی انباز گرفتند وچون بچشانیم

الناس رحمة فرحوا بها وان تصبهم سيئة بما قدمت ايديهم
مردمانرا بخشایشی شاد گردند بدان واگر رسد بایشان بدی بدانچه پیش فرستاد دستها

اذا هم يقنطون اولم يروا ان الله يبسط الرزق لمن
همانگاه ایشان نومید گردند همی نه بینید که خدا فراخ گرداند روزی مر

يشاء ويقدر ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون فات
که خواهد وتنگ گرداند اندرین نشانهاست مر گروه گرویدگانرا

عشر

خمس

ذا القربی

از حضرت ابی جعفر علیه السلام روایت که چون آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فدک بفاطمه علیها السلام عطا فرمود

ذا القربى حقه والمسكين وابن السبيل ذلك خير للذين
خداوندان نزدیکی را حق وی ودرویش را وراه گذری را آن بهتر مر آنکسانرا

يريدون وجه الله واولئك هم المفلحون وما اتيتم من ربا
که خواهند خشنودی خدا را وایشانند که ایشان رهایابند وآنچه بدهید شما از عطا

ليربوا في اموال الناس فلا يربوا عند الله وما اتيتم من زكوة
تا افزاید اندر خواستهای مردمان نیفزاید نزد خدا وآنچه بدهید از زکوة

تريدون وجه الله فاولئك هم المضعفون الله الذي
خشنودی خدا را ایشانند که ایشان دو چندان یابند خدا است آنکه

خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم هل من شركائكم
بیافرید شمارا باز روزی دهد شمارا باز بمیراند شمارا باز زنده کند شمارا هیچ هست از انبازان شما

من يفعل من ذلكم من شيء سبحانه وتعالى عما يشركون
که کند از ایشان از آن چیزی پاکست وبرترست از آنچه انباز گیرند

ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس ليذيقهم
آشکار شد تباه کاری اندر دشت ودریا بدانچه بکردند دستهای مردمان تا بچشانیم ایشانرا

بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون قل سيروا في الارض
از آنچه کردند تا مگر ایشان بازگردند بگو بروید اندر زمین

فانظروا كيف كان عاقبة الذين من قبل كان اكثرهم
بنگرید که چگونه بود سرانجام آنکه بودند از پیش بودند بیشترین ایشان

مشركين فاقم وجهك للدين القيم من قبل ان ياتي
بپای دار راست داروی خویش را مر دین راست از پیش آنکه بیاید

يوم لا مرد له من الله يومئذ يصدعون من كفر فعليه
باز گردانیدن نباشد مر او را از خدا آن روز که پراکنده شوند هرکه کافر شود بر وی

عشر

[illegible]

خمس

كفره ومن عمل صالحا فلانفسهم يمهدون ليجزي الذين
کفر وی و هر که بکند نیکی مر تن خویش را گسترده باشد پاداش دهد آنکسانرا که
امنوا وعملوا الصالحات من فضله انه لا يحب الكافرين
گرویدند و بکردند نیکیها از افزونی وی که وی دوست ندارد ناگرویدگانرا
ومن اياته ان يرسل الرياح مبشرات وليذيقكم من رحمته و
و از نشانهای وی که بفرستد بادها مژده دهندگان و تا بچشاند شما را از بخشودن وی و
لتجري الفلك بامره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
تا برود کشتیها بفرمان وی و تا بجویید از افزونی وی و تا مگر شما سپاس دارید
ولقد ارسلنا من قبلك رسلا الى قومهم فجاءوهم بالبينات
و ما بفرستادیم از پیش تو پیغمبران سوی گروه ایشان بیاوردند بایشان
فانتقمنا من الذين اجرموا وكان حقا علينا نصر المؤمنين
کینه کشیدیم از آنکه گناه کردند و بود واجب بر ما یاری دادن گروندگان را
الله الذي يرسل الرياح فتثير سحابا فيبسطه في السماء
خدایست آنکه بفرستد بادها برانگیزد ابری بگستراند آنرا در آسمان
كيف يشاء ويجعله كسفا فترى الودق يخرج من خلاله
چنانکه خواهد و کند او را پاره پاره پس بینی باران را بیرون آید از میان
فاذا اصاب به من يشاء من عباده اذا هم يستبشرون وان
چون برساند بدان آنرا که خواهد از بندگان خویش آنگاه ایشان شادی کنند و
كانوا من قبل ان ينزل عليهم من قبله لمبلسين فانظر
بودند از پیش آنکه فرو فرستاده شد بر ایشان از پیش وی نومیدان بنگر
الى اثار رحمت الله كيف يحي الارض بعد موتها ان ذلك
سوی نشانهای رحمت یعنی باران خدا چگونه زنده گرداند زمین را پس مرگ وی آنکه

لمحي الموتى

عشر

لمحي الموتى وهو على كل شيء قدير ولئن ارسلنا ريحا
زنده گرداننده مردگانرا و وی بر هر چیزی تواناست و اگر بفرستادیم بادی
فراوه مصفرا لظلوا من بعده يكفرون فانك لا تسمع
زرد گردانیده بودندی همه روز از پس آن ناسپاسی میکردند و نتوانی شنوانیدن
الموتى ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين وما
مردگانرا و نتوانی شنوانیدن کرانرا خواندن چون برگردند پس روندگان و نیستی
انت بهادي العمي عن ضلالتهم ان تسمع الا من يؤمن باياتنا
راه نماینده کورانرا از گمبودگی ایشان اگر شنوانی مگر آنکسی که بگرود بآیتهای
فهم مسلمون الله الذي خلقكم من ضعف ثم
ایشان گردن نهادگانند خدایست آنکه بیافرید شما را از آب پشت سست باز
جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من بعد قوة ضعفا
کرد از پس سستی نیروی باز بکرد از پس نیروی سستی
وشيبة يخلق ما يشاء وهو العليم القدير ويوم تقوم
پیری بیافریند آنچه میخواهد و ویست دانا و توانا و آن روز که برخیزد
الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعة كذلك كانوا
قیامت سوگند خورند گناهکاران درنگ کردند مگر زمانی همچنین بودند
يؤفكون وقال الذين اوتوا العلم والايمان لقد لبثتم
دروغ گفتند و گفتند آنکه که داده شدند دانش و گرویدن و بحقیقة درنگ کردید
في كتاب الله الى يوم البعث ولكنكم كنتم لا تعلمون
در نامه خدا تا روز برانگیختن ولیکن شما بودید که نمیدانستید
فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم ولا هم يستعتبون
آن روز سود ندارد آنکسانرا که ستم کردند عذر خواستن ایشان و نه ایشانرا باز گردانند

خمس

تم او نمایند از شر شیطان و لشکریان او ناشناسا نگاه سو

[illegible]

عشر

ولقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كل مثل ولئن
و بزدیم مردمان را اندرین قرآن از هر مثلی و اگر
جئتهم بآية ليقولن الذين كفروا ان انتم الا مبطلون
بیاری بایشان آیتی گویند آنکسانکه کافر شدند که نیستید شما مگر بیهوده کاران
كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون فاصبر ان
همچنین مهر نهد خدا بر دلهاء آنکسانکه ندانند شکیبا باش که
وعد الله حق ولا يستخفنك الذين لا يوقنون
وعده خدا راستست و سبکسار نکردانند ترا آنکسانکه بیگانند

سورة لقمن مكية اربع وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای کشاینده دل روزی دهنده بندکان پرورنده عیب پوشنده آمرزنده بخشاینده
الم تلك آيات الكتاب الحكيم هدى ورحمة للمحسنين
این آیتهاء قرآن استوارکار و راه راست و بخشایش مر نیکوکارانرا
الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة
آنکسانکه بپای دارند نمازرا و بدهند زکوة و ایشان بدان جهان
هم يوقنون اولئك على هدى من ربهم واولئك هم
ایشان بیکانند ایشانند بر راه راست از خداوند خویش و ایشانند که ایشان
المفلحون ومن الناس من يشتري لهو الحديث ليضل
رستکار شدند و از مردمان کس هست که بخرد بیهوده سخن را تا کم کرداند
عن سبيل الله بغير علم ويتخذها هزوا اولئك لهم عذاب
از راه خدای بی دانشی و بگیرد آنرا افسوس ایشانند که مر ایشانراست

خمس

[illegible]

مهين واذا تتلى عليه آياتنا ولى مستكبرا كان لم يسمعها
خوار کننده و چون برخوانند بروی آیتهاء ما برکرود بزرک منشی کند چنانکه نشنید سخن
كأن في اذنيه وقرا فبشره بعذاب اليم ان الذين آمنوا
کویا که اندر دو کوش وی کرانیست مژده ده اورا بعذاب دردناک آنکسانکه بکرویدند
وعملوا الصالحات لهم جنات النعيم خالدين فيها وعد الله
و کردند نیکیها مر ایشانراست بستانهاء با نعمة جاویدان اندر آنجا که وعده خدا
حقا وهو العزيز الحكيم خلق السموات بغير عمد ترونها
راست و ویست با هیبة و صوابکار بیافرید آسمانهارا بی ستون همی بینیدش
والقى في الارض رواسي ان تميد بكم وبث فيها من
و بیفکند اندر زمین کوهها که بیچاره کردند شمارا و بپراکند اندروی از
كل دابة وانزلنا من السماء ماء فانبتنا فيها من كل
جنبنده و فرو فرستادیم از آسمان آبی برویانیدیم اندروی از هر
زوج كريم هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذين
جفتی بزرگوار این است آفریده خدا بنمایید مرا آنچه که آفریده اند آنکه
من دونه بل الظالمون في ضلال مبين ولقد آتينا
جز ویند که ستمکاران اندر گمراهی اند پیدا و بحقیقة بدادیم
لقمن الحكمة ان اشكر لله ومن يشكر فانما يشكر
لقمن را سخن صواب که سپاسدار مر خدایرا و هر که سپاس دارد همی سپاسدارد
لنفسه ومن كفر فان الله غني حميد واذ قال لقمن
تن خویش را و هر که ناسپاسی کند که خدا بی نیاز است ستوده و چون کفت لقمن
لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك بالله ان الشرك
پسرش را و وی پند داد اورا ای پسرک من کمرا نباز بخدای که انباز کرفتن

عشر

[illegible]

بار برو ز نقل حملت در تضاعف و تزاید است والله تعالی اعلم

[illegible]

لظلم عظيم ۝ ووصينا الانسان بوالديه حملته امه

هرآینه ظلمی بزرگست   و وصیت کردیم مردمان را که نیکوئی کنند با مادر و پدر برداشت او را

وهنا على وهن وفصاله في عامين ان اشكر لي ولوالديك

وحال آنکه ضعیف تر میشد بر ضعیفی و شیر باز گرفتن او اندر دو سال که سپاسداری کنی مرا و پدر و مادر را

الي المصير وان جاهداك على ان تشرك بي ما ليس لك به

سوی من است باز گشتن و اگر کوشش کنند هر دو با تو بر آنکه انباز گیری با من آنچه نیست ترا بوی

علم فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا واتبع سبيل

دانش و فرمان مبر ایشان را و صحبت دار با ایشان اندر این جهان بوجه خوش و بر رو راه

من اناب الي ثم الي مرجعكم فانبئكم بما كنتم تعملون ۝

آنکسی که باز گردد بسوی من باز بسوی منست باز گشتن شما آگاهی دهم شما را بدانچه شما همی کردید

يا بني انها ان تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة

ای پسرک من آن اگر باشد همسنگ دانه از سپندان باشد اندر سنگی

او في السموات او في الارض يات بها الله ان الله لطيف

یا اندر آسمانها   یا اندر زمین   بیارد آنرا خدای که خدا خرده بین است

لطيف خبير ۝ يا بني اقم الصلوة وامر بالمعروف وانه

آگاه   ای پسرک من بپای دار نماز را   و بفرما به نیکوییها   و باز دار

عن المنكر واصبر على ما اصابك ان ذلك من عزم

از بدی   و شکیبا باش بر آنچه برسد بتو که آن استوارترین

الامور ۝ ولا تصعر خدك للناس ولا تمش في الارض مرحا

کارهاست   و مگردان رخ خویش را از مردمان و مرو اندر زمین شادان

ان الله لا يحب كل مختال فخور ۝ واقصد في مشيك

که خدا دوست ندارد هر گردنکشی نازنده را   و بکمیر اندر رفتن تو

خمس

[illegible]

واغضض

واغضض
من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير ۝ الم تروا ان

ازان آواز خویش که زشت ترین آوازها   آواز   خرانست   ای نه بینید

الله سخر لكم ما في السموات وما في الارض واسبغ

خدا فرمانبردار کرد بندم شما را آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمین است و فراخ کرد

عليكم نعمه ظاهرة وباطنة ومن الناس من يجادل في الله

بر شما نعمتهای خویش آشکارا و نهان   و از مردمان کس است که پیکار کند اندر یگانگی خدا

بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير ۝ واذا قيل لهم

بی دانشی   و نه راه راست   و نه   نامه   روشن   و چون گویند مرایشان را

اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه اباءنا

پیروی کنید آنچه فرو فرستاد خدا گویند نکه بهم رویم آنچه یافتیم بروی پدران خویش را

اولو كان الشيطان يدعوهم الى عذاب السعير ۝ ومن يسلم

اگرچه بود   دیو   میخواند ایشان را سوی عذاب آتش سوزان و هرکه بسپارد

وجهه الى الله وهو محسن فقد استمسك بالعروة الوثقى

نفس خویش را سوی طاعت خدای و وی نیکوکار باشد بحقیقه چنگ اندر زد بگوشه استوارترین

والى الله عاقبة الامور ۝ ومن كفر فلا يحزنك كفره الينا

و سوی خدا باز گرد سرانجام کارها   و هرکه کافر گردد اندوهگین نکند ترا کفر وی که سوی ماست

مرجعهم فننبئهم بما عملوا ان الله عليم بذات الصدور ۝

باز گشتن ایشان را آگاهی دهیمشان بدانچه کردند که خدا داناست   بدانچه اندر دلهاست

نمتعهم قليلا ثم نضطرهم الى عذاب غليظ ۝ ولئن سالتهم

برخوردار داریمشان اندک باز بیچاره گردانیمشان سوی عذاب درشت   و اگر پرسی ایشان را

من خلق السموات والارض ليقولن الله قل الحمد لله

که آفرید آسمانها   و زمین   گویند   خدا   بگو سپاس مر خدای را

عشر

نصف

…صادق صلوات الله علیه قرات ومداد مرویست والله اعلم

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
که بیشترین ایشان همی ندانند مر خدایراست آنچه اندر آسمانهاست و زمین
اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ وَلَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ
که خدا اوی بی نیاز است و ستوده و اگر آنچه اندر زمین است از درختان
اَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللّٰهِ
قلمها باشد و دریا بیفزاید از پس وی هفت دریا همیشه نگردد سخنان خدا
اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ اِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ
که خدا او بیهتا و صواب کار نیست آفریدن شما و نه انگیختن شما مگر چون یک تن
اِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
که خدا شنواست و بینا همی نه بینی که خدا اندرآرد شب را اندر روز
وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي
و اندرآرد روز را اندر شب و فرمانبردار گردانید آفتاب و ماه را هریکی برود
اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى وَاَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ
تا زمانه نام برده و خدا بدانچه می کنید آگاه است این بدانست که خدا
هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّمَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ
ویست که ویست راست و آنچه همی خوانند بجز وی باطل است و خدا اینست که وی
الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ
برتر است بزرگوار نگاه نکنی بانجمه که کشتیها همی رود اندر دریا
بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ اٰيَاتِهِ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ
بمنت خدا تا بنماید شما را از نشانهای وی اندرین نشانهاست
لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝ وَاِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ
مر هر شکیبا را سپاس دار را و چون بیاید بایشان هنگی چون سایها بخوانند خدا

مخلصین

٢٦٩

خمس

[illegible]

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجّٰيهُمْ اِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا
یکتا کرده دل او را در دین چون برهانید شان سوی دشت از ایشان هست میانه رو و
يَجْحَدُ بِاٰيَاتِنَا اِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ۝ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا
انکار نماید آیتهای ما را مگر غدر کننده ناسپاس ای مردمان بترسید
رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ
از خداوند خویش و بترسید از روزی که نگذرد پدری از فرزند خود و نه زاده که وی
جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا
گذارنده از پدر خود چیزی که وعده خدا راست است مغرور مباد شما را زندگانی این جهان
وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ ۝ اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ
و مغرور مباد شما را بخدا دیو فریبنده که خدا است که نزد اوست دانش قیامت
وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْاَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ
و فرو فرستد باران و بداند آنچه اندر زهدانهاست و نداند تنی چه کند
غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِاَيِّ اَرْضٍ تَمُوتُ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝
فردا و نداند تنی که بکدام زمین میرد که خدا دانا و آگاه است

سورة السجدة مكية وهي ثلثون آية

۝ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
[illegible]
الٓمٓ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اَمْ يَقُولُونَ
فرو فرستادن این نامه نیست گمان اندر وی از خداوند همه خلق یا همی گویند
افْتَرٰيهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا اَتٰيهُمْ مِنْ نَذِيرٍ
که ساخته است بلکه وی راست است از خداوند تو تا بیم کنی گروهی را که نیامد بایشان هیچ بیم کننده

مِن قَبلِكَ لَعَلَّهُم يَهتَدُونَ ۞ اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰ
از پیش تو تا مگر ایشان راه یابند خدا، آنست که بیافرید آسمانها
وَالاَرضَ وَمَا بَينَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ استَوٰى عَلَى العَرشِ
و زمین و آنچه میان این دوست اندر شش روز باز قصد کرد بر آفریدن عرش
لَكُم مِن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ اَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۞ يُدَبِّ
مر شما را بجز از وی هیچ نگهبانی و نه خواهشگری چرا همی پند نگیرید تدبیر
الاَمرَ مِنَ السَّمَاۤءِ اِلَى الاَرضِ ثُمَّ يَعرُجُ اِلَيهِ فِي يَومٍ كَانَ
کارها از آسمان سوی زمین باز بالا بر شود سوی وی اندر روزی که هست
مِقدَارُهُ اَلفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ۞ ذٰلِكَ عَالِمُ الغَيبِ وَ
اندازه وی هزار سال از آنچه شما شمارید اینست داننده ناپیدا و
الشَّهَادَةِ العَزِيزُ الرَّحِيمُ ۞ الَّذِي اَحسَنَ كُلَّ شَيءٍ خَلَقَهُ
آشکارا سخت گیرنده بخشاینده آنکه نیکو کرد همه چیز را آفرینش
وَبَدَاَ خَلقَ الاِنسَانِ مِن طِينٍ ۞ ثُمَّ جَعَلَ نَسلَهُ مِن سُلٰ
و آغاز کرد آفرینش آدمی از گل باز بکرد فرزندان او را از خلاصه
مِن مَاۤءٍ مَهِينٍ ۞ ثُمَّ سَوّٰيهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ
از آبی سست باز درست کرد اینرا و بدمید اندر وی از روان خویش و بکرد مر
السَّمعَ وَالاَبصَارَ وَالاَفئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشكُرُونَ ۞ وَقَالُوا
شنوایی و بینایی و دلها اندکی همی سپاس دارید و گفتند
ءَاِذَا ضَلَلنَا فِي الاَرضِ ءَاِنَّا لَفِي خَلقٍ جَدِيدٍ ۞ بَل هُم بِلِقَاۤ
ای چون گم شویم اندر زمین ما را باز بیافرینند نو بلکه ایشان بدیدار
رَبِّهِم كَافِرُونَ ۞ قُل يَتَوَفّٰيكُم مَلَكُ المَوتِ الَّذِي وُكِّلَ
خداوند خویش کافرانند بگو بمیراند شما را فرشته مرگ آنکه گماشته

بِكُم

خمس

[illegible] کارها را [illegible] آسمان تا زمین [illegible]
[illegible] کارها [illegible] باز [illegible]
[illegible] همان [illegible]

[illegible] احوال [illegible] خلق [illegible]
[illegible] بوده [illegible]

[illegible] آنکه [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] کار [illegible] موضع [illegible]
[illegible]

عشر

كُم ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُم تُرجَعُونَ ۞ وَلَو تَرٰى اِذِ المُجرِمُونَ
باز سوی خداوند شما بازگردانندتان و اگر ببینی تو یا محمد آن وقت گناهکاران
كِسُوا رُءُوسِهِم عِندَ رَبِّهِم رَبَّنَا اَبصَرنَا وَسَمِعنَا فَارجِعنَا
افکنده باشند سرهای خویش نزد خداوند خویش ای خداوند ما دیدیم و شنیدیم بازگردان ما را
مَل صَالِحًا اِنَّا مُوقِنُونَ ۞ وَلَو شِئنَا لَاٰتَينَا كُلَّ نَفسٍ
نیکی که ما بی گمانیم و اگر خواستیمی بدادیمی هر تنی را
هَا وَلٰكِن حَقَّ القَولُ مِنِّي لَاَملَئَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الجِنَّةِ وَ
وی ولیکن واجب گشت گفتار از من که پر کنم دوزخ را از پریان و
نَّاسِ اَجمَعِينَ ۞ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُم لِقَاۤءَ يَومِكُم هٰذَا
مردمان همگیان بچشید از آنچه فراموش کردید رسیدن بروز شما این است
نَسِينٰكُم وَذُوقُوا عَذَابَ الخُلدِ بِمَا كُنتُم تَعمَلُونَ ۞ اِنَّمَا
فراموش کردیم شما را و بچشید عذاب جاودان بدانچه شما بودید که همی کردید همانا
مِنُ بِاٰيٰتِنَا الَّذِينَ اِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا
بآیتهای ما آنکسانی که چون پند دهندشان بوی بیفتند سجده کنندگان و تسبیح کنند
حَمدِ رَبِّهِم وَهُم لَا يَستَكبِرُونَ ۞ تَتَجَافٰى جُنُوبُهُم عَنِ
خداوند خویش و ایشان بزرگ منشی نکنند دور شود پهلوهای ایشان از
ضَاجِعِ يَدعُونَ رَبَّهُم خَوفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقنٰهُم
همی خوانند خداوند خویش را بیم و امید و از آنچه روزی دادیمشان
فِقُونَ ۞ فَلَا تَعلَمُ نَفسٌ مَا اُخفِيَ لَهُم مِن قُرَّةِ اَعيُنٍ جَزَاۤءً
نداند هیچ تنی آنچه نهان کرده اند مر ایشان را از روشنایی چشمها پاداش
كَانُوا يَعمَلُونَ ۞ اَفَمَن كَانَ مُؤمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا
همی کردند ای آنکه باشد گرویده چون آنکه باشد بیفرمان

سجده

مراد [illegible] نماز شب است که [illegible]
از [illegible]
حضرت ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام مرویست

خمس

از حضرت صادق ع منقولست
که [illegible] حسنه [illegible]
ثواب آن بیان شده در قرآن مجید
الا نماز شب [illegible]
[illegible] ثواب آن [illegible]
قرآن مجید بیان آن [illegible]
که فلا تعلم نفس ما اخفی لهم

1

لا يستوون ۝ اما الذين امنوا وعملوا الصالحات فلهم

برابر نباشند اما آنکسانی که بگرویدند و بکردند نیکیها مر ایشانرا

جنات الماوى نزلا بما كانوا يعملون ۝ واما الذين

بهشتها جای باشیدن پاداشی بود بدانچه همی کردند و آنکسانی که

فسقوا فماويهم النار كلما ارادوا ان يخرجوا منها اعيدوا

بیفرمانی کردند جای بودن ایشان آتشست هرگاه که خواهند که بیرون آیند از آنجا باز گردانند

فيها وقيل لهم ذوقوا عذاب النار الذي كنتم به تكذبون

اندر آنجا و گویند مر ایشانرا بچشید عذاب آتش آنکه بودید در آن همی

ولنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر

و بچشانیمشان از عذاب نزدیکترین پیش از عذاب بزرگترین

لعلهم يرجعون ۝ ومن اظلم ممن ذكر بايات ربه

همگر ایشان باز گردند و کیست ستمکارتر از آنکسی که او را پند دهند بنشانهای خداوند

ثم اعرض عنها انا من المجرمين منتقمون ۝ ولقد

باز روی بگرداند از آن ما از گناهکاران کینه کشیم و ما

اتينا موسى الكتاب فلا تكن في مرية من لقائه وجعلناه

بدادیم موسی را توریة مباش اندر گمان از رسیدن بوی و کردیم

هدى لبني اسرائيل ۝ وجعلنا منهم ائمة يهدون بامرنا

راه نمای مر پسران یعقوب را و بکردیم از ایشان پیشروان راه همی بردند بفرمان

لما صبروا وكانوا باياتنا يوقنون ۝ ان ربك هو يفصل

بدانچه شکیبائی کردند و بودند بنشانهای ما بیگمان که خداوند تو وی حکم کند

بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۝ اولم يهد

میان ایشان روز قیامت اندرانچه بودند اندروی ناهمواران ای راه ننمود

عشر

مراد از عذاب ادنى عذاب [illegible] عذاب اكبر [illegible] عذاب ادنى عذاب [illegible] والله تعالى اعلم

خمس

۲۷۱

لهم كم اهلكنا من قبلهم من القرون يمشون في مساكنهم

مر ایشانرا چند هلاک کردیم از پیش ایشان از گروهان همی روند اندر آرامگاههای ایشان

ان في ذلك لايات افلا يسمعون ۝ اولم يروا انا نسوق

اندر این نشانهاست چرا همی نشنوید یا همی نه بینند که ما همی رانیم

الماء الى الارض الجرز فنخرج به زرعا تاكل منه انعامهم

ایشان

آب سوی زمین خشک بی گیاه و بیرون آریم بدان آب کشتی که بخورد از وی چهارپایان

وانفسهم افلا يبصرون ۝ ويقولون متى هذا الفتح ان كنتم

و تنهای ایشان با نه بینند و گویند کی باشد این گشایش اگر هستید

صادقين ۝ قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم

راست گویان بگو روز گشایش سود ندارد آنکسانی که کافر شدند گرویدن ایشان

ولا هم ينظرون ۝ فاعرض عنهم وانتظر انهم منتظرون ۝

و نه ایشانرا زمان دهند روی بگردان از ایشان و چشم دار که ایشان چشم دارندگانند

سورة الاحزاب مدنية ثلث وسبعون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible] مهربان بخشاینده که از بد نگهدارنده

يا ايها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين ان

ای پیغمبر بترس از خدا و فرمان مبر کافرانرا و دورویانرا که

الله كان عليما حكيما ۝ واتبع ما يوحى اليك من ربك ان

خدا است دانا راستکار و بدم رو آنچه وحی فرستد سوی تو از خداوند تو که

الله كان بما تعملون خبيرا ۝ وتوكل على الله وكفى بالله

خدا است بدانچه کنید آگاه و توکل کن بر خدا و بسنده است

عشر

حزب

[illegible]

خمس

وكيلا ۝ ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه وما جعل
کارسازنده نکرد خدا مر مردیرا از دو دل اندر درون وی و نکرد
ازواجكم اللائي تظاهرون منهن امهاتكم وما جعل
زنان شمارا آنانکه ظاهر اینید از ایشان مادران شما و نکرد
ادعياءكم ابناءكم ذلكم قولكم بافواهكم والله
پسر خواندگان شمارا پسران شما ایشان گفتار شماست بدهنهاء شما و خدای
يقول الحق وهو يهدي السبيل ۝ ادعوهم لآبائهم هو اقسط
همی گوید راست و وی همی نماید راه راست بخوانید ایشان را به پدران ایشان آن داد
عند الله فان لم تعلموا آباءهم فاخوانكم في الدين ومواليكم
نزد خدا و اگر ندانید پدران ایشان را برادران شما باشند اندر دین و آزاد کردگان
وليس عليكم جناح فيما اخطاتم به ولكن ما تعمدت
و نیست بر شما بزه اندر آنچه خطا کنید بوی و لیکن بزه در آنست که
قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ۝ النبي اولى بالمؤمنين
دلهاء شما و هست خدا آمرزنده و بخشاینده پیغمبر سزاوارتر است بگرویدگان
من انفسهم وازواجه امهاتهم واولوا الارحام بعضهم
از تنهاء ایشان و زنان وی مادران ایشانند و خویشاوندان بهره از
اولى ببعض في كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين الا
سزاوارتر ببهره اندر نامه و حکم خدا از گرویدگان و هجرت کردگان مگر
ان تفعلوا الى اوليائكم معروفا كان ذلك في الكتاب
آنکه بکنید با دوستان خویش نیکوئی هست این اندر نامه
مسطورا ۝ واذ اخذنا من النبيين ميثاقهم ومنك و
نبشته و چون بگرفتیم از پیغمبران پیمان ایشان و از تو

من نوح

از حضرت ابا جعفر و ابا عبد الله [illegible] روایت است که رسول خدا [illegible] و زنان او مادران [illegible]

۲۷۷

من نوح وابراهيم وموسى وعيسى ابن مريم واخذنا منهم
از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و بگرفتیم از ایشان
ميثاقا غليظا ۝ ليسئل الصادقين عن صدقهم واعد
پیمانی استوار تا بپرسد راستگویان را از راستی ایشان و ساخته کرد
للكافرين عذابا اليما ۝ يا ايها الذين آمنوا اذكروا
ناگرویدگان را عذابی دردناک ای آنانکه گرویده اید یاد کنید
نعمة الله عليكم اذ جاءتكم جنود فارسلنا عليهم ريحا
نعمت خدای بر شما چون بیامد بشما سپاهان بفرستادیم بریشان بادی
وجنودا لم تروها وكان الله بما تعملون بصيرا ۝ اذ
و سپاهها که ندیدید ایشان را و هست خدا بدانچه همی کنید بینا چون
جاؤكم من فوقكم ومن اسفل منكم واذ زاغت
بیامدند بشما از زبر شما و از زیر شما و چون بگشت
الابصار وبلغت القلوب الحناجر وتظنون بالله
چشمها و برسید دلها بگلوها و گمان بردید بخدای
الظنونا ۝ هنالك ابتلي المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا
گمانها آنگاه بیازموده گشتند مؤمنان و بجنبانیدند جنبانیدن سخت
واذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا
و آنگاه که همی گفتند دورویان و آنکسانکه اندر دلهای ایشان بیماریست وعده نکرد ما را
الله ورسوله الا غرورا ۝ واذ قالت طائفة منهم يا اهل
خدا و پیغمبر وی مگر فریفتنی و چون گفتند گروهی از ایشان ای مردمان
يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستاذن فريق منهم النبي
یثرب نیست جای ایستادن مر شمارا بازگردید و دستوری خواست گروهی از ایشان پیغمبر را

عشر

خمس

يقولون إن بيوتنا عورة وما هي بعورة إن يريدون إلا

گفتند که خانهاء ما گشاده است و نیست آن گشاده میخواهند

فرارا ولو دخلت عليهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة

گریختن و اگر اندر شوند بر ایشان از گوشهاء شهر باز خواهند از ایشان [illegible]

لآتوها وما تلبثوا بها إلا يسيرا ولقد كانوا عاهدوا الله

بیارند آنرا و درنگ نکردندی آنجا مگر اندکی و بودند که پیمان کرده بودند

من قبل لا يولون الأدبار وكان عهد الله مسئولا

از پیش برنگردند بر پشتها خویش و هست پیمان خدای پرسیده

قل لن ينفعكم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل وإذا لا

بگو منفعت نکند شما را گریختن اگر بگریزید از مرگ یا از کشتن و آنگاه

تمتعون إلا قليلا قل من ذا الذي يعصمكم من الله

برخورداری نیابند مگر اندکی بگو کیست آنکس که نگاه دارد شما را از خدای

إن أراد بكم سوءا أو أراد بكم رحمة ولا يجدون لهم من

اگر خواهد بشما بدی یا خواهد بشما بخشایشی و نیابند

دون الله وليا ولا نصيرا قد يعلم الله المعوقين منكم

فرود خدا نگاهداری و نه یاری گری بیگمان داند خدا بازدارندگان از شما

والقائلين لإخوانهم هلم إلينا ولا يأتون البأس إلا

و گویندگان مر برادران خویش را بیایید سوی ما و نیایند بحرب

قليلا أشحة عليكم فإذا جاء الخوف رأيتهم

اندکی بخیلان یعنی بخیلانند بر شما چون بیاید بیم

ينظرون إليك تدور أعينهم كالذي يغشى عليه من الموت

همی نگرند سوی تو همی گردد چشمهاء ایشان چون کسی که بیهوش شود بروی از مرگ

فاذا

عشر

فإذا ذهب الخوف سلقوكم بألسنة حداد أشحة على الخير

برود بهم غلبه کنند شما را بزبانها تیز بخیلان بر نیکی

أولئك لم يؤمنوا فأحبط الله أعمالهم وكان ذلك على الله

ایشان نگرویدند نیست کرد خدا کارهاء ایشان و هست این بر خدا

يسيرا يحسبون الأحزاب لم يذهبوا وإن يأت الأحزاب

آسان همی پندارند گروه کافران که نرفته اند و اگر بیایند گروه کافران

يودوا لو أنهم بادون في الأعراب يسألون عن أنبائكم

آرزو کنند که ایشان باشند بیابانها بیرون رفته اند میان اعرابیان بپرسند از خبرها شما

ولو كانوا فيكم ما قاتلوا إلا قليلا لقد كان لكم في

و اگر باشند میان شما کارزار نکنندی مگر اندکی هست مر شما را اندر

رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر

پیغمبر خدا راه بردی یعنی مقتدا نیکو مر آنرا که همی امید دارد بر خدای و روز بازپسین

وذكر الله كثيرا ولما رأى المؤمنون الأحزاب قالوا هذا

و یاد کند خدا را بسیار و چون بدیدند گرویدگان گروه کافران را گفتند این است

ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما

آنچه وعده کرد ما را خدا و پیغمبر وی و راست گفت خدا و پیغمبر وی و نه

زادهم إلا إيمانا وتسليما من المؤمنين رجال صدقوا

بیفزود ایشان را مگر گرویدن و گردن نهادن از گرویدگان مردانی که راست کردند

ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من

آنچه پیمان کردند با خدا بر وی از ایشان کسی بود که بگذارد اجل خویش و از ایشان کس است

ينتظر وما بدلوا تبديلا ليجزي الله الصادقين بصدقهم

که همی چشم دارد و نگردانیدند گردانیدنی تا پاداش دهد خدا راستگویان را براستی ایشان

عشر

[illegible]

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ
وعذاب کند دورویان را اگر بخواهد یا توبه دهد بر ایشان که خدا
كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ
هست آمرزنده و بخشاینده و باز گردانید خدا آنکسانرا که کافر شدند بخشم ایشان
لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ
نیافتند نیکی و بسنده هست خدا بگرویدگان از کارزار و هست خدا
قَوِيًّا عَزِيزًا ۝ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ
توانا و سخت گیر و فرو فرستاد آنکسانرا که یاری کردند ایشانرا از اهل یهود و نصاری
صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ
حصارهای ایشان و اندر افکند اندر دلهای ایشان ترس گروهی را می کشتید و
یعنی خصمان خود
تَأْسِرُونَ فَرِيقًا ۝ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
اسیر گرفتید گروهی را و میراث داد شما را زمین ایشان و سرای ایشان و خواستهای
وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝
و زمینی که نسپرده بودید آنرا و هست خدا بر همه چیزی توانا ای
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَوٰةَ
تو که پیغمبری بگو مر زنان خویش را اگر چنان است که شما همی خواهید زندگانی
الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا
اینجهان را و آرایش آن بیایید که برخورداری دهم شما را و دست بازدارم شما را [illegible]
وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ
و اگر چنان است که شما بخواهید خدا و پیغمبر او را و سرای بازپسین را خدا
اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ
خدای آماده کرد مر نیکوکاران از شما مزدی بزرگ ای زنان پیغمبر

حس

من يات

مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ
هر که بیاورد از شما ناخوبی پیدا بیفزایند مر او را عذاب
ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝ وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ
دوباره و هست این بر خدا آسان و هر که طاعت دارد از شما
لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا
مر خدای را و پیغمبر او را و بکند نیکی بدهیم او را مزد آن دوباره و ساخته کردیم مر او را روزی
كَرِيمًا ۝ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ
بزرگ ای زنان پیغمبر نیستید چون یکی از زنان اگر بپرهیزید
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ
نرم سخنی مکنید بگفتار تا طمع کند آنکسی که در دل وی بیماری کفر است و بگوید
قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ
گفتاری بزرگ نیکو و قرار گیرید اندر خانهای خویش و خویشتن میارایید آراستن نادانان
الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَوٰةَ وَآتِينَ الزَّكَوٰةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَ
پیشین و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة و فرمان برید خدا و
رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
پیغمبر او را همی میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی ای مردمان خانه
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۝ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ
و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی و یاد کنید آنچه بخوانند اندر خانهای شما
مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۝ إِنَّ
از نشانهای خدا و سخن صواب که خدا هست نیکوکار و آگاه
الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ
مسلمانان از مردان و زنان و گرویدگان مردان و زنان و مردان طاعت دار

[illegible]

والقانتات والصادقين والصادقات

وزنان وراست گویان از مردان وزنان

الصابرين والصابرات والخاشعين والخاشعات

شکیبایان از مردان وزنان وترسکاران از مردان وزنان

المتصدقين والمتصدقات والصائمين والصائمات

صدقه دهندگان از مردان وزنان وروزه داران از مردان وزنان

والحافظين فروجهم والحافظات والذاكرين الله كثيرا

ونگاه داران مردان آلت خود وزنان ویاد کنندگان از مردان خدا را بسی

والذاكرات اعد الله لهم مغفرة واجرا عظيما وما كان

وزنان ساخته است خدا ایشان را آمرزشی ومزدی بزرگ ونبود

لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله امرا ان يكون

هیچ گروه را از مرد وزن چون حکم کند خدا وپیغمبر وی کاری که باشد

لهم الخيرة من امرهم ومن يعص الله ورسوله فقد ضل

مر ایشان را اختیار از کار ایشان وهر که بی فرمانی کند خدا وپیغمبر را گم گشت

ضلالا مبينا واذ تقول للذي انعم الله عليه وانعمت

گم گشتنی پیدا وچون گفتی مر آنرا که نعمت نهاد خدا بر وی ونعمت نهادی

عليه امسك عليك زوجك واتق الله وتخفي في

بر وی نگهدار بر خویشتن زن خویش را وبترس از خدا وپنهان کنی

نفسك ما الله مبديه وتخشى الناس والله احق ان

تن خویش آنچه خدا پیدا کننده آنرا وبترسی از مردمان وخدا سزاوارتر که

تخشاه فلما قضى زيد منها وطرا زوجناكها لكيلا

بترسی از وی چون بگذارد زید از وی حاجت بزنی دادیم بتو تا نباشد

[illegible]

يكون على المؤمنين حرج في ازواج ادعيائهم اذا قضوا

بر مؤمنان تنگی اندر زنان پسر خواندگان ایشان چون بگذارد

منهن وطرا وكان امر الله مفعولا ما كان على النبي

از ایشان حاجت وهست کار خدا کرده وبوده نیست بر پیغمبر

من حرج فيما فرض الله له سنة الله في الذين خلوا من

هیچ تنگی اندر آنچه واجب کرد خدا او را راه خدا اندر آنکسان که بگذشتند از

قبل وكان امر الله قدرا مقدورا الذين يبلغون

پیش وهست کار خدا تمام کرده باندازه آنکسانی که برسانند

رسالات الله ويخشونه ولا يخشون احدا الا الله وكفى

پیغامهای خدا وبترسند ازوی ونترسند از کسی مگر از خدا وبسنده

بالله حسيبا ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكن

خدا شمار کننده نیست محمد پدر کسی از مردان شما ولیکن

رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما

پیغمبر خدا ومهر پیغمبران است وهست خدا بهر چیزی دانا

يا ايها الذين امنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا وسبحوه

ای آنکسانی که گرویدند یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار وتسبیح کنید او را

بكرة واصيلا هو الذي يصلي عليكم وملائكته ليخرجكم

بامداد وشبانگاه وی آنکسی که درود فرستد بر شما وفرشتگان وی تا بیرون آرد شما را

من الظلمات الى النور وكان بالمؤمنين رحيما تحيتهم

از تاریکیها سوی روشنی وهست بگرویدگان بخشاینده درود ایشان

يوم يلقونه سلام واعد لهم اجرا كريما

روزی که دیدار کنند وی را سلام کردن وساخته کرد مر ایشان را مزدی بزرگ

خمس

خمس

عشر

[illegible]

خمس

يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا
ای تو که پیغمبری ما فرستادیم ترا گواه و مژده دهنده و بیم کننده
وداعيا الى الله باذنه وسراجا منيرا وبشر المؤمنين
و خواننده سوی خدا بفرمان وی و چراغی روشن و مژده ده گرویدگان را
بان لهم من الله فضلا كبيرا ولا تطع الكافرين و
بدانکه مرایشانراست از خدای افزونی بزرگ و فرمان مبر کافران را و
المنافقين ودع اذيهم وتوكل على الله وكفى بالله
دورویان را بگذار آزار ایشان و اعتماد نمای بر خدای و بسنده است خدای
وكيلا يا ايها الذين امنوا اذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن
کارساز ای آنکسانکه بگرویدند چون بزن کنید زنان گرویده را باز طلاق دهید
من قبل ان تمسوهن فما لكم عليهن من عدة تعتدونها
از پیش آنکه بساوند آنرا نیست مرشمارا بر ایشان هیچ عدتی که بشمرید
فمتعوهن وسرحوهن سراحا جميلا يا ايها النبي انا
برخوردار گردانید ایشانرا و دست باز دارید ایشانرا دست باز داشتنی نیکو ای تو پیغمبری ما
احللنا لك ازواجك اللاتي اتيت اجورهن وما ملكت
حلال کردیم مرترا زنان تو را آنکه بدادی مزدهای ایشان و آنچه پادشاه شد
يمينك مما افاء الله عليك وبنات عمك وبنات عماتك
دست تو از آنچه بداد خدا بر تو غنیمت و دختران برادر پدر تو و دختران خواهر پدر تو
وبنات خالك وبنات خالاتك اللاتي
و دختران برادر مادر تو ~~و دختران خواهر~~ و دختران خواهران مادر تو آنانکه
هاجرن معك وامراة مؤمنة ان وهبت نفسها للنبي
بغربت آمدند با تو و زن گرویده اگر ببخشد خویشتن را مر پیغمبر

ان اراد النبي ان يستنكحها خالصة لك من دون المؤمنين
اگر خواهد پیغمبر که بزنی کند ترا جداگانه مرترا از جز مؤمنان
قد علمنا ما فرضنا عليهم في ازواجهم وما ملكت ايمانهم
بدرستیکه دانستیم آنچه پیدا کردیم از کابین بر ایشان اندر زنان ایشان و آنچه پادشاه شود دستهای ایشان
لكيلا يكون عليك حرج وكان الله غفورا رحيما ترجي
تا نباشد بر تو تنگی و هست خدای آمرزنده و بخشاینده جز کنی
من تشاء منهن وتؤوي اليك من تشاء ومن ابتغيت ممن
مر آنرا که خواهی از ایشان و جای دهی سوی خویش آنرا که خواهی و هر کرا بجویی از آنچه
عزلت فلا جناح عليك ذلك ادنى ان تقر اعينهن ولا
جدا کردی نیست بزه بر تو آن نزدیکتر که روشن شود چشمهای ایشان و
يحزن ويرضين بما اتيتهن كلهن والله يعلم ما في
اندوهگین نگردند و خشنود گردند بدانچه دادی ایشانرا همگیان و خدای بداند آنچه اندر
قلوبكم وكان الله عليما حليما لا يحل لك النساء
دلهای شما و هست خدا دانا بردبار حلال نیست مرترا زنان
من بعد ولا ان تبدل بهن من ازواج ولو اعجبك
پس از این که در عقد تواند و حلال نیست آنکه بدل کنی بدیشان از زنان اگر چه بشگفت آرد ترا
حسنهن الا ما ملكت يمينك وكان الله على كل شيء
نیکویی ایشان مگر آنچه مالک شود دست و هست خدا بر همه چیزی
رقيبا يا ايها الذين امنوا لا تدخلوا بيوت النبي الا
نگهبان ای آنکسانکه گرویده اید اندر مشوید اندر خانهای پیغمبر مگر
ان يؤذن لكم الى طعام غير ناظرين اناه ولكن اذا دعيتم
دستوری دهند مر شمارا سوی خورشش جز آنکه منتظر باشید آن طعام و لیکن چون بخوانند شمارا

عشر

[illegible]

ان اراد

فادخلوا فاذا طعمتم فانتشروا ولا مستانسين لحديث ان
اندر شوید چون طعام خوردید پراکنید و منشینید برای سخن
ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم والله لا يستحيي من
ایشان که هستید که می آزارید پیغمبر را و شرم دارد از شما و خدا شرم میدارد
الحق واذا سالتموهن متاعا فسئلوهن من وراء حجاب
گفتن صواب و چون بخواهید از زنان پیغمبر حاجتی بخواهید از ایشان از پس پرده
ذلكم اطهر لقلوبكم وقلوبهن وما كان لكم ان تؤذوا
اینتان پاکتر مر دلها شمارا و دلهای ایشان و نرسد مر شمارا که بیازارید
رسول الله ولا ان تنكحوا ازواجه من بعده ابدا ان ذلكم
پیغمبر خدایرا و نه اگر زنی کنید زنان اورا از پس وی هرگز اینتان
كان عند الله عظيما ان تبدوا شيئا او تخفوه فان الله
هست نزد خدا بزرگ اگر پیدا کنید چیزی یا پنهان کنید اورا خدا
كان بكل شئ عليما لا جناح عليهن في آبائهن
هست بهر چیزی دانا نیست بزه بر ایشان اندر پدران ایشان
ولا ابنائهن ولا اخوانهن ولا ابناء اخوانهن ولا ابناء
و نه پسران ایشان و نه برادران ایشان و نه پسران برادران ایشان و نه پسران
اخواتهن ولا نسائهن ولا ما ملكت ايمانهن واتقين الله
خواهران ایشان و نه زنان ایشان و نه آنچه پادشاه شود دستهاء ایشان و بترسید
ان الله كان على كل شئ شهيدا ان الله وملئكته
که خدا هست بر هر چیزی گواه که خدا و فرشتگان
يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا
درود فرستند بر پیغمبر ای شما که بگرویدید درود فرستید بروی و سلام

تسليما ان الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في
سلام کردنی که آنکسانکه بیازارند خدایرا و پیغمبر اورا لعنت کرد ایشانرا خدا اندر
الدنيا والاخرة واعد لهم عذابا مهينا والذين يؤذون
این جهان و آن جهان و ساخته است مر ایشانرا عذابی خوار کننده و آنکسانکه بیازارند
المؤمنين والمؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتانا
گرویدگان و زنان گرویده را بی آنکه گناهی کردند بر بستند بر خویشتن دروغی
واثما مبينا يا ايها النبي قل لازواجك وبناتك و
و بزه پیدا ای پیغمبر بگوی مر زنان خویش را و دختران خویش را و
نساء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك ادنى
زنان مؤمنان را تا نزدیک کنند بر خویشتن از چادرهای خویش آن نزدیکتر
ان يعرفن فلا يؤذين وكان الله غفورا رحيما لئن لم
که بشناسند و نیازارند شان و هست خدا آمرزنده و بخشاینده اگر باز نه
ينته المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمرجفون
ایستند دورویان و آنانکه اندر دلهای ایشان بیماریست و خبر افگنندگان دروغ
في المدينة لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا
اندر مدینه مسلط کردانیم ترا بر ایشان باز همسایگی نکنند با تو اندر آنجا مگر
قليلا ملعونين اينما ثقفوا اخذوا وقتلوا تقتيلا
اندکی دور کردگان هر کجا شان یابند بگیرند و بکشند شان کشتنی
سنة الله في الذين خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله
نهاد خدا اندر آنکسانکه گذشتند از پیش و نیابی مر راه خدایرا
تبديلا يسئلك الناس عن الساعة قل انما علمها
گردانیدنی همی پرسند ترا مردمان از چیز رستخیز بگوی که دانش آن

حزب

عشر

خمس

[illegible]

و روزی جمعی در خانه آنحضرت نشسته بودند و طعام بخوردند از مردان و زنان بی پرده بودند در اثنای طعام خوردن دست [illegible] عایشه رسید [illegible]

تسلیما

عند الله وما يدريك لعل الساعة تكون قريبا ۞ ان الله
نزد خدا است وچه دانا کرد ترا مگر رستخیز باشد نزدیک هر آینه خدا
لعن الكافرين واعد لهم سعيرا ۞ خالدين فيها ابدا لا
لعنت کرد کافرانرا وساخته کرد مرایشانرا آتشی سوزان جاودان در آنجا همیشه نه
يجدون وليا ولا نصيرا ۞ يوم تقلب وجوههم في
یابند ایشان نگهداری ونه یاری گری آن روز بگردانند رویهای ایشان اندر
النار يقولون يا ليتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا ۞ وقالوا
آتش همی گویند ای کاشکی ما فرمان بردمی خدا را وفرمان بردمی پیغمبر را وگویند
ربنا انا اطعنا سادتنا وكبراءنا فاضلونا السبيلا ۞ ربنا آتهم
ای خداوند ما فرمان بردیم مهتران خویش را وبزرگان خویش را گمراه کردند ما را از راه راست ای خداوند ما بده
ضعفين من العذاب والعنهم لعنا كبيرا ۞ يا ايها الذين
دو چندان از عذاب ولعنت کن ایشانرا لعنتی بزرگ ای آنکسانی که
امنوا لا تكونوا ~~لا تكونوا~~ كالذين اذوا موسى فبراه الله
بگرویدید مباشید چون آنکسانی که بیازردند موسی را پس بیزار کرد اورا خدا
مما قالوا وكان عند الله وجيها ۞ يا ايها الذين امنوا
از آنچه گفتند وبود نزد خدا با آب روی ای آنکسانی که بگرویدید
اتقوا الله وقولوا قولا سديدا ۞ يصلح لكم اعمالكم
بترسید از خدا وگویید گفتاری راست تا خوب کرداند شمارا کارهای شما
ويغفر لكم ذنوبكم ومن يطع الله ورسوله فقد فاز
وبیامرزد مر شمارا گناهان شما وهر که فرمان برد خدایرا وپیغمبر اورا پس رست
فوزا عظيما ۞ انا عرضنا الامانة على السموات
رستنی بزرگ ما عرضه کردیم امانت ودرستی را بر آسمانها

عشر

[illegible]

والارض

والارض والجبال فابين ان يحملنها واشفقن منها
وزمین وکوهها سرباز زدند ایشان از برداشتن آنرا وبترسیدند از آن
وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا ۞ ليعذب
وبرداشت آنرا مردم یعنی آدم که وی بود ستمکاره ونادان تا عذاب کند
الله المنافقين والمنافقات والمشركات ويتوب الله
خدا مردان منافق را وزنان منافق را ومردان وزنان گبران کافرانرا وتوبه دهد خدا
على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفورا رحيما
بر مردان گرویده وزنان گرویده را وهست خدا آمرزنده بخشاینده

سورة سبا مكية اربع وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوندی که ایمان داد وهر که ایمان نگه داشت وبخشاینده که با ایمان برآورد
الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله
سپاس مر خدای را آنکه مر اوراست آنچه اندر آسمانهاست وآنچه اندر زمین ومر اوراست
الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير ۞ يعلم ما يلج في الارض وما
ستایش اندر آنجهان واوست استوارکار وآگاه بداند آنچه اندر شود در زمین وآنچه
يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو الرحيم
بیرون آید از آن وآنچه فرود آید از آسمان وآنچه بر شود اندر وی واوست بخشاینده
الغفور ۞ وقال الذين كفروا لا تاتينا الساعة قل
آمرزنده وگفتند آنکه کافر شدند نیاید بما رستخیز بگو
بلى وربي لتاتينكم عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال
آری وبخدای من که بیاید بشما داننده ناپیدای تا غایب نشود از وی همسنگ

[illegible]

ذرة في السموات ولا في الارض ولا اصغر من ذلك ولا
موریچه اندر آسمانها ونه اندر زمین ونه خوردتر از آن ونه
اكبر الا في كتاب مبين ليجزي الذين امنوا وعملوا
بزرگتر مگر اندر نامه یعنی لوح محفوظ پیدا پاداش آنکسانکه گرویدند وکردند
الصالحات اولئك لهم مغفرة ورزق كريم والذين
نیکیها ایشانند که مر ایشانراست آمرزشی و روزی بزرگ وآنکسانکه
سعوا في اياتنا معاجزين اولئك لهم عذاب من رجز اليم
بکوشیدند اندر آیتهاء ما عاجز کنندگان ایشانند که مر ایشانراست عذاب از عذاب
ويرى الذين اوتوا العلم الذي انزل اليك من ربك هو
وبینند آنکسانکه بداده اند شان دانش آنرا که فرو فرستاده اند از خداوند تو
الحق ويهدي الى صراط العزيز الحميد وقال الذين كفروا
راست وراه نماید سوی راه خداوند عزیز ستوده وگفتند آنکسانکه کافر شدند
هل ندلكم على رجل ينبئكم اذا مزقتم كل ممزق انكم لفي
راه نمون باشیم شمارا بر مردی که آگاهی دهد شمارا چون پراکنده کرده شوید بهر پراکندنی تا شما
خلق جديد افترى على الله كذبا ام به جنة بل الذين لا
بیافرینید نو بافته است بر خدا دروغ یا بوی دیوانگی است بلکه آنها که
يؤمنون بالاخرة في العذاب والضلال البعيد افلم
گروید بخداوند آنجهان اندر عذاب باشند و گمراهی دور
يروا الى ما بين ايديهم وما خلفهم من السماء والارض ان
ننگرند سوی آنچه پیش ایشان است وآنچه از پس ایشان است از آسمان و زمین اگر
نشا نخسف بهم الارض او نسقط عليهم كسفا من السماء
بخواهیم فرو بریم ایشانرا بزمین یا فرو افگنیم بر ایشان پاره از آسمان

مثقال رفع عطف على مثقال ذرة [illegible] ويعقوب
شفع [illegible] عطف على [illegible] [illegible] عنه والله اعلم

خمس

معاجزين حال [illegible] معاجزين
[illegible] والله اعلم

الذي انزل اليك مفعول اول ويرى الحق
مفعول ثاني [illegible] فصل [illegible]
الذي انزل القران والله تعالى اعلم

[illegible] والله اعلم

ان ٤

٢٧٩

ان في ذلك لاية لكل عبد منيب ولقد اتينا
اندرین عبرتیست مر هر بنده بازگردنده را وبدادیم
داود منا فضلا يا جبال اوبي معه والطير والنا له الحديد
داود را از ما افزونی ای کوهها تسبیح کنید با وی ومرغان ونرم کردانیدیم مر اورا آهن
ان اعمل سابغات وقدر في السرد واعملوا صالحا اني بما
بکن زرهها تمام فراخ واندازه کن اندر بافتن وپیوستن وبکنید آل داود نیکی که من بآنچه
تعملون بصير ولسليمن الريح غدوها شهر ورواحها
میکنید بینااام ومر سلیمانرا فرمانبردار کردیم باد را بامداد یکماهه رفتنی وشبانگاه
شهر واسلنا له عين القطر ومن الجن من يعمل بين يديه
یکماه وروان کردانیدیم مر اورا چشمه روی گداخته واز پریان از آنچه کنند پیش وی
باذن ربه ومن يزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعير
بفرمان خدای وی وهر که بگردیستی از ایشان از فرمان ما بچشانیدیمش از عذاب آتش سوزان
يعملون له ما يشاء من محاريب وتماثيل وجفان كالجواب
میکردند مر اورا آنچه خواستی از محرابها وصورتها وکاسها چون حوضها
وقدور راسيات اعملوا ال داود شكرا وقليل من عبادي
ودیگها استوار کرده اندر زمین بکنید طاعت ای مردمان داود شکر را واندکی اند از بندگان من
الشكور فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته
سپاس دارنده چون براندیم بر سلیمان مرگ را راه ننمود ایشانرا بر مرگ وی
الا دابة الارض تاكل منساته فلما خر تبينت الجن
مگر جنبنده زمین که میخورد عصای اورا چون بیفتاد بدانستند پریان
ان لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين
که اگر بودندی که دانستندی غیب درنگ نکردندی اندر عذاب خوار کننده

عشر

[illegible]

لقد كان لسبإ في مسكنهم آية جنتان عن يمين وشمال
بود مردمان سبا را اندر آرامگاه ایشان نشانه دو بوستان بجای از دست راست و یکی از چپ
كلوا من رزق ربكم واشكروا له بلدة طيبة ورب
بخورید از روزی خداوند شما و سپاس دارید مر او را شهر خوش و خدای
غفور فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم وبدلناهم
آمرزگار چون روی بگردانیدند پس بفرستادیم برایشان رود خانه آب گذاشتن عرم و بدل کردیم
بجنتيهم جنتين ذواتي أكل خمط وأثل وشيء من
به دو بوستان ایشان دو بوستان با بر تلخ گیاه و شوره گز و چیزی
قليل ذلك جزيناهم بما كفروا وهل نجازي إلا الكفور
اندکی آن پاداش دادیم ایشان را بدانچه کافر شدند و جزا دهیم مگر ناسپاس را
وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة
و بکردیم ما میان ایشان و میان دیهها آنچه برکت کردیم اندر وی دیهها پیدا
وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي وأياما آمنين
و اندازه اندر آنجا رفتن بروید اندر آنجا شبها و روزها با بی
فقالوا ربنا باعد بين أسفارنا وظلموا أنفسهم فجعلناهم
گفتند خداوندا دور گردان میان سفرهای ما و ستم کردند بر تنهای خویش و بکردیم
أحاديث ومزقناهم كل ممزق إن في ذلك لآيات
سخنان و پراکنده کردیم ایشان را هر پراکندنی اندرین نشانهاست
لكل صبار شكور ولقد صدق عليهم إبليس ظنه
مر هر شکیبای سپاسدار را و درست کرد برایشان شیطان گمان
فاتبعوه إلا فريقا من المؤمنين وما كان له عليهم من
پس بپیوستند مگر گروهی از گرویدگان و نبود مر او را برایشان

سلطان

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

سلطان إلا لنعلم من يؤمن بالآخرة ممن هو منها في شك
حجتی پادشاهی مگر بدانستیم و پدید آوریم آن را که بگرود به آن جهان از آنکسی که وی باشد از وی در گمان
وربك على كل شيء حفيظ قل ادعوا الذين زعمتم
خداوند تو بر هر چیزی نگهبان است بگو بخوانید آنهایی که دعوی کردند
من دون الله لا يملكون مثقال ذرة في السماوات ولا
جز خدا پادشاهی ندارند همسنگ مورچه اندر آسمانها و نه
في الأرض وما لهم فيهما من شرك وما له منهم من ظهير
اندر زمین و نیست مر ایشان را اندران هر دو هیچ انبازی و نیست مر او را از ایشان هیچ یاری گری
ولا تنفع الشفاعة عنده إلا لمن أذن له حتى إذا فزع
و سود ندارد خواهش کردن نزدیک وی مگر مر آنرا که دستوری دهد مر او را تا چون کنده شود
عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربكم قالوا الحق و
از دلهای ایشان گفتند چه چیز گفت خداوند شما گویند راست است و
هو العلي الكبير قل من يرزقكم من السماوات والأرض
وی است برتر و بزرگ‌تر بگو کیست که روزی دهد شما را از آسمان و زمین
قل الله وإنا أو إياكم لعلى هدى أو في ضلال مبين قل
بگو خدای و ما یا شما بر راه راستیم یا اندر گم بوده‌ایم پیدا بگو
لا تسألون عما أجرمنا ولا نسأل عما تعملون قل يجمع
نپرسند شما را از آنچه گناه کنیم ما و نپرسند ما را از آنچه شما کنید بگو گرد آرد
بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق وهو الفتاح العليم
میان ما خداوند ما باز حکم کند میان ما براستی و وی است گشاینده حکم کننده دانا
قل أروني الذين ألحقتم به شركاء كلا بل هو الله
بنمایید مرا آنرا که اندر رسانید بوی انباز من نه چنین است که وی است خدا

خمس

[illegible]

العزيز الحكيم ۝ وما ارسلناك الا كافة للناس بشيرا و
بیهتا وصواب کار و نفرستادیم ترا مگر همه مردمان را مژده دهنده و
نذيرا ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ ويقولون متى
بیم کننده ولیکن بیشترین مردمان نبدانند وهمی گویند که کی
هذا الوعد ان كنتم صادقين ۝ قل لكم ميعاد يوم لا
این وعده اگر هستید راست گویان بگو مر شما را وعده گاه روزیست که
تستاخرون عنه ساعة ولا تستقدمون ۝ وقال الذين
پس نروید ازوی یکزمان ونه بیشتر روید وگفتند آنکسها که
كفروا لن نؤمن بهذا القران ولا بالذی بين يديه ولو
کرویدند هرگز نگرویدیم ما بدین نبی ونه بدانکه پیش ازوی بوده است واگر
ترى اذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم
ببینی چون ستمکاران بازدارندشان نزد خداوندشان باز گرداند بهره از ایشان
الى بعض القول يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا
سوی بهره گفتاری گویند آنکسها که ضعیف داشتگان بودند مر آنکسها را که بزرگی منشی کردند
لولا انتم لكنا مؤمنين ۝ قال الذين استكبروا للذين استضعفوا
اگر نبودید شما هرآینه بودیم ما گرویدگان گو آنکسها که بزرگ منشی کردند مر آنکسها را که ضعیف
انحن صددناكم عن الهدى بعد اذ جاءكم بل
ای ما بازداشتیم شما را از راه راست از پس آنکه بیامد بشما
كنتم مجرمين ۝ وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر الليل
بودید شما گناهکاران وگویند آنکسها که ضعیف داشتگان بودند مر آنکسها را که بزرگ منشی کردند بلکه سازش بود
والنهار اذ تامروننا ان نكفر بالله ونجعل له اندادا
و روز چون همی فرمودید ما را که کافر گردیم بخدا وبکنیم مر او را همتایان

واسروا

عشر

یعنی [illegible] گفته که جمع [illegible] حرفه [illegible] [illegible] را رنجه [illegible] [illegible] آن [illegible] آنکه با هم [illegible] [illegible] الذین استضعفوا [illegible] [illegible] والله اعلم

الندامة لما راوا العذاب وجعلنا الاغلال فی اعناق
پشیمانی چون ببینند عذاب را وبکنیم غلها در گردنها
الذين كفروا هل يجزون الا ما كانوا يعملون ۝ وما
آنکسها که کافر شدند چه پاداش دهندشان مگر آنچه همی کردند ونه
ارسلنا فی قرية من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم
فرستادیم اندر هیچ دیهی هیچ بیم کننده مگر گفتند توانگران وی ما بدانچه فرستاده شدید
به كافرون ۝ وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا
بدان کافرانیم وگفتند ما بیشتریم بخواسته وبفرزندان
وما نحن بمعذبين ۝ قل ان ربی يبسط الرزق لمن يشاء
ونیستیم ما عذاب کردگان بگو که خداوند من بگستراند روزی مر آنرا که خواهد
ويقدر ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ وما اموالكم
وتنگ گرداند ولیکن بیشترین مردمان ندانند ونیست خواستهای
ولا اولادكم بالتی تقربكم عندنا زلفى الا من امن وعمل
شما وفرزندان شما آنکه نزدیک گرداند شما را از نزد ما نزدیکی مر آنکس که بگرود وبکند
صالحا فاولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم فی
نیکی ایشانند مر ایشانرا پاداش دو چندان بسبب بدانچه کردند وایشان اندر
الغرفات امنون ۝ والذين يسعون فی اياتنا معاجزين
غرفها ایمن باشند وآنکسها که همی کوشند اندر آیتهاء ما سست گردانند
اولئك فی العذاب محضرون ۝ قل ان ربی يبسط الرزق
آنکسها اندر عذاب بحاضر آوردگان بگو که خداوند من بگستراند روزی
لمن يشاء من عباده ويقدر له وما انفقتم من شیء فهو
مر آنرا که خواهد از بندگان خویش وتنگ گرداند مر او را وآنچه هزینه کنید از چیزی وی

خمس

یعنی بعز و قرب و آن مفعول مطلق نیز
لفظ فی کل است یا منه
تقدیر ست قلوب
والله اعلم بالصواب

[illegible] آنکسها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] والله اعلم بالصواب

يخلفه وهو خير الرازقين ۝ ويوم يحشرهم جميعا ثم

عوض دهد آنرا و وی است بهترین روزی دهندگان ۝ و آن روز که گرد آریم ایشانرا همه باز

يقول للملائكة أهؤلاء إياكم كانوا يعبدون ۝ قالوا

گوییم مر فرشتگان را اینها با شما بودند و همی پرستیدند گفتند

سبحانك أنت ولينا من دونهم بل كانوا يعبدون الجن

پاکا تو خداوند ما بجز ایشان که بودند همی پرستیدند پریان را

أكثرهم بهم مؤمنون ۝ فاليوم لا يملك بعضكم لبعض

بیشتر مر ایشان با ایشان گرویده اند امروز پادشاهی ندارد بهره از شما بهر

نفعا ولا ضرا ونقول للذين ظلموا ذوقوا عذاب النار التي

سودی و نه زیانی و گوییم مر آنهارا که ستم کردند بچشید عذاب آتش دوزخ

كنتم بها تكذبون ۝ وإذا تتلى عليهم آياتنا بينات قالوا

شما بدان دروغ دارندگان بودید و چون خوانند برایشان آیتهای ما پیدا گفتند

هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كان يعبد آباؤكم وقالوا

این نیست مگر مردی همی خواهد که باز دارد شمارا از آنچه همی پرستیدند پدران شما و گفتند

ما هذا إلا إفك مفترى وقال الذين كفروا للحق لما

نیست این مگر دروغی فرابافته و گفتند آنها که کافر شدند مر راستی را چون

جاءهم إن هذا إلا سحر مبين ۝ وما آتيناهم من كتب يدرسونها

بیامد بایشان نیست این مگر جادوی پیدا و ندادیم ایشانرا هیچ نامه که همی خوانند

وما أرسلنا إليهم قبلك من نذير ۝ وكذب الذين من

و نفرستادیم سوی ایشان از پیش تو هیچ بیم کننده و بدروغ داشتند آنها که

قبلهم وما بلغوا معشار ما آتيناهم فكذبوا رسلي فكيف

پیش ایشان بودند و نرسیدند به یک ده آنچه بدادیم ایشانرا بدروغ داشتند پیغمبران مرا چگونه

عشر

بعد عشر كان ...

كان نكير

كان نكير ۝ قل إنما أعظكم بواحدة أن تقوموا لله مثنى و

بود عذاب من بگو که من پند دهم شمارا بیک سخن که بایستید راست مر خدای را دو دو و

فرادى ثم تتفكروا ما بصاحبكم من جنة إن هو إلا نذير

یگان یگان باز اندیشه کنید که نیست بیار شما که هیچ دیوانگی نیست وی مگر بیم کننده

لكم بين يدي عذاب شديد ۝ قل ما سألتكم من أجر فهو

مر شمارا پیش از عذاب سخت بگو آنچه خواستم از شما از مزدی پس آن

لكم إن أجري إلا على الله وهو على كل شيء شهيد ۝ قل

مر شمارا که نیست مزد من مگر بر خدا و وی بر هر چیزی گواه است بگو

إن ربي يقذف بالحق علام الغيوب ۝ قل جاء الحق وما

که خداوند من پیدا آرد براستی که داننده ناپیدا ایهاست بگو آمد راستی و

يبدئ الباطل وما يعيد ۝ قل إن ضللت فإنما أضل على

آغاز نکند باطل و باز نکرده اند بگو اگر من گم کردم خود آن گم بر

نفسي وإن اهتديت فبما يوحي إلي ربي إنه سميع قريب ۝ ولو ترى

تن من بود و اگر راه راست یابم بدانست که وحی فرستاد سوی من خداوند من گروی شنواست نزدیک و اگر ببینی

إذ فزعوا فلا فوت وأخذوا من مكان قريب ۝ وقالوا

آنگه چون بترسند جستن نباشد و بگیرندشان از جایگاهی نزدیک و گویند

آمنا به وأنى لهم التناوش من مكان بعيد ۝ وقد كفروا

بگرویدیم بوی و از کجا باشد مر ایشانرا گرفتن از جایگاهی دور و کافر شدند

به من قبل ويقذفون بالغيب من مكان بعيد ۝ وحيل

بوی از پیش و همی اندازند ناپیدا از جایگاهی دور و جدا کنند

بينهم وبين ما يشتهون كما فعل بأشياعهم من قبل

میان ایشان و میان آنچه آرزو کنند همچنان کرده شود با گروهها ایشان از پیش

خمس

عشر

[illegible]

انهم كانوا في شك مريب

سورة فاطر خمس و اربعون آية

ایشان بودند اندر گمان با شک و اندازنده

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدایی که اول بیان رحمت کرد مهربانا که اندر وقت عطا و لطف کرد بخشاینده که با خبر ان بود

الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملئكة رسلا

سپاس مر خدای را که آفریدگار آسمانها و زمین است آفریننده فرشتگان پیغمبران

اولي اجنحة مثنى وثلث وربع يزيد في الخلق ما يشاء

با پرها دوگان دوگان و سه گان سه گان و چارگان چارگان میفزاید در آفرینش آنچه خواهد

ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة

که خدای بر همه چیز تواناست آنچه بگشاید خدا مر مردمان را از رحمت

فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز

مانع نیست مر او را و آنچه باز دارد و نباشد فرستنده مر او را از پس وی و او است عزیز

الحكيم يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم هل من خالق

و صواب کار ای مردمان یاد کنید نعمت خدا بر شما هست هیچ آفریدگاری

غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى تؤفكون

جز خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست خدا مگر او از کجا همی دروغ گویید

وان يكذبوك فقد كذبت رسل من قبلك والى الله

و اگر بدروغ دارند ترا خود دروغ داشتند پیغمبران را از پیش تو و سوی خدا

ترجع الامور يا ايها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنكم

باز گردانند کارها را ای مردمان وعده خدا راستست مغرور باد شما را

الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور ان الشيطان لكم

زندگانی اینجهان و مغرور بیاد شما را بخدا آفریننده دیو که دیو مر شما را

عدو فاتخذوه عدوا انما يدعوا حزبه ليكونوا من اصحاب

دشمنی است بگیرید او را دشمن که همی خواند گروه خود را تا باشند از باشندگان

السعير الذين كفروا لهم عذاب شديد والذين امنوا و

دوزخ آنانکه کافر گشتند مر ایشان را باشد عذاب سخت و آنانکه بگرویدند و

عملوا الصالحات لهم مغفرة واجر كبير افمن زين له سوء

بکردند نیکیها مر ایشان راست آمرزش و مزدی بزرگ آنکسی که آراسته شود مر او را بدی

عمله فراه حسنا فان الله يضل من يشاء ويهدي من يشاء

کار وی بدید آنرا نیکو و خدا گمراه کند آنرا که خواهد و راه نماید آنرا که خواهد

فلا تذهب نفسك عليهم حسرات ان الله عليم بما يصنعون

مشود تن تو بر ایشان بپشیمانی خویش که خدا داناست بدانچه همی کنند

والله الذي ارسل الرياح فتثير سحابا فسقناه الى بلد

و خدایست که بفرستاد بادها و انگیزد ابری براندیم آب سوی شهری

ميت فاحيينا به الارض بعد موتها كذلك النشور من

مرده زنده کردیم بر آن زمین را پس مردگی همچنین باشد قیامت هرکه

كان يريد العزة فلله العزة جميعا اليه يصعد الكلم

باشد که بجوید عزت مر خدای راست عزت همه سوی او بر شود سخن پاکیزه یعنی

الطيب والعمل الصالح يرفعه والذين يمكرون السيئات

لا اله الا الله و کردار نیک بر دارد وی را و آنکسانی که همی سگالند بدیها

لهم عذاب شديد ومكر اولئك هو يبور والله خلقكم

مر ایشان راست عذاب سخت و سگالش ایشان ویست که هلاک شود و خدا بیافرید شما را

من تراب ثم من نطفة ثم جعلكم ازواجا وما تحمل من انثى

از خاک باز از آب اندک باز بگردانید شما را جفتان یعنی زنان و بر نگیرد هیچ ماده

خمس

بقوله فاعل برفعه ضمیر مستتر است که راجع بخدا است و بقوله راجع بکلم طیب که عبارت از توحید است چه قول بوحدت آله رفع عمل صالح است بدرجه قبول ۱۲

ولا تضع الا بعلمه وما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره

و نه نهند مگر بدانش وی و درازی دراز نکنند هیچ زندگانی داده و نکاهند از زندگانی وی

الا في كتاب ان ذلك على الله يسير ۝ وما يستوي

مگر اندر نامه آن هست که آن بر خدا آسان است و برابر نباشند

البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه وهذا ملح اجاج و

دو دریا این آب خوش بمزه گوارنده با شامیدن وی و این شور تلخ و

من كل تاكلون لحما طريا وتستخرجون حلية تلبسونها

از هر یکی همی خورید گوشتی تازه و بیرون آرند پیرایه یعنی مروارید همی پوشندش

وترى الفلك فيه مواخر لتبتغوا من فضله ولعلكم

و بینی کشتیها اندروی رانده و آینده تا بجویند از افزونی وی و تا مگر شما

تشكرون ۝ يولج الليل في النهار ويولج النهار في

سپاس دارید اندر آرد شب را اندر روز و اندر آرد روز را اندر

الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل مسمى ذلكم

شب و فرمانبردار گردانید آفتاب و ماه را هر یکی همی رود تا زمانه نام برده اینست آن

الله ربكم له الملك والذين تدعون من دونه ما يملكون

خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی و آنها که همی خوانید جز از وی پادشاهی ندارند

من قطمير ۝ ان تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم ولو سمعوا

چنانکه پوست اندر پای خرما اگر خوانیدشان نشنوند خواندن شما و اگر بشنوند

ما استجابوا لكم ويوم القيمة يكفرون بشرككم ولا ينبئك

پاسخ نکنند مر شما را و روز قیامت کافر گردند بانباز کردن شما و آگاهی ندارد

مثل خبير ۝ يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله والله هو

چنانکه خدای تعالی آگاهی دهنده است ای مردمان شما که نیازمندانید بخدا و خدا اوست

بحر عذب شیرین [illegible]

الغنی

حزب

الغني الحميد ۝ ان يشا يذهبكم ويات بخلق جديد ۝ وما

بی نیاز و ستوده اگر بخواهد ببرد شما را و بیارد آفریده نو و نیست

ذلك على الله بعزيز ۝ ولا تزر وازرة وزر اخرى وان

آن بر خدا دشوار و برندارد بردارنده گناه دیگری و اگر

تدع مثقلة الى حملها لا يحمل منه شيء ولو كان ذا قربى

بخواند ستی گرانبار سوی بار وی برندارد از وی چیزی و اگرچه باشد خویشاوند

انما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب واقاموا الصلوة

بدرستی که بیم کنی آنها را که بترسند از خداوند خویش بناپیدا و بپای دارند نماز را

ومن تزكى فانما يتزكى لنفسه والى الله المصير ۝ وما

و هر که خویشتن را پاک دارد همی پاک کند تن خویش را و سوی خدا است بازگشتن

يستوي الاعمى والبصير ۝ ولا الظلمات ولا النور ولا

برابر نیست نابینا و بینا و نه تاریکیها و نه روشنایی و نه

الظل ولا الحرور ۝ وما يستوي الاحياء ولا الاموات

سایه و نه گرما و برابر نباشند زندگانی و نه مردگان

ان الله يسمع من يشاء وما انت بمسمع من في القبور ۝ ان

که خدا بشنواند آنرا که خواهد و نتوانی تو شنوانیدن آنرا که اندر گورها اند نه

انت الا نذير ۝ انا ارسلناك بالحق بشيرا ونذيرا وان

تو مگر بیم کننده ما فرستادیم ترا براستی مژده دهنده و بیم کننده و نبود

من امة الا خلا فيها نذير ۝ وان يكذبوك فقد كذب

هیچ گروهی مگر که گذشت اندر وی بیم کننده و اگر بدروغ داشتند ترا خود بدروغ داشتند

الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبينات وبالزبر

آنانکه از پیش ایشان بودند بیاوردند ایشان پیغمبران ایشان حجتها و نوشتهها و

عشر

٣ [illegible] در حالتی که غیب [illegible] عذاب [illegible]

٩ ولا النور [illegible] ولا الحرور [illegible] ولا الاموات [illegible]

٧ [illegible]

خمس

بالكتاب المنير ۝ ثم اخذت الذين كفروا فكيف كان نكير
نامه روشن پیدا باز بگرفتم آنکسانرا که کافر شدند چگونه بود عذاب من
الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات
نگاه نکنی یا محمد که خداوند فرستاد از آسمان آب بیرون آوردیم بوی میوها
مختلفا الوانها ط ومن الجبال جدد بيض وحمر مختلف
ناهموار گونهاء وی واز کوهها راههاء سفید و سرخاء ناهموار
الوانها وغرابيب سود ط ومن الناس والدواب والانعام
گونهاء وی وسیاهها سخت سیاه واز مردمان و چهارپایان و ستوران
مختلف الوانه كذلك ط انما يخشى الله من عباده العلموا
ناهموار گونهای وی همچنین هر آینه بترسید از خداوند از بندگان وی دانایان
ان الله عزيز غفور ۝ ان الذين يتلون كتاب الله واقاموا
که خدای سخت گیرست و آمرزنده که آنکسانکه همی خوانند نامه خدای و بپای دارند
الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية يرجون تجارة
نماز را و هزینه کنند از آنچه روزی دادیشان نهان و آشکارا امید دارند بازرگانی
لن تبور ۝ ليوفيهم اجورهم ويزيدهم من فضله ط انه غفور
که هلاک نگردد تا تمام بدهد ایشانرا مزدها ایشان و بیفزاید ایشانرا از افزونی خود که وی آمرزنده
شكور ۝ والذي اوحينا اليك من الكتاب هو الحق
سپاسدار وانکه پیغام فرستادیم سوی تو از نامه وییست راست
مصدقا لما بين يديه ط ان الله بعباده لخبير بصير ۝
راست دارنده مرانرا که پیش وی بود که خدای بحال بندگان خود آگاه است و بینا
ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فمنهم ظالم
باز میراث دادیم قرآن را آنکسانکه برگزیدیم از بندگان ما وازایشان ستمکار

عشر

[illegible]

لنفسه

لنفسه ج ومنهم مقتصد ج ومنهم سابق بالخيرات باذن الله ط
مرتن خود را وازایشان هست میانه وازایشان هست پیشرو به نیکیها کردن بفرمان خدا
ذلك هو الفضل الكبير ۝ جنات عدن يدخلونها يحلون
اینست که وی افزونی بزرگست بوستانها و درنگ اندر شوند اندر آنجا پیرایه
فيها من اساور من ذهب ولؤلؤا ج ولباسهم فيها حرير ۝
اندر آنجا از دست ورنجن از زر و مروارید و پوشش ایشان اندر آنجا دیباء
وقالوا الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ط ان ربنا لغفور
و گفتند سپاس مر خدایرا آنکه ببرد از ما اندوه را که خداوند ما آمرزنده
شكور ۝ الذي احلنا دار المقامة من فضله ج لا يمسنا
سپاسدار آنکه فرود آورد مارا بسرای باشیدن از افزونی خود نرسد بما
فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ۝ والذين كفروا لهم
اندر آنجا رنجی و نرسد بما اندر آنجا ماندگی و آنکسانکه کافر شدند مر ایشانراست
نار جهنم لا يقضى عليهم فيموتوا ولا يخفف عنهم من
آتش دوزخ نرانند برایشان تا بمیرند و نه گردانند سبک از ایشان از
عذابها كذلك نجزي كل كفور ۝ وهم يصطرخون فيها
عذاب آن همچنین پاداش دهیم هر ناسپاسی را و ایشان خروشند اندر آنجا
ربنا اخرجنا نعمل صالحا غير الذي كنا نعمل ط اولم
خداوند بیرون آر مارا تا بکنیم نیکی جز آنکه می کردیم ونه
نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم النذير ط
زندگانی دادیم شمارا که پند گیرد اندر وی هر که پند گیرد و آمد بشما بیم کننده
فذوقوا فما للظالمين من نصير ۝ ان الله عالم غيب
بچشید نیست مر ستمکاران را هیچ یاری گری که خدا داناء ناپدید

خمس

[illegible]

۲۸۶

[illegible]

جعلكم

السموات والارض انه عليم بذات الصدور ۝ هو الذ

آسمانها و زمین که وی داناست بدانچه در دلهاست وی است آنکه

خلائف في الارض فمن كفر فعليه كفره ولا يزيد الكا

خلیفتان اندر زمین هر که کافر گرود بر وی باشد عقوبت کفر وی و نفزاید کافران را

كفرهم عند ربهم الا مقتا ولا يزيد الكافرين كفرهم الا

کفر ایشان نزد خداوند ایشان مگر دشمناگی و نفزاید کافران را کفر ایشان مگر

خسارا ۝ قل ارايتم شركاءكم الذين تدعون من دون

زیان کاری بگو چه بینید انبازان شما آنکه همی خوانید بجز از

الله اروني ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات

خدای بنمایید مرا چه چیز آفریدند از زمین یا هست مر انبازانرا انبازی اندر آسمانها

ام اتيناهم كتابا فهم على بينت منه بل ان يعد الظالمون

یا بدادیم ایشانرا نامه و ایشان بر درستیها اند از وی که همی وعده کنند ستمکاران

بعضهم بعضا الا غرورا ۝ ان الله يمسك السموات و

بهره از ایشان بهره را مگر فریفتن که خدا همی نگهدارد آسمانها را و

الارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من

زمین را تا نگردد و نیفتد و اگر بگشته شدی که نگاه داشتی ایشانرا هیچکس از

بعده انه كان حليما غفورا ۝ واقسموا بالله جهد

پس وی که وی هست بردبار آمرزگار و سوگند خوردند بخدا سخت ترین

ايمانهم لئن جاءهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم

سوگندهای خویش اگر بیاید بایشان بیم کننده تا باشند راه یافته تر از یکی از گروهها

فلما جاءهم نذير ما زادهم الا نفورا ۝ استكبارا في الارض

چون آمد بایشان بیم کننده نفزود ایشانرا مگر رمیدن بزرگ منشی کردن اندر

مكر السيئ ولا يحيق المكر السيئ الا باهله فهل

سگالش بد و نرسد سگالش بد مگر بخداوندان وی چه چیز

ظرون الا سنت الاولين ۝ فلن تجد لسنت الله

دارید مگر راه پیشینیان نیابی مر راه خدای را

بديلا ۝ ولن تجد لسنت الله تحويلا ۝ اولم يسيروا في

گردانیدن و نیابی مر راه خدای را گردانیدن یا نرفتند اندر

الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم و

زمین تا بنگرستندی چگونه بود سرانجام آنکه از پیش ایشان بود و

نوا اشد منهم قوة وما كان الله ليعجزه من شيء في

سخت تر از ایشان به نیرو و چنان نیست که خدا است که ناتوان کند او را از چیزی اندر

سموات ولا في الارض انه كان عليما قديرا ۝ ولو

آسمانها و نه اندر زمین که وی هست دانا و توانا و اگر

اخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة

ی خدای مردمانرا بدانچه کردند نگذاشتی بر پشت زمین هیچ جنبنده

لكن يؤخرهم الى اجل مسمى فاذا جاء اجلهم فان الله

کن سپس دارد ایشانرا تا زمانه نام برده چون بیاید زمانه ایشان که خدای

ن بعباده بصيرا ۝

سورة يس مكية ثلث وثمانون اية

بندگان خویش بینا

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای مهربان بخشاینده

والقرآن الحكيم ۝ انك لمن المرسلين ۝ على صراط

خمس

عشر

ان تزولا مفعول له است [illegible]

[illegible]

ومكر

استکبارا بدل است از نفورا یا مفعول له است والله اعلم

مستقيم ۝ تنزيل العزيز الرحيم ۝ لتنذر قوما ما انذر آ
راست فرو فرستاده با عزت مهربان تا بیم کنی گروهی را که بیم کرده ند پدر

فهم غافلون ۝ لقد حق القول على اكثرهم فهم
ده ایشان دلشدگان اند هر آینه واجب گشت گفتار بر بیشتر ایشان پس ایشان

يؤمنون ۝ انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الا
گروند ما بکردیم اندر گردن ایشان غلها آن تا زنخدانها

فهم مقمحون ۝ وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم
ایشان فرو رفتگان باشند و بکردیم از پیش ایشان باره و از پس

سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون ۝ وسواء عليهم ءانذرتهم
باره بپوشانیدیمشان ایشان نه بینند و یکسان است بر ایشان

ام لم تنذرهم لا يؤمنون ۝ انما تنذر من اتبع الذكر
یا بیم نکنی ایشان را نگروند مرا آن توانی ترسانیدن کسی را که

خشي الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة واجر كريم ۝ انا
بترسد از خدا بناپیدا مژده ده بآمرزش و مزدی بزرگ

نحي الموتى ونكتب ما قدموا وآثارهم وكل شيء احص
زنده کردیم مردگان را و نویسیم آنچه پیش فرستادند از نشانها بکرد از خویش و هر چیز

في امام مبين ۝ واضرب لهم مثلا اصحاب القرية
اندر امامی پیدا و بزن مر ایشان را داستانی مردمان دیه یعنی انطاکیه

جاءها المرسلون ۝ اذ ارسلنا اليهم اثنين فكذبو
بیامد بدان پیغمبران چون بفرستادیم سوی ایشان دو تن و بدروغ

فعززنا بثالث فقالوا انا اليكم مرسلون ۝ قالوا ما
نیرو کردیشان بسه دیگر یعنی شمعون گفتند ما را بر شما فرستاده اند گفتند نیستید

الا بشر مثلنا وما انزل الرحمن من شيء ان انتم الا
مردمی همچون ما و فرو نفرستاد خدا هیچ چیزی نیستید شما مگر

تكذبون ۝ قالوا ربنا يعلم انا اليكم لمرسلون
دروغ زنان گفتند ای خداوند ما همی داند که ما را سوی شما فرستاده اند

وما علينا الا البلاغ المبين ۝ قالوا انا تطيرنا بكم
نیست بر ما مگر رسانیدن پیدا گفتند ما شوم داریم شمارا

لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم منا عذاب
اگر بازنایستید سنگسار کنیمتان و برسد بشما از ما عذابی

اليم ۝ قالوا طائركم معكم ائن ذكرتم بل انتم قوم
دردناک گفتند شومی شما با شماست بدانکه پند دهند شما را که شما گروهی

مسرفون ۝ وجاء من اقصا المدينة رجل يسعى قال يا قوم
کارانید و آمد از پایان شهر مردی همی شتافت گفت ای گروه

اتبعوا المرسلين ۝ اتبعوا من لا يسئلكم اجرا وهم مهتدون
بر روید کسی را که نخواهد از شما مزدی و ایشان راه یافتگان

وما لي لا اعبد ا طرني واليه ترجعون ۝ ءاتخذ
و چه بودست مرا که نپرستم آنکه سوی وی بازگردانند تو را هرگز گیرم

من دونه آلهة ن يردن الرحمن بضر لا تغن عني شفاعتهم
بجز وی خدایانی اگر بخواهد بدی سود ندارد از من خواهش ایشان

شيئا ولا ينقذون ۝ اني اذا لفي ضلال مبين ۝ اني
چیزی و نتوانند رهانیدن من آنگاه باشم اندر گمراهی پیدا من

آمنت بربكم فاسمعون ۝ قيل ادخل الجنة قال يا ليت
گفتند به بهشت گفت

خمس

عشر

خمس

عشر

۲۸۷

[illegible]

۲۸۸

الجزء الثالث والعشرون

قومي يعلمون • بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين مما لا يعلمون • وآية لهم الليل نسلخ منه النهار

گروهی بدانندی • بدانچه بیامرزید مرا خداوند من و بکرد مرا از نواختگان • از آنچه ندانند • و نشانیست مرایشانرا شب بیرون کنیم از وی روز

وما انزلنا على قومه من بعده من جند من السماء وما فاذا هم مظلمون • والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير

و فرو نفرستادیم ابر گروه وی از پس وی هیچ سپاهی از آسمان و [illegible] آنگاه ایشان اندر تاریکی باشند • و آفتاب همی رود تا آرامگاهی که مراورا است این اندازه کردن

كنا منزلين • ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم العزيز العليم • والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون

بودیم فرو فرستیدگان • نبود مگر یک بانگ پس آنگاه [illegible] عزیزست و دانا • و ماه را اندازه کردیم جایگاه فرو آمدن تا بگشت شاخ خرمابن کهنه

خامدون • يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول الا القديم • لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل

بمردند و خاموش شدند • ای پشیمانیا بر بندگان نیامد بایشان هیچ پیغمبری [illegible] • نه آفتاب را شاید مراورا که اندر یابد ماه را و نه شب

كانوا به يستهزءون • الم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون سابق النهار • وكل في فلك يسبحون • وآية لهم انا

بودند بوی همی افسوس کردندی • نه بینند که چند هلاک کردیم پیش از ایشان از گروهان [illegible] پیش و روز را • و همه اندر گردشی شنا همی کنند • و نشانیست مرایشانرا که ما

انهم اليهم لا يرجعون • وان كل لما جميع لدينا ذريتهم في الفلك المشحون • وخلقنا لهم من

که ایشان سوی ایشان باز نگردند • و نبوند مگر همه نزدیک ما [illegible] فرزندان ایشانرا اندر کشتی پر بار • و بیافریدیم مرایشانرا

محضرون • وآية لهم الارض الميتة احييناها واخرجنا [illegible] ما يركبون • وان نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم

حاضر کرده شوند • و نشانیست مرایشانرا زمین مرده زنده کردانیدیم آنرا و بیرون آوردیم [illegible] آنچه بر نشینند • و اگر بخواهیم غرقه کنیمشان فریادرس نباشد مرایشانرا

منها حبا فمنه يأكلون • وجعلنا فيها جنات من نخيل هم ينقذون • الا رحمة منا ومتاعا الى حين • واذا قيل

از آن دانه از وی همی خورند • و بکردیم ما اندر آن زمین بوستانها از خرمابن [illegible] برهند • مگر بخشودنی از ما و برخورداری تا گاهی • و چون گویند

واعناب وفجرنا فيها من العيون • ليأكلوا من ثمره وما اتقوا ما بين ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون

و انگورها و بشکافتیم اندر آنجا از چشمها آب • تا بخورند از میوهای وی و آنچه [illegible] بترسید از آنچه پیش شماست و آنچه پس شماست تا مگر بر شما بخشایند

عملته ايديهم افلا يشكرون • سبحان الذي خلق [illegible] تأتيهم من آية من آيات ربهم الا كانوا عنها معرضين

کار کرد دستهای ایشان • همی سپاس نداراند • پاکست آن خدای که بیافرید [illegible] بایشان [illegible] از آیتهای خداوند ایشان مگر باشند از آن روی بگردانیدگان

الازواج كلها مما تنبت الارض ومن انفسهم و[illegible] واذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا

همه [illegible] از آنچه برویاند زمین و از تنهای ایشان [illegible] ایشانرا نفقه کنید از آنچه روزی داد [illegible] کافر شدند

عشر

خمس

[illegible]

۲۸۹

[illegible]

كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ

کافر شدند مر آنها را که بگرویدند ای ما بخوریم آنکسی را اگر خواستی خدا بخوراندیش

إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ

نیستید شما مگر اندر گمراهی پیدا و همی گویند که باشد این وعده

إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ

اگر هستید شما راست گویان همی ننگرند و نپایند مگر یک بانگی که بگیردشان

وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ۝ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ

و ایشان پیکار همی کنند نتوانند اندرز کردن سوی خویش

يَرْجِعُونَ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ

باز گردند و دمیده شود اندر صور ناگاه ایشان از گورها سوی خداوند

يَنسِلُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا

بیرون آیند همی گویند ای وای کی برانگیخت ما را از خوابگاه ما این است آنک

وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً

وعده کرده بود خدا و راست گفتند پیغمبران نبود نفخه دوم مگر آوازی

وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ

یگانه همانگاه ایشان همه نزد ما حاضر شوند امروز ستم کرده نشود

نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ أَصْحَابَ

تنی چیزی و پاداش نیابند مگر آنچه شما همی کردید که [illegible]

الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ۝ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ

بهشت امروز اندر شغلی اند شادی کنند ایشان و زنان ایشان اندر سایه ها

عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ۝ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ

بر تختها تکیه زدگان مر ایشان را باشد اندر آنجا میوه ها و مر ایشان را

بیان نفخ صور است [illegible]

عشر

این نفخه دوم است [illegible]

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ۝ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

درودی گفتاری از خداوند مهربان و جدا شوید امروز ای گنه کاران

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

نه پیمان کردم با شما ای پسران آدم که بپرستید دیو را

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

که او مر شما را دشمنی است پیدا و آنکه بپرستید مرا این است راه راست

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۝ هَٰذِهِ

گم کرد دیو از شما گروهانی بسیار را بچه نیست که شوید خردمند این است

جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ

دوزخ آنچه شما را وعده میکردند اندر شوید امروز بدانچه شما

تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ

کافر شدید امروز مهر کنیم بر دهنهای ایشان و سخن گوید با ما دستهای ایشان و

تَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا

گواهی دهند پایهای ایشان بدانچه کردند و اگر بخواستی محو کردایدی

عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ

روشنای چشمهای ایشان پس پیش گرفتی راهها چگونه دیدندی و اگر بخواستی

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

مسخ کردی ایشان بر جایها ایشان نتوانستندی رفتن و نه باز گردیدن

وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا عَلَّمْنَاهُ

و هرکرا عمر دراز کنیم بگردانیم او را اندر آفرینش باخرد همی ندارید و نیاموختیم محمد را

الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ۝ لِّيُنذِرَ

شعر و نسزد او را نیست این مگر پندی و قرآنی پیدا تا بیم کند

عشر

خمس

عشر

لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین ۞ اولم یرو
کسی که باشد زنده دل و واجب شود گفتار عذاب بر ناگرویدگان ۞ یا همی نبین
انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون ۞
که ما بیافریدیم مرایشانرا از آنچه کرد دستهای قدرت ما چارپایان ایشان مراورا پادشاه اند
وذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یاکلون ۞ ولهم فیها
و رام کردانیدیم مرایشانرا از آن نشستن ایشان و از آن همی خورند ۞ و مرایشانراست اند
منافع ومشارب افلا یشکرون ۞ واتخذوا من دون الله
منفعتهاست و آشامیدنیهاست همی سپاسداری نکنند ۞ و بگرفتند از فرود خدا
الهة لعلهم ینصرون ۞ لا یستطیعون نصرهم وهم
خدایان تا مگر ایشان یاری دهند ۞ نتوانند یاری دادن ایشان
لهم جند محضرون ۞ فلا یحزنک قولهم انا نعلم ما یسرون
مرایشان سپاهی حاضر بوده اند ۞ و غمگین نکناد ترا گفتار ایشان که ما همیدانیم آنچه نهان
وما یعلنون ۞ اولم یر الانسان انا خلقناه من نطفة
و آنچه آشکارا کنند ۞ یا نمی بینند مردم که ما بیافریدیم اورا از آب اندک
فاذا هو خصیم مبین ۞ وضرب لنا مثلا ونسی خلقه قال
پس بدون وی پیکارکسی است پیدا ۞ و بزد مرا داستانی و فراموش کرد آفرینش گفت
من یحیی العظام وهی رمیم ۞ قل یحییها الذی انشاها اول
که زنده کند استخوانها را و آن ریزه گشته باشد ۞ بگو زنده کرداند اورا آنکه بیافرید اورا نخستین
مرة وهو بکل خلق علیم ۞ الذی جعل لکم من الشجر
بار و وی بهمه آفرینش داناست ۞ آنکه کرد مر شمارا از درخت
الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون ۞ اولیس الذی
سبز آتشی همیدون از وی آتش همی افروزید ۞ یا نیست آنکه

خمس

هو

۲۹۰

خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم
بیافرید آسمانها و زمین توانا بر آنکه بیافریند همچون ایشان
لی وهو الخلاق العلیم ۞ انما امره اذا اراد شیئا ان
آری هست و وی آفریدگار داناست ۞ هر آینه فرمان وی است چون بخواهد چیزی
یقول له کن فیکون ۞ فسبحان الذی بیده ملکو
که گوید مراورا باش پس بباشد ۞ پاک است آن خدای که بفرمان وی است پادشاه
کل شیء والیه ترجعون ۞
همه چیزی و سوی وی است بازگردانیدن شما

سورة والصافات مائة وثنتان وثمانون

بسم الله الرحمن الرحیم ۞
بنام خدای راه نماینده مهربان عیب و هنر بخشاینده و عیب پوشنده
والصافات صفا ۞ فالزاجرات زجرا ۞ فالتالیات ذکرا ۞
به فرشتگان صف زده صف زدنی سوگند بفرشتگان راننده گان راندنی سوگند است بخوانندگان قرآن خواندنی
ان الهکم لواحد ۞ رب السموات والارض وما بینهما ورب
که خداوند شما یکی خداست خداوند آسمانها و زمین و آنچه اندر میان ایشان است و خداوند
المشارق ۞ انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب ۞ و
مشرقها ۞ که ما بیاراستیم آسمانهای دنیا را بآرایش ستارگان ۞ و
حفظا من کل شیطان مارد ۞ لا یسمعون الی الملا
نگاهداشتنی از هر دیوی بیرون از طاعت ۞ گوش ندارند سوی گروه
الاعلی ویقذفون من کل جانب ۞ دحورا ولهم عذاب
برترین و همی رانندشان از هر گوشه انداختنی ۞ و مرایشانراست عذابی
واصب ۞ الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب ۞
پیوسته ۞ مگر آنکه برباید ربودنی اندر یابدش ستاره افروخته

خمس

عشر

[illegible]

امن خلقنا

فاستفتهم اهم اشد خلقا انا خلقناهم من طين لازب ۝ بل
بپرس از ایشان که ایشان سخت ترند آفرینش ما بیافریدیم ایشانرا از گل وسنده
عجبت ويسخرون ۝ واذا ذكروا لا يذكرون ۝ واذا راوا
همی شگفت داری وایشان همی فسوس کنند وچون پند دهند شان پند نپذیرند
يستسخرون ۝ وقالوا ان هذا الا سحر مبين ۝ ائذا
فسوس کنند وگویند نیست این مگر جادویی پیدا
متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون ۝ او آباؤنا الاولون
ما بمیریم وباشیم خاک واستخوانها مارا برانگیزند یا پدران ما
قل نعم وانتم داخرون ۝ فانما هي زجرة واحدة فاذا هم
بگو آری وشما خوار گردان باشید همیدون آن یک بانگ همانگاه ایشان
ينظرون ۝ وقالوا يا ويلنا هذا يوم الدين ۝ هذا يوم الفصل
همی نگرند وگویند ای وای ما این روز پاداش حسابست واین است
الذي كنتم به تكذبون ۝ احشروا الذين ظلموا وازواجهم
آنچه بودید شما بوی دروغ دارندگان گرد آرید ایشانرا که بیداد کردند وزنان
وما كانوا يعبدون من دون الله فاهدوهم الى صراط
آنچه بودند همی پرستیدند بجز خدا راه نمایید ایشانرا سوی راه
الجحيم ۝ وقفوهم انهم مسئولون ۝ ما لكم لا تناصرون
دوزخ وبازدارید شان که ایشان پرسیدگانند چه بودست شمارا یاری نکنید
بل هم اليوم مستسلمون ۝ واقبل بعضهم على بعض يتساءلون
بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند وروی آورد بهره از ایشان بر بهره یکدیگر
قالوا انكم كنتم تاتوننا عن اليمين ۝ قالوا بل لم تكونوا
گفتند شما بودید که شما همی آمدید سوی ما از دست راست گفتند بلکه نبودید

خمس

حزب

عشر

خمس

[illegible]

٢٩١

وما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوما طاغين ۝
ونبود مارا بر شما هیچ پادشاهی بلکه شما بودید گروهی گردن کشان
فحق علينا قول ربنا انا لذائقون ۝ فاغويناكم انا كنا
واجب گشت بر ما گفتار خداوند ما بخواهیم چشیدن بیراه کردانیدیم شمارا که ما بودیم
غاوين ۝ فانهم يومئذ في العذاب مشتركون ۝ انا كذلك نفعل
بیراهان که ایشان آن روز اندر عذاب انبازان باشند ما همچنین کنیم
بالمجرمين ۝ انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون
گناهکاران که ایشان بودند چون بدیشان گفتندی که نیست خدا مگر خدا بزرگی منی کردندی
ويقولون ائنا لتاركوا آلهتنا لشاعر مجنون ۝ بل جاء بالحق
ای ما بجا مانیم خدایان خویش را ازبهر شاعری دیوانه بلکه آورد راستی
وصدق المرسلين ۝ انكم لذائقوا العذاب الاليم
وراست گوی داشت پیغمبرانرا بخواهید شما چشیدن عذابی دردناک

وما تجزون الا ما صح

كنتم تعملون ۝ الا عباد الله المخلصين ۝ اولئك لهم
کردید مگر بندگان خدا یکتا دلان ایشانند که ایشانراست
رزق معلوم ۝ فواكه وهم مكرمون ۝ في جنات النعيم ۝ على
روزی دانسته میوه ها وایشان نواختگان باشند اندر بهشتهای با نعمت بر
سرر متقابلين ۝ يطاف عليهم بكاس من معين ۝ بيضاء
تختهای روی بروی آورده همی گردانند بر ایشان قدحی پر از چشمهای روان سفید
لذة للشاربين ۝ لا فيها غول ولا هم عنها ينزفون ۝ و
مزه مر آشامندگانرا نه اندر آنجا بیخردی باشد ونه ایشانرا اندر آنجا شراب کم کنند و
عندهم قاصرات الطرف عين ۝ كانهن بيض مكنون ۝
نزد ایشان باشند کنیزکان خوابیده چشمشان پنداری که بزرگ چشمانند پنداری که ایشان خایه اند پوشیده

عشر

خمس

عشر

خمس

[illegible]

فاقبل بعضهم علی بعض یتسآءلون ۝ قال قآئل منهم انی عشر
روی آورده بهره از ایشان بر بهره همی پرسند از یکدیگر کوید کوینده از ایشان منم

کان لی قرین ۝ یقول أئنک لمن المصدقین ۝ أئذا متنا
بود مرا یاری همی کوید که تو از استوار دارندکانی ای چون بمیریم

وکنا ترابا وعظاما أئنا لمدینون ۝ قال هل انتم مطلعون خمس
و باشیم خاک و استخوانها ای ما را پاداش دهند کفت خواهید شما تا بنکرید

فاطلع فرآه فی سوآء الجحیم ۝ قال تالله ان کدت لتردین
بنکریست بدید آن دوست اندر میان دوزخ کفت بخدا که خواستی که هلاک کنی

ولولا نعمة ربی لکنت من المحضرین ۝ افما نحن بمیتین
و اکر نه منت خداوند من بودی از آوردکان بعذاب ای ما هرکز نخواهیم مرد

الا موتتنا الاولی وما نحن بمعذبین ۝ ان هذا لهو الفوز
مکر مرک ما پیشین و نباشیم ما عذاب کردکان نیست که وی بر

العظیم ۝ لمثل هذا فلیعمل العاملون ۝ اذلک خیر نزلا عشر
بزرک یافت از بهر همچنین این کار کنند کارکنندکان ای آن بهتر عطا

ام شجرة الزقوم ۝ انا جعلناها فتنة للظالمین ۝ انها
یا درخت زقوم ما بکردیم آن درخت آزمایش مر ستمکاران را آن

شجرة تخرج فی اصل الجحیم ۝ طلعها کأنه رؤوس الشیاطین خمس
درختی است بیرون آید از بن دوزخ بر وی پنداری وی سرها دیوان

فانهم لآکلون منها فمالئون منها البطون ۝ ثم ان
که ایشان بخورند از اینجا پر کنند از آن شکمها باز

لهم علیها لشوبا من حمیم ۝ ثم ان مرجعهم لالی الجحیم ۝ انهم الفوا
مر ایشان را باشد بران آمیزش از آب کرم باز هر آینه بازکشتنشان سوی دوزخ باشد ایشان

عشر آباءهم ضآلین ۝ فهم علی آثارهم یهرعون ۝ ولقد ضل
پدران خویش را کمراهان ایشان بر پیهاء ایشان همی شتابند و کمراه شد

قبلهم اکثر الاولین ۝ ولقد ارسلنا فیهم منذرین ۝
پیش از ایشان بیشترین پیشینیان و بحقیقه بفرستادیم اندر ایشان بیم کنندکان

فانظر کیف کان عاقبة المنذرین ۝ الا عباد الله
بنکر چکونه بود سرانجام بیم کنندکان مکر بندکان خدا

خمس المخلصین ۝ ولقد نادینا نوح فلنعم المجیبون ۝ ونجیناه
پاکان و بخواند ما را نوح نیک پاسخ کنندکان بودیم و برهانیدیم و

واهله من الکرب العظیم ۝ وجعلنا ذریته هم
کسان او را از اندوه بزرک و بکردیم فرزندان ورا که ایشان

الباقین ۝ وترکنا علیه فی الآخرین ۝ سلام علی نوح
پایدار بودند و بکذاشتیم بر وی ثنا نیکو اندر پسینیان درود باد بر نوح

عشر فی العالمین ۝ انا کذلک نجزی المحسنین ۝ انه من عبادنا
اندر همه خلق ما همچنین پاداش دهیم نیکوکاران که وی از بندکان ما بود

المؤمنین ۝ ثم اغرقنا الآخرین ۝ وان من شیعته لابرهیم
کرویدکان باز غرقه کردیم دیکران را و از پس آمده وی بود ابراهیم

خمس اذ جاء ربه بقلب سلیم ۝ اذ قال لابیه وقومه ماذا تعبدون
که آمد بخدای خویش با دل درست بی عیب چون کفت مر پدر خویش را و کروه خویش چه چیز پرستید

أئفکا آلهة دون الله تریدون ۝ فما ظنکم برب
دروغی خدایان بجز خدا شما همی خواهید چیست کمان شما بپروردکار

العالمین ۝ فنظر نظرة فی النجوم ۝ فقال انی سقیم ۝ فتولوا
عالمیان بنکریست نکرستنی اندر ستارکان کفت من بیمار خواهم شد برکشتند

عنه مدبرين ۝ فراغ الى الهتهم فقال الا تاكلون
ازوی بگرديدند کان بگرايست سوی خدايان ايشان گفت هيچ نخوريد

مالكم لا تنطقون ۝ فراغ عليهم ضربا باليمين فاقبلوا
چه بوده است شمارا که سخن نگوييد بگرايست بر ايشان برمحی بنيرو سوی آوردند

اليه يزفون ۝ قال اتعبدون ما تنحتون ۝ والله خلقكم
سوی وی بشتاب گفت می پرستيد شما آنچه تراشيد وخدا بيافريد

وما تعملون ۝ قالوا ابنوا له بنيانا فالقوه في الجحيم
وآنچه شما کنيد گفتند برآوريد مراورا بنای واندازيد اورا اندر آتش

فارادوا به كيدا فجعلناهم الاسفلين ۝ وقال اني
بخواستند که باوی سازش بکنند بکرديم ايشان فروتران وگفت ابراهيم

ذاهب الى ربي سيهدين ۝ رب هب لي من الصالحين
خواهم رفتن سوی خداوند خويش وره نمايد مرا خداوند من بده مرا از نيکان

فبشرناه بغلام حليم ۝ فلما بلغ معه السعي قال يا بني
مژده داديمش بفرزندی بردبار چون رسيد باوی کوشش گفت ابراهيم ای پسرک

اني ارى في المنام اني اذبحك فانظر ماذا ترى قال
می بينم اندر خواب که من بسمل کنم ترا بنگر چه بينی تو گفت

يا ابت افعل ما تؤمر ستجدني ان شاء الله من الصابرين
ای پدر بکن آنچه فرمودندت هر آينه بينی مرا اگر خواهد خدا از شکيبايان

فلما اسلما وتله للجبين ۝ وناديناه ان يا ابراهيم
چون هر دو گردن نهادند وبيفگند او را بر پيشانی وبخوانديمش که ای ابراهيم

قد صدقت الرؤيا انا كذلك نجزي المحسنين ۝ ان هذا
راست کردی خواب همچنين پاداش دهيم نيکوکاران را اين

لهو البلاء

عشر

خمس

۷۵۲

لهو البلاء المبين ۝ وفديناه بذبح عظيم ۝ وتركنا
آزمايش است پيدا وبازخريديم بکشتنی بزرگ وبگذاشتيم

عليه في الآخرين ۝ سلام على ابراهيم ۝ كذلك نجزي
بروی اندر بازپسينان درود باد بر ابراهيم همچنين دهيم پاداش

المحسنين ۝ انه من عبادنا المؤمنين ۝ وبشرناه باسحق
نيکوکارانرا که وی از بندگان ماست گرويدگان ومژده داديمش باسحق

نبيا من الصالحين ۝ وباركنا عليه وعلى اسحق
پيغمبری از نيکان وبرکت کرديم بروی وبر اسحق

ومن ذريتهما محسن وظالم لنفسه مبين ۝ ولقد مننا
واز فرزندان ايشان نيکوکار بود وستمکار مرتن خويش را پيدا وبحقيقه منت نهاديم

على موسى وهرون ۝ ونجيناهما وقومهما من الكرب
بر موسی وهرون وبرهانيديش وگروهشان از اندوه

العظيم ۝ ونصرناهم فكانوا هم الغالبين ۝ واتيناهما
بزرگ ويارى داديمشان وبودند ايشان پايندگان وبداديم هر دورا

الكتاب المستبين ۝ وهديناهما الصراط المستقيم
نامه پيدا کرده وراه نموديمشان براه راست

وتركنا عليهما في الآخرين ۝ سلام على موسى وهرون
وبازگذاشتيم بر هر دوشان اندر بازپسينان درود باد بر موسی وهرون

انا كذلك نجزي المحسنين ۝ انهما من عبادنا المؤمنين
همچنان پاداش دهيم نيکوکارانرا که ايشان بودند از بندگان گرويدگان

وان الياس لمن المرسلين ۝ اذ قال لقومه الا تتقون اتدعون
والياس از پيغامبران چون گفت مر گروه خويش را چرا نترسيد همی خوانيد

عشر

خمس

عشر

خمس

بعلا وتذرون احسن الخالقين الله ربكم ورب

بت را که نام او بعل است و دست باز دارید مر ابهترین آفریدکاران را خدا پروردکار شما و پروردکا

آبائكم الاولين فكذبوه فانهم لمحضرون الا

پدران شما پیشینیان بدروغ داشتند ایشان بجای آوردکان اند بعذاب مکر

عباد الله المخلصين وتركنا عليه في الآخرين سلام

بندکان خدا پاکان و دست باز داشتیم بروی نشانها نیکو اندر بازپسینان درود

عشر

على الياسين انا كذلك نجزي المحسنين انه من

بر مردمان آل یاسین همچنان پاداش دهیم نیکوکاران را که بود از

عبادنا المؤمنين وان لوطا لمن المرسلين اذ نجيناه

بندکان ما کرویدکان و بود لوط از پیغمبران چون برهانیدیم

خمس

واهله اجمعين الا عجوزا في الغابرين ثم دمرنا

وی را و اورا همکنان مکر کنده پیرے اندر بازماندکان باز هلاک کردیم

الآخرين وانكم لتمرون عليهم مصبحين وبالليل

دیکران را و شما همی کذرید بر ایشان بامدادان و بشب

عشر

افلا تعقلون وان يونس لمن المرسلين اذ ابق

یا هیچ خرد ندارید و بود یونس از پیغمبران چون بکریخت

الى الفلك المشحون فساهم فكان من المدحضين

سوی کشتی پربار قرعه زد با اهل کشتی و بود از بی حجتان

فالتقمه الحوت وهو مليم فلولا انه كان من المسبحين

فرو خورد وی را ماهی و وی خود را ملامت کننده بود اکر نه بودی که بود از تسبیح کنندکان

للبث في بطنه الى يوم يبعثون فنبذناه بالعراء وهو

درنک کردی اندر شکم ماهی تا روزی که برانکیزندشان بیفکندیمش بدشت هامون و وی

[illegible]

خمس

سقيم وانبتنا عليه شجرة من يقطين وارسلناه

بیمار بود و برویانیدیم بروی درختی از کدو و بفرستادیم او را

الى مائة الف او يزيدون فآمنوا فمتعناهم الى حين

سوی صد هزار کس یا زیاده از صد هزار بکرویدند برخورداری دادیمشان تا کاهی

فاستفتهم الربك البنات ولهم البنون ام خلقنا الملائكة

بپرس از ایشان که خدای راست دختران و مر ایشان راست پسران یا بیافریدیم فرشتکان را

عشر

اناثا وهم شاهدون الا انهم من افكهم ليقولون ولد الله

دختران و ایشان حاضر بودند بدانکه ایشان از دروغ خویش همی کویند فرزند آورد خدا

وانهم لكاذبون اصطفى البنات على البنين ما لكم

و ایشان دروغ زنانند یا بکزید دختران بر پسران چه بود است شما را

خمس

كيف تحكمون افلا تذكرون ام لكم سلطان

چکونه حکم کنید چرا پند نکیرید یا مر شما راست حجتی

مبين فأتوا بكتابكم ان كنتم صادقين وجعلوا

پیدا بیارید نامه خویش اکر هستید راست کویان و بکردند

بينه وبين الجنة نسبا ولقد علمت الجنة انهم لمحضرون سبحان الله عما

میان خدا و میان پریان پیوستکی بشناسند پریان که ایشان را حاضر کنند بعقوبت پاکست خدا از آنچه

عشر

يصفون الا عباد الله المخلصين فانكم وما تعبدون

صفت کنند مکر بندکان خدا مخلصین پاکان که شما و آنچه همی پرستید

ما انتم عليه بفاتنين الا من هو صال الجحيم وما

نه اید بدو شما بروی فتنه کنندکان مکر آن کسے که او را اندر باید بدان دوزخ و نیست

خمس

منا الا له مقام معلوم وانا لنحن الصافون وانا

از ما مکر او را جایکاهی است دانسته و مایم که ما صف زدکانیم و مایم

[illegible]

سقيم

عشر

حز

عشر

لنحن المسبحون • وان كانوا ليقولون • لو ان عندنا ذكرا
که ما تسبیح کنندگانیم و اگر چه بودند که همی گفتند اگر بودی نزد ما پندی
من الاولين • لكنا عباد الله المخلصين • فكفروا به
از پیشینیان بودیمی بندگان خدا پاکان و کافر شدند بوی
فسوف يعلمون • ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين
زود باشد که بدانند و به درستی رفته است سخن وعده ما مر بندگان ما را فرستادگان
انهم لهم المنصورون • وان جندنا لهم الغالبون • فتول
که ایشان مر ایشان یاری دادگان باشند و لیکن سپاهها ما ایشان باشند چیره [illegible] روی بگردان
عنهم حتى حين • وابصرهم فسوف يبصرون • افبعذابنا
از ایشان تا گاهی و ببین ایشان را که زود باشد که ببینند با عذاب ما
يستعجلون • فاذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرين
همی شتابند چون فرود آید به پیش در سرای ایشان بد باشد بامداد بیم کردگان
وتول عنهم حتى حين • وابصر فسوف يبصرون • سبحان
و روی بگردان از ایشان تا گاهی و ببین که زود باشد که ببینند ایشان پاکست
ربك رب العزة عما يصفون • وسلام على المرسلين
خداوند تو خداوند نیرو و عزت از آنچه همی صفت کنند و درود باد بر پیغمبران
والحمد لله رب العالمين

سورة ص مكية ثمان وثمانون آية

و سپاس مر خدا را پروردگار همه خلق

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدایی که نهان و آشکار او را اندر هر جای که حاجت باشد بفضل پذیره و بخشاینده که بپوشاند
ص والقرآن ذي الذكر بل الذين كفروا في عزة وشقاق
سوگند است براستی و قرآن خداوند عز خدا پند و شرف که اکنون که نگرویدند اندر ستیزه اند و [illegible]

[illegible]

كم اهلكنا

۲۹۵

حز

[illegible]

كم اهلكنا من قبلهم من قرن فنادوا ولات حين مناص و
هلاک کردیم از پیش ایشان از گروهی بانگ کردند و نیست گاه گریختن و
عجبوا ان جاءهم منذر منهم وقال الكافرون هذا ساحر
شگفت داشتند که بیامد بایشان بیم کننده از ایشان و گفتند کافران این جادویست
كذاب • اجعل الالهة الها واحدا ان هذا لشيء عجاب
دروغ زن بکرد خدایان را یک خدا این چیزیست شگفت
وانطلق الملأ منهم ان امشوا واصبروا على آلهتكم ان
و رفتند مهتران از ایشان گفتند بروید و شکیبایی کنید بر خدایان شما
هذا لشيء يراد • ما سمعنا بهذا في الملة الآخرة ان هذا
این چیزیست خواستنی نشنیدیم این اندر گروه بازپسینان این نیست
الا اختلاق • ءانزل عليه الذكر من بيننا بل هم في
مگر دروغ نهادن فرو فرستاده اند بروی یاد کرد از میان ما بلکه ایشان اندر
شك من ذكري بل لما يذوقوا عذاب • ام عندهم
گمان اند از یاد من که نچشیدند عذاب یا نزد ایشان است
خزائن رحمة ربك العزيز الوهاب • ام لهم ملك السموات
خزانهای رحمت خداوند تو کینه کشنده بخشنده یا مر ایشان راست پادشاهی آسمانها
والارض وما بينهما فليرتقوا في الاسباب • جند ما
و زمین و آنچه میان این هر دو است بگو تا بر شوند بدرهای آسمان سپاهها اند
هنالك مهزوم من الاحزاب • كذبت قبلهم قوم نوح
آنجا شکسته گشته آن گروه آن کافران دروغ داشتند پیش از ایشان گروه نوح
وعاد وفرعون ذو الاوتاد • وثمود وقوم لوط واصحاب
و عاد را و گروه فرعون موسی را خداوندان میخها و گروه ثمود صالح را و گروه لوط مر لوط را و خداوندان

[illegible]

الأيكة أولئك الأحزاب ۝ إن كل إلا كذب الرسل
پيشه مر شعيب را ايشانند كه بودند گروهان بنبودند همه مگر دروغ داشتند پيغامبران را
فحق عقاب ۝ وما ينظر هؤلاء إلا صيحة واحدة ما لها
واجب شد بر ايشان عقوبت من ومى دارند چشم اينها مگر يك بانگ را و نباشد آن را
من فواق ۝ وقالوا ربنا عجل لنا قطنا قبل يوم الحساب
هيچ بازگشتن گريزان وگفتند يا خداوند ما شتابان ما را نامه ما را يعنى عذاب پيش از روز شمار
اصبر على ما يقولون واذكر عبدنا داود ذا الأيد
شكيبايى كن بر آنچه مى گويند و ياد كن بنده ما را داود را خداوند نيرو
إنه أواب ۝ إنا سخرنا الجبال معه يسبحن بالعشي والإشراق
كروى بود بازگردنده ما فرمانبردار كرده ايم كوهها با وى تسبيح ميكردند شبانگاهان و بامدادان
والطير محشورة كل له أواب ۝ وشددنا ملكه وآتيناه
و مرغان را گرد آورده همه مر او را فرمان بردارند و استوار كرده ايم پادشاهى او را و داديم
الحكمة وفصل الخطاب ۝ وهل أتيك نبؤا الخصم
سخن صواب و گذاردن سخن و آمد بتو خبر خصمان
إذ تسوروا المحراب ۝ إذ دخلوا على داود ففزع منهم
چون بر شدند بصومعه چون در شدند بر داود بترسيد از ايشان
قالوا لا تخف خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم
گفتند مترس دو خصمى ستم كرد بهره از ما بر بهره پس حكم كن
بيننا بالحق ولا تشطط واهدنا إلى سواء الصراط إن
ميان ما براستى و ستم مكن و راه نماى ما را سوى راستى راه
ولى نعجة
هذا أخي له تسع وتسعون نعجة واحدة فقال أكفلنيها
اين برادر من است مر او راست نود و نه ميش و مرا ميشى يكيست گفت بمن سپار آن را

[illegible]

وعزني في الخطاب ۝ قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك إلى
و غلبه كرد بر من در سخن گفتن گفت داود كه بجداى كه ستم كرده بر تو بخواستن ميش تو با
نعاجه وإن كثيرا من الخلطاء ليبغي بعضهم على بعض إلا
ميشهاى خود و بدرستى كه بسيارى از شركا هر آينه ستم كنند برخى از ايشان بر بعضى مگر
الذين آمنوا وعملوا الصالحات وقليل ما هم وظن داود أنما
آنانكه گرويده اند و كرده اند عملهاى ستوده و اندكند ايشان در ميان شركا و گمان برد داود كه
فتناه فاستغفر ربه وخر راكعا وأناب ۝ فغفرنا له ذلك وإن
امتحان كرديم او را پس طلب آمرزش كرد از پروردگار خود و بيفتاد در روى و بازگشت بخداى پس بيامرزيديم او را استغفار كردن و بدرستى
له عندنا لزلفى وحسن مآب ۝ يا داود إنا جعلناك خليفة
او را از نزديك ما قرابت بعد از مغفرت و نيكوى بازگشت گفتيم او را كه اى داود بدرستى كه ما كرده ايم ترا خليفه
في الأرض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى فيضلك
در زمين پس حكم كن ميان مردمان براستى و پيروى مكن بهواى نفس كه گمراه گرداند ترا
عن سبيل الله إن الذين يضلون عن سبيل الله لهم عذاب
از راه خداى بدرستى كه آنانكه گمراه ميشوند از راه حق مر ايشان را عذابى
شديد بما نسوا يوم الحساب ۝ وما خلقنا السماء والأرض
سخت بسبب آنكه فراموش كردند روز شمار را و نيافريديم آسمان و زمين را
وما بينهما باطلا ذلك ظن الذين كفروا فويل للذين كفروا
و آنچه در ميان آسمان و زمين است بيهوده باطل اين گمان آنانست كه كافر شدند پس واى مر آنها كه كفر ورزيدند
من النار ۝ أم نجعل الذين آمنوا وعملوا الصالحات
از آتش دوزخ آيا ميگردانيم آنان را كه گرويده اند و كارهاى ستوده كردند
كالمفسدين في الأرض أم نجعل المتقين كالفجار ۝ كتاب
مانند تباه كاران در زمين يا ميگردانيم پرهيزكاران را مانند بدكاران اين كتابيست

خمس

أنزلناه إليك مبارك ليدبروا آياته وليتذكر أولوا الألباب
که فرستادیم بسوی تو برکت داده تا اندیشه کنند در آیتهای آن و تا پند پذیر شوند خداوندان عقول

ووهبنا لداود سليمان نعم العبد إنه أواب ۝ إذ عرض عليه
و بخشیدیم مر داود فرزندی که سلیمانست نیکو بنده بود بدرستی که رو رجوع کننده چون عرض کرده شد بر او

بالعشي الصافنات الجياد ۝ فقال إني أحببت حب الخير عن
بآخر روز اسپان ایستاده تیزرو پس گفت بدرستی که من برگزیدم دوستی مال بسیار از

ذكر ربي حتى توارت بالحجاب ۝ ردوها علي فطفق مسحا بالسوق
یاد پروردگار خود تا وقتی که پوشیده شد آفتاب به پرده باز گردانید باز آن را بمن پس شروع کرد شمشیر سود در ساقها

والأعناق ۝ ولقد فتنا سليمان وألقينا على كرسيه جسدا
و گردن ایشان و بدرستی که آزمودیم ما سلیمان را و انداختیم بر تخت او پسر او را

ثم أناب ۝ قال رب اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي لأحد
پس بازگشت بخدا گفت ای پروردگار من بیامرز مرا و بخش مرا پادشاهی که نشود پادشاه هر یکی را

من بعدي إنك أنت الوهاب ۝ فسخرنا له الريح تجري
پس از من بدرستی که تو بخشنده پس رام کردانیدیم سلیمان را باد رود

بأمره رخاء حيث أصاب ۝ والشياطين كل بناء وغواص
بفرمان او نرم و خوش هر جا قصد کرده باشد و مسخر کردیم او را دیوان هر بنا کننده و غوص کننده

وآخرين مقرنين في الأصفاد ۝ هذا عطاؤنا فامنن أو
و دیوان دیگر با هم در بسته در بندها این بخشش ماست که تو داویم بخشش است پس منت نه

أمسك بغير حساب ۝ وإن له عندنا لزلفى وحسن مآب ۝
باز دار بی حساب و بدرستی که سلیمانست نزدیک ما قربت و نیکوی بازگشت

واذكر عبدنا أيوب إذ نادى ربه أني مسني الشيطان
و یاد کن بنده ما ایوب را چون بخواند آفریدگار خود را که مس کند مرا شیطان

بنصب وعذاب ۝ اركض برجلك هذا مغتسل بارد
برنج و الم گفت جبرئیل او را که بزن پای خود را بر زمین این چشمه گرم جای غسل است و این سرد

وشراب ۝ ووهبنا له أهله ومثلهم معهم رحمة منا
و آشامیدن و بخشیدیم او را و کسان او را و مانند ایشان با ایشان بر بخشش که فایض شد از ما

وذكرى لأولي الألباب ۝ وخذ بيدك ضغثا فاضرب به
و پند گرفتن مر خداوندان عقلها را و بگیر بدست خود دسته از چوب و بزن زن خود را بدان

ولا تحنث إنا وجدناه صابرا نعم العبد إنه أواب ۝ واذكر
و حانث شود در سوگند خود بدرستی که یافتیم او را صبر کننده نیکو بنده است ایوب بدرستی که او رجوع کننده است و یاد کن

عبادنا إبراهيم وإسحق ويعقوب أولي الأيدي والأبصار
بندگان ما را ابراهیم و پسر او و نبیره او خداوندان دستها و دیدها

إنا أخلصناهم بخالصة ذكرى الدار ۝ وإنهم عندنا لمن
بدرستی که ما خالص کردانیدیم ایشان را بخصلتی پاک یاد کردن سرای آخرت و این پیغمبران نزدیک ما از جمله

المصطفين الأخيار ۝ واذكر إسمعيل واليسع وذا الكفل
برگزیدگان و نیکان اند و یاد کن اسمعیل ذبیح و یسع و ذوالکفل همه

وكل من الأخيار ۝ هذا ذكر وإن للمتقين لحسن مآب ۝
از گروه نیکان خلق این خبر انبیاست و بدرستی که مر پرهیزکاران راست نیکوی بازگشت است

جنات عدن مفتحة لهم الأبواب ۝ متكئين فيها
بوستانهای اقامت که گشاده شده است بر ایشان درها از بوستانها تکیه زدگان بر تختها در آن بوستانها

يدعون فيها بفاكهة كثيرة وشراب ۝ وعندهم قاصرات
میخوانند در آن بوستانها میوه بسیار و آشامیدنی بسیار و نزدیک ایشان باشند کوتاه چشمان

الطرف أتراب ۝ هذا ما توعدون ليوم الحساب ۝ إن هذا لرزقنا
امثال است آنچه وعده داده شده بود آن در روز شمار بدرستی که آنچه یاد کردیم

٢٩٧

خمس

عشر

[illegible]

خمس

مَا لَهُ مِن نَفَادٍ ۝ هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ۝ جَهَنَّمَ

نیست او را هیچ کمی این است و بدرستی که مر کافران است بدی بازگشت دوزخ است

يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ۝

در آیند در آن پس بد آرامگاهیست دوزخ عذاب اینست پس بچشید آنرا آب گرم و زهر

وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ۝ هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا

و ایشانرا عذابی دیگر است مثل این عذاب نوعها این گروه در آمدگانند در دوزخ رنج و سختی با شما ایشان گویند مرحبا

بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ۝ قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ

ایشانرا بدرستی که ایشان آمدگانند بدوزخ گویند بلکه شما مرحبا مباد شما را شما فرا پیش داشتید

لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ۝ قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا

برای ما پس بد قرارگاهیست گویند ای پروردگار ما که فرا داشت از برای ما این کفر را پس بیفزای او را عذابی

ضِعْفًا فِي النَّارِ ۝ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ

زیاده در آتش و گویند چیست ما را که نمی‌بینیم مردانی که بودیم ما که می‌شمردیم ایشانرا از

الْأَشْرَارِ ۝ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ۝ إِنَّ ذَٰلِكَ

بدان و مردان آیا ایشانرا فرا گرفتیم سخریت یا در آورده و میل کرده اند از ایشان چشمهای ما بدرستی که

لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ

راست است جنگ و جدل کردن اهل دوزخ بگو مشرکان که را جز این نیست که من بیم کننده ام و نیست هیچ خدای

إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

مگر خدای یگانه بی شریک قهر کننده آفریدگار آسمانها و زمینها و آنچه

بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۝ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ۝ أَنتُمْ عَنْهُ

میان ایشانست غالب آمرزگار بگو آنچه گفتیم خبری بزرگ شما از او

مُعْرِضُونَ ۝ مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

روی گردانندگانید نبود مرا هیچ دانشی بگروه برترین ملایکه آنگاه که گفت و شنود می‌کردند

عشر

حزب

خمس

[illegible]

ان یوحی

۲۹۸

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ

که وحی نیامد سوی من بگو بدانکه من بیم کننده ام پیدا چون گفت خداوند تو مر فرشتگان را

إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ۝ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن

من بخواهم آفریدن مردمی از گل چون راست کنمش و بدمم اندر و از

رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ۝ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ

جان من بیفتید مر او را سجده کنندگان سجده کردند فرشتگان همشان

أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ قَالَ

یکسان مگر ابلیس که بزرگ منشی کرد و بود از گروه کافران گفت

يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ

ای ابلیس چه باز داشت ترا که سجده کنی مر آنرا که بیافریدم از قدرت خویش بزرگ منشی کردی

أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ ۝ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ

یا بودی از برترین جویندگان گفت من بهترم از وی بیافریدی مرا از آتش و بیافریدی او را

مِن طِينٍ ۝ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ

از گل گفت بیرون شو از بهشت که تو رانده و بر تو است

لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ۝ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝

لعنت من تا روز جزا و حساب گفت یا خداوند من زمان ده مرا تا روزی که برانگیزیدشان

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ۝ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝ قَالَ

گفت تو از مهلت دادگانی تا روز گاه دانسته گفت

فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۝

بعزت تو بیراه کردانشان همگیان را مگر بندگان ترا از ایشان یکتایان

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ۝ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن

گفت پس راستست و راست همی گویم که پر کنم دوزخ را از تو و از همکس

عشر

خمس

عشر

[illegible]

تبعك منهم اجمعين ۝ قل ما اسئلكم عليه من اجر وما

که هم تو رو و از ایشان همگیان بگو نخواهم از شما بر وی هیچ مزدی و نی

انا من المتكلفين ۝ ان هو الا ذكر للعالمين ۝ ولتعلمن

من از خویشتن ساختگان نیست این قرآن مگر پندی همه خلق را و نیک بـ

نباه سورة الزمر مكية بعد خمس وسبعون آية حين

آگاهی وی پس از گاه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدایی که پیش از آفریدن ایمان عطا کرد مهربانی که چون بیافرید ایمان طاعت کرد بخشاینده کرا [illegible]

تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۝ انا انزلنا اليك الكتاب

این فرو فرستادن نامه است یعنی قرآن از خدای نیکوکار و استوارکار ما فرو فرستادیم سوی تو

بالحق فاعبد الله مخلصا له الدين ۝ الا لله الدين الخالص

براستی بپرست خدای را یکتا گرداننده مر او را مسلمانی بدانکه خدای راست دین یکتا [illegible]

والذين اتخذوا من دونه اولياء ما نعبدهم الا

وانکه همی گرفتند بجز وی دوستان و خدایان گویند نمی پرستیم ایشانرا

ليقربونا الى الله زلفى ان الله يحكم بينهم في ما هم

تا نزدیک گردانند مارا سوی خدای از نزدیک گردانیدن که خدا حکم کند میان ایشان اندر آنچه ایشان

فيه يختلفون ۝ ان الله لا يهدي من هو كاذب كفار

اندر وی خلاف گردند که خدا راه ننماید آنرا که بود دروغ زن ناسپاس

لو اراد الله ان يتخذ ولدا لاصطفى مما يخلق ما يشاء

اگر بخواستی خدا که بگرفتی فرزندی بگزیدی از آنچه بیافریدی آنچه خواستی

سبحانه هو الله الواحد القهار ۝ خلق السموات و

پاکست وی و یست خدا یکی بست فروشکننده دشمنان بیافرید آسمانها

خمس

از حضرت صادق علیه السلام مرویست [illegible]

[illegible]

الارض بالحق يكور الليل على النهار ويكور النهار على

زمین را براستی اندر آورد شب را بر روز و اندر آورد روز را بر

الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل مسمى

شب و فرمانبردار گردانید آفتاب و ماه را همه میرود تا بزمانی نام برده

الا هو العزيز الغفار ۝ خلقكم من نفس واحدة ثم جعل

آگاه وی است بی همتا و آمرزگار بیافرید شما را از یک تن یعنی آدم باز بکردیم

منها زوجها وانزل لكم من الانعام ثمانية ازواج يخلقكم

از آن تن جفت وی یعنی حوا و فرو فرستاد مر شما را از چارپایان هشت جفت همی آفریند شما را

في بطون امهاتكم خلقا من بعد خلق في ظلمات ثلث

اندر شکمهای مادران شما آفرینشی از پس آفرینش اندر تاریکیهای سه گانه

ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون

اینست خدا آفریدگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدای مگر وی از کجا تان باز گردانند

ان تكفروا فان الله غني عنكم ولا يرضى لعباده الكفر و

اگر ناسپاسی کنید خدای بی نیاز است از شما و نه پسندد مر بندگان خویش را ناسپاسی

ان تشكروا يرضه لكم ولا تزر وازرة وزر اخرى

اشباع

و اگر سپاس دارید بپسندد آن مر شما را و بار برنگیرد باربرگیرنده بار کسی دیگر

ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم تعملون انه

باز سوی خداوند شماست بازگشتن شما آگاهی دهد شما را بدانچه همی کردید که وی

عليم بذات الصدور ۝ واذا مس الانسان ضر دعا

داناست بدانچه اندر دلهاست و چون برسد بمردم سختی بخواند

ربه منيبا اليه ثم اذا خوله نعمة منه نسى ما كان

خداوند خویش را بازگردنده سوی او باز چون بدهد نیکویی از وی فراموش کند آنچه بود

خمس

[illegible]

[illegible]

يدعوا اليه من قبل وجعل لله اندادا ليضل عن
همی خواند سوی وی از پیش و بکند مر خدایرا همتایان تا گم شود از
سبيله قل تمتع بكفرك قليلا انك من اصحاب النار
راه وی بگو برخور بکافری خویش اندکی که تو بی از باشندگان آتش
امن هو قانت اناء الليل ساجدا وقائما يحذر الاخرة
هرگز آنکسی کو وی فرمانبردارست ساعتهای شب سجده کننده و ایستاده همی ترسد از آنجهان
ويرجوا رحمة ربه قل هل يستوي الذين يعلمون والذين
و امید دارد ببخشایش خداوند خویش بگو هرگز برابر باشند آنکسانکه بدانند و آنکسانکه
لا يعلمون انما يتذكر اولوا الالباب قل يا عباد الذين
ندانند بدرستی که پند پذیرند خداوندان خردها بگو ای بندگان من آنها که
امنوا اتقوا ربكم للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة
بگرویدند بترسید از خداوند خویش مر آنکسانکه نیکویی کردند اندرین جهان نیکویی است
وارض الله واسعة انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب
و زمین خدا فراخ است بدرستی که تمام بدهند شکیبایان را مزد ایشان بی شمار
قل اني امرت ان اعبد الله مخلصا له الدين وامرت لان
بگو مرا فرموده‌اند که بپرستم خدایرا یکتا کرده مر او را دین و فرموده‌اند مرا که
اكون اول المسلمين قل اني اخاف ان عصيت ربي
باشم از نخستین گردن نهندگان بگو که من همی بترسم اگر بیفرمانی کنم خداوند را
عذاب يوم عظيم قل الله اعبد مخلصا له ديني فاعبدوا
از عذاب روزی بزرگ بگو خدایرا بپرستم یکتا کرده مر او را دین خویش
ما شئتم من دونه قل ان الخاسرين الذين خسروا
آنچه خواهید از فرود وی بگو زیانکاران آنها که زیان کردند

عشر

از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده‌اند [illegible]
[illegible]
عضوها [illegible]

انفسهم

٢٠٠

حزب

انفسهم واهليهم يوم القيمة الا ذلك هو الخسران المبين
تنهای خویش را و کسان خویش را روز قیامت بدانید که این است زیان کاری پیدا
لهم من فوقهم ظلل من النار ومن تحتهم ظلل ذلك يخوف
مر ایشانرا باشد از زبر ایشان سایها از آتش و از زیر ایشان سایها این است که بترساند
الله به عباده يا عباد فاتقون والذين اجتنبوا الطاغوت
خدا بوی بندگان خویش را ای بندگان بترسید و آنکسانکه کناره کردند از بتان
ان يعبدوها وانابوا الى الله لهم البشرى فبشر عباد الذين يستمعون
که بپرستیدند آنرا و بازگشتند سوی خدا مر ایشانراست مژده مژده ده بندگان مرا آنکسانکه گوش دارند
القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هديهم الله واولئك
سخن را پس بروند نیکوترا ورا ایشانند آنکسانکه راه راست داد ایشانرا خدا و ایشانند
هم اولوا الالباب افمن حق عليه كلمة العذاب افانت
ایشان خداوندان خردها اند هر آنکسی که واجب گشت بر وی سخن عذاب یعنی وعده عذاب هرگز تو
تنقذ من في النار لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف
وا رهانی آنکسی که در آتش باشد لیکن آنکسانکه بترسیدند از خداوند خویش مر ایشانراست کوشکها از زبر آن کوشکها
مبنية تجري من تحتها الانهار وعد الله لا يخلف الله الميعاد
برآورده همی رود از زیر آن جویهای وان وعده خدا خلاف نکند خدا وعده را
الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الارض ثم
نه بینی که خدا فرو فرستاد از آسمان آبی را ندرآورد روان چشمها اندر زمین باز
يخرج به زرعا مختلفا الوانه ثم يهيج فتريه مصفرا ثم يجعله
برآرد بدان آب کشتی ناهموار گونهای وی باز خشک شود ببینی او را زرد گشته باز گرداند او را
حطاما ان في ذلك لذكرى لاولي الالباب افمن شرح الله
شکسته اندرین پندی است مر خداوندان خردها را ای پس آنکه گشاده کرد خدا

لهم
مرا ایشان راست

عشر

از حضرت [illegible]
روایت [illegible]
[illegible]
۱۲

صدره للاسلام فهو علی نور من ربه فویل للقاسیة قلوبهم من

دل او را مر مسلمانی را وی بر روشنایی باشد از پروردگار وای مر آنکه سخت گشته دلهای ایشان از

ذکر الله اولئک فی ضلال مبین الله نزل احسن الحدیث

یاد خدای ایشانند اندر گمراهی پیدا خدا فرو فرستاد نیکوترین سخن

کتابا متشابها مثانی تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم

یعنی قران کتابی مانند یکدیگر دوباره یعنی قصه‌ها وی برلرزد از وی پوستهای آنانکه ترسند از خداوندگار

ثم تلین جلودهم وقلوبهم الی ذکر الله ذلک هدی الله یهدی

باز نرم شود پوستهای ایشان و دلهای ایشان سوی یاد کرد خدا این است راه خدا راه نماید

به من یشاء ومن یضلل الله فما له من هاد افمن یتقی بوجهه

بوی آنرا که خواهد و هر که گمراه کند او را خدا نباشد مر او را هیچ راهنمایی پس آنکه پرهیزد

سوء العذاب یوم القیمة وقیل للظالمین ذوقوا ما کنتم

سختی عذاب روز رستخیز و گویند مر ستمکاران را بچشید آنچه که بودید

تکسبون کذب الذین من قبلهم فاتیهم العذاب من حیث

کردید دروغ داشتند آنکه از پیش ایشان بودند بیامد بایشان عذاب از آنجا

لا یشعرون فاذاقهم الله الخزی فی الحیوة الدنیا ولعذاب

که آگاهی نداریند بچشانیدشان خدا سختی عذاب اندر زندگانی این جهان و عذاب

الاخرة اکبر لو کانوا یعلمون ولقد ضربنا للناس فی

آن جهان بزرگ تر اگر چنان بودی که بدانستندی و ما بزدیم مر مردمان را در

هذا القران من کل مثل لعلهم یتذکرون قرانا عربیا

این قرآن از هر داستانی تا مگر ایشان پند گیرند

غیر ذی عوج لعلهم یتذکرون قرانا عربیا غیر ذی عوج

بی تازی با هیچ کژی

لعلهم

خمس

لعلهم یتقون ضرب الله مثلا رجلا فیه شرکاء متشاکسون

تا مگر ایشان بپرهیزند بزد خدا مثلی مردی یعنی بنده اندروی انبازان که با یکدیگر

ورجلا سلما لرجل هل یستویان مثلا الحمد لله بل اکثرهم

و مردی یعنی بنده خالص مر مردی را هرگز برابر باشند باشند سپاس مر خدایرا که بیشتر ایشان

لا یعلمون انک میت وانهم میتون ثم انکم یوم القیمة

می ندانند تو مرده یعنی بخواهی مردن بخواهند مردن باز شما روز رستخیز

عند ربکم تختصمون فمن اظلم ممن کذب علی الله و

نزد خداوند شما بیکار کنید کیست ستمکارتر از آنکسی که دروغ گوید بر خدا و

کذب بالصدق اذ جاءه الیس فی جهنم مثوی للکافرین

دروغ داشت براستی یعنی قران چون بیامد بوی ای نیست اندر دوزخ جای بودن مر ناگرویدگان را

والذی جاء بالصدق وصدق به اولئک هم المتقون لهم ما

و آنکه بیاورد راستی و استوار داشت بوی ایشانند که ایشان پرهیزکارانند مر ایشانراست آنچه

یشاؤن عند ربهم ذلک جزاء المحسنین لیکفر الله

خواهند نزد خداوند ایشان اینست پاداش نیکوکاران تا فرا پوشد خدا

عنهم اسوء الذی عملوا ویجزیهم اجرهم باحسن الذی

از ایشان زشت‌ترین آنچه کردند و پاداش دهد ایشانرا مزد ایشان به نیکوترین آنچه

کانوا یعملون الیس الله بکاف عبده ویخوفونک

می کردند نه هست خدا بسنده بنده خویش و بیم کنند ترا

بالذین من دونه ومن یضلل الله فما له من مضل ومن یهد الله فما له من مضل

بآنها که بجز وی اند و هر که گمراه کرداند خدا نباشد مر او را هیچ گمراه کننده

الیس الله بعزیز ذی انتقام ولئن سالتهم من خلق

نه هست خدا سخت کینه گذار و اگر بپرسی ایشانرا که آفرید

وصدق

عشر

خمس

السموات والارض ليقولن الله قل افرايتم ما تدعون

آسمانها و زمین گویند خدا آفرید بگو پس چه بینید آنچه همی خوانید

من دون الله ان ارادني الله بضر هل هن كاشفات ضره

بجز از وی خدا اگر خواهد بمن خدا سختی هیچ ایشان نتوانند گشادن سختی ویرا

او ارادني برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله عليه

یا اگر خواهد بمن بخشایشی هیچ ایشان نتوانند باز داشتن رحمت او را بگو بسنده هست مرا خدا برو

يتوكل المتوكلون قل يا قوم اعملوا على مكانتكم اني

دل نهند دل نهندگان بگوای گروه من کار کنید بر جایگاهها خویش که من

عامل فسوف تعلمون من ياتيه عذاب يخزيه ويحل

کار همی کنم و زود باشد که بدانید کیست که بیاید بوی عذاب رسوا کند اندرش و فرود آید

عليه عذاب مقيم انا انزلنا عليك الكتاب للناس

بروی عذاب پاینده ما فرو فرستادیم بر تو قرآن یعنی نامه مر مردمان را

بالحق فمن اهتدى فلنفسه ومن ضل فانما يضل

براستی هر که راه راست گیرد مر تن خویش را گیرد و هر که گم گردد گم بر تن خویش گردد

عليها وما انت عليهم بوكيل الله يتوفى الانفس

بر وبال خود و نیستی تو بر ایشان نگهبان خدا بمیراند تنها را

حين موتها والتي لم تمت في منامها فيمسك التي قضى عليها

گاه مرگ ایشان و آنکه نمرده اندر خواب خویش باز دارد آنرا که براند بروی

الموت ويرسل الاخرى الى اجل مسمى ان في ذلك لايات

مرگ و برانگیزد آن دیگر را سوی زمانه نام برده اندرین نشانهاست

لقوم يتفكرون ام اتخذوا من دون الله شفعاء قل اولو

مر گروهی را که اندیشه کنند یا بگرفتند بجز خدا خواهش گران یعنی بتان بگو

عشر

کانوا

[illegible]

۲۰۷

خمس

كانوا لا يملكون شيئا ولا يعقلون قل لله الشفاعة

هستند که پادشاهی ندارند چیزی و اندر نیابند بگو خدای راست خواهش

جميعا له ملك السموات والارض ثم اليه ترجعون

همه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین باز سوی وی باز گردانند شما را

واذا ذكر الله وحده اشمازت قلوب الذين لا يؤمنون

و چون یاد کنند خدای را یگانه و تنگ شود و برمد دلهای آنکه نگرویدند

بالاخرة واذا ذكر الذين من دونه اذا هم يستبشرون قل

بدان جهان و چون یاد کنند آنکسان را که بجز وی اند همانگاه ایشان شادی همی کنند بگو

اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة

یا خدا آفریدگار آسمانها و زمین داناء ناپیدا و پیدا

انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون ولو

تو حکم کنی میان بندگان خویش اندر آنچه بودند اندر وی ناهمواری کنند و اگر

ان للذين ظلموا ما في الارض جميعا ومثله معه لافتدوا

باشد مر آنکسان را که ستم کردند آنچه اندر زمین همه و هم چندان با وی خویشتن باز خرندی

به من سوء العذاب يوم القيمة وبدا لهم من الله ما لم

بوی از سختی عذاب روز رستاخیز و پدید آید مر ایشان را از خدا آنچه

يكونوا يحتسبون وبدا لهم سيات ما كسبوا وحاق بهم

نبودند همی پنداشتند و پدید آید مر ایشان را بدیها آنچه آوردند و فرود آید بایشان

ما كانوا به يستهزءون فاذا مس الانسان ضر دعانا

آنچه بودند بوی افسوس کردند و چون برسد بمردم سختی بخوانند ما را

ثم اذا خولناه نعمة منا قال انما اوتيته على علم بل هي

باز چون بدهیمش نیکویی از ما گوید بداده بودندم آن بر دانشی که آن

عشر

فتنة ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ قد قالها الذين من
آزمایشی بود ولیکن بیشتر ایشان همی ندانند کفتند آنکسانکه از
قبلهم فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝ فاصابهم سيات
پیش ایشان بودند باز نداشت از ایشان آنچه همی کردند برسید بدیشان بدیها
ما كسبوا والذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيات ما
آنچه همی کردند و آنکسانکه ستم کردند از اینها زود رسد بایشان بدیها آنچه
كسبوا وما هم بمعجزين ۝ اولم يعلموا ان الله يبسط الرزق لمن
کردند و نتوانند ایشان کریختن یا همی ندانند که خدا فراخ کند روزی آن را
يشاء ويقدر ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ۝ قل يا
که خواهد و تنگ کند اندر این نشانهاست گروهی که بگروند بگوای
عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
بندگان من آنکسانکه از حد اندر گذشتند بر تنهاء خویش نا امید مگردید از بخشایش خدا
ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم ۝
که خدا بیامرزد گناهان همه که ویست آمرزنده و بخشاینده
وانيبوا الى ربكم واسلموا له من قبل ان ياتيكم العذاب
و باز گردید سوی خداوند خویش و گردن نهید مر او را از پیش آنکه بیاید بشما عذاب
ثم لا تنصرون ۝ واتبعوا احسن ما انزل اليكم من ربكم
باز شما را یاری نکنند و بدم روید نیکوترین آنچه فرو فرستاده اند سوی شما از خداوند
من قبل ان ياتيكم العذاب بغتة وانتم لا تشعرون ۝
از پیش آنکه بیاید بشما عذاب ناگاه و شما آگاهی ندارید
ان تقول نفس يا حسرتى على ما فرطت في جنب الله وان
بگوید تنی پشیمانا بر آنچه کردم اندر طاعة خدا و اگر

حزب

ان تقول نفس [illegible]

کنت

كنت لمن الساخرين ۝ او تقول لو ان الله هداني لكنت
بودم از فسوس کنندگان یا بگوید اگر چنان بودی خدا راه نمودی مرا بودمی
من المتقين ۝ او تقول حين ترى العذاب لو ان لي كرة
از پرهیزکاران یا گوید آنگاهی که بیند عذاب اگر بودی مرا بازگشتن
فاكون من المحسنين ۝ بلى قد جاءتك اياتي فكذبت بها و
بودمی از نیکوکاران آری آمد بتو نشانهاء ما دروغ داشتی او را و
استكبرت وكنت من الكافرين ۝ ويوم القيمة ترى
بزرگ منشی کردی و بودی از ناگرویدگان و روز رستخیز بینی
الذين كذبوا على الله وجوههم مسودة اليس في جهنم
آنکسانرا که دروغ نهادند بر خدا رویهای ایشان سیاه گشته و نیست اندر دوزخ
مثوى للمتكبرين ۝ وينجي الله الذين اتقوا بمفازتهم لا يمسهم
جای بودن مر گردن کشانرا و برهاند خدا آنکسانرا که پرهیز کردند بجهای نیک ایشان نرسد بایشان
السوء ولا هم يحزنون ۝ الله خالق كل شيء وهو على
بدی و نه ایشان را اندوه باید خوردن خدا آفریدگار همه چیزیست و وی بر
كل شيء وكيل ۝ له مقاليد السموات والارض والذين
همه چیزی نگهبانست مر او راست کلیدهاء آسمانها و زمین و آنکسانکه
كفروا بايات الله اولئك هم الخاسرون ۝ قل افغير الله
کافر شدند بآیتهاء خدا ایشانند که ایشان زیان کارانند بگوای پس بجز خدای
تامروني اعبد ايها الجاهلون ۝ ولقد اوحي اليك و
را بیند مرا که پرستم ای نادانان و وحی فرو فرستاده اند سوی تو و
الى الذين من قبلك لئن اشركت ليحبطن عملك ولتكونن
سوی آنکسانکه از پس تو بودند اگر انباز گیری نیست شود کار تو و بباشی

عشر

در تفسیر عیاشی [illegible] از حضرت ابا عبد الله علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

خمس

مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ وَمَا

از زیان کاران نه خدای پرست و باش از سپاسداران و

قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

بزرگ نداشتند خدای را سزا بزرگ داشتن وی و زمین همه اندر حکم و ملک وی باشد روز قیامت

وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝

و آسمانها اندر نوشته کرده و بسو کند وی پاکست وی و برترست از آنچه انباز گیرند

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ

و اندر دمیده شود اندر صور بمیرد هرکه اندر آسمانها اند و هرکه اندر زمین اند

إِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرٰى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ۝

مگر آنرا که خواهد خدای باز دمیده شود اندر وی دیگر بار همانگاه ایشان استاده باشند همی نگرند

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ

و روشن کرده زمین بروشنایی خداوندش و نهاده شود نامه و بیارند پیغمبران را

وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَوُفِّيَتْ

و گواهان را و حکم رانده شود میان ایشان براستی و ایشان ستم نکنند و تمام بدهند

كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَسِيقَ الَّذِينَ

هر تنی را آنچه کرد و وی داناترست بدانچه کنند و بحرانند بخواری آنکه را

كَفَرُوا إِلٰى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتّٰى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ

کافر شدند سوی دوزخ گروه گروه تا چون بیایند بدوزخ گشاده شود درهای آن و گویند مر ایشانرا

خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ

نگاهبانان دوزخ نیامد بشما پیغمبران هم از شما همی خواندند بر شما حجتهای

رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوا بَلٰى وَلٰكِنْ حَقَّتْ

خداوند شما و بیم همی کردند شما را از رسیدن روز شما این روز گویند آری و لیکن واجب گشت

كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ

سخن عذاب یعنی وعده عذاب ناگرویدگان گویند ایشانرا اندر شوید بدرهای دوزخ

خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۝ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا

جاودان باشید اندر آنجا بد جای بودن است مر گردنکشانرا و برند آنکسانرا که بترسیدند

رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتّٰى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ

از خداوند خویش سوی بهشت گروه گروه تا چون بیایند بهشت و گشاده شود درهای آن و گویند

لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ۝

مر ایشانرا نگهبانان بهشت درود باد بر شما خوش بودید اندر شوید اندر آنجا جاودان باشید

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ

و گویند سپاس مر خدای را آنکه راست کرد ما را وعده خویش و میراث داد ما را زمین بهشت جای گیریم

مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ وَتَرَى الْمَلٰئِكَةَ

از بهشت هرکجا خواهیم نیک مزدیست کار کنندگانرا و ببینی فرشتگانرا

حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

درگرفته از گرداگرد عرش تسبیح همی کنند بستایش خداوند خویش و حکم رانده شود میان ایشان

بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

براستی و گویند سپاس مر خدای را پروردگار همه خلق

سورة المؤمن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای که هرچه بکند بداند مهربان که جفای همه عمر بیک عذر بپذیرد بخشاینده که چون بنده عذر خواهد بر حق

حٰمٓ ۝ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ غَافِرِ الذَّنْبِ وَ

فرو فرستادن این نامه است از خدای عزیز دانا آمرزنده گناه و

قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ۝ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

پذیرنده توبه سخت عقوبت است خداوند فضل و منت خدای نکردی

۸ یعنی انانکه گواه بودند بر تبلیغ رسالت پیغمبران با شما رخود بقولی مراد از شهدا در این آیه شهیدان در راه خدا اند

کلمة

عشر

حزب

۲۰۷

[illegible]

الیه المصیر ○ ما یجادل فی آیات الله الا الذین کفروا فلا
سوی ویست بازگشتن پیکار نکنند اندر آیتهای خدا مگر آنکه کافر گشتند
یغررک تقلبهم فی البلاد ○ کذبت قبلهم قوم نوح والاحزاب
مفریباد ترا گشتن ایشان اندر شهرها دروغ داشتند پیش از ایشان گروه نوح [illegible]
من بعدهم وهمت کل امة برسولهم لیاخذوه وجادلوا
از پس ایشان و آهنگ کردند هر گروهی پیغمبر خویش را تا بگیرندش و پیکار کردند
بالباطل لیدحضوا به الحق فاخذتهم فکیف کان عقاب
بناشایست تا تباه کنند بوی بدان پیکاری حق را بگرفتیشان چگونه عقوبة من
وکذلک حقت کلمة ربک علی الذین کفروا انهم
و همچنین واجب گشت سخن خداوند تو بر آنکه کافر گشتند که ایشان
اصحاب النار ○ الذین یحملون العرش ومن حوله یسبحون
باشندگان آتش گردند آنکه بر دارند عرش را و آنکس که گرد وی‌اند تسبیح کنند
بحمد ربهم ویؤمنون به ویستغفرون للذین آمنوا ربنا
بستایش خداوند خویش را و بگروند بوی و آمرزش خواهند مر آنکه را که بگرویدند
وسعت کل شیء رحمة وعلما فاغفر للذین تابوا
فراخ گردانیدی همه چیزی بخشایش و دانش بیامرز مر آنکه را که توبه کردند
واتبعوا سبیلک وقهم عذاب الجحیم ○ ربنا وادخلهم جنات
و بدم رفتند راه ترا و نگهدار ایشان از عذاب دوزخ ای خداوند ما و اندر آرشان
عدن التی وعدتهم ومن صلح من آبائهم وازواجهم و
در بهشتی آنکه وعده کردی ایشان را و آنکه خوب بود و شایسته از پدران ایشان و زنان ایشان و
ذریاتهم انک انت العزیز الحکیم ○ وقهم السیئات ومن
فرزندان ایشان که تویی که تو عزیز و صوابکار و نگهدار ایشان از بدیها و هر که

وقی السیئات

۲۰۵

قی السیئات یومئذ فقد رحمته وذلک هو الفوز العظیم ○
داری از بدیها آن روز بخشیده باشی مر او را و آنست که وی رستگاری بزرگست
ن الذین کفروا ینادون لمقت الله اکبر من مقتکم
نگرویدند آواز دهند ایشان را که دشمنی خدای بزرگترست از دشمنی شما
نفسکم اذ تدعون الی الایمان فتکفرون ○ قالوا ربنا
تنها خویش را چون خوانند شما را سوی گرویدن همی نگروید . گویند یا خداوند ما
نا اثنتین واحییتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا فهل
نیدی ما را دو بار و زنده گردانیدی ما را دو بار مقر آمدیم بگناهان خویش هیچ
خروج من سبیل ○ ذلکم بانه اذا دعی الله وحده کفرتم
بیرون رفتن از راه هست گویند ایشان بدان است که چون همی خواندی خدای را یگانه کافر گشتید
ن یشرک به تؤمنوا فالحکم لله العلی الکبیر ○ هو الذی
انباز گرفته بوی بگروید پس حکم خدای راست برترین بزرگترین وی است آنکسی که
کم آیاته وینزل لکم من السماء رزقا وما
شمارا آیتها خویش و فرو فرستد مر شمارا از آسمان روزی و
کر الا من ینیب ○ فادعوا الله مخلصین له الدین
نگیرد مگر آنکسی که بازگردد بخوانید خدایرا یکتا کرده مر او را دین مسلمانی
کره الکافرون ○ رفیع الدرجات ذو العرش
ر بود دشوار دارند ناگرویدگان . بردارنده پایگاهها خداوند عرش
الروح من امره علی من یشاء من عباده لینذر یوم
فرستد جبرئیل را از فرمان وی بر آنکه خواهد از بندگان وی تا بیم کند آن روز
تلاق ○ یوم هم بارزون لا یخفی علی الله منهم شیء لمن
روزی که ایشان بیرون آیند پوشیده نشود بر خدا از ایشان چیزی مر کرا

عشر

بقوله امتنا اثنتین [illegible]
[illegible]
نطفه بودن [illegible]
صاحب روح بودن [illegible]
قیامت وبقوله [illegible]
[illegible]
ووقوع سؤال [illegible]
عقاب [illegible]
[illegible]
تفسیر که گفتیم وبعضی از مفسرین هم گفته اند [illegible]
خروج بدنیا والله تعالی اعلم

خمس

خمس

الملك اليوم لله الواحد القهار ۝ اليوم تجزى كل نفس بما
پادشاهی امروز مر خدایرا یکی فروشکننده دشمنان امروز پاداش دهند هر تنی را
كسبت لا ظلم اليوم ان الله سريع الحساب ۝ وانذرهم
کرده است ستم نیست امروز که خدا زود شمار است و بترسان ایشانرا
يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين
از روز قیامت چون دلها نزدیک گلوها باشد از خشم فرو خوردگان باشند و نیست
من حميم ولا شفيع يطاع ۝ يعلم خائنة الاعين وما تخفي
هیچ خویشی مهربانی و نه خواهش گری که او را فرمان کنند بداند که خیانت چشمها
الصدور ۝ والله يقضي بالحق والذين يدعون من دونه
دلها و خدا حکم کند براستی و آنکسانکه همی خوانند بجز وی
لا يقضون بشيء ان الله هو السميع البصير ۝ اولم يسيروا
حکم نکنند بچیزی که خدایست وی شنوا است بینا آیا نرفتند
في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين كانوا من قبلهم
اندر زمین تا ببینند چگونه بود سرانجام آنکسانکه بودند از پیش
كانوا هم اشد منهم قوة وآثارا في الارض فاخذهم الله بذنوبهم
بودند ایشان سخت تر از ایشان بنیرو و نشانها اندر زمین و بگرفت ایشانرا خدا بگناهان
وما كان لهم من الله من واق ۝ ذلك بانهم كانت تاتيهم
و نبود مر ایشانرا از خدا هیچ نگهدارنده این بدان بود که همی آمد بایشان
رسلهم بالبينات فكفروا فاخذهم الله انه قوي شديد العقاب
پیغمبران با نشانها ناگرویدند بگرفت ایشانرا خدا که وی نیرومند سخت عقوبت
ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين ۝ الى فرعون
و ما فرستادیم موسی را با حجتها و حجتی پیدا سوی فرعون

وهامان

عشر

وهامان وقارون فقالوا ساحر كذاب ۝ فلما جاءهم بالحق
و هامان و قارون گفتند جادویست دروغ زن چون بیاورد بایشان براستی
من عندنا قالوا اقتلوا ابناء الذين آمنوا معه واستحيوا نساءهم
از نزد ما گفتند بکشید پسران آنکسانکه بگرویدند با وی و زنده بگذارید زنانشان
وما كيد الكافرين الا في ضلال ۝ وقال فرعون ذروني اقتل
و نیست سازش کافران مگر اندر گمراهی و گفت فرعون دست باز دارید تا بکشم
موسى وليدع ربه اني اخاف ان يبدل دينكم او ان يظهر
موسی را و تا بخواند خداوند خویشرا که من همی ترسم که بگرداند کیش شما را یا آشکارا کند
في الارض الفساد ۝ وقال موسى اني عذت بربي وربكم من
اندر زمین تباه کاری را و گفت موسی من باز داشت خواهم بخداوند خود و خداوند شما از
كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب ۝ وقال رجل مؤمن من آل فرعون
هر گردنکشی که نگرود بروز شمار و گفت مرد گرویده از مردمان فرعون
يكتم ايمانه اتقتلون رجلا ان يقول ربي الله وقد جاءكم
که پنهان داشت ایمان خویش را آیا همی کشید مردیرا که گوید خداوند من خدایست و آورد بشما
بالبينات من ربكم وان يك كاذبا فعليه كذبه وان يك
نشانها از خداوند شما و اگر باشد دروغ زن بر وی باشد دروغ وی و اگر باشد
صادقا يصبكم بعض الذي يعدكم ان الله لا يهدي من
راستگو برسد شمارا بهره از آنکه وعده همی دهد شمارا که خدا راه ننماید آنکسی را
هو مسرف كذاب ۝ يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الارض
که وی باشد تباه کار دروغ زن ای گروه من مر شماراست پادشاهی امروز غلبه کنندگان اندر زمین
فمن ينصرنا من باس الله ان جاءنا قال فرعون ما اريكم
پس که یاری دهد ما را از عذاب خدا اگر بیاید بما گفت فرعون همی ننمایم شما را

خمس

[illegible]

عشر

إلا ما أرى وما أهديكم إلا سبيل الرشاد ۝ وقال الذي
مگر آنچه می‌بینم و راه ننمایم شما را مگر راه راست و گفت آنکه
آمن يا قوم إني أخاف عليكم مثل يوم الأحزاب ۝ مثل
گرویده بود ای گروه من من همی ترسم بر شما چون روز مردمان گذشته همچنان
دأب قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد
عادت گروه نوح و گروه عاد و گروه ثمود و آنها که از پس ایشان بودند [illegible]
ظلما للعباد ۝ ويا قوم إني أخاف عليكم يوم التناد ۝ يوم
ستم مر بندگان را و ای گروه من من همی ترسم بر شما روز خواندن یکدیگر را آن روز
تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل الله
که برگردید روی برگردانیدگان نباشد مر شما را از خدا هیچ نگاه دارنده و هر که را گم گرداند خدا
فما له من هاد ۝ ولقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات
نباشد او را هیچ راه نماینده و بحقیقه آمد بشما یوسف از پیش با نشانهای درست
فما زلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن يبعث الله
همیشه بودید اندر گمانی از آنچه آورد بشما بوی تا چون بمرد گفتید هرگز نفرستد خدا
من بعده رسولا كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب
از پس وی پیغمبری همچنین گم گرداند خدا کسی را که وی تباه کار باشد بگمان
الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان أتاهم كبر مقتا
آنها که همی پیکار کنند اندر آیتهاء خدا بی حجتی که بیاید بایشان بزرگ [illegible]
عند الله وعند الذين آمنوا كذلك يطبع الله على كل
نزد خدا و نزد آنها که بگرویدند همچنان مهر نهد خدا بر هر
قلب متكبر جبار ۝ وقال فرعون يا هامان ابن لي صرحا
دلی بزرگ منشی گردن کشی و گفت فرعون ای هامان برآر مرا کوشکی

یوم التناد در اصل یوم التنادی بوده
یا افتاده و اکتفا بکسره دال شده
و آن روز قیامت است که همه کس خوانده
شود بنام امام و پیشوا [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

خمس

لعلي ابلغ

لعلي أبلغ الأسباب ۝ أسباب السماوات فأطلع إلى إله
تا بو که من برسم بدرها راهها درهای آسمانها پس بنگرم بسوی خدای
موسى وإني لأظنه كاذبا وكذلك زين لفرعون سوء
موسی و بدرستی که من گمان میبرم موسی را دروغگو و همچنین آرایش داده شد برای فرعون بد
عمله وصد عن السبيل وما كيد فرعون إلا في تباب ۝ و
کردار او و باز داشته شد از راه راست و نبود مکر فرعون مگر در تباهی و
قال الذي آمن يا قوم اتبعون أهدكم سبيل الرشاد ۝ يا قوم
گفت آنکه گرویده بود ای قوم پیروی کنید مرا تا بنمایم شما را راه راست ای گروه من
إنما هذه الحياة الدنيا متاع وإن الآخرة هي دار القرار ۝ من
جز این نیست که این زندگانی دنیا برخورداریست و بدرستی که سرای دیگر اوست سرای آرام هر که
عمل سيئة فلا يجزى إلا مثلها ومن عمل صالحا من ذكر أو أنثى
کند عمل بدی پس جزا داده نشود مگر مانند آن و هر که بکند عمل نیکو از مرد و زن
وهو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب ۝
و او گرویده باشد پس آن گروه در می آیند در بهشت روزی داده شوند در آن بی شمار
ويا قوم ما لي أدعوكم إلى النجاة وتدعونني إلى النار ۝ تدعونني
و ای گروه من چیست مرا میخوانم شما را بسوی [illegible] و شما میخوانید مرا بسوی آتش دوزخ میخوانید مرا
لأكفر بالله وأشرك به ما ليس لي به علم وأنا أدعوكم إلى
تا کافر شوم بخدای و شریک گردانم بوی آنچه نیست مرا بدان دانشی و حال آنکه من میخوانم شما را بخدای
العزيز الغفار ۝ لا جرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة
غالب آمرزگار هر آینه آنچه میخوانید مرا بسوی او نیست او را دعوتی
في الدنيا ولا في الآخرة وأن مردنا إلى الله وأن
اندر این سرا و نه در آن سرای و بدرستی که بازگشت ما همه بسوی خداست و بدرستی که

نصف
عشر

المسرفين هم اصحاب النار ۝ فستذكرون ما
گزاف کاران ایشانند ملازمان آتش بس زود بود یاد خواهید کرد آنچه
اقول لكم وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد ۝
میگفتم شمارا و باز میگذارم کار خود را بخدای بتحقیق خدای بینا است بامور بندگان
فوقيه الله سيئات ما مكروا وحاق بال فرعون سوء العذاب
پس نگاه داشت اورا خدا از بدیها آنچه اندیشیدند و فرو گرفت بگروه کسان فرعون بدی عذاب که
النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة
و آتش که عرض کرده میشوند بر آن بامداد و شبانگاه و روزی که قایم شود قیامت
ادخلوا ال فرعون اشد العذاب ۝ واذ يتحاجون في
در آیند کسان فرعون در سخت ترین عذابی و چون بیکار و مخاصمه کنند در
النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا انا كنا لكم تبعا
آتش پس گویند بیچارگان مر آنها را که سرکش بودند بدرستی که بودیم مر شما را
فهل انتم مغنون عنا نصيبا من النار ۝ قال الذين
پس آیا هستید شما دفع کنندگان از ما بهره از آتش دوزخ گویند آنانکه
استكبروا انا كل فيها ان الله قد حكم بين العباد ۝
سرکشان بودند بدرستی که همیشه در دوزخیم بدرستی که خدا حکم کرد میان بندگان
وقال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف
و گویند آنانکه در آتش مر خازنان دوزخ را بخوانید پروردگار خود را که بردارد
عنا يوما من العذاب ۝ قالوا اولم تك تاتيكم رسلكم
از ما بمقدار روزی از روزهای عذاب گویند خزنه که آیا نبود که آمدند شما را پیغمبران
بالبينات قالوا بلى قالوا فادعوا وما دعؤا الكافرين
بحجتهای هویدا گویند آری گویند که پس شما بخوانید و نیست دعا کردن کافران

الا في

حزب

النار مبتدا يعرضون عليها خبره [illegible] سوء العذاب [illegible]

٢٠٨

عشر

حزب

الا في ضلال ۝ انا لننصر رسلنا والذين امنوا في الحيوة
مگر اندر گمراهی ما یاری دهیم پیغمبران را و آنانکه گرویدند اندر زندگانی
الدنيا ويوم يقوم الاشهاد ۝ يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم
این جهان و روزی که برخیزند همه گواهان آن روز که سود نکند ستمکاران را عذرخواستن ایشان
ولهم اللعنة ولهم سوء الدار ۝ ولقد اتينا موسى الهدى
و مر ایشان را باشد دوری از رحمت و مر ایشان را بدی سرای و ما بدادیم موسی را راه راست
واورثنا بني اسرائيل الكتاب هدى وذكرى لاولي
و میراث دادیم پسران یعقوب را نامه یعنی کتاب راه نماینده و پندی مر خداوند
الالباب ۝ فاصبر ان وعد الله حق واستغفر لذنبك
خردها را پس شکیبائی کن که وعده خدا راست است و آمرزش خواه مر گناه خویش
وسبح بحمد ربك بالعشي والابكار ۝ ان الذين يجادلون
و تسبیح کن بستایش خداوند خویش شبانگاه و بامدادان که آنها که همی پیکار کنند
في ايات الله بغير سلطان اتيهم ان في صدورهم
اندر آیتهای خدای بی حجتی که آمد بایشان نیست اندر دلهای ایشان
الا كبر ما هم ببالغيه فاستعذ بالله انه هو السميع
مگر بزرگ منشی نیستند ایشان که برسند بدان پس زینهار خواه بخدا که وی است شنوا و
البصير ۝ لخلق السموات والارض اكبر من خلق الناس
بینا آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر از آفریدن مردمان
ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ وما يستوي الاعمى
ولیکن بیشترین مردمان ندانند و برابر نباشد نابینا
والبصير والذين امنوا وعملوا الصالحات ولا المسيء
و بینا و آنانکه بگرویدند و بکردند نیکیها و نه بدکرداری

قليلا ما تتذكرون ۝ ان الساعة لآتية لا ريب فيها

اندکیست انچه پند پذیرند رستخیز آمدنیست نیست اندر وی

ولكن اكثر الناس لا يؤمنون ۝ وقال ربكم ادعوني

ولیکن بیشتر مردمان هی نگروند وگفت خداوند شما بخوانید

استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون

تا پاسخ کنم مر شما را آنکسانرا که بزرگ منشی کردند از پرستیدن من زود اندر آیند

جهنم داخرين ۝ الله الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا ان

بدوزخ خواران خدا آنست که بکرد مر شما را شب تا بیارامید اندر و روز دیدار

الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون

که خدا خداوند افزونیست بر مردمان ولیکن بیشترین مردمان سپاسدار

ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فاني تؤفكون

اینست خدا پروردگار شما آفریدگار هر چیزی نیست خدا مگر وی از کجا بازگردانند

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيات الله يجحدون ۝ الله

همچنین بازگردند آنکسان که بودند بآیتهای خدا منکر گشته خدا

الذي جعل لكم الارض قرارا والسماء بناء وصوركم

آنست که بکرد مر شما را زمین آرامگاه و آسمان برکشیده و بنگاشت شما را

فاحسن صوركم ورزقكم من الطيبات ذلكم الله ربكم

نیکوترین نگاشتن شما و روزی کرد شما را از خورشها آن شما را خدایست پروردگار

فتبارك الله رب العالمين ۝ هو الحي لا اله الا هو فادعوه

با افزونیست خدا پروردگار همه خلق ویست زنده نیست خدا مگر وی بخوانید

مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين ۝ قل اني

یکتا کرده مر او را مسلمانی سپاس مر خدا را پروردگار همه خلق بگو مرا

عشر

خمس

معنی [illegible] صادق [illegible]

[illegible]

از کسی که تکبر کند از عبادت او و سؤال نکند از وی چیز را که نزد او است

نهیت

نهيت ان اعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءني

باز داشته اند که بپرستم آنکسانرا که بخوانند بجز خدا چون بیامدین

البينات من ربي وامرت ان اسلم لرب العالمين ۝ هو

درستیها از خداوند و فرموده اند مرا که گردن نهم مر خداوند همه خلق را ویست

الذي خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة

انکه بیافرید شما را از خاک باز از آب اندک باز از خون بسته

ثم يخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم ثم لتكونوا شيوخا

باز بیرون آرد شما را کوچک باز برسند بسخت ترین نیروی شما باز تا باشید پیران

ومنكم من يتوفى من قبل ولتبلغوا اجلا مسمى ولعلكم

و از شما کسی هست که بمیرد از پیش و تا برسید بزمانه نام کرده شده و تا مگر شما

تعقلون ۝ هو الذي يحيي ويميت فاذا قضى امرا فانما يقول

اندر یابید ویست آنکه زنده گرداند و بمیراند و چون براند بگذارد کاری گوید

له كن فيكون ۝ الم تر الى الذين يجادلون في آيات الله

مر او را باش بباشد نگاه نکنی یا محمد سوی آنکه همی پیکار کنند اندر آیتهای خدا

انى يصرفون ۝ الذين كذبوا بالكتاب وبما ارسلنا

از کجاشان هی بازگردانند آنکسانکه بدروغ داشتند نامه را و بدانچه فرستادیم

به رسلنا فسوف يعلمون ۝ اذ الاغلال في اعناقهم

بوی پیغمبران ما زود باشد که بدانند چون غلها باشد اندر گردن ایشان

والسلاسل يسحبون في الحميم ثم في النار يسجرون ۝ ثم

و زنجیرها بروی کشندشان اندر آب سوزناک باز اندر آتش بترسانندشان باز

قيل لهم اينما كنتم تشركون ۝ من دون الله قالوا ضلوا

گویند ایشانرا کجاست آنکه شما انباز گرفتید از فرود خدا گویند گم شدند

عشر

لفظ طفلا مفرد و جمع [illegible]

الاستحباب

[illegible] الطفل الذين لم يظهروا [illegible]

خمس

عنا بل لم نكن ندعوا من قبل شيئا كذلك يضل الله

از ما بلکه ما همی نخواندیم از پیش چیزی همچنین گم کرداند خدا

الكافرين ذلكم بما كنتم تفرحون في الارض بغير الحق

کافران را این شما بدان است که بودید شادی همی کردید اندر زمین بناحقی

وبما كنتم تمرحون ادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها

و بدانچه بودید همی کردید اندر شوید بدرهای دوزخ جاودان اندر آنجا

فبئس مثوى المتكبرين فاصبر ان وعد الله حق فاما نرينك

بد جای بودن است بزرگ منشی کنندگان را و شکیبایی کن که وعده خدا راست است یا بنماییم

بعض الذي نعدهم او نتوفينك فالينا يرجعون ولقد

بهره از آنچه وعده کنیم ایشان را یا بمیرانیمت سوی ما باز گردانیده شان و بحقیقه

ارسلنا رسلا من قبلك منهم من قصصنا عليك ومنهم

فرستادیم پیغمبران از پیش تو و از ایشان کسی است که پدید کردیم بر تو و از ایشان

من لم نقصص عليك وما كان لرسول ان ياتي باية

کسی است که پدید نکردیم بر تو و نبود پیغامبری که بیاوردی نشانی حجتی

الا باذن الله فاذا جاء امر الله قضي بالحق وخسر هنالك

مگر بفرمان خدا پس چون بیاید فرمان خدا گذارده شود براستی و زیان کار شوند آنگاه

المبطلون الله الذي جعل لكم الانعام لتركبوا منها

باطل کاران خدا آن است که کرد مر شما را چارپایان تا برنشینید از وی

ومنها تاكلون ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها

و از وی بخورید و مر شما را اندر وی منفعتهاست و تا برسید بر وی

حاجة في صدوركم وعليها وعلى الفلك تحملون ويريكم

بآرزوی که اندر دلهای شما باشد و بر وی و بر کشتیها بردارند شما را و بنماید

عشر

الآية

٢١٠

آياته فاي آيات الله تنكرون افلم يسيروا في الارض

حجتها خویش کدام حجتها خدای را منکر همی شوید باز نرفتند اندر زمین

فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا اكثر

تا بنگرستندی چگونه بود سرانجام آنها که از پیش ایشان بودند بیشتر

منهم واشد قوة وآثارا في الارض فما اغنى عنهم ما كانوا

از ایشان و سخت تر به نیرو و نشانها اندر زمین پس سود نداشت از ایشان آنچه بودند

يكسبون فلما جاءتهم رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم

همی کردند چون بیامد بایشان پیغمبران ایشان با درستیها شاد گشتند بدانچه نزدیک ایشان

من العلم وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون فلما رأوا

از دانش و فرود آمد بایشان آنچه بودند بوی افسوس کردندی چون بدیدند

باسنا قالوا آمنا بالله وحده وكفرنا بما كنا به مشركين

عذاب ما را گفتند گرویدیم بخدا یگانه بوی و کافر گشتیم بدانچه بودیم بوی انباز گیرندگان

فلم يك ينفعهم ايمانهم لما رأوا باسنا سنت الله التي قد

پس سود نداشتی ایشان را گرویدن ایشان چون بدیدند عذاب ما راه خدای آنکه بحقیقه

خلت في عباده وخسر هنالك الكافرون

رفت اندر بندگان خود و زیان کار گشتند ناگرویدگان

سورة الاقوات مكية اربع وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای [illegible] مهربان [illegible] بخشاینده [illegible]

حم تنزيل من الرحمن الرحيم كتاب فصلت آياته قرآنا

که این فرو فرستادن است از خداوند بخشاینده و مهربان این نامه است که پیدا کرده شد آیتهای وی

خمس

حزب

[illegible]

عربيا لقوم يعلمون ۝ بشيرا ونذيرا فاعرض اكثرهم فهم
تازی مر گروهی را که بدانند مژده دهنده و بیم کننده روی بگردانیدند بیشترین ایشان ایشان
لا يسمعون ۝ وقالوا قلوبنا في اكنة مما تدعونا
نشنوند وگفتند دلهای ما اندر پوششهاست از آنچه خوانی ما را
اليه وفي اذاننا وقر ومن بيننا وبينك حجاب فاعمل
سوی او و اندر گوشهای ما گرانیست و از میان ما و میان تو پرده است کار خویش کن
اننا عاملون ۝ قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم
که ما کار خویش کنیم بگو من آنم که مردمی ام همچون شما پیغام آید بمن که خدای شما
اله واحد فاستقيموا اليه واستغفروه وويل للمشركين ۝
یک خدا است باشید سوی وی و آمرزش خواهید ازوی و وای مر انباز گیران
الذين لا يؤتون الزكوة وهم بالاخرة هم كافرون ۝
آنکسان را که ندهند زکوة و ایشان بآن جهان ایشان ناگرویدگانند
ان الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم اجر غير ممنون ۝
آنکسانی که بگرویدند و بکردند نیکیها مر ایشان راست مزدی ناکاسته
قل ائنكم لتكفرون بالذي خلق الارض في يومين
بگو شما همی کافر گردید بدانکه بیافرید زمین را اندر دو روز
وتجعلون له اندادا ذلك رب العالمين ۝ وجعل
و همی بکنید مراورا همتایان آن پروردگار همه خلق است و بکرد
فيها رواسي من فوقها وبارك فيها وقدر فيها اقواتها
اندر زمین کوههای استوار از زبر زمین و برکت کرد اندر زمین و اندازه کرد اندروی روزیهای وی
في اربعة ايام سواء للسائلين ۝ ثم استوى الى السماء
اندر چهار روز یکسان مر خواهندگان را باز آهنگ سوی آفرینش آسمان

خمس

عشر

دخان آسمان و از خاکستر آتش زمین را بیاکرد

وهي دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعا او كرها
و وی بود دودی بخاری گفت مراورا و زمین را بیاشید بکام ناخوش یا بناکام
قالتا اتينا طائعين ۝ فقضيهن سبع سموات في يومين
گفتند هر دو بودیم بخوشی اندازه کرد آسمان را هفت آسمان اندر دو روز
واوحى في كل سماء امرها وزينا السماء الدنيا بمصابيح
و فرمان داد اندر هر آسمانی کار وی و بیاراستیم آسمان نزدیکتر را بستارگان
وحفظا ذلك تقدير العزيز العليم ۝ فان اعرضوا فقل
و نگاه داشتیم از دیوان این بود اندازه کردن خدای عزیز دانا اگر روی بازگردانند بگو
انذرتكم صاعقة مثل صاعقة عاد وثمود اذ جاءتهم
من بیم کنم شما را از عذاب فرو آینده همچون عذاب فرو آینده گروه عاد و ثمود چون بیامد بدیشان
الرسل من بين ايديهم ومن خلفهم الا تعبدوا الا الله
پیغمبران از پیش ایشان و از پس ایشان که مپرستید مگر خدای را
قالوا لو شاء ربنا لانزل ملائكة فانا بما ارسلتم به كافرون
گفتند اگر بخواستی خداوند ما فرو فرستادی فرشتگان ما بآنچه فرو فرستاده شد بوی کافریم
فاما عاد فاستكبروا في الارض بغير الحق وقالوا من
اما گروه عاد بزرگ منشی کردند اندر زمین بناشایست و گفتند کیست
اشد منا قوة اولم يروا ان الله الذي خلقهم هو اشد
سخت تر از ما به نیرو ای ندیدند که خدای آن است که بیافرید ایشان وی سخت تر
منهم قوة وكانوا باياتنا يجحدون ۝ فارسلنا عليهم
از ایشان است بنیرو و بودند بآیتهای ما منکر همی شوند بفرستادیم بر ایشان
ريحا صرصرا في ايام نحسات لنذيقهم عذاب الخزي في
بادی سخت سرد اندر روزهای شوم تا بچشانیم ایشان را عذاب سخت رسوا کننده

خمس

فی الحیوة الدنیا ولعذاب الاخرة اخزی وهم لا ینصرون

زندگانی اینجهان وعذاب آنجهان سخت تر وایشان را یاری ندهند

واما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی فاخذتهم

واما گروه ثمود پس راه نمودیم ایشانرا بگزیدند نابینایی را بر راه راست بگرفت ایشان

صاعقة العذاب الهون بما کانوا یکسبون ونجینا الذین

بانگ عذاب خوارکننده بانچه می کردند و برهانیدیم آنکسانرا

امنوا وکانوا یتقون ویوم یحشر اعداء الله الی النار

که بگرویدند و بودند که پرهیز کردند و آن روزی که گرد آرند دشمنان خدا را سوی آتش

فهم یوزعون حتی اذا ما جاءوها شهد علیهم سمعهم

ایشانرا بازدارند تا چون بیایند بدوزخ گواهی دهند بر ایشان گوش ایشان

وابصارهم وجلودهم بما کانوا یعملون وقالوا لجلودهم

و بینائی ایشان و پوستهاء ایشان بدانچه می کردند و گویند مر پوستهاء ایشان

لم شهدتم علینا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء

چرا گواهی دادید بر ما گویند بسخن آورد ما را خدا آنکه سخن آورد هر چیزی

وهو خلقکم اول مرة والیه ترجعون وما کنتم تستترون

و وی آفرید شما را نخست بار و سوی وی بازگردانند شما را و نتوانستید پوشید

ان یشهد علیکم سمعکم ولا ابصارکم ولا جلودکم

که گواهی دهد بر شما شنوایی شما و نه بینایی شما و نه پوستهاء شما

ولکن ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون وذلکم

ولیکن گمان بردید که خدای نداند بسیاری از آنچه شما می کنید و همین است

ظنکم الذی ظننتم بربکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین

گمان شما بود آنکه گمان بردید بخداوند خویش هلاک کرده شما را شدید از زیان کاران

عشر

خمس

فال

فان یصبروا فالنار مثوی لهم وان یستعتبوا فما هم من

اگر شکیبایی کنند آتش جای بودنست مر ایشانرا و اگر بازداشتن خواهند نباشند ایشان از

المعتبین وقیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما بین ایدیهم

بازگردانیدگان و بگماشتیم مر ایشانرا هم نشینان بیاراستند مر ایشانرا آنچه پیش ایشان بود

وما خلفهم وحق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم

و آنچه پس ایشان بود و واجب گشت بر ایشان گفتاری اندر گروهان که گذشتند از پیش ایشان

من الجن والانس انهم کانوا خاسرین وقال الذین کفروا

از پریان و آدمیان که ایشان بودند زیان کاران و گفتند آنکسانکه کافر شدند

لا تسمعوا لهذا القران والغوا فیه لعلکم تغلبون فلنذیقن

مشنوید مر آن نبی را و غلغل کنید اندر وی تا مگر شما غلبه کنید بچشانیم

الذین کفروا عذابا شدیدا ولنجزینهم اسوء الذی کانوا

آنکسانرا که کافر شدند عذابی سخت و پاداش دهیمشان بترین آنچه بودند

یعملون ذلک جزاء اعداء الله النار لهم فیها دار الخلد

که می کردند این است پاداش دشمنان خدای آتش مر ایشانرا باشد اندر او سرای جاودانه

جزاء بما کانوا بایاتنا یجحدون وقال الذین کفروا

پاداشی بدانچه بودند بآیتهاء ما انکار کردند و گفتند آنکسانکه کافر شدند

ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن والانس نجعلهما

خداوندا بنمای ما را مر آنکسانرا که گمراه کردند از پریان ابلیس و آدمیان قابیل تا کنیم هر دو را

تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین ان الذین قالوا

زیر پایهاء ما تا باشند از فروتران آنکسانکه گفتند

ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملئکة الا تخافوا

خداوند ما خدایست باز راست بایستادند فرود آیند بر ایشان فرشتگان که مترسید

خمس

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۷۰

ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون ۝ نحن
وانده مخورید وشاد باشید به بهشت انکه شمارا وعده می کردند ما
اولیاؤکم فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة ولکم فیها ما
نکهداران ویاران شماییم اندر زندکانی اینجهان واندر آنجهان ومر شمارست اندر بهشت آنچه
تشتهی انفسکم ولکم فیها ما تدعون ۝ نزلا من غفور رحیم
آرزو کند تنهای شما ومر شمارا باشد اندر آنجا آنچه خواهید فرود آید عطایا از خدای آمرزکار بخشاینده
ومن احسن قولا ممن دعا الی الله وعمل صالحا وقال
وکیست نیکوگفتارتر ازانکسی که بخواند سوی خدا وبکرد نیکی وکوید
اننی من المسلمین ۝ ولا تستوی الحسنة ولا السیئة ادفع
من از کردن نهادکانم وبرابر نباشد نیکی ونه بدی بازدار
بالتی هی احسن فاذا الذی بینک وبینه عداوة کانه ولی
بدانچه وی نیکوترست هماتکاه آنکس میان تو ومیان او دشمنیست کویاکه وی دوست
حمیم ۝ وما یلقیها الا الذین صبروا وما یلقیها الا ذو
مهربان ونه دهند آن مکر آنهارا که شکیبایی کردند ونه دهند آن مکر خداوند
حظ عظیم ۝ واما ینزغنک من الشیطان نزغ فاستعذ
بهره بزرک را واکر بشوراند ترا از دیو شور آمدنی بازدشت خواه
بالله انه هو السمیع العلیم ۝ ومن آیاته اللیل والنهار
بخدا که وییست کوی شنوای داناه وازنشانهای وی شب وروز
والشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا
وآفتاب وماه سجده مکنید مرآفتاب را ونه ماه را وسجده کنید
لله الذی خلقهن ان کنتم ایاه تعبدون ۝ فان استکبروا
مرخدایرا آنکه بیافرید ایشانرا اکر چنان است که اورا همی پرستید اکر بزرک منشی

عشر

خمس

سجده

فالذین

[illegible]

فالذین عند ربک یسبحون له باللیل والنهار وهم لا
وآنکه نزد خداوند تو تسبیح همی کنند مراورا بشب وروز وایشان
یسئمون ۝ ومن آیاته انک تری الارض خاشعة فاذا
ستوه نشوند وازنشانهای وی آنست که تو بینی زمین را پژمرده چون
انزلنا علیها الماء اهتزت وربت ان الذی احیاها
فرو فرستیم بروی آب بجنبد وبرآید آنکسی که زنده کرداندرا اورا
لمحیی الموتی انه علی کل شیء قدیر ۝ ان الذین یلحدون
زنده کننده مردکانست که وی بر همه چیزی تواناست آنکها که برکشته
فی آیاتنا لا یخفون علینا افمن یلقی فی النار خیر ام من یاتی
آنشانهای ما پوشیده نکردد هرکز آنکسی که اندر آتش هستند بهتر باشد یا آنکسی که بیاید
آمنا یوم القیمة اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصیر ۝
ایمن روز قیامت بکنید آنچه خواهید که وی بدانچه همی کنید بیناست
ان الذین کفروا بالذکر لما جاءهم وانه لکتاب عزیز
آنکها که کافر شدند بقران چون بیامد بایشان وآن نامه ایست عزیز
لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من
نیاید بوی دروغ کننده از پیش وی ونه از پس وی فرو فرستاده از
حکیم حمید ۝ ما یقال لک الا ما قد قیل للرسل من قبلک
استوارکاری ستوده نکویند مرترا مکر آنچه کفته شد پیغمبرانرا از پیش تو
ان ربک لذو مغفرة وذو عقاب الیم ۝ ولو جعلناه
خداوند تو خداوند آمرزش است وخداوند عقوبة دردناک واکر کردیم
قرانا اعجمیا لقالوا لولا فصلت آیاته ءاعجمی وعربی
مرآنرا بتازی کفتندی چرا روشن کردانیده اند آیتهای وی را بزبان پارسی وبرعربا

عشر

[illegible]

قل هو للذين امنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون في
بگو این قران مر انکسانرا که بگرویدند راه نمایست و درستانیست و انکسانکه نگرویدند اندر
اذانهم وقر وهو عليهم عمى اولئك ينادون من مكان
گوشهای ایشان گرانیست و آن برایشان پوشیده ایشانند بخوانندشان از جایگاهی
بعيد ۝ ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه ولولا
دور و ما بدادیم موسی را توریة نا هموار گشتند اندر وی و اگر نه
كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم وانهم لفي شك
سخن بودی که پیش از خداوند تو حکم فرمودی میان ایشان و ایشان اندر گمان اند
منه مريب ۝ من عمل صالحا فلنفسه ومن اساء فعليها
از وی بگمان افگنده هرکه بکند نیکی مر تن خویش را کند و هرکه بدی کند بر تن خویش
وما ربك بظلام للعبيد ۝ اليه يرد علم الساعة وما تخرج
و نیست خداوند تو ستم کننده مر بندگان را سوی وی بازگردانند دانش رستاخیز و بیرون نیاید
من ثمرات من اكمامها وما تحمل من انثى ولا تضع الا
هیچ میوه از غلافهای وی و بار بر نگیرد هیچ ماده و ننهد
بعلمه ويوم يناديهم اين شركائي قالوا اذناك
بدانش وی و روزی که بخوانندشان گوید کجاست انبازان من گویند آگاه کردیم ترا
ما منا من شهيد ۝ وضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل
نیست از هیچ گواه و گم شد از ایشان آنچه بودند همی خواندند از پیش
وظنوا ما لهم من محيص ۝ لا يسام الانسان من دعاء الخير
و بدانند نباشد مرایشانرا هیچ رستن ستوه نشود و نه ملول نشود آدمی از خواندن نیکی
ان مسه الشر فيؤس قنوط ۝ ولئن اذقناه رحمة منا من بعد
اگر برسد بوی بدی نومید باشد سخت نومید و اگر بچشانیمش بخشایشی از ما از پس

الجزو الخامس والعشرون

خمس

[illegible]

[illegible]

ضراء

ضراء مسته ليقولن هذا لي وما اظن الساعة قائمة ولئن
سختی برسد بوی گوید این مراست و گمان نبرم که رستخیز آینده است و اگر
رجعت الى ربي ان لي عنده للحسنى فلننبئن الذين كفروا
بازگردانم سوی خداوند مرا باشد نزد خداوند من نیکویی آگاهی دهیم آنکسانرا که کافر گشتند
بما عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ ۝ واذا انعمنا على
بانچه کردند و بچشانیمشان از عذاب سخت و چون نکویی کنیم بر
الانسان اعرض ونا بجانبه واذا مسه الشر فذو
مردم روی بگرداند و بیکسو رود و چون برسد بوی بدی پس خداوند
دعاء عريض ۝ قل ارايتم ان كان من عند الله ثم
دعای باشد فراخ پهن بگو چه بینید اگر باشد یعنی قران از نزد خدا باز
كفرتم به من اضل ممن هو في شقاق بعيد ۝ سنريهم اياتنا
کافر شوید بوی که باشد گمراه تر از آنکسی که وی اندر نا همواری است دور بنماییم ایشانرا نشانهای ما
في الافاق وفي انفسهم حتى يتبين لهم انه الحق اولم يكف
اندر کنارهای آسمان و زمین و اندر تنهای ایشان تا پیدا شود مرایشانرا که وی راست است و نه بسنده است
بربك انه على كل شيء شهيد ۝ الا انهم في مرية
خداوند تو که وی بر هر چیزی گواه است بدانکه ایشان اندر گمان اند
من لقاء ربهم الا انه بكل شيء محيط
سورة الشورى
از رسیدن خداوند خویش بدانکه خداوند بهر چیزی داناست

بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible]
حم ۝ عسق ۝ كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك
که همچنین پیغام فرستد سوی تو و سوی آنکسانکه از پیش تو بودند

عشر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٢١٥

[illegible]

الله العزيز الحكيم ۝ له ما في السموات وما في الارض

خدای کینه گذار صواب کار مر اوراست آنچه اندر آسمانها و آنچه اندر زمین است

وهو العلي العظيم ۝ تكاد السموات يتفطرن من

و ویست بزرگوار اند خدای بزرگ اندر پادشاهی خواست آسمانها که بشکافد از

فوقهن والملئكة يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون لمن

زبر ایشان و فرشتگان تسبیح همی کنند بستایش خداوند خویش و آمرزش بخواهند مر

في الارض الا ان الله هو الغفور الرحيم ۝ والذين

که اندر زمین اند بدانید که خدایست که وی آمرزنده و بخشاینده و آنها که

اتخذوا من دونه اولياء الله حفيظ عليهم وما انت

بگرفتند جز از وی یاری دوستان یعنی بتان خدای نگهبان است بر ایشان و نیستی

عليهم بوكيل ۝ وكذلك اوحينا اليك قرانا عربيا

بر ایشان گماشته و همچنین فرستادیم بتو سخنی تازی

لتنذر ام القرى ومن حولها وتنذر يوم الجمع لا ريب

تا بیم کنی اهل مکه را و آنکسانرا که گرداگرد ویند و بیم نمایی روز قیامت که گرد آورد نیست گمان

فيه فريق في الجنة وفريق في السعير ۝ ولو شاء الله

اندر وی گروهی باشند اندر بهشت و گروهی باشند اندر دوزخ و اگر خواستی خدای

لجعلهم امة واحدة ولكن يدخل من يشاء في رحمته

بکردی ایشانرا یک گروه یعنی همه مومن گردانیدی ولیکن اندر آورد آنرا که خواهد اندر بخشایش خویش

والظالمون ما لهم من ولي ولا نصير ۝ ام اتخذوا من

و ستمکاران مر ایشانرا هیچ نگهداری و نه یاری گری یا بگرفتند بجز

دونه اولياء فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو على

وی دوستان یعنی خدایان و خدایست که وی یار و نگهدارست و وی زنده کرداند مردگانرا و وی بر

خمس

كل شيء قدير ۝ وما اختلفتم فيه من شيء فحكمه

هر چیزی تواناست و آنچه ناهموار گشتید اندر وی از چیزی حکم آن

الى الله ذلكم الله ربي عليه توكلت واليه انيب ۝

بر خدایست اینست خدای پروردگار من بر وی بستم دل خویش و سوی وی باز میگردم

فاطر السموات والارض جعل لكم من انفسكم ازواجا

آفریننده آسمانها و زمین بکرد یعنی بیافرید مر شما را از تنهای شما جفتها

ومن الانعام ازواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله شيء وهو

و از ستوران جفتها همی آفریند شما را اندر وی نیست همچون وی چیزی و ویست

السميع البصير ۝ له مقاليد السموات والارض يبسط

شنوا و بینا مر اوراست کلیدها آسمانها و زمین بگستراند

الرزق لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم ۝ شرع

روزی مرآنرا که خواهد و تنگ گرداند که وی بهمه چیزی داناست بدید کرد

لكم من الدين ما وصى به نوحا والذي اوحينا اليك

مر شما را از دین یعنی توحید آنچه اندرز کرد بوی نوح را و آنچه وحی فرستادیم سوی تو

وما وصينا به ابراهيم وموسى وعيسى ان اقيموا الدين ولا

و آنچه اندرز کردیم بوی ابراهیم و موسی و عیسی را که بپای دارند دین را و

تتفرقوا فيه كبر على المشركين ما تدعوهم اليه الله

پراکنده مشوید اندر وی بزرگ آمد بر انبازگیرندگان آنچه همی خوانید ایشانرا سوی وی خدای

يجتبي اليه من يشاء ويهدي اليه من ينيب ۝ وما

بر گزیند سوی این خود آنرا که خواهد و راه نماید سوی دین خود آنرا که باز آید و نه

تفرقوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ولولا

پراکنده شدند مگر از پس آنکه بیامد بایشان دانش حسدی میان ایشان و اگر نه

عشر

ان اقیموا الدین باد رمحل
نصب است که خبر مبتدا محذوف
باشد [illegible] ان اقیموا
الدین در [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کل شی

[illegible]

كلمة سبقت من ربك الى اجل مسمى لقضي بينهم وان
سخن بودی پیش رفته از خداوند تو سوی زمانه نام برده حکم کرده شدی میان ایشان و
الذين اورثوا الكتاب من بعدهم لفي شك منه مريب
ایشانکه میراث دادند شان از پس ایشان اندر گمان اند از وی بگمان افکننده
فلذلك فادع واستقم كما امرت ولا تتبع اهواءهم وقل
سوی تو بخوان و استوار باش چنانکه فرمودند ترا و پی مرو آرزوهای ایشان را و بگو
امنت بما انزل الله من كتاب وامرت لاعدل بينكم
باور کردم بدانچه فرو فرستاد خدا از نامه و فرمودند مرا تا سویت کنم میان شما
الله ربنا وربكم لنا اعمالنا ولكم اعمالكم لا حجة بيننا
خدا پروردگار من است و پروردگار شما مر ماراست کارهای ما و مر شماراست کارهای شما حجت نیست میان ما
وبينكم الله يجمع بيننا واليه المصير والذين يحاجون
و میان شما خدا گرد کند میان ما و سوی وی بازگشتن و آنکسانکه همی پیکار کنند
في الله من بعد ما استجيب له حجتهم داحضة عند
اندر خدا از پس آنکه پاسخ کرده شد مر او را حجت ایشان تباه است نزد
ربهم وعليهم غضب ولهم عذاب شديد الله الذي
خداوند ایشان و بر ایشان است خشم و مر ایشان راست عذاب سخت خدا آن است
انزل الكتاب بالحق والميزان وما يدريك لعل الساعة
که فرو فرستاد نامه یعنی قرآن براستی و ترازو و چه داند تو یا محمد مگر رستاخیز نزدیک است
قريب يستعجل بها الذين لا يؤمنون بها والذين امنوا
نزدیک است همی شتابند اورا آنکسانکه نگروند بوی و آنکسانکه بگرویدند
مشفقون منها ويعلمون انها الحق الا ان الذين يمارون
همی ترسند از وی و همی دانند که آن راست است آنکسانکه همی پیکار کنند

[illegible]

خمس

[illegible]

في الساعة

۲۱٦

عشر

في الساعة لفي ضلال بعيد الله لطيف بعباده يرزق
اندر رستخیز اندر گم بودگی دور خدا مهربانست بر بندگان خویش روزی
من يشاء وهو القوي العزيز من كان يريد حرث الاخرة
آنرا که خواهد و ویست به عجز سخت گیرنده هرکه باشد که خواهد کشت آنجهان
نزد له في حرثه ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما
بفزاییم مر او را اندر کشت وی و هرکه باشد که خواهد کشت اینجهان بدهیمش از آن و نباشد
له في الاخرة من نصيب ام لهم شركاء شرعوا لهم من
مر او را اندر آنجهان هیچ بهره یا هست مر ایشان را انبازگران بنهادند مر ایشان را از
الدين ما لم ياذن به الله ولولا كلمة الفصل
کیش آنچه دستوری نداد خدا و اگر سخن جدا کردن بودی
لقضي بينهم وان الظالمين لهم عذاب اليم ترى الظالمين
حکم کرده شدی میان ایشان و بیدادگرانند مر ایشان راست عذاب دردناک بینی بیدادگران را
مشفقين مما كسبوا وهو واقع بهم والذين امنوا و
همی ترسند از آنچه کردند و وی فرود آید بایشان و آنکسانکه بگرویدند و
عملوا الصالحات في روضات الجنات لهم ما يشاءون
کردند نیکیها اندر بوستانهای بهشت مر ایشان راست که خواهد
عند ربهم ذلك هو الفضل الكبير ذلك الذي
نزد خداوند ایشان آن است که آن افزونی بزرگ است آن است که آن
يبشر الله عباده الذين امنوا وعملوا الصالحات قل
مژده همی دهد خدای بندگان خود را آنکسانکه بگرویدند و بکردند نیکیها بگو
لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى ومن يقترف
نخواهیم از شما بر وی مزدی مگر دوستی اندر خویشاوندی و هرکه بکند نیکی

خمس

حسنة نزد له فيها حسنا ان الله غفور شكور ۝ ام يقولون
نیکی بفزاییم مر اورا اندران نیکوی که خدا آمرزکارست پاداردار یا می گویند
افترى على الله كذبا فان يشا الله يختم على قلبك و
که بباخت بر خدای دروغ اگر بخواهد خدا مهر نهد بر دل تو و
يمح الله الباطل ويحق الحق بكلماته انه عليم بذات
پاک کند خدا ناسزارا و بجا دارد خدا سزارا بسخنهای خود که وی داناست بدانچه
الصدور ۝ وهو الذي يقبل التوبة عن عباده ويعفوا
اندر دلهاست و ویست آنکسی که بپذیرد توبه از بندگان خود و اندر گذرد
عن السيئات ويعلم ما تفعلون ۝ ويستجيب الذين امنوا
از بدیها و بداند آنچه می کنید و پاسخ کند آنکسانرا که گرویدند
وعملوا الصالحات ويزيدهم من فضله والكافرون
و بکردند نیکیها و بفزاید ایشانرا از افزونی خود و کافرانند
لهم عذاب شديد ۝ ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا
که مر ایشانراست عذابی سخت و اگر فراخ کرد خدا روزی مر بندگان خویش ستم کنند
في الارض ولكن ينزل بقدر ما يشاء انه بعباده خبير
اندر زمین و لیکن فرو فرستد باندازه آنچه خواهد که وی به بندگان خویش آگاه
بصير ۝ وهو الذي ينزل الغيث من بعد ما قنطوا وينشر رحمته
و بیناست و ویست آنکه فرو فرستد باران از پس آنکه نومید گردند و بگستراند بخشایش
وهو الولي الحميد ۝ ومن اياته خلق السموات والارض
و وی کارسازست ستوده و از نشانهای وی آفرینش آسمانها و زمین است
وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم اذا يشاء قدير ۝
و آنچه پراکنده اندرین هردو از جنبنده و وی بر گرد آوردن ایشان چون خواهد تواناست

[illegible]

وما اصابکم

٢١٧

حزب عشر

خمس

وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم ويعفوا
و آنچه رسد بشما از کار اندوهگین هم است که بکرد دستهای شما و اندر گذرد
عن كثير ۝ وما انتم بمعجزين في الارض وما لكم من دون الله
از بسیاری و نتوانید شما سست گردانیدن اندر زمین و نباشد مر شمارا بجز از وی خدای
من ولي ولا نصير ۝ ومن اياته الجوار في البحر كالاعلام ۝
هیچ یاری و نه نگهدارنده و از نشانهای وی کشتیها روندهاست اندر دریا چون کوهها
ان يشا يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره ان في
اگر خواهد بیارامد بادرا تا همه روز بایستاده کشتیها بر پشت وی اندرین
ذلك لايات لكل صبار شكور ۝ او يوبقهن بما
نشانهاست مر هر شکیبا سپاسداری را یا هلاک گرداند ایشانرا بدانچه
كسبوا ويعف عن كثير ۝ ويعلم الذين يجادلون في
کردند و اندر گذرد از بسیاری و بداند آنکسانرا که پیکار کردند اندر
اياتنا ما لهم من محيص ۝ فما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة
نشانها نباشد مر ایشانرا هیچ گریزگاهی آنچه بدادند شمارا از چیز برخورداری زندگانی
الدنيا وما عند الله خير وابقى للذين امنوا وعلى ربهم
جهان و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر مر آنکسانرا که بگرویدند و بر خداوند خویش
يتوكلون ۝ والذين يجتنبون كبائر الاثم والفواحش
توکل کنند و آنکسانکه دوری نمایند از بزرگ گناهان و ناخوبیها
واذا ما غضبوا هم يغفرون ۝ والذين استجابوا لربهم
و هرگاه که خشم گیرند ایشان بیامرزند و آنکسانکه پاسخ کردند مر خداوند خویشرا
واقاموا الصلوة وامرهم شورى بينهم ومما رزقناهم
و بپای داشتند نماز را و کار ایشان مشورتست میان ایشان و از آنچه روزی دادیمشان

[illegible]

عشر

يُنْفِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ اِذَا اَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ
هزینه کنند بطاعة وانکه که چون برسد بایشان ستم ایشان یاری خواهند
وَجَزٰٓؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهُ
وپاداش بدی بدی باشد همچنانکه هرکه اندر گذرد و خوب کند مزد وی
عَلَى اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ
بر خداست که وی دوست ندارد بیدادگرانرا وهرکه کینه گذارد پس
ظُلْمِهِ فَاُولٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۝ اِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى
ستم رسید بروی ایشانند که نیست بریشان از راه عتاب راه عتاب بر
الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰٓئِكَ
ایشانست که ستم کنند بر مردمان و ازحد اندرگذرند اندر زمین بناشایست ایشانند
لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ
که ایشانراست عذاب دردناک وهرکه شکیبایی کند وبپوشاند آن از کردنی کارهاست
وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ
وهرکه را گمراه کند خدا نباشد مراورا هیچ نگهداری از پس وی وبینی ستمکاران
لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ اِلٰى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ۝ وَ
چون ببینند عذاب را گویند هیچ سوی بازگردانیدن هیچ راه و
تَرٰيهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ
ببینی ایشانرا عرضه همی کنند بران برآتش سرفروفگنده از خواری همی نگرند
مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ
از چشمی پنهان وگویند آنکه بگرویدند زیان کارانند آنکه
خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَا اِنَّ الظَّالِمِينَ
زیان کردند تنهای خویش وکسان خویش روز قیا[illegible] بدانید که ظالمان

فی عذاب

۲۱۸

حز

عشر

فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ۝ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ اَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ
اندر عذاب پایدار باشند ونباشد مرایشانرا از یاران که یاری دهند ایشانرا
مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ۝ اِسْتَجِيبُوا
از فرود خدا وهرکرا گمراه کند خدا نباشد مراورا هیچ راهی پاسخ کنید
لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَاْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَكُمْ
مرخدای خویش را از پیش آنکه بیاید روزی که بازگردانیده نشود مراورا از خدا نباشد مر شمارا
مِنْ مَلْجَاٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ۝ فَاِنْ اَعْرَضُوا فَمَا اَرْسَلْنَاكَ
هیچ پناهگاهی آن روز ونباشد مر شمارا هیچ بازدارنده اگر روی بگردانند ونفرستادیم ترا
عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۝ اِنْ عَلَيْكَ اِلَّا الْبَلَاغُ وَاِنَّا اِذَا اَذَقْنَا
بر ایشان نگهبان نیست بر تو مگر رسانیدن وما چون بچشانیدیم
الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ
مردمرا از ما بخشایشی شاد شود بدان واگر برسد بایشان بدی بدانچه پیش کرده
اَيْدِيهِمْ فَاِنَّ الْاِنْسَانَ كَفُورٌ ۝ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
دستهاء ایشان مردم باشند ناسپاسدار مرخدایراست پادشاهی آسمانها
وَالْاَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ اِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ۝
و زمین بیافریند آنچه خواهد مادگان وبخشد مرانرا که خواهد پسران
اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَاِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا اِنَّهُ
یا جفت گرداند ایشانرا نران ومادگان وکند آنرا که خواهد نازاینده که وی
عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا
دانا و تواناست ونباشد هیچ آدمیرا که سخن گوید با وی خدا مگر پیغامی
اَوْ مِنْ وَرَآءِ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِاِذْنِهِ مَا يَشَاءُ
یا از پس پرده یا بفرستد پیغمبری وحی آرد بفرمان وی آنچه خو

ع

[illegible]

هو

[illegible]

إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا
که وی برترست واستوارکار و همچنین پیغام فرستادیم سوی تو جبرئیل را از فرمان ما
مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِنْ جَعَلْنَاهُ
نبودی که بدانستی که چه باشد نامه و نه گروش بنامه ولیکن بکردیم او را
نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ
روشنایی راه نماییم بدان او را که خواهیم از بندگان ما و تو همی راه نمایی سوی
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا
راه راست راه خدا آنکه مراورست آنچه اندر آسمانها و آنچه
فِي الْأَرْضِ سورة الزخرف أَلَا إِلَى اللَّهِ تسع وثمانون تَصِيرُ الْأُمُورُ
اندر زمین بدانکه سوی خدا بازگردد کارها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام آن خدایی که توفیق طاعة دهد مهربانی که تقصیر بپذیرد بخشاینده که پرده ندراند
حمٓ ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ
سوگندست بنامه و بنامه پیدا کرده که ما بکردیم این نامه را نبی تازی تا مگر شما
تَعْقِلُونَ ۝ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ۝ أَفَنَضْرِبُ
اندر یابید و این نبی اندر اصل نامه است یعنی لوح محفوظ نزد ما برترست استوارست هرگز باز
عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ۝ وَكَمْ أَرْسَلْنَا
از شما پند دادن برگشتنی بدانکه بودید گروهی تباه کاران و چند فرستادیم
مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ۝ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ
از پیغمبری اندر پیشینیان و نیامد بایشان هیچ پیغمبری مگر بودند بوی
يَسْتَهْزِءُونَ ۝ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ
فسوس کردند هلاک کردیم آنرا سخت تر از ایشان بگرفتن و گذشت راه

خمس

[illegible]

الاولين

٢١٩

الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
پیشینیان و اگر پرسی ایشان را که بیافرید آسمانها و زمین را
لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
بگویند بیافرید ایشان را عزیزی دانا آنکه بکرد مر شمارا زمین
مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَالَّذِي
گسترش و بکرد مر شمارا اندروی راهها تا مگر شما راه برید و آنکه
نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَٰلِكَ
فرستاد از آسمان آبی باندازه زنده کردانیم بدان زمین مرده را همچنین
تُخْرَجُونَ ۝ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ
بیرون آرند شمارا و آنکه بیافرید جفتها همه و بکرد مر شمارا از
الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ۝ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ
کشتی و رفتن انها و چارپایان آنچه برنشینید تا راست بنشینید بر پشتهاوی باز
تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ
یاد کنید منت خداوند خویش چون راست باشید بروی و بگویید پاکست
الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۝ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا
آنکه فرمانبردار گردانید مارا این و نبودیم مر او را طاقت دارندگان و ما سوی خداوند خویش
لَمُنْقَلِبُونَ ۝ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ
بازگردیم و بکردند یعنی گفتند مر او را از بندگان وی بهره که از مردمان هست
لَكَفُورٌ مُبِينٌ ۝ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ
ناسپاس و ناپدید کننده یا بگرفت خدا بدانچه بیافرید دختران و بگزید شمارا
بِالْبَنِينَ ۝ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ
بپسران و چون مژده دهند یکی را از ایشان بدانچه بگفت مر خدای را مثل گردد

عشر

[illegible]

خمس

[illegible]

وجهه مسودا وهو كظيم ۝ او من ينشؤا في الحلية
روی وی سیاه گشته و وی غم و خشم فرو خورده یا کسی که رانند اندر پیرایه
وهو في الخصام غير مبين ۝ وجعلوا الملئكة الذين هم
و وی اندر پیکار گران ناپیدا و بکردند فرشتگان را آنانکه ایشان
عباد الرحمن اناثا اشهدوا خلقهم ستكتب شهادتهم
بندگان خدا اند زنانیند آیا کان هیچ حاضر بودند بافریدن ایشان زود نوشته شود گواهی ایشان
ويسئلون ۝ وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم ما لهم بذلك
و پرسند ایشان را و گفتند اگر بخواستی خدای نپرستیدیمی ایشان را نیست مر ایشان را بدان
من علم ان هم الا يخرصون ۝ ام اتيناهم كتابا من قبله
هیچ دانش نیستند ایشان مگر گزاف گویان یا دادیم ایشان را نامه از پیش وی
فهم به مستمسكون ۝ بل قالوا انا وجدنا اباءنا على امة
ایشان بوی دست اندر زدگانند بلکه گفتند ما یافتیم پدران ما را بر راهی
وانا على اثارهم مهتدون ۝ وكذلك ما ارسلنا من قبلك
و ما بر پیهای ایشان راه یافتگانیم و همچنین نفرستادیم از پیش تو
في قرية من نذير الا قال مترفوها انا وجدنا اباءنا
اندر دیهی هیچ بیم کننده مگر که گفتند توانگران ایشان ما یافتیم پدران ما را
على امة وانا على اثارهم مقتدون ۝ قال اولو جئتكم
بر راهی و ما بر پیهای ایشان روندگانیم گفت اگر چه بیاوردم شما را
باهدى مما وجدتم عليه اباءكم قالوا انا بما ارسلتم
راست تر از آنچه یافتید بر وی پدران شما را گفتند ما بآنچه فرستاده شدید
به كافرون ۝ فانتقمنا منهم فانظر كيف كان عاقبة
بوی ناگرویدگانیم کینه کشیدیم از ایشان بنگر که چگونه بود سرانجام

عشر

المكذبين

هو

۲۰

حم

نصف

المكذبين ۝ واذ قال ابرهيم لابيه وقومه انني براء مما
دروغ دارندگان و چون گفت ابراهیم مر پدر خود را و گروه خود را من بیزارم از آنچه
تعبدون ۝ الا الذي فطرني فانه سيهدين ۝ وجعلها
می پرستید مگر آنکه بیافرید مرا که وی راه نماید مرا و بکرد مر آن را
كلمة باقية في عقبه لعلهم يرجعون ۝ بل متعت هؤلاء
سخن پاینده اندر فرزندان خویش تا مگر ایشان باز گردند نه که برخورداری دادیم ایشان را
واباءهم حتى جاءهم الحق ورسول مبين ۝ ولما جاءهم
و پدران ایشان را تا بیامد بایشان راستی و پیغمبری پیدا کننده و چون بیامد بایشان
الحق قالوا هذا سحر وانا به كافرون ۝ وقالوا لولا نزل
راستی گفتند این جادویست و ما بوی ناگرویدگانیم و گفتند چرا نه فرو فرستا
هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم ۝ اهم يقسمون
این نبی را بر مردی از دو دیه مهتر و بزرگ یا ایشان می بخشند
رحمت ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحيوة الدنيا
بخشایش خداوند تو ما بخشیدیم یعنی قسمت کردیم میان ایشان وجه معیشت ایشان اندر زندگانی دنیا
ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضا
و برداشتیم بهره از ایشان زبر بهره پایگاهها تا بگیرد بهره از ایشان بهره را
سخريا ورحمت ربك خير مما يجمعون ۝ ولولا ان
فرمان بردار و بخشایش یعنی نبوت خداوند تو بهتر از آنچه همی گرد کنند و اگر نه آن
يكون الناس امة واحدة لجعلنا لمن يكفر بالرحمن
بودی که باشند مردمان یک گروه بکردیمی مر آن را که بگرود بخدا
لبيوتهم سقفا من فضة ومعارج عليها يظهرون
خانهای ایشان را سقفها از سیم و نردبانها از زر تا بر بام شوند

عشر

[illegible]

ولبيوتهم ابوابا وسررا عليها يتكئون ● وزخرفا
ومر خانها ایشانرا درها وتختها ازرز تا بروی تکیه زنند وپیرایهای کرد
وان كل ذلك لما متاع الحيوة الدنيا والاخرة عند
ونباشد این همه مگر برخورداری زندگانی اینجهان وآنجهان نزد
ربك للمتقين ● ومن يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطانا
خداوند تو مر پرهیزکارانراست وهرکه برگردد از یادکرد خدا برگماریم مراورا دیوی
فهو له قرين ● وانهم ليصدونهم عن السبيل ويحسبون
ووی باشد مراورا همنشین وآن دیوان همی بازدارند ایشانرا از راه وهمی پندارند
انهم مهتدون ● حتى اذا جاءنا قال يا ليت بيني وبينك
که ایشان راه یافتگان اند تا چون بیاید سوی ما گوید ای کاشکی میان من ومیان تو
بعد المشرقين فبئس القرين ● ولن ينفعكم اليوم اذ ظلمتم
دوری مشرق بودی بد همنشینی وسود ندارد شمارا امروز چون ستمکردید
انكم في العذاب مشتركون ● افانت تسمع الصم او تهدي
که شما اندر عذاب انبازانید یا تو توانی شنیدن کران را یا توانی راه نمودن
العمى ومن كان في ضلال مبين ● فاما نذهبن بك فانا
کورانرا وآنکسی که باشد اندر گم بودگی پیدا اگر ببریم ترا پس ما
منهم منتقمون ● او نرينك الذي وعدناهم فانا عليهم
از ایشان کینه کشیم یا بنماییم ترا آنکه وعده کردیم ایشانرا وما بر ایشان
مقتدرون ● فاستمسك بالذي اوحي اليك انك على صراط
نیک توانایم دست اندر زن بدانچه وحی فرو فرستادند سوی تو که تو بر راه
مستقيم ● وانه لذكر لك ولقومك وسوف تسئلون ●
راستی واین قران پندیست وشرفیست مرترا ومرگروه ترا وزود بپرسند شمارا

واسئل

خمس

نصف الحزب

عشر

[illegible]

وسئل من ارسلنا من قبلك من رسلنا اجعلنا من دون
وبپرس آنرا که فرو فرستادیم از پیش تو از پیغمبران ما هیچ کردیم بجز
الرحمن الهة يعبدون ● ولقد ارسلنا موسى باياتنا الى فرعون
خدا بخشاینده خدایانی که پرستند ایشانرا وما فرستادیم موسی را با حجتها ما سوی فرعون
وملايه فقال اني رسول رب العالمين ● فلما جاءهم
وگروه وی وگفت من رسول خداوند همه خلایقم وچون بیاورد بایشان
باياتنا اذا هم منها يضحكون ● وما نريهم من اية الا هي
حجتها را همانگاه ایشان میخندیدند وننمائیم ایشانرا هیچ حجتی مگر آن
اكبر من اختها واخذناهم بالعذاب لعلهم يرجعون ● وقالوا
بزرگتر باشد از یار وی وبگرفتیم ایشانرا بعذاب تا مگر ایشان بازگردند وگفتند
يايه الساحر ادع لنا ربك بما عهد عندك اننا لمهتدون
ای دانا جادوی بخوان مر ما را خداوند خویش بدانچه پیمان کرد نزدیک تو که ما براه بازآییم
فلما كشفنا عنهم العذاب اذا هم ينكثون ● ونادى فرعون
چون برداشتیم از ایشان عذاب همانگاه ایشان عهد بشکستند وآواز داد فرعون
في قومه قال يا قوم اليس لي ملك مصر وهذه الانهار تجري
اندر گروه خویش گفت ای گروه من نیست مرا پادشاهی مصر واین جویها همی رود
من تحتي افلا تبصرون ● ام انا خير من هذا الذي هو
از زیر من پس نه بینید یا من بهتر از این آنکه وی
مهين ● ولا يكاد يبين ● فلولا القي عليه اسورة
خوارست ونتواند سخن پیدا کردن چرا نفرستادند بروی دستورنجها
من ذهب او جاء معه الملئكة مقترنين ● فاستخف قومه
از زر یا بیامدی با وی فرشتگان هم بر یکدیگر سبک داشت گروه خویشرا

خمس

[illegible]

فَاَطَاعُوهُ اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ◉ فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا
فرمان کردند ورا که ایشان بودند گروهی بیفرمانان ◦ چون بخشم آوردند مارا کینه کشیدیم

مِنْهُمْ فَاَغْرَقْنَاهُمْ اَجْمَعِينَ ◉ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ
از ایشان وغرق کردیمشان همگنان را ◦ بکردیمشان پیش رفتگان وعبرتی وپندی مر

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا اِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ◉ وَ
وچون بزدند پسر مریم را مثلی چون گروه تو ازوی روی بگردانیدند

قَالُوا ءَاٰلِهَتُنَا خَيْرٌ اَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ اِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ
گفتند خدایان ما بهتر اند یا وی ◦ نزدند این مثل مرترا مگر بپیکار که ایشان

قَوْمٌ خَصِمُونَ ◉ اِنْ هُوَ اِلَّا عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ
گروه اند پیکار کنندگان ◦ نیست وی مگر بنده که نیکوی کردیم بروی وکردیم ورا

مَثَلًا لِبَنِي اِسْرَائِيلَ ◉ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي
عبرتی وپندی مر پسران یعقوب را ◦ واگر بخواستمی بکردمی از شما فرشتگان

الْاَرْضِ يَخْلُفُونَ ◉ وَاِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ
زمین سپس شما آمدندی ◦ واین دانش است مر رستخیز را [illegible] بپس روی من

هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ◉ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ اِنَّهُ لَكُمْ
این است راه راست ◦ وباز مدارد از شما دیو که وی مر شما را

عَدُوٌّ مُبِينٌ ◉ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ
دشمنی است پیدا ◦ وچون بیاورد عیسی درستیها گفت آوردم مر شما را

بِالْحِكْمَةِ وَلِاُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ
سخن صواب وتا پدید کنم مر شما را بهره از آنکه همی ناهموار شوید اندر وی بترسید

وَاَطِيعُونِ ◉ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذَا
وفرمان برید مرا ◦ که خدا است که وی پروردگار من و پروردگار شما بپرستید

خمس

عشر

[illegible]

٢٢٧

مراد از اختلاف احزاب یهود ونصاری است
در باب نبوت عیسی علیه السلام

صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ◉ فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ
راه راست ◦ ناهموار گشتند گروهان از میان ایشان وای مر آنکسان را

ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ اَلِيمٍ ◉ هَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا السَّاعَةَ
ستم کردند از عذاب روز دردناک ◦ چیزی چشم دارند مگر رستخیز را

اَنْ تَاْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ◉ الْاَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ
که آید بایشان ناگاه وایشان آگاهی ندارند ◦ دوستان آن روز بهره از ایشان

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِينَ ◉ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ
مر بهره را دشمن باشند مگر پرهیزکاران ◦ ای بندگان من نیست بیمی بر شما امروز

وَلَا اَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ◉ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ
ونه شما اندوهگین گردید ◦ ای آنکه بگرویدند بنشانهای ما وبودند گردن نهادگان

اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ اَنْتُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ◉ يُطَافُ عَلَيْهِمْ
اندر شوید ببهشت شما وزنان شما شادمان باشید ◦ بگردانند بر ایشان

بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَاَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْاَنْفُسُ وَ
[illegible] از زر وابریقها ◦ واندر آنجا باشد آنچه آرزو کند تنها و

تَلَذُّ الْاَعْيُنُ وَاَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ◉ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي
[illegible] چشمها ◦ وشما اندر آنجا جاودان باشید ◦ وآن بهشت آن است که

اُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ◉ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ
[illegible] شما را بدانچه بودید همی کردید ◦ مر شما را باشد اندر آنجا میوه‌ها بسیار

مِنْهَا تَاْكُلُونَ ◉ اِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ◉ لَا
[illegible] همی خورید ◦ که گناهکاران اندر عذاب دوزخ جاودان باشند

يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ◉ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا
سست کرده نشود از ایشان عذاب وایشان اندر آن نومیدان ◦ وبیداد نکردیم بر ایشان ولیکن بودند

خمس

عشر

خمس

عشر

هُمُ الظَّالِمِينَ ۝ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ
ایشان بیدادگران و آواز دهند ای خازن دوزخ تا براند بر ما مرگ خداوند تو گوید
إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ ۝ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ
شما درنگ خواهید بحقیقة آوردیم بشما راستی ولیکن بیشترین شما مرحق را ناخو
أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ۝ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ
یا استوار کردند کاری ما استوار کرده ایم یا پندارند که ما بنشنویم
سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ۝ قُلْ إِنْ كَانَ
راز ایشان و پنهان ایشان آری شنویم و فرشتگان نزدیک ایشانند همی نویسند بگو اگر بود
لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ۝ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
مر خدای را فرزندی پس من نخستین پرستندگانم پاک هست خداوند آسمان
وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَ
و زمین خداوند عرش از آنچه همی صفت کنند دست باز دار ایشان را تا فرو
يَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي
بازی کنند تا رسند بروز ایشان آنکه همی وعده کنندشان و ویست آنکه
فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ وَ
اندر آسمان خدایست و اندر زمین خدایست و ویست صواب کار دانا
تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
بابرکت آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان این دو
وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ
و نزد اوست دانش رستخیز و سوی وی بازگردانند شما را و پادشاهی ندارند آنکه
يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ
همی خوانندشان بجز خدا خواهش مگر آنکس که گواهی دهد براستی و ایشان

يَعْلَمُونَ

خمس

يَعْلَمُونَ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ
بدانند و اگر پرسی ایشان را که آفرید ایشان را گویند خدا
فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ۝ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ
از کجاشان بازگردانند و گفتن وی ای خداوند من اینها گروهی اند که نگروند
فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ
اندر گذر از ایشان و بگو ایمه رسید زود باشد که بدانید

سورة الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ
و سوگند بنامه پیدا کننده ما فرو فرستادیم اندر شبی با برکت بیم کنند
إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ۝ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۝ أَمْرًا مِنْ
ما هستیم فرستندگان بیم اندرین شب جدا کنند هر کاری استوار فرمانی از
عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
نزد ما که ما هستیم فرستندگان بخشایشی از خداوند تو که وی هست شنوا
الْعَلِيمُ ۝ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ
دانا خداوند آسمانها و زمین و آنچه میان این دو هست اگر هستید
مُوقِنِينَ ۝ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ
بی گمانان نیست خداوند مگر وی زنده گرداند و بمیراند خداوند شما و خداوند پدران شما
الْأَوَّلِينَ ۝ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۝ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي
پیشینگان بلکه ایشان اندر گمانی بازی همی کنند چشم دار از روزی که بیارد
السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ۝ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ
آسمان دودی پیدا بپوشاند مردمان را این هست عذاب دردناک

خمس

عشر

[illegible]

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ۝ أَنَّىٰ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ

ای خداوند بردار از ما عذاب که ما گرویدگانیم از کجا باشد مر ایشان را پند

وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ۝ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ

وبحقیقة آمد بایشان پیغمبران پیدا کننده باز برگشتند ازوی و گفتند آموزده

مَجْنُونٌ ۝ إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۝

دیوانه ما بگشاییم عذاب را اندک باز گردید بکفر

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا

از روزی که بگیریم یعنی بعقوبت بگرفتن بزرگترین که ما کینه کذاریم و ما آزمودیم

قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۝ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ

از پیش ایشان گروه فرعون و آمد بایشان پیغمبری بزرگوار که بسپارید بمن

عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ

بندگان خدا که من مر شما را پیغمبرم استوار و برتری مجویید بر خدا

إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ

که من بیارم شما را حجتی پیدا و من پناه بردم بخداوند خویش و خداوند شما

تَرْجُمُونِ ۝ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ۝ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ

سنگسار کنید مرا و اگر استوار ندارید مرا پس جدا شوید از من بخواند خداوند خویش را

قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ۝ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ۝ وَاتْرُكِ

گروه اند گناهکاران پس ببر بندگان مرا بشب که شما بر پی خواهید آمدن

الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ۝ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ

دریا را راه خشک که ایشان سپاه اند که غرق خواهند گشتن چند بگذاشتند از بوستانها

عُيُونٍ ۝ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا

چشمها روان و کشتها و جای بودن بزرگوار و فراخی که بودند اندر آنجا

خمس

عشر

[illegible]

خمس

فاكهين

فَاكِهِينَ ۝ كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۝ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ

شادمان همچنین میراث دادیم منازل ایشان را بگروهی دیگر از بنی اسرائیل پس نگریست بر ایشان

السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۝ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي

آسمان و نه زمین و نبودند مهلت دادگان از کفر و هرآینه برهانیدیم ما بنی

إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۝ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا

اسرائیل از عذاب خوار کننده بود از که بنده که فرعون بدرستی که بود گردنکشیده خود را

مِنَ الْمُسْرِفِينَ ۝ وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَ

از گزافکاران که متجاوز بودند بخدا و هرآینه که برگزیدیم موسی و بنی اسرائیل بدانشی بر عالمیان

آتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ۝ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۝

و دادیم ایشان را از نشانهای قدرت آنچه در او نعمتی آشکاره بود بدرستی که آن گروه میگویند

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ۝ فَأْتُوا بِآبَائِنَا

نیست عاقبت کار مگر مرگ نخستین در دنیا و نیستیم ما زنده شدگان پس بیارید پدران ما

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

اگر هستید راست گویان آیا قریش بهترند یا قوم تبع حمیری و آنان نیز که بودند پیش از قوم تبع

أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۝ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ

هلاک کردیم ایشان را بدرستی که ایشان بودند گروهی و نیافریدیم ما آسمان

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ۝ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

و زمین را و آنچه میان آن هست بازی کنان نیافریدیم اهل ارض و سما اگر برای حق

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ

ولیکن بیشتر مشرکان نمیدانند بدرستی که روز جدا شدن هنگام

أَجْمَعِينَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝

ایشان همه است روزی که دفع نکند دوستی از دوست خود چیزی و نباشند دوستان که یاری کرده شوند

عشر

خمس

عشر

[illegible]

الا من رحم الله ط انه هو العزیز الرحیم ۝ ان شجرت الزقوم
ولیکن کسی که بخشوده باشد خدا برو بدرستی که خدا غالبست مهربانست بدرستی که درخت زقوم

طعام الاثیم ۝ کالمهل یغلی فی البطون ۝ کغلی الحمیم
خوردنی گناهکاران است مانند مس گداخته که بجوشد در شکمها مثل جوشیدن آب گرم

خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ۝ ثم صبوا فوق راسه من
بگیرید آن گناه کار را پس بکشیدش بقهر و عنف بمیانه دوزخ آنگاه بریزید بالای سر او از

عذاب الحمیم ۝ ذق انک انت العزیز الکریم ۝ ان هذا ما کنتم
عذاب آب گرم بچش عذاب را بدرستی که تو ارجمندی بزرگوار بدرستی که اینست عذاب آن که بودید

به تمترون ۝ ان المتقین فی مقام امین ۝ فی جنات و عیون
که بآن شک می آوردید بدرستی که پرهیزکاران در جایگاه ایمن باشند در بوستانها و سرچشمها

یلبسون من سندس و استبرق متقابلین ۝ کذلک و
می پوشند از حریرهای نازک و سطبر در حالتی که مقابل باشند همچنین بر این حال باشند

زوجناهم بحور عین ۝ یدعون فیها بکل فاکهة امنین ۝
قرین میسازیم ایشانرا بزنان سفید میخوانند در بهشت هر میوه که آرزو کنند در حالتی که ایمن

لا یذوقون فیها الموت الا الموتة الاولی و وقیهم عذاب
نچشند در آخرت مرگ را بعد از مرگ نخستین و نگاه میدارد خدا ایشانرا از عذاب

الجحیم ۝ فضلا من ربک ذلک هو الفوز العظیم ۝ فانما یسرناه
دوزخ از روی فضل از آفریدگار تو آن صرف آنست رستگاری بزرگ پس جز این نیست که آسان کردیم

بلسانک لعلهم یتذکرون ۝ فارتقب انهم مرتقبون ۝

سورة الجاثیة ٣٧

بلغت تو شاید که قوم تو فهم کنند پس منتظر دار بدرستی که ایشان نیز منتظراند

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خداوند بخشنده مهربان

حم تنزیل

خمس

عشر

خمس

زقوم درخت حنظل است و آن [illegible] است در دوزخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

حم ۝ تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم ۝ ان فی السموات
که این فرو فرستادن نامه ایست از خدای غالب کار صوابکار اندر آسمانها

والارض لایات للمؤمنین ۝ و فی خلقکم و ما یبث من
و زمین هر آینه حجتهاست مر گرویدگان را و اندر آفریدن شما و آنچه پراکنده از

دابة آیات لقوم یوقنون ۝ و اختلاف اللیل و النهار
جنبندگان نشانهاست مر گروهی را که بیگمانند و اندر آمد شد شب و روز

و ما انزل الله من السماء من رزق فاحیا به الارض بعد
و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از روزی و زنده گردانید بوی زمین پس

موتها و تصریف الریاح آیات لقوم یعقلون ۝ تلک
مرگ وی و گردانیدن بادها نشانهاست مر گروهی را که اندر یابند این

خمس

آیات الله نتلوها علیک بالحق فبای حدیث بعد الله
آیتهای خداست همی خوانیمش بر تو براستی بکدام سخن پس خدا

و آیاته یؤمنون ۝ ویل لکل افاک اثیم ۝ یسمع آیات الله
و آیتهای وی بگرویدن وای بهر دروغ زن بزه کاری که بشنود آیتهای خدا را

تتلی علیه ثم یصر مستکبرا کان لم یسمعها فبشره بعذاب
که برخوانند بروی باز اقرار کند بمهر بزرگ منشی کردن پنداری که نشنوده آنرا مژده ده او را بعذاب

الیم ۝ و اذا علم من آیاتنا شیئا اتخذها هزوا اولئک لهم
دردناک و چون بداند از آیتهای ما چیزی بگیرد آنرا افسوس ایشانند که مر ایشانرا

عذاب مهین ۝ من ورائهم جهنم و لا یغنی عنهم ما کسبوا
عذاب خوار کننده و از پس ایشان باشد دوزخ و باز ندارد از ایشان آنچه کردند

شیئا و لا ما اتخذوا من دون الله اولیاء و لهم عذاب عظیم ۝
چیزی و نه آنچه بگرفتند از فرود خدا یاران و دوستان و مر ایشانرا باشد عذاب

عشر

هذا هدى والذين كفروا بآيات ربهم لهم عذاب من رجز

این راه راست و آنکسانکه کافر شدند بآیتهاء خداوند خویش مرایشانرا باشد عذاب از

اليم الله الذى سخر لكم البحر لتجرى الفلك فيه بامره

دردناک که خدا آنست که فرمانبردار گردانید مرشما را دریا تا برود کشتیها اندروی بفرمان وی

ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون وسخر لكم ما فى

و تا بجوئید از افزونی وی و تا مگر شما سپاس دارید و فرمانبردار گردانید مرشما آنچه

السموات وما فى الارض جميعا منه ان فى ذلك لآيات

آسمان و آنچه اندر زمین است همگنان از وی اندرین نشانهاست

لقوم يتفكرون قل للذين آمنوا يغفروا للذين لا يرجون

مرگروهی را که اندیشه کنند بگو مرآنکسانرا که گرویدند بپوشانند مرآنکسانرا که امید ندارند

ايام الله ليجزى قوما بما كانوا يكسبون من عمل صالحا

روزهای خدایرا تا پاداش دهیم گروهیرا بدانچه همی کردند هرکه بکند نیکی

فلنفسه ومن اساء فعليها ثم الى ربكم ترجعون ولقد

مرتن خویشن را و هرکه کند بدی برتن خویش باز سوی خداوند شما بازگردانند شمارا و

آتينا بنى اسرائيل الكتاب والحكم والنبوة ورزقناهم من

بدادیم پسران یعقوب را نامه و حکمة و پیغمبری و روزی دادیشان از

الطيبات وفضلناهم على العالمين وآتيناهم بينات

پاکیزه و خوشیها و افضل کردیم ایشانرا بر همه خلق و بدادیم ایشانرا درستیها

من الامر فما اختلفوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا

از کار او نا هموار گشتند مگر از پس آنکه بیامد بایشان دانش حسدی

بينهم ان ربك يقضى بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

میان ایشان که خداوند تو حکم کند میان ایشان روز قیامت از آنچه ایشان بودند اندروی

ثم جعلناك

ثم جعلناك على شريعة من الامر فاتبعها ولا تتبع اهواء

باز بکردیم ترا بر راه پدید کردنی از کار دین پس بس روی و پی مروی آرزوهای

الذين لا يعلمون انهم لن يغنوا عنك من الله شيئا وان

آنکسانکه همی ندانند ایشان بازندارند از تو از خدا چیزی و

الظالمين بعضهم اولياء بعض والله ولى المتقين هذا

ستمکاران بهره از ایشان یاران و دوستان بهره اند و خدا یار و نگهدار پرهیزکارانست این قرآن

بصائر للناس وهدى ورحمة لقوم يوقنون ام حسب الذين

روشنائی دلهاست مرمردمانرا و راه راست و بخشایشی مرگروهیرا که یقین دارند یا همی پندارند آنکه

اجترحوا السيئات ان نجعلهم كالذين آمنوا وعملوا الصالحات

بکردند بدیها که کنیم ایشانرا چون آنکه بگرویدند و بکردند نیکیها

سواء محياهم ومماتهم ساء ما يحكمون وخلق الله السموات

یکسان باشد زندگانی ایشان و مرگ ایشان بد است آنچه حکم کنند و بیافرید خدا آسمانها

والارض بالحق ولتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون

و زمین را براستی و تا پاداش دهند هر تنی را بدانچه کردند و برایشان ستم نکنند

افرايت من اتخذ الهه هويه واضله الله على علم وختم

بوینی کسی را که بگرفت خداوند خویش آرزوهای خویش و گم کرد ایزدش خدا بر دانش و مهر نهاد

على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه

بر شنوائی وی و دل وی و بکرد بر بینائی وی پوششی پس کی راه نماید اورا

من بعد الله افلا تذكرون وقالوا ما هى الا حياتنا

از پس خدا چرا پند نه گیرید و گفتند نیست این مگر زندگانی

الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا الا الدهر وما لهم بذلك

این جهان بمیریم و زییم و هلاک کند مارا مگر روزگار و نیست مرایشانرا بدان

۲۰۲۶

عشر

خمس

و بیافرید خدا آسمانها و زمین براستی

ولتجزی معطوف است بر بالحق [illegible]

خمس

من علم ان هم الا يظنون ۝ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات
هیچ دانشی نیند ایشان مگر همی گمان برند و چون برخوانند بر ایشان آیتها ما پیدا
ما كان حجتهم الا ان قالوا ائتوا بابائنا ان كنتم صادقين ۝
نباشد حجت ایشان مگر آنکه گویند بیارید پدران ما را اگر هستید راست گویان
قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم الى يوم القيمة
بگو خدا زنده کند شما را باز بمیراند شما را باز گرد آرد شما را سوی روز رستاخیز
لا ريب فيه ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ ولله ملك السموات
نیست گمان اندروی و لیکن بیشترین مردمان همی ندانند و مر خدای راست پادشاهی
والارض ويوم تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون ۝ وترى
و زمین و آن روز که پای شود رستخیز آن روز زیان کنند گناه کاران و ببینی
كل امة جاثية كل امة تدعى الى كتابها اليوم تجزون
هر گروهی بزانو افتاده هر گروهی را همی خوانند سوی نامه وی گویند امروز پاداش
بالحق انا كنا
ما كنتم تعملون ۝ هذا كتابنا ينطق عليكم لنستنسخ ما كنتم
آنچه همی کردید این نامه ما سخن همی گوید بر شما براستی که ما بنوشتیم آنچه شما
تعملون ۝ فاما الذين امنوا وعملوا الصالحات فيدخلهم
همی کنید پس آنها که بگرویدند و کردند نیکیها اندر آرد ایشان را
ربهم في رحمته ذلك هو الفوز المبين ۝ واما الذين كفروا
خداوند ایشان اندر بخشایش وی این است کوی رستگاری بهدست و اما آنها که کافران
افلم تكن اياتي تتلى عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما مجرمين ۝
گوید شان نبود آیتهای من که همی خوانم بر شما و بزرگ منشی کردید و بودید گروهی گناه کاران
واذا قيل ان وعد الله حق والساعة لا ريب فيها قلتم
و چون گفته شدی ایشان را که وعده خدای راست است و رستخیز نیست گمان اندروی گفتند

عشر

ما ندري

[illegible]

ما ندري ما الساعة ان نظن الا ظنا وما نحن بمستيقنين ۝
ندانیم چیست رستخیز همی گمان همی بریم مگر گمانی و نیستیم ما بگمان بیقین
وبدا لهم سيئات ما عملوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزؤن ۝
و پدید آمد ایشان را بدیها آنچه کردند و فرود آمد بایشان آنچه بودند بوی همی افسوس کردند
وقيل اليوم ننسيكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا وماويكم
و گفته شود امروز دست بازداریم شما را چنانکه دست بازداشتید رسیدن باین روز شما این و جایگاه شما
النار وما لكم من ناصرين ۝ ذلكم بانكم اتخذتم ايات الله هزوا
آتش است و نیست مر شما را هیچ یاری گران این بدانست که شما بگرفتید آیتهاء خدای را افسوس
وغرتكم الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون منها ولا هم يستعتبون ۝
و بفریفت شما را زندگانی این جهان امروز بیرون نیارند ایشان را ازانجا و نه ایشان را فرا خشنود
فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمين ۝ وله
مر خدای راست ستایش خداوند آسمانها و خداوند زمین خداوند همه خلق و مر او راست
الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۝
بزرگواری اندر آسمانها و زمین و وی است کینه گذار و صواب کار

خمس

سورة الأحقاف مكية خمس وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام خدای بخشنده بخشایشگر
حم ۝ تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۝ ما خلقنا السموات
این فروفرستادن نامه هست از خدای کینه گذار صواب کار نیافریدیم آسمانها
والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى والذين كفروا
و زمین و آنچه میان این دو است مگر براستی و زمانه نام زده کرده و آنها که کافر شدند

[illegible]

عما انذروا معرضون ۝ قل ارايتم ما تدعون من دون الله
از انچه بیم کرده شان روی گردانندگان بگو چه بینید انچه می خوانید از فرود خدا
اروني ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ائتوني
بنمایید مرا چه چیز آفریدند از زمین یا مر ایشان راست انبازی اندر آسمانها بیارید مرا
بكتاب من قبل هذا او اثارة من علم ان كنتم صادقين ۝
نامه از پیش این یا نشانی از دانش اگر هستید راست گویان
ومن اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى
وکیست گمراه تر از انکسی که بخواند بجز خدا را انکسی که پاسخ نکند مر او را تا
يوم القيمة وهم عن دعائهم غافلون ۝ واذا حشر الناس كانوا
روز رستاخیز و ایشان از خواندن ایشان بی آگاه اند وچون گرد آرند مردمان را باشند
لهم اعداء وكانوا بعبادتهم كافرين ۝ واذا تتلى عليهم اياتنا
مر ایشان را دشمنان و باشند بپرستیدن ایشان ناگرویدگان وچون برخوانند بر ایشان نشانهای ما
بينات قال الذين كفروا للحق لما جاءهم هذا سحر مبين ۝
پیدا گویند انکسها که نگرویدند مر راستی را یعنی قران را چون بیامد بایشان این جادویست پیدا
ام يقولون افتريه قل ان افتريته فلا تملكون لي من الله
یا همی گویند از خود ساخت این بگو اگر بافتم انرا از خویش پادشاهی ندارید مرا از خدا
شيا هو اعلم بما تفيضون فيه كفى به شهيدا بيني وبينكم
چیزی وی داناترست بدانچه شروع می کنید اندروی بسندست بوی گواه میان من ومیان
وهو الغفور الرحيم ۝ قل ما كنت بدعا من الرسل وما ادري
ووی است آمرزنده و بخشاینده بگو نیستم من نو آمده از پیغمبران وندانم
ما يفعل بي ولا بكم ان اتبع الا ما يوحى الي وما
چه کنند با من ونه با شما بدم نروم مگر آنچه وحی فرستاده شود بمن و

انا الا نذير مبين ۝ قل ارايتم ان كان من عند الله وكفرتم
نیستم مگر بیم کننده پیدا بگو چه بینید اگر باشد یعنی قران از نزد خدا وکافر شوید
به وشهد شاهد من بني اسرائيل على مثله فامن واستكبرتم
بوی وگواهی دهد گواهی از پسران یعقوب یعنی عبدالسلام بر همچون وی بگروید و بدوی گردنکشی کردید
ان الله لا يهدي القوم الظالمين ۝ وقال الذين كفروا
که خدا راه ننماید گروه ستمکاران را وگفتند انکسها که نگرویدند
للذين امنوا لو كان خيرا ما سبقونا اليه واذ لم يهتدوا
انکسها را که گرویدند اگر بودی بهتر پیش نگرفتندی بوی وچون راه نیافتند
به فسيقولون هذا افك قديم ۝ ومن قبله كتاب موسى
بوی پس همی گویند این دروغست دیرینه واز پیش این قران نامه موسی
اماما ورحمة وهذا كتاب مصدق لسانا عربيا لينذر
پیشوا و بخشایش واین نامه ایست راست دارنده زبان تازی تا بیم کند
الذين ظلموا وبشرى للمحسنين ۝ ان الذين قالوا ربنا الله
انکسها که ستم کردند ومژده ده مر نیکوکاران را انکسها که گفتند خداوند ما خداست
ثم استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ اولئك
پس راست ایستادند ونیست بیمی برایشان ونه ایشانرا اندوه باید خوردن ایشانند
اصحاب الجنة خالدين فيها جزاء بما كانوا يعملون ۝ ووصينا
خداوندان بهشت جاودان اندر آنجا پاداش بدانچه می کردند واندرز کردیم
الانسان بوالديه احسانا حملته امه كرها ووضعته
مردم را بمادر وپدر خویش نیکویی کردن برداشت اورا مادروی بدشواری ونهادن وی
كرها وحمله وفصاله ثلثون شهرا حتى اذا بلغ اشده
بدشواری وبرداشتن وی وشیر باز کردن وی سی ماه بود تا چون برسد بتمامی نیروی خویش

حزب

عشر

نصف حزب

۴۲۸

خبر شرط محذوف تقدیره ... ظالمین بقرینة ان الله لا یهدی القوم الظالمین ویدل علیه

[illegible]

غرض آن است [illegible]
[illegible]
از جانب [illegible]

خمس

وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي
و برسد بچهل سال گفت بار خدایا بدل افکن مرا که سپاسداری کنم نیکویی را که

اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰيهُ
منت نهادی بر من و بر مادر و پدر من و انکه بکنم نیکی که بپسندی او را

وَاَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي اِنِّي تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ اُولٰٓئِكَ
و نیک گردان مرا اندر فرزندان من که من بگشتم سوی تو و من از گروه گردن نهادگانم ایشان اند

اَلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّاٰتِهِمْ
آنکه بپذیرم از ایشان نیکوترین آنچه کردند و اندر گذاریم از بدیها ایشان

فِي اَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ
اندر باشند کان بهشت وعده راست آنکه ایشان را همی وعده کردند

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ اُفٍّ لَكُمَا اَتَعِدَانِنِي اَنْ اُخْرَجَ وَقَدْ
و آنکه گفت مر مادر و پدر خویش را دوری باد شما را که وعده کنید مرا که بیرون آرند مرا از گور و

خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ
گذشت گروهها از پیش من و ایشان فریاد همی خواهند از خدا وای ترا بگرو

اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هٰذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ
که وعده خدا راست است و گوید نیست این مگر نوشتهای پیشینیان

اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ
ایشانند آنکه واجب گشت بر ایشان گفتار عذاب اندر گروهها که گذشتند از

قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ
پیش ایشان از پریان و آدمیان که ایشان بودند زیان کاران و مر هر یکی را پایگاهها

مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ وَيَوْمَ يُعْرَضُ
بدانچه کردند و تمام دهند ایشان را کارهای ایشان و بر ایشان ستم نکنند و آن روزی که عرضه

الَّذِينَ

[illegible] ابتدای [illegible] درجه [illegible]
سلمان [illegible]
[illegible] عبد الرحمن [illegible] ابی بکر [illegible]

[illegible] خبر [illegible] نیز [illegible]

الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ اَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيٰوتِكُمُ
آنها را که کفر ورزیدند بر آتش گویند که اشتابیده خوشیهای خویش را اندر زندگانی

الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا
اینجهان و برخوردید بدان امروز پاداش دهند شما عذاب خواری بدانچه

كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ
شما بزرگ منشی کردید اندر زمین بناراستی و بدانچه شما بیفرمانی کردید

وَاذْكُرْ اَخَا عَادٍ اِذْ اَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْاَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ
و یاد کن برادر گروه عاد را چون بترسانید گروه خویش را بشتهای ریگ و گذشتند

النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اللّٰهَ
پیغمبران از پیش وی و از پس وی که مپرستید مگر خدا را

اِنِّي اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ قَالُوا اَجِئْتَنَا
من همی ترسم بر شما عذاب روز بزرگ گفتند بیامدی بما

لِتَأْفِكَنَا عَنْ اٰلِهَتِنَا فَاْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ
تا بگردانی ما را از خدایان ما بیار بما آنچه همی وعده کنی ما را اگر هستی از راستگویان

قَالَ اِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاُبَلِّغُكُمْ مَا اُرْسِلْتُ بِهِ وَلٰكِنِّي
گفت دانش نزد خداست و همی رسانم بشما آنچه فرستادند مرا بوی و لیکن من

اَرٰيكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ فَلَمَّا رَاَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ
همی بینم شما را گروهی نادانان چون بدیدند ابر را پیش آینده روی آورده

اَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هٰذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ
بر وادیهای ایشان گفتند این ابریست که باران بارد ما را نه که ویست آنچه شتاب کردید

بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ اَلِيمٌ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِاَمْرِ رَبِّهَا
بدان بادی اندر ویست عذاب دردناک هلاک کند هر چیز را بفرمان خداوند خویش

عشر

احقاف جمع حقف است و آن
ریگ [illegible] قوم عاد ساکن بوده اند
بیابان عمان و حضرموت و بیابان
[illegible]
[illegible] یمن [illegible]
بیابان عمان و [illegible] ۱۰۵

[illegible]

فاصبحوا لا يرى الا مساكنهم كذلك نجزي القوم المجرمين

بامداد برخواستند ندیدند مگر آرامگاههاء ایشان همچنان پاداش دهیم گروه گناه کاران را

ولقد مكناهم فيما ان مكناكم فيه وجعلنا لهم سمعا و

و توانا کردانیدیم ایشانرا اندر آنچه نت ندیم شمارا اندر وی و کردیم مرایشانرا شنوایها و

ابصارا وافئدة فما اغنى عنهم سمعهم ولا ابصارهم

بینایها و دلها سود نداشت از ایشان شنوایی ایشان و نه بینایهای ایشان

ولا افئدتهم من شيء اذ كانوا يجحدون بايات الله

و نه دلهاء ایشان از چیزی چون بودند که منکر گشتند بحجتها خدا

وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ولقد اهلكنا ما

و فرود آمد بایشان آنچه بودند بوی افسوس کردند و هلاک کردیم آنچه

حولكم من القرى وصرفنا الايات لعلهم يرجعون

کرد بر کرد شما بود از دیهها و بدید کردیم آیتها تا مگر ایشان باز کردند

فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قربانا الهة

چرا یاری نکردند ایشانرا آنکه بگرفتند از فرود خدای نزدیکی خدایان

بل ضلوا عنهم وذلك افكهم وما كانوا يفترون واذ

نه که گم شدند از ایشان و آن دروغ ایشان بود و آنچه همی از خویشتن بسختند و چون

صرفنا اليك نفرا من الجن يستمعون القران فلما حضروه

بازگردانیدیم سوی تو گروهی از پریان که همی گوش داشتند قران را چون حاضر گشتند

قالوا انصتوا فلما قضي ولوا الى قومهم منذرين قالوا

گفتند خاموش باشید چون تمام کرده شد برگردیدند سوی گروه خویش بیم کنندگان گفتند

يا قومنا انا سمعنا كتابا انزل من بعد موسى مصدقا

ای گروه ما ما شنیدیم نامه یعنی قران فرو فرستاده اند از پس موسی راست دارنده

لما بين

[illegible]

عشر

لما بين يديه يهدي الى الحق والى طريق مستقيم يا قومنا

مر آنرا که از پیش وی بود راه نماینده سوی راستی و سوی راه راست ای گروه ما

اجيبوا داعي الله وامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم ويجركم

پاسخ کنید خواننده خدا و بگروید بوی تا بیامرزد شمارا از گناهان شما و بیرون آرد

من عذاب اليم ومن لا يجب داعي الله فليس بمعجز في

از عذاب دردناک و هرکه پاسخ نکند خواننده خدایرا نتوانند گریختن اندر

الارض وليس له من دونه اولياء اولئك في ضلال

زمین و نیست مراورا از فرود وی یاران ایشانند اندر گمراهی

مبين اولم يروا ان الله الذي خلق السموات والارض

پیدا یا همی نه بینید که خدا آن است که بیافرید آسمانها و زمین را

ولم يعي بخلقهن بقادر على ان يحيي الموتى بلى انه على

و مانده نگشت بافریدن ایشان تواناست برآنکه زنده گرداند مردگان را آری وی بر

كل شيء قدير ويوم يعرض الذين كفروا على النار اليس

هر چیزی تواناست و آن روز که عرض کنند آنکه که کافر گشتند بر آتش گویند نه

هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب بما

این راست هست گویند آری بخداء ما گویند بچشید عذاب بدانچه

كنتم تكفرون فاصبر كما صبر اولوا العزم من الرسل ولا

همی کافر گشتید شکیبایی کن همچنانکه شکیبایی کردند خداوندان استوارکاری از پیغامبران و

تستعجل لهم كانهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا

مشتاب مر ایشانرا پنداری ایشانرا آن روز نه بینند آنچه ایشانرا وعده کردند درنگ نکردند مگر

ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون

ساعتی از روزی آن پیغام است جز هلاک کنند مگر گروه بیفرمانان

خمس

[illegible]

سورة محمد صلى الله عليه واله ثمان وثلثون آية

حزب

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که ایمان نگهدارد مهربان که با ایمان از ایشان ببرد بخشاینده که در گور با ایمان ببرد

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله اضل اعمالهم
آنها که کافر شدند و باز داشتند از راه خدا هلاک گرداند کارهای ایشان را

والذين امنوا وعملوا الصالحات وامنوا بما نزل على محمد
و آنها که بگرویدند و بکردند نیکیها و بگرویدند بدانچه فرو فرستاده شد بر محمد

وهو الحق من ربهم كفر عنهم سيئاتهم واصلح بالهم ذلك
و آن راستست یعنی قرآن از خداوند خویش بپوشانید از ایشان بدیهای ایشان و خوب گردانید حال ایشان

بان الذين كفروا اتبعوا الباطل وان الذين امنوا اتبعوا
بدان بود که آنها که نگرویدند پس رفتند باطل را و آنها که گرویدند پس رفتند

الحق من ربهم كذلك يضرب الله للناس امثالهم فاذا
حق را از خداوند ایشان همچنین بزند خدا مر مردمان را مثلهای ایشان چون

لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم
برسید شما آنها که کافر شدند بباید زدن گردنهای ایشان تا چون گران کردید ایشان

فشدوا الوثاق فاما منا بعد واما فداء حتى تضع
سخت کنید بندها یا منت باید نهادن پس آن یا باز کردن تا بنهند کافران

الحرب اوزارها ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم
یعنی حرب آلات خود را آن و اگر خواستی خدا عذاب نماید ایشان را

ولكن ليبلوا بعضكم ببعض والذين قتلوا في سبيل الله
ولیکن تا بیازماید بهره از شما ببهره و آنها که کارزار کردند اندر راه خدا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خمس

فلن يضل اعمالهم سيهديهم ويصلح بالهم ويدخلهم
تباه نگرداند کارهای ایشان راه نماید ایشان را و خوب گرداند حال ایشان را و اندر آرد ایشان را

الجنة عرفها لهم يا ايها الذين امنوا ان تنصروا الله
اندر بهشت شناسا گردانید ایشان را جای ایشان ای آنها که بگرویده اید اگر یاری کنید دین خدا را

ينصركم ويثبت اقدامكم والذين كفروا فتعسا لهم
یاری کند شما را و استوار گرداند پایهای شما را و آنها که کافر شدند نگونساری باد ایشان را

واضل اعمالهم ذلك بانهم كرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم
و هلاک باد کارهای ایشان این بدانست که ایشان دشوار داشتند آنچه فرو فرستاد خدا نیست کرد کارهای ایشان

افلم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين
بنرفتند اندر زمین تا بنگرستندی چگونه بود سرانجام آنها

من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين امثالها ذلك
که از پیش ایشان بودند هلاک فرستاد خدا بر ایشان و مر ناگرویدگان را همچنانست این

بان الله مولى الذين امنوا وان الكافرين لا مولى لهم
بدان است که خدا یار و نگهدار آنهاست که بگرویدند و مر ناگرویدگان را نیست یاری و نگهداری

ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات
خدا اندر آرد آنها که بگرویدند و بکردند نیکیها بوستانها

تجري من تحتها الانهار والذين كفروا يتمتعون وياكلون
می‌رود از زیر آن جویهای روان و آنها که کافر شدند برخوردار می‌باشند و می‌خورند

كما تاكل الانعام والنار مثوى لهم وكاين من قرية
چنانکه بخورند ستوران و آتش جای بودن مر ایشانراست و چند از دیهها

هي اشد قوة من قريتك التي اخرجتك اهلكناهم فلا
که آن سخت‌تر بود از دیه تو یعنی مکه آنکه بیرون کردند ترا هلاک کردیم ایشان بود

عشر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ناصر لهم ۝ أفمن كان على بينة من ربه كمن زين له سوء
یاری کری مر ایشانرا پس آیا کسی هست بر حجتی از خداوند خویش چون کسی که آراسته شود مر او را بدی
عمله واتبعوا أهواءهم ۝ مثل الجنة التي وعد المتقون
کار وی و بدم رفتند آرزوهای خویش را صفت بهشت آنکه وعده کرده شد پرهیزکاران را
فيها أنهار من ماء غير آسن وأنهار من لبن لم يتغير طعمه
اندر وی جویها باشد از آب ناگندنده و جویها از شیر ناگشته مزه وی
وأنهار من خمر لذة للشاربين ۝ وأنهار من عسل مصفى
و جویها از می خوش مزه مر خورندگان را و جویها از انگبین پاکیزه کرده
ولهم فيها من كل الثمرات ومغفرة من ربهم كمن هو خالد
و مر ایشانرا باشد اندر آنجا از هر میوه و آمرزشی از خداوند ایشان چون آنکه جاوید
في النار وسقوا ماء حميما فقطع أمعاءهم ۝ ومنهم
اندر آتش و بخورانندشان آبی گرم پاره پاره شود رودهای ایشان و از ایشان
من يستمع إليك حتى إذا خرجوا من عندك قالوا للذين
کس هست که گوش دارد و تو تا چون بیرون شوند از نزد تو گفت مر آنکه را
أوتوا العلم ماذا قال آنفا أولئك الذين طبع الله على
که داده شدشان دانش چه چیز گفت اکنون ایشانند آنکه مهر نهاد خدا بر
قلوبهم واتبعوا أهواءهم ۝ والذين اهتدوا زادهم هدى و
دلهای ایشان و بدم رفتند آرزوهای خویش را و آنکه راه راست گرفتند زیاده کرد ایشانرا
آتاهم تقواهم ۝ فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم
بدادشان پرهیزکاری شان پس هیچ چشم دارند مگر رستخیز که بیاید بایشان
بغتة فقد جاء أشراطها فأنى لهم إذا جاءتهم ذكراهم ۝
ناگاه پس آمد بدیشان نشانهای وی از کجا باشد مر ایشانرا چون بیاید بایشان پند گرفتن

۲۲۶

فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين
بدانکه نیست خدا مگر یک خدا و آمرزش کن مر گناهان خویش را و مر گرویدگان را
والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم ۝ ويقول الذين
و گرویدگان از زنان و خدا داند گشتن شما و باشیدن شما و گفتند آنکه
آمنوا لولا نزلت سورة فإذا أنزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال رأيت
بگرویدند چرا فرو نفرستادند سورتی پس چون فرو فرستاده آمد سورتی استوار کرده و یاد کرده شد اندر آنجا کارزار ببینی
الذين في قلوبهم مرض ينظرون إليك نظر المغشي عليه
آنکه اندر دلهای ایشان بیماریست همی نگرند سوی تو نگرستن بیهوش رفته بروی
من الموت فأولى لهم ۝ طاعة وقول معروف فإذا عزم الأمر
از بیم مرگ پس وای مر ایشانرا فرمان بردار باید کرد و گفتار نیکو تا چون درست کرده آمد کار
فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم ۝ فهل عسيتم إن توليتم
اگر راست گفتندی خدای را بهتر بودی مر ایشانرا پس هیچ شاید که شما اگر برگردید
أن تفسدوا في الأرض وتقطعوا أرحامكم ۝ أولئك الذين
که تباه کاری کنید اندر زمین و ببرید از خویشاوندان ایشانند آنکه
لعنهم الله فأصمهم وأعمى أبصارهم ۝ أفلا يتدبرون القرآن
دور کرد ایشانرا خدا و کر کرد ایشانرا و کور کرد چشمهای ایشان چرا اندیشه کنند اندر
أم على قلوب أقفالها ۝ إن الذين ارتدوا على أدبارهم
یا بر دلهای ایشان قفلهاست آنکه برگشتند بر پشتهای خویش
من بعد ما تبين لهم الهدى الشيطان سول لهم وأملى
از پس آنکه پدید آمد مر ایشانرا راه راست دیو آراسته کرد مر ایشانرا و زمان داد
لهم ۝ ذلك بأنهم قالوا للذين كرهوا ما نزل الله سنطيعكم
مر ایشانرا این بدانکه ایشان گفتند مر آنکه را دشوار داشتند آنچه فرو فرستاد خداوند فرمان

عشر

خمس

حزب

فاعلم

[illegible]

فی بعض الامر والله يعلم اسرارهم فكيف اذا توفتهم
اندر بهره کار و خدا داند رازهای ایشان چگونه باشد چون بمیرانند ایشانرا
الملئكة يضربون وجوههم وادبارهم ذلك بانهم اتبعوا
فرشتگان همی زنند رویهای ایشان را و پشتهای ایشان را آن بدان بود که ایشان
ما اسخط الله وكرهوا رضوانه فاحبط اعمالهم ام حسب
که بخشم آرد خدای را و نخواستند خشنودی اورا نیست کرد کارهای ایشان را یا همی پندارند
الذين فی قلوبهم مرض ان لن يخرج الله اضغانهم
آنها که اندر دلهای ایشان است بیماری که هرگز بیرون نیارد خدا کینهای ایشان را
ولو نشاء لاريناكهم فلعرفتهم بسيماهم ولتعرفنهم فی لحن
و اگر خواستمی بنمودمی بتو ایشان را تو بشناختی ایشان را نشانهای رویهای ایشان و بشناسی ایشان را اندر گردانیدن
القول والله يعلم اعمالكم ولنبلونكم حتى نعلم المجاهدين
گفتار و خدا داند کارهای ایشان را و بیازماییم شما را تا بدانیم کارزار کنندگان
منكم والصابرين ونبلوا اخباركم ان الذين كفروا
از شما و شکیبایان و بیازماییم خبرهای شما را آنها که نگرویدند
وصدوا عن سبيل الله وشاقوا الرسول من بعد ما
و بازداشتند از راه خدا و خلاف کردند پیغمبر را از پس آنکه
تبين لهم الهدى لن يضروا الله شيئا وسيحبط اعمالهم
پدید آمد ایشان را راه راست نگزایند خدای را چیزی و زود تباه کند کارهای ایشان
يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول ولا
ای آنها که بگرویدید فرمان برید خدای را و فرمان برید پیغمبر را و
تبطلوا اعمالكم ان الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله
تباه مکنید کارهای خویش آنها که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا

عشر

در لحن القول [illegible] از بعض [illegible] ابن ابی طالب علیه السلام و از جابر بن عبد الله انصاری [illegible] روایت شده و از عباده [illegible] صامت منقولست که گفت ما [illegible] در زمان [illegible] ابن ابی طالب علیه السلام [illegible] والله اعلم بالصواب

ثم

۲۲۶

حزب

[illegible]

ثم ماتوا وهم كفار فلن يغفر الله لهم فلا تهنوا وتدعوا
بازمردند و ایشان کافر بودند پس هرگز نیامرزد خدا ایشان را و سست مشوید و مخوانید
الى السلم وانتم الاعلون والله معكم ولن يتركم اعمالكم انما
سوی آشتی و شما برترانید و خدا با شماست و نکاهد شما را کارهای شما را همانا
الحيوة الدنيا لعب ولهو وان تؤمنوا وتتقوا يؤتكم اجوركم
زندگانی این جهان بازیست و فسوس و اگر بگروید و بپرهیزید بدهد شما را مزدهای شما
ولا يسئلكم اموالكم ان يسئلكموها فيحفكم تبخلوا و
و نخواهد از شما خواستهای شما اگر بخواهد از شما آن پس سختی کند بر شما و سفلگی کنید و
يخرج اضغانكم ها انتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی
بیرون آرد کینهای شما را شما اید با ایشان که میخوانند تا هزینه کنید اندر
سبيل الله فمنكم من يبخل ومن يبخل فانما يبخل عن نفسه
راه خدا از شما کس است که بخیلی کند و هر که سفلگی کند پس سفلگی کند از تن خویش
والله الغنی وانتم الفقراء وان تتولوا يستبدل قوما
و خدا بی نیاز است و شما نیازمندانید و اگر برگردید بدل آرد گروهی را
غيركم ثم لا يكونوا امثالكم
جز شما باز نباشند مر کار همچون شما

سورة الفتح مدنية تسع وعشرون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام آن خدای [illegible]
انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من
بگشادیم مر ترا گشادنی پیدا تا بیامرزد مر ترا خدا از آنچه پیش رفته است از
ذنبك وما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا
گناهان تو و آنچه پس و تمام کند نعمت خود بر تو و راه نماید ترا راسته

[illegible]

هو

مستقيما ○ وينصرك الله نصرا عزيزا ○ هو الذي انزل
راست   و یاری دهد ترا خدا یاری بزرگ   وی است آنکه فرو فرستاد
السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم
آرامش   اندر دلهای گرویدگان تا بیفزاید گروش یعنی ایمان با گروش ایشان
ولله جنود السموات والارض وكان الله عليما حكيما ○
و مر خدایراست سپاههای آسمانها و زمین   و هست خدای دانا صواب کار
ليدخل المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من تحتها الانهار
تا اندر آرد گرویدگان از مردان و زنان بهشتها همی رود از زیر آن جویها
خالدين فيها ويكفر عنهم سيئاتهم وكان ذلك عند الله
جاودان اندر آنجا و بپوشاند از ایشان بدیهای ایشان و هست آن نزد خدا
فوزا عظيما ○ ويعذب المنافقين والمنافقات و
رستگاری بزرگ   و تا عذاب کند منافقان را از مردان و منافقان از زنان و
المشركين والمشركات الظانين بالله ظن السوء عليهم
انباز گیران از مردان و انباز گیران از زنان گمان برندگان بخدای گمان بد بر ایشان است
دائرة السوء وغضب الله عليهم ولعنهم واعد لهم
گشتن بدی   و خشم گرفت خدا بر ایشان و لعنت کرد ایشان را و بساخت مر ایشان را
جهنم وساءت مصيرا ○ ولله جنود السموات والارض
دوزخ   و بد است جای بازگشتن   و مر خدایراست سپاههای آسمانها و زمین
وكان الله عزيزا حكيما ○ انا ارسلناك شاهدا ومبشرا
و هست خدای با هنا و صوابکار   ما فرستادیم ترا گواه است و مژده دهنده
ونذيرا ○ لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه
و بیم کننده   تا بگروید بخدا و پیغمبر خدا و نصرت نمایید او را و تعظیم نمایید او را

خمس

وتسبحوه

هو

۲۲۷

وتسبحوه بكرة واصيلا ○ ان الذين يبايعونك انما
و پاک گویید خدا را بامداد و شبانگاه   آنکه که بیعت کنند ترا
يبايعون الله يد الله فوق ايديهم فمن نكث فانما ينكث
و همی پیمان کنند با خدا   دست خدای بالای دستهای ایشان است پس هر که بشکند هر آینه بشکند
على نفسه ومن اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه
بر تن خویش   و هرکه تمام کند بدانچه عهد کند بروی   خدا هر آینه بدهیم او را
اجرا عظيما ○ سيقول لك المخلفون من الاعراب شغلتنا
مزدی بزرگ   زود گویند   مر ترا   سپس ماندگان از عربان بیابان مشغول کردند ما را
اموالنا واهلونا فاستغفر لنا يقولون بالسنتهم ما ليس
خواستهای ما   و کسان ما   آمرزش خواه مارا   همی گویند بزبانها خویش آنچه نیست
في قلوبهم قل فمن يملك لكم من الله شيئا ان اراد بكم
اندر دلهای ایشان   بگو کیست که پادشاهی دارد از خدا   مر شما را   چیزی اگر خواهد بشما
○ ضرا او اراد بكم نفعا بل كان الله بما تعملون خبيرا
بدی   یا خواهد   بشما   سودی   که هست خدا بدانچه می کنید دانا آگاه
بل ظننتم ان لن ينقلب الرسول والمؤمنون الى اهليهم
که گمان بردید   که باز نگردد   پیغمبر   و گرویدگان سوی کسان خویش
ابدا وزين ذلك في قلوبكم وظننتم ظن السوء و
هرگز و آراسته شد آن اندر دلها شما و گمان بردید گمان بد
كنتم قوما بورا ○ ومن لم يؤمن بالله ورسوله فانا
و بودید گروهی هلاک شدگان و هرکه نگرود   بخدا   و پیغمبر وی   ما
اعتدنا للكافرين سعيرا ○ ولله ملك السموات
ساخته کردیم   مر کافران را   آتش فروزان   و مر خدایراست پادشاهی آسمانها

عشر

[illegible]

وَالارض يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء وكان الله
وزمین بیامرزد او را که خواهد وعذاب کند آنرا که خواهد وهست خدا
غفورا رحيما ۝ سيقول المخلفون اذا انطلقتم الى مغانم
آمرزنده وبخشاینده زود گویند سپس ماندگان چون بیرون روید سوی غنیمتها
لتاخذوها ذرونا نتبعكم يريدون ان يبدلوا كلام الله
تا برگیرید آنرا دست بازدارید ما را تا آییم از پی شما همی خواهند که بگردانند سخن خدا را
قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل فسيقولون بل
بگو نیایید از پی ما همچنین شمارا گفت خدا از پیش زود گویند که
تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون الا قليلا ۝ قل للمخلفين
همی حسد کنید ما را بلکه ایشان همی اندر نیابند مگر اندکی بگو مر پس ماندگان را
من الاعراب ستدعون الى قوم اولى باس شديد تقاتلونهم
از عربان زود بخوانند شمارا سوی گروه خداوندان کارزار سخت تا کارزار کنید
او يسلمون ۝ فان تطيعوا يؤتكم الله اجرا حسنا وان
یا مسلمان شوند اگر فرمان برید بدهد شمارا خدا مزدی نیکو واگر
تتولوا كما توليتم من قبل يعذبكم عذابا اليما
برگردید چنانکه برگشتید از پیش عذاب کند شمارا عذابی [illegible]
ولا على المريض حرج
ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج ومن
[illegible] لنگ [illegible] بزه یعنی تنگی و نه بر بیمار بزه
يطع الله ورسوله يدخله جنات تجرى من تحتها الانهار
فرمان برد خدای و پیغامبر اورا اندر آرد بهشتها که همی رود از زیر آن جویها روان
ومن يتول يعذبه عذابا اليما ۝ لقد رضى الله عن المؤمنين
وهر که برگردد عذاب کندش عذابی دردناک خشنودی خدا از گروندگان

خمس

نصف

اذ یبایعونک

۲۲۵

[illegible]

اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم ما فى قلوبهم فانزل
چون بیعت کردند با تو زیر درخت بدانست آنچه اندر دلهای ایشان فرو فرستاد
السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا ۝ ومغانم كثيرة
آرامش بر ایشان و پاداش داد ایشان را گشادن نزدیک وغنیمتهای بسیار
ياخذونها وكان الله عزيزا حكيما ۝ وعدكم الله
تا بگیرند آنرا وهست خدا عزیز وصوابکار وعده کرد شمارا خدا
مغانم كثيرة تاخذونها فعجل لكم هذه وكف
غنیمتهای بسیار تا بگیرید آنرا بشتاب بداد مر شمارا این وبازداشت
دور کرد
ايدى الناس عنكم ولتكون اية للمؤمنين ويهديكم
دستهای مردم از شما وتا باشد نشانی مرگرویدگان را وبنماید شمارا
صراطا مستقيما ۝ واخرى لم تقدروا عليها قد احاط
راه راست ودیگر که توانا نبودید بر آن دانسته بود
الله بها وكان الله على كل شىء قديرا ۝ ولو قاتلكم الذين
خدا مر آنرا وهست خدا بر هر چیزی توانا واگر کارزار کنند با شما
كفروا لولوا الادبار ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا ۝ سنة الله
کافر شدند برگردانند پشتها خویش باز نیابند دوستداری ونگهداری ونه یاری گری راه خدا
التى قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا ۝ و
آن که گذشت از پیش ونیابی مر راه خدا را گردانیدن و
هو الذى كف ايديهم عنكم وايديكم عنهم ببطن مكة
اوست آنکه فرو گرفت دستهای ایشان از شما ودستهای شما از ایشان میان مکه
من بعد ان اظفركم عليهم وكان الله بما تعملون بصيرا ۝
از پس آنکه پیروز گردانید شمارا بر ایشان وهست خدا بدانچه همی کنید بیناست

[illegible]

خس

بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ
ایشانند آنکسانکه کافر شدند و باز داشتند شمارا از مزکت حرام و

الْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ ط وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَ
اشتران کشتنی را ایستاده که برسندی بجای کشتن خویشتن و اگر نه مردانی بودندی گرویدگان

نِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ
زنان گرویدگان که ندانستندی ایشانرا اگر زیر پای دیدندی ایشانرا برسیدی شمارا از ایشان

بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ط لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا
بی دانش تا اندر آرد خدای اندر بخشایش خویش آنرا که خواهد اگر جدا باشندی عذاب کردی

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا
آنکسانرا که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک چون بکردند آنکسانکه کافر گردیدند

فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ
اندر دلهای ایشان گرمی و چنین گرمی نادانی و کافری فروفرستاد خدا آرامش خویش

عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ
بر پیغمبر خویش و بر گرویدگان و واجب کرد ایشانرا کلمه لا اله الا الله پرهیزکاری و

كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ط وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ لَقَدْ صَدَقَ
بودند سزاوارترین بدان و اهل خدای بهر چیزی دانا راست کرد

اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ
خدا پیغمبر خویش را خواب براستی که اندر شوند بمزکت حرام اگر

شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ
بخواهد خدا بی بیمان ستردگان سرهای خویش و موی کم کردگان نترسید

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ۝ هُوَ الَّذِي
بدانست آنچه ندانستید بکرد از پیش آن گشایشی نزدیک وی آنکه

[illegible]

[illegible]

٢٢٦

أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ط
بفرستاد پیغمبر خویش را براه راست و دین درست تا آشکارا کرد اورا بر دینها همه

وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ
و بسنده است بخدا گواه محمد صلى الله عليه و آله پیغمبر خدا است و آنکسانکه با ویند یعنی صحابه علیهم السلام

عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
بر کافران مهربانان میان ایشان میبینی ایشانرا رکوع کنندگان سجده کنندگان همی جویند

فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ط
افزونی از خدا و خشنودی نشان ایشان اندر رویهای ایشان از نشان سجود کردن

ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ ط وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ قف كَزَرْعٍ أَخْرَجَ
اینست صفت ایشان اندر توریة و صفت ایشان اندر انجیل چون کشتی است که بیرون آورد

شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ
شاخ خویش نیرو کرد ستبر گشت راست بایستاد بر ساقهای خویش خوش آید کشت ورزانرا

لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ط وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
تا خشم آرد بایشان ناگرویدگانرا وعده کرد خدا آنکسانرا که بگرویدند و بکردند نیکیها

مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا
از ایشان آمرزش و مزدی بزرگ

سورة الحجرات مدنية ثمان عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای حاجت رواکننده توبه پذیرنده آمرزنده بخشاینده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ ط
ای آنکسانکه بگرویدند پیش مروید پیش از خدا و رسول وی و بترسید از خدا

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ
که خدا شنوا و داناست ای آنکسانکه گرویدند برمدارید آوازهای خویش

رسول الله صلى الله عليه واله عطف
بيان محمد [illegible]
خبر [illegible]
معطوف [illegible] والذين معه
رسول الله خبر [illegible]
[illegible]
والله اعلم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فوق صوت النبی ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض
زبر آواز پیغمبر و بلند مگویید با وی بگفتاری چون آشکارا گفتن بعضی از شما مر بعضی

ان تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون ۝ ان الذین یغضون
که تباه شود کارهای شما و شما آگاهی ندارید آنانکه فرو خوابانیده

اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم
آوازهای خویش را نزد پیغمبر خدا ایشانند آنانکه آزمایش نمود خدا دلهای ایشان

للتقوی لهم مغفرة واجر عظیم ۝ ان الذین ینادونک من
مر پرهیزکاری را مر ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ آنانکه آواز دهند ترا از

وراء الحجرات اکثرهم لا یعقلون ۝ ولو انهم صبروا حتی
پس حجرها بیشترین ایشان بیخرد اند و اگر ایشان شکیبایی کردندی تا

تخرج الیهم لکان خیرا لهم والله غفور رحیم ۝ یا ایها الذین
بیرون آمدی سوی ایشان بودی بهتر مر ایشان را و خدا آمرزنده و بخشاینده است ای آنانکه

امنوا ان جاءکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهالة
بگرویدید اگر بیاید بشما فاسقی خبری درست کاری کنید که برسید گروهی را بنادانی

فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین ۝ واعلموا ان فیکم رسول الله
بشوید بر آنچه کردید پشیمانان و بدانید که اندر میان شما پیغمبر خداست

لو یطیعکم فی کثیر من الامر لعنتم ولکن الله حبب الیکم
اگر فرمان برد شما اندر بسیاری از کار برنج و بزه افتید ولیکن خدا دوست گردانید سوی

الایمان وزینه فی قلوبکم وکره الیکم الکفر والفسوق
گروش را و بیاراست آن را اندر دلهای شما و ناپسند گردانید سوی شما کافری را و فاسقی را

والعصیان اولئک هم الراشدون ۝ فضلا من الله ونعمة
و معصیت را ایشانند که ایشان راه یافتگانند افزونی از خدای و نیکویی

خمس

والله

[illegible]

والله علیم حکیم ۝ وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا
و خدای داناست و محکم کار و اگر دو گروه از گرویدگان کارزار کنند پس اصلاح کنید

بینهما فان بغت احدیهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی
میان ایشان پس اگر ستم کند یکی از آن دو طایفه بر دیگری پس قتال کنید با آن گروه که بغی میکند

حتی تفیء الی امر الله فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل
تا بازگردد بحکم خدای پس اگر بازگردد آن طایفه اصلاح کنید میان ایشان براستی

واقسطوا ان الله یحب المقسطین ۝ انما المؤمنون اخوة
و داد کنید در همه کارها بدرستی که خدای دوست میدارد عدل کنندگان را جز این نیست که گرویدگان برادرانند

فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون ۝
پس صلاح آرید میان برادران شما و بترسید عذاب الهی شاید که شما برحال او رحمت کنید

یا ایها الذین امنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیرا منهم
ای کسان که ایمان آورده اید باید که افسوس نکنند بر شما گروهی بر گروه دیگر شاید که باشند بهتر

منهن ولا تلمزوا انفسکم ولا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم
مشهور گشتگان و عیب مکنید نفسهای خود را و مخوانید یکدیگر را بلقبهای ناخوش بد نام است کسی را

الفسوق بعد الایمان ومن لم یتب فاولئک هم الظالمون ۝
کردن فسق بعد از دخول او در ایمان و هر که توبه نکند پس آن گروه ایشانند ستمکاران

یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض
ای گروه گرویدگان پرهیزید از بسیاری از گمانها بدرستی که بعضی از

الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب
گمان بزه است و تجسس مکنید و باید که غیبت نکند بعضی از شما بعضی را آیا دوست میدارد

احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه واتقوا الله
یکی از شما که بخورد گوشت برادر خود را در حالتی که مرده بود پس مکروه دارید او را و بترسید از عقوبت الهی

عشر

[illegible]

حزب

[illegible]

حزب

اِنَّ اللهَ تَوّابٌ رَحِیمٌ ۝ یا اَیُّهَا النّاسُ اِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ
بدرستی که خدا پذیرنده توبه مهربانست ای مردمان بدرستی که ما آفریده ایم شمارا از
ذَکَرٍ وَاُنْثی وَجَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَقَبائِلَ لِتَعارَفُوا اِنَّ
مردی و زنی و گردانیدیم شمارا شعبها و قبیلها تا بشناسید یکدیگرا بدرستی که
اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللهِ اَتْقیکُمْ اِنَّ اللهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ ۝ قالَتِ
بزرگترین شما نزدیک خدا پرهیزکارترین شماست بدرستی که خدا دانا و آگاهست گفتند
الْاَعْرابُ آمَنّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلکِنْ قُولُوا اَسْلَمْنا وَلَمّا یَدْخُلِ
اهل بادیه که ایمان آورده ایم بگو ایمان نیاورده اید ولیکن بگوئید که اسلام آورده ایم و در نیامده است
الْاِیمانُ فی قُلُوبِکُمْ وَاِنْ تُطِیعُوا اللهَ وَرَسُولَهُ لا یَلِتْکُمْ
ایمان در دلهای شما و اگر فرمان برید خدارا و فرستاده اورا کم نگرداند
مِنْ اَعْمالِکُمْ شَیْئاً اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۝ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ
از مزد کردار شما چیزی بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست جز این نیست که گرویدگان آنانند
آمَنُوا بِاللهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ یَرْتابُوا وَجاهَدُوا بِاَمْوالِهِمْ
که ایمان آوردند بخدا و فرستاده او پس شک نکردند و جهاد کردند بمالهای خود
وَاَنْفُسِهِمْ فی سَبِیلِ اللهِ اُولئِکَ هُمُ الصّادِقُونَ ۝ قُلْ اَتُعَلِّمُونَ
و بنفسهای خود در راه خدای آن گروه ایشانند راستگویان بگو آیا خبر میکنید
اللهَ بِدِینِکُمْ وَاللهُ یَعْلَمُ ما فِی السَّمواتِ وَما فِی الْاَرْضِ
خدایرا بکیش خود و حال آنکه خدا میداند آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است
وَاللهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ ۝ یَمُنُّونَ عَلَیْکَ اَنْ اَسْلَمُوا قُلْ لا تَمُنُّوا
و خدای بر همه چیز داناست منت می نهند بر تو بآنکه اسلام آورده اند بگو منت منهید
عَلَیَّ اِسْلامَکُمْ بَلِ اللهُ یَمُنُّ عَلَیْکُمْ اَنْ هَدیکُمْ لِلْاِیمانِ اِنْ
بر اسلام خود بلکه خدا منت می نهد بر شما بآنکه راه نمود شمارا بایمان اگر

کنتم

کُنْتُمْ صادِقِینَ ۝ اِنَّ اللهَ یَعْلَمُ غَیْبَ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ
هستید راست گویان که خدا داند نهان آسمان و زمین
وَاللهُ بَصِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ ۝
و خدای بیناست بدانچه همی کنید

سورة ق مکیة خمس واربعون آیة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ
بنام خدای راه نماینده مهربان پرده پوشنده بخشاینده عذر پذیرنده
قٓ وَالْقُرْآنِ الْمَجِیدِ ۝ بَلْ عَجِبُوا اَنْ جاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقالَ
سوگندست بکوه قاف و بنی بزرگوار بلکه شگفت داشتند بدانکه بیامد بایشان بیم کننده از ایشان گفتند
الْکافِرُونَ هذا شَیْءٌ عَجِیبٌ ۝ اَئِذا مِتْنا وَکُنّا تُراباً ذلِکَ
کافران این چیزیست شگفت آیا چون ما بمیریم و باشیم خاک و آن
رَجْعٌ بَعِیدٌ ۝ قَدْ عَلِمْنا ما تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنا
بازگردانیدنی دورست بدرستیکه دانستیم آنچه بکاهد زمین از ایشان و نزد ماست
کِتابٌ حَفِیظٌ ۝ بَلْ کَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمّا جاءَهُمْ فَهُمْ فی
نامه نگاه داشته بلکه بدروغ داشتند راست را چون بیامد بایشان پس ایشان اند
اَمْرٍ مَرِیجٍ ۝ اَفَلَمْ یَنْظُرُوا اِلَی السَّماءِ فَوْقَهُمْ کَیْفَ بَنَیْناها
در کاری آمیخته و نگاه نکردند سوی آسمان زبر ایشان چگونه برآوردیمش
وَزَیَّنّاها وَما لَها مِنْ فُرُوجٍ ۝ وَالْاَرْضَ مَدَدْناها وَاَلْقَیْنا
و بیاراستیمش و نیست مر او را هیچ شگافی و زمین را بگسترانیدیمش و بیفکندیم
فِیها رَواسِیَ وَاَنْبَتْنا فِیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ ۝ تَبْصِرَةً
اندروی کوههای استوار و برویانیدیم اندروی از هر گونه نیکو خرم بینائی دادن
وَذِکْری لِکُلِّ عَبْدٍ مُنِیبٍ ۝ وَنَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ
و پندی مر هر بنده بازگردنده را و فرو فرستادیم از آسمان

حزب

[illegible]

عشر

خمس

عشر

ماءً مباركاً فأنبتنا به جنات وحب الحصيد ۝ والنخل
آبی با برکت ورویانیدیم بدان آب بوستانها ودانه که بدروند وخرمابنان
باسقات لها طلع نضيد ۝ رزقاً للعباد وأحيينا به بلدة
بلند مر اورا شکوفه برهم نهاده روزی مر بندگان را وزنده کردانیدیم بدان آب
ميتاً كذلك الخروج ۝ كذبت قبلهم قوم نوح و
مرده خشک گشته همچنین باشد بیرون آمدن بدروغ داشتند پیش از ایشان گروه نوح و
أصحاب الرس وثمود ۝ وعاد وفرعون وإخوان لوط ۝ وأصحاب
گروه چاه شعیب را وگروه ثمود صالح را وگروه عاد هود را وفرعون موسی را وهمشیران لوط لوط را
الأيكة وقوم تبع كل كذب الرسل فحق وعيد ۝
بیشه پیغمبر خویش وگروه ملک یمن تبع پیغمبر خویش را همه بدروغ داشتند پیغمبران واجب شد
أفعيينا بالخلق الأول بل هم في لبس من خلق جديد ۝
ما مانده گشتیم بآفرینش اول که ایشان اندر پوشیدگی اند از آفرینش نو
ولقد خلقنا الإنسان ونعلم ما توسوس به نفسه و
وما بیافریدیم مردم را ومیدانیم آنچه اندیشه کند بوی تن وی
نحن أقرب إليه من حبل الوريد ۝ إذ يتلقى المتلقيان
ما نزدیکتریم بوی از رگ جان چون بگیرند دو فرشته گیرنده
عن اليمين وعن الشمال قعيد ۝ ما يلفظ من قول إلا لديه
از راست واز چپ نشسته بیرون نیفکند هیچ گفتاری مگر نزدیک وی
رقيب عتيد ۝ وجاءت سكرة الموت بالحق ذلك ما كنت
نگهبانی باشد ورزیده وبیاید بیهوشی مرگ براستی این است که بودی
منه تحيد ۝ ونفخ في الصور ذلك يوم الوعيد ۝ وجاءت
از وی بیکسو شدی واندر دمیده شود اندر صور این است روز بیم کردن وبیاید

كل نفس

[illegible]

كل نفس معها سائق وشهيد ۝ لقد كنت في غفلة من
هر تنی با وی فرشته راننده وگواهی دهنده بحقیقه بودی اندر بی خبری از
هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد ۝ وقال
این روز وبگشادیم از تو پوشش تو بینائی تو امروز تیز است وگوید
قرينه هذا ما لدي عتيد ۝ ألقيا في جهنم كل كفار عنيد ۝
همنشین وی این است که نزدیک من حاضر بودند دو را افکنید اندر دوزخ هر ناسپاس ستیزه کار
مناع للخير معتد مريب ۝ الذي جعل مع الله إلهاً آخر
بازدارنده مر نیکی را از حد درگذرنده بگمان شونده آنکه بکرد با خدای خدای دیگر
فألقياه في العذاب الشديد ۝ قال قرينه ربنا ما أطغيته
اندر افکنیدش اندر عذاب سخت گفت یار او خداوند من برتری نفرمودیش
ولكن كان في ضلال بعيد ۝ قال لا تختصموا لدي وقد
ولیکن بود اندر گمراهی دور گفت پیکار مکنید نزدیک من و
قدمت إليكم بالوعيد ۝ ما يبدل القول لدي وما
پیش فرستادم سوی شما بیم کردن تبدیل نکنند گفتار را نزدیک من ونیستم
أنا بظلام للعبيد ۝ يوم نقول لجهنم هل امتلأت وتقول
من ستمکاره مر بندگان را آن روز که گوییم مر دوزخ را جز برگشتی وگوید
هل من مزيد ۝ وأزلفت الجنة للمتقين غير بعيد ۝ هذا ما
هیچ از افزونی هست ونزدیک کرده آید بهشت مر پرهیزکاران را نه دور گویند این است
توعدون لكل أواب حفيظ ۝ من خشي الرحمن بالغيب
آنچه وعده کردید مر هر بازگردنده از نگهدارنده شود آنکس که بترسد از خدای مهربان اندر ناپیدا
وجاء بقلب منيب ۝ ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود ۝
وبیاید با دل بازگردنده اندر شوید بهشت بسلامت این است روز جاودانه

[illegible]

خمس

لهم ما يشاؤن فيها ولدينا مزيد ۝ وكم اهلكنا قبلهم

مر ایشان را باشد آنچه خواهند اندر آنجا و نزدیک ما افزونیست و چند هلاک کردیم پیش ایشان

من قرن هم اشد منهم بطشا فنقبوا في البلاد هل من

از گروهی که ایشان سخت تر از ایشان به نیرو و بگردیدن و فاش کردند اندر شهرها هیچ جست

محيص ۝ ان في ذلك لذكرى لمن كان له قلب او القى

جای گریختن که اندرین پندیست مر آنرا که باشد مر اورا دل و فرو افکند

السمع وهو شهيد ۝ ولقد خلقنا السموات والارض

شنوا را و وی حاضر باشد بدل و ما بیافریدیم آسمانها و زمین

وما بينهما في ستة ايام وما مسنا من لغوب ۝ فاصبر على

و آنچه میان این دو است اندر شش روز و نرسید ما را هیچ ماندگی و شکیبایی کن بر

ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل

آنچه می گویند و تسبیح کن ستایش خداوند تو پیش از برآمدن آفتاب و پیش از

الغروب ۝ ومن الليل فسبحه وادبار السجود ۝ واستمع يوم

فرو شدن آفتاب و اندر شب نماز کن اورا و پس سجده کردن و گوش دار آن روز

يناد المناد من مكان قريب ۝ يوم يسمعون الصيحة بالحق

که بخواند خواننده از جای نزدیک آن روز بشنوند همه خلق بانگ را به حق

عشر

ذلك يوم الخروج ۝ انا نحن نحيي ونميت والينا المصير

این است روز بیرون شدن ما هم که ما بیگمان زنده کردیم و بمیرانیم و سوی ما باشد بازگشتن

يوم تشقق الارض عنهم سراعا ذلك حشر علينا يسير

آن روز که بشکافد زمین را از ایشان زود آن گرد کردنی بود بر ما آسان

نحن اعلم بما يقولون وما انت عليهم بجبار فذكر بالقران

ما داناتریم بدانچه می گویند و نیستی تو بر ایشان کامکار و پند ده بدین

من يخاف

[illegible]

[illegible]

خمس

من يخاف سورة الذاريات مكية ستون آية وعيد

کسی را که بترسد از بیم کردن

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای هست کننده مهربان به نعمت پرورنده و برحمت بخشاینده

والذاريات ذروا ۝ فالحاملات وقرا ۝ فالجاريات يسرا

سوگند است ببادها دمنده و سوگند است بزنان باردار گرانبار بکشتیها روان بآسانی

فالمقسمات امرا ۝ انما توعدون لصادق ۝ وان الدين

سوگند است بفرشتگان بخشنده کار که آنچه وعده کنند شما را راست است و شمار پاداش

لواقع ۝ والسماء ذات الحبك ۝ انكم لفي قول مختلف ۝ يؤفك

واقع بودنی و سوگند است بآسمان با راهها که شما اندر گفتار پراگنده اید همواره بازگردانند

خمس

عنه من افك ۝ قتل الخراصون ۝ الذين هم في غمرة ساهون

از وی آنرا که بازگردانیده لعنت بر دروغ زنان آنانکه ایشان در جهلند غافلان

يسئلون ايان يوم الدين ۝ يوم هم على النار يفتنون

می پرسند که با شمار روز شمار آن روز که ایشان را بر آتش بسوزانند

ذوقوا فتنتكم هذا الذي كنتم به تستعجلون ۝ ان المتقين

گویند بچشید سوختن شما این است آنچه بودید بوی شتاب می کردید که پرهیزکاران

عشر

في جنات وعيون ۝ اخذين ما اتيهم ربهم انهم كانوا

اندر بوستانها و چشمهای روان باشند گیرندگان آنچه بداد ایشان را خداوندشان که ایشان بودند

قبل ذلك محسنين ۝ كانوا قليلا من الليل ما يهجعون

پیش از آن نیکوکاران بودند اندکی از شب آنچه می خفتند

وبالاسحار هم يستغفرون ۝ وفي اموالهم حق للسائل والمحروم

و بسحرگاهان ایشان آمرزش خواستند و اندر خواستهای ایشان حقی مر خواهنده و نایافته

خمس

[illegible]

عشر

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ۝ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝
واندر زمین نشانهاست مراهل یقین را واندر تنهای شما چرا نمی بینید
وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ
واندر آسمان روزی شما وآنچه شمارا وعده می کنند وسوگند بخدای آسمان
وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ ۝ هَلْ أَتَاكَ
وزمین که این راست است همچنانکه شما سخن گویید هیچ آمد بتو
حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ
خبر مهمانان ابراهیم نواختگان چون اندر آمدند بروی
فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ
گفتند سلام بر تو سلام کردند گفت ابراهیم سلام هیچ جواب کرد وهر اند ناشناختگان بازگشت سوی کسان خویش
فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ۝ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ فَأَوْجَسَ
پس آورد گوساله فربه فربان نزدیک کرد آنرا سوی ایشان گفت نمی خورید بدل اندر گرفت
مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝ فَأَقْبَلَتِ
از ایشان بیم گفتند مترس ومژده دادندش بکودکی دانا بیامد
امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝
زن وی با بانگی ودست بر روی خود زد وگفت گنده پیری ام نازاینده
قَالُوا كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ قَالَ فَمَا
گفتند همچنین گفت خداوند تو که وی هست استوارکار دانا گفت ابراهیم
خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ
کار هست شما را ای فرستادگان گفتند مارا فرستادند سوی گروه
مُجْرِمِينَ ۝ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ۝ مُسَوَّمَةً عِنْدَ
گناه کاران تا بفرستیم بر ایشان سنگی از گل نشان کرده نزد

خمس

عشر

[illegible]

و دو رنب کو در اینجا بمعنی مصدر باشد

ربك

۲۴۷

خمس

رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝
خداوند تو مر تباه کاران را بیرون آوردیم آنرا که بودند اندر آنجا گرویدگان
فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً
پس نیافتیم اندر آنجا بجز یک خانه از مسلمانان وبگذاشتیم اندر آنجا نشانی
لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ
مر آنها را که بترسند از عذاب دردناک واندر موسی چون بفرستادیمش
إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ
سوی فرعون با حجتی پیدا وبرگشت بگوشه خویش وگفت
سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ
جادوست یا دیوانه بگرفتیم اورا وسپاههای اورا بیفکندیمشان اندر دریا
وَهُوَ مُلِيمٌ ۝ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ۝
ووی سزای نکوهش بود واندر گروه عاد چون بفرستادیم برایشان بادی بی منفعت
مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ۝ وَفِي
دست باز نداشت از چیزی که بگذشت بروی مگر بکردش چون استخوان ریزیده واندر
ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّى حِينٍ ۝ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ
گروه ثمود چون گفته شد مرایشانرا برخورید تا گاهی بیرون شدند از فرمان خداوند خویش
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝ ~~فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ~~
بگرفت ایشانرا آتش جهنده با بانگ وایشان می نگرستند
قِيَامٍ ~~يَنْظُرُونَ~~ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا
پس نتوانستند هیچ ایستادن ونبودند
مُنْتَصِرِينَ ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝
یاری کنندگان وگروه نوح از پیش که ایشان گروه بیفرمانان

عشر

خمس

[illegible]

والسماء بنيناها بايد وانا لموسعون ۝ والارض فرشناها
و آسمان برآوردیمش به نیرو و ما توانا بودیم و زمین بگسترانیدیمش

فنعم الماهدون ۝ ومن كل شيء خلقنا زوجين لعلكم
نیک گسترانندگانیم و از هر چیزی بیافریدیم دو جفت تا مگر شما

تذكرون ۝ ففروا الى الله اني لكم منه نذير مبين ۝ ولا
پند گیرید بگریزید سوی خدا که من شما را از وی بیم کننده‌ام پیدا کننده و

تجعلوا مع الله الها اخر اني لكم منه نذير مبين ۝ كذلك ما
مکنید با خدا خدای دیگر که من مر شما را از وی بیم کننده‌ام پیدا کننده همچنین

اتى الذين من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او مجنون ۝
نیامد بر آنها که از پس ایشان بودند هیچ پیغمبری که گفتند جادوست یا دیوانه

اتواصوا به بل هم قوم طاغون ۝ فتول عنهم فما انت بملوم ۝
یکدیگر را اندر آن وصیت کردند بلکه ایشان گروهی اند گردن برکشان و روی بگردان از ایشان نیستی تو ملامت زده

وذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين ۝ وما خلقت الجن و
و پند ده که پند سود دارد گرویدگان را و نیافریدیم پریان و

الانس الا ليعبدون ۝ ما اريد منهم من رزق وما اريد
آدمیان را مگر که پرستند مرا نخواهم که از ایشان هیچ روزی و نخواهم

ان يطعمون ۝ ان الله هو الرزاق ذو القوة المتين ۝ فان
که طعام دهند مرا که خداست که وی روزی دهنده با توانایی استوار اگر

للذين ظلموا ذنوبا مثل ذنوب اصحابهم فلا يستعجلون ۝
مر آنها که ستم کردند بهره همچون بهره یاران ایشان مشتابانند مرا

فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوعدون ۝
وای مر آنها را که کافر شدند از روز ایشان آنکه همی وعده کنند ایشان را

عشر

خمس

[illegible]

بسم الله

۲۴۷

واقع شده و آنچه واقع خواهد شد و بقول آن عبارتست از قرآن که در لوح محفوظ نوشته شده و رق منشور عبارت از آن لوح است

[illegible]

سورة الطور مكية تسع واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که سوی بهشت خواند مهربان که راه بهشت نماید بخشاینده که بهشت عطا دهد

والطور ۝ وكتاب مسطور ۝ في رق منشور ۝ والبيت المعمور ۝
سوگند بطور سینا و سوگند بنامه نوشته اندر دیوان گشاده و سوگند بخانه آبادان کرده

والسقف المرفوع ۝ والبحر المسجور ۝ ان عذاب ربك لواقع ۝
و سوگندست باسمان برداشته و سوگندست بدریا از آتش که عذاب خدای تو آمدنیست

ما له من دافع ۝ يوم تمور السماء مورا ۝ وتسير الجبال سيرا ۝
نیست مر او را هیچ بازدارنده روزی که بجنبد آسمان جنبیدنی و برود کوهها رفتنی

فويل يومئذ للمكذبين ۝ الذين هم في خوض يلعبون ۝
وای آن روز مر دروغ دارندگان را آنها که ایشان اندر ناحق بکاری همی بازی کنند

يوم يدعون الى نار جهنم دعا ۝ هذه النار التي كنتم بها تكذبون ۝
آن روزی که باز گردانندشان سوی آتش دوزخ بازگردانیدنی این است آن آتش که مر او را بودید دروغ داشتن

افسحر هذا ام انتم لا تبصرون ۝ اصلوها فاصبروا او لا
جادویست این یا شما نه بینید اندر شوید بآتش دوزخ شکیبایی کنید یا

تصبروا سواء عليكم انما تجزون ما كنتم
شکیبایی مکنید یکسان است بر شما که پاداش میدهند شما را بدانچه همی

تعملون ۝ ان المتقين في جنات ونعيم ۝ فاكهين بما اتيهم
کردید پرهیزکاران اندر بوستانها و نعمتها باشند شادمانان بدانچه بداد

ربهم ووقيهم ربهم عذاب الجحيم ۝ كلوا واشربوا هنيئا بما
خداوند ایشان و نگاه داشت ایشان را خداوندشان از عذاب دوزخ بخورید و بیاشامید گوارنده

خمس

عشر

خمس

[illegible]

عشر

كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ○ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم
تکیه زدگان بر تختها صف زده وبزنی دهیم ایشان را
بِحُورٍ عِينٍ ○ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا
سفید پوستان سیاه چشمان وایشان که بگروید ند ومتابع ایشان کردیم فرزندان ایشان را بگرویدن اندر بیابانی
بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا
با ایشان فرزندان ایشان را و نکاهیم از ایشان از کار ایشان از چیزی هر مردی بدانچه
كَسَبَ رَهِينٌ ○ وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ
کرد بست کرد کان باشد وافزونی دهیم ایشان را میوه وگوشت از آنچه آرزو کنند
يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ○ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ
از یکدیگر همی ستانند اندر بهشت جامی پر شراب نه بیهودگی اندر آنجا و نه بزه کاری وهمی گردند بر ایشان
غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ○ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
غلامان مر ایشان را پنداری ایشان مروارید اند در حقه وروی آرد بهره از ایشان بر بهره
يَتَسَاءَلُونَ ○ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ○ فَمَنَّ اللَّهُ
یکدیگر را همی پرسند گویند ما بودیم پیش ازین اندر کسان خویش ترسندگان از مرگ منت نهاد
عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ ○ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ
بر ما و برهانید ما را از عذاب گرم سوزان ما بودیم از پیش که همی خوانیم خدای را
إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ○ فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ
که وست نیکوکار و بخشاینده پند ده نیستی تو بنعمت خداوند تو اختر گیر
وَلَا مَجْنُونٍ ○ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ
ونه دیوانه یا همی گویند شاعر است چشم همی داریم بوی بد زمانه یعنی مرگ
قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ○ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم
بگو چشم همی دارید که من با شمایم از چشم دارندگان یا همی فرماید ایشان را خردهای ایشان

کاهن کسی را گویند که خبرهای نهانی گوید بواسطه جنیان والله تعالی اعلم

[illegible]

خمس

عشر

بِهَٰذَا

بِهَٰذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ○ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَّا يُؤْمِنُونَ
برین یا ایشان گروهی اند گردن برکشان یا همی گویند از خویشتن همی گوید که ایشان ایمان نمی آرند
فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ○ أَمْ خُلِقُوا مِنْ
بیارند سخنی همچنین اگر هستند راست گویان یا آفریده شدند از
غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ○ أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَل
هیچ چیزی یا ایشان آفریدگار خویشند یا بیافریدند آسمانها و زمین که
لَّا يُوقِنُونَ ○ أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ
ایشان بیگمانند یا نزد ایشانند گنج خانهای خداوند تو یا ایشانند کاشتکان یعنی بر خدا
أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ
یا مر ایشان راست نردبانی که گوش همی دارند اندروی پس بیارد شنونده ایشان حجتی پیدا
أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ○ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن
یا مر او راست دختران و مر شما را پسران یا بخواهی از ایشان مزدی پس ایشان از
مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ○ أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ○ أَمْ
تاوان گران بار گشته اند یا نزد ایشان است نهان پس ایشان همی نویسند یا
يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ○ أَمْ لَهُمْ
همی خواهند بد ساختن آنها که کافر گشتند ایشانند که بد با ایشان باز گردد یا مر ایشان را
إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ○ وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ
خدای جز خدای پاکست خدای از آنچه انباز گیرند و اگر ببینند پاره از
السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ○ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا
آسمان افتاده گویند ابریست زبر یکدیگر نشسته دست بازدار از ایشان تا برسند
يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ○ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُم
بروز خویش آنکه اندروی بیهوش کنند شان آن روز بسنده ندارد از ایشان ساز ایشان چیزی

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

خمس

[illegible]

شیئا ولا هم ینصرون • وان للذین ظلموا عذابا دون
چیزی و نه ایشانرا یاری کنند و مر آنکسانرا که بیداد کردند عذابیست جز

ذلک ولکن اکثرهم لا یعلمون • واصبر لحکم ربک فانک
این و لیکن بیشترین ایشان همی ندانند و شکیبا باش مر حکم خداوند خویش را که تو

باعیننا وسبح بحمد ربک حین تقوم • ومن اللیل فسبحه
بنگاه داشت مایی و تسبیح کن بستایش خداوند تو چون برخیزی و از شب نماز کن او را

وادبار
سورة النجم مکیة اثنان وستون آیة
النجوم
و بباز گشتن ستارگان

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام آن خدایی که ایمان ده مهربان که بر ایمان بدارد و بخشاینده که از اینجهان با ایمان برد

والنجم اذا هوی • ما ضل صاحبکم وما غوی • وما
سوگند بستاره برون چون فرو رود که گم گشت یار شما پیغمبر و از راه گشت و

ینطق عن الهوی • ان هو الا وحی یوحی • علمه شدید القوی
سخن نگوید از آرزوی خویش نیست آن مگر که وحی همی آید بوی بیاموختش کسی سخت نیرو

ذو مرة فاستوی • وهو بالافق الاعلی • ثم دنی فتدلی
خداوند تمام عقل است بایستاد و وی برکناره برترین بود باز نزدیک آمد محمد

فکان قاب قوسین او ادنی • فاوحی الی عبده ما اوحی ما
بود گوشه دو کمان یا نزدیکتر و وحی فرستاد سوی بنده خود آنچه وحی فرستاد

کذب الفؤاد ما رای • افتمارونه علی ما یری • ولقد
دروغ نگفت دل محمد آنچه بدید باجنگان همی دارید او را بر آنچه بدید و بحق

راه نزلة اخری • عند سدرة المنتهی • عندها جنة
بدید او را باری دیگر نزد بجایگاه بجایگاه رسیده نزد وی بوستان

... کنند یعنی بال خود با آسمان برد بجدی که فرشتگان آسمان صدای تکبیر او را می شنیدند و از آنجا سرنگون نمود و از شدت قوت لرزه او قوم ثمود بمردند ...

[illegible]

المأوی

[illegible]

خمس

عشر

خمس

حزب

المأوی • اذ یغشی السدرة ما یغشی • ما زاغ البصر وما
بودن گاه چون پوشید درخت را آنچه پوشید برنگشت چشم او و از

طغی • لقد رای من آیات ربه الکبری • افرایتم اللات
حد اندر نگذشت بیگمان بدید از نشانهای خداوند خویش بزرگترین چه بینید و چه گویند بت لات

والعزی • ومنوة الثالثة الاخری • الکم الذکر وله
و بت عزی و بت منوة سه دیگر باره پس مر شماراست نر و مر اوراست

الانثی • تلک اذا قسمة ضیزی • ان هی الا اسماء سمیتموها
ماده این انگاه بخششی باشد بیداد و نیستند ایشان مگر نامهایی که نام کردید شما

انتم وآباؤکم ما انزل الله بها من سلطان ان یتبعون
و پدران شما فرو نفرستاد خدا بدین هیچ حجتی پی همی روند

الا الظن وما تهوی الانفس ولقد جاءهم من ربهم
مگر گمان و آنچه آرزو کند تنهای ایشان و بدرستی آمد بایشان از خداوند ایشان

الهدی • ام للانسان ما تمنی • فلله الآخرة والاولی
راه راست یا مر مردم راست آنچه آرزو کند مر خدایراست آنجهان و اینجهان

وکم من ملک فی السموات لا تغنی شفاعتهم شیئا الا من بعد
و چند از فرشته اندر آسمان بنیاز نگرداند خواهش ایشان چیزی مگر از پس آنکه

ان یاذن الله لمن یشاء ویرضی • ان الذین لا یؤمنون
دستوری دهد خدای آنرا که خواهد و بپسندد آنکسانکه نگروند

بالآخرة لیسمون الملئکة تسمیة الانثی • وما لهم به
بآنجهان نام می نهند فرشتگان را نام ماده و نیست مر ایشانرا بدان

من علم ان یتبعون الا الظن وان الظن لا یغنی من
از دانش پی همی بروند مگر گمانی و گمانی سود ندارد از

الحق شيئا فاعرض عن من تولى عن ذكرنا ولم يرد الا الحيوة
راستی چیزی روی بگردان از آنکسی که برگشت از یاد ما یعنی توحید و نخواست مگر زندگانی
الدنيا ذلك مبلغهم من العلم ان ربك هو اعلم بمن ضل
اینجهان این است جای رسیدن ایشان از دانش که خداوند تو وی است داناتر بآنکه گم شد
عن سبيله ~~وهو اعلم بمن ضل عن سبيله~~ وهو اعلم
از راه وی و وی است داناتر
بمن اهتدى ولله ما في السموات وما في الارض ليجزي
بآنکه راه راست یافته و مر خدایراست آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمین است تا بادافراه کند
الذين اساؤا بما عملوا ويجزي الذين احسنوا بالحسنى الذين
آنهارا که بدی کردند بدانچه کردند و پاداش دهد آنهارا که نیکوئی کردند به نیکی آنها که
يجتنبون كبائر الاثم والفواحش الا اللمم ان ربك واسع
کناره کنند از بزرگ گناهان بزه و ناخوبها مگر گناهان خرد که خداوند تو فراخ
المغفرة هو اعلم بكم اذ انشاكم من الارض واذ انتم اجنة
آمرزش است وی داناتر است بشما چون بیافرید شما را از زمین و چون شما پنهان بودید
في بطون امهاتكم فلا تزكوا انفسكم هو اعلم بمن اتقى
اندر شکمهای مادران شما پس پاک مکنید تنها خویش را وی داناتر است بآنکسی که بپرهیزید
افرايت الذي تولى واعطى قليلا واكدى اعنده
چه بینی آنکسی را که برگشت و بداد اندکی و باز ایستاد از دادن با نزد اوست
علم الغيب فهو يرى ام لم ينبا بما في صحف موسى وابرهيم
دانش پنهان که وی همی بیند یا آگاهی نداده اند بدانچه اندر نامهای موسی و ابراهیم
الذي وفى الا تزر وازرة وزر اخرى وان ليس للانسان
آنکه تمام بکرد فرمان خدایرا بر ندارد هیچ نفس بردارنده بار گناه دیگری و نیست مردم

عشر

خمس

[illegible]

الا ما سعى وان سعيه سوف يرى ثم يجزيه الجزاء الاوفى
مگر آنچه کرد و بکوشش وی زود باشد که دیده شود باز پاداش دهندش پاداش تمامتر
وان الى ربك المنتهى وانه هو اضحك وابكى وانه هو
و آنکه سوی خداوند تو باشد بازگشتن و وی است که وی بخندانید زمین را بنبات و بگریانید آسمانرا و وی است که وی
امات واحيى وانه هو خلق الزوجين الذكر والانثى من نطفة
بمیراند و زنده کند و وی است که بیافرید دو جفت نر و ماده از آب بویه
اذا تمنى وان عليه النشاة الاخرى وانه هو اغنى و
چون ریخته شود و از شما و بر وی است آفریدن دیگر بار و وی است که وی توانگر کرد و
اقنى وانه هو رب الشعرى وانه اهلك عادا الاولى
خرسند کرد و وی است که وی خداوند ستاره شعری است و وی است که هلاک کرد قوم هود نخستین
وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم و
ثمود را قوم صالح نماند از ایشان کس و گروه نوح را از پیش که ایشان بودند ایشان ستمکارتر و
اطغى والمؤتفكة اهوى فغشيها ما غشى فباي الاء
سرکشتر و شهرستان لوط را سر زیر کرده و بپوشانید آنچه رسانید پس کدام نعمتهای
ربك تتمارى هذا نذير من النذر الاولى ازفت الازفة
خداوند تو گمان می آری این محمد بیم کننده است از بیم کنندگان نخستین نزدیک آمد نزدیک آمده
ليس لها من دون الله كاشفة افمن هذا الحديث تعجبون وتضحكون
نیست مر او را بجز خدای کشاینده آیا از این سخن شگفت دارید و بخندید
ولا تبكون وانتم سامدون فاسجدوا لله واعبدوا
و نمی گریید و شما بر غفلت ایستاده اید سجده کنید مر خدایرا و بپرستید

سورة الساعة مكية اثنان وخمسون اية

عشر

خمس

عشر

خمس

سجدة عشر

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که نیست هست کند مهربان که نعمت بیشمار دهد بخشاینده که گناهان بیشمار بیامرزد

اقتربت الساعة وانشق القمر ۝ وان يروا اية يعرضوا
نزدیک آمد رستاخیز و بشکافت ماه واگر ببینند نشانه روی بگردانند

ويقولوا سحر مستمر ۝ وكذبوا واتبعوا اهواءهم
و گویند جادوی است محکم و بدروغ داشتند و بدم رفتند آرزوهای خویش را

وكل امر مستقر ۝ ولقد جاءهم من الانباء ما فيه
و هر کاری بجای خود آرامیده است و هر آینه آمد بایشان از خبرها آنچه اندروی

مزدجر ۝ حكمة بالغة فما تغن النذر ۝ فتول عنهم يوم
جای باز ایستادن است سخن استوار بجای رسیده سود نمی دارد انبیا را پیغمبران پس روی بگردان از ایشان آن روز

يدع الداع الى شيء نكر ۝ خشعا ابصارهم يخرجون من
که بخواند خواننده سوی چیزی سخت بزرگ ترسیده پس چشمهای ایشان بیرون آیند از

الاجداث كانهم جراد منتشر ۝ مهطعين الى الداع
گورها پنداری که ایشان ملخ اند پراکنده شتابان باشند سوی خواننده

يقول الكافرون هذا يوم عسر ۝ كذبت قبلهم قوم
گویند کافران این روزیست دشوار دروغ داشتند پیش از ایشان گروه

نوح فكذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر ۝ فدعا ربه
نوح بدروغ داشتند بنده ما نوح را و گفتند دیوانه است و باز زدندش بخواند خداوند خود را

اني مغلوب فانتصر ۝ ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر
که من غلبه کرده شدم یاری کن مرا کشادیم درهای آسمان بآبی بسیار

وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر ۝
و بشکافتیم زمین را چشمهای روان فراهم رسید آب بر کاری که تقدیر کرده شده بود

خمس

عشر

وحملناه

۲۴۶

وحملناه على ذات الواح ودسر ۝ تجري باعيننا جزاء لمن
و برداشتیم نوح را بر کشتی با تختها و میخها همی رفت بچشم داشت ما پاداش مر کسی را

كان كفر ۝ ولقد تركناها اية فهل من مدكر ۝ فكيف كان
که بوده ناسپاس و دست باز داشتیم کشتی را نشانی هست هیچ یادگیرنده چگونه بود

عذابي ونذر ۝ ولقد يسرنا القران للذكر فهل من مدكر ۝
عذاب من و بیم کردن من و بتحقیق آسان کردیم قرآن را مر یاد داشتن را هست هیچ یادگیرنده

كذبت عاد فكيف كان عذابي ونذر ۝ انا ارسلنا عليهم
بدروغ داشتند عاد هود را چگونه بود عذاب من و بیم کردن من ما بفرستادیم بر ایشان

ريحا صرصرا في يوم نحس مستمر ۝ تنزع الناس كانهم اعجاز
بادی سخت و سرد اندر روز شوم نامبارک همی کنند بیرون مردمان را پنداری که ایشان

نخل منقعر ۝ فكيف كان عذابي ونذر ۝ ولقد يسرنا القران
خرما بنانند از جا برکنده چگونه بود عذاب من و بیم کردن من و بتحقیق آسان کردیم قرآن را

للذكر فهل من مدكر ۝ كذبت ثمود بالنذر ۝ فقالوا ابشرا
مر یاد گرفتن را هست هیچ یادگیرنده بدروغ داشتند ثمود صالح پیغمبر را بیم کردن گفتند ای مردمی

منا واحدا نتبعه انا اذا لفي ضلال وسعر ۝ االقي الذكر
هم از ما یکی بدم وی رویم ما آنگاه اندر گم بوده باشیم و دیوانگی آیا بیفکنده شد یاد کرد

عليه من بيننا بل هو كذاب اشر ۝ سيعلمون غدا من الكذاب
بروی از میان ما که وی دروغ زن است برگرفته زود بدانند فردا که کیست دروغ زن

الاشر ۝ انا مرسلوا الناقة فتنة لهم فارتقبهم واصطبر ۝
برگرفته ما فرستنده ایم ماده شتر را آزمایش مر ایشان را چشم دار ایشان را و شکیبائی کن

ونبئهم ان الماء قسمة بينهم كل شرب محتضر ۝ فنادوا
و آگاهی ده ایشان را که آب بخشش است میان ایشان هر خوردنی بیامد خداوند و آواز دادند

خمس

عشر

خمس

عشر

[illegible]

صاحبهم فتعاطى فعقر فكيف كان عذابى ونذر انا
یار خویش را دست دراز کرد بکشت ناقه چگونه بود عذاب من وبیم کردن من ما
ارسلنا عليهم صيحة واحدة فكانوا كهشيم المحتظر ولقد
بفرستادیم بر ایشان بانگی یکی بودند چون گیاه خشک بر کنده و بتک
يسرنا القران للذكر فهل من مدكر كذبت قبلهم قوم
آسان کردانیدیم قران را از بهر یاد داشتن هست هیچ یاد گیرنده بدروغ داشتند گروه
لوط بالنذر انا ارسلنا عليهم حاصبا الا ال لوط
لوط را بیم کردن ما فرستادیم بر ایشان سنگ ریزه مگر کسان لوط
نجيناهم بسحر نعمة من عندنا كذلك نجزى من شكر ولقد
برهانیدیم ایشان بوقت سحرگاه نیکویی از نزد ما همچنین پاداش دهیم آنرا که سپاس دارد
انذرهم بطشتنا فتماروا بالنذر ولقد راودوه عن
بترسانید ایشان را از گرفتن ما پس شک آوردند بیم نمایندگان را و هر آینه مطالبت نمودند از
ضيفه فطمسنا اعينهم فذوقوا عذابى ونذر ولقد
مهمانان وی با نشان کردانیدیم چشمهای ایشان را بچشید عذاب کردن من وبیم کردن من و
صبحهم بكرة عذاب مستقر فذوقوا عذابى ونذر ولقد
بامداد بیامد بایشان شبگیر عذابی بجایگاه رسیده بچشید عذاب کردن من وبیم کردن من وبتک
يسرنا القران للذكر فهل من مدكر ولقد جاء ال فرعون
آسان کردیم بنبی را مر یاد داشتن هست هیچ یاد گیرنده وبتحقیق آمد بکسان فرعون
النذر كذبوا باياتنا كلها فاخذناهم اخذ عزيز مقتدر
پیغمبران دروغ داشتند نشانهای ما را همه بگرفتیم ایشان گرفتن سخت گیری توانایی
اكفاركم خير من اوليكم ام لكم براءة فى الزبر ام يقولون
یا کافران شما بهتراند از آنها کافران یا مر شما را بیزاریست اندر نامها یا همی گویند

خمس

عشر

خمس

نحن

خمس

نحن جميع منتصر سيهزم الجمع ويولون الدبر بل الساعة
ما همه کینه کشیم زود هزیمت کنند همه کافران و برگردند بر پشتها خویش بلکه رستخیز
موعدهم والساعة ادهى وامر ان المجرمين فى ضلال
وعده گاه ایشان و رستخیز سخت تر است و تلخ تر گنه کاران اندر گمراهی اند
وسعر يوم يسحبون فى النار على وجوههم ذوقوا مس
و دیوانگی آن روز که بکشند شان اندر آتش بر رویهای ایشان بچشید بسودن
سقر انا كل شىء خلقناه بقدر وما امرنا الا واحدة
دوزخ ما هر چیزی بیافریدیمش باندازه و نیست فرمان ما مگر یکی
كلمح بالبصر ولقد اهلكنا اشياعكم فهل من مدكر و
چون تابش چشم و ما هلاک کردیم گروهان شما هست هیچ پند گیرنده و
كل شىء فعلوه فى الزبر وكل صغير وكبير مستطر ان
هر چیزی که ایشان کردند اندر نامهاست و هر خوردی و بزرگی نوشته هست
المتقين فى جنات ونهر فى مقعد صدق عند مليك
پرهیزکاران اندر بوستانها باشند و جویها اندر نشستگاه پسندیده نزد پادشاهی

سورة الرحمن عز وجل مقتدر مدنية ثمان وسبعون آية

توانا
بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدایی که بخشنده است مهربان روزی دهنده با منت بخشاینده و رحمت کننده بشفقت
الرحمن علم القران خلق الانسان علمه البيان الشمس
خدای بخشاینده بیاموزانید نبی را بیافرید مردم را بیاموزانیدش بیان کردن آفتاب
والقمر بحسبان والنجم والشجر يسجدان والسماء
و ماه را بشمار و گیاه و درختان سجده کنند و آسمان را

عشر

خمس

خمس

[illegible]

رفعها ووضع الميزان ألا تطغوا في الميزان وأقيموا
برداشتش و بنهاد ترازو که افزونی مکنید اندر ترازو و راست کنید
الوزن بالقسط ولا تخسروا الميزان والأرض وضعها
بسنجیدن بداد و کم مکنید ترازو را و زمین قرار جاکردش
للأنام فيها فاكهة والنخل ذات الأكمام والحب
مر خلق را اندروی میوه است و خرما بنان با غلافها و دانه با
ذو العصف والريحان فبأي آلاء ربكما تكذبان خلق
با برگ علف و ستوران و سبزهها گونگون کدام نعمتهای خداوند خویش دروغ دارید بیافرید
الإنسان من صلصال كالفخار وخلق الجان من مارج
مردم را از گل بانگ چون سفال و بیافرید پری را از زبانهٔ
من نار فبأي آلاء ربكما تكذبان رب المشرقين
از آتش کدام نعمتهای خداوند خویش را دروغ دارید خداوند دو مشرق
ورب المغربين فبأي آلاء ربكما تكذبان مرج البحرين
و خداوند دو مغرب کدام نعمتها خداوند خویش را دروغ دارید جدا کرد دو دریا را
يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فبأي آلاء ربكما
تا بهم اندر شوند میان ایشان پرده ایست تا نیامیزند کدام نعمتها خداوند خویش
تكذبان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان فبأي آلاء
دروغ دارید بیرون آید از میان دو دریا مروارید بزرگ و مروارید خورد کدام نعمتها
ربكما تكذبان وله الجوار المنشآت في البحر كالأعلام
خداوند خویش دروغ دارید و مراورا ست کشتیها روان اندر دریا چون کوهها
فبأي آلاء ربكما تكذبان كل من عليها فان ويبقى
کدام نعمتها خداوند خویش دروغ دارید همه هر که بر زمین است نیست شود و بماند

عشر

انام عبارت [illegible] کان بود
بعضی از [illegible] آدمیان و جنیان
[illegible] ایشان هم
و بقول بعضی از اهل لغت
آدمیان و جنیان است
آدمیان و جنیان است که از لفظ
انام مستفاد می شود [illegible]

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

وجه

۵۴۸

وجه ربك ذو الجلال والإكرام فبأي آلاء ربكما تكذبان
هستی خداوند تو با بزرگواری و نواختن کدام نعمتها خداوند خویش را دروغ
يسأله من في السماوات والأرض كل يوم هو في
همی خواهند از وی حاجتها آنکه اندر آسمانها و زمین است هر روز وی اندر
شأن فبأي آلاء ربكما تكذبان سنفرغ لكم أيه
کاریست بکدام نعمتها خداوند خویش بدروغ دارید زود پردازیم بشما ای
الثقلان فبأي آلاء ربكما تكذبان يا معشر الجن والإنس
پریان و آدمیان بکدام نعمتها خداوند خویش بدروغ دارید ای گروه پریان و آدمیان
إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السماوات والأرض
اگر بتوانید که بیرون شوید از کنارهای آسمانها و زمین
فانفذوا لا تنفذون إلا بسلطان فبأي آلاء ربكما
بیرون شوید بیرون نشوید مگر بفرمان و حجت کدام نعمتها خدا را
تكذبان يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران
دروغ همی دارید فرستاده شود بر شما زبانه از آتش و مس گداخته یاری ندهیم ایشان را
فبأي آلاء ربكما تكذبان فإذا انشقت السماء فكانت وردة
کدام نعمتها خداوند را بدروغ دارید و چون بشکافد آسمان بباشد گل سرخ
كالدهان فبأي آلاء ربكما تكذبان فيومئذ لا يسأل
که بزردی زند چون روغن زیت کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ همی دارید آن روز نپرسند
عن ذنبه إنس ولا جان فبأي آلاء ربكما تكذبان يعرف
از گناهان وی آدمیرا و نه پری را کدام نعمتها خداوند خویش را دروغ دارید بشناسند
المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي والأقدام فبأي آلاء
گناهکاران بنشان روی ایشان بگیرند بموی پیشانی و پایها کدام نعمتها

عشر

خمس

۲۴۹

ربکما تکذبان هذه جهنم التی یکذب بها المجرمون یطوفون
خداوند خویش را بدروغ دارید این است دوزخ آنکه همی بدروغ داشتند آنرا گناهکاران همی گردند
بینها وبین حمیم ان فبای آلاء ربکما تکذبان ولمن خاف
میان آن و میان آب گرم جوشان کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ دارید و هر کس که بترسد
مقام ربه جنتان فبای آلاء ربکما تکذبان ذواتا افنان
از ایستادن پیش خداوند خویش دو بستان کدام نعمتهاء خداوند خویش را بدروغ دارید خداوندان شاخها
فبای آلاء ربکما تکذبان فیهما عینان تجریان فبای آلاء
کدام نعمتهاء خداوند خویش را بدروغ دارید اندر هر دو بستان چشمها که همی رود کدام نعمتهاء
ربکما تکذبان فیهما من کل فاکهة زوجان فبای آلاء
خداوند خویش را بدروغ همی دارید اندر هر دو بوستانها از هر میوه دو جفت دو گونه کدام نعمتها
ربکما تکذبان متکئین علی فرش بطائنها من استبرق وجنا
خداوند خویش را بدروغ دارید تکیه زدگان بر گسترشها استرهاء آن اند [illegible]
الجنتین دان فبای آلاء ربکما تکذبان فیهن قاصرات
هر دو بستان نزدیک است کدام نعمتهاء خداوند خویش را بدروغ همی دارید اندرین بستانها کنیزکان باشند
الطرف لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان فبای آلاء
فروگرفته چشمها ایشان کرد نا آمده بدیشان مردمی پیش از ایشان و نه پری پس کدام نعمتهای
ربکما تکذبان کانهن الیاقوت والمرجان فبای
پروردگار شما تکذیب میکنید درست گوئی ایشان یاقوتند و مروارید بزرگ پس کدام نعمتها
ربکما تکذبان هل جزاء الاحسان الا الاحسان فبای
خداوند را بدروغ دارید جزا هست پاداش نیکو کردن مگر نیکوئی کردن کدام
آلاء ربکما تکذبان ومن دونهما جنتان فبای آلاء ربکما
نعمتها خداوند خویش را بدروغ دارید و [illegible] دو بستان پس کدام نعمتها خداوند

تکذبان مدهامتان فبای آلاء ربکما تکذبان فیهما
بدروغ دارید هر دو سخت سبز که بسیاهی زنند کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ دارید اندران دو
عینان نضاختان فبای آلاء ربکما تکذبان فیهما فاکهة
دو چشمه جوشان روان کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ دارید اندران دو بستان میوه
ونخل ورمان فبای آلاء ربکما تکذبان فیهن خیرات
و خرما بنان و انار کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ دارید اندرین بوستانها کنیزکان
حسان فبای آلاء ربکما تکذبان حور مقصورات
نیکان کدام نعمتهای خداوند خویش را بدروغ دارید حوران ستوران سخت سیاه چشم
فی الخیام فبای آلاء ربکما تکذبان لم یطمثهن
اندر خیمها کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ همی دارید نرسیده [illegible]
انس قبلهم ولا جان فبای آلاء ربکما تکذبان متکئین
آدمی پیش از ایشان و نه پری کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ دارید تکیه زدگان
علی رفرف خضر وعبقری حسان فبای آلاء ربکما تکذبان
بر بالشهای سبز و نهالیهاء نیکو کدام نعمتها خداوند خویش را بدروغ

تبارک اسم ربک ذی الجلال والاکرام
با برکت است نام خداوند تو بزرگوار و با کرامی

سورة الواقعة

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای که [illegible]
اذا وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة
چون بیفتد آن ساعت آمدنی نیست مر آمدن آنرا دروغی فرو نهنده و بردارنده
اذا رجت الارض رجا وبست الجبال بسا فکانت هباء
چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی و نرم کرده شود کوهها نرم کردنی پس شود گرد

حزب
عشر
حزب

حزب
عشر
حزب

[illegible]

تکذبان

[illegible]

منبثا ۝ وکنتم ازواجا ثلثة ۝ فاصحاب المیمنة ما اصحاب

پراکنده و بباشید شما اصناف سه گانه خداوندان دست راست چیست خداوندان

المیمنة ۝ واصحاب المشامة ما اصحاب المشامة ۝ والسابقون

دست راست و خداوندان دست چپ چیست خداوندان دست چپ و پیشروان

السابقون ۝ اولئک المقربون ۝ فی جنات النعیم ۝ ثلة

در طاعت و نیایش روند ایشان باشند نزدیک کردگان اندر بوستانهای با نعمت گروهی

من الاولین ۝ وقلیل من الاخرین ۝ علی سرر موضونة

از پیشینیان و اندکی از پسینان بر تختها بهم اندر بافته

متکئین علیها متقابلین ۝ یطوف علیهم ولدان مخلدون

تکیه زدگان برانجا روی بروی آورده همی گردد برایشان کودکان جاویدان

باکواب واباریق وکاس من معین ۝ لا یصدعون

بکوزها و ابریقها و کاسها از آب چشمه روان درد سر نگیرد ایشان را

عنها ولا ینزفون ۝ وفاکهة مما یتخیرون ۝ ولحم طیر مما

از آن شراب و خرد شان نرود و میوه از آنچه بگزینند و گوشت مرغ از آنچه

یشتهون ۝ وحور عین ۝ کامثال اللؤلؤ المکنون ۝ جزاء

آرزو کنند و کنیزکان سفید پوست فراخ چشم مانند مروارید اندر حقه پاداش

بما کانوا یعملون ۝ لا یسمعون فیها لغوا ولا تاثیما ۝ الا

بدانچه همی کردند نشنوند اندر آنجا سخن بیهوده و نه سخن بزه مگر

قیلا سلاما سلاما ۝ واصحاب الیمین ما اصحاب الیمین

گفتا که یکدیگر را ایمن باشید ایمن باشید و خداوندان دست راست چیست خداوندان دست راست

فی سدر مخضود ۝ وطلح منضود ۝ وظل ممدود ۝ وماء

اندر سایه درختی بی خار و موز بر یکدیگر نهاده و سایه کشیده و آب

مسکوب

عشر

خمس

[illegible]

عشر

خمس

عشر

٢٥٠

مسکوب ۝ وفاکهة کثیرة ۝ لا مقطوعة ولا ممنوعة ۝ و

ریخته و میوهای بسیار نه بریده و نه بازداشته و

فرش مرفوعة ۝ انا انشاناهن انشاء ۝ فجعلناهن

گسترشهای بلند برآورده ما بیافریدیم ایشان را آفریدنی و بکردیم ایشان را

ابکارا ۝ عربا اترابا ۝ لاصحاب الیمین ۝ ثلة من الاولین

دوشیزگان شوی دوستان همزادگان مر خداوندان دست راست را گروهی از پیشینیان

وثلة من الاخرین ۝ واصحاب الشمال ما اصحاب الشمال

و گروهی از پسینیان و خداوندان دست چپ را چیست خداوندان دست چپ

فی سموم وحمیم ۝ وظل من یحموم ۝ لا بارد ولا کریم

اندر بادی گرم و آبی گرم جوشان و سایه از آتش گرم نه خنک و نه خوش

انهم کانوا قبل ذلک مترفین ۝ وکانوا یصرون علی

که ایشان بودند پیش از آن نعمت پروردگان و بودند دایم پیوسته بر

الحنث العظیم ۝ وکانوا یقولون ائذا متنا وکنا ترابا

گناه بزرگ و بودند که همی گفتند چون بمیریم و باشیم خاکی

وعظاما ائنا لمبعوثون ۝ اوآباؤنا الاولون ۝ قل ان

و استخوانها هرگز ما را برانگیزند یا پدران ما را پیشینیان بگو که

الاولین والاخرین لمجموعون ۝ الی میقات یوم معلوم

پیشینیان و پسینیان همه را گرد آرند سوی وعده گاه روزی دانسته

ثم انکم ایها الضالون المکذبون ۝ لاکلون من

باز شما ای گمشدگان دروغ دارندگان هرآینه خورنده

شجر من زقوم ۝ فمالئون منها البطون ۝ فشاربون علیه من الحمیم

درختی از زقوم پرکننده از وی شکمها

خمس

عشر

خمس

عشر

خمس

شُرْبَ الْهِيمِ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا

آشامیدن شتران این بود روزی ایشان روز شمار ما بیافریدیم شمارا چرا

تُصَدِّقُونَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ

باور ندارید چه بینید از آبی که از شما بیرون آید شما آفریدید آن را یا ما

الْخَالِقُونَ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

آفریننده‌ایم ما تقدیر کردیم میان شما مرگ و نه‌ایم ما که پیش توان رفتن

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ وَلَقَدْ

بر گردانیدن مانند شما و بیافرینیم شمارا در آنچه ندانید و بتحقیق

عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا

دانسته‌اید آفرینش نخستین چرا پند نگیرید چه بینید آنچه

تَحْرُثُونَ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ لَوْ نَشَاءُ

شما همی کارید شما همی رویانید آن را یا ما هم رویاننده آن اگر بخواهیم

لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ

بکنیم آنرا خرد شکسته همه روز بودید شگفت همی دارید بگوئید ما تاوان زدگانیم که

نَحْنُ مَحْرُومُونَ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ءَأَنْتُمْ

ما دولت بخشکانیم چه بینید آن آب که همی بخورید شما

أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ

فرود آورید آن از ابر یا ما هم فرود آرنده اگر بخواهیم بگردانیمی

أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ

شور تلخ چرا همی سپاس داری نکنید چه بینید آن آتش که چقماق زنید

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا

شما برآورید آن درخت را یا ما برآرندگان ما بکردیم آنرا

عشر

خمس

عشر

حزب

[illegible]

تذکرة

۲۵۱

تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ فَلَا

پندی و منفعتی و توشه سپری شدگان را تسبیح کن بنام خداوند تو بزرگ

أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ إِنَّهُ

سوگند یاد کنم بجای فرو رفتن گاه ستارگان و این سوگند است اگر بدانید بزرگ که وی

لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

قرآنی است بزرگوار اندر نامه نگهداشته نه بساود اورا مگر پاکیزگان

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

فرو فرستاده از خداوند همه خلق یا بدین سخن شما همی چرب سخنی کنید

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ

و همی کنید روزی خویش که شما همی دروغ دارید چگونه بود آنگاه که برسد

الْحُلْقُومَ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ

جان بگلو و شما آنگاه همی نگرید و ما نزدیکتر باشیم بوی

مِنْكُمْ وَلَٰكِنْ لَا تُبْصِرُونَ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

از شما و لیکن شما نه بینید چرا نه اگر هستید شما جز پاداش دادگان

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

باز گردانید آن جان اگر هستید راست گویان پس اگر باشد از نزدیک کردگان

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ

بباید آسایش و سپرغم و بوستان با نعمت و اگر باشد از مردمان

الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَمَّا إِنْ كَانَ

دست راست درود باد مر ترا از مردمان دست راست و اگر باشد

مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ

از دروغ گویان گمشدگان مهمان خوردنی باشد از آب گرم و اندر بودن

خمس

عشر

خمس

عشر

[illegible]

خمس

جحيم ۝ ان هذا لهو حق اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم
بدوزخ این است کوی راست بیگمان است تسبیح کن بنام خداوند تو بزرگ

سورة الحديد مدنية تسع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام خدای که هدیه دهد بخدمت مهربان که روزی دهد بطاعت بخشاینده که بیامرزد بشفاعت
سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۝ له
پاک گفتار مر خدایراست آنچه اندر آسمانها است و زمین است و ویست عزیز استوار کار مر او راست
ملك السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ۝
پادشاهی آسمانها و زمین زنده گرداند و بمیراند و ویست بر هر چیزی توانا
هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم ۝
ویست اولین و آخرین آشکارا و پنهان و ویست بهر چیزی دانا
هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى
ویست آنکه بیافرید آسمانها و زمین اندر شش روز باز قصد کرد
على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل
بر آفرینش عرش بداند آنچه اندر آید اندر زمین و آنچه بیرون آید از وی و آنچه فرود آید
من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اين ما كنتم والله بما
از آسمان و آنچه بر شود اندر وی و وی با شماست هر کجا باشید و خدا بدانچه
تعملون بصير ۝ له ملك السموات والارض والى الله ترجع
همی کنید بیناست و او راست پادشاهی آسمانها و زمین و با خداست بازگشتن
الامور يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل
کارها اندر آرد شب را اندر روز و اندر آرد روز را اندر شب

از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که هر که
سوره‌های مسبحات را بخواند پیش از آنکه بخوابد
نمیرد تا درک کند حضرت قائم
صلوات الله علیه را و اگر بمیرد در
همسایگی رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد
و از حضرت ابو عبد الله مرویست که هر که سوره حدید و سوره
مجادله را در نماز فریضه بخواند و
مداومت نماید هرگز خدا او را عذاب نکند
تا بمیرد و هرگز بدی نبیند در نفس
خود و اهل و عیال خود
و هرگز خصاصت در بدن خود
نبیند

وهو

۲۵۲

وهو عليم بذات الصدور ۝ امنوا بالله ورسوله وانفقوا
و وی داناست بدانچه اندر دلهاست بگروید بخدا و پیغمبری وی و هزینه کنید
مما جعلكم مستخلفين فيه فالذين امنوا منكم وانفقوا لهم
بدانچه بکرد مر شما را خلیفتان اندروی و آنکسانی که بگرویدند از شما و هزینه کردند مر ایشانرا
اجر كبير ۝ وما لكم لا تؤمنون بالله والرسول يدعوكم
مزدی بزرگ و چه بوده است مر شما را که نگروید بخدا و پیغمبر وی همی خواند شمارا
لتؤمنوا بربكم وقد اخذ ميثاقكم ان كنتم مؤمنين ۝ هو الذي
تا بگروید بخداوند شما و گرفت پیمان شما اگر هستید گرویدگان ویست آنکه
ينزل على عبده ايات بينات ليخرجكم من الظلمات الى النور
فرو فرستاد بر بنده خویش حجتها پیدا تا بیرون آرد شمارا از تاریکیها سوی روشنائی
وان الله بكم لرءوف رحيم ۝ وما لكم الا تنفقوا في سبيل الله
و خدا بشما مهربان است و بخشاینده و چه بوده است مر شمارا که هزینه نکنید اندر راه خدا
ولله ميراث السموات والارض لا يستوي منكم من انفق
و مر خدایراست میراث آسمانها و زمین برابر نباشد از شما کسی که هزینه کرد
من قبل الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من الذين
از پیش فتح مکه و کارزار کرد ایشان بزرگترند بپایگاه از ایشان که
انفقوا من بعد وقاتلوا وكلا وعد الله الحسنى والله
هزینه کردند از پس فتح مکه و کارزار کردند و همه را وعده کرد خدا نیکوئی و خدا
بما تعملون خبير ۝ من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه
بدانچه همی کنید آگاه است کیست آنکسی که قرض دهد خدایرا وامی نیکو تا افزون کند
له وله اجر كريم ۝ يوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعى نورهم بين
مر اورا و مر اورا باشد مزدی بزرگوار آن روز که ببینی مردان گرویده و زنان گرویده رای رود روشنایی ایشان پیش

عشر

ایدیهم وبایمانهم بشریکم الیوم جنات تجری من تحتها
ایشان و از راست ایشان مژده شما را امروز بستانهایست همی رود از زیر آن
الانهار خالدین فیها ذلک هو الفوز العظیم یوم یقول
جویهای روان جاودان اندر آنجا این است کروی رستگاری بزرگ است آن روز که گوید
المنافقون والمنافقات للذین امنوا انظرونا نقتبس
مردان منافقان و زنان منافقان مر آنکسانرا که بگرویدند بپایید ما را تا بگیریم
من نورکم قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورا فضرب بینهم
از روشنایی شما گویند مؤمنان بازگردید با دنیا و شما بس طلب کنید روشنایی را پس بدید کرده شود میان ایشان
بسور له باب باطنه فیه الرحمة وظاهره من قبله العذاب
باره مر اورا دری اندرون وی اندر وی بخشایش است و از برون های از پیش وی عذاب
ینادونهم الم نکن معکم قالوا بلی ولکنکم فتنتم انفسکم
آواز دهند منافقان انبودیم با شما گویند آری ولیکن شما آزموده کردانید
وتربصتم وارتبتم وغرتکم الامانی حتی جاء امر الله
وچشم داشتید و بشک بودید و بفریفت شما را امیدها تا بیامد فرمان خدا
وغرکم بالله الغرور فالیوم لا یؤخذ منکم فدیة ولا من
و بفریفت شما را بخدا دیو فریبنده امروز نگیرند از شما بدل فداها و نه از
الذین کفروا ماویکم النار هی مولیکم وبئس المصیر الم یان
آنکسانکه بگرویدند بازگشت شما با آتش است وی است یار و بد جای بازگشتن است
للذین امنوا ان تخشع قلوبهم لذکر الله وما نزل من الحق
مر آنکسانرا که گرویدند که نرم شوند دلهای ایشان مر یاد خدا را و آنچه فرود آمد از راستی
ولا یکونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم
و نباشند چون آنکسانکه بدادند شان نامه یعنی توریة از پیش پس دراز گشت بر ایشان

خمس

الامد فقست قلوبهم وکثیر منهم فاسقون اعلموا ان
روزگار پس سخت شد دلهای ایشان و بسیار از ایشان بیفرمانانند بدانید که
الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم
خدا زنده گرداند زمین را پس مرگ وی بیک بدید کردیم مر شما را نشانها تا مگر شما
تعقلون ان المصدقین والمصدقات واقرضوا الله
دریابید راست دارندگان مردان و راست دارندگان زنان و وام دادند خدای را
قرضا حسنا یضاعف لهم ولهم اجر کریم والذین
وامی نیکو افزون کرداند مر ایشانرا و مر ایشانراست مزدی بزرگ و آنها که
امنوا بالله ورسله اولئک هم الصدیقون والشهداء
گرویدند بخدا و بپیغمبران وی ایشانند که ایشان راست گویان و شهیدان
عند ربهم لهم اجرهم ونورهم والذین کفروا وکذبوا بایاتنا
نزد خداوند خویش بهشتند مر ایشانراست مزد ایشان و روشنایی ایشان و آنکسانکه کافر شدند و بدروغ داشتند ایتهامارا
اولئک اصحاب الجحیم اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب ولهو
ایشانند باشندگان دوزخ بدانید که زندگانی اینجهان بازیست و فسوس
وزینة وتفاخر بینکم وتکاثر فی الاموال والاولاد
و آرایش و بسی فخر کردن میان شما و بیشی جستن اندر خواستها و فرزندان
کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتریه مصفرا
چون بارانیست که بشگفت آرد کافرانرا رستنی وی باز خشک شود بینی ورا زرد گشته
ثم یکون حطاما وفی الاخرة عذاب شدید ومغفرة من
باز باشد خرد شکسته و اندر آنجهان عذاب سخت و آمرزشی از
الله ورضوان وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور سابقوا
خدا و خشنودی و نیست زندگانی اینجهان مگر برخورداری فریفتگی بشتابید

عشر

[illegible]

الی مغفرة من ربكم وجنة عرضها كعرض السماء والارض
سوی آمرزش از خداوند شما و بوستان که فراخی و فضا وی چون فراخنای آسمانها و زمین

اعدت للذین امنوا بالله ورسله ذلك فضل الله یؤتیه
آماده کرده شده مرآنها را که گرویدند بخدا و پیغمبر وی این است افزونی از خدا بدهد آن

من یشاء والله ذو الفضل العظیم ما اصاب من مصیبة
مرآنرا که خواهد و خدا خداوند افزونی بزرگ است نرسد هیچ کاری اندوهگین

فی الارض ولا فی انفسكم الا فی كتاب من قبل ان نبراها
اندر زمین و نه اندر تنهای شما که اندر نامه هست از پیش بیافریدیم آنرا

ان ذلك علی الله یسیر لكیلا تاسوا علی ما فاتكم ولا
که این بر خدا آسان است تا اندوه نخورید بر آنچه فوت شد از شما و

تفرحوا بما اتیكم والله لا یحب كل مختال فخور الذین
شادی مکنید بدانچه داد شمارا و خدا دوست ندارد هر خرامنده گشی کننده را آنها که

یبخلون ویامرون الناس بالبخل ومن یتول فان الله
بخیلی کردند و بفرمایند مردمانرا ببخیلی و هرکه برگرداند روی پس بدرستیکه خدا

هو الغنی الحمید لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا
وی که بی نیاز است ستوده ما بفرستادیم پیغمبران مارا با حجتها و فرو فرستادیم

معهم الكتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط وانزلنا
باایشان نامه و ترازو تا بایستند مردمان براد و فرو فرستادیم

الحدید فیه باس شدید ومنافع للناس ولیعلم الله
آهن اندر وی نیروی سخت و منفعتها مر مردمانرا و تا بداند خدا

من ینصره ورسله بالغیب ان الله قوی عزیز ولقد
آنرا که یاری دهد وی و پیغمبرانرا ناپیدا که خدا تواناست و غالب و

[illegible]
لكیلا تاسوا علی ما فاتكم ولا تفرحوا بما اتیكم

صح

محمد اسمعیل

ارسلنا

ارسلنا نوحا وابرهیم وجعلنا فی ذریتهما النبوة و
بفرستادیم نوح را و ابراهیم را و بکردیم اندر فرزندان هر دو پیغمبری و

الكتاب فمنهم مهتد وكثیر منهم فاسقون ثم قفینا
نامه ازایشان راه یافته و بسیاری ازایشان بیفرمانان بودند باز پس فرستادیم

علی اثارهم برسلنا وقفینا بعیسی ابن مریم واتیناه الانجیل
بر نشانهای ایشان پیغمبر خویش و پس فرستادیم عیسی پسر مریم را و بدادیم وی انجیل

وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رافة ورحمة ورهبانیة
و بکردیم اندر دلهای آنها که بدم وی رفتند مهربانی و بخشایش و ترسکاری

ابتدعوها ما كتبناها علیهم الا ابتغاء رضوان الله
از خویشتن بنهادند آنرا ننبشتیم آنرا برایشان مگر جستن خشنودی خدا

فما رعوها حق رعایتها فاتینا الذین امنوا منهم اجرهم
که نداشتند آنرا سزای نگهداشتن وی بدادیم آنهارا که گرویدند ازایشان مزد ایشان

وكثیر منهم فاسقون یا ایها الذین امنوا اتقوا الله
و بسیاری ازایشان بیفرمانانند ای آنها که بگرویدید بترسید از خدا

وامنوا برسوله یؤتكم كفلین من رحمته ویجعل
و بگروید بر پیغمبر وی تا بدهد شمارا دو بهره از بخشایش خود و بکند

لكم نورا تمشون به ویغفر لكم والله غفور رحیم لئلا
مرشمارا روشنایی که همی روید بدان روشنایی و آمرزش کند مرشمارا و خدا آمرزنده و بخشاینده است تا

یعلم اهل الكتاب الا یقدرون علی شیء من فضل
بدانند مردمان تورية که توانا نباشند بر چیزی از افزونی

الله وان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل
خدا و بدانند که افزونی از حکم خداست بدهد مرآنرا که خواهد و خدا خداوند افزونی

الجزو الثامن والعشرون

سورة المجادلة العظيم مدنية اربع وعشرون آية

بزرگ است

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که جز و را آفریدکار نیست روزی دهنده دوستان و دشمنانست بخشاینده مومنان است

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها وتشتكي

بشنید خدا گفتار آنکه آن زن پیکار کرد با تو اندر شوی خویش و همی نالید

الى الله والله يسمع تحاوركما ان الله سميع بصير الذين

به خدا و خدا شنود سخن گفتن شما با یکدیگر که خدا شنوا و بیناست آنها

يظاهرون منكم من نسائهم ما هن امهاتهم ان امهاتهم

آشکارا گویند از شما از زنان خویش نیستند ایشان مادران ایشان نیستند مادران ایشان

الا اللائي ولدنهم وانهم ليقولون منكرا من القول

مگر زنان که فرزند ایشان و ایشان همی گویند ناگفتنی از گفتار

وزورا وان الله لعفو غفور والذين يظاهرون

و دروغ را و خدا ازگذرنده است آمرزنده و آنانکه همی اظهار گویند

من نسائهم ثم يعودون لما قالوا فتحرير رقبة من قبل

از زنان ایشان پس همی بازگردانند سوی آنچه گفتند آزاد باید کردن بنده از پیش

ان يتماسا ذلكم توعظون به والله بما تعملون خبير

آنکه یکدیگر را بسایند اینست که همی پند دهد شما را بوی و خدا بدانچه همی کنید آگاه است

فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين من قبل ان يتماسا

هرکه نیابد بنده روزه باید داشت دو ماه پیوسته از پیش آنکه یکدیگر را بسایند

فمن لم يستطع فاطعام ستين مسكينا ذلك لتؤمنوا

و هرکه نه تواند روزه داشت طعام باید داد شصت درویش را این بدانست تا بگروید

[illegible]

بالله

۲۵۵

خمس

بالله ورسوله وتلك حدود الله وللكافرين عذاب

بخدا و پیغمبر وی و این است حدها خدا و مر کافران را عذاب

اليم ان الذين يحادون الله ورسوله كبتوا كما كبت

دردناک آنکسانکه همی خلاف کنند خدا را و پیغمبر او را در اندازند همچنین که خوار کرد نگونسار کرد

الذين من قبلهم وقد انزلنا آيات بينات وللكافرين

آنکسانرا که از پیش ایشان بودند و فرو فرستادیم آیتها پیدا و مر کافران راست

عذاب مهين يوم يبعثهم الله جميعا فينبئهم بما

عذاب خوار کننده آن روزی که برانگیزد ایشانرا خدا همه پس آگاه کند ایشان بدانچه

عملوا احصيه الله ونسوه والله على كل شيء شهيد الم تر

کردند که داشته است آنرا خدا و فراموش کرده اند آنرا و خدا بر هر چیزی گواه است ای نه بینی

ان الله يعلم ما في السموات وما في الارض ما يكون من

که خدا داند آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمین است نباشد هیچ

نجوى ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم

راز گفتن سه تن مگر وی چهارم ایشان است و نه پنج تن مگر وی ششم ایشان

ولا ادنى من ذلك ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا

و نه کمتر از این و نه بیشتر مگر وی با ایشان است که کجا باشند

ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شيء عليم

باز آگاهی ایشانرا بدانچه کردند روز قیامت که خدا بهر چیزی داناست

الم تر الى الذين نهوا عن النجوى ثم يعودون لما نهوا

ای نگاه نکنی یا محمد سوی آنکسانکه باز داشتندشان از راز گفتن باز بازگردند سوی آنچه باز داشتند

عنه ويتناجون بالاثم والعدوان ومعصيت الرسول

از وی و راز همی گویند یکبار دیگر بزه کاری و از حد در گذشتن و بیفرمانی پیغمبر

واذا جاؤك حيوك بما لم يحيك به الله ويقولون في
و چون بیایند بتو تحیت کنند ترا بانچه تحیت نکرده است ترا بدان خدا و همی گویند اندر
انفسهم لولا يعذبنا الله بما نقول حسبهم جهنم يصلونها
تنهای خویشتن چرا نکند عذاب ما را خدا بدانچه همی گوییم بسنده است ایشانرا دوزخ اندر شوند اندرا
فبئس المصير ۝ يا ايها الذين امنوا اذا تناجيتم فلا
و بد جای بازگشتن است ای آنها که گرویده اید چون راز گویید با یکدیگر
تتناجوا بالاثم والعدوان ومعصيت الرسول وتناجوا
راز مگویید بزه کاری و از حد اندر گذشتن و بیفرمانی پیغمبر و راز گویید
بالبر والتقوى واتقوا الله الذي اليه تحشرون ۝ انما
به نیکوکاری و پرهیزکاری و بترسید از خدا آنکه سوی وی گرد آرند شمارا
النجوى من الشيطان ليحزن الذين امنوا وليس بضارهم
راز گفتن از دیو است تا اندوهگین گرداند آنهارا که بگرویدند و نیست گزند کردن ایشانرا
شيئا الا باذن الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون ۝ عشر
چیزی مگر بفرمان خدا و بر خدا باید توکل کردن گرویدگان را
يا ايها الذين امنوا اذا قيل لكم تفسحوا في المجالس فافسحوا
ای آنها که بگرویدید چون گویید مر شمارا فراخ نشینید اندر مجلس پیغمبر پس فراخ نشینید
يفسح الله لكم واذا قيل انشزوا فانشزوا يرفع الله الذين
تا فراخ کرداند خدا مر شمارا و چون گویند تنگ نشینید پس تنگ نشینید تا بر دارد خدا آنهارا
امنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات والله بما
که بگرویدند از شما و آنها که بداد شان دانش پایگاهاست و خدا بدانچه
تعملون خبير ۝ يا ايها الذين امنوا اذا ناجيتم الرسول
همی کنید آگاه است ای آنکه بگرویده اید چون راز گویید با پیغمبر

فقدموا بين يدي نجويكم صدقة ذلك خير لكم واطهر
پیش فرستید پیش از راز گفتن شما اندر صدقه آن بهتر مر شمارا و پاکتر
فان لم تجدوا فان الله غفور رحيم ۝ ءاشفقتم ان
اگر نیابید پس بدرستی که خدا آمرزنده است و بخشاینده ای همی بترسید که
تقدموا بين يدي نجويكم صدقات فاذ لم تفعلوا و
پیش فرستید پیش از راز خویش صدقها چون نکردید و
تاب الله عليكم فاقيموا الصلوة واتوا الزكوة
توبه داد خدا بر شما بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را
واطيعوا الله ورسوله والله خبير بما تعملون ۝ الم تر
و فرمانبرید خدای را و پیغمبر اورا و خدا آگاه است بدانچه همی کنید نگاه نکنی مر
الى الذين تولوا قوما غضب الله عليهم ما هم منكم
سوی آنک که بدوستی گرفتند گروهی را که خشم گرفت خدا بر ایشان نیستند ایشان از شما
ولا منهم ويحلفون على الكذب وهم يعلمون ۝ اعد الله
و نه از ایشان و سوگند همی خورند بر دروغ و ایشان همی دانند آماده کرد خدا
لهم عذابا شديدا انهم ساء ما كانوا يعملون ۝ اتخذوا خمس
مر ایشانرا عذاب دردناک سخت که ایشان بد است آنچه همی کنند بگرفتند
ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب مهين ۝
سوگندهای خویش را سپری باز داشتند از راه خدا مر ایشانرا عذاب خوارکننده
لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا اولئك
هرگز سود نکند از ایشان خواسته ایشان و نه فرزندان ایشان از خدا چیزی ایشانند
اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ يوم يبعثهم الله جميعا
باشندگان دوزخ ایشان اندر آنجا جاودان باشند از روز که برانگیزد ایشانرا خدا همه

فيحلفون له كما يحلفون لكم ويحسبون انهم على شيء الا انهم
سوگند خورند مر او را چنانکه سوگند خورند با شما و پندارند که ایشان بر چیزی اند بدانید که
هم الكاذبون ۝ استحوذ عليهم الشيطان فانسيهم ذكر الله
ایشان دروغ زنان غالب گشت بر ایشان دیو پس فراموش گردانید شان ذکر خدا
اولئك حزب الشيطان ط الا ان حزب الشيطان هم
ایشانند گروه دیو بدانید که گروه دیو ایشان باشند
الخاسرون ۝ ان الذين يحادون الله ورسوله اولئك
زیان کاران بدرستی که آنکسانی که همی خلاف کنند خدا را و پیغمبر او را ایشان
في الاذلين ۝ كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي
اندر فروترین گروهی باشند نوشت خدا که من بهترم و پیغمبران من که خدا نیرو است
عزيز ۝ لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون
سخت کیر نیابی گروهی که بگروند بخدا و بروز بازپسین که دوستی کنند
من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم او ابناءهم او اخوانهم
با آنکسی که خلاف کرد خدا و پیغمبر او را و اگرچه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران
او عشيرتهم ط اولئك كتب في قلوبهم الايمان وايدهم
یا تبار ایشان ایشانند که نوشته است اندر دلهای ایشان ایمان و نیرومند کرد
بروح منه ط ويدخلهم جنات تجري من تحتها الانهار
بفرشته از وی و اندر آورد ایشان را ببوستانها که همی رود از زیر آن جویهای روان
خالدين فيها ط رضي الله عنهم ورضوا عنه ط اولئك حزب الله
جاودان اندر آنجا خشنود گشت خدا از ایشان و خشنود گشتند ایشان از خدا ایشانند گروه خدا
الا ان حزب الله هم المفلحون ۝
بدانید که گروه خدا ایشان باشند رستگاران

عشر

[illegible]

بسم الله

۴۵۷

سورة الحشر مدنية اربع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام آن خدایی که بیافرید بقدرت مهربانی که بپرورد بنعمت بخشاینده که بیامرزد برحمت
سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم ۝
پاکی گوید مر خدای را آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمین و وی است عزیز و صواب کار
هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم
وی است آنکسی که بیرون آورد آنها که کافر گشتند از مردمان نامه از سرایهای ایشان
لاول الحشر ط ما ظننتم ان يخرجوا وظنوا انهم مانعتهم
نخستین انگیختن را آنچه پنداشتید که بیرون شوند و پنداشتند که ایشان را باز دارند
حصونهم من الله فاتاهم الله من حيث لم يحتسبوا و
حصارهای ایشان از خدا آمد بایشان فرمان خدا از آنجا که نمی پنداشتند و
قذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بايديهم و
اندر افگند اندر دلهای ایشان ترس ویران همی کردند خانهای خویش را بدستهای ایشان و
ايدي المؤمنين فاعتبروا يا اولي الابصار ۝ ولولا ان
دستهای گرویدگان عبرت گیرید ای خداوندان بینائیها و خرد و اگر نه آن بودی
كتب الله عليهم الجلاء لعذبهم في الدنيا ط ولهم في الآخرة
واجب کرد خدا بر ایشان بیرون آمدن عذاب کردی ایشان را اندرین جهان و مر ایشان را اندر آن جهان
عذاب النار ۝ ذلك بانهم شاقوا الله ورسوله ج ومن
عذاب آتش این بدان بود که ایشان خلاف کردند خدا را و پیغمبر او را و هر که
يشاق الله فان الله شديد العقاب ۝ ما قطعتم من لينة
خلاف کند خدا را پس بدرستی که خدا سخت عقوبت است و آنچه ببریدند از خرما بنان

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام روایت است که هر که سوره حشر [illegible]

[illegible]

او تركتموها قائمة على اصولها ~~قائمة على~~ اصولها فباذن
يا دست بازداشتيد از ان استاده بر بنهاى خويش بفرمان
الله وليخزى الفاسقين ۝ وما افاء الله على رسوله منهم
خدا و تا هلاك كند بيفرمانان را و آنچه بازگردانيد بر پيغمبر او از ايشان
فما اوجفتم عليه من خيل ولا ركاب ولكن الله يسلط
نتاختيد شما بروى از اسپان و نه شتران وليكن خدا بگمارد
رسله على من يشاء والله على كل شىء قدير ۝ ما افاء الله
پيغمبران خويش را بر انكس كه خواهد و خدا بر هر چيزى تواناست انچه بازگردانيد
على رسوله من اهل القرى فلله وللرسول ولذى القربى
بر پيغمبر خود از مردمان ديهها پس مر خدا راست و مر پيغمبر راست و خويشاوندان
واليتامى والمساكين وابن السبيل كى لا يكون دولة
و بى پدران را و درويشان را و راه گذاران را تا نباشد گردستى
بين الاغنياء منكم وما اتيكم الرسول فخذوه وما نهيكم
ميان توانگران از شما و آنچه بياورد شما پيغمبر بگيريد آن را و آنچه بازداشت
عنه فانتهوا واتقوا الله ان الله شديد العقاب ۝ للفقراء
از وى پس بازايستيد و بترسيد از خدا كه خدا سخت عقوبت است مر درويشان
المهاجرين الذين اخرجوا من ديارهم واموالهم يبتغون
برندگان را از كسان خويش انكسانكه بيرون كردندشان از سرايهاى خويش و خواستهاى خويش مى جو
فضلا من الله ورضوانا وينصرون الله ورسوله
افزونى از خدا و خشنودى و يارى مى كنند دين خدا و رسول او را
اولئك هم الصادقون ۝ والذين تبوءو الدار والايمان
ايشانند كه ايشان راست گويان و انكسانكه جاى ساختند سراى مدينه و بپذيرفتن

حزب

عشر

[illegible]

من قبلهم

٢٥٨

من قبلهم يحبون من هاجر اليهم ولا يجدون فى
از پيش ايشان دوست دارند كسى را كه بيايد سوى ايشان و نيابند اندر
صدورهم حاجة مما اوتوا ويؤثرون على انفسهم ولو
دلهاى ايشان هيچ حسدى از انچه بدادندشان و بگزينند بر تنها خويش و اگر
كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فاولئك هم
باشد ايشان را گرسنگى و هر كه نگاه دارد از بخيلى تن خويش ايشانند كه ايشان
المفلحون ۝ والذين جاءو من بعدهم يقولون ربنا
رستگاران اند و انكسانكه بيايند از پس ايشان هى گويند اى خداوند ما
اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا
بيامرز ما را و برادران ما را آنكسانكه پيشى گرفتند از ما بگرويدن و مه
تجعل فى قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا انك رءوف
مكن اندر دلهاى ما كينه و خيانتى مر انكسان را كه بگرويدند اى بار خداوندا ما تو مهربانى
رحيم ۝ الم تر الى الذين كفروا من اهل الكتاب لئن اخرجتم
و بخشاينده نگاه نكنى يا محمد سوى انكسانكه كافر شدند از اهل توريه كه قسم مى خوردند اگر بيرون كرده شويد
لنخرجن معكم ولا نطيع فيكم احدا ابدا وان قوتلتم
هر آينه بيرون آييم ما با شما و فرمان نبريم در ايذا و آزار شما هيچكس را هرگز هميشه و اگر كارزار كرده شويد
لننصرنكم والله يشهد انهم لكاذبون ۝ لئن اخرجوا
هر آينه يارى كنيم شما را و خداى گواهى ميدهد كه منافقان دروغ گويانند اگر بيرون كرده شوند يهود
لا يخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ينصرونهم ولئن
بيرون نروند منافقان با ايشان و اگر كارزار كرده شوند يارى ندهند ايشان را و اگر
نصروهم ليولن الادبار ثم لا ينصرون ۝ لانتم اشد
يارى دهند ايشان را هر آينه بازپس گردند بهزيمت روند پس يارى كرده نشوند هر آينه شما ترسيدن سخت تر

نافقوا يقولون لاخوانهم الذين

[illegible]

حشر

رهبة في صدورهم من الله ذلك بانهم قوم لا يفقهون
از بهر ترس در دلهای ایشان از خدای آن خوف و خشیت بسبب آنست که ایشان گروهی اند که نمیدانند عظمت خدا
لا يقاتلونكم جميعا الا في قرى محصنة او من وراء جدر
کارزار نکنند با شما جهودان و منافقان مگر در دیهها استوار کرده بخندق یا از پس دیوارها
باسهم بينهم شديد تحسبهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك
کارزار ایشان میان یکدیگر سخت است تو پنداری که ایشان متفق اند همه و حال آنکه دلهای ایشان پراکنده است آن ها
بانهم قوم لا يعقلون كمثل الذين من قبلهم قريبا
بسبب آنست که ایشان گروهی اند که در نمی یابند همچون مثل انان است که بودند پیش از ایشان نزدیک
ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم كمثل الشيطان اذ
بچشیدند بدی عاقبت کار خود و امر ایشان است عذاب دردناک مثل منافقان مثل شیطانست چون
قال للانسان اكفر فلما كفر قال اني بريء منك اني
گفت آدمی را که کافر باش پس چون کافر شد گفت شیطان من بیزارم از تو بدرستی که من
اخاف الله رب العالمين فكان عاقبتهما انهما في
میترسم از خدای پروردگار عالمیان پس هست آخر کار شیطان و کافر آنکه ایشان هر دو
النار خالدين فيها وذلك جزاء الظالمين يا ايها
آتش جاوید ماندگان در آن و خلود در آتش پاداش کافران است ای
الذين امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد
آنانکه گرویده اید بترسید از خدای و باید که بنگرد هر نفسی آن چیز را که پیش فرستاده برای فردا
واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون ولا تكونوا
و بترسید از خدای بدرستی که خدای داناست بآنچه میکنید و مباشید ای مومنان
كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم اولئك هم الفاسقون
مانند آنانکه فراموش کردند امر خدا را پس فراموش گردانید خدا از ایشان نفسهای ایشان آن گروه ایشانند بیرون شدگان از اطاعت

[illegible]

لا یستوی

عشر

لا يستوي اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة
برابر نباشد باشندگان دوزخ و باشندگان بهشت و باشندگان بهشت
هم الفائزون لو انزلنا هذا القران على جبل لرايته
ایشان باشند رستگاران اگر فرو فرستادیم این قرآن را بر کوهی تا بدیدی او را
خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها
ترسنده و افگنده و پاره پاره شکافنده از ترس خدا و این مثلهاست که همی زنیم از برای
للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا
مردمان تا مگر ایشان اندیشه کنند وی است خدا آنکه نیست خدای مگر
هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو
وی دانا ناپیدا و پیدا وی است مهربان و بخشاینده وی است
الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن
خدا آنکه نیست خدا مگر وی پادشاه همه خلق پاک از عیب ایمن کننده
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
نگاه کننده بی همتا کامگار بزرگوار پاکست خدا از آنچه انباز گیرند
هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى
وی است خدا آفریننده کارپروردگار صورت کننده مراو راست نامهای نیکوترین
يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
پاکی گوینده مراو را آنچه در آسمانها و زمین و وی است بی همتا و صواب کار

سورة الممتحنة مدنية ثلث عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای مهربان بخشاینده

[illegible]

يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوي وعدوكم أولياء
ای آنکه بگروید بگیرید دشمنان مرا و دشمنان شما را دوستان
تلقون إليهم بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون
همی افکنید سوی ایشان دوستی و ایشان کافر شدند بدانچه آمد بشما از راستی همی بیرون کنند
الرسول وإياكم أن تؤمنوا بالله ربكم إن كنتم خرجتم
پیغمبران و شما را بدانکه بگروید بخدا پروردگار شما اگر شما بیرون آمده اید
جهادا في سبيلي وابتغاء مرضاتي تسرون إليهم بالمودة
بکوشیدن اندر راه من و جستن خشنودی من همی پنهان کنید با ایشان دوستی
وأنا أعلم بما أخفيتم وما أعلنتم ومن يفعله منكم فقد
و من داناترم بدانچه پنهان کرده اید و آنچه آشکار کردید و هرکه کند آن از شما
ضل سواء السبيل إن يثقفوكم يكونوا لكم أعداء
گم کرد راه راست که بگیرند شما را باشند مر شما را دشمنان
ويبسطوا إليكم أيديهم وألسنتهم بالسوء وودوا لو
و دراز کنند سوی شما دستهای خویش را و زبانهای خویش را به بدی و دوست دارند که
تكفرون لن تنفعكم أرحامكم ولا أولادكم يوم القيمة
کافر گردید منفعت نکند شما را خویشیهای شما و فرزندان شما روز رستاخیز
يفصل بينكم والله بما تعملون بصير قد كانت لكم
جدا کند میان شما و خدا بدانچه شما کنید بیناست براستی که هست مر شما را
أسوة حسنة في إبراهيم والذين معه إذ قالوا لقومهم إنا
راه بردنی نیکو اندر ابراهیم و آنکسانی که با وی بودند چون گفتند مر گروه خویش را ما
برآؤا منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم وبدا
بیزاریم از شما و از آنچه همی پرستید از فرود خدای کافر گشتیم بشما و پدید

[illegible]

٢٦٠

بيننا وبينكم العداوة والبغضاء أبدا حتى تؤمنوا
میان ما و میان شما دشمنی و دشمنایگی همیشه تا بگروید
بالله وحده إلا قول إبراهيم لأبيه لأستغفرن لك وما
بخدای یگانه مگر گفت ابراهیم پدر خویش را آمرزش خواهم مر ترا و
أملك لك من الله من شيء ربنا عليك توكلنا وإليك
پادشاهی ندارم مر ترا از خدا از چیزی ای خداوند بر تو توکل کردیم و سوی تو
أنبنا وإليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا
بازگشتیم و سوی تست بازگشتن ای خداوند مکن ما را آزموده مر آنکسانرا که کافر گشتند
واغفر لنا ربنا إنك أنت العزيز الحكيم لقد كان لكم
و بیامرز ما را ای خداوند که تویی که تو چیره و صواب کاری مر شما را
فيهم أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الآخر
اندر ایشان راه بردنی نیکو مر آنکس را که هست امید بخدا و روز بازپسین
ومن يتول فإن الله هو الغني الحميد عسى الله
و هرکه برگردد پس براستی که خدا اوست بی نیاز و ستوده مگر خدا
أن يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم مودة
که بکند میان شما و میان آنکه دشمنی کردید از ایشان دوستی
والله قدير والله غفور رحيم لا ينهاكم الله عن الذين
و خدا تواناست و خدا آمرزنده و بخشاینده باز ندارد شما را خدا از آنکسانکه
لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم أن
کارزار نکردند با شما اندر دین مسلمانی و بیرون نکردند شما را از سراهای شما که
تبروهم وتقسطوا إليهم إن الله يحب المقسطين إنما
نیکوی کنید با ایشان و داد کنید با ایشان که خدا دوست دارد دادگران را همانا

ربنا علیک توکلنا تا آخر دو آیه [illegible] والذین معه [illegible] قول ابراهیم [illegible] مفعول قول [illegible]

حس

در مجمع البیان حکایت کرده از ابن عباس که این آیه در شان قومی نازل شده که با رسول صلی الله علیه و آله عهد کرده بودند [illegible] محاربه با مسلمانان [illegible] ایشان [illegible]

ينهيكم الله عن الذين قاتلوكم في الدين واخرجوكم من
باز دارد شما را خدا از انکه کارزار کردند با شما اندر مسلمانی و بیرون کردند شما را از
دياركم وظاهروا على اخراجكم ان تولوهم ومن
سرایهای شما وهم پشتی کردند بر بیرون کردن شما که دوست گیرید ایشان را و هر که
يتولهم فاولئك هم الظالمون ۝ يا ايها الذين امنوا اذا
دوست گیرد ایشان را ایشانند که ایشان ستمکارانند ای انک که بگرویدید چون
جاءكم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله اعلم بايمانهن
بیاید سوی شما زنان گرویدگان بریده از کسان خویش بیازمایدشان خدا داناترست بایمان
فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الى الكفار لا هن
اگر بدانید آن زنان را که گرویدگانند باز مگردانیدشان سوی کافران که آن زنان
حل لهم ولا هم يحلون لهن وآتوهم ما انفقوا ولا جناح
نباشند حلال مر کافران را و نه کافران حلال باشند مر زنان گرویدگان را و بدهیدشان آنچه هزینه کرده‌اند و نیست تنگی
عليكم ان تنكحوهن اذا اتيتموهن اجورهن ولا
بر شما که بزنی کنید آن زنان را چون بدهید ایشان را کاوینهاء ایشان و
تمسكوا بعصم الكوافر واسئلوا ما انفقتم وليسئلوا
استوار مباشید به پیوندهای کافران و بخواهید آنچه هزینه کردید و ایشان بخواهند
ما انفقوا ذلكم حكم الله يحكم بينكم والله عليم
آنچه هزینه کردند اینست شما را حکم خدا حکم می‌کند میان شما و خدا داناست
حكيم ۝ وان فاتكم شيء من ازواجكم الى الكفار فعاقبتم
و صواب کار و اگر بگریزد از شما کسی از زنان شما سوی کافران غنیمت یا[illegible]
فآتوا الذين ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا واتقوا الله
بدهید آنکسان را که برفتند زنان ایشان همچنانکه هزینه کردند و بترسید از خدا

الذي

[illegible]

٣٦١

عشر

الذي انتم به مؤمنون ۝ يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات
آنکسی که شما بوی گرویده‌اید ای پیغمبر چون بیایند سوی تو زنان گرویدگان
يبايعنك على ان لا يشركن بالله شيئا ولا يسرقن
تا بیعت کنند با تو بر آنکه انباز نگیرند بخدای چیزی و نه دزدی کنند
ولا يزنين ولا يقتلن اولادهن ولا ياتين ببهتان يفترينه
و زنا نکنند و نکشند فرزندان خویش را و نیارند بدروغی که بیافند
بين ايديهن وارجلهن ولا يعصينك في معروف فبايعهن
میان دستهای خویش و پایهای خویش و بیفرمانی نکنند ترا اندر نیکویی کردن بیعت کن با ایشان
واستغفر لهن الله ان الله غفور رحيم ۝ يا ايها الذين
و آمرزش خواه مر ایشان را از خدا که خدا آمرزنده است و بخشاینده ای شما که
امنوا لا تتولوا قوما غضب الله عليهم قد يئسوا من
گرویده‌اید مگیرید دوستی گروهی که خشم گرفت خدا بر ایشان نومید گشته‌اند از
الاخرة سورة الصف اربع عشر كما يئس الكفار من اصحاب القبور
آنجهان همچنانکه نومید گشتند کافران از باشندگان گورستان
بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند مهربان بخشاینده
سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم
پاکی گفت مر خدای را آنچه اندر آسمانها و آنچه اندر زمین اند و ویست عزیز کننده و
يا ايها الذين امنوا لم تقولون ما لا تفعلون كبر مقتا
ای انک که گرویده‌اید بزبان چرا گویید آنچه نکنید بزرگ دشمنی است
عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون ۝ ان الله يحب الذين
نزد خدا که بگویید آنچه نکنید که خدا دوست دارد آنکسان

[illegible]

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ۝ وَ

که کارزار کنند اندر راه وی بسته ایشاده پنداری که ایشان بنا اند بیکدیگر پیوسته

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّي

چون گفت موسی مر گروه خویش را ای گروه من چرا همی آزارید مرا و نیک همی دانید که من

رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ

پیغمبر خدایم سوی شما چون بگشتند بگردانید خدای دلهای ایشان و خدای

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

نصف

راه ننماید گروه بیفرمانان را و چون گفت عیسی پسر مریم

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ

ای پسران یعقوب من پیغمبر خدایم سوی شما راست دارنده مر آنرا که پیش از من بود

مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا

از توریة و مژده دهنده به پیغمبری که بیاید از پس من نام وی احمد چون

جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ

خمس

بیامد بایشان درستیها گفتند این جادوییست پیدا و کیست ستمکارتر از آنکی

عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

بر خدای دروغ و ویست و او را همی خوانند سوی مسلمانی و خدای راه ننماید

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

گروه بیدادگران را همی خواهند تا فرو نشانند روشنایی خدای را به دهنهای خویش

وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

و خدای تمام کننده است روشنایی خویش را اگرچه ناخوش دارند ناگرویدگان و ویست آنکسی که بفرستاد پیغمبر

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝

براه راست و دین راست تا غالب گرداند آنرا بر دینها همه و اگرچه ناخوش دارند انباز گیران

يا ايها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ

ای آنکسانی که بگرویدید آیا چه بر راه نمایم شما را بر بازرگانی که برهاند شما را از عذاب

أَلِيمٍ ۝ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

دردناک بگروید بخدای و پیغمبر وی و کارزار کنید اندر راه خدای

بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرْ لَكُمْ

عشر

بخواستهای شما و تنهای خویش این بهتر مر شما را اگر شما بدانید تا بیامرزد شما را

ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ

و گناهان شما را و اندر آرد شما را ببوستانها که همی رود از زیر آن جویها روان و

مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَأُخْرَىٰ

آرامگاهها خوش پاکیزه اندر بوستان درنگ این است رستگاری بزرگ و دیگری

تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا

دوست دارند آنرا یاری دادنی از خدا و گشایش نزدیک و مژده ده گرویدگان را ای

الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ

آنکسانی که گرویدید باشید یاری دهندگان دین خدای را چنانکه گفت عیسی پسر مریم مر کارزاران را

مَنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَآمَنَت

که کیست یاری دهندگان سوی خدا گفتند یاران خاص وی مایم یاری دهندگان دین خدا بگرویدند

طَائِفَةٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَّائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ

نصف

گروهی از پسران یعقوب و نگرویدند گروهی نیرومند کردیم آنکسانرا

آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ۝

که گرویدند بر دشمنان ایشان پیشدند غالبان یعنی پاینده کار

سورة الجمعة احدى عشر آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای که ایمان اندر دل مومنان درست کرد اندر دلها که کفر دشمن دارد و دل از کفر بردارد و بخشاینده

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام [illegible]

يسبح لله ما في السموات وما في الارض الملك القدوس
پاکی گوید مر خدایرا آنچه اندر آسمانها و آنچه اندر زمین پادشاه همه خلق پاک از عیب
العزيز الحكيم هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم
عزیز با حکمت و صوابکار اوست آنکه بفرستاد اندر نانویسندگان پیغمبری از ایشان
يتلوا عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة
تا بر خواند بر ایشان آیتهای وی و پاک کرداند ایشانرا از کفر و بیاموزد ایشانرا نامه و سخن صواب و
وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين واخرين منهم لما يلحقوا
اگر بودند از پیش اندر گمراهی پیدا و دیگران از ایشان اندر نرسیده اند
بهم وهو العزيز الحكيم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله
بدیشان و ویست عزیز و صوابکار این افزونی خدایست بدهد آنرا که خواهد و خدا
ذو الفضل العظيم مثل الذين حملوا التورية ثم لم يحملوها
خداوند افزونی بزرگست داستان آنکسانکه بر نهادند ایشانرا توریة باز برنداشتند آنرا
كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بايات
چون داستان خری بردارد کتابها بد است داستان گروهی آنکسانکه بدروغ داشتند آیتهای
الله والله لا يهدي القوم الظالمين قل يا ايها الذين هادوا
خدا و خدا راه ننماید گروه بیدادگران را بگو ای محمد آنکسانکه برگشتید از مسلمانی
ان زعمتم انكم اولياء لله من دون الناس فتمنوا الموت
اگر همی دعوی کنید که شما دوستانید مر خدایرا از بیرون مردمان آرزو کنید مرگ
ان كنتم صادقين ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم والله
اگر هستید راستگویان و نکنند آرزو هرگز بدانچه پیش فرستاد دستهای ایشان خدا
عليم بالظالمين قل ان الموت الذي تفرون منه فانه
داناست به بیدادگران بگو آن مرگ که همی بگریزید از وی وی

ملاقيكم ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم
بر رسید بشما باز پس گردانند شمارا سوی داننده ناپیدا و پیدا آگاهی دهد شمارا
بما كنتم تعملون يا ايها الذين امنوا اذا نودي للصلوة
بدانچه همی کردید ای آنکسانکه گرویده اید چون بخوانند مر نماز را
من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله وذروا البيع ذلكم
از روز آدینه بشتابید سوی یادکرد خدا و دست باز دارید خرید و فروخت آن
خير لكم ان كنتم تعلمون فاذا قضيت الصلوة فانتشروا
بهتر مر شمارا اگر شما همی دانید چون گذارده شد نماز بپراکنید
في الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا لعلكم
اندر زمین و بجویید از افزونی خدا و یاد کنید خدایرا بسیار تا مگر شما
تفلحون واذا راوا تجارة او لهوا انفضوا اليها وتركوك
رستگار شوید و چون ببینند بازرگانی یا بازی بپراکنند سوی وی و دست بازدارند ترا
قائما قل ما عند الله خير من اللهو ومن التجارة والله
ایستاده بگو آنچه نزد خداست بهتر است از بازی و از بازرگانی و خدا
خير الرازقين
بهترین روزی دهندگانست

سورة المنافقون مدنية احدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای مهربان بخشاینده
اذا جاءك المنافقون قالوا نشهد انك لرسول الله والله يعلم
چون بیایند سوی تو منافقان گویند گواهی دهیم که تو پیغمبر خدای و خدا همیداند
انك لرسوله والله يشهد ان المنافقين لكاذبون اتخذوا
که تو رسول ویی و خدا گواهی دهد که منافقان دروغ زنانند

خس

[illegible]

ملاقيكم

اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله انهم
بگرفت سوگند ایشان سپری باز داشتند مردمان را از راه خدا ایشان
ساء ما كانوا يعملون ذلك بانهم امنوا ثم كفروا فطبع
بد است آنچه همی کنند این بدانست که ایشان بگرویدند باز کافر گشتند مهر نهاد
على قلوبهم فهم لا يفقهون واذا رايتهم تعجبك اجسامهم
بر دلهای ایشان و ایشان اندر نیابند و چون ببینی ایشان را خوش آید ترا تنهای ایشان
وان يقولوا تسمع لقولهم كانهم خشب مسندة يحسبون كل
و اگر بگویند بشنوید مر گفتار ایشان پنداری که ایشان چوبها اند بر دیوار بر پای نهاده همی پندارند
صيحة عليهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انى يؤفكون
هر بانگی را بر ایشان ایشان دشمنان اند بپرهیز از ایشان بکشد ایشانرا خدا از کجا باز گردند
واذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم رسول الله لووا رءوسهم
و چون گفت مر ایشانرا بیایید تا آمرزش خواهد مر شما را پیغمبر خدا بجنبانند سرهای خویش را
ورايتهم يصدون وهم مستكبرون سواء عليهم استغفرت
و ببینی ایشانرا همی باز گردانند و ایشان بزرگ منشی کنند یکسان است بر ایشان آمرزش خواهی
لهم ام لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم ان الله لا يهدي
مر ایشانرا یا نخواهی آمرزش مر ایشانرا نیامرزد خدا مر ایشانرا که خدا راه نماید
القوم الفاسقين هم الذين يقولون لا تنفقوا
گروه بیفرمانان را ایشان آنانکه همی گویند هزینه مکنید
على من عند رسول الله حتى ينفضوا ولله خزائن السموات
بر آنها که نزد پیغمبر خدااند تا پراکنند و مر خدایراست گنجهای آسمانها
والارض ولكن المنافقين لا يفقهون يقولون لئن
و زمین ولیکن منافقان همی ندانند همی گویند اگر

خمس

حزب

رجعنا

رجعنا الى المدينة ليخرجن الاعز منها الاذل ولله العزة
باز گردیم سوی مدینه بیرون کند عزیزتر از آنجا خوارتر را و مر خدایراست عزت
ولرسوله وللمؤمنين ولكن المنافقين لا يعلمون يا
و مر پیغمبر او را و مر گرویدگان را ولیکن منافقان ندانند ای
ايها الذين امنوا لا تلهكم اموالكم ولا اولادكم عن
آنانکه بگرویدید مشغول مگرداند شما را خواستهای شما و نه فرزندان شما را از
ذكر الله ومن يفعل ذلك فاولئك هم الخاسرون وانفقوا
یاد کرد خدا و هر که بکند این ایشانند که ایشان زیان کاراند و هزینه کنید
مما رزقناكم من قبل ان ياتي احدكم الموت فيقول
از آنچه روزی دادیم شما را از پیش آنکه بیاید بهر یکی از شما مرگ پس گوید
رب لولا اخرتني الى اجل قريب فاصدق واكن من
ای خداوند من چرا زمان ندادی مرا تا زمانه نزدیک تا صدقه دادمی و بودمی از
الصالحين ولن يؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها والله
نیکان و زمان ندهد خدا تنی را چون بیاید زمانه وی و خدا
خبير بما تعملون

سورة التغابن مكية ثماني عشر اية

آگاه است بدانچه همی کنید

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که نهان و آشکارا داند مهربان که روزی ده بخشاینده رحمت کن
يسبح لله ما في السموات وما في الارض له الملك وله
پاکی همی گوید مر خدایرا آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر زمین مر او راست پادشاهی و مر او راست
الحمد وهو على كل شيء قدير هو الذي خلقكم
ستایش و ویست بر هر چیزی توانا ویست آنکه بیافرید شما را

عشر

روایت از حضرت ابو عبد الله علیه السلام [illegible] سوره تغابن [illegible] در نماز فریضه [illegible]

محمد اسمعیل

فمنكم كافر ومنكم مؤمن والله بما تعملون بصير ۝ خلق السموات
و از شما هست ناگرویده و از شما هست گرویده و خدا بدانچه همی کنید بیناست بیافرید آسمانها
والارض بالحق وصوركم فاحسن صوركم واليه المصير
و زمین براستی و بنگاشت شمارا و نیکو کرد نگاشتن شمارا و سوی وی بازگشتنست
يعلم ما في السموات والارض ويعلم ما تسرون وما تعلنون
بداند آنچه اندر آسمانهاست و زمین و بداند آنچه پنهان همی کنید و آنچه آشکارا کنید
والله عليم بذات الصدور ۝ الم يأتكم نبؤا الذين كفروا
و خدا داناست بدانچه اندر دلهاست و نیامد بشما خبر آنانکه کافر شدند
من قبل فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم ۝ ذلك بانه
از پیش بچشیدند عقوبت کار خویش و مر ایشانرا عذاب دردناک این بدان بود
كانت تأتيهم رسلهم بالبينات فقالوا ابشر يهدوننا
بود که بیامد بایشان پیغمبران ایشان بدرستیها و گفتند مردمی راه نماید مارا
فكفروا وتولوا واستغنى الله والله غني حميد ۝ زعم
و کافر شدند و برگشتند و بی نیاز بود خدای و خدا بی نیاز است ستوده دعوی کرد
الذين كفروا ان لن يبعثوا قل بلى وربي لتبعثن ثم
آنانکه کافر شدند که برنینگیزند ایشانرا بگو آری بخدای من که برانگیزند شمارا باز
لتنبؤن بما عملتم وذلك على الله يسير ۝ فآمنوا بالله
آگاهی دهند شمارا بدانچه کردید و آن بر خدا آسانست بگروید بخدا
ورسوله والنور الذي انزلنا والله بما تعملون خبير ۝
و پیغمبر وی و روشنی یعنی قرآن آنکه فرو فرستادیم و خدا بدانچه همی کنید آگاهست
يوم يجمعكم ليوم الجمع ذلك يوم التغابن ومن يؤمن بالله
آن روزی که گرد آرد شمارا مر روز گرد آوردن آن روز زیان شدنست و هر که بگرود بخدا

حزب

ويعمل

٢٦٥

ويعمل صالحا يكفر عنه سيئاته ويدخله جنات تجري
و بکند نیکی فرا پوشد از وی بدیهای وی و اندر آورد او را ببوستانها که همی رود
من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم ۝
از زیر آن جویها روان جاودان اندر آنجا همیشه اینست رستگاری بزرگ
والذين كفروا وكذبوا بآياتنا اولئك اصحاب النار
و آنانکه کافر شدند و دروغ داشتند آیتهای مارا ایشانند یاران دوزخ
خالدين فيها وبئس المصير ۝ ما اصاب من مصيبة الا
جاودان اندر آنجا و بد جای بازگشتن است آنچه رسد هیچ اندوهی مگر
باذن الله ومن يؤمن بالله يهد قلبه والله بكل شيء عليم
بفرمان خدا و هر که بگرود بخدا راه نماید دل او را و خدا بهر چیزی داناست
واطيعوا الله واطيعوا الرسول فان توليتم فانما على
و فرمان برید خدای را و فرمان برید پیغمبر را اگر برگردید شما پس بدرستی که بر
رسولنا البلاغ المبين ۝ الله لا اله الا هو وعلى الله
پیغمبر ماست رسانیدن پیدا خداست که نیست خدای مگر وی و بر خدا
فليتوكل المؤمنون ۝ يا ايها الذين امنوا ان من ازواجكم
توکل باید کردن گرویدگان را ای آنانکه گرویدید از زنان شما
واولادكم عدوا لكم فاحذروهم وان تعفوا وتصفحوا
و فرزندان شما دشمنی اند مر شمارا بپرهیزید از ایشان و اگر اندر گذارید و روی بگردانید
وتغفروا فان الله غفور رحيم ۝ انما اموالكم واولادكم
و بپوشانید پس بدرستی که خدا آمرزنده است و بخشاینده خواستهای شما و فرزندان شما
فتنة والله عنده اجر عظيم ۝ فاتقوا الله ما استطعتم واسمعوا
آزمایشی اند و خدا که نزد ویست مزدی بزرگ و بترسید از خدا چندانکه بتوانید و بشنوید

عشر

حزب

[illegible]

واطيعوا وانفقوا خيرا لانفسكم ومن يوق شح نفسه
وفرمان برید و هزینه کنید بهتر مر تنهای شما را و هرکه نگهداشته شود از بخیلی تن وی

فاولئك هم المفلحون ۝ ان تقرضوا الله قرضا حسنا
ایشانند ایشان رستگاران اگر وام دهید خدای را وامی نیکو

يضاعفه لكم ويغفر لكم والله شكور حليم عالم الغيب
بیفزاید مر شما را و بیامرزد مر شما را و خدا سپاسدار است بردبار داننده ناپیدا

والشهادة سورة الطلاق العزيز اثنا عشرة آية الحكيم
و پیدا است که چون وی دیگر نباشد صواب که خطا کند

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که معصیت بیند و پرده بپوشد مهربان که توبه و عذر بپذیرد و بخشاینده که چون بزرگ معصیت [illegible]

يا ايها النبي اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن
ای پیغمبر بزرگوار گروه چون طلاق دهید زنان را طلاق دهید شان مر عدة ایشان را

واحصوا العدة واتقوا الله ربكم لا تخرجوهن
و بشمرید عدة را و بترسید از خدا پروردگار شما و بیرون نکنید ایشان

من بيوتهن ولا يخرجن الا ان ياتين بفاحشة مبينة
از خانهای ایشان و بیرون نشوند مگر که بیارند ناخوبی پیدا

وتلك حدود الله ومن يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه
و این است حدهای خدا و هرکه اندر گذارد از حدهای خدا ستم کرده باشد تن خویش را

لا تدري لعل الله يحدث بعد ذلك امرا ۝ فاذا بلغن
ندانی مگر خدا پدید آرد سپس این کاری چون برسند

اجلهن فامسكوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف و
بزمانه خویش نگهدارید ایشان را به نیکویی یا جدا شوید از ایشان به نیکویی و

[illegible]

اشهدوا

۲۶۶

اشهدوا ذوي عدل منكم واقيموا الشهادة لله ذلكم
گواه گیرید دو درست گوی سخن رو از شما و بپا دارید گواهی مر خدا را این تان

يوعظ به من كان يؤمن بالله واليوم الآخر ومن
که پند دهد بدبوی آنکس را که بگرود بخدا و بروز بازپسین و هرکه

يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن
بترسد از خدا بکند او را از غم و بیم بیرون آوردن و روزی دهد او را از هرکجا که گمان نبرد و هرکه

يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
توکل کند بر خدا بس وی پسنده است او را که خدا برساند کار خویش را

جعل الله لكل شيء قدرا ۝ واللائي يئسن من المحيض
بکرد خدا مر هر چیزی را اندازه و زنان که نومید گشته اند از حیض

من نسائكم ان ارتبتم فعدتهن ثلثة اشهر واللائي
از زنان شما اگر بگمان شوند عدة ایشان سه ماه باشد و آن زنان که

ان يضعن حملهن
لم يحضن واولات الاحمال اجلهن ومن يتق الله يجعل
نرسیده باشند بحیض و زنان با بار گذشتن عدة ایشان آن باشد که بنهند بار خویش و هرکه بترسد از خدا بکند

له من امره يسرا ۝ ذلك امر الله انزله اليكم ومن
مر او را از کار وی آسانی این است فرمان خدا فرو فرستاد سوی شما و هرکه

يتق الله يكفر عنه سيئاته ويعظم له اجرا ۝ اسكنوهن
بترسد از خدا بپوشاند شان از وی بدیهای وی و بزرگ گرداند مر او را مزد وی بنشانید ایشان را

من حيث سكنتم من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا
از آنجا که خود نشینید از توانایی شما و زیان مکنید ایشان را تا تنگ کرد اید

عليهن وان كن اولات حمل فانفقوا عليهن حتى
برایشان و اگر باشد زنان با بار هزینه کنید برایشان تا

[illegible]

يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
نهند بارهای خویش پس اگر شیر دهند مر شما را بدهید ایشان را مزدهای ایشان
وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ
و رای زنید میان شما بنیکوئی و اگر دشوار کاری کنید شیر دهد مر او را
أُخْرَىٰ لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ
دیگری باید که هزینه کند توانگر از فراخی وی و هر که تنگ بود بر وی روزی وی
فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ
هزینه کند از آنچه بداد او را خدا اندر نخواهد خدا تنی را مگر آنچه بداده بود او را زود
بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۝ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَ
پس سختی فراخی و چند از دیهی که گذر نمود از فرمان خداوند خویش و
رُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا
پیغمبران وی شمار کردیم با وی شماری سخت و عذاب کردیمش عذابی
نُكْرًا ۝ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا
سخت بچشیدند عقوبت کار خویش و بود سرانجام کار وی زیان کاری
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ
آماده کرد خدا مر ایشان را عذابی سخت و بترسید از خدا ای خداوندان خردها
الَّذِينَ آمَنُوا ۝ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُو
آنکسانی که بگرویده اید فرو فرستاد خدا سوی شما یادکردی پیغمبری که برخواند
عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
بر شما آیتهای خدا پیدا کرده تا بیرون آرد آنکسانی که بگرویده اند و
عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ
بکردند نیکیها از تاریکیها سوی روشنایی و هر که بگرود بخدا

عشر

[illegible]

ويعمل

وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
و بکند نیکی اندر آوردش بوستانها که همی رود از زیر آن جویها روان جاودان
فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ
اندر آنجا همیشه نیکو کرد خدا مر او را روزی خدا آن است که بیافرید هفت آسمان
وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
و از زمین همچون ایشان فرود آید فرمان میان ایشان تا بدانید که خدا
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا
بر همه چیزی تواناست و خدا تمام دانسته است بهر چیزی دانش

سورة التحريم مدنية اثنا عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای که بهشت خواند مر بنده را که راه بهشت پیدا کرد بخشاینده که راه بهشت عطا کرد
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ
ای پیغمبر بزرگوار چرا حرام کنی آنچه حلال کرد خدا مر ترا همی بجویی خشنودی زنان خویش را
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ
و خدا آمرزنده و بخشاینده فریضه کرد خدا مر شما را گشادن سوگندهای شما و خدا
مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ
یار و نگهدار شماست و وی داناست و صوابکار و چون پنهان گفت پیغمبر سوی بهره
أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ
از زنان خویش سخنی چون خبر داد پیغمبر آن عایشه را و رسانید خدا پیغمبر را بروی شناخت کرد
بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ
از آن سخن و روی بگردانید از بهره چون خبر داد پیغمبر حفصه را بدان سخن گفت که [illegible]

[illegible]

هذا قال نبأني العليم الخبير ۝ إن تتوبا إلى الله فقد
این گفت پیغمبر آگاهی داد مرا خداء دانا و آگاه اگر باز گردید سوی خدا بحقیقة
صغت قلوبكما وإن تظاهرا عليه فإن الله هو
بگشته است دلهای شما واگر هم پشتی کنید بروی که خدا که وی
مولىه وجبريل وصالح المؤمنين والملئكة بعد ذلك
یار وی است و جبریل و نیکان گرویدگان و فرشتگان از پس آن
ظهير ۝ عسى ربه إن طلقكن أن يبدله أزواجا خيرا
یار و نگهدارویند مگر خداوند وی اگر طلاق دهد شمارا که بدل دهد اورا زنانی بهتر
منكن مسلمات مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات
از شما مسلمانان گرویدگان و فرمانبرداران توبه کنندگان خداپرستان روزه داران
ثيبات وأبكارا ۝ يا أيها الذين آمنوا قوا أنفسكم وأهليكم
شوی کردگان و دوشیزگان ای آنکه که گرویده اید نگاه دارید خویشتن را و کسان خویش را
نارا وقودها الناس والحجارة عليها ملائكة غلاظ شداد
از آتش که هیزم آن مردمند و سنگ بروی فرشتگانی نیرومند سختان
لا يعصون الله ما أمرهم ويفعلون ما يؤمرون ۝ يا أيها
بی فرمانی نکنند خدای را به آنچه فرمایدشان و بکنند آنچه بفرمایدشان ای
الذين كفروا لا تعتذروا اليوم إنما تجزون ما كنتم
آنهائی که نگرویده اید عذر میارید امروز پاداش دهند شمارا آنچه شما
تعملون ۝ يا أيها الذين آمنوا توبوا إلى الله توبة نصوحا
همی کنید ای آنها که گرویده اید بازگردید سوی خدا توبه با نصیحت پاکیزه
عسى ربكم أن يكفر عنكم سيئاتكم ويدخلكم جنات تجري
مگر خداوند شما فرا پوشاند از شما بدیهای شما و اندر آرد شمارا بوستانها که همی رود

حس

[illegible]

[illegible]

من تحتها

من تحتها الأنهار يوم لا يخزي الله النبي والذين آمنوا
از زیر آن جویهای روان آن روز که ذلیل نگرداند خدا پیغمبر را و آنهارا که گرویده
معه نورهم يسعى بين أيديهم وبأيمانهم يقولون ربنا
با وی روشنایی ایشان همی رود پیش ایشان و بدست راست ایشان گویند ای خداوند ما
أتمم لنا نورنا واغفر لنا إنك على كل شيء قدير ۝ يا
تمام گردان مارا روشنایی مارا و بیامرز مارا که تو بر هر چیزی توانایی ای
أيها النبي جاهد الكفار والمنافقين واغلظ عليهم
پیغمبر بزرگوار کارزار کن با کافران و منافقان و درشت باش بر ایشان
ومأواهم جهنم وبئس المصير ۝ ضرب الله مثلا للذين كفروا
و جای ایشان دوزخ است و بد جای بازگشتن بد بکرد خدا مثلی مر آنها که کافر گشتند
امرأت نوح وامرأت لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا
زن نوح پیغمبر و زن لوط پیغمبر بودند هردو در حضرت دو بنده از بندگان
صالحين فخانتاهما فلم يغنيا عنهما من الله شيئا وقيلا
نیکان هردو بی راستی کردند با ایشان پس باز نداشتند از این دو زن از خدا چیزی و گفته شد
ادخلا النار مع الداخلين ۝ وضرب الله مثلا للذين
اندر شوید در آتش با آن شوندگان و بیان کرد خدا صفتی مر آنها را
آمنوا امرأت فرعون إذ قالت رب ابن لي عندك بيتا
که بگرویدند زن فرعون چون گفت ای خداوند من برآور مرا نزد تو خانه
في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين
اندر بهشت و برهان مرا از فرعون و کار او و برهان مرا از گروه بیدادگران
ومريم ابنت عمران التي أحصنت فرجها فنفخنا فيه من
و مریم دختر عمران آنکه نگاه داشت فرج خود را بدمیدیم اندر وی از

عشر

[illegible]

١٩

[illegible]

روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت من
باد ما و درست داشت سخنان خداوند خويش را و نامهاى وى و بودند از

القانتين
فرمان برداران

سورة الملك مكية ثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدايى كه بسى عطاكر و مهربانست كه با داد و بخشاينده كه با بدى ميدارد

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير الذي
با بنكويى و افزونيست آنكه بحكم ويست پادشاهى و ويست بر همه چيزى توانا آنكه

خلق الموت والحيوة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو
بيافريد مرگ را و زندگانى را تا آزموده كرداند شمارا كيست از شما نيكوكارتر و ويست

العزيز الغفور الذي خلق سبع سموات طباقا ما ترى
كينه گذار و آمرزگار آنكه بيافريد هفت آسمانها يك از بر يكديگر نه بينى

في خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور
اندر آفرينش خداى هيچ ناهموارى بگردان چشم را هيچ بينى از شكافى

ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا
باز بگردان چشم را دوباره تا بر گردد سوى تو بينايى دور كشته

وهو حسير ولقد زينا السماء الدنيا بمصابيح و
و وى فرومانده و ما بياراستيم آسمان اينجهان بستارگان و

جعلناها رجوما للشياطين واعتدنا لهم عذاب السعير
بكرديم ايشان را انداختن و دور كردن مر ديوان را و ساخته كرديم مر ايشانرا عذاب سوزان

وللذين كفروا بربهم عذاب جهنم وبئس المصير اذا
و مر آنكسانرا كه كافر شدند بخداوند خويش عذاب دوزخ است و بد جا بازگشتن چون

القوا

الربع

خمس

[illegible]

٢٦٩

القوا فيها سمعوا لها شهيقا وهي تفور تكاد تميز من
در افكنند شان اندر آنجا بشنوند مر او را بانگى و وى همى جوشد خواهد كه كفته شود از

الغيظ كلما القي فيها فوج سألهم خزنتها الم يأتكم
خشم هر گاه كه اندر افكنند اندر آنجا گروهى بپرسند ايشانرا نگاهبانان دوزخ نيامد بشما

نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله
بيم كننده گويند آرى آمد ما بيم كننده بدروغ داشتيم و گفتيم نه فرو فرستاد خداى

من شيء ان انتم الا في ضلال كبير وقالوا لو كنا نسمع
از چيزى نيستيد شما مگر اندر گمراهى بسيار و گفتند اگر ما بشنيديمى

او نعقل ما كنا في اصحاب السعير فاعترفوا بذنبهم فسحقا
يا در يافتيمى نبوديمى اندر ياران آتش دوزخ پس مقر آمدند بگناهان خويش دورى

لاصحاب السعير ان الذين يخشون ربهم بالغيب لهم
مر ياران آتش دوزخ آنكسانكه همى ترسند از خداوند خويش بنهانى مر ايشانراست

مغفرة واجر كبير واسروا قولكم او اجهروا به انه
آمرزش و مزدى بسيار و پنهان كنيد گفتار خويش را يا آشكارا كنيد بوى كه وى

عليم بذات الصدور الا يعلم من خلق وهو اللطيف
داناست بدانچه اندر دلهاست چرا نداند آنكه آفريده است و ويست بيننده

الخبير هو الذي جعل لكم الارض ذلولا فامشوا
داناه و ويست آنكه بكرد مر شما زمين فرمانبردار برويد

في مناكبها وكلوا من رزقه واليه النشور ءامنتم
اندر كنارهاى وى و بخوريد از روزى وى و سوى وى بر انگيختن يا ايمن گشته ايد

من في السماء ان يخسف بكم الارض فاذا هي تمور
از آنكه اندر آسمانست كه فرو برد شما را بزمين چون وى مضطرب شد

في السماء در هر دو جا تقدير مضافيست بتقدير عذاب من في السماء و ان يخسف و ان يرسل بدل اشتمال لمن في السماء

عشر

خمس

[illegible]

أم أمنتم من في السماء أن يرسل عليكم حاصبا فستعلمون
یا ایمن گشتید از انکه اندر آسمان است که فرستد بر شما سنگ ریزه زود بدانید
كيف نذير ۝ ولقد كذب الذين من قبلهم فكيف كان
چگونه بود بیم کننده و دروغ داشتند انکسانکه از پیش ایشان بودند چگونه بود
نكير ۝ أولم يروا إلى الطير فوقهم صافات ويقبضن
عذاب من یا هی نگاه نکنند سوی مرغان زبر ایشان صف ها گرفته و باهم می آرد
ما يمسكهن إلا الرحمن إنه بكل شيء بصير ۝ أمن هذا
آنچه نگاه دارد ایشانرا مگر خدای که وی بهر چیزی بیناست یا کیست
الذي هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن إن الكافرون
انکه وی سپاه است مر شمارا یاری همی کند شمارا بجز خدا نیستند کافران
إلا في غرور ۝ أمن هذا الذي يرزقكم إن أمسك
مگر اندر فریفتگی یا کیست انکسی که روزی دهد شمارا اگر باز گیرد
رزقه بل لجوا في عتو ونفور ۝ أفمن يمشي مكبا على وجهه
روزی خویش بلکه دور شدند اندر گردن برکشی و رمیدن هرگز انکسی که برود نگونسار افتاده بر روی
أهدى أمن يمشي سويا على صراط مستقيم ۝ قل هو الذي
راه یافته تر یا انکسی که برود [illegible] بر راه راست بگو ویست انکسی که
أنشأكم وجعل لكم السمع والأبصار والأفئدة
بیافرید شمارا و بکرد مر شمارا شنوایی و بینایی و دلهای
قليلا ما تشكرون ۝ قل هو الذي ذرأكم في الأرض و
اندکی همی سپاسداری بگو ویست انکه بیافرید شمارا اندر زمین و
إليه تحشرون ۝ ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين
سوی او گرد آرند شمارا و همی گویند که کی باشد این وعده اگر هستید راستگویان

صافات حال است از طیر و یقبضن عطف است بر آن و حال دیگر است [illegible]

عشر

خمس

قل انما

قل إنما العلم عند الله وإنما أنا نذير مبين ۝ فلما رأوه
بگو هر آینه دانش نزد خدا است و من بیم کننده ام پیدا کننده چون عذاب بدیدند
زلفة سيئت وجوه الذين كفروا وقيل هذا الذي كنتم
نزدیک اندوهگین شود رویهای انکسانکه کافر گشتند و گویند اینست انکه شما
به تدعون ۝ قل أرأيتم إن أهلكني الله ومن معي أو
بوی دعا همی کردید بگو چه بینید اگر هلاک کند مرا خدا و هر که با من است یا
رحمنا فمن يجير الكافرين من عذاب أليم ۝ قل هو الرحمن
بخشاید مرا او که زینهار دهد ناگرویدگان را از عذاب دردناک بگو ویست بخشاینده
آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال
گرویدیم بوی و بر وی توکل کردیم زود بدانید کیست که وی اندر گمبودگی
مبين ۝ قل أرأيتم إن أصبح ماؤكم غورا فمن يأتيكم بماء
پیدا بگو چه بینید اگر بشود بامداد آب شما بزمین فرو رفته که آرد بشما از چشمها

سورة القلم مكية معين اثنان وخمسون آية

روان

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که کار کرم از طاقت فراید مهربانی که نعمت بیش از خدمت دهد بخشاینده که بیامرزد و منت ننهد
ن والقلم وما يسطرون ۝ ما أنت بنعمة ربك بمجنون و
قلم که قضا و قدر نوشت و انچه نویسند نیستی تو بمنت خداوند خویش دیوانه و
إن لك لأجرا غير ممنون ۝ وإنك لعلى خلق عظيم
هر ستی مر ترا مزدیست ناکاسته و تو بر خوی بزرگی
فستبصر ويبصرون ۝ بأيكم المفتون ۝ إن ربك هو أعلم
زود بینی و بینند که باشد از شما عذاب کرده که خداوند تو وی داناتر است

عشر

خمس

[illegible]

بمن ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين ۝ فلا تطع
بدان کسی کم شود از راه وی و وی داناتر براه یافتگان فرمان مبر
المكذبين ۝ ودوا لو تدهن فيدهنون ۝ ولا تطع كل حلاف
دروغ دارندگان را دوست دارند اگر چرب سخن کنی چرب سخن کنند و فرمان مبر هر سوگند خوار
مهين ۝ هماز مشاء بنميم ۝ مناع للخير معتد اثيم ۝ عتل بعد
سست رای طعنه کننده رونده بسخن چینی بازدارنده نیکی ستمکاره بزه کار بسیار خوار
ذلك زنيم ۝ ان كان ذا مال وبنين ۝ اذا تتلى عليه اياتنا
ازان حرام زاده بدانکه بود با خواسته و پسران چون برخوانند بروی ایتهای ما
قال اساطير الاولين ۝ سنسمه على الخرطوم ۝ انا بلوناهم
گوید نوشتگیهای پیشینیان زود داغ نهیمش بر بینی ما بیازمودیم ایشان را
كما بلونا اصحاب الجنة اذ اقسموا ليصرمنها مصبحين ۝ ولا
چنانکه آزمودیم خداوندان بوستان را چون سوگند خوردند که ببرند آن بوستان را بامدادان و
يستثنون ۝ فطاف عليها طائف من ربك وهم نائمون
ان شاء الله نگفتند بگشت برآن بوستان گردنده از خداوند تو و ایشان خفته بودند
فاصبحت كالصريم ۝ فتنادوا مصبحين ۝ ان اغدوا على
بشد چون بریده و برکنده آواز دادند بامدادان بگاه بروید بر
حرثكم ان كنتم صارمين ۝ فانطلقوا وهم يتخافتون ۝ ان
کشت خویش اگر هستید شما برندگان برفتند و ایشان نرم می گفتند که
لا يدخلنها اليوم عليكم مسكين ۝ وغدوا على حرد
اندر نیاید بدان بوستان امروز بر شما درویشی و برفتند بر قصدی
قادرين ۝ فلما راوها قالوا انا لضالون ۝ بل نحن محرومون
اندازه کرده چون بدیدند آن بوستان را گفتند ما گم کرده راهیم که ما بازداشتگانیم

قال

عشر

خمس

عشر

خمس

[illegible]

قال اوسطهم الم اقل لكم لولا تسبحون ۝ قالوا سبحان ربنا
گفت بهترین ایشان نگفتم مر شما را چه بودی اگر یاد خدا کردی گفتند پاکست خداوند ما
انا كنا ظالمين ۝ فاقبل بعضهم على بعض يتلاومون ۝ قالوا
ما بودیم بیدادگران روی آوردند بعضی از ایشان بر بعضی یکدیگر را ملامت کردند گفتند
يا ويلنا انا كنا طاغين ۝ عسى ربنا ان يبدلنا خيرا منها
ای وای ما ما بودیم گردن کشان مگر خداوند ما که بدل دهد ما را بهتر ازین بوستان
انا الى ربنا راغبون ۝ كذلك العذاب ولعذاب الاخرة
که ما سوی خداوند خویش امید داریم همچنین باشد عذاب و عذاب آنجهان
اكبر لو كانوا يعلمون ۝ ان للمتقين عند ربهم جنات
بزرگتر اگر ایشان بودی که بدانستندی مر پرهیزکاران را نزد خداوند ایشان بوستانها
النعيم ۝ افنجعل المسلمين كالمجرمين ۝ ما لكم كيف تحكمون
با نعمت با بکنیم مسلمانان را چون بدکاران چه بوده است مر شما را چگونه
ام لكم كتاب فيه تدرسون ۝ ان لكم فيه لما تخيرون
یا مر شما را نامه است اندر وی همی خوانید که مر شما را باشد اندر وی آنچه بگزینید
ام لكم ايمان علينا بالغة الى يوم القيمة ان لكم لما
یا مر شما را سوگندهاست بر ما تمام تا روز رستخیز که مر شما راست آنچه
تحكمون ۝ سلهم ايهم بذلك زعيم ۝ ام لهم شركاء
همی حکم کنید بپرس ایشان را که کیست از ایشان بدین سخن پذیرفتار یا هست مر ایشان را انبازان
فلياتوا بشركائهم ان كانوا صادقين ۝ يوم يكشف عن
گو تا بیارند انبازان خویش را اگر هستید راست گویان آن روز که پیدا شود از
ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون خاشعة
کار بزرگ و بخوانند ایشان سوی سجده کردن نتوانند فرو خوابیده چشمهای ایشان

عشر

خمس

عشر

[illegible]

خمس

ابصارهم ترهقهم ذلة وقد كانوا يدعون الى السجود وهم
چشمهای ایشان. بیاید بایشان خواری و بودند همی خواندندشان سوی سجده کردن و ایشان
سالمون ۞ فذرني ومن يكذب بهذا الحديث سنستدرجهم
تندرستان بودند دست بازدار مرا و آنکس را که بدروغ دارد این سخن را زود اندر کشیم ایشان را
من حيث لا يعلمون ۞ واملي لهم ان كيدي متين ۞ ام
از آنجا که ندانند و مهلت دهیم مر ایشان را که سازش من استوار است یا
تسألهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ۞ ام عندهم الغيب
همی بجوئی از ایشان مزد پس ایشان از تاوان گران بار گشته‌اند یا نزد ایشان ناپیدا
فهم يكتبون ۞ فاصبر لحكم ربك ولا تكن كصاحب الحوت
ایشان از آنجا همی نویسند شکیبائی کن مر حکم خداوند تو و مباش چون خداوند ماهی [illegible]
اذ نادى وهو مكظوم ۞ لولا ان تداركه نعمة من ربه
چون آواز داد و وی اندوه گین بود اگر نه آن بودی که اندریافت وی را نیکوئی از خداوند وی
لنبذ بالعراء وهو مذموم ۞ فاجتباه ربه فجعله من الصالحين
بیفکندندش از دریا و وی نکوهیده بودی بگزید وی را خداوند وی بکرد او را از نیکان
وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم
و اگر چه خواهند آنها که کافر شدند هر آینه زایل گردانند ترا یا محمد بچشمهای ایشان
لما سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون ۞ وما هو الا ذكر
چون بشنوند یاد کرد یعنی قرآن و همی گویند که وی دیوانه است و نیست وی یعنی قرآن مگر پند

عشر

سورة الحاقة مكية للعالمين ۞ اثنان وخمسون آية

حرمه حق را

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که دل را بایمان زنده دارد و مهربان که تن را بجان زنده گرداند بخشاینده که بنده کان را بیامرزد

حزب

الحاقة

۳۷۷

[illegible]

[illegible]

الحاقة ۞ ما الحاقة ۞ وما ادريك ما الحاقة ۞ كذبت ثمود
صالح
فرود آینده چه فرود آینده و چه دانائی تو چه فرود آینده بدروغ داشتند گروه
وعاد بالقارعة ۞ فاما ثمود فاهلكوا بالطاغية ۞ و
و ثمود قیامت را و اما گروه ثمود هلاک کردند ایشان را به بانگ جبرئیل و
اما عاد فاهلكوا بريح صرصر عاتية ۞ سخرها عليهم
اما گروه هود هلاک کردندشان بیادی سخت سرد از حد درگذرنده بگماشت آن باد بر ایشان
سبع ليال وثمانية ايام حسوما فترى القوم فيها
هفت شب و هشت روز پیوسته بینی آن گروه اندر آنجا
صرعى كانهم اعجاز نخل خاوية ۞ فهل ترى لهم من باقية
افتاده پنداری که ایشان خرما بنان اند میان تهی هیچ بینی مر ایشان را هیچ بازمانده
وجاء فرعون ومن قبله والمؤتفكات بالخاطئة ۞ فعصوا
و بیاورد فرعون و آنکه از پیش وی بودند و نگون کردگان بگناه بیفرمانی کردند
رسول ربهم فاخذهم اخذة رابية ۞ انا لما طغى الماء
آب طوفان
پیغمبر خداوند خویش بگرفت ایشان را گرفتنی آشکارا بدرستی چون از حد اندر گذشت
حملناكم في الجارية ۞ لنجعلها لكم تذكرة وتعيها اذن
برداشتیم شما را اندر کشتی روان تا بکنیم آن کشتی را مر شما را پندی و یاد گیرد آن گوش
واعية ۞ فاذا نفخ في الصور نفخة واحدة ۞ وحملت الارض
یاد گیرنده چون اندر دمیده شود اندر صور یک دمیدنی و برداشته شود زمین
والجبال فدكتا دكة واحدة ۞ فيومئذ وقعت الواقعة
و کوهها کوفته شود یک کوفتنی یگانه آن روز که بیاید بیاید شدنی
وانشقت السماء فهي يومئذ واهية ۞ والملك على ارجائها
و بشکافد آسمانها و وی آن روز سست باشد و فرشته بر کنارهای آسمان

خمس

عشر

خمس

[illegible]

ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية ۝ يومئذ تعرضون
وبردارد عرش خداوند تو زبر ایشان آن روز هشت فرشته آن روز عرض کنند شمارا
لا تخفى منكم خافية ۝ فاما من اوتي كتابه بيمينه فيقول
پوشیده نگردد از شما هیچ پوشیده اما آنکه بدهند ویرا نامه وی بدست راست گوید
هاؤم اقرؤا كتابيه ۝ اني ظننت اني ملاق حسابيه ۝
فرا گیرید و برخوانید نامه را من بگمان بودم که من برسم بشمار خویش
فهو في عيشة راضية ۝ في جنة عالية ۝ قطوفها دانية ۝
وی اندر زندگانی باشد پسندیده اندر بوستانی بلند میوه چیدن وی نزدیک
كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم في الايام الخالية ۝ واما من
بخورید و بیاشامید گوارنده بدانچه پیش فرستادید اندر روزهای گذشته و اما آنکه
اوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم اوت كتابيه ۝ ولم
بدهند ویرا نامه وی بدست چپ وی گوید ای کاشکی من نداندی مرا نامه من و ند
ادر ما حسابيه ۝ يا ليتها كانت القاضية ۝ ما اغنى عني
دانستمی چه باشد شمار من ای کاشکی بودی مرگ سود نداشت از من
ماليه ۝ هلك عني سلطانيه ۝ خذوه فغلوه ۝ ثم الجحيم
خواسته من هلاک شد از من پادشاهی من بگیرید ویرا غل کنید او را باز بدوزخ
صلوه ۝ ثم في سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه ۝
اندر آرید باز اندر زنجیری که پیمودن آن هفتاد گز باشد اندر آرید
انه كان لا يؤمن بالله العظيم ۝ ولا يحض على طعام
که وی بود که نگروید بخدای بزرگ و بر نینگیخت بر طعام دادن
المسكين ۝ فليس له اليوم ههنا حميم ۝ ولا طعام
درویش نیست مر او را امروز اینجا خویشاوندی و نه خوردنی

عشر

خمس

عشر

خمس

الا من غسلين

[illegible]

الا من غسلين ۝ لا يأكله الا الخاطئون ۝ فلا
مگر از خون و ریم نخورد آنرا مگر گناهکاران
اقسم بما تبصرون ۝ وما لا تبصرون ۝ انه لقول رسول
سوگند گیرم بدانچه همی بینید و آنچه همی نه بینید که این گفتار پیغمبریست
كريم ۝ وما هو بقول شاعر قليلا ما تؤمنون ۝ ولا بقول
بزرگوار و نیست این گفتار شاعر اندک همی گروید و نه گفتار
كاهن قليلا ما تذكرون ۝ تنزيل من رب العالمين ۝
پری گرفته اندکی همی پند گیرند فرو فرستادنیست از خداوند همه خلق
ولو تقول علينا بعض الاقاويل ۝ لاخذنا منه باليمين ۝
و اگر بسازد دروغ بر ما بهره از گفتارها بستانیم از وی بنیروی
ثم لقطعنا منه الوتين ۝ فما منكم من احد عنه حاجزين ۝
باز ببریم از وی رگ جان نباشد از شما هیچ کس از وی بازدارندگان
وانه لتذكرة للمتقين ۝ وانا لنعلم ان منكم مكذبين ۝
و این پندیست مر پرهیزگاران را و ما همی دانیم که از شما دروغ دارندگانند
وانه لحسرة على الكافرين ۝ وانه لحق اليقين ۝ فسبح
و وی پشیمانیست بر ناگرویدگان و آن راستی است بیگمان تسبیح کن

باسم ربك العظيم سورة المعارج اربع واربعون

بنام خداوند بزرگوار

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که با عطا بخشاینده مهربان که با تو پرورانده بخشاینده که ببخشایند

سال سائل بعذاب واقع ۝ للكافرين ليس له دافع من
خواست خواهنده بعذاب آینده مر ناگرویدگان را نیست مر او را بازدارنده از

عشر

خمس

عشر

اللّٰهِ ذِی الْمَعارِجِ ۝ تَعْرُجُ الْمَلٰٓئِکَةُ وَالرُّوحُ اِلَیْهِ فِی
خدا خداوند برشدنها برشوند فرشتگان و جبریل سوی وی اندر
یَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ خَمْسِینَ اَلْفَ سَنَةٍ ۝ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِیلًا ۝
روزی که هست آن اندازهٔ وی پنجاه هزار سال شکیبا باکن شکیبا با جمیل
اِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیدًا ۝ وَنَرٰیهُ قَرِیبًا ۝ یَوْمَ تَکُونُ السَّمَآءُ کَالْمُهْلِ
که ایشان همی بینند ورا دور و ما همی بینیم نزدیک آن روز که باشد آسمان چون [illegible]
وَتَکُونُ الْجِبالُ کَالْعِهْنِ ۝ وَلا یَسْئَلُ حَمِیمٌ حَمِیمًا ۝ یُبَصَّرُونَهُمْ
و باشند کوهها چون پشم گوناگون و نپرسندی خویشاوندی از خویشاوند و بدرا شناسکرده
یَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ یَفْتَدِی مِنْ عَذابِ یَوْمِئِذٍ بِبَنِیهِ ۝ وَصاحِبَتِهِ
دوست دارند گناهکاران اگر خویشتن بازخرید از عذاب آن روز به پسران خویش و زن خویش
وَاَخِیهِ ۝ وَفَصِیلَتِهِ الَّتِی تُؤْوِیهِ ۝ وَمَنْ فِی الْاَرْضِ جَمِیعًا
و برادر خویش و گروه خویش آنکه سپری کرد او را و هر که اندر زمین اند همه
ثُمَّ یُنْجِیهِ ۝ کَلّا اِنَّها لَظٰی ۝ نَزّاعَةً لِلشَّوٰی ۝ تَدْعُوا
باز برهاند ورا این نباشد که آن آتشی فروزانست بیرون کننده مر اندامها را بخواند
مَنْ اَدْبَرَ وَتَوَلّٰی ۝ وَجَمَعَ فَاَوْعٰی ۝ اِنَّ الْاِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۝
کسی را که پس رفت و روی بگردانید و گرد آورد بجای اندر نهاد که مردم آفریده شود ناشکیبا
اِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۝ وَاِذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعًا ۝ اِلَّا
چون برسد بوی بدی نالنده و چون برسد بوی نیکی بازدارنده مگر
الْمُصَلِّینَ ۝ الَّذِینَ هُمْ عَلٰی صَلاتِهِمْ دآئِمُونَ ۝ وَالَّذِینَ فِی
نمازگزاران آنکسانی که ایشان بر نماز خویش پایدار باشند و آنکسانی که اندر
اَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ۝ لِلسّآئِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَالَّذِینَ یُصَدِّقُونَ
خواستهای ایشان حقی باشد دانسته مر خواهنده را و بازمانده را و آنکسانی که استوار دا

خمس
عشر
خمس
عشر
خمس

[illegible]

بِیَوْمِ الدِّینِ

بِیَوْمِ الدِّینِ ۝ وَالَّذِینَ هُمْ مِنْ عَذابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ۝
بروز شمار و آنکسانی که ایشان از عذاب خداوند خویش ترسان باشند
اِنَّ عَذابَ رَبِّهِمْ غَیْرُ مَأْمُونٍ ۝ وَالَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ
که عذاب خداوندایشان از وی ایمن نیست و آنکسانی که ایشان مر فرجهای خویش
حافِظُونَ ۝ اِلّا عَلٰی اَزْواجِهِمْ اَوْ ما مَلَکَتْ اَیْمانُهُمْ فَاِنَّهُمْ
نگهدارنده باشند مگر بر زنان خویش یا آنچه پادشاه شود دستهای ایشان که ایشان
غَیْرُ مَلُومِینَ ۝ فَمَنِ ابْتَغٰی وَرَآءَ ذٰلِکَ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْعادُونَ ۝
ناملامت زده باشند هر که بجوید بجز آن ایشانند که ایشان از حد گذرندگان
لاماناتهم
وَالَّذِینَ هُمْ وَعَهْدِهِمْ راعُونَ ۝ وَالَّذِینَ هُمْ بِشَهاداتِهِمْ
و آنکسانی که ایشان مر امانتهای خویش او پیمان خویش را نگهدارنده باشند و آنکسانی که ایشان بگواهی خویش
قآئِمُونَ ۝ وَالَّذِینَ هُمْ عَلٰی صَلاتِهِمْ یُحافِظُونَ ۝ اُولٰٓئِکَ
ایستادگان باشند و آنکسانی که ایشان بر نماز خویش نگهداری کنند ایشانند
فِی جَنّاتٍ مُکْرَمُونَ ۝ فَمالِ الَّذِینَ کَفَرُوا قِبَلَکَ مُهْطِعِینَ ۝
که اندر بوستانها باشند نواختگان چه بوده است آنها که کافرانند سوی تو گردن دراز کرده
عَنِ الْیَمِینِ وَعَنِ الشِّمالِ عِزِینَ ۝ اَیَطْمَعُ کُلُّ امْرِئٍ
از راست و از دست چپ گروه گروه گشته اند امید دارند هر کسی
مِنْهُمْ اَنْ یُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِیمٍ ۝ کَلّا اِنّا خَلَقْناهُمْ مِمّا یَعْلَمُونَ ۝
از ایشان که اندر آرندش بوستانهای با نعمت نباشد آن ما بیافریدیم ایشان را از آنچه همی دانند
فَلا اُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَالْمَغارِبِ اِنّا لَقادِرُونَ عَلٰی
سوگند یاد کنم اگر چنین است بخداوند مشرقها و مغربها ما توانایم بر آنکه
اَنْ نُبَدِّلَ خَیْرًا مِنْهُمْ وَما نَحْنُ بِمَسْبُوقِینَ ۝ فَذَرْهُمْ یَخُوضُوا
بدل کنیم بهتر از ایشان و نه ایم که از ما بتوان جستن بمان ایشان را تا بکار درشوند

عشر
خمس
عشر

[illegible]

ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي يوعدون ۝ يوم يخرجون

و بازی همی کنند تا برسند بروز خویش آنکه وعده همی کنند آن روز که بیرون آیند

من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون ۝ خاشعة ابصارهم

از کورها بشتاب پندار که ایشان سوی نشانه ای همی شتابند فرو خوابیده چشمهای ایشان

ترهقهم ذلة ذلك اليوم الذي كانوا يوعدون ۝

برسد بایشان خواری این روز است که ایشان را همی وعده کردند

سورة نوح عليه السلام مكية ثمان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که برتر از فرمان او فرمان نیست مهربان که بخشش اندر حق وی با نیاز نیست بخشاینده که کس اندر [illegible]

انا ارسلنا نوحا الى قومه ان انذر قومك من قبل ان ياتيهم

ما فرستادیم نوح را سوی کروه خویش که بیم کن کروه خویش را از پیش آنکه بیاید بایشان

عذاب اليم ۝ قال يا قوم اني لكم نذير مبين ۝ ان اعبدوا

عذاب دردناک کفت ای کروه من من مرشما را بیم کننده ام هویدا که بپرستید

الله واتقوه واطيعون ۝ يغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم

خدای را و بترسید ازوی و فرمان برید مرا بیامرزد مرشما را از کناهان شما و زمان دهد شما را

الى اجل مسمى ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر لو كنتم تعلمون

تا زمانه نام برده که اجل خدا چون بیاید سپس نتوان بردن اکر خواهید دانست

قال رب اني دعوت قومي ليلا ونهارا ۝ فلم يزدهم دعائي

کفت خداوند من بخواندم کروه خویش را شب و روز پس نیفزود ایشانرا خواندن من

الا فرارا ۝ واني كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا

مکر کریختن و من هرکاه که بخواندم ایشانرا تا بیامرزی ایشانرا بکردند

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که [illegible]
[illegible] سوره نوح [illegible]
[illegible]
عطا [illegible]
بهشت [illegible]
[illegible] هزار زن

خمس

اصابعهم

اصابعهم في آذانهم واستغشوا ثيابهم واصروا واستكبروا

انکشتان خویش اندر کوشهای خویش و بهم اندر کشیدند جامهای خویش و پای فشاردند و بزرکی

استكبارا ۝ ثم اني دعوتهم جهارا ۝ ثم اني اعلنت لهم

بزرک منشی کردن باز من بخواندمشان آشکارا باز من آشکار کفتم مرایشانرا

واسررت لهم اسرارا ۝ فقلت استغفروا ربكم انه كان

و پنهان کفتم مرایشانرا پنهان کفتنی و کفتم آمرزش خواهید از خداوند ایشان کی او هست

غفارا ۝ يرسل السماء عليكم مدرارا ۝ ويمددكم

آمرزکار بفرستد از آسمان بر شما باران ریزنده و افزون کرداند

باموال وبنين ويجعل لكم جنات ويجعل لكم انهارا

بخواستها و پسران و بکرد مرشما را بوستانها و بکند مرشما را جویها

ما لكم لا ترجون لله وقارا ۝ وقد خلقكم اطوارا

چه بوده است مرشما را می نترسید از خدا از بزرکی و بیافرید مرشما را کونه کونه

الم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقا ۝ وجعل

می ندانید چکونه آفرید خدا هفت آسمانها برزبر یکدیکر و بکرد

القمر فيهن نورا ۝ وجعل الشمس سراجا ۝ والله انبتكم

ماه را اندر آسمانها روشنا و بکرد آفتاب را چراغ و خدا برویانید مرشما را

من الارض نباتا ۝ ثم يعيدكم فيها ويخرجكم اخراجا

از زمین رویانیدنی باز کرداند شما را اندر آن جهان و بیرون آرد شما را بیرون آوردنی

والله جعل لكم الارض بساطا ۝ لتسلكوا منها سبلا

و خدا بکرد مرشما را زمین کسترنی تا بروید ازوی راههای

فجاجا ۝ قال نوح رب انهم عصوني واتبعوا من لم يزده

فراخ کفت نوح یا خداوند من ایشان بیفرمانی کردند مرا و بدم رفتند آنکس را که نفزود

عشر

خمس

عشر

مالُه وولدُه الّا خسارا ۝ ومكروا مكرا كبّارا ۝ وقالوا
خواسته‌ها وی و فرزندوی مگر زیان کاری ۝ و ساز بکردند ساز سخت بزرگ ۝ و گفتند
لا تذرنّ الهتكم ولا تذرنّ ودّا ولا سواعا
دست بازنداریم خداوندان خویش ۝ و دست بازمدارید بتان را و نه سواع را
ولا يغوث ويعوق ونسرا ۝ وقد اضلّوا كثيرا ۝ ولا تزد
و نه یغوث را و یعوق و نسر را ۝ و گم کرداینده بسیاری ۝ و میفزای
الظالمين الّا ضلالا ۝ ممّا خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا
ستمکاران را مگر گمراهی ۝ از آن گناهان ایشان که غرقه کردشان پس اندرآوردند
نارا فلم يجدوا لهم من دون الله انصارا ۝ وقال نوح ربّ
در آتش ۝ و نباشد مر ایشان را از فرود خدا یاری ۝ و گفت نوح ای خداوند
لا تذر على الارض من الكافرين ديّارا ۝ انّك ان
مگذار بر زمین از ناگرویدگان گردنده ۝ که اگر
تذرهم يضلّوا عبادك ولا يلدوا الّا فاجرا كفّارا
دست بازداری ایشان گم کردانند بندگان ترا ۝ و نزایند مگر بدمردی ناسپاسداری
ربّ اغفر لي ولوالديّ ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين
ای خداوند من بیامرز مرا و مادر و پدر مرا ۝ و مر او راست که اندر آید بخانه من گرویده ۝ و مردان گرویده
والمؤمنات ولا تزد الظالمين الّا تبارا
سورة الجنّ
و زنان گرویده را ۝ و میفزای ستمکاران را ۝ مگر هلاک
بسم الله الرحمن الرحيم
بنام ایزدی که دل مؤمنان را بر چشمه ایمان روشن گرداند مهربانی که زبانها را بذکر خویش تر گرداند بخشاینده که [illegible]
قل اوحي الىّ انّه استمع نفر من الجنّ فقالوا انّا سمعنا قرانا
بگو یا محمد وحی فرستاده اند سوی من که گوش داشتند گروهی از پریان و گفتند ما شنیدیم نبی را

خمس

نصف

عجبا

[illegible]

عجبا ۝ يهدي الى الرشد فامنّا به ولن نشرك بربّنا احدا ۝
شگفت ۝ راه نماید سوی راه راست گرویدیم بوی و هرگز انباز نگیریم بخداوند خویش کسی را
وانّه تعالى جدّ ربّنا ما اتّخذ صاحبة ولا ولدا ۝ وانّه
و برتر است بزرگواری خداوند ما نگرفت یاری ۝ و نه فرزندی ۝ و
كان يقول سفيهنا على الله شططا ۝ وانّا ظننّا ان لن
بودند همی گفتند بیخردان ما بر خدا دروغ ۝ و ما گمان بردیم که نه
تقول الانس والجنّ على الله كذبا ۝ وانّه كان رجال
گویند آدمیان و پریان بر خدا دروغ ۝ و بودند مردانی
من الانس يعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقا ۝ و
از آدمیان بازداشت خواستند از مردانی از پریان بیفزودند ایشان را گمراهی ۝ و
انّهم ظنّوا كما ظننتم ان لن يبعث الله احدا ۝ وانّا
ایشان گمان بردند چنانکه شما گمان بردید برنینگیزد خدا کسی را ۝ و ما
لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرسا شديدا وشهبا
بسودیم آسمان را ۝ بیافتیم آسمان را پرکرده نگهبانان سخت و آتش فروزنده
وانّا كنّا نقعد منها مقاعد للسّمع فمن يستمع الان يجد
و ما بودیم که همی نشستیم از آسمان نشستگاهها مر شنیدن را پس هرکه گوش دارد اکنون بیابد
له شهابا رصدا ۝ وانّا لا ندري اشرّ اريد بمن في الارض
مر او را سوزنده آتشی فروزنده ۝ و ما ندانیم که بد خواسته‌اند باشندگان اندر زمین
ام اراد بهم ربّهم رشدا ۝ وانّا منّا الصالحون ومنّا دون
یا نکو خواست بایشان خداوند ایشان راستی و نیکویی ۝ و ما ایم که از ما نیکانند ۝ و از ما بجز
ذلك كنّا طرائق قددا ۝ وانّا ظننّا ان لن نعجز الله
این هستند ما هستیم گونه گونه پراکنده ۝ و ما گمان بردیم که هرگز عاجز نتوانیم کرد

خمس

عشر

[illegible]

خمس

[illegible]

عشر

في الارض ولن نعجزه هربا وانا لما سمعنا الهدى امنا به

اندر زمین و هرگز نتوانیم کردن اورا و ما چون شنیدیم راه راست گرویدیم بوی

فمن يؤمن بربه فلا يخاف بخسا ولا رهقا وانا منا المسلمون

و هرکه بگرود بخداوند خویش وی نترسد از کاستن و نه عذاب هلاک و ما از مسلمانانیم

ومنا القاسطون فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا واما

و از ما ستمکارانند هرکه گردن نهاد ایشانند بجستند راه راست و اما

القاسطون فكانوا لجهنم حطبا وان لو استقاموا على

که بیدادگرانند باشند مر دوزخ را هیزم و اگر راست ایستادندی بر

الطريقة لاسقيناهم ماء غدقا لنفتنهم فيه ومن يعرض

راه راست پاک کردانیدیمشان را آبی بسیار ازموده کردانیدی ایشان را اندر آنجا و هرکه بگرداند

عن ذكر ربه يسلكه عذابا صعدا وان المساجد لله

از یاد خداوند خویش اندر آردش بعذابی برتر یعنی سخت و مزگتها مر خدایراست

فلا تدعوا مع الله احدا وانه لما قام عبد الله يدعوه

مخوانید با خدا کسی را و چنان بود که چون برخواست بنده خدا همی خواندش

كادوا يكونون عليه لبدا قل انما ادعوا ربي ولا اشرك

خواستند بر وی که باشند بر روی بر یکدیگر ایستاده بگو همی بخوانم خداوند خویش و انباز نگردانم

به احدا قل اني لا املك لكم ضرا ولا رشدا قل اني

با وی کسی را بگو که من مالک نیستم شما را دفع ضرری و نه خیر و صلاح را بگو منم

لن يجيرني من الله احد ولن اجد من دونه ملتحدا الا

که زنهار ندهد مرا از خدا کسی و نیابم جز وی پناه جای مگر

بلاغا من الله ورسالاته ومن يعص الله ورسوله فان

رسانیدن از خدا و پیغامهاء وی و هرکه بیفرمانی کند خدایرا و پیغمبر او را پس

له نار

٢٧٧

[illegible]

خمس

عشر

خمس

لنار جهنم خالدين فيها ابدا حتى اذا راوا ما يوعدون

آتش دوزخ جاودان اندر آنجا همیشه تا چون ببینند آنچه ایشان را وعده کردند

فسيعلمون من اضعف ناصرا واقل عددا قل ان

پس زود بدانند کیست سست تر بیاری کردن و کمتر بشمار بگو من

ادري اقريب ما توعدون ام يجعل له ربي امدا

ندانم که نزدیکست آنچه شما را وعده کردند یا بکند مر اورا خداوند من روزگاری دراز

عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا الا من ارتضى

و داناء ناپیدا نرساند بر نهان خویش کسی را که بپسندیده است

من رسول فانه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصدا

از رسول که وی براند از پیش وی و از پس وی نگهبان

ليعلم ان قد ابلغوا رسالات ربهم واحاط بما لديهم

تا بداند که برسانیدند پیغامهاء خداوند خویش و تمام داشت آنچه نزد ایشان است

واحصى كل شيء عددا

سورة المزمل مكية عشرون

و بشمرد هر چیز را شمار وی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که عظمت ورا نهایت نیست مهربان که کس را طاقت شکر منت وی نیست بخشاینده که از رحمت وی نومید مشو

يا ايها المزمل قم الليل الا قليلا نصفه او انقص

ای خویشتن اندر جامه پیچیده برخیز بشب مگر اندکی نیمه وی یا کم

منه قليلا او زد عليه ورتل القران ترتيلا انا

از آن اندکی یا بیفزای بر وی و آهسته خوان قرآن را آهسته خواندنی ما

سنلقي عليك قولا ثقيلا ان ناشئة الليل هي

فرو فرستادیم بر تو گفتاری گران که بپا ایستادن شب وی

[illegible]

أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ۝ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

سخت ترست بارامیدن وی راست ترگفتار مرترا اندر روز آ[illegible] درست

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ

و یاد کن نام خداوند خویش او منقطع سوی طاعة و منقطع شدنی خداوند مشرق و

الْمَغْرِبِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

مغرب نیست خدا مگر وی بگیر اورا کاردان کار و شکیبایی کن بر آنچه می گویند

وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ۝ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ

و ببراز ایشان بریدنی نیکو و دست بازدار مرا و دروغ دارندگان را خداوندان فراخیها

وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ۝ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۝ وَطَعَامًا

و درنگ ده ایشان را اندک که نزد ما بندهاست و آتشی سوزنده و خوردنی است

ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

ناگوارنده و عذاب دردناک آن روز که بجنبد زمین و کوهها

وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا

و باشد کوهها ریگ ریزنده ما فرستادیم سوی شما پیغمبری

شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۝ فَعَصَىٰ

گواه برشما چنانچه فرستادیم سوی فرعون پیغمبری یعنی موسی پس نافرمانی کرد

فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ۝ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ

فرعون پیغمبر را یعنی موسی بگرفتیمش گرفتنی سخت دردناک چگونه رهانید خویشرا

إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ

اگر بگروید از روزی که بکند کودکان پیران آسمان بشکافد

بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ

بدان روز هست وعده کرده بوده این پندیست هرکه بخواهد بگیرد

عشر

خمس

[illegible]

الی ربه

إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ

سوی خداوند خویش راهی که خداوند تو می داند که تو می برخیزی کمتر از

ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ

ثلث شب و نیمه وی و سه یک وی و گروهی از آنکسانکه بتواند

وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ

و خدای اندازه کند شب و روز را دانست که نتوانید شمردن آن پس بازگشت

عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ

برشما بعفو کرد بخوانید آنچه آسان ترست از قران بدانست که باشد یعنی خواهد بود از شما

مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ

بیماران و دیگران که می روند اندر زمین می جویند از افزونی

اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ

خدا و دیگران [illegible] کشند اندر راه خدا برخوانید آنچه آسانترست

مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا

ازوی و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و بدهید خدای را وام دادنی

حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

نیکو و آنچه پیش فرستادید مرتنهای شما را از نیکی بیابید آنرا نزد خدای

هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

آن بهتر و بزرگتر بمزد و آمرزش خواهید از خدا که خدا آمرزنده

سورة المدثر مكية ست و خمسون آية

رَحِيمٌ

و بخشاینده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای که محمد را پیغمبر فرستاد مهربان که محمد را باشت مشفق کرد بخشاینده که محمد را شفیع کرد

عشر

[illegible]

مدثر بتشديد دال و ثاء در اصل متدثر بوده
يعنى پيچيده شده در جامهٔ خواب و بعضى [illegible]
تا بدال [illegible] دال مدثر حاصل شده

خمس

يا أيها المدثر ۝ قم فأنذر ۝ وربك فكبر ۝ وثيابك فطهر
اى سر بجامه اندر كشيده برخيز و بيم كن و خداوند تو بزرگ دار و دل را و جامه تو پاك دار
والرجز فاهجر ۝ ولا تمنن تستكثر ۝ ولربك فاصبر ۝ فإذا
و از بدى و گناه كناره كن و منت منه بسيار و مر خداوند خويش را شكيبا باش چون
نقر في الناقور ۝ فذلك يومئذ يوم عسير ۝ على الكافرين
اندر دمند اندر صور پس آن روز روزى دشوار باشد بر ناگرويدگان
غير يسير ۝ ذرني ومن خلقت وحيدا ۝ وجعلت له مالا
نه آسان دست بازدار مرا و آن كس را كه بيافريدم تنها و بكردم مر او را خواسته
ممدودا ۝ وبنين شهودا ۝ ومهدت له تمهيدا ۝ ثم يطمع
بسيار و پسران بجايگاه باشيد و بگسترانيدم مر او را گستراينده باز اميد دارد
أن أزيد ۝ كلا إنه كان لآياتنا عنيدا ۝ سأرهقه
كه بيفزايم نباشد چنين كه وى هست مر آيتهاى ما را ستيزه كننده زود بفرمايم
صعودا ۝ إنه فكر وقدر ۝ فقتل كيف قدر ۝ ثم قتل كيف
بعقبه بر شدن كه وى انديشه كرد و اندازه كرد كشته باد و چگونه اندازه كرد باز لعنت باد بر وى چگونه
قدر ۝ ثم نظر ۝ ثم عبس وبسر ۝ ثم أدبر واستكبر ۝ فقال إن
اندازه كرد باز بنگريست باز روى ترش كرد و دژم كرد باز رفت و بزرگ منشى كرد گفت نيست
هذا إلا سحر يؤثر ۝ إن هذا إلا قول البشر ۝ سأصليه
اين مگر جادوى كه همى روايت كنند نيست مگر سخن مردى زود اندر آريمش
سقر ۝ وما أدراك ما سقر ۝ لا تبقي ولا تذر ۝ لواحة للبشر
بدوزخ و چه دانى تو كه چيست دوزخ كسى را بجاى نماند و دست باز ندارد گدازنده مردم را
عليها تسعة عشر ۝ وما جعلنا أصحاب النار إلا ملائكة
بر وى نوزده فرشته نگهبان و نكرديم نگهبانان آتش را مگر فرشتگان

عشر

خمس

عشر

خمس

عشر

[illegible]

٢٧٩

لام در ليقول الذين [illegible]
[illegible]

وما جعلنا عدتهم إلا فتنة للذين كفروا ليستيقن
و نكرديم شمار ايشان مگر آزمايش مر آنها را كه كافر گشتند تا بيگمان باشند
الذين أوتوا الكتاب ويزداد الذين آمنوا إيمانا ولا
آنها كه بدادندشان نامه و بيفزايد آنها را كه بگرويدند گروش و يقين و
يرتاب الذين أوتوا الكتاب والمؤمنون ۝ وليقول الذين
بشك نشوند آنها كه بدادندشان نامه و گرويدگان و تا بگويند آنها كه
في قلوبهم مرض والكافرون ماذا أراد الله بهذا
اندر دلهاء ايشان بيمارى است و ناگرويدگان چه چيز خواست خداى بدين
مثلا ۝ كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء
مثل همچنين گم كرداند خداى آن را كه خواهد و راه نمايد آن را كه خواهد
وما يعلم جنود ربك إلا هو ۝ وما هي إلا ذكرى للبشر
و نداند سپاههاء خداوند تو مگر وى و نيست اين مگر پندى مر مردم را
كلا والقمر ۝ والليل إذ أدبر ۝ والصبح إذا أسفر
سوگند است بماه و سوگند است بشب چون پشت كرد و سوگند بسپيده دم چون روشن گردد
إنها لإحدى الكبر ۝ نذيرا للبشر ۝ لمن شاء منكم أن
كه آن يكى از كارهاى بزرگ است بيم كننده مر مردم را مر آن را كه خواهد از شما كه
يتقدم أو يتأخر ۝ كل نفس بما كسبت رهينة ۝ إلا
پيش بودن يا در پس بودن همه تنى بدانچه كرده است گروگان است مگر
أصحاب اليمين ۝ في جنات يتساءلون ۝ عن المجرمين
خداوندان دست راست اندر بوستانها باشند همى پرسند از گناهكاران
ما سلككم في سقر ۝ قالوا لم نك من المصلين ۝ ولم
چه اندر آورد شما را در دوزخ گويند نبوديم از نمازكنندگان و نه

خمس

[illegible]
و حضرت [illegible] عليه السلام [illegible]
[illegible] اصحاب اليمين

عشر

خمس

عشر

خمس

حزب

[illegible]

نك نطعم المسكين ۝ وكنا نخوض مع الخائضين و
بوديم طعام دهندگان درويشان و بوديم بكار كننده بيهوده گوى با بيكار كنندگان بيهوده گويان
كنا نكذب بيوم الدين ۝ حتى اتينا اليقين ۝ فما
بوديم دروغ دارنده بروز شمار و پاداش تا بيامد بما بيگمانى سود
تنفعهم شفاعة الشافعين ۝ فما لهم عن التذكرة معرضين ۝
ندهد ايشانرا خواهش كردن خواهش گران چه بوده است مر ايشانرا كه از پند روى بگردانيده اند
كانهم حمر مستنفرة ۝ فرت من قسورة ۝ بل يريد كل امرئ
پندارى كه ايشان خران اند رميده بگريخته از شير كه همى خواهد هر مردى
منهم ان يؤتى صحفا منشرة ۝ كلا بل لا يخافون
از ايشان كه دهندشان نامها باز كرده باشد چنين كه نمى ترسند
الاخرة ۝ كلا انه تذكرة ۝ فمن شاء ذكره ۝ وما يذكرون
از آن جهان سوگند است كه اين پند است پس هر كه بخواهد ياد كرد آنرا و ياد نگيرند
الا ان يشاء الله هو اهل التقوى واهل المغفرة ۝
مگر كه بخواهد خداى وى است سزاء آنكه ازوى ترسند و سزاء آنكه بيامرزد

سورة القيمة مكية اربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام آن خداوندى كه خلق را بيافريد مهربان كه مر او را شنوا و بينا گردانيد بخشاينده كه او را پاسدار بيافريد
لا اقسم بيوم القيمة ۝ ولا اقسم بالنفس اللوامة ۝
سوگند بروز قيامت و سوگند بتن ملامت كننده
ايحسب الانسان الن نجمع عظامه ۝ بلى قادرين على ان
همى پندارند مردم كه هرگز گرد نياريم استخوانها او را آرى ما توانيم بر آنكه

نسوى

[illegible]

عشر

۲۸۰

خمس

عشر

خمس

نسوى بنانه ۝ بل يريد الانسان ليفجر امامه ۝ يسئل ايان
راست كنيم انگشتان او را كه همى خواهد مردم تا بدى پيش فرستد همى پرسيد كه كى
يوم القيمة ۝ فاذا برق البصر ۝ وخسف القمر ۝ وجمع
روز رستخيز چون كند شود چشم و تاريك شود ماه و گرد آرند
الشمس والقمر ۝ يقول الانسان يومئذ اين المفر ۝ كلا
آفتاب و ماه را بگويند مردم آن روز كجاست جاى گريختن حقا كه
لا وزر ۝ الى ربك يومئذ المستقر ۝ ينبؤا الانسان
پناه جاى نيست سوى خداوند تو باشد آن روز آرامگاه آگاه همى دهند مردم را
يومئذ بما قدم واخر ۝ بل الانسان على نفسه بصيرة ۝
آن روز آنچه پيش فرستاده از نيك و بد پس كند مردم بر تن خويش بيناست
ولو القى معاذيره ۝ لا تحرك به لسانك لتعجل به ۝ ان
و اگر چند بياورد عذرها خويش بجنبان بدين سخن زبان خويش تا بشتابى بدو كه
علينا جمعه وقرانه ۝ فاذا قراناه فاتبع قرانه ۝ ثم ان
بر ماست گرد آوردن وى و خواندن وى چون بخوانيمش بدم رو بر خواندن آنرا باز
علينا بيانه ۝ كلا بل تحبون العاجلة ۝ وتذرون الاخرة ۝
بر ماست پيدا كردن وى حقا سوگند است كه شما دوست داريد اين جهان را و دست همى بازداريد آن جهان
وجوه يومئذ ناضرة ۝ الى ربها ناظرة ۝ ووجوه يومئذ
رويها باشند آن روز تازه شاد آن بر خداوند خويش نگران و رويها باشند آن روز
باسرة ۝ تظن ان يفعل بها فاقرة ۝ كلا اذا بلغت
ترش بگمان دارند كه بكنند با ايشان كارى بزرگ حقا سوگند است چون برسد
التراقي ۝ وقيل من راق ۝ وظن انه الفراق ۝ والتفت
جان بچنبرهٔ گردن گويند فسوس گر و بگمان دارد كه اين جدا شدن است و بچد

السَّاقُ بِالسَّاقِ ۝ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ۝ فَلَا صَدَّقَ
ساق بر ساق سوی خداوند تو باشد آن روز راندن استوار نداشت
وَلَا صَلَّىٰ ۝ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ
و نماز نکرد ولیکن دروغ داشت و برگشت باز برفت سوی کسان خویش
يَتَمَطَّىٰ ۝ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ۝ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ۝ أَيَحْسَبُ
همی خرامید از کبر وای بر تو ای شخص باز وای بر تو ای شخص همی پندارد
الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى ۝ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ
مردم که وی را باز دارند بس گذاشته نبود آب اندک از آب بوی که بریزد
ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ۝ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ
باز بود خون بسته بیافرید پس درست کرد بکرد از وی دو جفت نر
وَالْأُنثَىٰ ۝ أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۝
و ماده آیا نیست آن خداوند توانا بر آنکه زنده گرداند مردگان را

سورة الدهر مكية احدى وثلثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام الخدای که خلق را روز قیامت زنده گرداند هر یکی که نامه بدست راست دهد و شمار آسان گرداند و بخشاید
هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا ۝
هر آینه آمد بر مردم که از زمانه روزگار نبود چیزی یاد کرده
إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ
ما بیافریدیم مردم را از اندک آمیخته اندر وی از آلوده که آزمایش کردیم پس
سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا
شنوا و بینا ما نمودیم او را راه یا سپاسدار و یا

[illegible]

كفورا

عشر

خمس

عشر

[illegible]

از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که هر که سوره هل اتی را در صبح پنجشنبه بخواند [illegible]

[illegible]

۲۸۱

[illegible] اگر این سوره را [illegible]

[illegible]

در مجمع البیان گفته که در کتب خاصه و عامه روایت است که آیات ان الابرار یشربون تا ... شکورا در شان علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام نزول یافته [illegible] ابن عباس [illegible] حضرت رسول [illegible] امیر المومنین علیه السلام [illegible]

كَفُورًا ۝ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا
ناسپاس ما آماده کردیم مر ناگرویدگان را زنجیرها و غلها
وَسَعِيرًا ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا
آتش سوزان نیکان بیاشامند از قدحی که باشد آمیزش آن
كَافُورًا ۝ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۝
کافور چشمه که بیاشامند از وی بندگان خدا بگشایند از آن گشادنی
يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَ
وفا کنند به آن بانچه واجب گردانیده باشند و ترسند از روزی که باشد سختی آن در ازکشیده و
يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا
بخورانند طعام را بر دوستی وی درویشان را و یتیم را و اسیران را ما
نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ۝
همی بخورانیم شما را از بهر خدا نخواهیم از شما پاداشی و نه سپاسی
إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ۝ فَوَقَاهُمُ اللَّهُ
ما همی بترسیم از خداوند خویش روزی ترش سخت نگاه داشت ایشان را خدا
شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ۝ وَجَزَاهُم بِمَا
از بدی آن روز و پیش آورد ایشان را تازگی و شادی و پاداش داد ایشان را بدانچه
صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ۝ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا
شکیبائی کردند بوستان و پرنیان تکیه زده اندر آن بوستان بر تختها
يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۝ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا
نبینند اندر آنجا آفتابی و نه سرمایی و نزدیک بر ایشان سایهای وی
وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ۝ وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ
و آسان گردانیده شود میوه های وی آسان کردنی و بگردانند بر ایشان جامها

خمس

عشر

[illegible]

مِن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا ۝ قَوَارِيرَا مِن فِضَّةٍ
از سیم و ابریقها که باشد از آبگینهها از سیم
قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ۝ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا
کی اندازه کرده باشند و اندازه کردند و بیاشامانند ایشان را اندر آنجا قدحی که باشد آمیزش وی
زَنجَبِيلًا ۝ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا ۝ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ
زنجبیل چشمه اندر آنجا خوانند از سلسبیل و همی گردند بر ایشان
وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ۝
کودکان حلقه در گوش چون بینی ایشان را پنداری ایشان را مروارید پراکنده
وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ۝ عَالِيَهُمْ ثِيَابُ
و چون بینی آنجا پس بینی نعمتی و پادشاهی بزرگ زبر ایشان جامها
سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَ
دیبا تنک سبز و دیبا استبر و پیرایه پوشند ایشان دست ورنجها از سیم و
سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ۝ إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً
آب دهد ایشان را خداوند ایشان شرابی پاک کننده این است مر شما را پاداشتی
وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا ۝ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنزِيلًا
و هست کوشش شما پسندیده و سپاس داشته ما آنیم که فرو فرستادیم بر تو قرآن فرو فرستادنی
فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ۝ وَاذْكُرِ
شکیبایی کن مر حکم خداوند خویش و فرمان مبر از ایشان بزه کاری یا ناسپاسی را و یاد کن
اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ
نام خداوند خویش بامدادان و شبانگاهان و از شب سجده کن مر او را و نماز کن او را
لَيْلًا طَوِيلًا ۝ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ
شب دراز بدرستی اینان همی دوست دارند اینجهان را و دست باز دارند پیش

يوما

حزب

عشر

[illegible]

حزب

يَوْمًا ثَقِيلًا ۝ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا
اندر روزی سخت گران ما بیافریدیم ایشان را و سخت کردیم بند ایشان را و چون خواهیم
بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ
بدل کنیم مانند ایشان بدل کردنی این پندیست هر که خواهد بگیرد
إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
سوی خداوند خویش راه و نخواهید مگر آنکه خواهد خدا که خدا
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ
هست دانا و استوارکار اندر آرد مر آن را که خواهد اندر بخشایش خود و ستمکاران را
أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝

سورة والمرسلات مكية خمسون آية

آماده کرده است مر ایشان را عذابی دردناک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام آن خدایی که فرشتگان را بیافرید مهربانا که ایشان را رسول گردانید بخشاینده که حق را از باطل جدا کرد
وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ۝ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ۝ وَالنَّاشِرَاتِ
سوگند بادها پس یکدیگر فرستاده پیوسته سوگند بادها باران آرد و سوگند بادها پراکنده
نَشْرًا ۝ فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا ۝ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ۝ عُذْرًا أَوْ نُذْرًا
پراکندنی سوگند بفرشتگان جدا کننده حق از باطل سوگند بفرشتگان [illegible] کننده [illegible] عذری یا بیمی
إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ۝ فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ۝ وَإِذَا السَّمَاءُ
آنچه وعده کنند شما را آمدنی است پس چون ستارگان ناپدید شوند و چون آسمان را
فُرِجَتْ ۝ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ۝ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ ۝ لِأَيِّ
بشکافند و چون کوهها را زیر و زبر کنند و چون پیغمبران را وعده بدید کنند مر کدام
يَوْمٍ أُجِّلَتْ ۝ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۝
روز را زمان داده شود مر روز جدا کردن و چه دانی تو چیست روز جدا کردن

[illegible]

عشر

از حضرت ابو عبد الله علیه السلام مرویست که هر که این سوره را بخواند حق تعالی او را با محمد صلی الله علیه و آله آشنا سازد

حزب

عذرا او نذرا مفعول له اند یا ابدال از ذکرا و بقولی مفعول به ذکرا

عشر

اقتت در اصل وقتت بود همزه [illegible] بدل از واو [illegible]
تخفیف [illegible]
وقت تعیین وقت حضور [illegible]

[illegible]

ويل يومئذ للمكذبين ۝ الم نهلك الاولين ۝ ثم نتبعهم
وای آن روز مر دروغ دارندگان را ۝ نه هلاک کردیم پیشینیان را ۝ باز بدیم ایشان
الآخرين ۝ كذلك نفعل بالمجرمين ۝ ويل يومئذ للمكذبين
از پس آیندگانرا همچنین کنیم بگناه کاران وای آن روز مر دروغ دارندگانرا
الم نخلقكم من ماء مهين ۝ فجعلناه في قرار مكين
نه بیافریدیم شمارا از آب ضعیف سست وبکردیمش اندر آرامگاهی
الى قدر معلوم ۝ فقدرنا فنعم القادرون ۝ ويل يومئذ
تا اندازه دانسته اندازه کردیم نیک اندازه کنان بودیم وای آن روز
للمكذبين ۝ الم نجعل الارض كفاتا ۝ احياء وامواتا
مر دروغ دارندگانرا نه بکردیم زمین را جای بازگشتن زندگانرا و مردگان را
وجعلنا فيها رواسي شامخات واسقيناكم ماء فراتا
وبکردیم اندر زمین کوهها استوار بلند وآب دادیم شمارا آبی خوش گوار
ويل يومئذ للمكذبين ۝ انطلقوا الى ما كنتم به تكذبون
وای آن روز مر دروغ دارندگانرا بروید سوی آنچه بودید بدان دروغ داشتید
انطلقوا الى ظل ذي ثلث شعب ۝ لا ظليل ولا يغني من
بروید سوی سایه با سه شاخ نه سایه کننده و از آفتاب نه باز دارد از
اللهب ۝ انها ترمي بشرر كالقصر ۝ كانه جمالت صفر
زبانه آتش آن آتش همی اندازد چون کوشک پنداری که آن شتری اند سیاهان و زرد
ويل يومئذ للمكذبين ۝ هذا لا ينطقون ۝ ولا يؤذن لهم
يوم
وای آن روز مر دروغ دارندگانرا این روزیست که سخن نگویند. و دستوری ندهند ایشانرا
فيعتذرون ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ هذا يوم الفصل
وعذر خواهند وای آن روز مر دروغ دارندگانرا این روز [illegible]

جمعاكم

جمعناكم والاولين ۝ فان كان لكم كيد فكيدون ۝ ويل
گرد آریم شمارا و پیشینیان را اگر هست مر شمارا چاره سازش بد بسازید با من وای
يومئذ للمكذبين ۝ ان المتقين في ظلال وعيون
آن روز مر دروغ دارندگانرا بدرستی که پرهیزکارانرا اندر سایها باشند و چشمهای روان
وفواكه مما يشتهون ۝ كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون
و میوها از آنچه آرزو کنند بخورید و بیاشامید گوارنده بدانچه همی کردید
انا كذلك نجزي المحسنين ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ كلوا
ما همچنان پاداش دهیم نیکوکارانرا وای آن روز مر دروغ گویانرا بخورید
وتمتعوا قليلا انكم مجرمون ۝ ويل يومئذ للمكذبين
و برخوردار شوید اندکی که شما گناهکارانید وای آن روز مر دروغ گویان را
واذا قيل لهم اركعوا لا يركعون ۝ ويل يومئذ للمكذبين
و چون گویند مرایشانرا رکوع کنید رکوع نکنند وای آن روز مر دروغ دارندگانرا

فباي حديث سورة النبا اربعون اية بعده يؤمنون

پس بکدام سخن سپس این بگروند

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای که آسمانرا برهوا کشید و بداد که زمین زیر پای بگسترانید بخشاینده که ببخشاید بعفت نیز هم
عم يتساءلون ۝ عن النبا العظيم ۝ الذي هم فيه مختلفون
از چه همی پرسند از خبر بزرگ روز قیامت آنکه ایشان اندروی ناهموارند
كلا سيعلمون ۝ ثم كلا سيعلمون ۝ الم نجعل الارض
حقا که زود بدانند باز سوگند است که زود بدانند نه بکردیم زمین را
مهادا ۝ والجبال اوتادا ۝ وخلقناكم ازواجا ۝ وجعلنا
گسترش و کوهها میخها و بیافریدیم شمارا جفت جفت و بکردیم

عشر

خمس

عشر

خمس

خمس

عشر

خمس

عشر

خمس

٢٨٣

[illegible]

نومكم سباتا ۝ وجعلنا الليل لباسا ۝ وجعلنا النهار
خواب شما را آسایش و بکردیم شب را پوشش و بکردیم روز را
معاشا ۝ وبنينا فوقكم سبعا شدادا ۝ وجعلنا سراجا
زندگانی و برآوردیم زبر شما هفت آسمان نیروی استوار و بکردیم چراغی
وهاجا ۝ وأنزلنا من المعصرات ماء ثجاجا ۝ لنخرج به
تابنده و فرود آوردیم از ابرهای فشارنده آب ریزنده تا بیرون آریم بدان
حبا ونباتا ۝ وجنات ألفافا ۝ إن ~~يوم الفصل كان ميقاتا~~
دانه و گیاه و بوستانها یک بدیگر اندر رفته روز قضا کردن هست وعده گاه
يوم الفصل كان ميقاتا ۝ يوم ينفخ في الصور فتأتون
آن روز که اندر دمند اندر صور بیایند
أفواجا ۝ وفتحت السماء فكانت أبوابا ۝ وسيرت الجبال
گروه گروه و بگشایند آسمان را باشند درها درها و برانند کوهها را
فكانت سرابا ۝ إن جهنم كانت مرصادا ۝ للطاغين
باشند سرابی دوزخ هست رهگذر مر گردن کشان را
مآبا ۝ لابثين فيها أحقابا ۝ لا يذوقون فيها بردا ولا
بازگشتگاه درنگ کنندگان جای بازگشتن اندر آنجا زمانها نچشند اندر آنجا خنکی و نه
شرابا ۝ إلا حميما وغساقا ۝ جزاء وفاقا ۝ إنهم كانوا
شرابی مگر آب گرم و خون و ریم پاداشی اندر کار ایشان که ایشان بودند
لا يرجون حسابا ۝ وكذبوا بآياتنا كذابا ۝ وكل شيء
که نمی ترسیدند از شمار و دروغ داشتند آیتهای ما را دروغ داشتنی و هر چیزی
أحصيناه كتابا ۝ فذوقوا فلن نزيدكم إلا عذابا ۝ إن للمتقين
شمردیم نوشته بچشید پس هرگز نیفزاییم شما را مگر عذابا مر پرهیزکاران را

عشر

خمس

عشر

خمس

عشر

... دایم گوینده کان ... [illegible]

غایت شرف در سلک ملائکه مدبرات مندرج اند و الله تعالی اعلم بحقایق الامور

مفازا ۝ حدائق وأعنابا ۝ وكواعب أترابا ۝ وكأسا دهاقا
رستگاری بوستانها و انگورها و کنیزکان هم زادان و قدحها دمادم
لا يسمعون فيها لغوا ولا كذابا ۝ جزاء من ربك
نشنوند اندر آنجا سخن بیهوده و نه دروغ گفتن پاداش از خداوند تو
عطاء حسابا ۝ رب السموات والأرض وما بينهما الرحمن
بخشیدنی بسنده خداوند آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو بخشاینده
لا يملكون منه خطابا ۝ يوم يقوم الروح والملائكة
پادشاهی ندارند از وی سخن آن روز که بایستد جبرئیل و فرشتگان
صفا لا يتكلمون إلا من أذن له الرحمن وقال صوابا
صف زده سخن نگویند مگر آنکسی که دستوری دهد او را خداوند بخشاینده و گوید سخن
ذلك اليوم الحق فمن شاء اتخذ إلى ربه مآبا ۝ إنا أنذرناكم
آن است روز راستی هر که خواهد بگیرد سوی خداوند خویش بازگشتن ما بیم کردیم شما را
عذابا قريبا ۝ يوم ينظر المرء ما قدمت يداه ويقول
از عذابی نزدیک آن روز که چشم بیدارد مردی آنچه پیش فرستاده دستهای او و گوید
الكافر يا ليتني كنت ترابا

سورة النازعات ست واربعون

کافر ای کاشکی من بودمی خاک

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام آن خدایی که خلق را بقهر بمیراند مهربانی که جان بستاند و پایان بدهد بخشاینده که اندر جواب آسان گرداند
والنازعات غرقا ۝ والناشطات نشطا ۝ والسابحات
سوگند بفرشتگان تیر که جان کافران بستانند و بیرون کنند جان مؤمنان را آسان کشیدنی و شتابندگان
سبحا ۝ فالسابقات سبقا ۝ فالمدبرات أمرا ۝ يوم ترجف
شتابیدنی پس پیش دستان پیش دستی تدبیر کنندگان کاری آن روز بجنبد

عشر

خمس

عشر

خمس

[illegible]

الراجفة تتبعها الرادفة قلوب يومئذ واجفة
زمین جنبانیدند بهم آید ازا سپس آید نفخهٔ قیامه دلها باشد ازروز ازجاجنبیده

عشر

ابصارها خاشعة يقولون ائنا لمردودون في الحافرة
چشمهای وی فرو خوابیده گویند هرکزما را بازبرند اندر گورها اول کار

ائذا كنا عظاما نخرة قالوا تلك اذا كرة خاسرة فانما
چون باشیم استخوانها پوسیده گویند آن باشد آنگاه بازگشتن زیان کار هر آینه

هي زجرة واحدة فاذا هم بالساهرة هل اتيك حديث
آن یک جنبیدن باشد وچون باشد ایشان بروشنی امان باشند هیچ آمد بتو سخن

خمس

موسى اذ ناديه ربه بالواد المقدس طوى اذهب
موسی چون خواند او را خداوندوی بدشت پاکیزه نام وی طوی برو

الى فرعون انه طغى فقل هل لك الى ان تزكى و
سوی فرعون که وی گردن برده است بگو چنین باید مرترا که خویشتن پاک کرداند و

عشر

اهديك الى ربك فتخشى فاريه الاية الكبرى فكذب
راه نمایم ترا سوی خداوند تو تا بترسی بنمودش نشان بزرگترین بدروغ داشت و

وعصى ثم ادبر يسعى فحشر فنادى فقال انا ربكم الاعلى
ونافرمانی کرد باز سپس رفت همی دوید سپاه گرد آورد واواز داد گفت منم خداوند شما برترین

خمس

فاخذه الله نكال الاخرة والاولى ان في ذلك
بگرفت وی را خدا بعذاب آن جهان واینجهان اندرین

لعبرة لمن يخشى ءانتم اشد خلقا ام السماء بنيها
پندیست مرآنرا که بترسند ای شما سخت ترید بآفرینش یا آسمان برآوردش

رفع سمكها فسويها واغطش ليلها واخرج ضحيها
برداشت سقف وی وراست کرد بنیادش وتاریک کردانید شب را و بیرون آورد

[illegible]

والارض

[illegible]

عشر

والارض بعد ذلك دحيها اخرج منها ماءها و
وزمین را سپس آن گسترانیدش بیرون آورد ازوی آب او را و

مرعيها والجبال ارسيها متاعا لكم ولانعامكم فاذا
چراگاه او را وکوهها را استوار کردانیدش برخورداری مرشمارا ومرچهارپایان شمارا چون

خمس

جاءت الطامة الكبرى يوم يتذكر الانسان
بیاید کار پوشیده بزرگترین نفخهٔ قیامه ازروز یاد دارد مردم

ما سعى وبرزت الجحيم لمن يرى فاما من طغى واثر
آنچه کرده است وبیرون آرد دوزخ را ازا که ببیند پس هرکه ازحد برده باشد وبگزید

عشر

الحيوة الدنيا فان الجحيم هي الماوى واما من خاف
زندگانی اینجهان دوزخ جایگاه ویست وهرکه بترسد

مقام ربه ونهى النفس عن الهوى فان الجنة هي الماوى
از ایستادن نزد خداوند خویش وبازدارد تن را از آرزوی پس بدرستی که بهشت جایگاه ویست

خمس

يسئلونك عن الساعة ايان مرسيها فيم انت من ذكريها
همی پرسند ترا ایمحمد از رستاخیز کی باشد بودن وی اندر چیزی تو از یاد کردن وی

الى ربك منتهيها انما انت منذر من يخشيها كانهم
[illegible] خش وی [illegible] بیم کننده کسی را که بترسد از قیامة درست که ایشان

يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها
[illegible] درنگ نکردند مگر شبانگاهی یا بامدادان وی

سورة عبس مكية اثنان واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible] و خوار کند مهربانی که ضعیفان را نوازد و بخشاینده که بر ضعیفی ببخشاید

[illegible]

مرویست که هر که این سوره را بخواند روز او در قیامت خندان و بشاشت کننده باشد

عبس وتولی ۝ ان جاءه الاعمی ۝ وما یدریك لعله

روی ترش کرد پیغمبر و بگردانید بدانکه بیامد سوی وی نابینا و نداند تو یا محمد که وی

یزکی ۝ او یذکر فتنفعه الذکری ۝ اما من استغنی ۝ فانت

پاک شود یا پند پذیرد سود دارد او را پندے اما آنکه توانگرست تو

له تصدی ۝ وما علیك الا یزکی ۝ واما من جاءك یسعی

بوی روی آری و چه باشد که وی پاک نشود و اما آنکسی که بیاید سوی تو دوان

وهو یخشی ۝ فانت عنه تلهی ۝ کلا انها تذکرة ۝ فمن شاء

و وی همی ترسد که تو از وی مشغول شوی نباید چنین کی این پندیست و هر که خواهد

ذکره ۝ فی صحف مکرمة ۝ مرفوعة مطهرة ۝ بایدی سفرة ۝

یاد کیرد وی اندر نامهاے گرامی کرده بر داشته پاکیزه کرده بدستهاء فرشتگان

کرام بررة ۝ قتل الانسان ما اکفره ۝ من ای شیء خلقه

بزرگواری نیک پاکان کشته باد امیة بن خلف چون ناسپاس است وی از چه چیز آفریدش

من نطفة خلقه فقدره ۝ ثم السبیل یسره ۝ ثم اماته

از آب اندک بیافریدش اندازه کردش باز راه طاعت آسان کردش باز بمیرانیدش

فاقبره ۝ ثم اذا شاء انشره ۝ کلا لما یقض ما امره ۝ فلینظر

و در گور کردش باز چون بخواهد زنده کرداندش باید چنین نکرد

الانسان الی طعامه ۝ انا صببنا الماء صبا ۝ ثم شققنا

مردم سوی خورد خویش ما فرو ریختیم آب ریختنی

الارض شقا ۝ فانبتنا فیها حبا ۝ وعنبا وقضبا ۝ وزیتونا

زمین را شکافتنی بر رویانیدیم اندر وی دانه و انگوری و سپست

ونخلا ۝ وحدائق غلبا ۝ وفاکهة وابا ۝ متاعا لکم ولانعامکم

و خرمابن و بستانها با درختان بزرگ و میوه و گیاه

خمس

عشر

خمس

عشر

خمس

عشر

فاذا جاءت الصاخة ۝ یوم یفر المرء من اخیه ۝ وامه

و چون بیاید کارے بزرگ یعنی قیامت از روز بگریزد مردم از برادر خویش و مادر خویش

وابیه ۝ وصاحبته وبنیه ۝ لکل امرئ منهم یومئذ

و پدر خویش و یاران خویش و پسران خویش مر هر کسی را از ایشان آن روز

شان یغنیه ۝ وجوه یومئذ مسفرة ۝ ضاحکة مستبشرة ۝

کاری باشد که مشغول کرداندش رویها آن روز تابان خندان و شادان

ووجوه یومئذ علیها غبرة ۝ ترهقها قترة ۝ اولئك هم

و رویها آن روز که بر وی باشد غباری برسد بوی سختی ایشانند که ایشان

الکفرة ۝ سورة التکویر مکیة تسع وعشرون الفجرة

ناسپاسانند بدکردارانند

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام آن خدایی که خلق را زنده گرداند و جهانها که رحمت کند بر مومنان و آسان گرداند بخشاینده که

اذا الشمس کورت ۝ واذا النجوم انکدرت ۝ واذا الجبال

چون آفتاب تباه شود و چون ستارگان تیره گردد و بگردد و چون کوهها

سیرت ۝ واذا العشار عطلت ۝ واذا الوحوش

بر رانند و چون شتران ده ماهه را بگذارند بی کار مانند و چون ددگان

حشرت ۝ واذا البحار سجرت ۝ واذا النفوس زوجت ۝

گرد آورند و برانگیزند و چون دریاها را بجوشانند و بیفشانند و چون تنها را جفت گردانند

واذا الموءدة سئلت ۝ بای ذنب قتلت ۝ واذا الصحف

و چون دختر زنده بگور کرده بپرسند بچه گناه کشته شد و چون نامها

نشرت ۝ واذا السماء کشطت ۝ واذا الجحیم سعرت

بازکنند و بگشایند و چون آسمان را برکنند و چون دوزخ را بتابند

بمفهوم ایشان را و آنا امانت فرنیس ماموریم کار نشدم که از آن در گذشته باشم

شدن و مراد از اینجا ماسوای آفتاب و ماه است از سیارات بقرینه جوار و آشکار اا ازان باین دو نام نامیده

خمس

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ۝ فَلَا أُقْسِمُ

وچون بهشت را نزدیک کردانند بداند هر تنی آنچه با خویشتن آورده است سوگند یاد کنم

بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۝ وَالصُّبْحِ إِذَا

بستارکان روندکان پنهان شوندکان و سوگند بشب چون تاریک شود و سوگند بسپیده چون

تَنَفَّسَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي

دم زند این گفتار پیغمبریست بزرگوار با نیروی نزد خداوند

الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۝ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝

عرش با پایگاه فرشتگان فرمان وی کنند باز استوار و حق گذارد و نیست یار شما دیوانه

عشر

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ۝ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝

و بدید آورد کنارهای پیدا و نیست وی بر وحی گذاردن بخیل

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا

و نیست این گفت یعنی قرآن گفتار دیو رانده کجا همی روید نیست این مگر

ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاءُونَ

پند مر همه خلق را مر آنکسی را که خواهد از شما که راست باشید و شما نخواهید

خمس

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ سورة الانفطار رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝

مگر که خواهد خدا پروردگار همه خلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام الخدای که بخشش بر خلق تمام اند مهربانکه پرده ایشان ندراند بخشاینده که عیب خلایق بپوشاند

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۝ وَإِذَا

چون آسمان بشکافد و چون ستارکان فرو ریزند و چون

الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ

دریاها بگشایند و چون گورها زیر و زبر گردانند بداند هر تنی آنچه پیش فرستاد

[illegible]

اذا البحار فجرت یعنی بعضی از دریاها با بعضی دیگر راه پیدا کنند و همه یک دریا شوند والله اعلم

واخرت

٤٨٧

خمس

وَأَخَّرَتْ ۝ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝

و آنچه پس ماند ای مردم چه فریفت ترا بخداوند تو بزرگوار نیکوکار

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ۝ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ

آنکه بیافرید ترا بالا راست کرد و اندام راست آفرید اندر هر کدام نگارش که خواست

عشر

رَكَّبَكَ ۝ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝

ترا نهاد چنین باید که همی دروغ دارید در شمار و بر شما نگاه بانند

كِرَامًا كَاتِبِينَ ۝ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي

بزرگ فرشتگان نویسندگان بدانند آنچه شما همی کنید نیکان اندر

نَعِيمٍ ۝ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۝ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ۝

نعمت بهشتند و بدان اندر دوزخ باشند اندر شوند بدوزخ روز شمار و پاداش

خمس

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۝ ثُمَّ

و نه ایشان باشند از آنجا غایبان و چه دانا کرد ترا که چیست روز شمار باز

مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

چه دانانی تو یا محمد چیست روز شمار روزی که پادشاه نباشد تنی مر تنی را چیزی

وَالْأَمْرُ سورة المطففين يَوْمَئِذٍ مكية ست وثلثون لِلَّهِ ۝

و فرمان آن روز مر خدای راست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام الخدایکه مرا از سجین فرود آورد مهربانکه نیکان را علیین بر آورد بخشاینده که رحیق مختوم ایشان را بخشاید

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝

وای مر کاهندگان را آنکسانکه چون خویشتن را پیمایند بر مردمان تمام بستانند

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ

و چون بپیمایند مردمان را یا بسنجند ایشان را بکاهند مگر گمان نمی برند که ایشان را

[illegible]

خمس

أَنَّهُم مَبعُوثُونَ لِيَومٍ عَظِيمٍ ۝ يَومَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ العَالَمِينَ
که ایشان برانگیخته شوند روزی بزرگ آن روز برخیزند مردمان مر پروردگار همه خلق

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ۝ وَمَا أَدرَاكَ مَا سِجِّينٌ ۝ كِتَابٌ
حقا که نامه بدان اندر سجین باشند وچه دانا کرد ترا یا محمد چیست سجین نامه‌ایست

مَرقُومٌ ۝ وَيلٌ يَومَئِذٍ لِلمُكَذِّبِينَ ۝ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَومِ الدِّينِ
نوشته یعنی رقم شقاوت زده وای آن روز مر دروغ دارندگان را آنانکه بدروغ داشتند بروز شمار

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعتَدٍ أَثِيمٍ ۝ إِذَا تُتلَى عَلَيهِ آيَاتُنَا
و بدروغ ندارد آنرا مگر هر ستمکاری بزهکاری چون خوانده شود بروی آیتهای ما

قَالَ أَسَاطِيرُ الأَوَّلِينَ ۝ كَلَّا بَل رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَا كَانُوا
گوید نوشتگیهای پیشینیان است نه چنین بلکه غلبه کرد بر دلهای ایشان آنچه ایشان

يَكسِبُونَ ۝ كَلَّا إِنَّهُم عَن رَبِّهِم يَومَئِذٍ لَمَحجُوبُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّهُم
همی کردند حقا و کند است که ایشان از خداوند خویش آن روز اندر پرده باشند باز ایشان

لَصَالُوا الجَحِيمِ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ
اندر آیند بدوزخ باز گویند ایشان این است آنکه شما همه اورا بدروغ داشتید

عشر
[illegible]

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الأَبرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۝ وَمَا أَدرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ
حقا و کند است که نامه نیکان اندر برتر باشد وچه دانا کرد ترا یا محمد چیست برترین

كِتَابٌ مَرقُومٌ ۝ يَشهَدُهُ المُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ الأَبرَارَ لَفِي نَعِيمٍ
نامه‌ایست نوشته یعنی رقم سعادت زده حاضر شوند آنجا فرشتگان مقرب که نیکان اندر نعمت باشند

عَلَى الأَرَائِكِ يَنظُرُونَ ۝ تَعرِفُ فِي وُجُوهِهِم نَضرَةَ النَّعِيمِ
بر تختهای آراسته همی نگرند بشناسی اندر رویهای ایشان تازگی و شادی نعمت

يُسقَونَ مِن رَحِيقٍ مَختُومٍ ۝ خِتَامُهُ مِسكٌ ۝ وَفِي ذَلِكَ فَليَتَنَافَسِ
بخورانندشان از می مهر کرده مهر وی از مشک و اندر این با نازند

خمس
عشر
خمس

[illegible]

المتنافسون

المُتَنَافِسُونَ ۝ وَمِزَاجُهُ مِن تَسنِيمٍ ۝ عَينًا يَشرَبُ بِهَا المُقَرَّبُونَ
نازندگان و آمیزش وی از چشمه تسنیم چشمه که بخورند از آنجا نزدیک کردگان

إِنَّ الَّذِينَ أَجرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضحَكُونَ ۝ وَإِذَا
آنانکه بزه کردند بودند از آنانکه بگرویدند همی بخندیدند و چون

مَرُّوا بِهِم يَتَغَامَزُونَ ۝ وَإِذَا انقَلَبُوا إِلَى أَهلِهِمُ انقَلَبُوا
بگذشتندی برایشان همی فسوس میکردند و چون بازگشتندی سوی کسان خویش بازگشتندی

فَكِهِينَ ۝ وَإِذَا رَأَوهُم قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ۝ وَمَا
شادی کنندگان و چون بدیدندی ایشان را گفتندی اینان گمراهانند و نه

أُرسِلُوا عَلَيهِم حَافِظِينَ ۝ فَاليَومَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الكُفَّارِ
فرستادند برایشان نگهبانان پس آن روز آنانکه بگرویدند از ناگرویدگان

يَضحَكُونَ ۝ عَلَى الأَرَائِكِ يَنظُرُونَ ۝ هَل ثُوِّبَ الكُفَّارُ مَا
همی خندند بر تختهای آراسته همی نگرند چه پاداش ناگرویدگان آنچه

عشر
فاکهین
خمس
خمس

[illegible]

كَانُوا ۝ يَفعَلُونَ ۝
همی کردند

سورة الانشقاق مكية خمس وعشرون

بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای که بقیامت آسمانها را بشکافد و باز که نامه مؤمنان بدست راست دهد بخشاینده که شمار بر ایشان آسان

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّت ۝ وَأَذِنَت لِرَبِّهَا وَحُقَّت ۝ وَإِذَا الأَرضُ
چون آسمان بشکافد و گوش دارد بخداوند خویش و سزاست که گوش دارد و چون زمین

مُدَّت ۝ وَأَلقَت مَا فِيهَا وَتَخَلَّت ۝ وَأَذِنَت لِرَبِّهَا وَحُقَّت
بکشیده شود و چون افکند آنچه اندر ویست و تهی شود و گوش دارد مر خداوند خویش را

يَا أَيُّهَا الإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدحًا فَمُلَاقِيهِ
ای مردم ترا همی کار باید کرد از بهر خداوند خویش کار کردنی و بدان کار رسیدنی

[illegible]

فاما من اوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حسابا یسیرا

پس هر که بدهندش نامه وی بدست راست وی زود شمار کنند با وی شماری آسان

وینقلب الی اهله مسرورا واما من اوتی کتابه وراء

و باز گردد سوی کسان خویش شادمان واما آنکه بدهند او را نامه وی بپس

ظهره فسوف یدعوا ثبورا ویصلی سعیرا انه کان فی

پشت وی زود بخواند واهلاکی و اندر آید باتش سوزان وی بود اندر

اهله مسرورا انه ظن ان لن یحور بلی ان ربه کان

کسان خویش شادمان که وی همی گمان برد که وی باز نگردد آری باز گردد که خداوند وی هست

به بصیرا فلا اقسم بالشفق واللیل وما وسق

بوی بینا سوگند یاد کنم بنشان باز پس رفتن آفتاب و سوگند بشب و آنچه گرد آرد

والقمر اذا اتسق لترکبن طبقا عن طبق فما

و سوگند بماه چون تمام گردد که بر نشینید یعنی بآفرینش حالی پس حالی [illegible] چه بوده است

لهم لا یؤمنون واذا قرئ علیهم القرآن لا یسجدون بل

مر ایشانرا که همی نگروند و چون بخوانند بر ایشان قرآن را سجده نکنند بلکه

الذین کفروا یکذبون والله اعلم بما یوعون فبشرهم

آنکسانکه نگرویدند دروغ همی دارند و خدا داناترست بدانچه اندر دلها پنهان کرده [illegible]

بعذاب الیم الا الذین امنوا وعملوا الصالحات لهم

بعذاب دردناک مگر آنکسانکه بگرویدند و بکردند نیکیها مر ایشانراست

اجر غیر ممنون

سورة البروج مکیة اثنان وعشرون

مزدی ناکاسته

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدایی که دشمنانرا هلاک کند مهربان که کینه دوستان از دشمنان بستاند بخشاینده که [illegible]

عشر

خمس

حزب

عشر

خمس

[illegible]

مقام جمع شدن در شب است جوانات را که در روز بجهت طلب قوت و معیشت پراکنده بودند و در روز [illegible] شود هر یک بجای خود شتابند [illegible]

والسماء

[illegible]

والسماء ذات البروج والیوم الموعود وشاهد

سوگند باسمان با کوشکها و سوگند بروز وعده کرده و سوگند باینده

ومشهود قتل اصحاب الاخدود النار ذات الوقود

و بدانکه سوی وی آید هلاک کشته شد خداوندان کنده آتش با فروزش

اذ هم علیها قعود وهم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

چون ایشان بر آتش نشسته بودند و ایشان بر آنچه همی کردند بگرویدگان [illegible] گواهان بودند

وما نقموا منهم الا ان یؤمنوا بالله العزیز الحمید الذی

و کینه نخواستند از ایشان مگر بدانکه بگرویدند بدان خدای عزیز ستوده آنکه

له ملک السموات والارض والله علی کل شیء شهید

مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه چیز گواهست

ان الذین فتنوا المؤمنین والمؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم

آنکسانکه بسوختند گرویدگان از مردان و زنان گرویده باز توبه نکردند مر ایشانراست

عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق ان الذین امنوا وعملوا

عذاب دوزخ و مر ایشانراست عذاب سوزنده آنکسانکه بگرویدند و بکردند

الصالحات لهم جنات تجری من تحتها الانهار ذلک

نیکیها مر ایشانراست بوستانها همی رود از زیر آن جویها روان این است

الفوز الکبیر ان بطش ربک لشدید انه هو یبدئ

رستگاری بزرگ گرفتن خداوند سخت باشد که ویست که وی آشکار کند

ویعید وهو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال

و باز گرداند و ویست آمرزگار دوست [illegible] عرش بزرگوار کننده

لما یرید هل اتیک حدیث الجنود فرعون وثمود بل

آنچه خواهد آیا آمد تو خبر سپاهها فرعون و سپاه ثمود بلکه

حزب

عشر

خمس

[illegible]

عشر

[illegible]

الذين كفروا في تكذيب والله من ورائهم محيط

آنانکه نگرویدند اندر دروغ داشتن وخدای از سپس ایشان گرد آرد

بل هو قرآن مجيد سورة الطارق في لوح محفوظ

بلکه این نبی است بزرگوار اندر لوح نگاه داشته

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام آنخدای که مردم بیافرید از نطفه مهربانی که بروی نگهبان نهاد بخشاینده که او را ضایع نکرد

والسماء والطارق وما ادريك ما الطارق النجم

سوگند است بآسمان وآینده شب وچه دانی تو یا محمد چیست آینده شب ستاره

الثاقب ان كل نفس لما عليها حافظ فلينظر الانسان

رخشان نیست هیچ تنی مگر بروی نگاهبان بنگرد مردم

خمس

مم خلق خلق من ماء دافق يخرج من بين الصلب و

تا بچه آفریده شد آفریدند ویرا از آب جهنده بیرون آید از میان پشت پدر و

الترائب انه على رجعه لقادر يوم تبلى السرائر فما

سینه مادر وی بر بازگردانیدن وی تواناست آن روز که آشکارا شود نهانها باشد

عشر

له من قوة ولا ناصر والسماء ذات الرجع والارض ذات

مر او را هیچ نیرو و نه یاری گری وسوگند بآسمان با بازآینده سوگند بزمین با

الصدع انه لقول فصل وما هو بالهزل انهم يكيدون

شکافها نبات برآیند که این گفتاریست جدا کننده حق وباطل ونیست وی سخن بیهوده ایشان همی سازند

خمس

كيدا واكيد كيدا فمهل الكافرين امهلهم

سازش بد ومن همی سازم سازش زمان ده ناگرویدگان را درنگ ده ایشانرا

سورة الاعلى عز وجل رويدا مكية تسع عشرة اية

اندکی

بسم الله

اند مانند الله ورحمن ورحیم واسم نامناسب وبقولی مراد از اسم مسمی است که عبارت از ذات حق است مجازا وبقولی لفظ اسم

۲۹۰

از حضرت ابو عبد الله علیه السلام مرویست که هر که سوره اعلی را در نماز واجب وسنت بخواند روز رستخیز

نصف

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام آنخدای که بجز او خدای نیست مهربانی که قدر آدمیان دانست آنرا بخشاینده که اندازه کرد وراه نمود

سبح اسم ربك الاعلى الذي خلق فسوى والذي قدر

تسبیح کن بنام خداوند خویش برترین آنکه بیافرید وراست گردانید وآنکه اندازه کرد

خمس

فهدى والذي اخرج المرعى فجعله غثاء احوى

وراه نمود وآنکه بیرون آورد گیاه زار وبکرد او را خشک سیاه

سنقرئك فلا تنسى الا ما شاء الله انه يعلم الجهر وما

زود برخوانانیم ترا تا فراموش نکنی مگر آنچه خواهد خدا که وی بداند آشکارا وآواز بلند

يخفى ونيسرك لليسرى فذكر ان نفعت الذكرى

پنهان باشد وآسان گردانیم ترا کار آسانترین پند ده اگر سود کند پند

سيذكر من يخشى ويتجنبها الاشقى الذي يصلى النار

زود پند پذیرد آنکس که بترسد وکرانه کند ازوی بدبخت ترین آنکه اندر شود بآتش

الكبرى ثم لا يموت فيها ولا يحيى قد افلح من تزكى و

بزرگترین باز نمیرد اندر آن آتش ونه زنده ماند رستگار گشت هر که خویشتن پاک کرد و

ذكر اسم ربه فصلى بل تؤثرون الحيوة الدنيا والاخرة

و یاد کرد نام خداوند خویش او نماز کرد بلکه همی برگزینید زندگانی اینجهان وآنجهان

خير وابقى ان هذا لفي الصحف الاولى صحف

بهتر وپاینده تر این پند اندر نامهای پیشین است نامهای

ابراهيم سورة الغاشية ست وعشرون اية وموسى

ابراهیم وموسی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام آنخدای که بهشت ودوزخ را بیافرید مهربانی که جان مومنان آسان گیرد بخشاینده که از ایشان خشنود

[illegible]

هل اتیک حدیث الغاشیة ۝ وجوه یومئذ خاشعة عاملة
چنین آمد بتو خبر پوشنده بخیره رویها باشد آن روز خوار و ذلیل کشته کارکرده

ناصبة ۝ تصلی نارا حامیة ۝ تسقی من عین انیة ۝ لیس
و رنج برده اندر آیندش در آتش تفسان بخورانندش از چشمه گرم جوشان نیست

لهم طعام الا من ضریع ۝ لا یسمن ولا یغنی من جوع ۝ وجوه
مر ایشان را خوردنی مگر از خون آتشین فربه کند نه سود دارد از گرسنگی رویها

یومئذ ناعمة ۝ لسعیها راضیة ۝ فی جنة عالیة ۝ لا تسمع
آن روز شادان و تازه مر کار خویش را پسندیده اندر بوستان بلند نشنوی

فیها لاغیة ۝ فیها عین جاریة ۝ فیها سرر مرفوعة
اندر آنجا سخن بیهوده اندر آنجا چشمه باشد روان اندر آنجا تختها باشد برداشته

واکواب موضوعة ۝ ونمارق مصفوفة ۝ وزرابی مبثوثة
و کوزه ابریقها نهاده و بالشها برده نهاده و شادروانها گسترده

افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت ۝ والی السماء کیف
همی ننگرند سوی شتر چگونه آفریدش و سوی آسمان چگونه

رفعت ۝ والی الجبال کیف نصبت ۝ والی الارض کیف
بر افراشتش و سوی کوهها چگونه بپای کردش و سوی زمین چگونه

سطحت ۝ فذکر انما انت مذکر ۝ لست علیهم بمصیطر
گسترانیدش پند ده که تو پند دهنده نیستی بر ایشان گماشته

الا من تولی وکفر ۝ فیعذبه الله العذاب الاکبر
مگر کسی که برگردد و کفر ورزد عذاب کند اورا خدا عذاب بزرگترین

ان الینا ایابهم ۝ سورة الفجر ثم ان علینا حسابهم
سوی ماست بازگشتن ایشان باز بر ماست شمار ایشان

حزب
عشر
حزب
عشر
حزب

انک حدیث الغاشیه فرموده که فرا خواهد گرفت ستمکاران اندر قیامت را بلای عظیم از حشر قایم

۲۹۱

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام ایزد ای که جان کافران بستیزه بردار دهرها که جان مومنان را باسانی بردار و بخشاینده که از بندگان بگذرد

والفجر ۝ ولیال عشر ۝ والشفع والوتر ۝ والیل اذا یسر
سوگند بسپیده دم سوگند بشبهای ده‌گانه سوگند بجفت و طاق و سوگند بشب چون بگذرد

هل فی ذلک قسم لذی حجر ۝ الم تر کیف فعل ربک
چیزی اندرین هست سوگند مر خداوند خرد را نگاه نکنی چگونه کرد خداوند تو

بعاد ۝ ارم ذات العماد ۝ التی لم یخلق مثلها فی البلاد ۝ وثمود
بگروه عاد ارم نام شهرستان ایشان است آنکه آفریده نشود چون وی اندر شهرها و گروه صالح

الذین جابوا الصخر بالواد ۝ وفرعون ذی الاوتاد ۝ الذین
آنکه ببریدند سنگ بوادی خویش و آوردن فرعون خداوند میخها آنان که

طغوا فی البلاد ۝ فاکثروا فیها الفساد ۝ فصب علیهم ربک
گردن کشی کردند اندر شهرها بسیار کردند اندر آنها تباه کاری فرو ریخت بر ایشان خداوند تو

سوط عذاب ۝ ان ربک لبالمرصاد ۝ فاما الانسان اذا
تازیانه عذاب که خداوند تو بر راهگذار است اما مردم چون

ما ابتله ربه فاکرمه ونعمه فیقول ربی اکرمن ۝ و
آزموده کرداندش اورا خداوند بنوازدش و با نعمت کرداندش گوید خداوند من بنواخت مرا و

اما اذا ما ابتله فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن
اما چون آزموده کرداندش تنگ کرداند بر وی روزی وی گوید خداوند من خوار کرد

کلا بل لا تکرمون الیتیم ۝ ولا تحاضون علی طعام المسکین
نیست چنین که گرامی نکنید شما پدر مرده را و برنی انگیزید خلق را بر طعام دادن درویشان

وتاکلون التراث اکلا لما ۝ وتحبون المال حبا جما
همی بخورید میراث را خوردنی بستم و همی دوست دارید خواسته دوست داشتنی بسیار

خمس

كلا اذا دكت الارض دكا دكا ۝ وجاء ربك والملك
حقا که چون بجنبانند زمین جنبانیدنی بوزانند جنبانیدنی و بیاید فرمان خداوند تو و فرشتگان
صفا صفا ۝ وجيء يومئذ بجهنم يومئذ يتذكر
صف زده صف کرفتی و بیارند آن روز دوزخ را آن روز پند پذیرد
الانسان وانى له الذكرى ۝ يقول يا ليتني قدمت
مردم و چه سود دارد مر او را پند پذیرفتنی گوید ای کاشکی پیش فرستادمی
لحياتي ۝ فيومئذ لا يعذب عذابه احد ۝ ولا يوثق
مر زندگانی خویش را آن روز عذاب نکند چون عذاب خدا کسی و نه بندد چون
وثاقه احد ۝ يا ايتها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك
بند خدا کسی ای تن آرمیده بازگرد سوی خداوند خویش
راضية مرضية ۝ فادخلي في عبادي ۝ وادخلي جنتي
از خدا خشنود گشته خدا خشنود از تو اندر آی اندر میان بندگان و اندر آی بهشت من

سورة البلد مكية عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدایی که مومنان را ایمان کرامت کرد و کرامت ایشان را بیفزود و بخشاینده که بندگان را بر گناه [illegible]
لا اقسم بهذا البلد ۝ وانت حل بهذا البلد ۝ ووالد
سوگند یاد کنم بدین شهر و تو حلالی بدین شهر و سوگند به پدر
وما ولد ۝ لقد خلقنا الانسان في كبد ۝ ايحسب ان
و آنچه بزاد او هر آینه بیافریدیم مردم را اندر سختی همی پندارد که
لن يقدر عليه احد ۝ يقول اهلكت مالا لبدا ۝ ايحسب
توانا نگردد بروی کسی گوید هلاک کردم خواسته بسیار

[illegible]

از حضرت ابو عبد الله علیه السلام [illegible]

عشر

[illegible]

ان لم يره احد ۝ الم نجعل له عينين ۝ ولسانا و
که ندید اورا احدی ایا نگردانیدیم مر او را دو چشم و زبانی و
شفتين ۝ وهديناه النجدين ۝ فلا اقتحم العقبة
دو لب و هدایت کردیمش دو جای بلند پس درنیامد به بلندی گریوه
وما ادراك ما العقبة ۝ فك رقبة ۝ او اطعام في يوم
و چه چیز دانا کرد ترا که چیست بلندی دید گردن گناه رهانیدن گردنیست یا خورانیدن در روزی که
ذي مسغبة ۝ يتيما ذا مقربة ۝ او مسكينا ذا متربة ۝ ثم
گرسنگی است صاحب یتیمی که صاحب قرابت است یا درمانده را که محتاج است پس
كان من الذين امنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمة
باشد از آنانکه ایمان آوردند و وصیت بهم کردند به صبر و وصیت بهم کردند بمهربانی
اولئك اصحاب الميمنة ۝ والذين كفروا بآياتنا هم
ایشان اند یاران دست راست و آنانکه کافر شدند بآیتهای ما ایشان
اصحاب المشئمة ۝ سورة الشمس عليهم نار موصدة
اند یاران دست چپ بر ایشان آتشی است پوشیده

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان
والشمس وضحاها ۝ والقمر اذا تلاها ۝ والنهار اذا
به آفتاب و روشنی وقت ارتفاعش و ماه چون از پی در آید پس در روز چون
جلاها ۝ والليل اذا يغشاها ۝ والسماء وما بناها ۝ و
جلا دهدش و شب چون فرو پوشیدش و آسمان و آنکه بنا کرد آنرا و
الارض وما طحاها ۝ ونفس وما سواها ۝ فالهمها فجورها
زمین و آنکه گسترد آنرا و نفس و آنکه راست کرد آنرا پس الهام کردش بد کردار

وتقوىها ۝ قد افلح من زكىها ۝ وقد خاب من دسىها ۝
و پرهیزکاریش را بتحقیق رستگار شد آنکه پاک کرد آن را و بتحقیق بی بهره ماند آنکه بی پرهیزکار نمود آن را

كذبت ثمود بطغوىها ۝ اذ انبعث اشقىها ۝ فقال لهم
بتحقیق بی بهره ماند کسیکه تباه کرد آنرا تکذیب نمود ثمود بسبب طغیانش هنگامیکه برانگیخته شد بدبخت

رسول الله ناقة الله وسقىها ۝ فكذبوه فعقروها
ایشان را پس گفت مر ایشان را رسول خدا ناقه خدا و شربش را پس تکذیب کردند او را پس پی کردند او را

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسوىها ۝ ولا يخاف
پس غضب کرد بر ایشان پروردگارشان بگناهشان پس یکسان کرد آنرا
و بیم کرد

عقبها ۝
عاقبت آنرا

سورة الليل وهي احدى وعشرون اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

والليل اذا يغشى ۝ والنهار اذا تجلى ۝ وما خلق الذكر
شب چون فروپوشیند و روز چون روشن شود و آنکه آفرید نر

والانثى ۝ ان سعيكم لشتى ۝ فاما من اعطى واتقى ۝
و ماده بدرستیکه کوشش شما هر آینه از هم جداست پس اما کسیکه عطا کرد و پرهیزکار

وصدق بالحسنى ۝ فسنيسره لليسرى ۝ واما من بخل
و تصدیق نمود خوبی را پس زود توفیق میدهیم او را برای آسانی و اما کسیکه بخل ورزید

واستغنى ۝ وكذب بالحسنى ۝ فسنيسره للعسرى ۝
و استغنا نمود و تکذیب کرد مرتبه خوب را پس زود دهیم جا بجا او را برای دشوار

وما يغنى عنه ماله اذا تردى ۝ ان علينا للهدى ۝
و کفایت نکرد از او مالش چون هلاک شد بدرستیکه بر ماست هر آینه هدایت

وانّ

وان لنا للاخرة والاولى ۝ فانذرتكم نارا تلظى
و بدرستیکه برای ماست هر آینه آخرت و اولی پس بیم کردم شما را به آتشی که زبانه میکشد

لا يصلىها الا الاشقى ۝ الذى كذب وتولى ۝
داخل نمیشود در آن مگر بدبخت ترین که تکذیب نمود و روی گردانید

وسيجنبها الاتقى ۝ الذى يؤتى ماله يتزكى ۝ وما
و زود باشد که دور کرده شود از آن پرهیزکارترین آنکه میدهد مالش را پاکیزه میشود و نیست

لاحد عنده من نعمة تجزى ۝ الا ابتغاء وجه ربه
مر هیچ یکی را نزد او هیچ نعمتی که پاداش داده شود مگر جستن وجه پروردگارش

الاعلى ۝ سورة ولسوف ۝ الضحى احدى يرضى
برتر را

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

والضحى ۝ والليل اذا سجى ۝ ما ودعك ربك وما
بچاشتگاه و شب چون آرام گیرد که وانگذاشت ترا پروردگارت و

قلى ۝ وللاخرة خير لك من الاولى ۝ ولسوف
غضب نکرد و هر آینه آخرت بهتر است برای تو از اولی و هر آینه زود

يعطيك ربك فترضى ۝ الم يجدك يتيما فاوى ۝ و
خواهد داد پروردگارت پس خشنود گردی آیا نیافت ترا یتیم جا داد و یافت ترا گمراه

وجدك ضالا فهدى ۝ ووجدك عائلا فاغنى ۝
یافت ترا گم پس هدایت نمود و یافت بی چیز عالم پس

فاما اليتيم فلا تقهر ۝ واما السائل فلا تنهر ۝
توانگر ساخت پس اما یتیم را پس قهر مکن و اما سائل را پس زجر مکن

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ ● سورة الانشراح و هي ثمان فَحَدِّثْ
و اما نعمت پروردگارت پس اخبار کن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ●
بنام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ● وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ
آیا گشاده نکردیم برای تو سینه ترا و برداشتیم از تو بار ترا

الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ ● وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ● فَإِنَّ
که شکسته گردانیده بود پشت ترا و بلند گردانیدیم برای تو ذکر ترا پس بدرستی

مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ● إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ● فَإِذَا فَرَغْتَ
با دشواری آسانیست بدرستی با تنگی آسانیست پس چون فارغ شوی پس رنج کش

فَانصَبْ ● وَإِلَىٰ رَبِّكَ ● سورة التين و هي ثمان فَارْغَبْ ●
بسوی پروردگارت رغبت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ●
بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ● وَطُورِ سِينِينَ وَهَٰذَا الْبَلَدِ
قسم بتین و زیتون و طور سینین و این شهر

الْأَمِينِ ● لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ●
ایمن که بتحقیق آفریدیم انسان را در خوبترین راست کردنش

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ● إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
پس گردانیدیمش فروترین فروتران مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ● فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ● أَلَيْسَ اللَّهُ
پس برای ایشانست مزدی غیر مقطوع پس چه چیز تکذیب میکند ترا بعد از این در دین آیا نیست خدا

بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ● سورة العلق احدى وعشر
باحکم حاکمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ●
بنام خداوند بخشنده مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ
بخوان بنام پروردگارت که آفرید آفرید انسان را از خون بسته

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ● الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ● عَلَّمَ
بخوان و پروردگارت آنکه کریم ترست آنکه تعلیم نمود بقلم و آموزانید

الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ● كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰ ●
انسان را آنچه نمیدانست چنین است بدرستیکه انسان هر آینه عصیان میورزد

أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰ ● إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ● أَرَأَيْتَ الَّذِي
با آنکه دید خود را بدرستیکه بسوی پروردگارت بازگشت آیا دیدی کسی که

يَنْهَىٰ ● عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ● أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ●
منع کند بنده را چون نماز کند آیا دیدی که اگر بود بر هدایت

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ● أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ● أَلَمْ يَعْلَمْ
یا امر کرده پرهیزکاران را آیا دیدی که اگر تکذیب نمودی گردانید آیا ندانست

بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ
با آنکه خدای بیند چنین است هر آینه اگر باز نایستد خواهیم گرفت البته کشان

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ● فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ● سَنَدْعُ
کشان بموی پیشانی دروغگوی خطاکار پس باید که بخواند اهل مجلس خود را بزودی بخوانیم

الزَّبَانِيَةَ ● كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ● سورة القدر
زبانیه را چنین است اطاعت مکن او را و سجده کن و نزدیک شو

سجده
واجب

بسم الله الرحمن الرحيم ●
بنام خداوند بخشنده مهربان
انا انزلناه في ليلة القدر ● وما ادريك ما ليلة
بدرستیکه فرو فرستادیم در شب قدر و چه چیز دانا کرد ترا که چیست شب
القدر ● ليلة القدر خير من الف شهر ● تنزل الملائكة
قدر شب قدر بهترست از هزار ماه نازل میشوند فرشتگان
والروح فيها باذن ربهم من كل امر ● سلام هي حتى
و روح دران بدستوری پروردگارشان از هر امری سلامت است آن تا
مطلع الفجر ●
وقت طلوع صبح

سورة البينة وهي ثماني

بسم الله الرحمن الرحيم ●
بنام خداوند بخشنده مهربان
لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب ● والمشركين
نبودند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان
منفكين حتى تاتيهم البينة ● رسول من الله يتلوا صحفا
جدایان تا وقتیکه آمد ایشانرا بینه فرستاده از خدا که میخواند بر ایشان صحیفها
مطهرة ● فيها كتب قيمة ● وما تفرق الذين اوتوا الكتاب
پاکیزه در انها نوشتهای راست درست و متفرق شدند آنانکه داده شدند کتاب
الا من بعد ما جاءتهم البينة ● وما امروا الا ليعبدوا الله
مگر از بعد آنکه آمد ایشانرا بینه و فرموده نشدند مگر آنکه پرستند خدارا
مخلصين له الدين حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا
خالص دارندگان برای او دین راحق گرایان و برپای دارند نماز را و بدهند

الزكوة

الزكوة وذلك دين القيمة ● ان الذين كفروا من اهل
زکوة را و اینست کیش راست درست بدرستیکه آنانکه کافر شدند از اهل
الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدين فيها اولئك هم
کتاب و مشرکان در آتش دوزخ اند جاویدان دران آنها ایشان
شر البرية ● ان الذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك
بدترین خلق بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته آنها اند
هم خير البرية ● جزاؤهم عند ربهم جنات عدن
ایشان بهترین خلق پاداش ایشان است نزد پروردگارشان بهشتهای جای اقامت ابدی
تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا رضي الله
که میرود از زیر آنها نهرها جاودانیان دران همیشه خوشنود شد خدا
عنهم ورضوا عنه ● ذلك لمن خشي ربه ●
از ایشان و خوشنود شدند از او آن برای کسیست که ترسید پروردگار

سورة الزلزلة

بسم الله الرحمن الرحيم ●
بنام خداوند بخشنده مهربان
اذا زلزلت الارض زلزالها ● واخرجت الارض اثقالها
چون بزلزله در آورده شود زمین زلزله اش و بیرون افکند زمین بارهایش
وقال الانسان ما لها ● يومئذ تحدث اخبارها ●
و گوید انسان چیست مرانرا روز حادثه خبرهایش
بان ربك اوحى لها ● يومئذ يصدر الناس اشتاتا
بانکه پروردگار تو وحی کرده باو روز چنین بازگردانند مردمان پراکنده
ليروا اعمالهم ● فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره ● ومن يعمل
تا نموده شوند کردارهاشان پس هر کسیکه کند مقدار ذره نیکی خواهد دید و هر کسیکه کند مقدار

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ سورة العاديات احدى عشر آية شَرًّا يَرَهُ
مقدار ذره بدی خواهد دید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ۝ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ۝ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا
برونده‌های آواز نفس زدنی پس آتش برازنده بکش زدن آتش زدنی

فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ۝ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ
پس از آنکه غارت شوند در صبح پس برانگیخته بآن غبار را پس درآمدند در آن با جماعتی بدرستیکه آدمی

لَكَنُودٌ ۝ وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ ۝ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ
پروردگارش هر آینه ناسپاس است و بدرستیکه او را اینست شاهد و بدرستیکه او برای دوستی مال

لَشَدِيدٌ ۝ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ۝ وَحُصِّلَ
هر آینه سخت است آیا پس نمیداند آنکه چون برانگیخته شود در گورهاست و حاضر کرده آید

مَا فِي الصُّدُورِ ۝ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ ۝
شود و آنچه در سینه‌هاست بدرستیکه پروردگارشان است روز چنین هر آینه آگاه

سورة القارعة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ عشر آية
بنام خداوند بخشنده مهربان

الْقَارِعَةُ ۝ مَا الْقَارِعَةُ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ
آن درهم کوبنده چیست آن درهم کوبنده و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آن درهم کوبنده

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ۝ وَتَكُونُ الْجِبَالُ
روزیکه باشند مردمان چون پروانه پراکنده و باشد کوهها چون

كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ۝ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۝ فَهُوَ فِي
پشم رنگارنگ وازده پس اما کسی که گران آید سنجیده‌هایش پس او است در

جزء

عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۝ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ
عیشی پسندیده و اما آنکه سبک آمد سنجیده‌هایش پس مادرش

هَاوِيَةٌ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ ۝ نَارٌ حَامِيَةٌ ۝
دوزخ است و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آن آتشی است بغایت سوزنده

سورة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ التكاثر
بنام خداوند بخشنده مهربان

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ ۝ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ
بغفلت انداخت شما را مباهات در بسیاری تا آنکه زیارت نمودید مقبرها را چنین نیست زود باشد که بدانید

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ
پس نه چنین است زود باشد که بدانید نه چنین است اگر بدانید دانستنی یقین

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۝ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۝ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ
البته ببینید دوزخ را پس هر آینه خواهید دید آنرا بمشاهده یقین پس هر آینه پرسیده خواهید

سورة العصر يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۝ ثلث آيات
در روز چنین از نعمت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
بطرف آخر روز بدرستیکه آدمی هر آینه در زیانکاری است مگر آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ۝ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
و کردند کارهای شایسته و وصیت نمودند یکدیگر را بحق و وصیت نمودند یکدیگر را بصبر

سورة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الهمزة
بنام خداوند بخشنده مهربان

وَیْلٌ لِکُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ ۝ الَّذِی جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ
وای بر هر عیب کننده طعن زننده که فراهم اورد مال را و اماده
یَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ کَلَّا لَیُنْبَذَنَّ فِی الْحُطَمَةِ
داشت ان را که می پندارد که مالش جاوید میکرد نه او را انداختنی است در حطمه
وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْحُطَمَةُ ۝ نَارُ اللّٰهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِی تَطَّلِعُ
انداخته خواهد شد در اتش درهم شکننده
و چه چیز دانا گرد ترا که چیست این اتش
عَلَی الْأَفْئِدَةِ ۝ إِنَّهَا عَلَیْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ۝ فِی عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ
درهم شکننده اتش خداست بر افروخته که مستولی میشود بر دلها بدرستیکه ان بر ایشان است بسته شده
در ستونهای کشیده

سورة الفیل
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِیلِ ۝ أَلَمْ یَجْعَلْ
ایا ندیدی که چگونه کرد پروردگار تو با اصحاب فیل ایا نگردانید
کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا أَبَابِیلَ ۝ تَرْمِیهِمْ
بداندیشی ایشان را در تباهی و فرستاد بر ایشان نوعی پرنده فوج فوج که می انداخت
بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّیلٍ ۝ فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُولٍ
ایشان را سنگها از سجیل پس گردانید ایشان را مانند خورده شده

سورة القریش
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

لِإِیلَافِ قُرَیْشٍ ۝ إِیلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّیْفِ
برای الفت عطا کردن قریش الفت عطا کردن ایشان در کوچ زمستان و تابستان
فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هٰذَا الْبَیْتِ الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ
پس باید پرستند پروردگار این خانه را انکه سیر طعام کرد ایشان را از گرسنگی

وامنهم

سورة الماعون
وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ
و ایمن ساخت ایشان را از بیم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

أَرَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ ۝ فَذٰلِکَ الَّذِی یَدُعُّ
ایا دیدی انکسی را که تکذیب نمود دین را پس انست انکه بجفا میراند
الْیَتِیمَ ۝ وَلَا یَحُضُّ عَلَیٰ طَعَامِ الْمِسْکِینِ ۝ فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ
یتیم را و تحریص نمیکند بر طعام درماندگان پس وای بر نماز گذارندگان
الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝ الَّذِینَ هُمْ یُرَاءُونَ ۝ وَ
انانکه ایشان از نمازشان غافلان انانکه ایشان ریا کاری میکنند و

سورة الکوثر ثلث آیات
یَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ
منع میکنند زکوة را

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ ۝ إِنَّ شَانِئَکَ
بدرستیکه عطا کردیم ترا کوثر پس نماز گذار برای پروردگارت و نحر کن بدرستیکه دشمن

سورة الکافرون ست آیات
هُوَ الْأَبْتَرُ
اوست ابتر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ
بگو ای کافران نمی پرستم انچه را می پرستید

ولا انتم عابدون ما اعبد ۝ ولا انا عابد ما عبدتم
ونه شما پرستنده‌اید آنچه را می‌پرستم ونه من پرستنده‌ام آنچه را می‌پرستید

ولا انتم عابدون ما اعبد ۝ لكم دينكم ولي دين ۝
ونه شما پرستنده‌اید آنرا که می‌پرستم مر شمار است دینتان ومر مرست دینم

سورة بسم الله الرحمن الرحيم ۝ النصر
بنام خداوند بخشنده مهربان

اذا جاء نصر الله والفتح ۝ ورايت الناس يدخلون
چون آید نصرت خدا وفتح ببینی مردمان را که داخل میشوند

في دين الله افواجا ۝ فسبح بحمد ربك واستغفره
در دین خدا فوجها پس تسبیح کن بستایش پروردگارت وامرزش خواه ازو

سورة ابی انه كان توابا ۝ لهب خمس
بدرستیکه او باشد توبه پذیرنده

۝ بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

تبت يدا ابي لهب ۝ وتب ما اغنى عنه ماله وما كسب
هلاک باد دو دست ابی لهب وهلاک شد کفایت نکرد ازو مالش وآنچه کسب کرد

۝ سيصلى نارا ذات لهب ۝ وامراته حمالة الحطب
زود باشد که داخل شود در آتش زبانه وزنش بردارنده هیمه

سورة الا في جيدها حبل من مسد ۝ خلاص
در گردنش ریسمانی است از لیف خرما

۝ بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

قل هو الله احد ۝ الله الصمد ۝ لم يلد ولم يولد
بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که قصد کرده شود بسوی او حاجتها نزاد وفرز

سورة ولم يكن له كفوا احد ۝ الفلق
ونزاده شده ونبود مر او را همتا احدی

۝ بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

قل اعوذ برب الفلق ۝ من شر ما خلق ۝ ومن شر
بگو پناه میبرم به پروردگار صبح از شر آنچه آفرید واز شر

غاسق اذا وقب ۝ ومن شر النفاثات في العقد ۝
بازچون درآید وازشر دمندگان در گرهها

سورة ومن شر حاسد اذا حسد ۝ الناس
وازشر حسود چون حسد برد

۝ بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

قل اعوذ برب الناس ۝ ملك الناس ۝ اله الناس
بگو پناه میبرم به پروردگار مردمان پادشاه مردمان اله مردمان

من شر الوسواس ۝ الخناس الذي يوسوس في
از شر شیطان وسوسه کننده بازپس رونده آنکه وسوسه میکند در

۝ صدور الناس ۝ من الجنة والناس
سینهای مردمان ازجن ومردمان

בית הספרים הלאומי והאוניברסיטאי ירושלים

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ تولد [illegible]

[illegible]

ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم

ونه شما پرستنده اید آنچه را می پرستیم ونه من پرستنده ام آنچه را پرستید

ولا انتم عابدون ما اعبد لكم دينكم ولي دين

ونه شما پرستنده اید آنرا که می پرستم مر شمارست دینتان و مرست دینم

سورة بسم الله الرحمن الرحيم النصر

بنام خداوند بخشنده مهربان

اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس يدخلون

چون آمد نصرت خدا وفتح وبینی مردمان راکه داخل میشوند

في دين الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره

در دین خدا فوجها پس تسبیح کن بستایش پروردگارت وامرزش خواه ازو

سورة ابي انه كان توابا لهب خمس

بدرستیکه او باشد توبه پذیرنده

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

تبت يدا ابي لهب وتب ما اغنى عنه ماله وما كسب

ابی لهب وهلاک شد کفایت نکرد ازو مالش وانچه کسب کرد

ذات لهب وامراته حمالة الحطب

درآتش زبانه وزنش بردارنده هیمه

في جيدها حبل من مسد خلاص

در گردنش ریسمانی است از لیف خرما

م الله الرحمن الرحيم

خداوند بخشنده مهربان

قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد

بگو اوست خدای یکتا خدا بزرگی که قصد کرده شود بسوی او حاجتها نزاد و فرزند

سورة ولم يكن له كفوا احد الفلق

ونباشد مر او را همتا احدی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر

بگو پناه میبرم به پروردگار صبح از شر آنچه آفرید واز شر

غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد

بازچون درآید واز شر دمندگان در گرهها

سورة ومن شر حاسد اذا حسد الناس

واز شر حسود چون حسد برد

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس

بگو پناه میبرم به پروردگار مردمان پادشاه مردمان اله مردمان

من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في

از شر شیطان وسوسه کننده بازپس رونده آنکه وسوسه میکند در

صدور الناس من الجنة والناس

سینههای مردمان از جن و مردمان

בית הספרים הלאומי והאוניברסיטאי ירושלים